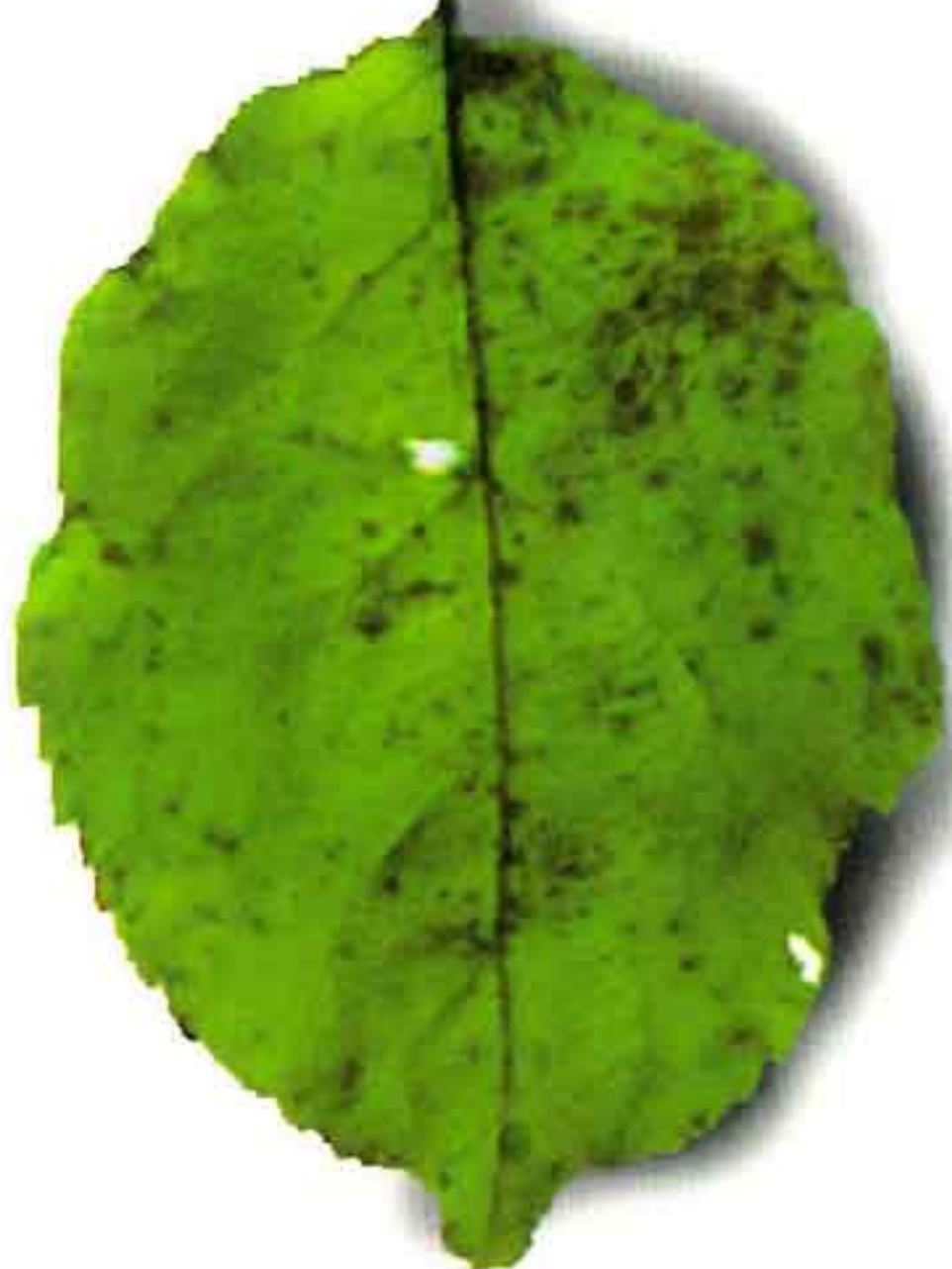


سبک زندگی

مقایسه مؤلفه‌های زندگی بشر
در دوران غیبت و عصر ظهور



محمدعلی رستمی

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

سبک زندگی

مقایسه مؤلفه‌های زندگی بشر در دوران
غیبت و عصر ظهور

محمدعلی رستمی

سرشناسه	: رستمی، محمدعلی، ۱۳۵۵ -
عنوان و نام پدیدآور	: سبک زندگی: مقایسه مولفه‌های زندگی بشر در دوران غیبت و عصر حضور / محمدعلی رستمی.
مشخصات نشر	: قم: بنیاد فرهنگی حضرت مهدی موعود (عج)، ۱۳۹۷.
مشخصات ظاهری	: ۳۸۴ ص.
شابک	: ۹۷۸-۶۲۲-۹۹۷۴۶-۰-۵
وضعیت فهرست نویسی	: فیبا
موضوع	: محمد بن حسن (عج)، امام دوازدهم، ۲۵۵ق. - - غیبت
موضوع	: Muhammad ibn Hasan, Imam XII -- Occultation
موضوع	: مهدویت -- انتظار -- آینده‌نگری
موضوع	: Mahdism -- *Waiting -- Forescating
موضوع	: مهدویت -- انتظار -- جنبه‌های اجتماعی
موضوع	: *Waiting -- Social aspects Mahdism --
موضوع	: شیوه زندگی -- جنبه‌های قرآنی
موضوع	: Lifestyles -- Qur'anic teaching
موضوع	: شیوه زندگی -- جنبه‌های مذهبی -- اسلام
موضوع	: Lifestyles -- *Religious aspects -- Islam
رده بندی کنگره	: BP۲۲۴۲۲۹۷۱۳۹۷ س ۵/ر
رده بندی دیویی	: ۴۶۲/۲۹۷
شماره کتابشناسی ملی	: ۵۳۴۷۴۸۲

سبک زندگی

مقایسه مؤلفه‌های زندگی بشر در دوران غیبت و عصر ظهور



بنیاد فرهنگی حضرت مهدی موعود
انتشارات

- مؤلف: محمدعلی رستمی
- طراح جلد و صفحه‌آرا: مسعود سلیمانی
- ناشر: انتشارات بنیاد فرهنگی حضرت مهدی موعود (عج)
- چاپخانه: مؤسسه بوستان کتاب
- شابک: ۹۷۸-۶۲۲-۹۹۷۴۶-۰-۵
- نوبت چاپ: اول / پاییز ۱۳۹۷
- شمارگان: ۱۰۰۰ نسخه
- قیمت: ۳۰ ۰۰۰ تومان

تمامی حقوق © محفوظ است.

○ قم: خیابان شهدا / کوچه آمار (۲۲) / بن بست شهید علیان / پ: ۲۶ / تلفن: ۰۱-۳۷۸۴۱۱۳۰-۰۲۵ / شماره: ۰۲۵-۳۷۷۴۴۲۷۳
○ تهران: خیابان انقلاب / خیابان قدس / خیابان ایتالیا / پ: ۹۸ / تلفن: ۰۲۱-۸۸۹۹۸۶۰۰ / شماره: ۰۲۱-۸۹۷۷۴۳۸۱

○ www.mahdaviat.ir

○ info@mahdaviat.ir

○ Entesharatbonyad@chmail.ir

فهرست مطالب

پیشگفتار	۱۳
سبک زندگی	۱۴
مؤلفه های سبک زندگی	۱۴
مفهوم ظهور	۱۶
نظریات درباره ظهور، تکامل و آخرالزمان	۱۸
دیدگاه مدرنیته درباره پایان تاریخ	۱۹
پایان تاریخ و استقرار حیات طیبه	۲۱
نتایج تفکر مدرنیته برای زندگی انسان	۲۳
فصل اول: تمدن بشر قبل از ظهور	۲۷
خلاصه فصل	۲۷
بخشی از تمدن کنونی، مصداق کامل اهلاک حرث و نسل	۲۷
مثال هایی از اهلاک حرث و نسل در دوران معاصر	۳۱
نابودی منابع	۳۱
منشاء تخریب منابع توسط بشر	۳۳
مصرف گرایی در ایران	۳۴
مصرف در اسلام	۳۵
مصرف بی رویه انرژی در جهان مصداق دیگری از اهلاک حرث	۳۵
آمار نگران کننده هلاکت انسان	۳۸

۴۱	اثر مواد غذایی و سبک زندگی امروزی بر کانون خانواده
۴۲	مواد غذایی و سبک زندگی امروزی مایه هلاکت نسل
۴۴	آلودگی هوا مایه هلاکت انسان و طبیعت
۴۴	اثر کاربرد پلاستیک ها بر محیط زیست
۴۶	تمدن جاهلی در آئینه روایات
۵۱	فصل دوم: کشاورزی قبل و بعد از ظهور
۵۱	خلاصه فصل
۵۲	وضعیت کشاورزی در عصر حاضر
۵۴	مصرف بی رویه و مضرات کودهای شیمیایی
۵۵	مصرف بی رویه و مضرات آفت کش ها
۵۷	وضع کشاورزی در عصر ظهور
۶۴	صنعت جایگزین رحمت نمی شود
۷۶	تولید برخی محصولات کشاورزی با ابعاد غیرعادی
۷۹	فصل سوم: سلامت، بهداشت و درمان قبل و بعد از ظهور
۷۹	خلاصه فصل
۸۰	جاودانگی انسان از دید اسلام
۸۱	سلامت، بهداشت و درمان در عصر حاضر
۸۷	تقلب و وجود شرایط غیراخلاقی در بخش هایی از تولید دارو
۹۲	بیماری سازی، بیمارفروشی و سلطه دارویی
۹۲	خطر مواد شیمیایی مورد استفاده در بهداشت
۹۴	سلامت، بهداشت و درمان در عصر ظهور
۱۰۳	فصل چهارم: فناوری قبل و بعد از ظهور
۱۰۳	خلاصه فصل

۱۰۳	فناوری در عصر حاضر
۱۰۸	معرفی فناوری به عنوان منجی
۱۱۲	وضعیت وسایل نقلیه و ارتباطات در دنیای امروز
۱۱۲	تصادفات وسایل نقلیه
۱۱۳	آلودگی هوا توسط وسایل نقلیه
۱۱۵	خطر امواج الکترومغناطیسی
۱۱۶	خطر مواد رها شده در طبیعت
۱۱۷	فناوری در عصر ظهور
۱۱۷	تفسیر نادرست از روایات درباره فناوری مورد استفاده امام زمان و یاران ایشان
۱۱۹	فناوری چگونه در عصر ظهور گسترش می یابد
۱۳۱	اعطای توانایی مبتنی بر علم به مومنین در عصر ظهور
۱۳۶	حقیقت پیشرفت علمی در عصر ظهور
۱۳۸	اخلاق در فناوری
۱۴۷	فصل پنجم: طبیعت قبل و بعد از ظهور (ظهور طبیعت)
۱۴۷	خلاصه فصل
۱۴۸	زمین و طبیعت در عصر حاضر
۱۴۹	رابطه انسان با طبیعت از نظر اسلام
۱۵۰	بررسی برخی شرایط اقلیمی حاکم بر زمین و پیش بینی آینده
۱۵۲	خشکی و خشک سالی
۱۵۶	میزان دی اکسید کربن ^۱ هوا
۱۵۷	درجه حرارت زمین
۱۵۸	آینده حرارت زمین
۱۶۰	آتش سوزی جنگل ها

۱۶۰	پدیده گرد و غبار و ریزگرد
۱۶۱	خشک‌سالی و تهدید دریاچه‌ها و تالاب‌ها
۱۶۴	افزایش کل بلایای طبیعی و خسارت وارده
۱۶۵	تفاوت ناهنجاری‌های اقلیمی کنونی با تغییرات اقلیمی طبیعی
۱۶۶	پیش‌بینی‌های اقلیمی ظهور در ادیان ابراهیمی
۱۶۷	شرایط زمین و طبیعت قبل از ظهور در روایات
۱۶۹	ناهنجاری‌های اقلیمی، زلزله و بلایای طبیعی
۱۷۳	مصرف بی‌قاعده ذخایر و منابع طبیعی زمین در عصر حاضر
۱۷۵	زمین و طبیعت در عصر ظهور (ظهور طبیعت)
۱۷۶	دگرگون شدن زمین
۱۷۶	تغییر مختصات فلکی و نجومی کره زمین
۱۷۸	رویای اعمال تغییرات در خصوصیات فلکی و مداری زمین به کمک فناوری کنونی
۱۸۳	زنده شدن زمین با برپایی عدل به دست امام عصر
۱۸۶	خارج شدن برکات و گنج‌های زمین
۱۹۱	سخن گفتن زمین و داشتن شعور و ادراک و شناختن مؤمن و کافر
۲۰۳	فصل ششم: امنیت قبل و بعد از ظهور
۲۰۳	خلاصه فصل
۲۰۴	امنیت در عصر حاضر (قبل از ظهور)
۲۰۵	نمونه‌هایی از تلاش دولت‌ها در عصر حاضر برای برقراری امنیت
۲۰۵	تأمین امنیت با دوربین
۲۰۶	ایجاد امنیت (تصنعی) با قوانین بسیار سخت‌گیرانه
۲۰۸	هزینه‌های نظامی
۲۰۹	تأمین نشدن امنیت علی‌رغم هزینه و تلاش زیاد دولت‌ها

۲۱۲.....	امنیت در عصر ظهور.....
۲۱۷.....	استراتژی امر به معروف و نهی از منکر به جای دوربین و قوانین سختگیرانه
۲۲۱.....	فصل هفتم: عدالت قبل و بعد از ظهور
۲۲۱.....	خلاصه فصل
۲۲۲.....	عدالت و کرامت انسان ها در عصر حاضر (قبل از ظهور)
۲۲۲.....	بی عدالتی اقتصادی
۲۲۴.....	بی عدالتی سیاسی
۲۲۴.....	بی عدالتی در تعریف تروریسم
۲۲۵.....	بی عدالتی فرهنگی (هژمونی فرهنگی)
۲۲۵.....	بی عدالتی در تغذیه
۲۲۶.....	بی عدالتی بهداشتی (زباله هسته ای)
۲۲۹.....	تحقیر انسان ها
۲۳۱.....	عدالت و کرامت انسان ها در عصر ظهور
۲۳۴.....	روش برقراری عدالت توسط امام
۲۳۴.....	الف) عدالت در روابط بین انسان ها
۲۳۹.....	ب) برقراری عدالت در سایر روابط انسان
۲۳۹.....	مردم پایه های اصلی برقرار عدالت در جامعه
۲۴۲.....	مهر و محبت بین امام و امت مایه گسترش عدالت
۲۴۳.....	قضاوت امام بر اساس عدالت و به شیوه داوود و سلیمان نبی
۲۴۵.....	عدالت مهدوی بشارت انبیای ابراهیمی
۲۴۷.....	فصل هشتم: مؤمنین قبل و بعد از ظهور (ظهور مومن)
۲۴۷.....	خلاصه فصل
۲۴۷.....	شرایط مؤمنین در عصر حاضر

۲۴۹	تحقیق مؤمنین در عصر حاضر.....
۲۵۲	کشتار مسلمانان و توهین به مقدسات اسلام.....
۲۵۶	شرایط مؤمنین در عصر ظهور (ظهور مؤمن).....
۲۵۹	جداسازی مؤمن از کافر و منافق در عصر ظهور (تمیز).....
۲۶۲	ارتقای قوای جسمانی مومن در عصر ظهور.....
۲۶۴	در عصر ظهور دوران تحقیق مؤمنین به پایان می‌رسد.....
۲۶۶	در عصر ظهور بیماری و ضعف در مومن وجود ندارد.....
۲۶۷	در عصر ظهور مومن ویژگی‌های انسان مطلوب انبیاء را پیدا می‌کند.....
۲۷۱	فصل نهم: اخلاق و خانواده قبل و بعد از ظهور
۲۷۱	خلاصه فصل.....
۲۷۲	وضعیت اخلاق و خانواده در عصر حاضر.....
۲۷۷	نامنی اخلاقی در آستانه ظهور.....
۲۷۸	پوشش نامناسب.....
۲۸۷	نمونه‌هایی از آمار و اطلاعات تزلزل خانواده در عصر حاضر.....
۲۸۹	تعریف خانواده تقلبی در عصر کنونی.....
۲۹۰	وضعیت اخلاق و خانواده در عصر ظهور.....
۳۰۱	فصل دهم: دسترسی بشر به علم قبل و بعد از ظهور
۳۰۱	خلاصه فصل.....
۳۰۱	دسترسی بشر به علم در عصر حاضر (قبل از ظهور).....
۳۰۴	دوش چرخشی تصفیه آب در حمام.....
۳۰۶	خصوصیت صنایع ساخته دست بشر.....
۳۰۷	تامین انرژی در دنیای کنونی.....
۳۱۱	دسترسی بشر به علم الهی و تسلط بر عالم ماده در عصر ظهور.....

فصل یازدهم: نزول برکات الهی بر بشر قبل و بعد از ظهور	۳۱۵
خلاصه فصل	۳۱۵
کاهش نزول برکات الهی بر بشر در عصر حاضر	۳۱۶
نمونه‌هایی از وضعیت بحرانی جهان در مسائل طبیعی	۳۲۶
کسب روزی در دنیای کنونی	۳۳۰
نزول برکات الهی بر بشر و شکوفایی اقتصادی در عصر ظهور	۳۳۳
رزق و روزی در عصر ظهور	۳۳۶
فصل دوازدهم: دین قبل و بعد از ظهور	۳۴۵
خلاصه فصل	۳۴۵
دین در عصر حاضر	۳۴۶
یهودیت	۳۴۷
مسیحیت	۳۵۰
اسلام	۳۵۱
حقوق بشر غیر دینی	۳۵۲
ایمان و دین‌داری غذای روح	۳۵۳
دین‌سازی	۳۵۴
ظهور دین در عصر ظهور	۳۵۶
چگونه دین ظهور می‌یابد	۳۶۲
دین در عصر ظهور	۳۶۵
مراجع	۳۷۱

پیشگفتار

برای آن‌هایی که نمی‌دانند ریشه مشکلات خود، خانواده و جامعه‌شان در چیست،
برای آن‌هایی که خبری از او ندارند.
برای آن‌هایی که او را نمی‌شناسند.
برای آن‌هایی که نمی‌دانند اگر بیاید چه می‌شود، این کتاب را نگاهشتم.
اگر بدانید مشکلاتتان در چیست.
اگر بدانید او کیست.
اگر بدانید با آمدنش چه می‌شود.
اگر بدانید خلیفه خدا بودن یعنی چه.
هرآینه مشتاق او می‌شوید و روز و شب در فراقش اشک می‌ریزید.
مشتاق جامعه‌ای که در آن:
گناه نمی‌کنید، از سر شوق.
قانون را رعایت می‌کنید، با رضایت طبع.
مالیات، خمس و زکات می‌دهید، با اشتیاق.
وقت خود را صرف بندگی خدا می‌کنید، نه لغو.
فرزندان خود را برای خدا تربیت می‌کنید، نه نان.
از زیر پا و بالای سر می‌خورید، به لطف خدا.
و او را می‌بینید از پشت قطره‌های اشک.

سبک زندگی

در زبان‌های مختلف از ترکیب «سبک زندگی» به شکل‌های گوناگون یاد شده است. امروزه در زبان انگلیسی از واژه (Life Style) به معنای سبک زندگی استفاده می‌شود. در لغت‌نامه وبستر^۱ واژه «سبک زندگی» به معنای تطابق با معیار و شیوه‌ای که براننده و مناسب پنداشته می‌شود توصیف شده و در لغت‌نامه آکسفورد^۲ به معنای روش خاصی از زندگی یک شخص یا گروه تعریف شده است. در زبان عربی واژه «سبک» از مصدر ثلاثی مجرد، به معنی «گداختن و قالب‌گیری کردن زر و نقره» اخذ شده، اما امروزه از معادل «اسلوب» برای معنای سبک بهره می‌برند. در زبان فارسی، این کلمه به معنای مورد نظر تا این اواخر کاربردی نداشته، همچنان که اصل بحث سبک‌شناسی هم مربوط به دوره معاصر است.

سبک زندگی شامل اموری است که به زندگی انسان، اعم از بعد فردی، اجتماعی، مادی و معنوی مربوط است؛ اموری نظیر بینش‌ها و گرایش‌ها که ذهنی و درونی هستند و امور بیرونی اعم از اعمال هوشیارانه و نا هوشیارانه، حالات و وضعیت جسمی، فرهنگ، فعالیت‌های اقتصادی، موقعیت‌های اجتماعی و دارایی‌ها که اموری عینی می‌باشند.

مؤلفه‌های سبک زندگی

یکی از راه‌هایی که می‌توان به درک بهتری از مفهوم «سبک زندگی» از نظر اندیشمندان مختلف دست یافت، بررسی عناصر و مؤلفه‌هایی است که ایشان برای سبک زندگی برشمرده و یا در تحقیقات خود از آن‌ها به عنوان شاخص بهره برده‌اند. در اینجا منظور از مؤلفه اموری است که مصداق عینی سبک زندگی محسوب می‌شوند. برخی از عناصری که اندیشمندان در آثار خود از آن‌ها یاد کرده‌اند، عبارت‌اند از: شیوه و نوع تغذیه، خودآرایی (نوع پوشاک و پیروی از مد)، نوع مسکن (دکوراسیون، معماری و اثاثیه)، نوع وسیله حمل و نقل، شیوه‌های گذران اوقات فراغت و تفریح، الگوی مصرف، نحوه صحبت کردن، نگرش‌ها و الگوهای مربوط به فرهنگ مانند عقلانیت، دین، خانواده، میهن‌پرستی، آموزش، هنر، موسیقی و ورزش، استفاده

1. Webster Dictionary.

2. Oxford Advanced Learner's Dictionary.

از فناوری، سلیقه‌های ورزشی، تفاوت‌های دینی و چشم‌اندازهای اخلاقی، ارزش‌های سیاسی، الگوهای زندگی خانوادگی، روابط زناشویی و تربیت کودک، تحصیلات و سایر مؤلفه‌ها (۱).

امروزه در جوامع مختلف سبک زندگی‌های گوناگونی بر اساس روش زندگی، عادات، رسوم و گرایش مذهبی تعریف شده و هر یک از این سبک‌ها اصول و قواعد ویژه خود را دارا هستند. به نظر می‌رسد دو موضوع مهم در تعریف سبک زندگی در جوامع مختلف تأثیر بسیار ویژه‌ای دارند که عبارت‌اند از روش زندگی در بعد مادی آن و جهان‌بینی و ایدئولوژی یعنی نحوه نگرش انسان به مبدأ و منتهای هستی. بر همین اساس موارد متعددی از انواع سبک زندگی مانند سبک زندگی شرقی، سبک زندگی غربی، سبک زندگی دینی، سبک زندگی مهدوی، سبک زندگی مدرن (مدرنیته، مدرنیسم)، سبک زندگی سنتی، سبک زندگی قرآنی، سبک زندگی اسلامی، سبک زندگی ایرانی - اسلامی و سایر انواع سبک زندگی تعریف شده است.

در این نوشتار سعی شده است که سبک زندگی بشر قبل از ظهور امام عصر عجل الله تعالی فرجه الشریف با سبک زندگی بعد از ظهور مورد مقایسه قرار گیرد. در خصوص دوران قبل از ظهور، بیشتر بر سبک زندگی انسان در چند سده اخیر تأکید شده و در خصوص دوران بعد از ظهور، تلاش شده است تا در چارچوب آیات قرآن، روایات و تحلیل‌های عقلی، نمایی از زندگی بعد از ظهور ارائه شود. در صورتی که عموم انسان‌ها از پیامبران و اولیای الهی فرمان‌برداری می‌کردند، بسیاری از مؤلفه‌های سبک زندگی بعد از ظهور می‌توانست در برهه‌های مختلف تاریخ اتفاق بیافتد، اما برخی ویژگی‌های دوران بعد از ظهور، مختص آن زمان می‌باشد. در مقایسه بین سبک زندگی قبل و بعد از ظهور چند هدف عمده دنبال می‌شود که عبارت‌اند از:

- ۱- بررسی و ارائه گوشه‌ای از آمار و اطلاعات مربوط به ناهنجاری‌ها و نقایص تمدن کنونی حاکم بر جهان در سه بعد معنویت و اخلاق، محیط‌زیست و زندگی شخصی انسان.
- ۲- با آشکار شدن ضربات و شلاق‌هایی که برخی مؤلفه‌های سبک زندگی کنونی بر پیکره معنویت، اخلاق، محیط‌زیست و بدن انسان وارد آورده است؛ انسان بار دیگر در جستجوی یافتن راهکار جدید و ایده مقبول برای ادامه حیات خود خواهد بود.

۳- با توصیف نمایی هرچند محدود از زیبایی‌ها و پیامدهای بهشت گونه زندگی انسان، در پرتو اطاعت از ولی خدا و پذیرش مقررات و آموزه‌های الهی، انسان هر چه بیشتر مشتاق رسیدن به آن مدینه فاضله شده و از تمدن مادی حاکم بر عالم دل بریده و برای رسیدن به واقعه شریف ظهور و حاکمیت ولایت الله بر جهان، تلاش، دعا و زمینه‌سازی خواهد نمود.

به طور خلاصه اهداف این مقایسه اطلاع از برخی ناهنجاری‌ها و نواقص یا گزاره‌هایی از تمدن کنونی است که باعث سقوط انسان شده و یا خواهد شد تا از هیجان ناشی از غرق شدن در تجملات این تمدن در بسیاری از افراد کاسته شود. از این مرحله در علوم دینی به «بیداری» تعبیر می‌شود. بی‌شک بعد از بیداری، ملت‌ها طرحی نورانی برای آینده جُسته و ضمن آشنایی با برخی زوایای حیات طیبه مهدوی، شوق و تلاش برای رسیدن به مقام خلیفه‌اللهی را آغاز خواهند نمود.

تلاش دنیای مدرن این است که به بشر القا کند، فقط یک راه پیش روی اوست و سعادت با همان راه تأمین می‌شود و آن هم راهی است که دنیای مدرن، پیش رو گرفته و مدرنیته تنها راه سعادت است؛ اما (تفکر) انقلاب اسلامی می‌گوید که این، تنها راه نیست؛ بلکه راه دیگری هم وجود دارد و آن راهی است که دین، ما را به آن رهنمون می‌گردد (۲).

انسان می‌توانست و می‌تواند انتخاب دیگری برای سبک زندگی خود در گذشته و آینده داشته باشد که در آن ولی خدا حاکم بر جامعه و تعالیم الهی چهارچوب زندگی بشر را شکل می‌دهند، بی‌شک نتیجه این نوع از سبک زندگی به نوعی از حیات منتهی خواهد شد که از آن به حیات طیبه تعبیر می‌شود.

مفهوم ظهور

اللَّهُمَّ إِنْ حَالَ بَيْنِي وَبَيْنَهُ الْمُؤْتُ الَّذِي جَعَلْتَهُ عَلَى عِبَادِكَ حَتْمًا مَقْضِيًّا فَأَخْرِجْنِي مِنْ قَبْرِي مُؤْتَرًّا كَفَنِي شَاهِرًا سَيْفِي مُجَرِّدًا قَنَاتِي مُلْتَبِيًّا دَعْوَةَ الدَّاعِي فِي الْحَاضِرِ وَ الْبَادِي؛ بارخدا یا! اگر میان من و او، قانون مرگ که آن را بر بندگانت مقرر داشتی حائل شد، مرا از قبرم بیرون آر، درحالی که کفن خویش بر کمر بسته و با شمشیر

کشیده و نیزه‌ی برافراشته و لبیک‌گوی دعوت حق در شهر و بیابان باشم.^۱
با ظهور چه اتفاقی می‌افتد که باید آرزوی بازگشت به دنیا، در صورت مرگ را داشت؟ بعد از ظهور دقیقاً چه اتفاقی می‌افتد؟ سبک زندگی مادی و معنوی، بعد از ظهور چگونه است؟ آیا همین خوراکی‌ها را خواهیم خورد؟ آیا همین‌گونه کشاورزی خواهیم کرد؟ آیا همین‌گونه نماز خواهیم خواند؟ آیا حمل و نقل، وسایل حمل و نقل و ارتباطات همین‌گونه خواهد بود؟ آیا از خدا همین شناخت را خواهیم داشت؟

به‌طور کلی درباره وضعیت بشر و جهان در عصر ظهور دو سؤال مطرح است:

- سبک زندگی مادی در عصر ظهور چگونه است؟

- سبک زندگی معنوی در عصر ظهور چگونه است؟

آنچه از آموزه‌های دین مبین اسلام و سایر ادیان الهی برداشت می‌شود این است که عصر ظهور وجه برتر دنیای کنونی نیست و بعد از ظهور، طرح جدیدی در عالم افکنده می‌شود. ظهور، رجعت و قیامت مراتبی از یک حقیقت واحدند؛ حقیقتی به نام ظهور اراده خدای عالم قرار است نازل شود، مرتبه اول آن ظهور امام عصر، مرتبه بالاتر آن رجعت و مرتبه نهایی آن دوره قیامت است (۳). عصر ظهور عصر ظهور تام و تمام توحید است. آن‌گونه که از آیات قرآن و روایات ائمه معصوم علیهم‌السلام استنباط می‌شود در این دوران اراده خدای متعال ظهور می‌کند، همه‌ی آنچه در قرآن و سایر کتب آسمانی وعده داده شده است ظهور و بروز می‌کند.

پس از ظهور، حضرت ولی عصر؛ حقیقت ولایت را در عالم تجلی می‌دهند و کلمه‌ی غیب الهی که امام زمان است، آشکار می‌شود، عالم در عصر ظهور، به یک مرتبه از حیات می‌رسد، در عصر رجعت به حیات کامل‌تری می‌رسد و در قیامت به حقیقت حیات می‌رسد. وقتی امام تجلی می‌کند، یکی از تجلیات امام «ظهور» است، سپس عالم یک قدم به سمت قیامت جلو می‌رود، یکی دیگر از تجلیات امام «رجعت» و سرانجام «قیامت» است (۴).

از روایات این‌گونه برداشت می‌شود که ظهور دارای چهار جزء است که به تبع ظهور امام

عصر واقع می‌شوند:

- ✓ ظهور امام
- ✓ ظهور امامت
- ✓ ظهور مؤمن
- ✓ ظهور طبیعت

نظریات درباره ظهور، تکامل و آخرالزمان

انتظار منجی آخرالزمان در همه ادیان الهی، شبه ادیان، فرهنگ‌ها و خرده فرهنگ‌های جهان وجود دارد. جامعه شناسان عصر حاضر بر این عقیده‌اند که همه فرهنگ‌ها برخوردار از دو شاخص مشترک‌اند. هر تمدن و فرهنگی، حتی جوامع عقب مانده و ابتدایی، بنا به گفته قصه‌ها و اساطیر خود، در دورترین گذشته خویش دارای «عصر طلایی» بوده‌اند که در آن عصر، عدالت، آرامش، صلح و عشق وجود داشته و سپس از میان رفته و دوره‌ی فساد، تیرگی و ظلم به وجود آمده است. دیگر اینکه معتقد به یک انقلاب بزرگ و نجات بخش در آینده و بازگشت به «عصر طلایی»، عصر پیروزی عدالت، برابری و قسط می‌باشند (۵).

بشر از روزی که روی زمین سکنی گزیده، پیوسته در آرزوی یک زندگی اجتماعی مقرون به سعادت می‌باشد و به امید رسیدن به چنین روزی قدم برمی‌دارد و اگر این خواسته تحقق خارجی نداشت، هرگز چنین آرزو و امیدی در نهاد وی نقش نمی‌بست؛ چنانچه اگر غذایی نبود، گرسنگی نبود، اگر آبی نبود، تشنگی تحقق نمی‌یافت و از این روی، به حکم ضرورت (جبر)، آینده جهان، روزی را در بر خواهد داشت که آن روز جامعه بشری پراز عدل و داد شده و با صلح و صفا زندگی خواهند کرد و افراد انسانی غرق فضیلت و کمال می‌شوند، البته استقرار چنین وضعی به دست خود انسان خواهد بود و رهبر چنین جامعه‌ای، منجی جهان بشری و به لسان روایات «مهدی» خواهد بود (۶).

در عصر حاضر از بین همه‌ی نظریات درباره آخرالزمان و ظهور منجی، دو دیدگاه غالب است که طرفداران آن‌ها برای اشاعه نظر خود در سراسر جهان تلاش می‌کنند.

۱- مدرنیته

۲- حیات طیبه

دیدگاه مدرنیته درباره پایان تاریخ

تا قبل از انقلاب صنعتی در اروپا، در ادیان الهی و شبه ادیان یک نظریه درباره منجی، آخرالزمان و عصر ظهور وجود داشت. طبق این نظریه؛ در آخرالزمان یک منجی الهی از طرف خداوند مأمور به نجات انسان‌ها، برقراری عدل و تأمین سعادت آن‌ها، به کمک مؤمنین می‌شود، اما پس از انقلاب صنعتی، در اروپا نظریه جدیدی ارائه شد.

بر اساس این نظریه، پایان تاریخ؛ دوران خوشبختی و سعادت بشر با پیشرفت در اسباب است. از نظر پیروان مدرنیته، کمال انسان، تکامل در اسباب، ابزار و فناوری است. خوشبختی، با تکامل اسباب، تسلط انسان بر عالم ماده و تسخیر عالم ماده حادث می‌شود. از نظر آن‌ها تنها صورت تمدن بشری که می‌تواند در دنیا وجود داشته باشد و تنها روش پیشرفت در فناوری، کشاورزی، علوم پزشکی، امنیت و کسب علم که می‌تواند در دنیای بشر وجود داشته باشد، همین راهی است که بشر آمده است (۳). آن‌ها عقیده دارند که اگر یک منجی نیز، آنچنان که متدینین می‌گویند ظهور پیدا کند، مجذوب تکنولوژی تمدن کنونی شده و با آن همراه خواهد شد. برخی تئورسین‌های عصر کنونی که معتقد به هیچ نوعی از منبع ماورا الطبیعی و متافیزیکی نیستند در این فکر هستند که یک سیستم اخلاقی صرفاً علمی که قابلیت اشاعه به عنوان دین متحد جهانی یا دین بدون وحی برای نوع بشر باشد، ایجاد کنند (۷).

بی‌شک در این نوشتار منظور از پیروان مدرنیته؛ مهندسین، طراحان، مخترعین، تکنسین‌ها، پزشکان، داروسازان، اندیشمندان و سایر افراد خدوم که بر پایه‌ی علم و دانش در صدد کاهش آلام بشر و خدمت به هموعان خود هستند نیست، بلکه منظور تئورسین‌هایی است که عمدتاً در تلاش هستند مدرنیته را به عنوان یک مکتب سعادت بخش، به عنوان سعادت، کمال و تأمین کننده همه‌ی تیاذهای بشر و جایگزین دین خدا معرفی نموده و دین و عقاید مذهبی را مخالف با پیشرفت، علم و تکامل معرفی کنند.

اما آیا به واقع این تنها صورت تمدنی است که بشر می‌توانست داشته باشد؟ آیا ایمان به خدا، اطاعت از پیامبران و قرار گرفتن زندگی بشر در چارچوب دین خدا نمی‌توانست صورت

دیگری از تمدن را برای او به ارمغان آورد؟ صورتی از تمدن که نقایص، آلودگی‌ها، ضرر و زیان‌های مادی و معنوی، تباهی منابع طبیعی و اخلاق و منش انسانی را در پی نداشته باشد و تمام وقت، انرژی و توانایی گران‌بهای انسان را که باید علاوه بر تلاش برای معاش، در عبادت خدا و رسیدن به سعادت و کمال صرف شود مشغول به ساخت، طراحی و به‌کارگیری فناوری و اسباب و ابزار نکند؟

آیات قرآن نشان می‌دهند که هدف از خلقت انسان، گذراندن زندگی برای غرق شدن در عالم ماده و تلاش شبانه‌روزی برای گسترش فناوری و تسخیر عالم ماده نیست؛ بلکه عالم ماده وسیله‌ای برای تقرب به خداست که در سایه عبادت و اطاعت از خداوند و اولیای خدا، با اندک تلاش، به سهولت به تسخیر انسان در خواهد آمد.

تئوری پردازان مدرنیته، برای جذب ملت‌های جهان به سمت تمدن خود، متناظر با خواسته‌های فطری بشر و وعده‌های الهی به مؤمنین - که در کتب آسمانی مانند قرآن آمده است - تعدادی شاخص و راهکار برای سعادت انسان تعریف کرده‌اند که برخی از آن‌ها عبارتند از:

- ۱- راحتی انسان در زندگی؛
- ۲- ذهنی سازی بخش‌های غیر قابل دستیابی زندگی؛
- ۳- ایجاد قابلیت هوش مصنوعی در اسباب و ابزار؛
- ۴- تسلط بر عالم ماده و اطاعت عالم ماده از انسان؛
- ۵- جاودانگی انسان با آپلود اطلاعات مغز انسان، خصوصیات و شخصیت او روی یک روبات.^۱

پایان تاریخ، نظریه‌ای است که از سوی فرانسیس فوکویاما^۲ مطرح شد. وی نظریه خود را نخست به صورت مقاله و سپس با انتشار کتابی تحت عنوان «پایان تاریخ و واپسین انسان»^۳

1. Robot.

۲. معاون وقت بخش برنامه ریزی سیاسی وزارت خارجه آمریکا، در سال ۱۹۸۹م.

3. The end of history and the last man.

مطرح ساخت. به اعتقاد وی، لیبرال دموکراسی، شکل نهایی حکومت در جوامع بشری است. وی در تشریح نظریات خود، چنین ابراز می‌دارد: «پایان تاریخ، زمانی است که انسان به شکلی از جامعه انسانی دست یابد که در آن، عمیق‌ترین و اساسی‌ترین نیازهای بشری، برآورده شود و چنین اتفاقی در غرب و در نظام لیبرال دموکراسی افتاده است. به بیان دیگر، بشر، امروزه به جایی رسیده که نمی‌تواند دنیایی متفاوت از جهان کنونی را تصور کند؛ زیرا هیچ نشانه‌ای از امکان بهبود بنیادی نظم جاری وجود ندارد» (۸).

فوکویاما و همفکران او لیبرال دموکراسی را شکل نهایی حکومت در جوامع بشری معرفی نموده و ادعا می‌کنند که بشر به عمیق‌ترین و اساسی‌ترین نیازهای خود دست یافته است. انسان به نقطه پایان تکامل ایدئولوژیک خود رسیده و آخرین شکل حکومت بشری با لیبرال دموکراسی تحقق یافته است، به عبارت دیگر آن منجی که بشر منتظرش بوده است، ظهور کرده و به آن سعادت که آرزویش را داشته رسیده است، بنابراین از نظر تئورسین‌های مدرنیته، هزاره خوشبختی انسان آغاز شده است.

برخی برنامه‌ریزان و مدیران تمدن کنونی، افق آینده بشر را در انسان محوری و تسخیر همه‌ی عالم، به نفع راحتی او و خودکار و ذهنی‌سازی زندگی وی می‌بینند و برای آن برنامه‌ریزی می‌کنند، بدون اینکه هیچ قالب معنوی برای انسان قائل باشند یا هدف از خلقت بشر را که همان بندگی و عبودیت خداست در نظر گیرند. اینجا دنیا فقط در قبضه‌ی تولید، مصرف و تسخیر عالم ماده است و بس. اینجا اگر انتظار وجود دارد، انتظار برای تکامل یک فناوری یا کشف یک فناوری جدید است. اگر ظهور وجود دارد، ظهور فناوری یا روشی جدید در تسخیر عالم، برای تسلط بیشتر بر عالم ماده است.

پایان تاریخ و استقرار حیات طیبه

بر اساس وعده‌ی انبیاء و اولیای الهی پایان تاریخ، زمان استقرار حیات طیبه در زمین است. بر این اساس، عصر ظهور، عصر تکامل انسان است؛ ظهور، توسعه در اسباب نیست، تکامل انسان است (۳). ظهور، فصل جدیدی است که در آن ولی خدا، ولایت خدا را بر بشر عرضه کرده و انسان زیر چتر او به آرامش ابدی می‌رسد، عصر ظهور عصر تکامل اخلاق انسان و

رسیدن انسان به مقام خلافت الله است. در این میان به لطف خدا تمام عالم ماده نیز، با کمترین زحمت، بیشترین فایده و کمترین ضرر، شاید هم بدون ضرر، به برکت حضور ولی خدا در رأس جامعه، ایمان و تقوای مؤمنین و تلاش و کوشش بی وقفه آنها، در کنترل انسان به حق پیوسته قرار می گیرد. بدین صورت انسان به آنچه به ذهن تئوریسین های مدرنیته هم نمی رسد دست می یابد، یعنی کنترل عالم ماده به اذن الله و با اندک تلاش انسان در اختیار او قرار می گیرد و بشر عالم ماده را به تسخیر خود درآورده و در راه خیر، بندگی خدا و رسیدن به کمال از آن بهره می جوید. ارتباط انسان با اشیاء که دارای ملکوت، صاحب شعور و ادراک هستند به اذن الله به عالی ترین مرحله خود رسیده و عالم با انسان ارتباط خواهد داشت، ارتباطی همراه با شعور و شناخت، نه ارتباطی بر اساس الگوریتم های ریاضی و نرم افزارهای کامپیوتری، به گونه ای که امام باقر علیه السلام در این باره می فرمایند:

كأني بأصحاب القائم وقد أحاطوا بما بين الخافقين فليس من شيء إلا وهو مطيع لهم حتى سباع الارض وسباع الطير، يطلب رضاهم في كل شيء، حتى تفخر الارض على الارض وتقول: مربي اليوم رجل من أصحاب القائم؛ گویا می بینم اصحاب قائم علیه السلام را که بین آسمان و زمین را پر کرده اند، چیزی نیست مگر مطیع آنها، حتی درندگان زمین و هوا، همه چیز و همه کس در صدد تأمین رضایت آنها هستند. زمینی بر زمین دیگر فخر می کند و می گوید امروز بر من یکی از اصحاب قائم علیه السلام گذشته است.^۱

آری، با قرار گرفتن بشر در زیر چتر ولایت الهی همه چیز و همه کس به فکر تأمین رضایت انسان مؤمن بوده و همچنین انسان علاوه بر برخورداری از عالم ماده، از سعادت ابدی نیز برخوردار می شود. امام صادق علیه السلام در این باره می فرمایند:

الْعِلْمُ سَبْعَةٌ وَعِشْرُونَ حَرْفًا فَجَمِيعُ مَا جَاءَتْ بِهِ الرُّسُلُ حَرْفَانِ فَلَمْ يَعْرِفِ النَّاسُ حَتَّى الْيَوْمِ غَيْرَ الْحَرْفَيْنِ فَإِذَا قَامَ قَائِمُنَا أَخْرَجَ الْخُمْسَةَ وَالْعِشْرِينَ حَرْفًا فَبَثَّهَا فِي النَّاسِ وَضَمَّ إِلَيْهَا الْحَرْفَيْنِ حَتَّى يَبُثَّهَا سَبْعَةٌ وَعِشْرِينَ حَرْفًا؛ علم و دانش ۲۷ حرف است. تمام آنچه پیامبران الهی برای مردم آوردند، دو حرف بیش نبود و مردم تاکنون جز آن دو حرف

۱. کمال الدین، شیخ صدوق، ص ۶۷۳.

را نشناخته‌اند. اما هنگامی که قائم ما قیام کند ۲۵ حرف و شاخه و شعبه دیگر را آشکار و در میان مردم منتشر می‌سازد و دو حرف دیگر را با آن ضمیمه می‌کند تا ۲۷ حرف کامل و منتشر گردد.^۱

امام باقر علیه السلام نیز فرموده است:

إِذَا قَامَ قَائِمُنَا وَضَعَ اللَّهُ يَدَهُ عَلَى رُءُوسِ الْعِبَادِ فَجَمَعَ بِهَا عُقُولَهُمْ وَكَمَلَتْ بِهِ أَخْلَاقَهُمْ؛
هنگامی که قائم ما قیام کند، خداوند دست محبتش را به سر بندگان می‌گذارد و عقول آن‌ها را با آن کامل و افکارشان را پرورش داده، تکمیل می‌کند.^۲

نتایج تفکر مدرنیته برای زندگی انسان

«اگر با چشم واقع‌بین نگاه کنیم، تیره‌روزی‌های امروز بشر، با چند هزار سال پیش تفاوتی نکرده است. این که به جای وسایل ابتدایی، ابزار مدرن و برخوردار از سرعت و سهولت در اختیار بشر قرار بگیرد، به طور مطلق مایه‌ی سعادت نیست. البته ممکن است در شرایطی، مایه‌ی سعادت باشد؛ ولی در شرایطی هم مایه‌ی بدبختی بیشتر است. پیشرفت علم، برطرف‌کننده‌ی نابسامانی‌های زندگی بشر نشد و نمی‌توانست بشود. امروز بشریت از همان چیزهایی رنج می‌برد که پانصد سال پیش، هزار سال پیش، پنج هزار سال پیش و پیش‌تر و پیش‌تر، از آن‌ها رنج می‌برده است. آن روز هم بشر از ظلم و محنت غلبه‌ی انسان‌های بد صفت رنج می‌برد؛ امروز هم انسان‌ها از ظلم و برادرکشی و غلبه‌ی قدرت‌ها و قلدری‌های جهانی رنج می‌برند و اسیر همان دام‌ها و بدبختی‌هایی هستند که آن روز بودند. در گذشته هم عده‌ای به رفاه می‌گذرانند. برای کسانی که برخوردار بودند، برق نبود، اما لذت زندگی بود؛ جت نبود، اما راحتی در سفرها و رفت‌وآمدها بود؛ امروز هم برای برخوردارها هست. چیزی در مجموعه‌ی زندگی انسان عوض نشده و جهالت‌های حقیقی بشر، از بین نرفته است. آن روز هم بسیاری از انسان‌ها، نسبت به سعادت واقعی، در جهل می‌زیستند؛ امروز هم همان طور

۱. بحار الانوار، علامه مجلسی، ج ۵۲، ص ۳۳۶.

۲. اصول کافی، شیخ کلینی، ج ۱، ص ۲۵، ح ۲۱.

است. آن روز هم قرآن فرمود: «و ما قدروا الله حق قدره»^۱ خدا را درست بجا نمی آوردند؛ امروز هم همان گونه است. آن روز هم گروه‌هایی مستکبر و گروه‌هایی مستضعف بودند؛ امروز هم همان طور است. اگر هزار سال دیگر هم دنیا همین طور پیش برود و پیشرفت‌هایی در آن به وجود بیاید، مادامی که دین خدا حاکم نشده باشد، باز عده‌ای مستکبر و عده‌ای مستضعف‌اند» (۹).

به طور خلاصه هم اکنون دو تفکر عمده در عالم برای تصاحب آخرالزمان در حال رقابت هستند:

۱- تفکر مادی محور (مدرنیته) (خوشبختی تکنولوژی مبنا Technology Based Happiness)؛

۲- تفکر خدا محور (حیات طیبه) (خوشبختی ایمان مبنا Faith Based Happiness).

ما شیعیان نظریه دوم را قبول داریم، یعنی می‌گوییم: ای بشر به انحراف رفته! به سوی پروردگارت بازگرد و زیر چتر ولی خدا عقل خود را به کمال برسان و به اذن الله عالم ماده را به تسخیر خود درآور، با کمترین زحمت و بیشترین فایده، در حالی که خداوند به زندگی تو برکت می‌دهد، سعادت دنیوی و اخروی را به دست آور. اکنون به اطراف خود بنگر؛ در بین آهن قراضه‌ها، سروصدا، دود و سوت ناشی از آن‌ها گیر افتاده‌ای. آنچه می‌خوری طیبات (پاک) نیست، مملو از انواع سم، کود شیمیایی و ناپاکی‌هاست، به همین دلیل از انجام عمل صالح بازمانده‌ای،^۲ برکت نیز از آن گرفته شده است. برای غلبه بر آفات درختان، گاهی ده بار باغات را سم‌پاشی می‌کنی، در انتها هم محصول بسیار کم، بی کیفیت و آلوده برداشت می‌کنی. روزی که میکروب را کشف کردی فکر می‌کردی عزرائیل را شکست داده‌ای و جاودان شده‌ای، حالا به اطراف خود بنگر؛ در حصار انواع بیماری‌ها گرفتار شده‌ای. صدها کارخانه داروسازی احداث کرده‌ای و هزاران نوع دارو تولید می‌کنی تا شاید اندکی درد و رنج خود را

۱. اعراف، ۹۱.

۲. اشاره به آیه ۵۱ سوره مبارکه مومنون «یا ایها الرُّسُلُ كُلُوا مِنَ الطَّيِّبَاتِ وَاعْمَلُوا صَالِحًا إِنِّي بِمَا تَعْمَلُونَ عَلِيمٌ؛ ای پیامبران، از غذاهای پاکیزه بخورید، و عمل صالح انجام دهید، که من به آنچه انجام می‌دهید آگاهم».

کاهش دهی، اما دریغ، هر روز درد بی درمان و ناشناخته جدیدی بر دردهای تو افزوده می شود. بیدار شو و به سمت آخرین ولی خدا، حضرت حجت ابن الحسن العسکری حرکت کن؛ تا خداوند از علم خود تورا بهره مند سازد، به زندگی تو برکت دهد، غم و اندوه را از نهاد تو بزداید، آفات و بلاها را از تو دور کند و قلبت را از نور خود آکنده سازد. اکنون دست خود را بالا بیاور و اعتراف کن، بگو که من با تکیه بر عقل خود، بدون استفاده از دستورات هادی الهی نتوانستم به سعادت برسم، بگو که من مشتاق ولی تو هستم، بگو که اکنون به شرایط اضطرار ظهور رسیده ام. از تمدن بدون وحی و بدون ترجمان وحی اعلام براءت کن، برگرد.

فصل اول: تمدن بشر قبل از ظهور

خلاصه فصل

در آیات ۲۰۴ و ۲۰۵ سوره مبارکه بقره به جماعتی اشاره شده است که در راه فساد در زمین کوشش می‌کنند و زراعت‌ها و چهارپایان را نابود می‌سازند؛ (با اینکه می‌دانند) خداوند فساد را دوست نمی‌دارد. آن‌گونه که می‌دانیم شأن نزول آیات قرآن، بهانه نزول است نه تأویل آن، شاید نمونه کامل تأویل آیه در آینده اتفاق بیافتد. در خصوص این آیه می‌توان گفت مصداق کامل یا دست کم براساس آمار و اطلاعات موجود کامل‌ترین مصداقی که تاکنون برای این آیه می‌توان معرفی کرد تمدن کنونی بشری باشد. تخریب صدها میلیون هکتار جنگل، تاراج منابع طبیعی که باید نسل‌ها از آن استفاده کنند، ایجاد آلودگی شدید در منابع آب، خاک و هوا، افزایش سقط جنین، کشتار میلیون‌ها انسان در جنگ‌های قرن اخیر، قطع نسل و ایجاد معلولیت‌های ذهنی و جسمی بی‌شمار، ناشی از به‌کارگیری تسلیحات اتمی، شیمیایی، میکروبی و حملات بیولوژیک، آزمایش داروهای جدید روی انسان‌ها، مصرف سموم نباتی و کودهای شیمیایی و به‌بردگی کشاندن انسان با رسانه‌ها؛ نمونه‌های کوچکی برای اثبات این ادعا هستند.

بخشی از تمدن کنونی، مصداق کامل اهلاک حرث و نسل

در طول تاریخ، آنجا که بشر براساس آموزه‌های علمی، عقلی و الهی دنیای خود را ساخته، به جلوه‌های زیبایی از رفاه، همراه با سعادت و تعالی دست یافته است؛ اما آنجا که آموزه‌های الهی را کنار گذاشته، در جلوه‌های نازیبایی از جهل غرق شده است، هرچند که براساس فرمول‌های ریاضی یا الگوریتم‌ها نام آن جلوه‌ها را علمی یا عقلی بگذارد.

از زمان انقلاب صنعتی در بخش‌هایی از جهان به‌ویژه اروپا و آمریکا یک منجی جدید به بشر معرفی شد. این منجی بعداً به شکل یک تمدن که قادر است سعادت انسان را تأمین کند معرفی گردید. برای ارائه، بسط و گسترش تفکر این تمدن و منجی جدید، ابتدا دین‌زدایی و خدازدایی در جامعه بشری با شدت تمام آغاز شده و همزمان، این تمدن و منجی جدید به بشر معرفی گردید.

ابتدا مقاومت‌هایی تعصب محور در برابر آن به وجود آمد، ولی به زودی این مقاومت‌ها در هم شکسته شد. جاذبه‌های تمدن جدید افراد زیادی را به خود جذب نمود اما به مرور مقاومت‌هایی در برابر این تمدن از طرف دینداران با محور استدلال به وجود آمد. اینک دو جبهه، تمدن مادی و تمدن الهی که می‌توان اولی را طرفداران «تمدن قلبی» و دومی را جویندگان «حیات طیبه» نامید در برابر یکدیگر صف‌آرایی کرده‌اند.

از نظر جویندگان حیات طیبه، تمدن جاری حاکم بر جهان در شأن انسان خلیفه خدا نیست و نمی‌تواند انسانی در تراز خلیفه خدا پرورش دهد. آنچه شایسته‌ی بشر است، نامش حیات طیبه و مدیریتش قرآن در کنار امام معصوم است. وقتی از تمدن کنونی حاکم بر جهان صحبت می‌شود سه جریان در آن وجود دارد:

جریان اول

جریانی از اندیشمندان، دانشمندان، متخصصین و دوست داران انسان، طبیعت و حیوانات که ممکن است دین‌دار (یهود، مسیح، مسلمان و ...) و غیر دین‌دار (بی تفاوت یا مخالف دین) باشند. این جریان در زمینه‌ی بهداشت و درمان، ساخت و ساز، خدمات به انسان، کشاورزی، معدن و غیره در حال خدمت هستند. همه‌ی انسان‌ها علی‌رغم تفاوت‌های عقیدتی که ممکن است با این گروه داشته باشند، قادران زحمات این جریان هستند. حتی رهبران جریان‌ات دینی به صراحت رضایت و تشکر خود را از این جریان اعلام می‌کنند. استاد شهید مرتضی مطهری در کتاب عدل الهی سرنوشت افراد بی‌دین که به بشر خدمت کرده‌اند را واگذار به خداوند می‌داند.

جریان دوم

این جریان شامل افراد و گروه‌هایی است که قصد حاکمیت و استثمار اقتصادی، سیاسی و فکری بشر را دارند و از اهرم‌های علمی هم استفاده می‌کنند. دانشمند و متخصص و متفکر به خدمت می‌گیرند. از هر نوع تولیدات مضر، مفید، دوست دار طبیعت، غیر دوست دار طبیعت استفاده می‌کنند. برای فروش اسلحه، جنگ به راه می‌اندازند، بیماری و ویروس تولید می‌کنند و به طور خلاصه علم و پیشرفت را در خدمت اهداف استعماری خود قرار می‌دهند. اصولاً سرچشمه‌ی بسیاری پیشرفت‌های صنعتی بشر هم در دست همین گروه است. بسیاری از پیشرفت‌ها ابتدا توسط همین جریان به منظور استفاده در جنگ‌افزارها، وسایل جاسوسی و امنیتی به وجود آمده و سپس در عرصه‌های دیگر مورد استفاده قرار گرفته است. برای مثال سامانه تعیین موقعیت (جی پی اس) یا سامانه‌های شبیه به آن ابتدا برای تعیین موقعیت کشتی‌های جنگی مورد استفاده قرار گرفت و پس از ده‌ها سال، در سال ۲۰۰۲، بعد از سرنگونی هواپیمای مسافربری کره جنوبی که به اشتباه، توسط جنگنده‌های آمریکایی صورت گرفت، عمومی‌سازی شد. علم مکانیک خاک^۱ عموماً برای توسعه و پیشرفت تانک‌ها گسترش یافته و سپس به علوم مهندسی عمران، ماشین‌های راه‌سازی و تراکتورها راه یافت. انواع دوربین‌ها، سوئیچ‌ها و دستگاه‌های مدرن ابتدا برای جاسوسی ساخته شد. عموم بشر با این گروه مخالف‌اند، چالش و اصطکاک دارند، چون برای سودجویی و رسیدن به آرزوهای خود موجبات جنگ، ویرانی، آلودگی‌ها و سایر جهالت‌های بشری را به وجود آورده‌اند.

جریان سوم

این جریان با در اختیار گرفتن امکانات دانشگاهی، فرهنگی، هنری و رسانه‌ای قصد دارند تا مدرنیته را به عنوان سعادت، کمال، دین، آفریدگار، مطلوب و معبود و به قول فوکویاما آخر تاریخ معرفی کنند. در واقع مدرنیته همان بتی است که روزگاری در زمان ابراهیم خلیل به عنوان رب به انسان معرفی می‌شد، فقط شکل آن تغییر یافته و مسلح به فرمول‌های ریاضی،

فیزیک و الگوریتم‌های پیچیده و قطعات الکترونیک شده است.

به طور خلاصه جریان دوم و سوم فعال در تمدن کنونی حاکم بر جهان، اکثر خواسته‌های منطبق بر فطرت انسان را به سمت خواسته‌های منطبق بر خواهش‌های نفس انسان سوق داده و مایه‌ی تخریب جسم، روح و اخلاق انسان، تخریب منابع طبیعی و محیط زیست در دریا و خشکی شده‌اند.

خداوند در آیه ۲۰۴ سوره بقره افرادی را معرفی می‌کند که گفتار آنان مایه‌ی اعجاب، اما عمل آن‌ها متفاوت است. آن‌ها در زمین فساد کرده، جان انسان‌ها و سایر موجودات را به خطر انداخته و منابع طبیعی را از بین می‌برند:

﴿وَمِنَ النَّاسِ مَنْ يَعْجِبُكَ قَوْلُهُ فِي الْحَيَاةِ الدُّنْيَا وَيَشْهَدُ اللَّهُ عَلَىٰ مَا فِي قَلْبِهِ وَهُوَ أَلَدُّ الْخِصَامِ وَإِذَا تَوَلَّىٰ سَعَىٰ فِي الْأَرْضِ لِيُفْسِدَ فِيهَا وَيُهْلِكَ الْحَرْثَ وَالنَّسْلَ وَاللَّهُ لَا يَحِبُّ الْفُسَادَ؛ و از مردم، کسانی هستند که گفتار آنان، در زندگی دنیا مایه اعجاب تو می‌شود و خدا را بر آنچه در دل دارند گواه می‌گیرند. (این در حالی است که) آنان، سرسخت‌ترین دشمنان‌اند. (نشانه آن، این است که) هنگامی که روی برمی‌گردانند (و از نزد تو خارج می‌شوند)، در راه فساد در زمین، کوشش می‌کنند و زراعت‌ها و چهار پایان را نابود می‌سازند؛ (با اینکه می‌دانند) خدا فساد را دوست نمی‌دارد﴾.

حَرث؛ به معنی زراعت و نسل؛ به معنی اولاد است و بر اولاد انسان و غیر انسان اطلاق می‌شود، بنابراین هلاک کردن حَرث و نسل به معنی از میان بردن هرگونه موجود زنده است، اعم از موجودات زنده نباتی، حیوانی و انسانی. به هر حال تعبیر به (یهلک الحَرث و النسل)، کلام بسیار مختصر و جامعی است که تولید فساد را در سطح جامعه در زمینه‌ی اموال و انسان‌ها، شامل می‌شود. برای این آیات، دو شأن نزول ذکر شده است:

۱- این آیات درباره اخنس بن شریق نازل شده که مردی زیبا و خوش زبان بود و تظاهر به دوستی با پیامبر ﷺ می‌کرد و خود را مسلمان جلوه می‌داد. او سوگند می‌خورد که آن حضرت را دوست دارد و به خدا ایمان آورده است. پیامبر ﷺ هم که مأمور به ظاهر بود با او گرم می‌گرفت، او را مورد محبت قرار می‌داد، ولی او در باطن مرد منافقی بود. در یک ماجرا زراعت

بعضی مسلمانان را آتش زد و چهارپایان آنان را کشت (و به این ترتیب پرده از روی کار او برداشته شد) در اینجا آیات فوق نازل شد.

۲- بعضی دیگر از ابن عباس، نقل کرده‌اند که آیات مزبور در یکی از جنگ‌های اسلامی (سریه رجیع) نازل شده که طی آن جمعی از مبلغان اسلام که از طرف پیامبر ﷺ برای تبلیغ قبایل اطراف مدینه اعزام شده بودند، طی یک توطئه ناجوانمردانه شهید شدند.

«شأن نزول اول با مضمون آیات، تناسب بیشتری دارد و در هر حال درسی که از این آیات فراگرفته می‌شود، عمومی و همگانی و برای همیشه است». آن‌گونه که از نظر مفسران بزرگ قرآن بر می‌آید، این آیه عمومی و برای همیشه است، یعنی چه بسا مصادیق بارزتری برای آیات در طول تاریخ وجود داشته باشد. حال به تمدن امروزی بشر می‌نگریم و از خود می‌پرسیم که آیا تمدن کنونی بشر مصداق اکمل اهلاک حرث و نسل است یا اخنس بن شریق؟ بی‌شک کاری که او انجام داده است، در برابر ویرانی که جریان دوم و سوم حاکم بر تمدن کنونی در دنیا انجام داده است بسیار ناچیز است، بنابراین مصداق اکمل این آیه بخشی از تمدن ویرانگر کنونی است که آرام‌آرام همه جهان را فرا می‌گیرد.

مثال‌هایی از اهلاک حرث و نسل در دوران معاصر

نابودی منابع

روژه گارودی اندیشمند فرانسوی (۱۷ ژوئیه ۱۹۱۳ - ۱۴ ژوئن ۲۰۱۲) در کتاب خود تحت عنوان «هشدار به زندگان» که چهار دهه پیش نوشته شده است، درباره نابودی منابع می‌نویسد: «ما چگونه در حال مردن و میراندن نوع بشر هستیم و این کار را چگونه با مصرف همه‌گونه منابع انرژی انجام می‌دهیم. انرژی و منابع زمین، در طول میلیون‌ها سال در دل خاک نهفته و ذخیره شده است. ما (غربی‌ها) به غیر حق ادعا کرده‌ایم و مدعی هستیم که حق داریم همه‌ی این انرژی و منابع زیرزمینی را در طی یک نسل به هدر دهیم. همچنین، هشت صد سال است که انسان از ذغال سنگ مستخرج از دل زمین استفاده می‌کند ولی

۱. تفسیر نمونه، آیت‌الله مکارم شیرازی، ذیل آیات ۲۰۴ و ۲۰۵ سوره بقره.

نیمی از آن را در طی سی سال اخیر مصرف کرده است. نیمی از میزان نفتی را که انسان از آغاز کشف و استخراج آن مصرف کرده است تنها در طی ده سال اخیر سوزانیده است.

جنگل‌های جهان نیز در معرض خطر نابودی است. یک سوم درختان موجود در جنگل‌های جهان که در سال ۱۸۸۲ در حدود دو میلیارد هکتار از سطح کره زمین را پوشانیده بود تا سال ۱۹۵۲ بریده و مصرف شد. این جنایت در حق طبیعت و محیط زیست، پیوسته ادامه یافته و افزایش هم پیدا کرده است. بشر امروز، در هر دقیقه، بیست هکتار جنگل را از میان می‌برد.

خمیر لازم برای کاغذ روزنامه‌ی «نیویورک تایمز» در روز یکشنبه که شماره‌ای فوق‌العاده دارد و هشتاد درصد صفحات آن فقط اعلانات است، مستلزم قطع درختان پانزده هکتار از جنگل‌های کانادا است. مقدار کاغذ لازم برای چاپ نسخه‌های عادی این روزنامه در هر روز، از قطع درختان شش هکتار از جنگل‌های کانادا به دست می‌آید.

در مورد اسراف و تبذیر و ریخت و پاش مواد غذایی، تنها ذکر دو نمونه کافی است. در سال ۱۹۷۴ مجتمع اقتصادی اروپا (CEE) فقط دویست و بیست و پنج میلیون فرانک برای از میان بردن میوه‌ها و سبزی‌هایی کرد که بیم آن می‌رفت بهای میوه و سبزی را در بازار پایین بیاورد. در فرانسه، در همان سال و به همین دلیل برای حفظ به اصطلاح بازار، دویست و پنجاه هزار تن سیب‌زمینی را از بین بردند.^۱ در ایالات متحده آمریکا، تهیه کنندگان شیر، ده میلیون تن «لاکتوسروم» یا شیر رقیق را (گویا سالانه) دور می‌ریزند و حال آنکه ماده «پروتئینی» موجود در این شیر، اگر خشک شود، می‌تواند هشت میلیون نفر را تغذیه کند.

در فرانسه، یک کارخانه‌ی پنیرسازی معمولی، هر روز حدود دویست تن از این ماده را دور می‌ریزد، در صورتی که اگر خشکانده شود، دوازده تن ماده‌ی مغذی از آن به دست می‌آید.

این آمارها متعلق به چهار دهه پیش است و با شتاب تندی که مصرف‌گرایی در غرب دارد اکنون می‌بایست اخبار بسیار شگفت‌انگیزتری از مصرف‌گرایی و اسراف در غرب و امتداد این تمدن در شرق در دست باشد» (۱۰).

۱. این موضوع به صورت یک رویه، برای تنظیم بازار در سایر کشورها نیز در حال گسترش است.

منشاء تخریب منابع توسط بشر

مصرف‌گرایی را یک جامعه‌شناس آمریکایی بیش از یک قرن پیش به صورت علمی مطرح کرد و با اجرای طرح‌های او در سال ۱۹۰۷ کلید زده شد. وی، سایمون نلسون پاتن^۱ (۱۹۲۲-۱۸۵۲)، نویسنده آمریکایی است که در کتاب «مبانی جدید تمدن» می‌نویسد: «جامعه، از این پس نباید به مهار آرزوها و خواسته‌های شهروندان بپردازد و آنان را چون گذشته به صرفه‌جویی و قناعت فرا بخواند؛ بلکه برعکس، باید آنان را تشویق و تحریک به مصرف بیشتر کند و از آن‌ها بخواهد که برای مصرف بیشتر خود، کار بیشتری انجام دهند.» مصرف بیشتر با تلاش بیشتر». این امر، جامعه را به سوی وفور و رفاه می‌برد» (۱۱).

با این نظریه کلید مصرف‌گرایی در جوامع زده شد؛ خرید کنید تا در رفاه زندگی کنید. کار کنید و کار کنید و اندوخته خود را خرج کنید تا با وسایل رفاهی خریداری شده از زندگی خود لذت ببرید. همین مصرف‌گرایی به کمک سیاست‌های اقتصادی وحشتناک موجب شد که اقتصاد خانوار جوامع غربی شبه کمونیستی شود.

این رویکرد مصرفی در غرب که در پی تولید انبوه، اجتناب‌ناپذیر می‌نمود بعدها و در سال‌های اخیر به «جنون مصرف» تبدیل شده و منجر به جایگزینی ارزش‌ها، از اخلاقیات و تعالی انسانی، به بازار عرضه و تقاضا گردید. جامعه مصرفی غرب اما اندک‌اندک جای پای خود را در سایر کشورها نیز باز کرد و مظاهر فریبنده آن با استفاده از ابزارهای پیشرفته‌ی رسانه‌ای و تأثیر بر جوامع اطلاعاتی، تبلیغ شده و به نفوذ در فرهنگ‌ها و تمدن‌ها همت گمارد؛ به گونه‌ای که امروزه تقریباً در همه نقاط جهان آثار و رگه‌های مصرف‌گرایی غربی مشاهده می‌شود (۱۲).

اقتصاد آزاد، به شیوه‌ی غربی، برای رفع احتیاج بازار نیست، بلکه برای ایجاد بازار احتیاج است. مصرف بیشتر برای تولید بیشتر، ضرورت حتمی اقتصاد امروز است، چراکه اگر کالاهای تولید شده مصرف نشود امکان توسعه‌ی تولید، یعنی امکان توسعه‌ی اقتصادی، وجود نخواهد داشت. بنابراین، برای تولید بیشتر که ضرورت توسعه‌ی اقتصادی است باید

2. Simon Nelson Patten, 1 May 1852 –24 July 1922

مردم را به مصرف هر چه بیشتر ترغیب کرد و بدین علت است که تبلیغات، یا بهتر بگوییم پروپاگاندا، یکی از ارکان اساسی توسعه به شیوهی غربی هاست. تبلیغات تجاری (به شیوهی غربی) بیش از آنکه مایه‌ی تباهی طبیعت باشد موجب هلاکت انسان است؛ تصور اینکه مردم دنیا حتی برای لحظه‌ای به نیازهای حقیقی خویش و الگویی متناسب با حوائج واقعی انسان بازگردند، برای یک اقتصاددان وحشتناک‌ترین چیزی است که ممکن است اتفاق بیفتد. اگر حتی برای یک لحظه چنین اتفاقی در دنیا بیفتد و مردم فقط برای یک لحظه، درست به اندازه‌ی نیاز واقعی خویش مصرف کنند، ادامه‌ی روند کنونی توسعه‌ی صنعتی دچار مخاطرات و بحران‌هایی خواهد شد که تصور آن بسیار دشوار است. هیچ‌کس کوچک‌ترین تردیدی ندارد که حاکمیت ابرقدرت‌ها و ادامه‌ی سلطه‌ی آن‌ها بر جهان از طریق کارتل‌ها و تراست‌ها و دست‌های پنهان سرمایه‌داران بین‌المللی اعمال می‌شود. آن‌ها سعی می‌کنند با ایجاد حوائج کاذب و غیرحقیقی برای آدم‌ها، موقعیت استکباری خویش را از خطر محفوظ دارند (۱۳). آیا می‌توان این اندیشه را به حکومت مهدوی انتقال داد و با این اندیشه، انسانی در تراز خلیفه خدا پرورش داد؟

مصرف‌گرایی در ایران

در کشور ما نیز سالیان سال است که مصرف‌گرایی رواج پیدا کرده و حتی تبدیل به یک بیماری روانی واگیردار شده است. این بیماری تهوع‌آور می‌تواند اقتصاد را از بین ببرد. نتایج بعضاً عجیب و شاید غیرقابل باور یک مطالعه در فاصله سال‌های ۶۳ تا ۹۰ نشان می‌دهد که مصرف‌گرایی به‌طور جنون‌آمیزی در کشور شیوع پیدا کرده است. نشانه‌های این مصرف‌جنون‌زده را می‌توان در آگهی روزنامه‌ها مشاهده کرد و نیازی به محاسبه شاخص‌های فقر و نابرابری نیست. واقع این است که آمارهای خشک و محاسبات بی‌روح فقر و نابرابری به‌هیچ‌وجه منعکس‌کننده عمق مشقت زندگی جمع‌کثیری از هم‌نوعان ما نیست. هم‌زمان با آگهی فروش پنت‌هاوس ۸۰۰ متری با دستگیره‌های طلا، خودروهای میلیاردی و یا اشکال تهوع‌آور مصرف‌گرایی در اطراف همه ما، گروه زیادی برای یافتن قوت خود و خانواده در سطل‌های زباله جستجو می‌کنند و گروهی به فروش جزئی بدن

مثل کلیه و یا کلی آن در شکل تن فروشی نیازهای روزمره خود را تأمین می‌کنند (۱۴).

مصرف در اسلام

در فرهنگ اسلامی مصرف به طور عام معنای منفی ندارد و به مفهوم استفاده از ابزار، وسایل و مواد مورد نیاز زندگی است (۱۵). آیات بسیاری در قرآن شاهد بر این مدعا است:

﴿وَكُلُوا مِمَّا رَزَقَكُمُ اللَّهُ حَلَالًا طَيِّبًا وَاتَّقُوا اللَّهَ الَّذِي أَنْتُمْ بِهِ مُؤْمِنُونَ﴾ و از نعمت‌های حلال و پاکیزه‌ای که خداوند به شما روزی داده است، بخورید و از (مخالفت) خداوندی که به او ایمان دارید، بپرهیزید.^۱

﴿يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا كُلُوا مِن طَيِّبَاتِ مَا رَزَقْنَاكُمْ وَاشْكُرُوا لِلَّهِ إِنْ كُنْتُمْ إِيَّاهُ تَعْبُدُونَ﴾ ای کسانی که ایمان آورده‌اید از نعمت‌های پاکیزه‌ای که به شما روزی داده‌ایم، بخورید و شکر خدا را بجا آورید؛ اگر او را پرستش می‌کنید.^۲

آنچه در فرهنگ اسلامی به عنوان بعد منفی و چالش بزرگ در نظر گرفته شده است، بعد مصرفی مارگونه است که از آن به اسراف و تبذیر یاد شده است.

﴿يَا بَنِي آدَمَ خُذُوا زِينَتَكُمْ عِنْدَ كُلِّ مَسْجِدٍ وَكُلُوا وَاشْرَبُوا وَلَا تُسْرِفُوا إِنَّهُ لَا يُحِبُّ الْمُسْرِفِينَ﴾ ای فرزندان آدم زینت خود را به هنگام رفتن به مسجد، با خود بردارید و (از نعمت‌های الهی) بخورید و بیاشامید، ولی اسراف نکنید که خداوند مسرفان را دوست نمی‌دارد.^۳

﴿إِنَّ الْمُبَدِّرِينَ كَانُوا إِخْوَانَ الشَّيَاطِينِ وَكَانَ الشَّيْطَانُ لِرَبِّهِ كَفُورًا﴾ چرا که تبذیرکنندگان، برادران شیطان‌اند؛ و شیطان در برابر پروردگارش بسیار ناسپاس بود.^۴

مصرف بی‌رویه انرژی در جهان مصداق دیگری از اهلاک حرث

مصرف روزانه نفت در جهان در سال ۲۰۰۳ روزانه حدود ۸۰ میلیون و در سال ۲۰۱۲ حدود ۹۰

۱. مائده، ۸۸.

۲. بقره، ۱۷۲.

۳. اعراف، ۳۱.

۴. اسراء، ۲۷.

میلیون بشکه (۱۲/۵ درصد افزایش مصرف طی ۱۰ سال) و مصرف گاز طبیعی در سال ۲۰۰۳ حدود ۲۵۹۵ و در سال ۲۰۱۲ حدود ۳۳۱۴ میلیارد مترمکعب (۲۷ درصد افزایش مصرف طی ۱۰ سال) گزارش شده است. مصرف ذغال سنگ در سال ۲۰۱۰ معادل ۲۶۱۰ و در سال ۲۰۱۲ معادل ۳۷۳۰ میلیون تن نفت خام بوده است (۴۲ درصد افزایش مصرف طی ۱۰ سال) (۱۶). پیش بینی می‌گردد نفت جهان طی ۴۰ سال و گاز طی ۱۶۰ سال به اتمام می‌رسد و تمدن کنونی ظرف یک تا دو قرن همه‌ی مایملک بشر را برباد داده است. آیا این ضربه مهلک به کره زمین مصداق اکمل اهلاک حرث و نسل نیست؟ (۱۶).

آمار نگران کننده در این خصوص بسیار است و آنچه نگران کننده تر به نظر می‌رسد این است که این آمار روزبه‌روز در حال افزایش است و چشم‌اندازی نیز وجود ندارد که برنامه ریزان دنیای کنونی بخواهند ساختار جهان را به گونه‌ای طراحی کنند که این نگرانی از بین برود. جدول (۱) برخی از این آمارها را برای سال ۲۰۱۴ میلادی نشان می‌دهد.

جدول ۱- آمار روزانه و سالیانه نگران کننده در سال ۲۰۱۴^۱

موضوع	آمار
کویرزایی سال ۲۰۱۴ (هکتار)	۱۰۹۷۳۲۹۹
جنگل های از دست رفته سال ۲۰۱۴ (هکتار)	۴۸۰۰۰۰۰
زمین های زراعی از بین رفته به دلیل فرسایش سال ۲۰۱۴ (هکتار)	۶۴۴۰۰۰۰
دی اکسید کربن متصاعد شده در هوا سال ۲۰۱۴ (تن)	۳۲۰۰۰۰۰۰۰۰
مواد شیمیایی سمی رها شده در طبیعت در سال ۲۰۱۴ (تن)	۸۹۵۴۵۵۸
افراد دچار سوء تغذیه جهان در حال حاضر	۸۸۸۷۲۳۳۱
افراد دارای اضافه وزن جهان در حال حاضر	۱۶۰۰۵۱۷۶۸۱
افراد دچار چاقی جهان در حال حاضر	۵۳۳۵۰۵۸۹۴
مرگ و میر ناشی از گرسنگی امروز	۲۴۰۹۷
هزینه درمان بیماری های ناشی از چاقی در آمریکا برای امروز (دلار آمریکا)	۳۷۴۹۷۸۴۳۸
هزینه کم کردن وزن در آمریکا برای امروز (دلار آمریکا)	۱۴۸۹۵۸۴۵۲
افراد بدون دسترسی به آب آشامیدنی سالم	۷۱۷۵۳۷۵۳۰۷۱۷۵۳۷۵۳۰
سقط جنین سال ۲۰۱۴	۳۸۴۱۳۷۵۵
افراد مبتلا به ایدز	۳۶۷۶۲۴۰۲
مرگ و میر ناشی از ایدز سال ۲۰۱۴	۱۵۳۷۱۲۷
مرگ و میر ناشی از سرطان امسال	۷۵۰۹۷۱۶
سیگارهای مصرف شده امروز	۱۱۹۲۷۱۴۱۲۷۶
مرگ و میر ناشی از استعمال سیگار سال ۲۰۱۴	۴۵۷۱۰۰۶
مرگ و میر ناشی از مصرف الکل سال ۲۰۱۴	۲۲۸۶۹۴۵
خودکشی های سال ۲۰۱۴	۹۸۰۵۳۱
هزینه صرف شده برای مواد مخدر سال ۲۰۱۴ (دلار آمریکا)	۳۶۵۷۹۵۸۴۸۳۳۷
تلفات ناشی از تصادفات جاده ای سال ۲۰۱۴	۱۲۳۴۳۱۶

یکی دیگر از دلایلی که می توان برای معرفی بخشی از تمدن کنونی به عنوان مصداق کامل مایه ی اهلاک حرث و نسل معرفی کرد، برپا کردن جنگ های جهانی و جنگ های منطقه ای و طراحی جنگ و فساد بین مسلمانان و غیرمسلمانان است. طراحی و پشتیبانی گروه های آدم کش و تروریست در اقصی نقاط جهان برای ایجاد تفرقه، فساد و کشتار مسلمان و غیرمسلمان مصداق اکمل اهلاک حرث و نسل است.

آمار نگران کننده هلاکت انسان

جنگ جهانی اول که در سال های ۱۹۱۴ تا ۱۹۱۸ اتفاق افتاد با ۱۷ میلیون آمار کشته شدگان و ۳۵۷ میلیارد دلار هزینه در مکان دوم بزرگ ترین جنگ های معاصر دنیا است. جنگ جهانی دوم، جنگی فراگیر بین ۱۹۳۹ تا ۱۹۴۵ بود. جنگ جهانی دوم، بزرگ ترین و مرگبارترین جنگ تاریخ بشری است. در طول چهار سال، بین ۵۰ تا ۸۵ میلیون انسان جان خود را از دست دادند و هزینه های جنگ در حدود ۴۱۰۰ میلیارد دلار برآورد می شود.



شکل ۱- افزایش تروریسم در جهان پدیده شوم طراحی شده توسط سرویس های جاسوسی

جنگ ویتنام با هزینه بالغ بر ۷۸۸ میلیارد دلار و بین ۸۰۰۰۰۰ الی ۱۱۴۰۰۰۰ نفر کشته، در مکان بعدی جنگ های با بیشترین آمار تلفات قرار دارد. جنگ دو کره که در سال ۱۹۵۰ آغاز گردید در طول سه سال باعث کشته شدن ۱/۲ میلیون نفر شد و هزینه جنگ بالغ بر ۳۶۴ میلیارد دلار بود.

یکی دیگر از جنگ های مرگبار دوران معاصر جنگ تحمیلی علیه کشورمان بود که در طی سال های ۱۳۵۹ الی ۱۳۶۷ در حدود یک میلیون نفر جان باختند. حمله اتحاد جماهیر

شوروی به خاک افغانستان در بین سال‌های ۱۹۷۹ تا ۱۹۸۹ نیز باعث کشته شدن حدود ۸۵۰۰۰۰ غیر نظامی افغان و ۱۰۸۰۰۰ نیروی نظامی از طرف‌های درگیر شد و هزینه‌های جنگ بالغ بر ۱۰۶ میلیارد دلار برآورد شده است.

یکی از پرهزینه‌ترین جنگ‌های دوران معاصر، حمله آمریکا به دو کشور افغانستان و عراق، به منظور مبارزه با تروریسم است. در طی چندین سال مداخله نظامی آمریکا در خاک این دو کشور در حدود ۳۰۰۰۰۰ الی ۳۵۰۰۰۰ نفر کشته شدند و هزینه‌های جنگ به رقم نجومی ۳۴۰۰ میلیارد دلار رسیده است.

جنگ داخلی سوریه که هم‌اکنون نیز آتش آن گریبان گیر مردم این کشور است نیز یکی دیگر از جنگ‌های بزرگ عصر حاضر است که تاکنون در حدود ۲۰۰۰۰۰ کشته بر جای گذاشته و هزینه‌های جنگ بالغ بر ۲۵ میلیارد دلار بوده است (۱۷).



شکل ۲ - فتنه در سوریه

آمار تلفات جنگ‌های سنتی هرگز به میزان آمار تلفات جنگ‌های مدرن نمی‌رسد. در جنگ‌های مدرن، علاوه بر تلفات انسانی بسیار زیاد، حیوانات، گیاهان، محیط‌زیست و شهرها هم آسیب‌های جدی پیدا می‌کنند. به عنوان مثال، وقتی در سال‌های پایانی جنگ جهانی دوم، بمب اتمی آمریکا در هیروشیما انداخته شد، علاوه بر این که تمامی ساکنین این شهر کشته و مجروح شدند، حیوانات، گیاهان و ساختمان‌ها نیز آسیب دیدند و حتی از این

هم فراتر، تا ۳۰۰ سال پس از این فاجعه، کودکانی که از آسیب دیدگان در این فاجعه متولد می‌شوند نیز دارای نقص عضو و اختلال روانی خواهند بود. این در حالی است که این جنایت بزرگ علیه بشریت، تنها در ظرف زمانی چند دقیقه صورت گرفته است.

اگر پلوتونیوم در هوای یک شهر پراکنده گردد، وسعتی معادل ۶۰ کیلومتر را به مدت ۱۰۰ هزار سال آلوده خواهد ساخت. سلاح‌های کشتار جمعی تا قرن بیستم، بیشتر، دشمنان نظامی را هدف قرار می‌دادند؛ اما در این قرن، به تدریج تکنولوژی تسلیحاتی به سویی رفت که کل جمعیت دشمن، اعم از نظامی و غیرنظامی را هدف قرار داده است. سلاح‌های شیمیایی و بیولوژیکی دقیقاً این هدف را دنبال می‌کنند که یورش نظامی نه صرفاً علیه یک ارتش، بلکه علیه کل یک جامعه باید صورت بگیرد. به عنوان مثال می‌توان به نمونه‌های ذیل اشاره کرد:

در طول جنگ ویتنام از سال ۱۹۶۱ تا ۱۹۷۰، ارتش آمریکا بیش از ۱۹ میلیون گالن از ماده‌ای سمی به نام AGENT ORANGE را بر مزارع ویتنام فروریخت تا مخفیگاه‌های ویت کنگ‌ها را نابود کند. این سم مهلک، نه فقط گیاهان و منابع غذایی روستاییان را از میان می‌برد، بلکه اثر مسموم‌کننده درازمدتی بر آب‌ها و ماهی‌ها باقی گذاشت.

سلاح‌های شیمیایی مانند «گاز خردل» که به محض برخورد با پوست و به ویژه استنشاق، سبب سوختگی‌های عمیق می‌شود در جنگ‌هایی مانند ایتالیا علیه ایتوپی (۱۹۳۵-۱۹۳۶) ژاپن علیه چین (۱۹۳۵-۱۹۴۲) و عراق علیه ایران (۱۹۸۰-۱۹۸۸) برای کشتن غیرنظامیان به کار گرفته شدند. بمب‌های آتش‌زای ناپالم، به صورت گسترده‌ای به وسیله ارتش‌های آمریکا در ویتنام، شوروی در افغانستان و صرب در کرواسی علیه مردم غیرنظامی به کار رفتند.

آخرین نمره تحولات تکنولوژیکی، سلاح بیولوژیکی است. این سلاح‌ها هولناک‌ترین ابزارهای کشتار جمعی هستند که به رغم ممنوعیت‌های متعدد آن‌ها در کنوانسیون‌های جهانی، از سوی قدرت‌های بزرگ به ویژه آمریکا و همچنین دیکتاتورهای کوچک نظامی، در کشورهای در حال توسعه تولید و انبار می‌شوند. در میان این سلاح‌ها می‌توان بمب‌های میکروبی یا ویروسی (سیاه‌زخم، طاعون و...) و همچنین ویروس‌های مصنوعی را یافت که به کمک مهندسی ژنتیک ساخته شده‌اند و مبارزه با آن‌ها جز برای سازندگانشان ممکن نیست.

(۱۸).

جنگ‌های فضایی، رباطی، شیمیایی، هسته‌ای، اطلاعاتی، فرهنگی و بیولوژیک روش‌های جدیدی است که تمدن فعلی برای هلاکت بشر ابداع کرده و در حال گسترش آن است.

اثر مواد غذایی و سبک زندگی امروزی بر کانون خانواده

مواد غذایی و سبک تغذیه امروزی آسیب‌های متعددی به روح و جسم انسان وارد می‌کند. تغذیه علاوه بر اینکه بر جسم انسان اثر دارد بر روح انسان نیز اثرات بی نظیری دارد. یکی از مؤلفه‌های محبت کودک به مادر این است که مادر به او شیر می‌دهد و برایش غذا درست کرده و در زمان گرسنگی در دهان او می‌گذارد. همچنین یکی از مؤلفه‌های عشق مردان به همسرانشان آشپزی بانوان برای اهل خانواده است. مردان به خاطر تهیه غذای لذیذ و سالم در خانه توسط کدبانو بسیار از وی ممنون و وابسته هستند. البته این زاویه از عشق مردان به همسرانشان و کودک به مادر تنها یکی از مؤلفه‌هاست و مؤلفه‌های زیاد دیگری در این رابطه عاشقانه سهم دارند. غذا خوردن و گرسنگی همچنین یکی از موضوعاتی است که اعضای خانواده را دور هم، سر یک سفره گرد کرده و باعث یکپارچگی خانواده، نزدیکی و محبت آن‌ها می‌شود. تغذیه در محیط خانواده شاید ده‌ها اثرناشناخته دیگر بر روان انسان دارد که در این نوشتار نیامده است. تصور کنید که بانوان در منزل آشپزی نکنند و به فرزند خود شیر ندهند، این موضوع باعث از بین رفتن یکی از مؤلفه‌های مهم محبت بین اعضای خانواده می‌شود. چیزی که سبک زندگی و سبک تغذیه تمدن کنونی در حال انهدام آن است.

غذا و آشپزی حتی اکنون به صورت یک دیپلماسی درآمدی است. در برنامه‌های تلویزیونی سعی می‌شود مخاطبان زیادی با برنامه‌های آشپزی جذب شوند. گسترو دیپلماسی (Gastro Diplomacy) یا همان "دیپلماسی غذا" (Food Diplomacy) نوعی از دیپلماسی عمومی (Public Diplomacy) است که در آن، کشوری برای دستیابی به چهره‌ای موجه در بین مردم جهان، غذاهای کشور خود را به رخ آنها می‌کشد و ضمن نفوذ در ذهن و قلب مردم جهان، آنان را به سمت فرهنگ خود جذب می‌کنند. "دیپلماسی غذا" به بیان دیگر، تصرف ذهن و قلب مردم از طریق اشتها و علاقه آن‌ها به غذا است. یک مثل قدیمی در دیپلماسی عمومی آمریکا

می گوید "با شناختن ما، ما را دوست خواهید داشت". اما دیپلماسی غذا شعار دیگری دارد: "با چشیدن ما، ما را دوست خواهید داشت".

استفاده ایرانی ها از دیپلماسی غذا در گستره رضایت الهی بی نظیر است مانند؛ نذری امام حسین، صبحانه زیارت عاشورا، افطاری ماه مبارک رمضان و اطعام در زمان فوت عزیزان که همگی در جهت جلب رضای الهی از طریق جلب رضای انسان ها انجام می شود. تمدن جدید با سبک و نوع تغذیه خود در حال صدمه زدن به ارکان تغذیه و اهداف جسمی و روحی آن می باشد.

از مهم ترین ناهنجاری های خانوادگی در آخرالزمان ایجاد گسست شدید عاطفی بین اعضای خانواده و از هم گسیختگی خانواده هاست.^۱ از منظر احادیث اسلامی، در آخرالزمان بنیاد خانواده ها به شدت سست و آسیب پذیر خواهد شد و فساد، فتنه و آفت های فراگیر این دوران، در متن تمام خانه های شرق و غرب عالم نفوذ خواهد یافت و نه تنها فرزندان که پدران و مادران را نیز فرا خواهد گرفت. اگر درست تحولات زندگی اجتماعی امروزی بررسی شود دلایل آن کاملاً واضح است. همین مؤلفه های به ظاهر ساده هستند که کانون خانواده را گرم نگه می دارند، ولی متأسفانه توسط تمدن مادی نادیده گرفته شده و باعث انهدام خانواده ها می شوند، زیرا این تمدن مادی کنونی است که زندگی بشر را از مؤلفه های مربوط به تسکین درونی بشر تهی می کند، چون به زیرساخت های ایمانی و روحی بشر اعتقاد و اعتنائی ندارد و محور پیشران این تمدن تولید، مصرف و رفاه است.

مواد غذایی و سبک زندگی امروزی مایه هلاکت نسل

ناباروری یکی از مشکلات مهم پزشکی در دنیای امروز است، به طوری که میزان آن در جهان از سال ۱۹۵۵ تاکنون ۵۰ درصد افزایش یافته و هم اکنون ۲۵-۱۰ درصد از زوج ها از این مشکل رنج می برند. با صنعتی شدن جوامع و تغییر سبک زندگی، به مرور بر انواع گوناگون عوامل خطر ساز محیطی افزوده شده و منجر به بروز اختلالاتی در ارگان های مختلف بدن

۱. بحار الانوار، علامه مجلسی، ج ۵۲، ص ۲۶۲، ح ۱۴۸؛ اصول کافی، شیخ کلینی، ج ۸، صص ۳۶، ۳۷ و ۳۸.

انسان شده است. ترکیبات زیان‌بار نظیر سرب، استفاده از آب شرب آلوده به مواد مضر شناخته شده و ناشناخته، حاصل از صنایع گوناگون نظیر ترکیبات آرسنیک، کروم، بنزن و غیره، آب و خاک کشاورزی آلوده به سموم دفع آفات و کودهای شیمیایی و به تبع آن، محصولات زراعی آلوده، استفاده از هورمون‌ها و داروهای گوناگون در صنعت پرورش دام و طیور و وجود بقایای آن‌ها در محصولات لبنی و گوشتی، نظیر هورمون‌های استروئیدی دفع شده در شیر، افزایش استفاده از مواد سنتتیک و نگه‌دارنده‌ها در صنایع غذایی، در کنار عادات تغذیه‌ای و رژیم‌های غذایی نامناسب، کمبود آنتی‌اکسیدان‌ها و عناصری نظیر روی، سلنیم و مس در رژیم غذایی روزانه از جمله این عوامل خطر ساز است. همچنین، آثار جانبی زیان‌بار برخی داروها و مواد شیمیایی، تماس روزانه با انواع پرتوهای مضر در محیط زندگی و کار، نظیر پرتوهای ایکس و فرابنفش، امواج ساطع شده از فرستنده‌های مخابراتی و تلفن همراه، تنش‌های فیزیکی و روانی محیط کار و زندگی، استعمال دخانیات، کاهش تحرک و عوارضی نظیر چاقی و افزایش سن ازدواج نیز، همه و همه عواملی هستند که از ارمغان‌های سبک زندگی و تمدن مدرنیته بوده و ممکن است به طور مستقیم و غیرمستقیم بر کاهش باروری در انسان تأثیرگذار باشند (۱۹).

موارد یاد شده که بخش بسیار ناچیزی از فاجعه‌ای است که انسان و محیط زیست او با آن روبروست؛ همگی نشان‌دهنده این حقیقت است که تمدن کنونی بشر و روش‌های زندگی مبتنی بر تغذیه و سبک زندگی آن مصداق بارز اهلاک حرث و نسل است. خداوند در قرآن کریم خوردن روزی پاک را در کنار انجام اعمال صالح آورده است. به گمان برخی مفسران خوردن غذای پاک پیش شرط توانایی انجام عمل صالح است.

﴿يَا أَيُّهَا الرُّسُلُ كُلُوا مِنَ الطَّيِّبَاتِ وَاعْمَلُوا صَالِحًا إِنِّي بِمَا تَعْمَلُونَ عَلِيمٌ﴾ ای پیامبران از غذاهای پاکیزه بخورید، و عمل صالح انجام دهید، که من به آنچه انجام می‌دهید آگاهم! ﴿۱﴾

آیا آب و مواد غذایی که آلوده به باقیمانده سموم، فلزات سنگین و کودهای شیمیایی است

و امروزه مصرف می شود طبیبات است؟ آیا جامعه‌ای که طبیبات نخورد می تواند عمل صالح انجام دهد؟ آیا این سبک و نوع تغذیه می تواند در جامعه مهدوی ادامه یابد؟ آیا با این نوع مواد غذایی آلوده می توان انسانی در تراز خلیفه خدا تربیت کرد؟

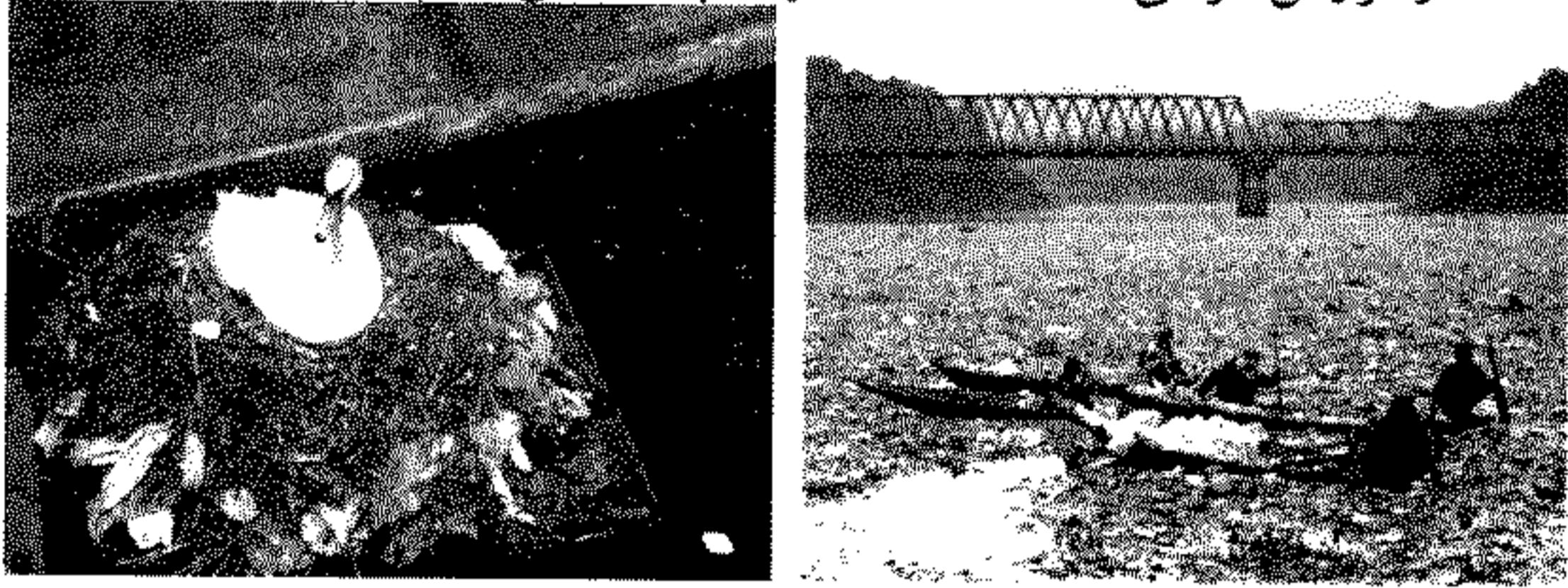
آلودگی هوا مایه هلاکت انسان و طبیعت

در بیست و پنجم ماه مارس ۲۰۱۴، سازمان بهداشت جهانی، نتایج مطالعات خود را در خصوص بیماری‌های مرتبط با آلودگی هوا بر اساس بررسی‌های انجام شده در سال ۲۰۱۲ منتشر نمود. بر اساس نتایج این تحقیق، در حدود ۷ میلیون نفر مرگ و میر در سطح جهان ناشی از آلودگی هوای سال ۲۰۱۲ ثبت شده است. این آمار ۱۲ درصد از کل نرخ مرگ و میر جهانی است. آمار مرگ و میر ارائه شده بیش از دو برابر نتایج ارائه شده گذشته بوده و در حال حاضر آلودگی هوا به عنوان مهم‌ترین خطر زیست محیطی بر سلامت در سطح جهانی مطرح می‌باشد. داده‌های اخیر نشانگر ارتباط بالای قرار گرفتن در معرض آلودگی هوا در محیط‌های داخلی و خارجی، با بیماری‌های قلبی و عروقی و همچنین سرطان می‌باشد. علاوه بر این، مطالعات انجام شده نقش آلودگی هوا را در ابتلا به بیماری‌های تنفسی از جمله عفونت‌های حاد تنفسی و بیماری‌های انسداد مزمن ریوی به خوبی نشان داده است (۲۰).

اثر کاربرد پلاستیک‌ها بر محیط زیست

تحقیقات متعدد علمی نشان می‌دهند که ظروف یک بار مصرف پلاستیکی تا حدود ۳۰۰ سال بدون آن‌که تجزیه شوند در طبیعت باقی می‌مانند و در عین حال استفاده از آن‌ها باعث ایجاد انواع سرطان‌ها و حتی انتقال مواد خطرناک از طریق ژن‌ها از نسلی به نسل دیگر می‌شود. ظروف یک بار مصرف پلاستیکی یا فوم، عوارض کوتاه مدت و بلندمدتی بر سلامت دارند که از عوارض کوتاه مدت آن می‌توان به خستگی، بی‌حالی، عصبانیت و ضعف عضلانی اشاره کرد. این ظروف در واقع از مونومر استایرن که ترکیبی آروماتیک است، تشکیل شده‌اند. استفاده از ظروف پلی استایرن برای مواد غذایی گرم و داغ، از نظر بهداشتی به هیچ عنوان مناسب نیست چون این ظروف همیشه مقداری استایرن آزاد در ترکیبات پلیمری خود دارند که فوق‌العاده سمی و سرطان‌زا هستند. سه نوع سرطان شامل سرطان‌های کبد، ریه و

پروستات از عوارض طولانی مدت استفاده از ظروف پلاستیکی یا فوم محسوب می شود (۲۱).



شکل ۳- آلودگی منابع آب به وسیله مصنوعات غیرقابل تجزیه



شکل ۴- مرگ پرندگان بر اثر خوردن مصنوعات پلاستیکی

با توجه به مختصر آماری که درباره هلاکت انسان و طبیعت توسط تمدن کنونی بشر ارائه شد، پاسخ به این سؤال که آیا بخش مهمی از تمدن کنونی حاکم بر عالم مصداق اکمل اهلاک حرث و نسل که در قرآن به آن اشاره شده نیست، بسیار راحت است. درباره شرایط پریشان انسان و طبیعت در دوره غیبت ولی خدا که به علت جهالت، سودجویی، ظلم و بی عدالتی گروهی از انسان ها به وجود آمده است در کتب سایر ادیان الهی نیز اشاراتی وجود دارد. برای مثال در کتاب مقدس زرتشتیان در این خصوص آمده است:

پیش از ظهور منجی موعود در جهان آکنده از تباهی و پریشانی، دیو آزو حرص بر مردمان

چیره شده و هر کس در پی اندوختن مال و ثروت، روزگار سپری کند. نیاز و تنگدستی گریبان گیر مردم شده و نیک‌روزی و خیراندیشی جای خود را به مکر و حيله و ستم دهد. قساوت و خشونت، قلب‌ها را چون سنگ و آهن سخت کرده و راستی و جوانمردی از میان برخیزد. بنیاد خانواده‌ها فروریخته و فحشاء افزونی گیرد. فساد چنان دامن گسترد که زندگی برآزادمردان سخت و دشوار شود. مرگ نابهنگام افزونی گرفته و پیری زودرس مردم را آزار دهد. گمنامان به ارزش و اعتبار رسند و ارزشمندان و بزرگان گمنام شوند. مردم به وظایف خود آشنا نباشند. آب چشمه‌ها بخشکد و خوراک کم شود. دیگر کسی حق نان و نمک را پاس ندارد. مردم، شب با یکدیگر بر سر یک سفره نان خورند و دوست باشند ولی فردای آن علیه یکدیگر سخن گویند و در خون هم بکوشند. نه زن در اندیشه شوهر است و نه شوهر در اندیشه زن و فرزند. فرزند، پدر و مادر را دشنام دهد و آنان را بزند. زمین لرزه فراوان شود و باران نابهنگام بسیار بارد. آب‌ها طغیان کنند و سرزمین‌ها ویران شوند. روحانیان که نگه‌دارنده دین‌اند، خود گنه‌کارترین مردم‌اند. آنان همواره در حق هم بدگویی کنند و چون آنچه گویند عمل نکنند مردم از آنان بیزار شوند. بی‌دینان توانمند شوند و دین‌داران ناتوان. بی‌رونتی دین‌بدان جای رسد که از هزار تن بیش از یک‌تن به کارهای دینی گرایش نکند. در چنین زمانه‌ای از دختری «گواگ پد» نام، «منجی موعود» به نام «سوشیانت» متولد شود. او خورشید پیکری است با شش چشم که هر سوی را می‌پاید و چاره درد ناشی از تباهی اهریمن را می‌یابد.^۱

با توجه به نتایج این بخش، تمدن کنونی بشر مصداق اکمل اهلاک حرث و نسل است که تا کنون تاریخ به خود دیده است و انشاء الله آخرین تمدن قبل از ظهور باشد و امام عصر بشر سرگشته را نجات دهد.

تمدن جاهلی در آئینه روایات

در روایات به یک تمدن جاهلی قبل از ظهور امام عصر عجل الله تعالی فرجه الشریف اشاره شده است که سه

۱. اوستا، زند بهمن یسن، فصل ۹، بند ۹-۱۲ و فصل ۴، بند ۳۷-۳۸ به نقل از: علیپور، فاطمه، منجی در دین زرتشت، ندای صادق، شماره ۱۶ و توسلیان، مهدی، ۱۳۹۱، قیام امام مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف از زبان موسی، زرتشت، عیسی و محمد (صلوات الله علیهم اجمعین)، جامعه خبری، تحلیلی الف، کد ۱۶۲۰۹۶.

مشخصه مهم دارد، این سه مشخصه عبارتند از:

- ۱- ظاهراً مبتنی بر علم است (مدرن).
- ۲- سعی می کند تمام عالم را به تسخیر خود در آورد.
- ۳- بسیار پیچیده است.

از احادیث استفاده می شود که حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف مثل پیامبر بزرگوار اسلام صلى الله عليه وآله در برابر جاهلیت قرار می گیرد که «جاهلیت مدرن» است. این تمدن که ظاهراً مبتنی بر علم است، سعادت بخش نیست، زیرا جهل؛ تنها با علم برطرف نمی شود، بلکه ایمان، تقوا و پذیرش ولایت الهی جهل را از بین می برد. امام صادق عجل الله تعالی فرجه الشریف ضمن تشبیه دقیق عصر قبل از ظهور امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف که «جاهلیت نو» بر آن حاکم است، با عصر پیامبر اکرم صلى الله عليه وآله که جامعه، گرفتار جاهلیت بود، پیرامون عملکرد امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف می فرماید:

يصنع كما صنع رسول الله يهدم ما كان قبله كما هدم رسول الله امر الجاهلية ويستأنف الاسلام جديداً بعد ان يهدم ما كان قبله؛ او همان کاری را می کند که پیامبر خدا کرد. تمام فرهنگ و مناسبات جاهلی را برهم می ریزد و اسلام ناب را دوباره به مردم عرضه می کند.^۱

همچنین می فرماید:

ابطل رسول الله ما كان في الجاهلية واستقبل الناس بالعدل و كذلك القائم؛ پیامبر اکرم نشانه های جاهلیت را از بین برد و با عدالت میان مردم رفتار نمود. قائم نیز چنین خواهد کرد.^۲

همچنین فضیل بن یسار می گوید شنیدم امام صادق عجل الله تعالی فرجه الشریف درباره اخلاق مردم در عصر ظهور

می فرمایند:

إن قائمنا إذا قام استقبل من جهلة الناس أشد مما استقبله رسول الله من جهال الجاهلية فقلت: وكيف ذلك؟ قال: إن رسول الله أتى الناس وهم يعبدون الحجارة والصخور والعيدان والخشب المنحوتة، وإن قائمنا إذا قام أتى الناس وكلهم يتأول عليه كتاب الله،

۱. الغيبة، نعمانی، ص ۲۳۱.

۲. التهذيب، شیخ طوسی، ج ۶، ص ۱۵۴.

و یحتج علیه به، ثم قال: أما والله لیدخلن علیهم عدله جوف بیوتهم کما یدخل الحر والقر؛ قائم ما چون قیام کند با جهل مردم، شدیدتر از آنچه رسول خدا ﷺ با آن از سوی نادانان جاهلیت روبرو شد برخورد می کند، عرض کردم، این چگونه ممکن است؟ فرمود، همانا رسول خدا در حالی به سوی مردم آمد که آنان سنگ و کلوخ و چوب های تراشیده و مجسمه های چوبین را می پرستیدند و قائم ما چون قیام کند در حالی به سوی مردم می آید که جملگی کتاب خدا را علیه او تأویل می کنند و بر او بدان احتجاج می نمایند، سپس فرمود، بدانید به خدا سوگند که موج دادگستری او بدان گونه که گرما و سرما نفوذ می کند، تا درون خانه های آنان راه خواهد یافت.^۱

پیامبر گرامی اسلام ﷺ به امام علی علیه السلام درباره شرایط مسلمانان فرمود:

یا علی، انَّ القومَ سیفتنون باموالهم، ویئثون بدینهم علی ربهم، ویتمنون رحمته و یأمنون سظوته و یستحلون حرامه بالشبهات الکاذبة و الاهواء الساهیه، فیستحلون الخمر بالنیذ و السخت بالهدیه و الربا بالبیع؛ ای علی، دیری نباید که امت اسلامی با اموالشان دچار فتنه می شوند. آنان با دین داری خود برخدا منت می گذارند و رحمتش را آرزو می کنند و خود را از قهر الهی مصون می پندارند و با شبهات دروغین و هوس های غافلانه حرام او را حلال می سازند. شراب را به نام آب انگور و رشوه را به اسم هدیه و ربا را به عنوان معامله مباح می شمارند.^۲

این روایات به وضوح از رواج یک تمدن جاهلی که با دلایل به اصطلاح علمی آموزه های الهی را تغییر می دهند، اشاره دارند که البته هم اکنون در بخشی از تمدن کنونی با شدت در حال وقوع است. امام علی علیه السلام در خطبه طالوتیه به وضوح ریشه به وجود آمدن چنین تمدن هایی را گوشزد نموده اند:

سوگند به خدایی که دانه را (در دل خاک) بشکافت و آدمیان را آفرید، اگر علم را از معدن آن اقتباس کرده بودید و خیر را از جایگاه آن خواستار شده بودید و از میان راه به رفتن پرداخته بودید و راه حق را از طریق روشن آن پیموده بودید، راه های شما

۱. العیبه، نعمانی، ص ۲۹۷، باب ۱۷، ح ۱؛ بحار الانوار، علامه مجلسی، ج ۵۲، ص ۳۶۲.

۲. نهج البلاغه، خطبه ۱۵۶.

هموار می‌گشت و نشانه‌های هدایتگر پدید می‌آمد و فروغ اسلام شما را فرامی‌گرفت و به فراوانی غذا می‌خوردید، و دیگر هیچ عائله‌مندی بی‌هزینه نمی‌ماند، و بر هیچ مسلمان و غیرمسلمانی ستم نمی‌رفت. ولیکن شما در راه جهالت و گمراهی به راه افتادید؛ و بدین جهت این دنیای گسترده با این پهنا و وسعتش برای شما تاریک شد؛ و درهای علم و دانش به روی شما بسته شد؛ و با آراء و اهواء خودتان گفتید و شنیدید و رفتار کردید؛ و در همان دین و روشی که برای خود اتخاذ کردید، نیز اختلاف نمودید؛ و در دین خدا بدون داشتن علم و بصیرت فتوا دادید؛ و اظهار نظر کردید؛ و از گمراهان و گمراه‌کنندگان پیروی نمودید؛ و ایشان شما را اغوا کردند. و شما امامان و پیشوایان خود را از اهل بیت ترک کردید؛ و ایشان نیز شما را به واسطه‌ی شقاوت نفوستان و قساوت قلوبتان و بطلان استعدادتان از قبول هدایت و کمال، ترک کردند و بنابراین روزگار خود را در حال عدم انقیاد و پیروی از حق گذرانیده؛ و به آراء خود عمل کردید؛ و با حکومت افکار خود زیست نمودید....

قدری آهسته حرکت کنید؛ که در زمان نزدیک نتیجه‌ی آنچه را که کاشته‌اید، درو خواهید نمود؛ و وخامت اعمال و سنگینی آنچه بجای آورده‌اید، از ترک امامت و ولایت را در خواهید یافت؛ و عاقبت ولایت حکام و ولات جور به شما خواهد رسید.

زمان کنونی همان زمانی است که امام علی علیه السلام به آن اشاره نموده است و شلاق‌هایی که بر پیکره اخلاق انسان، سلامتی جسم او و محیط زیستش وارد شده است همان محصولی است که امام علی علیه السلام وعده درو کردن آن را داده‌اند.

بسیاری از مؤلفه‌های کنونی حاکم بر جهان مایه اهلاك حرث و نسل بوده و نمی‌توانند در حیات طیبه مهدوی ادامه یابند. این تمدن نمی‌تواند زیرساخت‌های لازم برای تربیت انسان در تراز خلیفه خدا را تأمین کند و اندک افرادی که در تراز انسان مهدوی تکامل می‌یابند با زحمات و مشقات بسیار فراوانی روبرو هستند. در حیات طیبه مهدوی زیرساخت‌ها به گونه‌ای فراهم می‌شود که قاطبه بشر به سعادت و تکاملی که ظرفیت آن را دارند می‌رسند.

فصل دوم: کشاورزی قبل و بعد از ظهور

خلاصه فصل

تولید محصولات کشاورزی در عصر حاضر، برکت خود را از دست داده و کاهش تولید به دلیل کاهش بارندگی و پراکنش نامناسب آن، تنش حرارتی شدید، آلودگی منابع آب و هوا، افزایش میزان و تنوع آفات و بیماری‌ها که همگی مصادیقی از کاهش برکت در تولیدات کشاورزی می‌باشند آشکار است. دست‌کاری ژنتیکی، تولید محصولات تراریخته و استفاده از انواع روش‌های آبیاری، برای کاهش اثرات خشک‌سالی، تولید انواع سموم دفع آفات نباتی و استفاده از ماشین‌های مدرن برای پاشش سموم بر روی درختان و مزارع، به منظور جلوگیری از شیوع آفات و بیماری‌ها و استفاده از انواع کودهای شیمیایی برای افزایش عملکرد نیز نتوانسته است باعث تولید پایدار و باکیفیت محصولات کشاورزی شود. برعکس محصولات تولیدی با انواع سموم و کودهای شیمیایی آلوده شده، تعادل عناصر در محصول تولیدی به هم خورده و کیفیت مواد غذایی کاهش یافته است. این وضعیت نمی‌تواند در عصر ظهور ادامه یابد، زیرا پرورش انسان‌های باایمان در تراز انسان‌های مهدوی با خوردن برخی غذاهای ناپاک، شبیه آنچه اکنون تولید می‌شود، ممکن نیست. هیچ‌کس مخالف به کار بردن علم در کشاورزی نیست، اما ورود علم به عرصه زندگی بشر وقتی قابل قبول است که از منبعی پاک سرچشمه گرفته و در پرتوایمان به خدا و تقوای الهی برکت یافته است. روایات ائمه اطهار نشان می‌دهند که در عصر ظهور مرتبه بالاتری از آفرینش درزمینه‌ی کشاورزی و رشد محصولات زراعی و باغی اتفاق می‌افتد. بدین ترتیب به برکت وجود امام، باران فراوان نازل شده، گسترش علوم و رعایت آموزه‌های علمی عقلی الهی موجب اصلاح چرخه‌ها و زنجیره‌های طبیعی در بخش کشاورزی، منابع طبیعی و پرورش دام و طیور شده و با حذف

تیمارهای شیمیایی مضر و ناپاک و فناوری‌های ساختار شکن، مواد غذایی پاک و ارگانیک تولید خواهد شد. چشمه‌ها پر آب و تولید محصول قابل مقایسه با شرایط فعلی نخواهد بود. مواهب طبیعی مانند جنگل‌ها، سبزه‌زارها، دام‌ها و تولیدات دامی برکت خواهند یافت. بدین صورت همه‌ی مردم بی‌نیاز شده و فقر و گرسنگی از بین خواهد رفت.

وضعیت کشاورزی در عصر حاضر

خداوند در قرآن کریم خود را زارع معرفی کرده و می‌فرماید:

أَفَرَأَيْتُمْ مَا تَحْرُثُونَ * أَأَنْتُمْ تَزْرَعُونَهُ أَمْ نَحْنُ الزَّارِعُونَ * لَوْ نَشَاءُ لَجَعَلْنَاهُ حُطَامًا فَظَلْتُمْ تَفَكُهُونَ، آیا هیچ درباره آنچه کشت می‌کنید اندیشیده‌اید؟ آیا شما آن را می‌رویانید یا ما می‌رویانیم؟ هرگاه بخواهیم آن را مبدل به گاه در هم کوبیده می‌کنیم که تعجب کنید!

کشاورزی و تولید محصول مانند هر پدیده دیگری دارای دو جنبه‌ی مادی و معنوی است. در بعد مادی زمین شخم شده و دانه در آن کشت می‌شود. اگر عامل دوم یعنی عامل معنوی خوب عمل کند و برکت از ناحیه پروردگار شامل شود، باران در طول فصل رشد، به اندازه کافی می‌بارد و نیاز به سد، پمپ، چاه، برق، سوخت فسیلی و متخصص آبیاری را مرتفع می‌سازد و هزینه‌ی تمام این عوامل حذف می‌شود. محصول دچار آفت و بیماری نشده، به کمال رشد رسیده و متناسب با فرمول‌های طبیعی رشد کرده و تولید بالایی خواهد داشت. در این صورت ماشین‌های سم‌پاشی، سم، کارخانه‌های تولید سم و بسیاری ماشین‌ها و صنایع دیگر، مورد نیاز نخواهد بود و آلودگی محیط زیست وجود نخواهد داشت. محصول، بدون نیاز به کودهای شیمیایی، در نهایت کیفیت تولید شده و مواد تشکیل دهنده‌ی آن دارای یک تناسب طبیعی خواهد بود. بنابراین با مصرف این محصول طیب (پاک) توسط انسان، سلامت جسم و روح وی تأمین شده و انسان با روحیه‌ای شاد و جسمی سالم، بندگی خدا را خواهد کرد. هم اکنون محصول ارگانیک، یعنی محصولی که در تولید آن از سموم کشاورزی، کودهای شیمیایی و

دستکاری ژنتیکی استفاده نشده باشد از آمال و آرزوهای بشر است و برخی دولت‌ها با نظارت دقیق، در سطح محدود، اقدام به تولید چنین محصولاتی می‌نمایند. اینگونه محصولات به چند برابر قیمت به فروش می‌رسند که این خود نشان دهنده‌ی ناسالم و مضر بودن بسیاری از محصولات کشاورزی در دنیای امروز است. برخی از دلایل این موضوع عبارتند از:

۱- استفاده‌ی نامناسب غیر علمی، غیر عقلی و ناعادلانه‌ی گروهی از بشر از منابع طبیعی مانند آب، خاک، جنگل‌ها و مراتع که باعث از بین رفتن یا آلودگی منابع شده و تغییرات اقلیمی نظیر خشکسالی، سیلاب، ریزگرد و گرم شدن کره زمین را نیز به دنبال داشته است.

۲- آلودگی منابع آب، خاک و محصولات کشاورزی تولید شده به خاطر استفاده از کودها، سموم، گوگرد و انواع مواد شیمیایی نگهدارنده، طعم دهنده و رنگ که باعث بروز انواع بیماری‌ها، تغییر اخلاق انسان و برهم خوردن چرخه‌ی طبیعی اقلیم (عدالت در طبیعت) می‌شود.

۳- آلودگی محصولات دامی تولید شده به علت استفاده از تیمارهای شیمیایی و داروها در تغذیه دام، طیور و ماکیان و استفاده از روش‌های غیر علمی و غیر اخلاقی در تولید برخی محصولات، نظیر ایجاد فریب در چرخه طبیعی زندگی حیوانات و برخی دستکاری‌های ژنتیکی.

۴- تولید محصولات کشاورزی دستکاری شده (تغییرات ژنتیکی، تراریخته، محصولات غیر طبیعی و تقلبی) باعث برهم خوردن نظام طبیعی تغذیه انسان شده است.

۵- افزایش آفات و بیماری‌های گیاهی به علت تغییرات اقلیمی ناشی از عملکرد بشر.

۶- کاهش برکت در نزول رحمت الهی و تولید محصولات کشاورزی و افزایش آفات و بیماری‌های گیاهی و جانوری به علت ظهور و بروز انواع فساد، ظلم و بی‌عدالتی در جوامع انسانی که بروز یکی از آن‌ها در امت‌های پیشین موجبات غضب الهی را فراهم نموده است و به نمونه‌های متعددی از آن در قرآن اشاره شده است. -

همه‌ی موارد بالا باعث بروز برخی از انواع بیماری‌ها در انسان و تغییرات در اخلاق او شده و چرخه‌ی طبیعی حیات (عدالت در طبیعت) را نیز دچار نقص می‌کند. اثر تغذیه نامناسب بر

اخلاق انسان که از برخی مؤلفه‌های آن در علوم پزشکی تحت عناوینی مانند تغییرات هورمونی، بروز بیماری‌های عصبی، اختلالات رفتاری و... یاد می‌شود، موضوعی فراموش شده است که کمتر از آن یاد می‌شود. کمتر در بررسی‌های علمی دیده می‌شود که جوامع علمی امروزی اثر مواد غذایی آلوده و ناپاک را بر ادب، متانت، دیانت، اخلاق فردی و اجتماعی، روابط زناشویی، انجام عمل صالح و رعایت آموزه‌های دینی و الهی بررسی کرده یا مهم بدانند. برای بررسی موضوع کشاورزی در عصر حاضر و مقایسه آن با عصر ظهور برخی مؤلفه‌های کشاورزی در عصر حاضر معرفی می‌شود:

مصرف بی‌رویه و مضرات کودهای شیمیایی

بنا به گزارش سازمان خواروبار و کشاورزی جهانی، بین ۳۳ تا ۶۰ درصد افزایش تولیدات کشاورزی در جهان در چند دهه گذشته مرهون مصرف کودهای شیمیایی بوده و در کشورهای با مصرف بهینه کود، این افزایش حداکثر بوده است (۲۲).

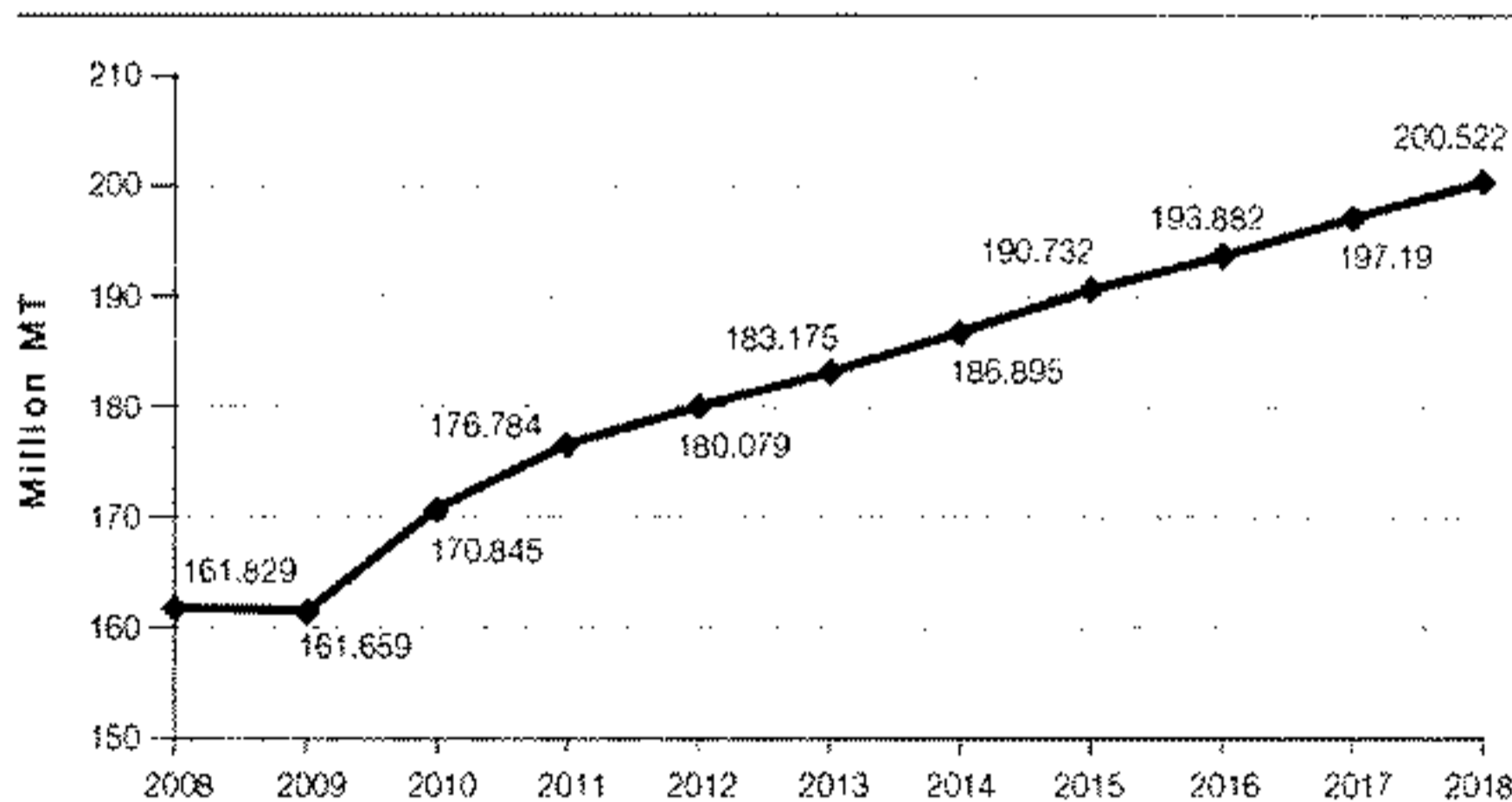
مصرف بی‌رویه کود شیمیایی در محصولات کشاورزی مرگ خاموش است. با توجه به وابستگی عجیب کشاورزان به مصرف کودهای شیمیایی، مصرف بی‌رویه این کودها معضل بخش کشاورزی است. هم‌اکنون ۳۵ درصد از خاک کشاورزی جهان به خاطر حجم مصرف کودهای شیمیایی از بین رفته است و برای ایران آماری در دست نیست. محصول سالم یعنی محصولی که باقیمانده سموم و کودهای شیمیایی و فلزات سمی در آن نباشد (۲۳).

میزان مصرف کود اوره در کشور ما ۵/۲ میلیون تن در سال می‌باشد. این مواد در دام‌ها اثرات سوئی دارند و مصرف علوفه‌هایی با میزان اوره بالا باعث افزایش سقط جنین در دام‌ها می‌شود. موضوعی به نام اپی ژنتیک وجود دارد که طبق آن محیط و عوامل محیطی غذاها می‌توانند خصوصیات ژنتیکی فرد را تغییر دهند، بنابراین مصرف چنین مواد شیمیایی می‌تواند در نسل‌های آینده ما تغییراتی ایجاد نمایند. کودهای فسفات و سیاه نیز چنین اثرات مخربی بر سلامتی انسان دارند. این کودها عنصر کادمیوم را به خاک اضافه می‌کنند که از گیاه و بدن انسان خارج نمی‌شود و به مرور باعث تخریب سیستم حافظه انسان می‌گردد. این مواد شیمیایی جذب آهن و روی را در بدن انسان کاهش می‌دهد. ریزش مو و بد خلقی نیز از

عوارض کاهش این مواد در بدن است. مصرف بی‌رویه اوره و فسفات باعث قلیایی شدن خاک و تخریب آن می‌شود، به طوری که در حال حاضر تنها ۱۸ درصد از خاک‌های ما در حد ایده آل قرار دارند. سفت و کلوخی شدن بسیاری از خاک‌های کشاورزی نیز ناشی از مصرف بالای اوره می‌باشد. زمانی که خاک قلیایی می‌شود گیاه نمی‌تواند منگنز و دیگر مواد لازم برای خود را جذب نماید و در این شرایط زندگی برای حشرات و دیگر جانداران نیز با مشکل مواجه می‌شود. همچنین نیترات موجود در کودهای شیمیایی خاصیت آبشویی دارد و به راحتی وارد آب‌های زیرزمینی می‌شود (۲۴).

شکل (۵) نشان می‌دهد که طی سال‌های ۲۰۰۸ تا ۲۰۱۸ میلادی مصرف کودهای شیمیایی در جهان افزایش یافته و از مقدار ۱۵۰ میلیون تن در سال به ۲۰۰ میلیون تن در سال رسیده است. این آمار فقط شامل کودهای ماکرو مانند فسفات، پتاس و اوره است و به این آمار باید سایر انواع کودها را نیز افزود (۲۵). با پیش‌بینی‌های انجام شده متوسط رشد مصرف سالیانه کود تا سال ۲۰۳۰ به میزان ۱/۳ - ۰/۷ درصد خواهد بود (۲۲).

Global nutrients (N+P₂O₅+K₂O) consumption



شکل ۵- مصرف کودهای شیمیایی ازت، فسفات و پتاس در جهان طی سال‌های ۲۰۰۸ تا ۲۰۱۸ (میلیون تن) (۲۵).

مصرف بی‌رویه و مضرات آفت‌کش‌ها

مصرف سموم دفع آفات نباتی در کشور طی سال ۱۳۹۲ به میزان ۲۱۰۰۰ تن گزارش شده است. از این میزان سم، مقداری از طریق مواد غذایی، آب و سایر روش‌ها وارد بدن مصرف‌کنندگان می‌شود (۲۶).

سالانه سه میلیون نفر در نتیجه مصرف آفت کش ها در دنیا مسموم شده و حدود ۲۰ هزار نفر دچار مرگ و میر می شوند. تحقیقات نشان داده است که سموم آفت کش باعث احتمال بروز انواع سرطان ها از جمله لوکمی، لمفوم، دستگاه گوارش، پستان، پروستات و تیروئید، سقط جنین، کاهش رشد و نمو جنین، نازایی، عدم رشد فکری، پارکینسون، اثرات مخرب ساختمانی در بدن هنگام تولد و نقص هایی در اعمال و بافت های بدن می شوند.

بر اساس تحقیقات انجام شده در آمریکا حداقل یک نوع ترکیب شیمیایی آفت کش در خون یا ادرار ۱۰۰ درصد از مردم آمریکا وجود دارد. در سال ۱۹۹۷ تعداد ۸۸۲۵۵ مورد اورژانسی در مرکز کنترل سموم آمریکا به ثبت رسیده است که بیش از ۵۰ درصد از این موارد مربوط به کودکان کوچک تر از ۶ سال است. میزان بروز سرطان مغز در کودکان در طی ۲۰ سال گذشته ۳۰ درصد افزایش داشته است. از مجموعه سموم مصرفی در آمریکا ۴۰ درصد سرطان زا و ۴۳ درصد مخرب سیستم رشد و تولید مثل است (۲۷).

با مصرف کودها و سموم کشاورزی هم اکنون متوسط تولید گندم آبی در کشور ما ۳/۸ و گندم دیم ۱/۲ تن در هکتار و متوسط عملکرد جهانی آن ۳ تن در هکتار است (۲۸). این مقدار تولید با رکورد تولید که حدود ۱۳ تن در هکتار است فاصله دارد (۲۹) و با تولید ۷۰۰ تخم از یک تخم که قرآن به آن اشاره دارد و به نظر مفسران رقمی موهومی نیست فاصله اش از زمین تا آسمان است.

امروزه در تولید محصولات کشاورزی، مبارزه با آفات و بیماری های گیاهی، نگهداری میوه ها و سبزیجات و فرآوری مواد غذایی از انواع کودهای شیمیایی، سموم، قارچ کش ها، پرتوها، رنگ، مواد شیمیایی نگهدارنده و طعم دهنده استفاده می شود. به همه ی این مواد شیمیایی باید اثرات ظروف پلاستیکی، فلزی و تجهیزات و ماشین های مورد استفاده در فرآوری محصولات غذایی و اثرات دستکاری های ژنتیکی بذور بر کیفیت نهایی مواد غذایی را نیز افزود.

ماندگاری سموم و تجمع عناصر سازنده کودهای شیمیایی در محصولات کشاورزی موضوع پوشیده ای نیست، تا جایی که تولید محصولات ارگانیک، یعنی محصولاتی که

بدون حضور انواع کودهای شیمیایی، استفاده از سموم دفع آفات و بیماری‌های نباتی و انواع دخالت در ساختار ژنتیکی گیاه با حساسیت ویژه‌ای در دستور کار بخش تولید محصولات کشاورزی قرار گرفته است.

اثرات زیست محیطی استفاده بی رویه و حتی با رویه از تیمارهای شیمیایی در مراحل مختلف تولید و مصرف مواد غذایی مانند اثرات نامطلوب آن بر منابع آب، آلودگی خاک، از بین بردن انواع حیوانات و حشرات مفید که زمانی خود موجب ایجاد تعادل در جمعیت انواع موجودات زنده بوده‌اند، اثرات گلخانه‌ای و بروز بسیاری ناهنجاری‌های دیگر در مطالعات، پروژه‌های تحقیقاتی، پیمان‌های بین‌المللی و همایش‌ها و وضع قوانین و مقررات مختلف مورد توجه قرار گرفته است، اما اثرات اجتماعی و اخلاقی تیمارهای شیمیایی مورد توجه قرار نگرفته یا کمتر مورد بررسی قرار گرفته است.

وضع کشاورزی در عصر ظهور

در معرفی کارکرد حکومت مهدوی بر عدالت زیاد تکیه شده است. موضوع عدالت آنقدر با عدالت اقتصادی، شغلی و امنیت گره خورده است که حلقه‌های عمیق‌تر و بلکه مهم‌تر عدالت به فراموشی سپرده شده است. گویی عدالت مهدوی یعنی تقسیم اموال بین مردم، به عدالت و جلوگیری از کشتار انسان‌ها و عدالت قضایی. البته این موارد از مؤلفه‌های بسیار مهم عدالت مهدوی هستند، اما عدالت تنها به همین موضوعات ختم نمی‌شود. چه بسا عدم رعایت یک آموزه الهی به ظاهر ساده باعث بیماری جسمی انسان، تغییر در اخلاق او و بر هم خوردن چرخه‌ی عدالت در بسیاری از موضوعات دیگر شود. بنابراین در حکومت مهدوی رعایت آموزه‌های الهی که آموزه‌های علمی عقلی هستند توسط مردم، باعث بازگشت عدالت به همه‌ی فرآیندها و چرخه‌های طبیعی زندگی انسان، حیوانات و طبیعت می‌شود. برای مثال مصرف گوشت به میزان توصیه شده در آموزه‌های الهی موجب برقراری تعادل روحی و جسمی و عدالت در چرخه و زنجیره طبیعت می‌شود.

مثالی برای تأثیر رعایت آموزه‌های الهی روی عدالت در چرخه طبیعت:

از پیغمبر اکرم صلی الله علیه و آله نقل شده است که فرمود:

إِيَّاكُمْ وَفُضُولَ الْمُتَطَعِمِ فَإِنَّهُ يَسِيبُ الْقَلْبَ بِالْقَسْوَةِ وَيُبْطِئُ بِالْجَوَارِحِ عَنِ الطَّاعَةِ وَيَضْمُ
الْهَيْمَمَ عَنِ سِمَاعِ الْمُتَوَعِّظَةِ؛ از غذای اضافی پرهیزید که قلب را پرقساوت می کند و از
اطاعت حق تنبل می سازد و گوش را از شنیدن موعظه گرمی نماید.^۱

در روایتی از پیامبر خدا ﷺ آمده است:

مَنْ أَكَلَ اللَّحْمَ أَرْبَعِينَ صَبَاحاً قَسَا قَلْبُهُ؛ هر کس چهل روز [پیاپی] گوشت بخورد،
سنگ دل می شود.^۲

امیرمؤمنان علی عليه السلام می فرمایند:

إِيَّاكُمْ وَالْبِظْنَةَ فَإِنَّهَا مَقْسَاةٌ لِلْقَلْبِ وَ مَكْسَلَةٌ عَنِ الصَّلَاةِ وَ مَفْسَدَةٌ لِلْجَسَدِ؛ از پرخوری
پرهیزید، زیرا باعث قساوت قلب و سستی برای نماز و تباه شدن بدن می شود.
مَنْ تَرَكَ اللَّحْمَ أَرْبَعِينَ صَبَاحاً سَاءَ خُلُقُهُ؛ کسی که چهل روز گوشت را ترک کند،
اخلاق او بد می شود.^۳

با توجه به روایات، خوردن زیاد گوشت باعث قساوت قلب و خوردن بسیار کم آن باعث
تغییر در اخلاق انسان می شود. همچنین در علم پزشکی ثابت شده است که خوردن گوشت
زیاد باعث افزایش ریسک بروز بیماری نقرس، بیماری های قلبی، چربی خون، سرطان روده،
بالا رفتن اسید اوریک که باعث دردهای مفاصل شده و بیماری های متعدد دیگری شود.
نوشتارهایی که مصرف بالای گوشت، به ویژه گوشت قرمز و گوشت فرآوری شده را با افزایش
خطر ابتلا به سرطان، به ویژه سرطان روده بزرگ، مرتبط می دانند در حال افزایش است. به
همین دلیل تنظیم تعادل بین گوشت و سایر اجزای رژیم غذایی ممکن است برای محافظت
در برابر خطر بالقوه سرطان حیاتی باشد (۳۰). نتایج تحقیقات همچنین نشان می دهد که
دریافت بیشتر انواع گوشت های قرمز با افزایش احتمال ابتلا به سرطان پروستات مرتبط
می باشد. در این میان، مصرف بیشتر گروه امعاء و احشاء و گوشت فرآوری شده به طور

۱. اعلام الدین فی صفات المؤمنین، الدیلمی، الشیخ الحسن، ج ۱، ص ۳۳۹؛ /خلاق در قرآن کریم، آیت الله

مکارم شیرازی، ج ۱، ص ۱۴۹.

۲. بحار الانوار، ج ۵۹، ص ۲۹۴.

۳. همان، ۲۹۳.

معنی داری با افزایش احتمال ابتلا به سرطان پروستات مرتبط است (۳۱).
 اما شاید کمتر کسی بداند که عدم رعایت این آموزه الهی که مورد تأیید و مبتنی بر علم و عقل نیز هست به تغییر در چرخه طبیعی اقلیم یا ناهنجاری های اقلیمی (عدالت طبیعی) کمک می کند. اما این اثر چگونه انجام می شود:
 شیوه تغذیه ما دیگر یک موضوع خصوصی نیست، بلکه هر وعده غذایی که انتخاب می کنیم تأثیر بسیاری بر زندگی مردم سراسر جهان، محیط زیست، تنوع زیستی و وضعیت آب و هوایی می گذارد. مصرف کمتر گوشت می تواند به راحتی به حفاظت از ذخایر آبی، جنگل ها، زمین های زراعی، وضعیت آب و هوا و تنوع زیستی کمک کند و در مقابل، مصرف بالای گوشت موجب می شود که تولید صنعتی آن نیز در مقیاس بالا انجام گیرد.
 تخمین زده می شود بسته به روش تولید، صنعتی یا سنتی بودن و سایر مؤلفه ها برای تولید یک کیلوگرم گوشت گاو ۱۵ هزار لیتر آب مصرف و ۳۵ کیلوگرم دی اکسید کربن تولید می شود. این در حالی است که برای تولید یک کیلوگرم از بسیاری محصولات کشاورزی کمتر از ۱۰۰۰ لیتر آب مصرف می شود (۳۲).

جدول ۲- میزان آب مورد نیاز برای تولید یک کیلوگرم از برخی محصولات غذایی (لیتر)

نوع ماده غذایی	میزان آب مصرفی
یک کیلوگرم ذرت	۹۹۶ لیتر
یک کیلو جو	۳۵۳ لیتر
یک کیلو سیب زمینی	۲۵۴ لیتر
یک کیلو گندم	۳۷۵ لیتر
یک کیلو سویا	۲۸۶ لیتر
یک کیلو گوشت مرغ	۴۳۲۵ لیتر
یک کیلو گوشت خوک	۵۹۸۸ لیتر
یک کیلو گوشت گاو	۱۵۴۱۵ لیتر

در سال ۲۰۱۳ تولید گوشت در جهان به بیش از ۳۰۸ میلیون تن رسید و بنا به تخمین

«سازمان غذا و کشاورزی سازمان ملل» (فائو) این میزان در سال ۲۰۱۴ به ۳۱۲ میلیون تن افزایش یافته است. از سال ۱۹۶۱ تاکنون، تولید گوشت در جهان بیش از ۴ برابر شده است. علت اصلی این پدیده، افزایش قدرت خرید، گسترش شهرنشینی و تغییر رژیم غذایی افراد در برخی از جوامع بوده است. در مقایسه با سال ۱۸۰۰، تولید گوشت در جهان ۲۵ برابر شده، که حدود ۴ برابر بیشتر از رشد جمعیت در این دوره بوده است.

صنعت دام و طیور مشخصات بارزی دارد که به صورت ویژه باید به آن‌ها توجه کرد:

- پرورش صنعتی دام و طیور به آب زیادی احتیاج دارد.
 - معمولاً برای تولید خوراک دام و طیور از غلات با ارزشی مثل ذرت یا سویا استفاده می‌شود.
 - به منظور گسترش چراگاه‌های دام و طیور، مناطق جنگلی تخریب می‌شوند.
 - حیوانات معمولاً در محیط‌های بسته و فضاهای محدود و در وضعیتی فشرده و نامناسب نگهداری می‌شوند.
 - به جای استفاده از کودهای طبیعی (کودهای حیوانی)، از کودهای نیتروژنه‌ی مصنوعی (شیمیایی) استفاده می‌شود.
 - برای افزایش سرعت رشد حیوانات و کاهش احتمال شیوع بیماری، دُز بالایی از مواد آنتی‌بیوتیک به حیوانات تزریق می‌شود.
- در سال ۲۰۱۱ در کشور آمریکا، بیش از ۱۳۰۰۰ تن آنتی‌بیوتیک به حیوانات (دام و طیور) تزریق شد (این مقدار را با ۳۵۰۰ تن آنتی‌بیوتیکی که در همان سال در آمریکا برای معالجه‌ی بیماران انسانی استفاده شد مقایسه کنید). این میزان در اروپا حدود ۸۵۰۰ تن بود. اما این رقم‌ها در مقایسه با بیش از ۱۰۰۰۰۰ (صد هزار تن) آنتی‌بیوتیک تزریقی به حیوانات در چین رنگ می‌بازد.
- تولید دام و طیور به زمین زیادی احتیاج دارد. نزدیک به ۷۰ درصد زمین‌های کشاورزی کره‌ی زمین به عنوان چراگاه دام و طیور مورد استفاده قرار می‌گیرد و ۱۰ درصد دیگر این زمین‌ها برای تولید غلاتی که توسط آن‌ها مصرف می‌شود اختصاص می‌یابد. یعنی روی هم رفته، ۸۰ درصد زمین‌های کشاورزی مختص تولید دام و طیور است. حدود سه پنجم زمین‌های زراعی جهان اختصاص به تولید گوشت گاو دارند، در حالی که گوشت گاو کمتر از ۵ درصد پروتئین

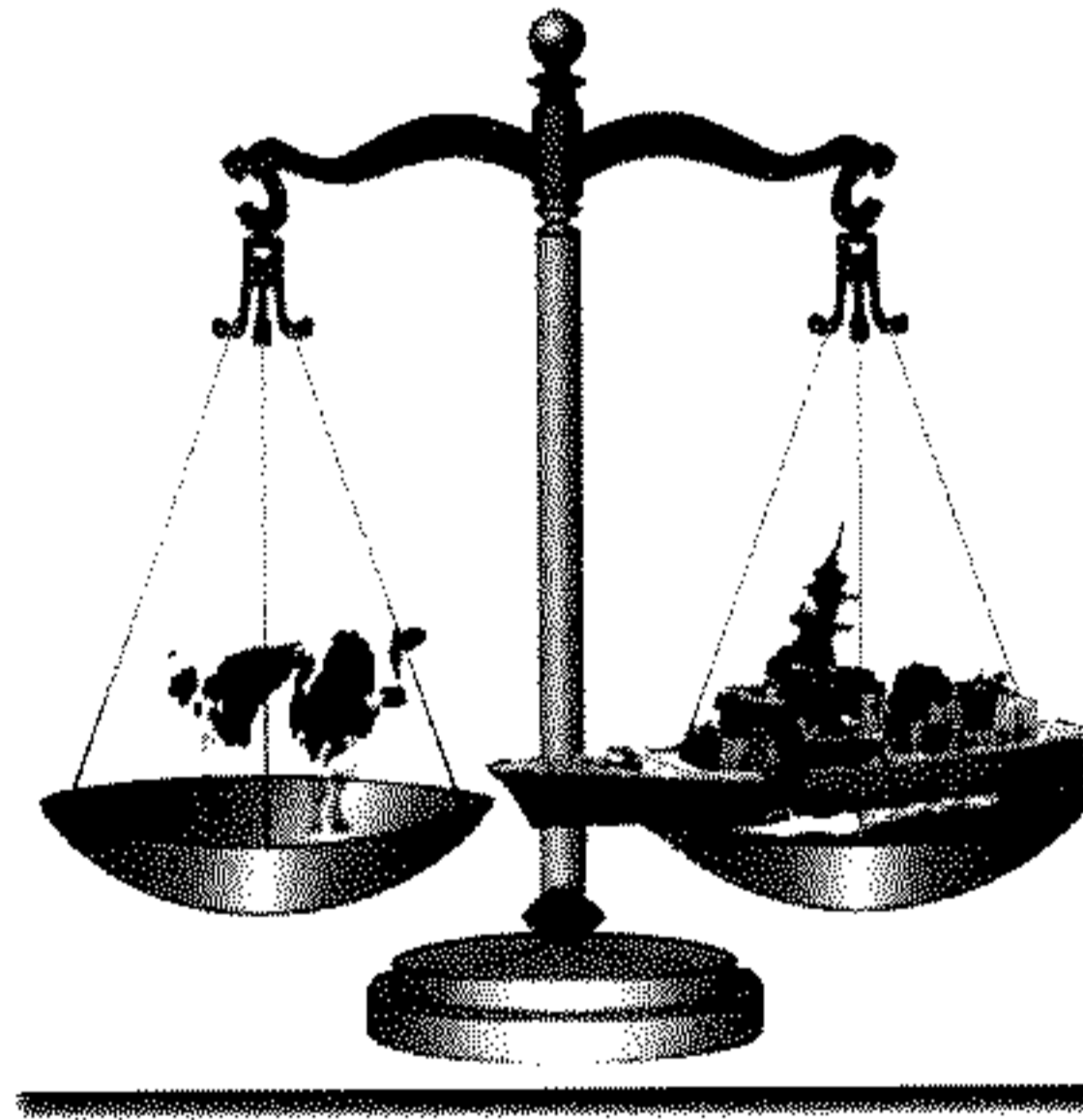
مصرفی جهان و کمتر از ۲ درصد کالری مصرفی جهان را تامین می کند. سالیانه در جهان، نزدیک به ۸۰۰ میلیون تن گندم، چاودار، جو دوسرو ذرت به دام و طیور خورانده می شود. این میزان در حدود ۴۰ درصد تولید جهانی این غلات است که همراه با بیش از ۲۵۰ میلیون تن دانه‌ی سویا و سایر دانه‌های روغنی به مصرف دام و طیور می رسد. تولید گوشت همچنین به مقادیر زیادی آب احتیاج دارد. حدود ۷۰ درصد از آب آشامیدنی قابل دسترس جهان صرف کشاورزی می شود. یک سوم این مقدار، یعنی بیش از ۲۰ درصد کل آب مصرفی در جهان، صرف تولید غله‌هایی که به مصرف دام و طیور می رسند می شود. با اختلاف زیاد نسبت به سایر انواع گوشت‌ها، تولید گوشت گاو بیشترین آب را مصرف می کند (۳۳) و (۳۴).

تولید گوشت قرمز افزون بر آنکه به بحران آب دامن می زند، باعث می شود گازهای گلخانه‌ای پنج برابر بیش از موارد تولید دیگر انواع گوشت آزاد شوند. خسارات ناشی از تولید گوشت قرمز زیاد است به طوری که حجم دی اکسید کربن آزاد شده برای تولید یک کیلو گوشت قرمز را با طی مسافت ۲۵۰ کیلومتر با یک خودرو مقایسه می کنند.

تحقیقات نشان می دهد که هر رأس گاو شیری در سال باعث انتشار ۵۵۸۷ کیلوگرم دی اکسید کربن شده و با توجه به طول دوره یک ساله شیردهی، مقدار ۷/۰ کیلوگرم گاز دی اکسید کربن به ازای تولید هر کیلوگرم شیر در سال، به گازهای گلخانه‌ای موجود در جو اضافه می شود (۳۵). در تحقیقات دیگر مقادیر کمتری بیشتر از نتایج حاصله در این پژوهش گزارش شده است.

از سال ۲۰۰۰ تا ۲۰۱۴، تعداد گاوها در برزیل از ۱۷۰ تا ۲۱۳ میلیون افزایش یافته است. تولید گاو در منطقه آمازون در برزیل به طور پیوسته افزایش یافته و در حال حاضر حدود ۴۰ درصد از تولید گوشت در این کشور را تشکیل می دهد. تبدیل جنگل به مرتع برای چرای گاو دلیل اصلی جنگل زدایی در آمازون است و نزدیک به هفتاد و پنج میلیون هکتار از تبدیل و جنگل زدایی در آمازون برزیل، به علت تبدیل جنگل‌ها به مراتع برای چرای گله‌های گاو است (۳۶).

علاوه بر تولید دی اکسید کربن توسط دام‌ها و تولید دی اکسید کربن بیشتر توسط انسان‌هایی که گوشت زیادتری مصرف می‌کنند، فضولات دام نیز از منابع مهم تولید گاز متان هستند. گاز دی اکسید کربن و متان تولیدی سهم عمده‌ای در تولید اثرات گلخانه‌ای، ناهنجاری‌های اقلیمی و تبعات ناشی از آن یعنی خشکسالی و سایر پدیده‌های اقلیمی دارند. براساس گزارش منتشر شده توسط سازمان غذا و کشاورزی سازمان ملل متحد در سال ۲۰۰۶، بخش دامداری مسبب تولید ۱۸ درصد از گازهای تشدید کننده حالت گلخانه‌ای است که این میزان بیش از سهم تولید دی اکسید کربن در حمل و نقل می‌باشد؛ بنابراین یک منبع عمده تخریب زمین و آب بخش دامپروری در جهان می‌باشد. مطالعات همچنین نشان می‌دهد که ۳۷ درصد از کل متان تولید شده به علت فعالیت‌های انسان (گاز متان ۲۳ برابر خطرناکتر از CO₂ در تشدید حالت گلخانه‌ای است) توسط سیستم گوارش مجدد نشخوارکنندگان تولید می‌شود که به میزان قابل توجهی به باران‌های اسیدی کمک می‌کند (۳۷).



شکل ۶- آب مورد نیاز برای تولید ۵۰۰ کیلوگرم گوشت گاو برای شناور کردن یک ناو جنگی کافی است

به طور خلاصه مصرف بیش از نیاز گوشت توسط انسان اثرات منفی زیر را در بردارد:

۱- اثر سوء بر روی اخلاق انسان از جمله قساوت قلب که منشاء بسیاری از گناهان و دور

شدن انسان از آموزه‌های الهی است، دارد.^۱

۲- دچار شدن به بیماری‌های جسمی متعدد ناشی از مصرف زیاد گوشت و مصرف مواد شیمیایی که به دام‌ها تزریق شده یا در تغذیه آن‌ها به‌عنوان مکمل استفاده شده است (۳۰) و (۳۱).

۳- مصرف آب بسیار زیاد در مقایسه با تولید محصولات کشاورزی باعث تشدید برداشت آب از منابع زیرزمینی و کمبود آب در دسترس می‌شود (۳۳) و (۳۴).

۴- تولید گازهای گلخانه‌ای مانند دی‌اکسید کربن و متان، توسط خود دام و مصرف‌کنندگان گوشت و تولید گازهای گلخانه‌ای از طریق مصرف کودها و سموم شیمیایی برای تولید علوفه و غذای دام و طیور که باعث کمک به پدیده تغییر اقلیم می‌شود. در برخی از منابع اشاره شده است که ۱۸ درصد متان که سالیانه بر اثر فعالیت‌های بشر وارد جو می‌شود، ناشی از فضولات حیوانی است که برای تأمین گوشت مصرفی بشر به صورت صنعتی پرورش می‌یابند (۳۷).

۵- مصرف سموم و کودهای شیمیایی برای تأمین علوفه بسیار زیاد، مورد نیاز دام‌ها و در نتیجه آلودگی‌های زیست‌محیطی.

۶- اختصاص بسیاری از زمین‌های زراعی به تولید غذای دام و طیور با صرف هزینه‌های بالا و تخریب منابع خاک.

۷- از بین رفتن چراگاه‌های طبیعی دام‌ها و جنگل‌ها و افزایش ناهنجاری‌های اقلیمی و کویر زایی (۳۳) و (۳۴).

۸- تغییرات اقلیمی ناشی از تولید گازهای گلخانه‌ای به وسیله فضولات دامی، تغذیه دام‌ها و مصرف بیش از اندازه گوشت توسط انسان (۳۷).

متخصصین برای رفع مشکلات ناشی از مصرف زیاد گوشت و تأثیرات نامطلوب تولید صنعتی دام و طیور بر محیط زیست و سلامت انسان‌ها راه‌هایی را پیشنهاد داده‌اند که مهم‌ترین آن‌ها تغییر شیوه تغذیه‌ی شهروندان است. کاهش مصرف گوشت و تغییر نوع گوشت

مصرفی، از فشاری که شیوهی زندگی ما بر محیط طبیعی وارد می‌کند خواهد کاست (۳۳). این نتیجه‌ی علمی، دقیقاً همان آموزه‌ی الهی و دینی است که درباره مصرف گوشت به صورت متعادل در ادیان الهی از جمله اسلام به انسان‌ها آموزش داده شده است. بنابراین اکنون می‌توان به اهمیت رویکرد بشر به آموزه‌های الهی که در نگاه اول ساده به نظر می‌رسند، اما در مقیاس بزرگ بحران‌های شدیدی در جهان ایجاد می‌کنند پی برد. با این مثال می‌توان مفهوم برقراری عدالت در جامعه مهدوی را با عمق بیشتری درک نمود. بنابراین امام عصر با دعوت انسان‌ها به آموزه‌های علمی و عقلی الهی، عدالت را در زوایای مختلف زندگی بشر از جمله عدالت اجتماعی، سیاسی، اقتصادی، اقلیمی و قضایی ایجاد می‌کند. به همین علت در روایت بسیار مهم «بِنَاءِ الْأَرْضِ قِسْطًا وَعَدْلًا كَمَا مُلِئَتْ جَوْرًا وَ ظُلْمًا» مفهوم و ابعاد پرکردن جهان از عدل توسط امام عصر بهتر مشخص می‌شود که به معنای برقراری عدالت در همه‌ی ابعاد زندگی انسان است.

یکی از کارکردهای حکومت مهدوی و هر حکومت مبتنی بر آموزه‌های الهی، تولید کم‌هزینه و با عملکرد بالایی محصولات غذایی پاک و عاری از سم، کودها و سایر مواد شیمیایی است که اصولاً مصرف آن‌ها یکی از زیرساخت‌های لازم برای تربیت انسان در تراز خلیفه خدا می‌باشد.

صنعت جایگزین رحمت نمی‌شود

هم‌اکنون تغییرات اقلیمی وسیعی در زمین به علت تخریب جنگل‌ها و منابع طبیعی، تولید گازهای گلخانه‌ای، آلودگی محیط زیست به انواع مواد شیمیایی، تهاجم بشر به منابع و کاهش برکت و رحمت الهی به دلیل فساد گسترده در اعمال، رفتار و اخلاق گروهی از انسان‌ها به وجود آمده است. این ناهنجاری‌های اقلیمی باعث خشک‌سالی‌های گسترده، آتش‌سوزی غیرطبیعی جنگل‌ها، طغیان آفات و بیماری‌های گیاهی، کویرزایی، آلودگی منابع آب و خاک و بروز پدیده ریزگردها و از بین رفتن مواهب طبیعی الهی شده است.

هر پدیده و چرخه‌ی طبیعی دارای یک حکمت عمیق بوده و موهبت و رحمت الهی به حساب می‌آید که برهم خوردن آن زنجیره طبیعی موجب به وجود آمدن بحران در حیات

انسان، حیوانات و گیاهان در زمین می‌شود. اکنون زنجیره‌ی بسیاری از این مواهب الهی دچار نقص شده و بشر سعی دارد این نقص را با روش‌ها، مصنوعات و ماشین‌های دست‌ساخته خود جبران کند، به زبان دیگر صنعت را جایگزین رحمت کرده است. مثال‌های متعددی برای این موضوع در زمینه منابع طبیعی و کشاورزی وجود دارد از جمله:

• طغیان آفات و بیماری‌های گیاهی به کمک سم، سم‌پاش، علم گیاه‌پزشکی، ژنتیک، پرتوهای مختلف از جمله هسته‌ای جبران می‌شود (۳۸) (۳۹) (۴۰).

• آلودگی و فقر خاک با کودهای شیمیایی، سموم و قارچ‌کش‌ها جبران می‌شود (۴۱).

• آلودگی و بحران منابع آب با سدسازی، انتقال آب، تصفیه فاضلاب و پمپاژ آب جبران می‌شود (۴۲).

مثال‌های متعددی برای این موضوع وجود دارد، اما برای درک بهتر موضوع فقط موضوع آفات و بیماری‌های گیاهی و فقر خاک از این منظر مورد بررسی بیشتر قرار می‌گیرد:

در یک چرخه طبیعی، جمعیت آفات و بیماری‌های گیاهی توسط عوامل مختلف محیطی تحت کنترل قرار می‌گیرد که عبارت‌اند از (۴۳):

۱- دشمنان طبیعی آفت موجب کنترل جمعیت آفات شده و از طغیان آن‌ها جلوگیری می‌کند.

۲- صاعقه و رعدوبرق موجب از بین رفتن تخم، لارو و خود حشرات و بسیاری از آفات شده و به کنترل جمعیت آن‌ها کمک می‌کند.

۳- یخبندان زمستانه موجب از بین رفتن تخم، لارو و لانه حشرات و آفات به ویژه آفات خاک‌زی شده و یک کنترل طبیعی برای آفات و بیماری‌های گیاهی محسوب می‌شود.

۴- برخورد مستقیم آفتاب به خاک موجب ضد عفونی شدن خاک و از بین رفتن قارچ‌ها و بسیاری از آلودگی‌ها می‌شود.

۵- باقیمانده‌های گیاهی، پوسیدن آن‌ها و اضافه شدن به خاک موجب بهبود وضعیت فیزیکی و افزایش مواد آلی خاک شده و خصوصیات فیزیکی و تغذیه‌ای خاک را بهبود می‌بخشد.

۶- صاعقه و رعدوبرق فواید متعددی برای کشاورزی دارند که فقط برخی از آنها شناسایی شده است. آذرخش یا رعدوبرق یک تخلیه الکتریکی شدید و بسیار سریع در هواست و همین تخلیه الکتریکی است که نور و صدا تولید می کند. از فواید رعدوبرق، سم پاشی و کود رسانی است. وقتی برق با آن حرارتش آشکار می شود، قطرات باران با مقداری اکسیژن اضافی ترکیب می شوند و آب سنگین یعنی آب اکسیژنه ایجاد می کنند. آب اکسیژنه یکی از آثارش کشتن میکروب هاست. امروزه از این ترکیب در پزشکی برای شستشو و ضد عفونی استفاده می شود. لذا سال هایی که رعدوبرق کم باشد، آفات گیاهی بیشتر است. همچنین قطرات باران که بر اثر برق و حرارت شدید، حالت اسید کربنی پیدا می کنند به هنگام پاشیده شدن بر روی زمین و ترکیب با خاک، یک کود مؤثر گیاهی می سازند. برق آسمان انیدریک ازتیک تولید می کند که به همراه باران بر زمین نازل می شود، گیاهان از این نیترات ها به عنوان کود استفاده می کنند.

اکنون تغییرات اقلیمی باعث شده است یخ بندان های زمستانه کاهش یافته یا برودت هوا در زمانی است که بارش باران وجود ندارد و عملاً یخ بندان در خاک اتفاق نمی افتد و این موهبت الهی به جای دفع آفات به تنش حرارتی و سرمازدگی فراگیر برای درختان و زراعت تبدیل شده و بشر دست به کار کمک گرفتن از مواد شیمیایی برای به تعویق انداختن گل دهی درختان شده است. کاهش صاعقه، کاهش بارش، پراکنش نامناسب باران و بارش های سیل آسا، استفاده بی رویه از زمین های زراعی و سایر عوامل، باعث طغیان آفات و بیماری های گیاهی و فقر خاک شده و بشر برای جبران آن دست به دامن کودها، سموم و سایر مواد شیمیایی شده است. سم پاشی بی رویه باغات و مزارع و تغییر اکوسیستم های طبیعی باعث از بین رفتن انواع حشرات مفید و دشمنان طبیعی حشرات شده و طغیان آفات و بیماری های گیاهی را در پی داشته است که همگی مصادیقی از ظهور فساد در خشکی و دریا هستند.

﴿ظَهَرَ الْفَسَادُ فِي الْبَرِّ وَالْبَحْرِ بِمَا كَسَبَتْ أَيْدِي النَّاسِ لِيذِيقَهُمْ بَعْضَ الَّذِي عَمِلُوا لَعَلَّهُمْ يَرْجِعُونَ﴾ فساد، در خشکی و دریا به خاطر کارهایی که مردم انجام داده اند آشکار شده است؛ خدا می خواهد نتیجه بعضی از اعمالشان را به آنان بچشاند، شاید

(بسوی حق) بازگردند! ﴿۱﴾

خداوند در قرآن کریم خوردن روزی پاک را در کنار انجام اعمال صالح آورده است. به گمان برخی مفسران خوردن غذای پاک پیش شرط توانایی انجام عمل صالح است.

﴿يَا أَيُّهَا الرُّسُلُ كُلُوا مِنَ الطَّيِّبَاتِ وَاعْمَلُوا صَالِحًا إِنِّي بِمَا تَعْمَلُونَ عَلِيمٌ﴾ ای پیامبران از غذاهای پاکیزه بخورید، و عمل صالح انجام دهید، که من به آنچه انجام می‌دهید آگاهم! ﴿۲﴾

آیا باقیمانده سموم و کودهای شیمیایی که ما به همراه مواد غذایی می‌خوریم طیبات است؟ آیا جامعه‌ای که طیبات نخورد می‌تواند عمل صالح انجام دهد؟ آیا این ناپاکی‌ها می‌تواند در جامعه مهدوی وجود داشته باشد؟

کارکرد حکومت مهدوی بر پایه رعایت آموزه‌های الهی این است که بشر با طبیعت به عنوان یک موجود صاحب شعور و دارای حقوق، در پیشگاه الهی برخورد نموده و چرخه طبیعی، بر زمین حاکم شده و نیاز بشر به بسیاری از صنایعی که اکنون جایگزین رحمت و مواهب الهی شده‌اند مرتفع می‌شود. برای مثال طبیعت با زنجیره کامل خود از قبیل وجود صاعقه و رعد و برق، یخ بنندان به موقع و سایر پدیده‌های طبیعی باعث کنترل حشرات و تأمین مواد مورد نیاز گیاه شده و نیازی به استفاده از میلیون‌ها تن سموم و کود شیمیایی مرتفع می‌شود. علاوه بر این، رعایت آموزه‌های علمی الهی، تقوا و ایمان و اطاعت از ولی خدا موجبات نزول رحمت الهی را فراهم نموده و به کارگیری علم و تلاش در زندگی، موجبات بهره‌مندی بیش از پیش بشر را از نعمت‌های الهی فراهم خواهد نمود. با حذف تیمارهای شیمیایی و آلودگی‌های دست ساخته بشر از مواد غذایی یکی از زیرساخت‌های لازم برای پرورش انسان در تراز خلیفه خدا که تغذیه پاک است فراهم می‌گردد.

این موضوع در قرآن کریم به صورت روشن توضیح داده شده است:

﴿وَلَوْ أَنَّ أَهْلَ الْقُرَىٰ آمَنُوا وَاتَّقَوْا لَفَتَحْنَا عَلَيْهِم بَرَكَاتٍ مِّنَ السَّمَاءِ وَالْأَرْضِ وَلَٰكِن

۱. روم، ۴۱.

۲. مؤمنون، ۵۱.

كَذَّبُوا فَأَخَذْنَاهُمْ بِمَا كَانُوا يَكْسِبُونَ: و اگر اهل شهرها و آبادی‌ها، ایمان می‌آوردند و تقوا پیشه می‌کردند، برکات آسمان و زمین را بر آن‌ها می‌گشودیم: ولی (آن‌ها حق را) تکذیب کردند، ما هم آنان را به کیفر اعمالشان مجازات کردیم.^۱

خداوند در قرآن کریم درباره تبدیل نعمت با برکت و دارای کیفیت به نعمت بی برکت و فاقد کیفیت، به علت اعراض از شکر خدا می‌فرماید:

﴿لَقَدْ كَانَ لِسَبَإٍ فِي مَسْكِنِهِمْ آيَةٌ جَنَّتَانِ عَنْ يَمِينٍ وَشِمَالٍ كُلُوا مِنْ رِزْقِ رَبِّكُمْ وَاشْكُرُوا لَهُ بَلْدَةٌ طَيِّبَةٌ وَرَبٌّ غَفُورٌ * فَأَعْرَضُوا فَأَرْسَلْنَا عَلَيْهِمْ سَيْلَ الْعَرِمِ وَبَدَّلْنَاهُمْ بِجَنَّتَيْهِمْ جَنَّتَيْنِ ذَوَاتِ أُكُلٍ خَمْطٍ وَأَثَلٍ وَشَيْءٍ مِنْ سِدْرٍ قَلِيلٍ: قطعاً برای [مردم] سبا در محل سکونتشان نشانه [رحمتی] بود: دو باغستان از راست و چپ [به آنان گفتیم] از روزی پروردگارتان بخورید و او را شکر کنید. شهری است خوش و خدایی آمرزنده. پس روی گردانیدند و بر آن سیل [سد] عَرِم را روانه کردیم، و دو باغستان آن‌ها را به دو باغ که میوه‌های تلخ و شورگز و نوعی از کنار تنک داشت تبدیل کردیم.^۲

بنابراین اگر چه به اذن الله به کارگیری علم در تولید، تلاش و سعی در کسب روزی و همه‌ی پارامترهای مادی دیگر، در حصول نتیجه برای انسان موثر است، اما خواست خداوند و برکتی که از ناحیه‌ی خداوند، به دلیل ایمان به خدا و شکر و تقوا به فعالیت‌های انسان داده می‌شود بر همه‌ی این عوامل محیط است.

امام رضا علیه السلام می‌فرمایند:

الامامُ السَّحَابُ المَاطِرُ وَ الغَیثُ المَاطِلُ وَ السَّمَاءُ الظَّلِيلَةُ وَ الارضُ البَسیطَةُ وَ العَینُ الغَزیرَةُ وَ الغَدرُ وَ الرَوضَةُ؛ امام، ابر بارنده، باران پیایی، آسمان سایه افکن، زمین گسترده، چشمه جوشان، برکه و گلزار است.^۳

آری، خود امام و حضور و ظهور او در بین مردم مایه برکت و نزول رحمت الهی است. روایات

۱. اعراف، ۹۶.

۲. احزاب، ۱۵ و ۱۶.

۳. اصول کافی، شیخ کلینی، ج ۱، ص ۲۰۰.

نشان می دهند که در عصر ظهور مرتبه دیگری (بالتری) از آفرینش در زمینه ی کشاورزی و رشد محصولات زراعی و باغی اتفاق می افتد. تغییر مرتبه یاد شده به چند صورت خود را نشان می دهد:

● به برکت وجود امام آب به صورت چشمه، رودخانه و باران فراوان شده و مشکل آب وجود نخواهد داشت.

● تولید محصول، تئوری های کنونی را در خواهد نوردید و میزان تولید محصول در کشتزارها و باغات غیرقابل تصور خواهد بود، زیرا اصولاً دنیای بعد از ظهور مرتبه ای بالاتر از دنیای کنونی دارد و بیشتر می توان آن را با مرتبه قیامت مقایسه کرد تا مرتبه دنیا.

● مواهب طبیعی مانند جنگل ها و سبزه زارها برکت یافته و دنیا سرسبز خواهد شد.

● دام ها و تولیدات دامی برکت خواهند یافت.

● همه مردم بی نیاز شده و فقر و گرسنگی از بین خواهد رفت.

● آفات و بیماری های گیاهی که به علت کم شدن برکت به وجود آمده اند، از بین خواهند رفت.

تمام این موارد به سه علت اتفاق می افتد:

۱- گسترش علوم مختلف با تلاش و اتصال انسان به منبع لایزال علم الهی.

۲- نزول برکت به علت ایمان، تقوا و اطاعت مردم از ولی خدا.

۳- چرخه طبیعی اقلیم، به علت رعایت آموزه های الهی توسط مردم و کاهش یا از بین رفتن

آفات و بیماری های گیاهی و جانوری.

امام باقر علیه السلام می فرمایند:

فلا ینزل منزلاً إلا انفجرت منه عیون فن کآن جائعاً شبع؛ در هیچ مکانی اقامت

نمی گزیند جز آن که از مقدم او چشمه ها می جوشد، پس گرسنگان سیر و تشنگان را

سیراب می گرداند.^۱

فیخطب الناس فتستبشر الارض بالعدل، وتعطى السماء قطرها، والشجر ثمرها، والارض

نباتها؛ پس (حضرت مهدی) مردم را مورد خطاب قرار داده و سپس زمین را به

۱. کمال الدین، شیخ صدوق، ص ۶۷۱، باب ۵۸، ح ۱۷؛ الغیبه، نعمانی، ص ۲۳۸، باب ۱۳.

عدالت، بشارت می دهد. در این هنگام، آسمان، باران خود را عطا کرده و درختان، میوه های خود را فرو می فرستند. زمین، کلیه رستنی های خویش را عرضه می کند.^۱ و تزید المیاء فی دولته و تمد الاثمار و تضعف الارض اكلها و تستخرج الكنوز؛ در دولت امام مهدی آب ها فراوان و نهرها امتداد می یابد و زمین خوردنی هایش را دوچندان ظاهر می کند و همه ی گنج های پنهان استخراج می شود.^۲

و لو قد قام قائمنا لانزلت السماء قطرها ولاخرجت الارض نباتها و... حتی تمشی. المرأة بین العراق الى شام لاتضع قدميها الا على النبات؛ قائم ما که قیام کند، آسمان باران خویش را فرو می فرستد و زمین، گیاهان خویش را بیرون می فرستد تا جایی که زنی از عراق تا شام برود و پای خود را جز بر روی گیاه نگذارد.^۳

يسقيه الله الغيث و تخرج الارض نباتاتها و تكثر الماشية؛ خداوند با باران رحمتش او را سیراب می سازد، زمین گیاه خود را بیرون می فرستد، دام ها فراوان می شوند.^۴ تخرج الارض نباتها و تنزل السماء برکاتها و تظهر له الكنوز؛ زمین نباتات خود را خارج می کند، آسمان برکاتش را فرو می فرستد، گنج های نهفته در دل زمین برای او آشکار می شود.^۵

امام صادق عليه السلام می فرمایند:

ينتج الله تعالى في هذه الامة رجلا مني وأنا منه، يسوق الله تعالى به بركات السماوات والارض، فينزل السماء قطرها، ويخرج الارض بذرها؛ خداوند به این امت، مردی عطا می کند که از من است و من از اویم، به برکت او، برکات آسمان و زمین را عنایت می کند، آسمان، باران خویش را فرو می فرستد و زمین، بذر خویش را بیرون

۱. بحار الانوار، علامه مجلسی، ج ۵۳، ص ۸۵.

۲. منتخب الاثر، آیت الله صافی گلپایگانی، ص ۴۷۲.

۳. خصال، شیخ صدوق، ص ۶۲۶.

۴. مستدرک علی الصحیحین، حاکم نیشابوری، ج ۴، ص ۵۵۷؛ منتخب الاثر، آیت الله صافی گلپایگانی، ص ۵۹۱.

۵. احتجاج، طبرسی، ج ۲، ص ۱۱.

می فرستد.^۱

امام صادق علیه السلام می فرمایند:

تعطی السماء قطرها و الشجر ثمرها و الارض نباتها و تزیین لاهلها؛ آسمان باران هایش را فروریزد، درختان میوه‌های خود را آشکار می‌سازند. زمین گیاهان خود را بیرون می‌فرستد و برای ساکنان خود آرایش می‌کند.^۲

امام باقر علیه السلام می فرمایند:

و يخرج الله من الارض بذرها، وينزل من السماء قطرها، و يخرج الناس خراجهم على رقابهم إلى المهدي، ويوسع الله على شيعتنا، ولولا ما يدرکهم من السعادة، لبغوا؛ خداوند از زمین بذرها را می‌رویاند و از آسمان باران نازل می‌کند. مردم مالیات خود را برگردن گذاشته، به سوی مهدی می‌روند. خداوند به شیعیان ما در زندگی رفاه و آسایش داده است و آنان در بی‌نیازی به سر می‌برند و اگر لطف و سعادت خداوند آنان را در بر نمی‌گرفت، با آن بی‌نیازی سرکشی می‌کردند.^۳

فعند ذلك تفرح الطيور في او کارها و الحياتان في مجارها و تفيض العيون و تنبت الارض ضعف اكلها؛ در آن هنگام پرندگان در آشیانه‌های خود شادمان می‌شوند و ماهیان در قعر دریاها شادمانی می‌کنند و چشمه‌ها سرازیر می‌شوند و زمین چندین برابر محصول خود، می‌رویاند.^۴

امام علی علیه السلام می فرماید:

لَوْ قَدْ قَامَ قَائِمُنَا لَأَنْزَلَتِ السَّمَاءُ قَطْرَهَا، وَلَا أَخْرَجَتِ الْأَرْضُ نَبَاتَهَا... وَأَصْطَلَحَتِ السَّبَاعُ وَالْبَهَائِمُ حَتَّى تَمَشِيَ. الْمُرَاةُ بَيْنَ الْعِرَاقِ إِلَى الشَّامِ لَا تَضَعُ قَدَمَيْهَا إِلَّا عَلَى النَّبَاتِ، وَ عَلَى رَأْسِهَا زِينَتُهَا لَا يَهَيِّجُهَا سَبْعُ؛ اگر قائم ما قیام کند، آسمان بارانش را نازل می‌کند و زمین گیاهان خویش را بیرون نماید، پرندگان و چهارپایان در آشتی به سر برند تا

۱. الغيبة، شیخ طوسی، ص ۱۸۸.

۲. عصر الظهور، کورانی، ص ۳۵۱ و ۳۷۰.

۳. بحار الانوار، علامه مجلسی، ج ۵۲، ص ۳۴۵.

۴. همان، ص ۳۰۴.

آنجا که زنی از عراق به شام می‌رود و هر جا پا می‌گذارد سرسبز است و درحالی که زینت او بر سرش می‌باشد، هیچ درنده‌ای مزاحم او نمی‌شود.^۱
 امام صادق علیه السلام درباره قول خداوند تعالی در قرآن «مد هامتان»^۲ می‌فرماید:
 يتصل ما بين مكة والمدینة نخلا؛ میان مکه و مدینه را درخت‌های خرما به هم متصل می‌کند.^۳

امام علی علیه السلام در این باره می‌فرماید:

و بعد ذلك یملك المهدی مشارق الأرض مغاربها... یذهب الشر و یبقی الخیر، و یزرع الرجل الشعیر و الحنطه، فیخرج من کل من مائه من، کمال قال الله تعالی: (فی کلِّ سُنْبُلَةٍ مِائَةٌ حَبَّةٍ وَاللهُ یضاعف لمن یشاء)؛ حضرت مهدی علیه السلام شرق و غرب زمین را تسخیر می‌کند... بدی‌ها و ناراحتی‌ها را برطرف می‌کند و خیر و نیکی جایگزین آن می‌شود؛ به طوری که یک کشاورز از هر من (۳ کیلو) صد من محصول به دست می‌آورد؛ همان‌گونه که خدا فرمود: در هر سنبله صد دانه عمل می‌آید^۴ و خداوند برای هر کس که اراده نماید زیادتر می‌کند.^۵

پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله می‌فرمایند:

تَتَنَعَّمُ أُمَّتِي فِي زَمَانِهِ تَنَعُّمًا لَمْ يَتَنَعَّمْ مِثْلَهُ قَطُّ الْبَرُّ مِنْهُمْ وَالْفَاجِرُ يُرْسِلُ السَّمَاءَ عَلَيْهِمْ مِدْرَارًا وَلَا تَحْبِسُ الْأَرْضُ شَيْئًا مِنْ نَبَاتِهَا؛ امت من در زمان ظهور آن گرامی طوری از نعمت‌های الهی برخوردار می‌شود که انسان‌های خوب و بد دنیا، چنان موقعیتی را هرگز به خود ندیده‌اند. آسمان با کمال سخاوت باران خویش را فرو می‌ریزد و زمین گیاهان خود را می‌رویاند و همه جا سبز و خرم و آبادان خواهد شد.^۶

امام صادق علیه السلام به علی بن عقبه مؤدب داد:

۱. همان، ص ۳۱۶-۳۴۵.

۲. الرحمن، ۶۴.

۳. بحار الانوار، علامه مجلسی، ج ۵۱، ص ۴۹؛ تفسیر قمی، ج ۲، ص ۳۴۶.

۴. بقره، ۲۶۱.

۵. چشم‌اندازی به حکومت مهدی، نجم‌الدین طبسی، ص ۲۳۰، به نقل از: الشیعة و الرجعة، ج ۱، ص ۱۶۷.

۶. بحار الانوار، علامه مجلسی، ج ۳۶، ص ۳۶۹.

إذا قام القائم حكم بالعدل وارتفع في أيامه الجور، وأمنت به السبل، وأخرجت الأرض برکاتها، ورد كل حق إلى أهله.... وحكم بين الناس بحكم داود، وحكم محمد فحينئذ تظهر الأرض كنوزها وتبدي برکاتها، ولا يجد الرجل منكم يومئذ موضعا لصدقته ولا لبره، لشمول الغنى جميع المؤمنين؛ وقتی که قائم قیام کند، حکومت را بر اساس عدالت قرار می دهد و ظلم و جور در دوران او برچیده می شود، جاده ها در پرتو وجودش امن و امان می گردد و زمین برکاتش را خارج می سازد و هر حقی به صاحبش می رسد... و در میان مردم، همانند داود و محمد ﷺ حکم و داوری می کند. در این هنگام زمین گنج هایش را آشکار می سازد و برکات خود را ظاهر می کند و کسی موردی را برای انفاق و صدقه و کمک مالی نمی یابد؛ زیرا همه مؤمنان بی نیاز و غنی خواهند شد.^۱

در آیات قرآن نیز خداوند به کسانی که در راه خدا انفاق می کنند وعده داده است که عمل آنها مانند دانه ای که کاشته شده و ۷۰۰ برابر محصول بدهد پاداش خواهد داشت. از آنجا که مثل های قرآن موهومی نیست می توان دریافت که روزی فرا خواهد رسید که این مثال به واقعیت خواهد پیوست، کما اینکه هم اکنون نیز گاهی تولیدات غیر قابل تصور به صورت خاص دیده می شود که شاید خداوند می خواهد با این گونه محصولات غیر قابل تصور هضم قضیه را برای بشر آسان کند.

﴿مَثَلُ الَّذِينَ يُنْفِقُونَ أَمْوَالَهُمْ فِي سَبِيلِ اللَّهِ كَمَثَلِ حَبَّةٍ أَنْبَتَتْ سَبْعَ سَنَابِلٍ فِي كُلِّ سُنْبُلَةٍ مِائَةٌ حَبَّةٌ وَاللَّهُ يُضَاعِفُ لِمَنْ يَشَاءُ وَاللَّهُ وَاسِعٌ عَلِيمٌ﴾ کسانی که اموال خود را در راه خدا انفاق می کنند، همانند بذری هستند که هفت خوشه برویانند؛ که در هر خوشه، یک صد دانه باشد؛ و خداوند آن را برای هر کس بخواهد (و شایستگی داشته باشد)، دو یا چند برابر می کند؛ و خدا (از نظر قدرت و رحمت)، وسیع، و (به همه چیز) داناست.^۲

در تفسیر نمونه در این رابطه آمده است:

۱. همان، ج ۵۲، ص ۳۳۹؛ /رشاد، شیخ مفید، ج ۲، ص ۳۸۴.

۲. بقره، ۲۶۱.

کوتاه سخن اینکه؛ در مورد هر تشبیهی علاوه بر ادات تشبیه سه چیز لازم است، (مشبه) و (مشبه به) و (وجه تشبیه)، در اینجا (مشبه) انسان انفاق کننده است و (مشبه به) بذرهای پربرکت و وجه تشبیه نمو و رشد آن است و ما معتقدیم که انسان انفاق کننده در پرتو عملش رشد فوق‌العاده معنوی و اجتماعی پیدا می‌کند و نیازی به هیچ‌گونه تقدیر نیست. شبیه این معنی در آیه ۲۶۵ همین سوره آمده است. این نکته نیز در میان مفسران مورد بحث است که تعبیر به «انبت سبع سنابل فی کل سنبله مائة حبة» که اشاره به دانه‌ای است که هفت صد دانه یا بیشتر، از آن به دست می‌آید، یک تشبیه فرضی است که وجود خارجی ندارد (زیرا در مورد دانه‌های گندم هرگز از یک دانه هفت صد دانه برنخاسته است) و یا منظور دانه‌هایی همچون دانه‌های ارزن است، ولی جالب اینکه چند سال قبل که سال پربارانی بود، در مطبوعات این خبر انتشار یافت که در بعضی از شهرهای جنوبی، در پاره‌ای از مزارع بوته‌های گندمی بسیار بلند و پرخوشه دیده شده که در بعضی موارد در یک بوته، حدود چهار هزار دانه گندم شمارش شده است و این خود می‌رساند که تشبیه بالا، یک تشبیه کاملاً واقعی است نه خیالی.

جمله (یضاعف) از ماده (ضعف) (بروزن شعر) به معنی دو برابر یا چند برابر است و با توجه به آنچه در بالا اشاره شد که دانه‌هایی پیدا می‌شود که چند هزار دانه محصول می‌دهد، این تعبیر نیز یک تشبیه واقعی است. پندار اینکه خداوند عاجز است که از یک دانه گندم هفتصد دانه پدید آورد بی شک پنداری عبث است زیرا تا ۵ سال پیش کدام انسانی می‌توانست مفهوم روایتی که می‌فرماید «امام زمان در کنار کعبه می‌ایستد و صحبت می‌کند و همه صدای ایشان را می‌شنوند» درک کند. اکنون با پیشرفت بشر در عرصه‌های مختلف حتی دستیابی بشر با علم ناچیز خود به بسیاری از اموری که قبلاً محال می‌نمود آسان شده است؛ چه رسد به قدرت بی‌انتهای الهی. با اندکی تعقل در روایت می‌توان دریافت که تأویل این آیه در زمان ظهور امام عصر خواهد آمد.^۱

امیر مؤمنان علیه السلام می‌فرماید:

۱. تفسیر نمونه، آیت الله ناصر مکارم شیرازی، ذیل آیه ۲۶۱ سوره بقره.

پس مهدی علیه السلام فرماندهان خود را به سایر شهرها می فرستد و دستور رعایت عدل در بین مردم را می دهد و گوسفند و گاو در یکجا می چرند. کودکان با مار و عقرب بازی می کنند و ضرری به آنان نمی رسد. شر و بدی برود و خیر و خوبی باقی ماند. آدمی یک مد (یک چارک) بکارد و هفتصد چارک بیرون آرد؛ چنانکه خدای متعال فرماید: «مانند دانه ای که برویاند هفت خوشه را در هر خوشه ای صد دانه باشد و خدا می افزاید برای هر کس که بخواهد» و ربا و زنا و شراب خواری و ریا برود و مردم روی به عبادت و امر مشروع و دیانت و نماز جماعت ها آورند و عمرها طولانی شود و امانت ها ادا گردد و درختان بارور شوند و برکت ها افزون گردد و بدان نابود شوند و نیکان باقی مانند و کسی از دشمنان اهل بیت علیهم السلام باقی نمانند.^۱

ظهور برکت در تولیدات کشاورزی، دامی و نزول رحمت الهی و بهره مندی مومنین در عصر ظهور از علم لایزال الهی به هیچ وجه به معنی توقف یا کاهش تلاش انسان در زندگی نیست بلکه موارد تاریخی از جمله استفاده حضرت یوسف از علم الهی برای پیشگویی درباره خشک سالی هفت ساله، علم گیاه شناسی برای نگهداری انواع غلات و علم عمران برای ساخت سیلوها باعث توقف تلاش مردم آن دوره نشد، بلکه با بهره مندی از علم الهی و تلاش برای ساخت سیلو و نگهداری مواد غذایی، دوره خشک سالی با تامین مواد غذایی با کیفیت، با کمترین هزینه انجام شد.

امروزه در یک هکتار مزرعه گندم ۲۰۰ تا ۴۰۰ کیلوگرم بذر کاشته شده و ۲ تا ۱۲ تن برداشت می شود، یعنی حداکثر ۶۰ برابر، حال آیا خداوند نمی تواند این تولید را افزایش دهد و به جای ۱۲ تن ۱۰۰ تن تولید شود. در روایات اشاره شده است که امام عصر زمین را به زمین دیگری دگرگون می سازد؛ بر این اساس علاوه بر تغییرات در ظاهر زمین، ممکن است بسیاری از معادلات حاکم بر طبیعت و زمین نیز تغییر یابد.

برای اثبات این که تولید چند صد برابر شرایط فعلی امری محال نیست برخی محصولات

۱. عقد الدرر، شافعی سلمی، یوسف، ص ۱۵۹؛ القول المختصر فی علامات المهدی المنتظر، ابوالعباس احمد بن محمد، ص ۲۰.

که ابعاد غیرعادی داشته‌اند معرفی می‌گردد.

تولید برخی محصولات کشاورزی با ابعاد غیرعادی

در این بخش تصاویر برخی محصولات کشاورزی که ابعاد غیرقابل باوری داشته و همه تئوری‌ها را پشت سر گذاشته‌اند نشان داده شده است. هدف از نشان دادن این تصاویر این نیست که بگوییم خداوند در عصر ظهور ابعاد محصولات تولید شده را بزرگ می‌کند. چگونگی افزایش تولید نامعلوم است، ولی با نگاهی مختصر می‌توان دریافت که برای افزایش تولید در یک مزرعه راه‌های مختلفی از قبیل افزایش تعداد دانه‌ها یا میوه‌های تولیدی، افزایش وزن و اندازه آن‌ها، افزایش تعداد دفعات برداشت محصول، رشد سریع‌تر و افزایش تعداد دفعات کاشت در سال و راه‌های متعدد دیگر وجود دارد که خداوند به هر یک از آن روش‌ها ممکن است در عصر ظهور به محصولات تولیدی برکت دهد. این را نیز نباید از نظر دور داشت که بالاترین برکتی که ممکن است خداوند به زندگی یک انسان عطا کند رضایت، قناعت و گشادگی خاطر است.



شکل ۷- سیب‌زمینی و هندوانه غیرعادی



شکل ۸- کدو حلوائی ۹۳۳ کیلویی در آمریکا جایزه گرفت



شکل ۹- انگور و کلم غیرعادی



شکل ۱۰- پیاز غیرعادی

امام باقر علیه السلام درباره آیه شریفه ۹۶ سوره اعراف از امام حسین علیه السلام روایت کرده است که ایشان درباره آیه ﴿وَلَوْ أَنَّ أَهْلَ الْقُرَىٰ آمَنُوا وَاتَّقَوْا لَفَتَحْنَا عَلَيْهِم بَرَكَاتٍ مِّنَ السَّمَاءِ وَالْأَرْضِ وَلَٰكِن كَذَّبُوا فَأَخَذْنَاهُم بِمَا كَانُوا يَكْسِبُونَ﴾ فرمود:

..... به همه ی شیعیان خبر دهند که مهدی آل محمد علیهم السلام ظاهر شده است، ملائکه خاک از روی شیعیان ما بیفشانند و مقامشان را در بهشت معرفی کنند دیگر روی زمین کور و نه زمینگیری و دردمندی نماند! به برکت ما اهل بیت خدا همه را شفا بخشد، برکت از آسمان به زمین فرود آید به طوری که درخت تاب کشیدن میوه را نداشته باشد. میوه تابستانی در زمستان خورند و میوه زمستانی در تابستان، چنانکه خدا می فرماید: (اگر ایمان می آوردند و پرهیزکار می شدند، درهای برکت را از آسمان و زمین برایشان می گشودیم، ولی تکذیب کردند). سپس خداوند

کرامت به شیعیان ما دهد که هیچ چیز در زمین از نظرشان مخفی نماند.^۱
 در خصوص برکت یافتن زندگی انسان در عصر ظهور منجی موعود، در کتب سایر ادیان الهی نیز آیات متعددی وجود دارد. برای نمونه در کتاب حزقیال نبی آمده است:
 درختان را وادار می کند تا هر ماه میوه بیاورند و انسان از آن میوه ها می خورد و شفا می یابد و بر لب آن نهر در این طرف هر نوع درخت خوراکی خواهد رویید که برگ آن پژمرده نخواهد شد و میوه اش تمام نخواهد گشت (۴۴).

۱. الخرائج و الجرائح، قطب راوندی، ج ۲، ص ۵۰۸.

فصل سوم: سلامت، بهداشت و درمان قبل و بعد از ظهور

خلاصه فصل

طی چند دهه اخیر گسترش بیماری‌هایی مانند سکته، سرطان، ایدز، آلزایمر، ام اس، دیابت، انواع بیماری‌های هورمونی و خونی مانند چربی خون، انواع کمردرد و دیسک کمر، انواع بیماری‌های روانی و صدها بیماری خطرناک دیگر زندگانی مردم را مورد تهدید قرار می‌دهد. گویی که دیدن یک خانواده کاملاً سالم به آرزویی تبدیل شده است. این بیماری‌ها هزینه‌های گزاف مالی و روانی بر خانواده‌ها و جامعه تحمیل کرده و اوقات زیادی را که انسان‌ها باید صرف کار و تلاش، تحصیل علم، گذراندن با خانواده، قرائت قرآن و عبادت خدا کنند، صرف مبارزه با بیماری نموده و قسمت مهمی از زندگی خود را با سختی می‌گذرانند. این اوضاع دلخراش و دردناک، در اثر آلودگی محیط زیست، سبک زندگی جدید، بدون فعالیت جسمی و فقدان معنویت که موجب بسیاری از بیماری‌های روانی است، به وجود آمده است. حکومت حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف، نورامیدی در دل انسان‌های بلازده و دردمند تائیده و تندرستی را برای جامعه‌ی بشری به ارمغان خواهد آورد. با گسترش آموزه‌های مترقی اسلام که منطبق بر فطرت انسان تدوین شده است، مصرف هر نوع غذای ناپاک، مواد مخدر، محرمات، مانند خوردن گوشت خوک و مسکرات از بین رفته و با رعایت تقوا و تعادل در تغذیه، زمینه بروز بیماری‌های روانی مانند حرص، بخل، حسد، رقابت‌های ناسالم، اضطراب فزاینده‌ای که اکنون به دلیل سبک زندگی گریبان گیر انسان شده و سایر عوامل ایجاد بیماری‌های روحی و جسمی از بین خواهند رفت. در چنین شرایطی برکات خداوند نیز، بر اساس سنت الهی بر مؤمنین نازل می‌گردد و سلامت جسم و روح که یکی از زیرساخت‌های بسیار مهم برای تربیت انسان در تراز خلیفه خداست در عموم مردم برقرار خواهد شد.

جاودانگی انسان از دید اسلام

علت علاقه انسان به زندگی در دنیا میل به جاودانگی است، زیرا برخی از انسان‌ها خیال می‌کنند که وجودشان همین وجود مادی و زندگی‌شان نیز همین زندگی دنیوی است، لذا آرزو می‌کنند که این زندگی ادامه پیدا کند. اگر انسان متوجه شود و یقین پیدا کند که حقیقت زندگی، برتر از این حیات مادی است، دیگر با آن نگاهی که قبلاً به زندگی دنیا می‌نگریست نمی‌نگرد و نظرش تغییر می‌کند.

«خداوند حالت روانی ترس از مرگ را بر اساس تدبیر حکیمانه‌ی خود در نهاد انسان قرار داده و این حالت می‌تواند زندگی انسان را از بسیاری از خطرهای برهاند و او را به مبارزه با بسیاری از بیماری‌ها وادارد. چنان‌که پایه‌ی زندگی اجتماعی، نظم و قانون بر آن نهاده شده و با وجود احکام و قوانین کیفری، ترس از مرگ و محدودیت‌ها و رنج‌هاست که افراد را وادار می‌دارد تا رفتار و روابط خود را با قانون هماهنگ کرده، دست از پا خطا نکنند و در همه جا با رفتار و مشی عاقلانه، زندگی خود را از خطر برهانند.

می‌توان گفت منشأ اصلی ترس از مرگ، جهل به حقیقت مرگ و تحلیل و تفسیر نادرست از آن است. اگر مرگ به معنای نیستی و نابود شدن جبری و حتمی انسان باشد و او بپندارد ناخواسته نابود می‌شود، پیوسته در ترس و وحشت به سر خواهد برد، ولی اگر بداند حقیقت مرگ زوال نیست و پس از مرگ زندگی او نه تنها ادامه می‌یابد، بلکه نشانه‌های زندگی در او قوی‌تر و بارزتر می‌شود و لذت‌ها، دردها و ادراکات او عمیق‌تر خواهد شد، چنان‌که زندگی دنیا در برابر آن رنگ می‌بازد، در این صورت مسلماً وضع فرق خواهد کرد. انسانی با این دید و با چنین تفسیری از مرگ، دیگر ترس از نابودی را به خود راه نمی‌دهد، بلکه با این بینش که ﴿الْإِنْسَانُ نِيَامٌ فَإِذَا مَاتُوا انْتَبَهُوا﴾ انسان‌ها در خواب‌اند، آنگاه که می‌میرند از خواب بیدار می‌شوند؛^۱ زندگی محسوس و مادی را که ما زندگی می‌نامیم خواب می‌داند و مرگ بدن را بیدار شدن» (۴۵).

۱. بحار الانوار، علامه مجلسی، ج ۵۰، ص ۱۳۴، ح ۱۵.

سلامت، بهداشت و درمان در عصر حاضر

هیچ کس منکر خدمات بسیار با ارزش پزشکی در دنیای کنونی نیست. دانشمندان، پزشکان، داروسازان و پرستاران بسیاری عمر خود را برای کمک به سلامت و بهداشت نوع بشر صرف نموده و پیشرفت‌های خیره‌کننده‌ای با تکیه بر علم (علم الهی)، تلاش و همت دوستی به جامعه بشری عرضه کرده‌اند. این‌ها جزء بهترین فرزندان و نخبگان جامعه‌ی انسانی به شمار می‌روند و انبیاء و اولیای الهی، از جمله امام عصر عجل الله تعالی فرجه الشریف نیز با تکیه بر همین نخبگان، دانشمندان و فرزندان جامعه‌ی انسانی آرمانی را بنا خواهد نمود. اما در بعد دیگر، سبک زندگی، تغذیه، مصنوعات، اخلاق، سبک اداری، سبک تحصیلی و بسیاری از عوامل دیگر که رهاورد دنیای مدرن است، باعث افزایش بیماران و بروز بیماری‌های پیچیده شده است. بنابراین گفتن و نوشتن از بیماری‌ها و دردمندی بشر در دنیای امروز به مفهوم انتقاد از پزشکی و جامعه‌ی پزشکی نیست، بلکه این قشر فرزانه ضربات ناشی از سبک ناصحیح زندگی که در جامعه انسانی جاری شده است را جذب نموده و از اثرات سوء آن می‌کاهند. در آنطرف عده‌ای نیز همان‌گونه که در فصول قبل به آن اشاره شد در صددند، فناوری را به حدی پیشرفته نشان دهند که می‌تواند همه‌ی آرزوهای بشر حتی جاودانگی انسان را تامین نماید. برای اینکه روشن گردد، چنین ادعایی صحیح نیست و فناوری کنونی اگر چه باعث سهولت انجام بسیاری امور شده است، اما ظرفیت تامین همه‌ی خواسته‌های بشر را ندارد و همزمان ضربات جبران‌ناپذیری نیز از برخی فناوری‌ها برپیکره بشر و محیط زیست او وارد شده است، به بررسی این موضوع پرداخته می‌شود.

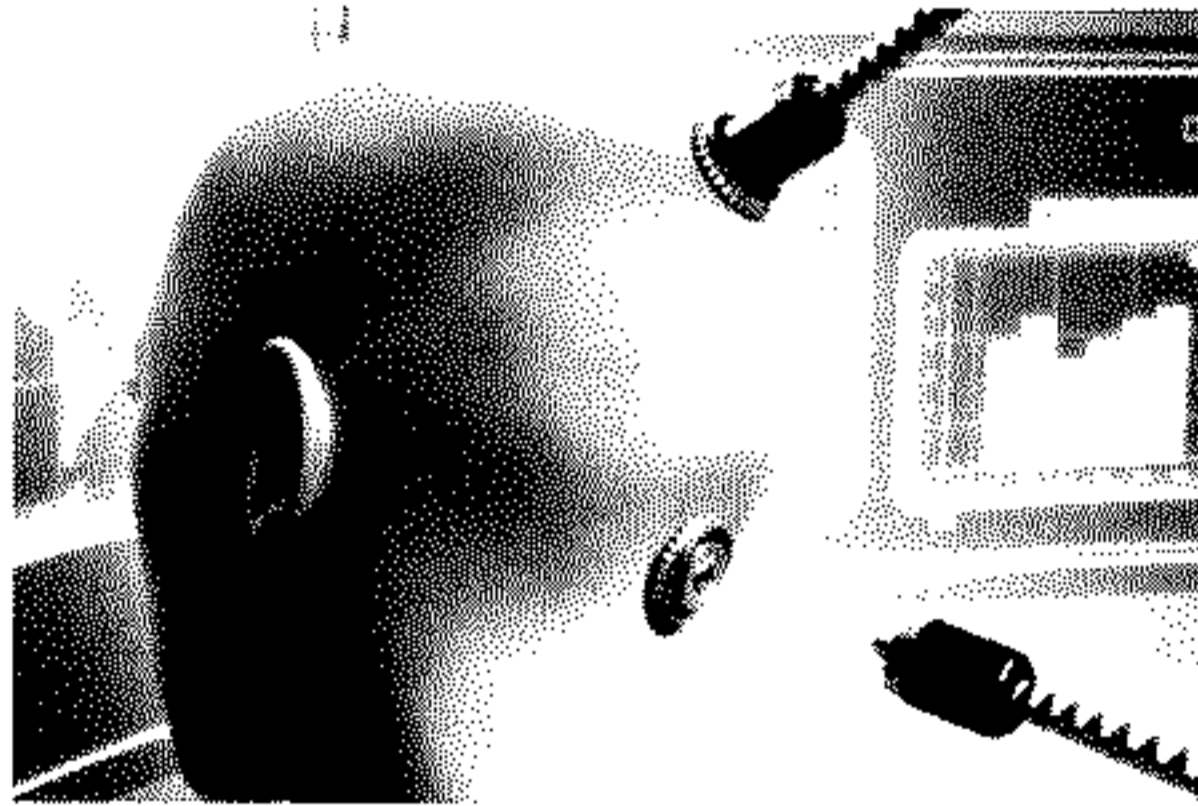
زمانی که در قرن نوزدهم میلادی میکروب کشف شد برخی فکر کردند که عزرائیل را شکست داده و انسان را جاودانه کرده‌اند. از آن روز تاکنون صدها بیماری کنترل شده، اما صدها بیماری جدید و ناشناخته دیگر به وجود آمده است. ادعای غلبه بر مرگ تا جایی پیش رفته است که یک کارآفرین زوس به نام «دیمتری ایتسکوف» که رهبری یک پروژه جاه‌طلبانه با نام آواتار را برعهده دارد، با تعدادی از میلیاردرها تماس گرفته است تا به آن‌ها جاودانگی را پیشنهاد کند. به این میلیاردرها پیشنهاد شده است که در ازای پرداخت مبلغی فاش نشده،

نامیرا شوند. او ادعا می‌کند که برای رسیدن به این هدف، ۳۰ دانشمند را به استخدام خود درآورده است. هدف گروه این است که امکان پیوند مغز انسان را به کالبد روباتیک در عرض ۱۰ سال مهیا کنند. او عقیده دارد که چنین ایده‌ای دیگر یک خواب و خیال نیست و تمدن ما به ایجاد چنین فناوری بسیار نزدیک شده است. در راستای رسیدن به چنین هدفی بود که نامه‌هایی به میلیاردرهای فهرست شده در نشریه فوربس نوشت تا آن‌ها را از پروژه خود مطلع کند. ایتسکوف، در این نامه، پروژه خود را جاودانگی سایبرنتیک^۱ و کالبد مصنوعی نام گذاشته است. این پروژه‌ی ابتکاری، عملاً تابستان ۲۰۱۵ میلادی در دفتری در سانفرانسیسکو شروع شد، اعضای این گروه، قصد دارند یک مرکز پژوهشی بین‌المللی ایجاد کنند تا در آن دانشمندان برجسته در زمینه‌هایی مانند روبات‌های آدم‌نما، مدل‌سازی سامانه‌های زنده، مغز و مدل‌سازی هوشیاری، هدف بلندپروازانه انتقال مغز انسان را به یک حامل مصنوعی پی‌بگیرند و به هدف نهایی که نامیرایی سایبرنتیک است، برسند. به این ترتیب اگر ما وجود یک شخص را مترادف با اندیشه و ذهنیات او در نظر بگیریم، دیگر بیماری و کهولت سن و مرگ، باعث مرگ یک شخص نمی‌شوند. ایتسکوف امیدوار است که در طی ده سال امکان پیوند مغز به کالبد روباتیک فراهم شود و در مرحله بعد، حتی بدون جراحی بشود، اندیشه‌ها را آپلود کرد، این کار در فاز سوم طرح انجام خواهد شد و بسیار هیجان‌انگیزتر از دو مرحله قبلی است (۴۶). غیر از این شخص، افراد بسیار زیاد دیگری موضوع ادغام هوش بیولوژیک انسان را با هوش مصنوعی و ماشینی مطرح کرده و از این طریق به گمان خود، به دنبال جاودانه ساختن انسان هستند. ایلان ماسک، نابغه بنیان‌گذار کمپانی‌هایی نظیر تسلا (خودروهای الکتریکی) و اسپیس‌ایکس (اولین کمپانی خصوصی فعال در زمینه فضا) پروژه بلندپروازانه‌ای در سردارد که قصد دارد با کمپانی نیورالینک^۲ به آن جامه عمل بپوشاند. نیورالینک اتصالی مستقیم میان مغز انسان‌ها و دنیای کامپیوتر برقرار خواهد کرد. این کارآفرین تاریخ‌ساز که از دیرباز رویای ارسال انسان‌ها به مریخ را در سرداشته، می‌خواهد با

۱. علمی که از مناسبات انسان و ماشین بحث می‌کند.

2. Neuralink.

تکنولوژی جدیدش شبکه عصبی مغز انسان‌ها را با الکترودهایی متصل به مغز به کامپیوترهایی وصل کند که می‌توانند پردازش‌هایی بی‌سابقه روی مغز انجام دهند. ترابشریت نیز یک جنبش فکری و فرهنگی است که تلاش می‌کند به صورتی عمیق دریابد چه چیزی از ما یک انسان ساخته و چگونه خواهیم توانست از محدودیت‌های طبیعی خود فراتر رویم. این جنبش عقیده دارد که برای ما ضروریست که توانمندی‌های خود را بهبود بخشیده و آنچه به عنوان مانع و محدودیت بر سر راه این توانمندی‌ها قرار می‌گیرد قابل عبور و گذر است. از همه مهم‌تر، ترابشریت باور دارد که تکنولوژی و علم، کلید پرش ما از روی این موانع خواهد بود.



شکل ۱۱- ترابشریت

از این گونه آرزوها و ادعاها در سده اخیر زیاد بوده است. این‌ها برای جاودانگی تلاش‌های بی‌وقفه و ادعاهای کرده‌اند اما در ۱۰۰ سال اخیر نتوانسته‌اند عمر بشر را به مقدار قابل توجهی افزایش دهند، در حالی که اگر بشر به خدا ایمان بیاورد، عمل صالح انجام دهد و تقوا پیشه کند جاودانه می‌شود.^۱ ادعای افزایش عمر انسان‌ها در سده اخیر نیز یک ادعای مشکوک است؛ زیرا به دلیل سبک زندگی جدید، بشر نیمی از عمر خود را در حصار انواع بیماری‌ها می‌گذراند و همه‌روزه باید با حسگرهای خانگی انواع و اقسام داده‌های حیاتی خود مانند قند، فشار و چربی خون را کنترل نموده و با بالا و پایین شدن آن‌ها به اضطراب او اضافه می‌شود. در حالی برخی ادعای تلاش برای جاودانگی می‌کنند که بیماری‌های مهلک، روزبه‌روز افزون شده و

۱. ﴿وَالَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ أُولَٰئِكَ أَصْحَابُ الْجَنَّةِ هُمْ فِيهَا خَالِدُونَ﴾، و آنها که ایمان آورده و کارهای شایسته انجام داده‌اند، آنان اهل بهشتند و همیشه در آن جاودان خواهند ماند ﴿﴾؛ (بقره: ۸۲).

گسترش روزافزون صنایع دارویی و کالاهای پزشکی، انرژی بسیاری از انسان‌ها را به خود مشغول ساخته است. تلاش بی‌وقفه پزشکان، داروسازان، مهندسين و پرستاران نیز که موجب کاهش اثرات مهلك سبک زندگی جدید شده است، نتوانسته این اثرات را کاملاً خنثی سازد.

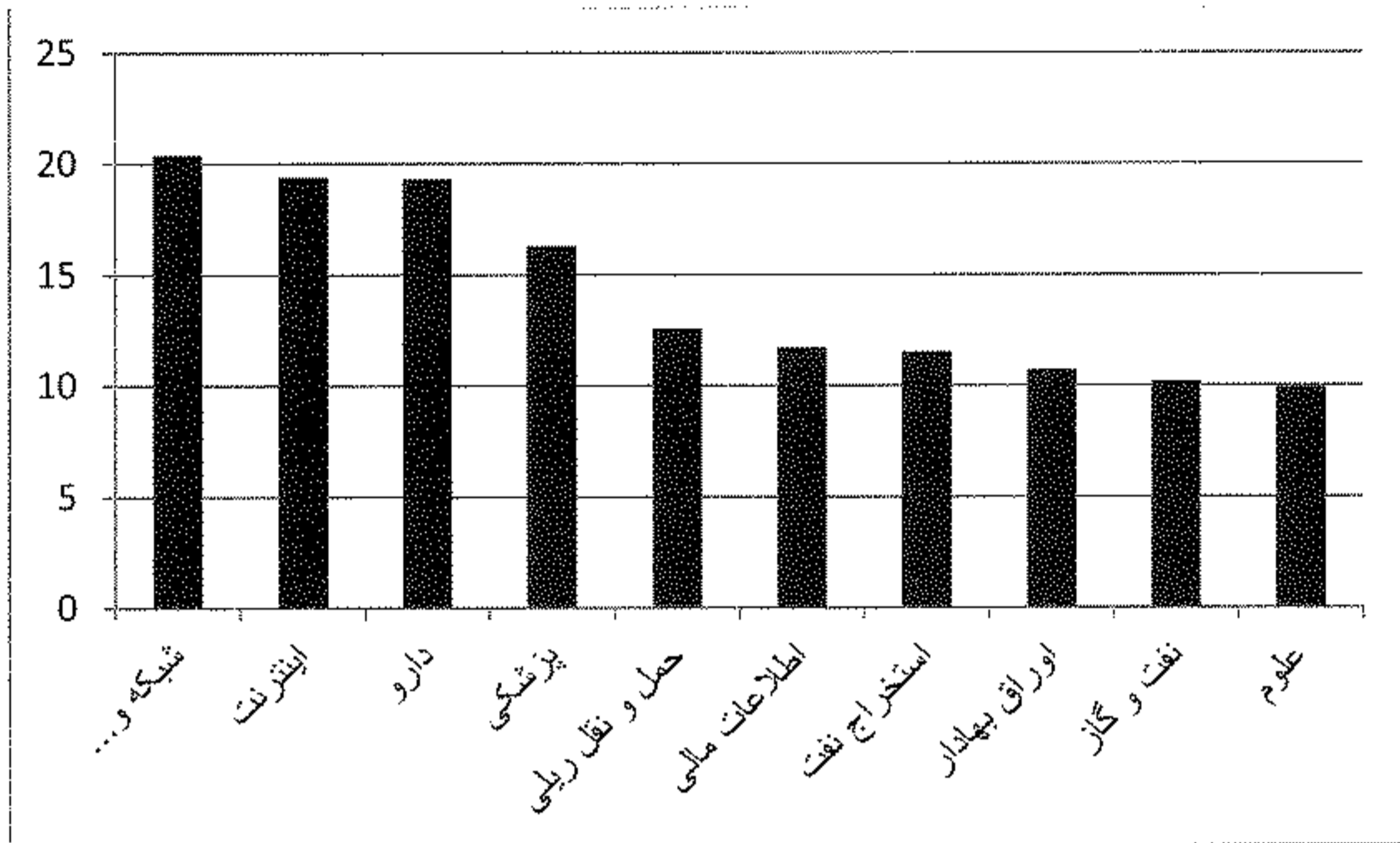
سبک زندگی امروزی، نوع و روش تغذیه، آلودگی مواد غذایی به انواع سموم و کودهای شیمیایی، روش طبخ نامناسب، چرب بودن غذا، مصرف بیش از اندازه برخی از مواد غذایی، پرخوری، تندخوری، تنش‌های روانی، امواج، اضطراب، افسردگی، دوری از معنویت و ده‌ها عامل دیگر باعث افزایش تعداد، تنوع و پیچیدگی بیماری‌ها شده است. به همین دلیل روز به روز بر تعداد پزشک، پرستار و سایر کارکنان در بخش سلامت افزوده شده، تعداد و میزان تولید دارو، تعداد داروخانه‌ها، تعداد شرکت‌های داروسازی و سرمایه‌گذاری در بخش دارو و درمان افزوده می‌شود. علی‌رغم این همه سرمایه‌گذاری و وجود نیروی انسانی؛ همه روزه تعداد بیمارانی که باید اوقات زندگی خود را با سلامتی و خوشی در کنار خانواده خود بگذرانند و عبادت خدا را کنند، قسمت مهمی از عمر خود را با انواع دردها و صرف هزینه‌ی گزاف برای درمان بیماری‌ها به سربرده و عمرگران‌بهای خود را در بیماری به سر می‌برند. افرادی که بیش از ۴۰ سال سن ندارند به خاطر می‌آورند که در هر شهر، یکی دو نفر پزشک و یک داروخانه کوچک وجود داشت، ولی امروزه برای هر عضو و غده موجود در بدن یک رشته پزشکی و در هر خیابان چند مطب پزشک، داروخانه و درمانگاه وجود دارد. این آمار برای جامعه دردمند آمار خوبی است و متصدیان امر با ذوق زدگی آن را بیان می‌کنند ولی در ارزیابی کیفیت زندگی بشر، آمار بسیار بدی به حساب آمده و نشانگر یک جامعه انسانی دردمند و بیمار است.

تعداد کل پزشکان در کشور ما از حدود ۲۰ هزار نفر در سال ۱۳۶۰ به حدود ۱۱۱۰۰۰ هزار نفر در سال ۱۳۹۱ رسیده است. وزارت بهداشت، درمان و آموزش پزشکی در کشور ما، در سال ۱۳۹۲، دارای بیش از ۱۰ هزار عضو هیات علمی، تعداد ۹۰۰ بیمارستان فعال و ۲۵۰ هزار پرستار بوده است. تعداد دانشکده‌های پرستاری و مامایی تابع دانشگاه‌های علوم پزشکی و خدمات بهداشتی، درمانی ۸۲ دانشکده و جمع مراکز تربیت پرستار در کشور ۱۶۰ مرکز بوده است.

تعداد دانشکده‌های پرستاری و مامایی دانشگاه آزاد ۷۸ و جمع مراکز تربیت پرستار در کشور ۱۶۰ مرکز و اعضای هیات علمی حدود یک هزار و ۲۰۰ نفر دولتی و ۷۰۰ نفر دانشگاه آزاد هستند (۴۷). این آمار بیانگر عمق افزایش بیماری و نیاز به دارو و درمان در جامعه‌ی امروزی بشر است. برخلاف ادعای گوش خراش مدعیان، همه ساله بر تعداد بیماری‌های ناشناس و لاعلاج، بیماران، داروهای پیچیده و گران، بیمارستان‌ها، پزشکان و کارخانه‌های داروسازی و مصرف دارو اضافه می‌شود.

فروش سالانه دارو در ایران بالغ بر ۵/۲ میلیارد دلاری باشد (۴۸). بودجه‌ای که در سال ۲۰۰۹ در جهان صرف تحقیق و توسعه‌ی دارو شده است، بالغ بر ۷۵ میلیارد دلار بوده است، یعنی چیزی معادل ارزش کل دارایی‌های موجود در بازار سرمایه کشورمان در آن سال، در کشور آمریکا سالانه معادل ۱۷ درصد فروش دارو صرف تحقیق، توسعه و نوآوری می‌شود که از دیگر صنایع آن به مراتب بیشتر است. این مقدار در سایر صنایع با فناوری بالا، ۱۰ درصد و در صنعت خودرو ۳/۹ درصد است. تعداد ۱۲ شرکت داروسازی پیشرو در جهان سالانه معادل ۳۴ درصد از فروش محصولات خود را صرف به روزرسانی دانش تخصصی و تجویز دارو از سوی پزشکان و بازاریابی دارویی می‌نمایند.

بر اساس نتایج طبقه‌بندی، ۵۳ صنعت سودآور جهان که از سوی مجله‌ی فورچون در سال ۲۰۱۰ منتشر شده است، صنعت داروسازی با ۱ درصد اختلاف نسبت به دو صنعت شبکه و خدمات اینترنتی یکی از سودآورترین صنایع جهان بوده است. صنایع نفت و گاز در رتبه نهم و کالاهای پزشکی در رتبه چهارم بوده‌اند. از نظر سرمایه‌گذاری پس از صنایع غذایی و محصولات مربوط به ایمنی، خدمات سلامتی و داروخانه‌ای صنایع دارویی در رتبه سوم بوده است. شکل ۱۲، ترتیب ده صنعت برتر جهان از نظر سرمایه‌گذاری را نشان می‌دهد (۴۹).



شکل ۱۲- مقایسه‌ی سودآوری صنعت دارو با دیگر صنایع

جمع تولید ناخالص داخلی^۱ کل کشورهای جهان در سال ۲۰۱۱، رقم ۷۰ تریلیون دلار (۷۰ هزار میلیارد دلار) بود که حدود ۱۳/۱ درصد این رقم یعنی نزدیک به ۹ تریلیون دلار در بخش سلامت هزینه شده است. حدود یک تریلیون دلار از این رقم نیز حجم بازاری دارویی جهان بوده است. به نظر می‌آید در سال ۲۰۱۶ این یک تریلیون دلار به حدود یک تریلیون و ۲۰۰ میلیارد دلار بالغ شود (افزایش ۲۰ درصدی) (۵۰).

طبق آمار سازمان جهانی بهداشت و همچنین سازمان تجارت جهانی، صنعت داروسازی از بین ۵۲ صنعت سودآور دنیا رتبه سوم را کسب کرده است. طبق همین آمار حجم کل تجارت جهانی دارو ۶۰۲ میلیارد دلار در سال ۲۰۰۵ و ۷۱۰ میلیارد دلار در سال ۲۰۰۷ بود. سرانه مصرف دارو در دنیا به رقمی نزدیک ۱۰۰ دلار رسیده است. تمامی این آمار گواه توجه بیش از حد مافیا و شرکت‌های دارویی در سرمایه‌گذاری در این بخش و همچنین تبلیغات گسترده، به دلیل سود سرشار آن دارد.

تعداد زیاد شرکت‌های دارویی در دنیا نشان از اهمیت ویژه اقتصادی این بخش دارد. در این

1. Gross Domestic Product (GPD).

بین ایالات متحده آمریکا با داشتن ۱۳ شرکت در رتبه اول و ژاپن با ۱۰ شرکت رتبه دوم را داراست. آنچه در این بین مهم به نظر می‌رسد این است که خبرگزاری‌های این تمدن نیز گسترش صنایع داروسازی، سودآوری آن و گسترش روزافزون بیمارستان‌ها، تعداد پزشکان و تخصص‌ها را با ذوق زدگی به عنوان یک معیار پیشرفت جامعه بشری معرفی می‌کنند، در حالی که اگر به حقیقت موضوع عمیق‌تر نگریسته شود این داده‌ها حکایت از گسترش بیماری در جهان و کاهش سلامت جسمی و روحی انسان دارد که باعث گسترش روزافزون پزشکی، مهندسی پزشکی و داروسازی شده است. اگر تمدن و سبک زندگی آن، انسان سالم پرورش دهد چه نیازی به افزایش روزافزون دارو و درمان خواهد بود؟

تقلب و وجود شرایط غیراخلاقی در بخش‌هایی از تولید دارو

طبق آمار رسمی سازمان جهانی بهداشت داروهای قلبی سالانه ۳۵ میلیارد دلار سود برای مافیا دارند که بیشتر آن‌ها در کشورهای در حال توسعه به فروش می‌رسند. مافیای جهانی اکثراً این داروها را نخست در کشورهای فقیر آفریقا و آمریکای لاتین رواج می‌دهند و سپس بازار کشورهای در حال توسعه را هدف قرار می‌دهند. وبگاه اینترنتی «دارک پولتیکس» در این باره می‌نویسد: اکثر داروهای قلبی و روان‌گردان در طی پروژه‌های بشردوستانه و کمک به جنگ‌زدگان بر روی انسان‌ها تست شده‌اند و بعد از معتاد شدن افراد، شرکت‌ها با سودهای سرشار داروهایشان را وارد دیگر کشورها می‌کنند. این وبگاه ادامه می‌دهد که بسیاری از قبایل سرخپوست و قبایل دورافتاده آفریقایی در معرض برنامه شرکت‌ها برای آزمایش و تست داروهای جدید قرار می‌گیرند. همچنین طبق گزارش‌های رسمی سازمان جهانی بهداشت بین ۱۰ تا ۱۵ درصد داروهای دنیا قلبی هستند. به عنوان نمونه داروهای قلبی ۵۰ درصد بازار دارویی نیجریه و پاکستان را به خود اختصاص داده‌اند. تعداد قربانیان داروهای قلبی سالانه به همان میزان که در کشورهای در حال توسعه تکان دهنده است، در کشورهای توسعه یافته هم حایز اهمیت است. شبکه‌های تبهکار سالانه بیش از ۴۵ میلیارد یورو از تجارت این داروها به جیب می‌زنند (۵۱).

آمارهای یادشده از این جهت اهمیت دارد که ما را در رسیدن به این دیدگاه که بشر در حال

حاضر شرایط مناسبی از نظر سلامت جسم و روح ندارد کمک می کند. چشم اندازی هم وجود ندارد که از میزان درد، بیماری و مصرف دارو در جامعه بشری که در تمدن کنونی نفس می کشد کاسته شود. سؤال این است که آیا با وجود این همه درد و بیماری، مجتمع انسان می تواند روی خود را به سمت خدا کند و به آرامش قلبی برسد؟ آیا بشر با این شرایط جسمی و روحی می تواند خلیفه خدا شود، آیا این شرایط می تواند به جامعه مهدوی تسری یابد؟

امیر مؤمنان علیه السلام درباره شرایط جامعه پیش از ظهور می فرماید:

بَيْنَ يَدَيِ الْقَائِمِ مَوْتُ أَحْمَرَ وَمَوْتُ أبيضٌ وَجَرَادٌ فِي حِينِهِ وَجَرَادٌ فِي غَيْرِ حِينِهِ أَحْمَرٌ كَالْوَانِ الدَّمِ
فَأَمَّا الْمَوْتُ الْأَحْمَرُ فَالسَّيْفُ وَأَمَّا الْمَوْتُ الْأَبْيَضُ فَالطَّاعُونَ؛ پیش از ظهور قائم (عجل الله
تعالی فرجه الشریف) دو گونه مرگ فراوان می گردد؛ مرگ سرخ و مرگ سفید که مرگ
سفید، همان گسترش طاعون است.^۱

قرن بیست و یک علاوه بر ویژگی هایی مانند پیشرفت تکنولوژی و گسترش ارتباطات انسانی، قرن بیماری های نوین و ناشناخته است، بیماری هایی مانند ابولا، سارس و آنفولانزای پرنندگان. برای آشکار شدن میزان درگیری بشر امروزی با بیماری های خطرناک تعداد اندکی از آن ها مورد بررسی قرار می گیرند:

ویروس ابولا که نخستین بار در سال ۱۹۷۶ میلادی شناخته شد از کشنده ترین ویروس هایی است که باعث بیماری شدید در انسان ها و پستانداران می شود. در سال ۱۹۹۵ حدود ۸۰ درصد از مبتلایان به این ویروس جان خود را از دست دادند (۵۲).

سارس، نوعی بیماری خطرناک تنفسی است که از سال ۲۰۰۲ شیوع پیدا کرده است. این بیماری علاوه بر بیمار کردن دهها هزار نفر، اثرات مخرب اقتصادی برجای گذاشته است، به گونه ای که سازمان های بین المللی، خسارات اقتصادی شیوع سارس را تاکنون حدود ۳۰ میلیارد دلار تخمین زده اند (۵۳).

سندروم تنفسی خاورمیانه (MERS) ویروسی شبیه به سارس است. این ویروس نوعی

۱. /ارشاد، شیخ مفید، ج ۲، ص ۳۷۲؛ الغیبه، نعمانی، ص ۲۷۷؛ الغیبه، شیخ طوسی، ص ۲۶۷؛ بحار الانوار، علامه مجلسی، ج ۵۲، ص ۲۱۱.

کروناویروس جدید است که در پستانداران ایجاد بیماری‌های تنفسی می‌کند. این ویروس در سال ۲۰۱۲ میلادی پدیدار شد. این بیماری از همه کروناویروس‌های شناخته شده، کشنده‌تر و خطرناک‌تر است.

آنفلوآنزای خوکی نیز از دیگر بیماری‌های عفونی قرن اخیر است که افراد بسیاری به واسطه آن جان خود را از دست داده‌اند. آنفلوآنزای مرغی نیز نوعی دیگر از بیماری‌های ویروسی قرن ۲۱ است که از پرندگان به انسان منتقل می‌شود. این بیماری کاملاً کشنده و مهلک است. ویروس آن از سال ۲۰۰۳ میلادی در آسیا منتشر شد و تا سال ۲۰۰۶ میلادی وارد اروپا، خاورمیانه و آفریقا شد. در سال ۲۰۱۲ میلادی، چین دومین دوره مرگ‌ومیر مردم خود را به صورت رسمی اعلام کرد.

جنون گاوی یک بیماری کشنده و دژنراتیو عصبی مغزی قابل انتقال در گاو می‌باشد. این بیماری قابل انتقال به انسان است. در انگلستان بیش از ۱۸۰ هزار رأس گاو به این ویروس مبتلا شده بودند و ۴/۴ میلیون گاو سلاخی شده نیز حامل این ویروس بودند. با خوردن گوشت این حیوان، ویروس به انسان منتقل می‌شود.

ایدز یا سندرم نقص ایمنی اکتسابی، نوعی بیماری است که در دستگاه ایمنی و توسط ویروس نقص ایمنی (HIV) ایجاد می‌شود. سازمان ملل با انتشار گزارشی در سال ۲۰۱۱ اعلام کرد که حدود ۳۴/۲ میلیون نفر در حال حاضر مبتلا به ایدز هستند.

مالاریا مهم‌ترین بیماری انگلی و یکی از مسائل مهم بهداشتی تعدادی از کشورها، بخصوص کشورهای گرمسیری دنیا است. به گزارش سازمان بهداشت جهانی، بین سال‌های ۲۰۰۱ تا ۲۰۱۳، تعداد ۴/۳ میلیون نفر جان خود را به دلیل مالاریا از دست دادند که از این بین ۳/۹ میلیون نفر کودکان زیر پنج سال در منطقه جنوب صحرای آفریقا بودند.

وبا بیماری است که از طریق آب، توسط باکتری و بیروکلرا ایجاد می‌شود. وبا در طول تاریخ هفت بار همه‌گیری جهان گسترده داشته است. در قرن نوزدهم چندین بار در اروپا همه‌گیر شد اما امروزه وبا بیشتر در کشورهای جهان سوم به علت وضعیت ناسالم و غیربهداشتی آب‌های آشامیدنی دیده می‌شود. این ویروس در هر سال جان حدود یکصد هزار

انسان را می‌گیرد.

تب ایبولا نوعی بیماری عفونی است که با تب و خونریزی داخلی همراه است و به واسطه تماس با مایعات بدن فرد مبتلا منتقل می‌شود. این بیماری تا ۹۰ درصد خطر مرگ دارد و در کشورهای آفریقایی بیش از بقیه دنیا کشته داشته است. برای این بیماری مهلک هنوز واکسنی کشف نشده است (۵۴).

در حال حاضر متجاوز از ۲۰۰ میلیون بیمار دیابتی در جهان داریم که طبق پیش‌بینی سازمان جهانی بهداشت و فدراسیون بین‌المللی دیابت تا سال ۲۰۲۵ این میزان از ۳۳۰ میلیون فرد مبتلا فراتر خواهد رفت. آمار مبتلایان به دیابت در کشور ما متناقض و از حدود ۳ تا ۷ میلیون نفر تخمین زده می‌شود. طبق پیش‌بینی سازمان بهداشت جهانی تا سال ۲۰۳۰ جمعیت مبتلایان به دیابت به ۶ میلیون نفر خواهد رسید (۵۵). در هر ۳ ثانیه یک پا در دنیا به علت بیماری دیابت قطع می‌شود. پانزده درصد از بیماران دیابتی دچار زخم پا می‌شوند، ۱۵ درصد افرادی که دچار زخم پا می‌شوند پایشان قطع می‌شو.

فلج چندگانه یا اسکروز چندگانه که با نام اختصاری ام‌اس (MS) نیز شناخته می‌شود، یک بیماری التهابی است که باعث آسیب دیدگی در توانایی بخش‌هایی از سیستم عصبی می‌شود و باعث به وجود آمدن علائم و نشانه‌های زیادی، از جمله مشکلات فیزیکی، روانی و در برخی موارد مشکلات روان‌پزشکی می‌شود. تعداد مبتلایان به ام‌اس در جهان رو به افزایش و هم‌اکنون ۲/۵ میلیون نفر تخمین زده می‌شود.

بیماری آلزایمر یک نوع اختلال عملکرد مغزی است که به تدریج توانایی‌های ذهنی بیمار را تحلیل می‌برد. بارزترین تظاهر زوال عقل اختلال حافظه است. هم‌اکنون ۴۴ میلیون نفر در جهان با بیماری آلزایمر زندگی می‌کنند که پیش‌بینی می‌شود تا سال ۲۰۳۰ به ۶۵ میلیون و در سال ۲۰۵۰ به ۱۳۵ میلیون نفر برسد. آمار دقیق شیوع بیماری آلزایمر در ایران در دسترس نیست اما بر اساس آمار انجمن آلزایمر، به طور تخمینی حدود ۵۰۰ هزار نفر در این کشور به بیماری آلزایمر مبتلا هستند (۵۶).

داروهای تولید شده در حال حاضر نیز اگرچه باعث بهبود برخی بیماری‌ها شده و آثار برخی

دیگر را کاهش می‌دهند، اما برخی از این داروها تأثیرات منفی زیادی بر مصرف‌کننده دارند. داروهای کورتون نظیر دگزامتازون، بتامتازون و هیدروکورتیزون به علت عواقب ناگواری که برای مصرف‌کننده آن دارند به نام قاتل خاموش نامیده شده‌اند. این داروها مانند شمشیر دو لبه عمل کرده و عوارض خطرناکی به سیستم ایمنی بدن وارد می‌سازند. کورتون هرچند علائم بیماری را کاهش می‌دهد، اما بیماری را از میان نمی‌برد.

یکی از عوارض دگزامتازون پوکی استخوان است. کورتون مانع رسوب کلسیم در استخوان‌ها می‌شود و فرآیند استخوان‌سازی را کاهش می‌دهد. فشار خون، چاقی، مشکلات بینایی از قبیل کاهش بینایی، آب مروارید، آب سیاه، خونریزی گوارشی، اختلالات بسیار شدید هورمونی از دیگر عوارض دگزامتازون است (۵۷).

آمار و ارقام یادشده تنها گوشه‌ای از بیماری‌های مهلک است که بسیاری از آن‌ها ارمغان تمدن کنونی برای بشر هستند، بنابراین برخلاف برخی ادعاها، سبک زندگی، برخی فناوری‌ها و آرمان‌های این تمدن؛ روز به روز جسم و جان بشر را آماج بیماری و درد قرار داده و فرصت زندگی، عبادت و بندگی خدا را از او سلب می‌کند. تکنولوژی امروزی نیز اگرچه اندکی راحتی انسان را افزایش داده است اما خطرات و بیماری‌های بی‌شماری برای انسان به ارمغان آورده و در بسیاری اوقات حوادث غیرقابل جبرانی در سطح ملی و بین‌المللی ایجاد می‌کند. به طور خلاصه می‌توان گفت:

۱- زیرساخت‌های تمدن کنونی مانند ساختارهای اداری، آموزشی و به طور کلی سبک زندگی آن اضطراب زا و به تبع آن بیماری‌زا است.

۲- نگاه تمدنی به بهداشت، درمان و دارو توسط بسیاری از شرکت‌ها و دولت‌ها نگاه یک صنعت سودآور است.

۳- داروهای شیمیایی و بسیاری از شیوه‌های درمانی، تسکینی و تهاجمی بوده، تبعات و عوارض جبران‌ناپذیری دارند.

۴- سبک زندگی، تغذیه، مدرنیسم، وسایل ارتباطی و سایر مولفه‌های تمدن کنونی همه ساله باعث افزایش انواع بیماری‌ها، تعدد داروها، افزایش تعداد پزشک، پرستار، بیمارستان و

گسترش صنایع وابسته می‌شود.

بیماری سازی، بیمارفروشی و سلطه دارویی

سلطه گران بین‌المللی برای در اختیار گرفتن دولت‌ها به دنبال تسلط بر منابع نفت و انرژی و برای سلطه بر ملت‌ها به دنبال تسلط بر غذا و داروی آنها هستند. یکی از مسئولان شرکت دارویی مهم بین‌المللی در مصاحبه‌ای گفته است که ما باید به جایی برسیم که به افراد سالم با تبلیغات دارو بفروشیم. در مهندسی پزشکی نیز دیدگاه صنعتی، اقتصادی و سودآوری باعث شده است که برای تامین سود و بازگشت سرمایه استفاده‌های نابجا از تجهیزات مختلف افزایش چشمگیری پیدا کند. گفته می‌شود از هر ۱۰۰ "ام آر آی" که در ایران انجام می‌شود، ۹۰ مورد آن بیهوده است. به حاشیه رفتن طب بالینی و گرفتن شرح حال از بیمار جای خود را به طب پاراکلینیک داده و انجام کارهای آزمایشگاهی باعث تبعات ناگوار جسمی، روحی و افزایش هزینه درمان شده است.

متأسفانه برخی شرکت‌های داروسازی که سرمایه‌گذاری‌های هنگفتی روی ساخت برخی اقلام دارویی و واکسن‌ها می‌کنند برای جبران هزینه و تامین سود خود گاهی مجبور به تولید بیماری و اغوای گروه‌های هدف برای فروش دارو می‌شوند. به طور خلاصه بدون انکار خدمات بسیار مهمی که در بخش سلامت و درمان صورت گرفته است نگاه ناسالم بخش‌هایی از تمدن کنونی به مقوله سلامت و درمان، در بسیاری از کشورها، این بخش را از حالت خدمت به هم‌نوع خارج و به یک صنعت سودآور تبدیل کرده است. ساخت مین‌های ضد نفرو سلاح‌های شیمیایی توسط برخی کشورها و در کنار آن ساخت دارو و اعضای مصنوعی برای دردمندان این جنایات، نوعی بسیار پیشرفته از توحش و سوء استفاده از دارو و درمان برای استثمار و کسب سود است.

خطر مواد شیمیایی مورد استفاده در بهداشت

استفاده بی‌اندازه از مواد شیمیایی برای شستشو و سایر امور بهداشتی و حتی تهیه مواد آرایشی باعث شده است که سالیانه ده‌ها میلیون تن مواد شوینده و بهداشتی شیمیایی مانند

مواد جرم‌گیر، لوله‌بازکن، سفیدکننده‌ها و ضد عفونی‌کننده‌های کلردار (وایتکس یا آب ژاول)، پودر سفیدکننده، مایع‌های ظرف‌شویی، صابون‌ها، شوینده‌ها (اجاق و تنورها)، خوشبوکننده‌های هوا، مواد نرم‌کننده، خمیردندان، شامپو و بسیاری مواد شیمیایی دیگر در منازل، ادارات و مکان‌های عمومی مصرف شود. بخشی از این مواد شوینده به صورت گاز متصاعد و در فضای منازل و مکان‌های عمومی باعث آسیب‌رسانی به سلامت انسان شده و بخش دیگری نیز وارد منابع آب و خاک شده و آلودگی این منابع را در پی داشته است. آمار مصرف شوینده‌ها در ایران ۱۱ و در آمریکا ۴۰ کیلوگرم برای هر نفر در سال است.

این مواد باعث تصاعد گازهای قابل احتراق که باعث آتش‌سوزی می‌شوند مانند هیدروژن یا گازهای سمی مانند کلر، نیتروژن، کلرامین و سایر گازهای خطرناک شده و بر سیستم عصبی، پوست، تنفس و سایر ارگان‌های بدن انسان تاثیر منفی گذاشته و در موارد بسیاری باعث خفگی، بیماری‌های پوستی، تنفسی و سایر آسیب‌ها می‌شوند. در صورت ادامه این روند، آلودگی منابع آب، خاک و هوا ضربات سنگینی بر پیکره محیط زیست، سلامتی انسان، حیوانات و جانوران دریایی و آبزیان خواهد زد. دیگر عوارض مادی و معنوی شیمیایی سازی زندگی انسان در عرصه‌های مختلف بهداشت، دارو و لوازم زندگی بر هیچ کس پوشیده نیست (۵۸) (۵۹) (۶۰).

هدف از ارائه آمار و اطلاعات درباره انواع بیماری‌ها و آلودگی‌ها به هیچ وجه بررسی جزئی هیچ‌یک از عوارض و نقایص تمدن کنونی حاکم بر جهان نیست، بلکه هدف؛ ترسیم عاقبت بشر، تحت حاکمیت مدرنیته است. نتایج بررسی‌ها نشان می‌دهد که بشر در حال حاضر شرایط مناسبی از نظر سلامت جسم و روح ندارد. بر اساس آمار و اطلاعات و پیش‌بینی سازمان‌های بین‌المللی چشم‌اندازی هم وجود ندارد که از میزان درد، بیماری و مصرف دارو در جامعه بشری که در تمدن کنونی نفس می‌کشد کاسته شود. سبک زندگی کنونی دائماً باعث تولید و یا گسترش بیماری‌هاست. زیرساخت‌های تمدن کنونی مانند ساختارهای اداری، آموزشی و به طور کلی سبک زندگی آن اضطراب‌زا و به تبع آن بیماری‌زاست، نگاه تمدنی به بهداشت و درمان، نگاه به یک صنعت سودآور است، نه

تلاش برای خدمت به انسان، داروهای شیمیایی دارای عوارض و بسیاری از شیوه‌های درمانی نیز تسکینی و تهاجمی بوده، تبعات و عوارض فراوان و جبران‌ناپذیری دارند. سبک زندگی، تغذیه، مدرنیسم، وسایل ارتباطی، آلودگی منابع آب، خاک و غذا و سایر مولفه‌های تمدن کنونی همه‌ساله باعث افزایش انواع بیماری‌ها، افزایش تعدد داروها، افزایش تعداد پزشک، پرستار، بیمارستان و گسترش صنایع وابسته می‌شود.

به کمک آمار یاد شده می‌توان به این سطح از معلومات رسید که اهداف، مسیر و روش تمدن کنونی برای تکامل انسان اشتباه است و این تمدن درد ساز بوده و سبک زندگی، نوع تغذیه، روش تولید مواد غذایی، مواد شیمیایی مورد استفاده در بخش‌های مختلف و چارچوب‌های حاکم بر آن، تولید بیماری می‌کند. این باعث می‌شود تعداد زیادی از نخبگان جامعه مشغول مبارزه با بیماری شده و سالانه درصد قابل توجهی از ثروت انسانی صرف مبارزه با بیماری‌ها، تولید دارو و تحقیق و تفحص در این زمینه شود. این مسیر در حکومت مهدوی طی نخواهد شد. هدف حکومت مهدوی رساندن بشر به مقام خلیفه‌اللهی، مسیر او حاکمیت آموزه‌های الهی و روش او دین، عقل و علم سازگار خواهد بود، نتیجه این حکومت رسیدن بشر به حیات طیبه است که در آن انسان فارغ و آزاد از بندگی غیر خدا، با سلامت روح و جسم، جامعه‌ی خود را ساخته و در پرتو تقوا و ایمان به خدا رحمت الهی را شامل حال خود خواهد نمود.

سلامت، بهداشت و درمان در عصر ظهور

برخی فکر می‌کنند که در عصر ظهور، پیشرفت بسیار زیاد داروسازی و پزشکی، افزایش تعداد بیمارستان‌ها، تخت‌های بیمارستان، داروها، پرستاران و سایر مؤلفه‌هایی که امروزه به عنوان شاخص‌های پیشرفت در زمینه سلامت معرفی شده‌اند باعث کنترل بیماری و سلامت می‌گردد. این دقیقاً برعکس آن اتفاقی است که در عصر ظهور می‌افتد. امام و کارگزاران ایشان با آموزش و هدایت مردم به سمت آموزه‌های علمی، عقلی الهی، با تصحیح سبک زندگی، تولید و مصرف مواد غذایی پاک و دوری از مصرف مواد ناپاک، مواد مخدر و سایر موضوعات تاثیرگذار و از بین بردن رذایل اخلاقی مانند حسد، بخل، مسابقه در امور غیر

ضروری و گناه و اضطراب‌های بی حدی که سبک زندگی کنونی ایجاد نموده است، زیر ساخت لازم برای پرورش انسان سالم را مهیا و زمینه‌ها را برای بروز بیماری از بین می‌برند. بنابراین بیماری بسیار کم خواهد بود یا وجود نخواهد داشت که برای آن دارو، پزشک، پرستار و سایر امکانات به شیوه امروزی مهیا شود.

دین مقدس اسلام، حاوی نکات غنی و ظریف از بهداشت کامل در زندگی فردی و اجتماعی است و عمل به این توصیه‌های بهداشتی، ضامن سلامت فردی و اجتماعی اوست و در اسلام، حفظ تندرستی، این نعمت ارزشمند الهی بر همگان واجب است.

حضرت رسول اکرم صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ می‌فرماید: «دو نعمت است که مردم قدر آن را نمی‌دانند؛ یکی سلامتی و دیگری جوانی». خداوند پس از بعثت پیامبر اکرم صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ به او می‌آموزد که «وَتِيَابَكَ فَطَهِّرْ؛ جامه خود را پاکیزه ساز»^۱ و بر آن اساس، امت او را به دین خود دعوت می‌کند و در ستایش پاکان می‌فرماید: «إِنَّ اللَّهَ يُحِبُّ التَّوَّابِينَ وَيُحِبُّ الْمُتَطَهِّرِينَ؛ خداوند توبه‌کنندگان را دوست دارد و پاکان را نیز دوست دارد»^۲.

امام باقر عَلَيْهِ السَّلَام می‌فرماید:

إِنَّ اللَّهَ تَبَارَكَ وَتَعَالَى لَمْ يَحْرِمَ ذَلِكَ عَلَى عِبَادِهِ وَأَحَلَّ لَهُمْ مَا سِوَى ذَلِكَ مِنْ رَغْبَةٍ فِيمَا أَحَلَّ لَهُمْ، وَلَا زُهْدٍ فِيمَا حَرَّمَ عَلَيْهِمْ وَلَكِنَّهُ تَعَالَى خَلَقَ الْخَلْقَ فَعَلِمَ مَا يَقُومُ بِهِ أَبْدَانُهُمْ وَمَا يَصْلِحُهُمْ فَأَحَلَّهُ لَهُمْ وَأَبَاخَهُ، وَعَلِمَ مَا يَضُرُّهُمْ فَتَهَاوَهُمْ عَنْهُ وَحَرَّمَ عَلَيْهِمْ؛ خداوند تبارک و تعالی به خاطر رغبت خود به چیزی یا بی‌رغبتی به چیز دیگر، چیزی را حلال یا حرام نفرموده است، بلکه خدا که آفریدگان را آفریده است می‌داند که چه چیزی بدن‌های آن‌ها را قوام و صلاح می‌بخشد، لذا آن را برای مردم حلال و مباح قرار داده و از آنچه که به آن‌ها زیان می‌رساند نهی فرموده و بر آن‌ها حرام نموده است.^۳

این روایت نشان می‌دهد که با رعایت آموزه‌های مترقی اسلام، در خصوص مواد غذایی و

۱. مدثر، ۴.

۲. بقره، ۲۲۲.

۳. علی الشرایع، شیخ صدوق، ج ۲، ص ۴۸۳.

زندگی فردی و اجتماعی، سلامت در دنیای ما نهادینه می‌شود.

در قرآن دست کم چهار بار انسان از خوردن گوشت خوک نهی شده است،^۱ ولی در تمدن کنونی از ۴۰۰ میلیون تن گوشت مصرفی در سال ۲۰۱۶ حدود ۱۰۰ میلیون تن آن را گوشت خوک به خود اختصاص داده است (۶۱). آیا چنین سبک تغذیه‌ی ناپاک می‌تواند زیرساخت لازم برای تعالی انسان را فراهم کند؟

اسلام با تکیه بروحی، عالی‌ترین رهنمودهای بهداشتی را در اختیار مسلمانان قرار داده است. برای مثال وقتی قرآن می‌فرماید:

﴿يَا أَيُّهَا النَّاسُ كُلُوا مِمَّا فِي الْأَرْضِ حَلَالًا طَيِّبًا وَلَا تَتَّبِعُوا خُطُوَاتِ الشَّيْطَانِ إِنَّهُ لَكُمْ عَدُوٌّ مُّبِينٌ؛ ای مردم از آنچه در زمین است، حلال و پاکیزه بخورید و از گام‌های شیطان، پیروی نکنید چه اینکه او، دشمن آشکار شماست﴾.^۲

یا می‌فرماید:

﴿فَلْيَنْظُرِ الْإِنْسَانُ إِلَى طَعَامِهِ؛ انسان باید به غذای خویش (و آفرینش آن) بنگرد﴾.^۳

به انسان درس بهداشت و سلامت جسم و جان می‌دهد.

اسلام با تحریم خبائث و پلیدی‌ها و حلال کردن پاکیزگی و پاکیزه‌ها و قاعدتا حفظ اعتدال، راه رسیدن به سلامتی را هموار کرده است. بیشترین بیماری‌های کنونی انسان‌ها نیز ناشی از رعایت نکردن همین اصول مترقی است. رعایت اعتدال در مصرف، از نظراقتصادی و بهداشتی فواید بی‌شماری برای انسان دارد و قرآن کریم در این رابطه می‌فرماید:

﴿يَا بَنِي آدَمَ خُذُوا زِينَتَكُمْ عِنْدَ كُلِّ مَسْجِدٍ وَكُلُوا وَاشْرَبُوا وَلَا تُسْرِفُوا إِنَّهُ لَا يُحِبُّ الْمُسْرِفِينَ؛ ای فرزندان آدم زینت خود را به هنگام رفتن به مسجد، با خود بردارید و (از نعمت‌های الهی) بخورید و بیاشامید، ولی اسراف نکنید که خداوند مسرفان را دوست نمی‌دارد﴾.^۴

۱. بقره، ۱۷۳؛ مائده، ۳؛ انعام، ۱۴۵؛ نحل، ۱۱۵.

۲. بقره، ۱۶۸.

۳. عبس، ۲۴.

۴. اعراف، ۳۱.

با تشکیل جامعه مهدوی و رعایت اصول اسلام، سلامتی در جهان نهادینه شده و برکات خداوند نیز شامل حال مؤمنین می شود. در آن عصر هیچ بیماری بدون درمان باقی نمی ماند. امام باقر علیه السلام در این باره می فرماید:

مَنْ أَدْرَكَ قَائِمَ أَهْلِ بَيْتِي مِنْ ذِي عَاهَةِ بَرٍّ وَمِنْ ذِي ضَعْفٍ قَوِيٍّ؛ هر کس قائم اهل بیت مرا درک کند، اگر به بیماری دچار باشد، شفا یابد و چنانچه دچار ناتوانی باشد، توانا و نیرومند می شود.^۱

در برخی روایات از ریشه کن شدن بسیاری از بیماری ها به برکت ظهور ولی خدا و عنایت حق به بندگان در پرتو ایمان و تقوا خبر داده شده است. امام سجاد علیه السلام در این باره می فرماید:

إِذَا قَامَ قَائِمُنَا أَذْهَبَ اللَّهُ عَزَّوَجَلَّ عَنْ شِيعَتِنَا الْعَاهَةَ، وَجَعَلَ قُلُوبَهُمْ كَزَبْرِ الْحَدِيدِ، وَجَعَلَ قُوَّةَ الرَّجُلِ مِنْهُمْ قُوَّةَ أَرْبَعِينَ رَجُلًا وَيَكُونُونَ حُكَّامَ الْأَرْضِ وَسَنَامَهَا؛ هنگامی که قائم ما قیام نماید خداوند بلا و آفت را از شیعیان و پیروان ما برمی دارد و دل های ایشان را همانند قطعه آهن محکم می نماید و نیرو و قوت هر یک از ایشان به مقدار نیروی چهل نفر خواهد شد.^۲

شکوفایی شگفت انگیز دانش ها، به ویژه علم بهداشت و درمان در عصر حکومت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف و بهره گیری از آن برای گسترش بهداشت در جامعه، فرو نشستن شعله های جنگ و پیدایش آرامش روانی، تأمین بهداشت روحی با اصلاح شدن انسان ها، برکت وجود امام عصر در بین مردم و عنایت و رحمت خداوند از جمله عواملی است که سلامت را در روزگار امام عصر عجل الله تعالی فرجه الشریف به حد بالا و ایده آل خود می رساند.

رسول خدا صلی الله علیه و آله می فرماید:

إِذَا نَزَلَ عِيسَى بْنُ مَرْيَمَ وَقَتَلَ الدَّجَالَ قَتَعُوا، تَحِيلُوا لَيْلَةَ طُلُوعِ الشَّمْسِ مِنْ مَغْرِبِهَا، وَحَتَّى تَمْنَعُوا بَعْدَ خُرُوجِ الدَّجَاتِلِ أَرْبَعِينَ سَنَةً، لَا يَمُوتُ أَحَدٌ وَلَا يَمْرُضُ؛ هنگامی که عیسی علیه السلام از آسمان فرود آمد و دجال را کشت و شب، هنگامی که در صبح آن، خورشید از

۱. بحار الانوار، علامه مجلسی، ج ۵۲، ص ۳۳۵، ح ۶۸.

۲. خصال، شیخ صدوق، ص ۵۴۱، ح ۱۴؛ بحار الانوار، علامه مجلسی، ج ۵۲، ص ۳۱۷.

مغرب طلوع کند تا چهل سال زندگی پربار و آسوده‌ای خواهید داشت و در این مدت نه کسی می‌میرد و نه بیمار می‌شود.^۱

شاید منظور از این سخن، آن باشد که مرگ‌ها و بیماری‌هایی که پیش از ظهور حضرت، گسترش یافته، در دوران حضرت به اندازه‌ای اندک و ناچیز است که می‌توان آن را در حکم عدم دانست و شاید معنای ظاهری مراد باشد؛ یعنی در این مدت مرگ و بیماری وجود نداشته باشد و آن به دلیل مقدم مبارک حضرت بقیة الله الاعظم است.

امیر مؤمنان علیه السلام می‌فرماید:

پس مهدی علیه السلام فرماندهان خود را به سایر شهرها می‌فرستد و دستور رعایت عدل در بین مردم را می‌دهد و گوسفند و گاو در یکجا می‌چرند. کودکان با مار و عقرب بازی می‌کنند و ضرری به آنان نمی‌رسد. شر و بدی برود و خیر و خوبی باقی ماند. آدمی یک مد (یک چارک) بکارد و هفتصد چارک بیرون آرد؛ چنانکه خدای متعال فرماید: «مانند دانه‌ای که برویاند هفت خوشه را در هر خوشه‌ای صد دانه باشد و خدا می‌افزاید برای هر کس که بخواند» و ربا و زنا و شراب‌خواری و ریا برود و مردم روی به عبادت و امر مشروع و دیانت و نماز جماعت‌ها آورند و عمرها طولانی شود و امانت‌ها ادا گردد و درختان بارور شوند و برکت‌ها افزون گردد و بدان نابود شوند و نیکان باقی مانند و کسی از دشمنان اهل بیت علیهم السلام باقی نمانند.^۲

مفضل بن عمر می‌گوید: امام صادق علیه السلام فرمود:

إِن قَائِنَا إِذَا قَامَ أَشْرَقَتِ الْأَرْضُ بِنُورِ رَبِّهَا، وَاسْتَغْنَى النَّاسُ عَنِ ضَوْءِ الشَّمْسِ، وَذَهَبَتِ الظُّلْمَةُ، وَيَعْمُرُ الرَّجُلُ فِي مَلِكَةٍ حَتَّى يُولِدَ لَهُ أَلْفَ ذَكَرٍ لَا يُولِدُ فِيهِمْ أُنْثَى، وَتُظْهِرُ الْأَرْضُ كَنُوزَهَا حَتَّى يَرَاهَا النَّاسُ عَلَى وُجُوهِهَا، وَيَطْلُبُ الرَّجُلُ مِنْكُمْ مَنْ يَصِلُهُ بِمَالِهِ وَيَأْخُذُ مِنْهُ زَكَاتَهُ فَلَا يَجِدُ أَحَدًا يَقْبَلُ مِنْهُ ذَلِكَ، اسْتَغْنَى النَّاسُ بِمَا زَرَقَهُمُ اللَّهُ مِنْ فَضْلِهِ؛ چُون قَائِمِ مَا بِيَا خَيْزِد، زَمِينِ (از نور پروردگارش) می‌درخشد و بندگان از نور خورشید بی‌نیاز

۱. ملاحم، ابن طاووس، ص ۹۷.

۲. عقد الدرر، شافعی سلمی، یوسف، ص ۱۵۹؛ القول المختصر فی علامات المهدی المنتظر، ابوالعباس احمد بن محمد، ص ۲۰.

می شوند. ظلمت از میان می رود. مرد در دوران حکومت او از چنان عمر طولانی برخوردار می شود که دارای هزار فرزند پسر خواهد شد که در میان آن ها دختر متولد نمی شود. زمین گنج های خود را آشکار می سازد، به گونه ای که بر سطح آن دیده می شود. چون فردی از شما برای ادای زکات خود در صدد یافتن شخصی (نیازمند) بر می آید، کسی را نمی یابد که آن را بپذیرد. مردم با فضل و روزی خداوند بی نیاز شده اند.^۱

امام باقر علیه السلام درباره ی بهداشت محیط زیست در حکومت امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف می فرماید:
ووسع الطريق الاعظم، و كسر كل جناح خارج في الطريق، و ابطل الكنف و الميازيب الى الطرقات؛ او بزرگ راهی احداث می کند و گوشه و کنار خانه هایی را که در مسیر راه است، در هم شکسته، فاضلاب ها و ناودان هایی را که به کوچه و خیابان راه دارد، سد می کند.^۲

امام حسین علیه السلام درباره ی حکومت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف می فرماید:
وَلَا يَبْقَى عَلَى وَجْهِ الْأَرْضِ أَعْمَى وَلَا مُقْعَدٌ وَلَا مُبْتَلَى إِلَّا كَشَفَ اللَّهُ عَنْهُ بَلَاءَهُ بِنَا أَهْلِ الْبَيْتِ؛ هیچ نابینا، زمین گیر و دردمندی بر روی زمین نمی ماند، مگر آن که خداوند درد او را برطرف می سازد.^۳

امیر مؤمنان علیه السلام می فرماید:
فيظهر قائمنا المتغيب، فيقدمه الروح الأمين... و يبري الأكمه و الأبرص؛ آنگاه قائم ما که پنهان و مخفی است، ظاهر می شود در حالی که جبرئیل پیشاپیش او و کتاب خدا در پیش روی اوست، آن حضرت بیماران پیسی و خوره را شفا می بخشد.^۴
در کتب عهد عتیق نیز اشاراتی به شرایط انسان در آخر الزمان، از نظر بهداشت و سلامت

۱. /ارشاد، شیخ مفید، ج ۲، ص ۳۸۱؛ بحار الانوار، علامه مجلسی، ج ۵۲، ص ۳۳۷، ح ۷۷.

۲. من لا يحضره الفقيه، شیخ صدوق، ج ۱، ص ۲۳۴؛ /ارشاد، شیخ مفید، ص ۳۶۵؛ الغيبة، شیخ طوسی، ص ۲۸۳.

۳. بحار الانوار، علامه مجلسی، ج ۵۳، ص ۶۲.

۴. دوجه الأنوار، ص ۱۳۳؛ الشيعة والرجعة، ج ۱، ص ۱۷۱.

شده است که تصویری شبیه به آنچه در روایات ائمه معصوم علیهم السلام وجود دارد را به ذهن متبادر می‌کند. در کتاب حزقیال نبی آمده است:

خداوند از اورشلیم آب روان جاری خواهد ساخت و هرکسی را که بیماری داشته باشد، به واسطه آن شفا خواهد داد و واقع خواهد شد که هر ذی حیات جنبده‌ای در هر جایی که آن نهر داخل شود زنده خواهد گشت (شفا خواهد یافت). درختان را وادار می‌کند تا هر ماه میوه آورند و انسان از آن میوه‌ها می‌خورد و شفا می‌یابد و بر لب آن نهر، در این طرف و آن طرف هر نوع درخت خوراکی خواهد رویید که برگ آن پژمرده نخواهد شد و میوه‌اش تمام نخواهد گشت و هر ماه میوه تازه خواهد آورد؛ زیرا که آبش از مقدس جاری می‌شود و میوه‌ی آن برای خوراک و به جهت علاج و شفا خواهد بود^۱ (۶۲).

با توجه به روایات ائمه معصوم علیهم السلام و آیات قرآن می‌توان کاهش بیماری‌ها و افزایش عمر و برکت عمر بنندگان خدا در عصر ظهور را ناشی از موضوعات زیر دانست:

- ۱- رعایت بهداشت، پاک بودن مواد غذایی تولیدی، حذف تیمارهای شیمیایی در تولید، نگهداری و فرآوری محصولات غذایی، تعادل در مصرف، پرهیز از مصرف مواد مخدر، مشروبات الکلی و سایر ناپاکی‌ها، باعث بالا رفتن درجه سلامتی و نشاط بشری شود.
- ۲- پیشرفت خیره‌کننده بشر متکی بر علم پاک در زمینه تشخیص، روش درمان و تهیه داروهای مناسب طبیعی باعث درمان سریع و بدون عوارض بیماران می‌شود.
- ۳- به دلیل ایمان به خدا و نورانی شدن قلوب مردم انواع بیماری‌های روانی، حسادت، بخل و سایر آلودگی‌های روانی که منجر به بسیاری از بیماری‌های جسمی و روحی می‌شوند از بین می‌روند.
- ۴- زیرساخت ایجاد بسیاری از بیماری‌ها، از جمله سبک زندگی اصلاح می‌شود، بنابراین بسیاری از بیماری‌ها از بین می‌رود.
- ۵- برکت حضور ولی عصر در بین مردم و ایمان، تقوا و عمل صالح آن‌ها باعث نزول رحمت الهی شده و بیماری‌ها از بین رفته یا به میزان بسیار زیادی کاهش می‌یابد، آن‌چنان که حضور پیامبران الهی به ویژه پیامبر گرامی اسلام در بین مردم باعث نزول رحمت الهی برای آنان بود.

۱. کتاب مقدس، کتاب حزقیال نبی، باب ۴۷، آیات ۹ و ۱۲.

قرآن در این رابطه می‌فرماید:

﴿وَمَا كَانَ اللَّهُ لِيُعَذِّبَهُمْ وَأَنْتَ فِيهِمْ وَمَا كَانَ اللَّهُ مُعَذِّبَهُمْ وَهُمْ يَسْتَغْفِرُونَ﴾ (ای پیامبر) تا تو در میان آن‌ها هستی، خداوند آن‌ها را مجازات نخواهد کرد؛ و (نیز) تا استغفار می‌کنند، خدا عذابشان نمی‌کند.^۱

امام باقر علیه السلام از امیرمومنان علیه السلام نقل کرده‌اند که ایشان فرمود:

در زمین دو امان (دو وسیله نجات) از عذاب الهی بود که یکی از آن‌ها برداشته شد دومی را دریابید و به آن چنگ زنید؛ اما امانی که برداشته شد وجود رسول الله صلی الله علیه و آله بود (که خداوند به برکت وجود او هرگز عذابی بر این امت نازل نکرد، ولی او از میان ما رفت) و امانی که باقی مانده «استغفار» است، همان‌گونه که خداوند متعال می‌فرماید: «تا تو در میان آن‌ها هستی خداوند آنان را عذاب نمی‌کند و تا آنان نیز از گناهان خود استغفار می‌کنند، خداوند عذابشان نخواهد کرد».

به گفته مرحوم سید رضی: «این استنباط امام یک نمونه از بهترین استفاده‌ها و لطیف‌ترین استنباط‌ها از آیات قرآن کریم است».^۲

امام عصر علیه السلام می‌فرماید:

إِنِّي لَأَمَانٌ لِأَهْلِ الْأَرْضِ كَمَا أَنَّ النُّجُومَ أَمَانٌ لِأَهْلِ السَّمَاءِ؛ همانا، من، امان و مایه ایمنی برای اهل زمینم؛ همان‌گونه که ستاره‌ها، سبب ایمنی اهل آسمان‌اند.^۳

بنابراین وجود امام در بین مردم مایه برکت است و اگر امام از مردم راضی باشد، رضایت خداوند را در پی دارد و عنایات و برکات الهی از زمین و آسمان باریدن می‌گیرد. یکی از برکات، از بین رفتن آفات و بیماری‌های انسان است.

۱. انفال، ۳۳.

۲. نهج البلاغه، حکمت ۸۸.

۳. کمال‌الدین، شیخ صدوق، ج ۲، ص ۴۸۵، ح ۱۰؛ الغیبه، شیخ طوسی، ص ۲۹۲، ح ۲۴۷؛ احتجاج، طبرسی، ج ۲، ص ۲۸۴.

فصل چهارم: فناوری قبل و بعد از ظهور

خلاصه فصل

برخی افراد القاء می کنند که تمدن فعلی تنها صورت ممکن برای زندگی و کامل ترین نوع فرهنگ و تمدن است، درحالی که این سبک زندگی در غیاب بسیاری از آموزه های الهی و مؤلفه های اخلاقی به وجود آمده است و امکان های دیگری برای تمدن وجود دارد که در اندیشه اسلامی از آن به «حیات طیبه» تعبیر می شود. فناوری امروزی مورد استفاده بشر، بدون انکار مزیت های آن، در عرصه های مختلف مضرات زیادی دارد از جمله؛ سلامت جسم، روان و اندیشه ی انسان را به شدت به مخاطره انداخته و در بسیاری از فناوری های ارتباطی، اخلاق لحاظ نشده است. فناوری امروزی پیچیده، گران قیمت و وقت گیر بوده، مواد اولیه زیادی مصرف نموده، فضای زیادی را اشغال کرده و مراقبت زیادی را می طلبد. دنیای بعد از ظهور مرتبه بالاتری از آفرینش است و عالمی نیست که در آن تمدن کنونی دست کاری شود و نواقص آن برطرف گردد، بلکه با تلاش در پرتوایمان به خدا و تقوای الهی و با واسطه امام عصر، علم رسیدن به فناوری های بسیار پیشرفته در اختیار بشر قرار می گیرد یا اینکه به لطف خدا قدرت هایی مبتنی بر علم الهی در اختیار انسان قرار گرفته و توانایی خود انسان ارتقا می یابد.

فناوری در عصر حاضر

برای تربیت یک انسان در تراز انسان مهدوی و خلیفه خدا که مصداق آیه ﴿ما خلقت الجن والانس الا ليعبدون﴾ باشد باید زیرساخت های لازم برای این تربیت فراهم شود. از جمله این نیازها سلامت جسم، سلامت عقل، سلامت روان، آزادی اندیشه، فضای اخلاقی برای

ارتباط با هم‌نوعان و در اختیار داشتن فرصت کافی برای پرورش استعداد‌های انسان است. سؤال این است که آیا بشر امروزی از این ویژگی‌ها برخوردار است یا خیر؟ پاسخ کاملاً واضح است، بشر امروزی فاقد همه‌ی این لوازم به‌اندازه لازم و کافی است. ممکن است افرادی، برخی از این لوازم را در اختیار داشته باشند، اما مجتمع بشر فاقد آن‌ها است.

بشر برای رشد و تعالی به سه عنصر تربیت، امنیت و آزادی احتیاج دارد (۶۳) که سبک زندگی فراگیر و حاکم بر جهان فعلی هیچ یک از این سه عنصر را ندارد. تربیت وی در قهقرای ترویج بی‌بند و باری‌های مختلف گم شده است، امنیت او با انواع جنگ‌های نرم و سخت از دست رفته و آزادی وی با استثمار فکری رسانه‌ها، دوربین‌ها و انواع بندهایی که مدرنیته بر پای او بسته، سلب شده است.

سبک زندگی انسان اثر بی‌ظنیری بر رشد و تکامل وی دارد. فناوری ارتباطات و وسایل حمل و نقل، از جمله مهم‌ترین پارامترهایی است که امروزه سبک زندگی انسان را تحت تأثیر خود قرار داده است. شبکه‌های ماهواره‌ای، اینترنت، تلفن همراه صوتی و تصویری، انواع شبکه‌های اجتماعی مانند واتس‌آپ، وایبر، تلگرام، چت روم‌ها، رادیو، تلویزیون، سینما و دیگر لوازم ارتباطی و وسایل حمل و نقل مانند خودرو، هواپیما، قطار و سایر وسایل، سبک زندگی ما را شدیداً تحت تأثیر قرار داده‌اند. بررسی این نکته ضروری است که آیا این فناوری‌ها سلامت جسم، عقل و روان، آزادی اندیشه، فضای اخلاقی، برای ارتباط با هم‌نوعان و فرصت کافی برای پرورش استعداد‌های انسان را تأمین می‌کنند یا دست کم این نیازها را در سطح قابل قبول حفظ می‌کنند یا خیر؟ پاسخ کاملاً روشن است، زیرا فناوری امروزی مورد استفاده بشر در عرصه‌های مختلف حداقل مضرات زیر را در بردارد:

- سلامت جسم انسان را به شدت به مخاطره انداخته است.
- سلامت روانی انسان را از بین برده است.
- ایمنی بشر را به مخاطره انداخته است.
- اندیشه انسان را به بند کشیده است.
- در بیشتر فناوری‌های ارتباطی اخلاق لحاظ نشده است.

- لوازم ارتباطی ساخته شده، وقت گران بهای انسان را به خدمت خود گرفته است.
 - فناوری امروزی بسیار پیچیده است و هزینه، وقت، مواد اولیه و زمان زیادی را از طراحان، سازندگان، کاربران و تعمیرکنندگان می گیرد.
 - فناوری امروزی فضای زیادی را اشغال کرده است.
 - فناوری امروزی مراقبت زیادی را می طلبد.
 - فناوری و گسترش آن مناسبات روحی روانی بین افراد جامعه و بین انسان و محیط زندگی و طبیعت را دچار آسیب شدید نموده است.
- در نگاه اول داشتن یک گلدان هوشمند در منزل بسیار جذاب به نظر می رسد. گلدانی که دارای یک میکرو حس گر هوشمند است و در زمان نیاز به گل آب می دهد و گلدان را از هرگونه مراقبت اطرافیان بی نیاز می کند، چیزی که اکنون سازندگان آن با ذوق زدگی، آن را به جامعه معرفی می کنند و به عنوان یک پیشرفت مدرن تمدن کنونی می دانند. چند روز اول هیجان انگیز است، اما یک هفته بعد گلدان به فراموشی سپرده می شود، چون مانند یک موجود بی جان در گوشه ای ساکت و آرام به سر خواهد برد. فناوری؛ رابطه اطرافیان با گلدان را قطع کرده است، رابطه ای که اصولاً هدف اصلی از نگهداری گلدان در منزل است، زیرا آب دادن و رسیدگی به گلدان باعث طراوت روح، اخلاق و جسم انسان می شود و روح و خلق او را لطیف می کند. حالا می توان تصور نمود که فناوری چگونه حقیقت سایر مناسبات انسان با هموعان، طبیعت و خود انسان را دچار آسیب می کند. شاید در بسیاری موضوعات از سختی کارها بکاهد، اما چگونه لطف زندگی انسان را از بین می برد. این موضوع به منزله ردّ استفاده از فناوری در همه ی موضوعات نیست بلکه برای حقیقت اشاره دارد که انسان نباید تسلیم تمام پیشنهاد های فناورانه شود و بیش از پیش هوش و توانایی های بیولوژیک خود را با هوش مصنوعی و توانایی های ماشینی ادغام کند، تا جایی که سرانجام ماشین جای انسان را بگیرد و انسان به شکل یک ماشین درآید.
- هریک از ما همه روزه وقت و هزینه زیادی برای تعمیر خودرو و وسایل ارتباطی خود تلف می کنیم. شارژ کردن تلفن های همراه، تبلت ها و مراقبت از آنها با صرف وقت و هزینه انجام

می شود. دائماً باید از آن‌ها مواظبت کنیم تا گم نشوند، در داخل آب نیفتند، حتی در دستشویی باید استرس نیفتادن گوشی همراه را داشته باشیم. همه روزه شارژ اعتباری وسایل ارتباطی، پرداخت انواع قبض‌های برق، تلفن، گاز و آب، هزینه و استرس زیادی بر ما تحمیل می‌کنند و وقت گران‌بهای ما را می‌گیرند. انواع آنتن‌های گیرنده و فرستنده امواج تلفن، تلویزیون، سیم، دکل و کانال‌های برق و مخابرات، ترافیک خود ساخته و دود، بوق و سروصدای انواع خودروها و فناوری‌های امروزی دیگر، سلامت جسم و روان انسان را به مخاطره انداخته و وقت برای تکامل و عبد خدا شدن برای بشر نگذاشته است.

این نوشتار به دنبال رد استفاده انسان از فناوری، برای رسیدن به آسایش و پیشرفت نیست و نمی‌خواهد توصیه کند که انسان باید برای بنده خدا شدن به عصر حجر بازگردد؛ بلکه به دنبال این حقیقت است که ثابت کند فناوری امروزی که بر مبنای «عقل بشر» و نه «عقل سلیم» که با راهنمایی رسولان الهی به راه راست هدایت شده است» ساخته شده، زمینه‌های لازم برای عبد خدا شدن انسان را فراهم نمی‌کند. آیا به راستی اگر انسان، افسارگسیخته نمی‌شد و با هدایت هادیان الهی از علم بی‌انتهای پروردگار بهره می‌برد، نمی‌توانست یک فناوری ارتباطی در اختیار بگیرد که این همه امواج مضر، روش‌های دشوار شارژ، هزینه بالا، اشغال فضای زیاد، استرس دائمی همراه بردن آن، گم نشدن، در آب نیفتادن، تغییرات روز به روز مدل را نداشته، اخلاقی بوده و ساده و بدون دود و سروصدا و ایمن باشد و اندیشه انسان را به اسارت خود نگیرد. در واقع نوشتار حاضر به دنبال تفهیم این حقیقت است که تمدن فعلی تنها صورت ممکن برای زندگی و کامل‌ترین نوع فرهنگ و تمدن نیست که بشر می‌توانسته است آن را برگزیند و مسیر تاریخی که انسان گذرانده است تنها و بهترین مسیری نیست که او طی کرده و انسان مجبور نبوده است که این مسیر پرپیچ و خم، دشوار و فلاکت بار را طی کند، بلکه با پذیرش ولایت اولیای الهی می‌توانست با طی مسیری دیگر، با تلاش خود و در سایه هدایت انبیاء و اولیای الهی به کامل‌ترین نوع فرهنگ و تمدن انسانی، علم، فناوری و سعادت برسد.

برای بررسی این موضوع، فناوری امروزی که بر اساس «عقل بشر» ساخته شده با فناوری

مورد استفاده یاران امام زمان در عصر ظهور، تا آنجا که در روایات و آیات اشاره شده است، مقایسه می شود تا روشن شود که در عصر ظهور از فناوری امروزی که برخی از آن‌ها از مصادیق بارز از بین بردن موجودات زنده یا به قول قرآن کریم «اهلاک حرث و نسل»^۱ است استفاده نمی شود، بلکه از فناوری بسیار بالاتری که با هدایت الهی، به دست بشر ساخته می شود یا با عنایت الهی در اختیار انسان قرار می گیرد استفاده خواهد شد. گفتن این نکته ضروری است که این اتفاق لازم نیست حتماً در زمان امام عصر عجل الله تعالی فرجه الشریف بیافتد، بلکه در دوران هر یک از اولیای الهی که بشر زیر چتر ولایت الهی قرار می گرفت و بنده خدا می شد و تقوای الهی را پیش می گرفت، همین اتفاق می افتاد، یعنی بشر با واسطه ولی خدا از علم و برکت الهی بسیار بیش تر از آن مقدار که اکنون در اختیار دارد، بهره مند می شد، ولی چون در طول تاریخ، مجتمع بشر به ولایت الهی چنگ نزده است، یا حاکمیت برخی از انبیاء و اولیای الهی استمرار نداشته است، این امر به صورت محتوم، موقوف به زمان برپایی حکومت الهی توسط امام عصر عجل الله تعالی فرجه الشریف شده است.

«سبک زندگی، بخش حقیقی و اصلی تمدن اسلامی است. ما اگر پیشرفت همه جانبه را به معنای تمدن سازی نوین اسلامی بگیریم، دو بخش دارد؛ یک بخش، بخش ابزاری است، بخش دیگر، بخش متنی، اصلی و اساسی است. بخش ابزاری عبارت است از همین ارزش هایی که ما امروز به عنوان پیشرفت کشور مطرح می کنیم؛ علم، اختراع، صنعت، سیاست، اقتصاد، اقتدار سیاسی و نظامی، اعتبار بین المللی، تبلیغ، ابزارهای تبلیغ و البته پیشرفت های خوبی صورت گرفته (است). اما بخش حقیقی، آن چیزهایی است که متن زندگی ما را تشکیل می دهد، که همان سبک زندگی است. این بخش حقیقی و اصل تمدن است، مثل مسئله ی خانواده، سبک ازدواج، نوع مسکن، نوع لباس، الگوی مصرف، نوع

۱. اشاره به آیه ۲۵۵ سوره مبارکه بقره ﴿وَإِذَا تَوَلَّى سَعَى فِي الْأَرْضِ لِيُفْسِدَ فِيهَا وَيُهْلِكَ الْحَرْثَ وَالنَّسْلَ وَاللَّهُ لَا يَحِبُّ الْفُسَادَ﴾ (نشانه آن، این است که) هنگامی که روی برمی گردانند (و از نزد تو خارج می شوند)، در راه فساد در زمین، کوشش می کنند، و زراعتها و چهارپایان را نابود می سازند؛ (با اینکه می دانند) خدا فساد را دوست نمی دارد. ﴿﴾

خوراک، نوع آشپزی، تفریحات، مسئله‌ی خط، مسئله‌ی زبان، مسئله‌ی کسب کار، رفتار ما در فعالیت سیاسی، رفتار ما در ورزش، رفتار ما در رسانه‌ای که در اختیار ماست، رفتار ما با پدر و مادر، رفتار ما با همسر، رفتار ما با فرزند، رفتار ما با پلیس، رفتار ما با مرئوس، رفتار ما با دولت، سفرهای ما، رفتارهای ما با بیگانه، این‌ها آن بخش‌های اصلی تمدن است که متن زندگی انسان است.

می‌شود این بخش را به منزله‌ی بخش نرم‌افزاری تمدن به حساب آورد و آن بخش اول را، بخش‌های سخت‌افزاری به حساب آورد. اگر ما در این بخشی که متن زندگی است، پیشرفت نکنیم، همه‌ی پیشرفت‌هایی که در بخش اول کردیم، نمی‌تواند ما را رستگار کند؛ نمی‌تواند به ما امنیت و آرامش روانی ببخشد؛ همچنان که می‌بینید در دنیای غرب نتوانسته (است). در آنجا افسردگی هست، ناامیدی هست، از درون به هم ریختن هست، عدم امنیت انسان‌ها در اجتماع و در خانواده هست، بی‌هدفی و پوچی هست؛ با اینکه ثروت هست، بمب اتم هست، پیشرفت‌های گوناگون علمی هست، قدرت نظامی هم هست. اصل قضیه این است که ما بتوانیم متن زندگی را، این بخش اصلی تمدن را اصلاح کنیم» (۶۴).

سبک زندگی در سعادت و شقاوت انسان تاثیر اصلی را دارد و ابزار و فناوری تنها در این راه به انسان کمک می‌کنند. با نگاهی به تمدن کنونی حاکم بر جهان در می‌یابیم که اکنون گردانندگان جهان برای ابزار، اهمیت ویژه‌ای قائل‌اند و القاء می‌کنند که انسان با تکامل ابزار و اسباب به سعادت می‌رسد، ولی سبک زندگی او را فراموش کرده‌اند. هم اکنون فناوری ابعاد گوناگونی از بخش نرم‌افزاری تمدن را تغییر داده و به آن ضربه وارد کرده است.

معرفی فناوری به عنوان منجی

یکی از انحرافات که برخی تئورسین‌ها در افکار انسان امروزی به وجود آورده‌اند این است که تکامل انسان را یک تکامل تکنولوژیکی معرفی کرده و القاء می‌کنند که کمال انسان، تکامل در اسباب و افزایش رفاه با استفاده‌ی هرچه بیشتر از فناوری‌های جدید است. ظهور هم با تکامل تکنولوژیکی حادث می‌شود. طرفداران این نظریه، منجی را نیز یک شخص، تمدن یا فناوری که انسان را به رفاه بیشتر، تکنولوژی برتر و ایمنی بیشتر رهنمون شود می‌دانند. در

حالی که عصر ظهور؛ عصر تکامل انسان است. ظهور توسعه در اسباب نیست، تکامل انسان است (۳)، ظهور آموزه‌های الهی و بروز هدف خداوند از آفرینش انسان است. ظهور؛ تکامل اخلاق انسان است، تکامل در درون و حقیقت انسان است و منجی، هدایت‌کننده انسان‌ها به راه خدا و تأمین‌کننده سعادت دنیوی و اخروی بشر می‌باشد.

انحراف دیگری که عاشقان مدرنیته در اندیشه انسان به وجود آورده‌اند این است که تکنولوژی را به عنوان ملاکی برای طبقه‌بندی جوامع تاریخی مورد استفاده قرار داده‌اند، معروف‌ترین این طبقه‌بندی را «لوئیس ممفورد»^۱ انجام داده است. او هر یک از مراحل توسعه تکنیکی را «مجموعه تکنولوژیکی» نام نهاده است. «هانری ژان»^۲ با استفاده از نظرات «ممفورد» مراحل توسعه تکنیکی را در پنج مرحله نام می‌برد:

۱- عصر سنگ ابزاری.

۲- عصر انسان ابزاری.

۳- عصر پیش تکنیکی.

۴- عصر پارینه تکنیکی.

۵- عصر نو تکنیکی.

«هانری ژان» سخن اصلی خود را این‌گونه بیان می‌دارد: «ما تکنیک را به عنوان یک متغیر مستقل در نظر خواهیم گرفت که تمام جنبه‌های دیگر تاریخ تحت الشعاع آن قرار می‌گیرند و در جهت آن حرکت می‌نمایند» (۶۵).

همان‌گونه که از سخنان «هانری ژان» پیداست دنیای غرب اصولاً تاریخ بشر را بر اساس تکنولوژی طبقه‌بندی نموده و تکامل بشر را یک تکامل تکنولوژیکی معرفی می‌کند. این خود نوعی دیگر از رویکرد مادی به تغییر و تحولات اجتماعی است. در این نوع طبقه‌بندی انبیاء و

۱. لوئیس ممفورد (۱۸۹۵-۱۹۹۰) در ایالات متحده متولد و در دانشگاه کلمبیا تحصیل کرد. وی مورخ تمدن بشری و متخصص عصر ماشین بود.

۲. جامعه‌شناس بلژیکی (۱۸۲۸-۱۹۱۰)، که پیشرفت‌های تکنیکی جامعه انسانی را در پنج مرحله مورد مطالعه قرار داد و برای هر مرحله خصوصیات قائل شده است.

اولیای الهی هیچ جایگاهی در تاریخ ندارند. تاریخ به گونه‌ای تعریف شده است که انگار انبیاء وجود نداشته‌اند، همه‌ی تحولات را فلز به وجود آورده است و آینده بشر را حسگرها، قطعات الکترونیکی، سخت‌افزارها و نرم‌افزارها رقم خواهند زد. متفکران مدرنیته تلاش می‌کنند تا پیامبران و آموزه‌های الهی را از تاریخ کنار بگذارند. وقتی یک دانشجو در کشورهای پیشرفته، تمدن و تاریخ را مطالعه می‌کند، ماده، فلز و فناوری تاریخ ساز معرفی شده‌اند و انبیاء الهی که تاریخ را به سمت هدایت، عدالت و انسانیت برده‌اند از معادلات تاریخ حذف شده‌اند.

در یک قرن گذشته فیلم‌های بسیار زیادی در کشورهای غربی درباره آخرالزمان ساخته شده است. این فیلم‌ها بازگوکننده نوع نگاه گردانندگان تمدن غربی و به‌طور کلی دنیای غرب و علاقمندان آن‌ها در مشرق عالم، به موضوع منجی و آخرالزمان است. رویکرد این فیلم‌ها به موضوع آخرالزمان در دوران مختلف بر اساس شرایط جهانی، برنامه‌های سیاسی، نظامی، تفکرات موهومی مذهبی و تفاسیر شخصی از کتب مقدس تغییر یافته است. در بیشتر این فیلم‌ها منجی برای بشرارمغان‌های زیر را به همراه دارد:

- ۱- کره زمین را از خطر نابودی نجات می‌دهد.
- ۲- بشر را از خطر نابودی نجات می‌دهد.
- ۳- بشر را از شریک موجود یا دشمن خطرناک نجات می‌دهد.
- ۴- زندگی بهتر همراه با آسایش بیشتر را برای بشر تأمین می‌کند.
- ۵- به بشر امید زندگی امن‌تر با رفاه بیشتر را می‌دهد.

منجی از نگاه فیلم‌های غربی هیچ‌گاه با قلوب انسان‌ها، هدایت آن‌ها به سوی آموزه‌های الهی، بندگی خدا، آرامش حقیقی درونی، تکامل اخلاق، برقراری عدالت در چرخه و زنجیره طبیعی زندگی انسان، حیوانات و طبیعت و آنچه مربوط به بعد روحانی بشر می‌شود کاری ندارد. در این سلسله فیلم‌ها مأموریت منجی را، نجات کره زمین و بشر از نابودی نشان می‌دهند. یک خطر طبیعی یا مصنوعی کره زمین و زندگی انسان‌ها را تهدید می‌کند و منجی، آن‌ها را نجات می‌دهد، در حالی که در آموزه‌های دینی، منجی، مصلح کل است، یعنی دین و

دنیای انسان را اصلاح می‌کند. منجی؛ مهدی انسان‌هاست یعنی انسان را به سوی آموزه‌های الهی، نور خدا و پذیرش دین خدا دعوت می‌کند و منجی قلوب انسان‌ها و سامان دهنده روابط بین انسان‌ها و خداست. به تبع آن انسان به حیات طیبه دست یافته و عالم ماده نیز با هدایت ولی خدا به تسخیر انسان در می‌آید. بدین وسیله در این فیلم‌ها از اهمیت کار منجی می‌کاهند تا بتوانند هرکسی را به عنوان منجی به بشر قالب کنند.

در گروه دیگری از این فیلم‌ها فناوری غربی، تفکر غربی، مهندسیین غربی و بیشتر آمریکایی یا هر چیز دیگر غیر از اولیای الهی به عنوان منجی معرفی می‌شوند. در این فیلم‌ها گاهی یک موشک، گاهی یک مهندس، گاهی یک سیاه‌پوست، گاهی یک حیوان، زندگی بشر را نجات می‌دهند. در فیلم «روز استقلال» (محصول ۱۹۹۶) فناوری غربی به عنوان منجی معرفی می‌شود.

ترفند جدیدترین است که در فیلم‌ها القاء می‌شود که امام عصر پس از ظهور، مجذوب فناوری غربی و زرق و برق و مصنوعات غربی شده و اعلام می‌دارد که هدف ما نیز هدایت بشر به سوی همین نوع از پیشرفت است و با دنیای غرب مصالحه کرده و دنباله‌رو آن‌ها می‌شود. بدین صورت آتش فشان امید را در قلوب منتظران خاموش می‌کنند. با دیدن این فیلم، فرد منتظر با خود می‌گوید وقتی امام عصر، خود مجذوب دنیای غرب می‌شود، پس ما برای چه چیزی در حال جان دادن هستیم، فیلم «بلک گلد»^۱ (محصول ۲۰۱۱) از این دست فیلم‌ها می‌باشد.

رویکرد دنیای غرب به آخرالزمان یک رویکرد تکنولوژی محور است، نه انسان محور. حتی زمانی که امام زمان مسلمانان را در فیلم‌هایشان به رسمیت می‌شناسند، وی را در انتها مغلوب و مجذوب تکنولوژی غرب معرفی می‌کنند و به گونه‌ای القاء می‌کنند که ایشان هم در نهایت به این نتیجه می‌رسد که سعادت و خوشبختی بشر در آخرالزمان در گرو پیشرفت فناوری، اسباب و ابزار است.

1. Black Gold.

وضعیت وسایل نقلیه و ارتباطات در دنیای امروز

وسایل ارتباطی و نقلیه‌ی امروزی اگرچه از سختی انسان در ایجاد ارتباط و حمل و نقل کاسته است، اما به سادگی می‌توان دریافت که این وسایل حداقل ایرادات زیر را دارند:

۱- تولید صدا، دود، گازهای گلخانه‌ای، فلزات سنگین و انواع آلودگی‌های دیگری می‌کنند که محیط زیست را تخریب نموده و سلامتی انسان را تحت تأثیر قرار می‌دهند.

۲- فضای زیادی اشغال می‌کنند.

۳- طراحی، ساخت و تعمیر آن‌ها مشکل است و به کارخانه‌های وسیع و پیچیده‌ای برای تولید آن‌ها نیاز است.

۴- تعداد زیادی نیروی متخصص که عمر خود را در این علوم گذرانده‌اند برای تولید و طراحی آن‌ها نیاز است.

۵- تصادف ایجاد می‌کنند و جان انسان‌ها را می‌گیرند.

۶- گران هستند.

۷- تعداد زیادی قطعه دارند که هر لحظه احتمال خراب شدن دارند.

۸- به سوخت زیاد (در وسایل نقلیه) و شارژ پیاپی (در وسایل ارتباطی) نیاز دارند.

۹- امواج خطرناکی تولید می‌کنند (در وسایل ارتباطی).

تصادفات وسایل نقلیه

سازمان جهانی حمل و نقل جاده‌ای فهرستی کامل از قربانیان حوادث جاده‌ای در سراسر جهان منتشر کرده که نشان می‌دهد با وجود افزایش امنیت اتومبیل‌ها و زیرساخت‌های مناسب شهری برای جاده‌کشی‌های ایمن و مطمئن، اما در سال ۲۰۱۳ نیز شمار تلفات جاده‌ای بسیار بالا و حدود ۲۰/۸ نفر به ازای هر ۱۰۰۰۰۰ نفر بوده است.



شکل ۱۳- صحنه تصادف دسته جمعی

متأسفانه آمارهای ارائه شده برای ایران هم چندان رضایت بخش نیست و درازای ۱۰۰ هزار شهروند در ایران ۳۵/۸ نفر جان خود را در حوادث رانندگی از دست می دهند (۶۶). با این آمار هر ساله حدود یک میلیون و پانصد هزار نفر در جهان بر اثر تصادفات رانندگی کشته می شوند که آمار مجروحین و معلولین آن نزدیک به ده برابر این آمار خواهد بود. کشته شدگان ناشی از این تصادفات نیز به گونه ای بسیار دلخراش جان باختند و صدمات روحی و روانی بسیار زیادی بر خانواده و اطرافیان آن ها وارد می شود.

آلودگی هوا توسط وسایل نقلیه

در آلمان سالانه بین ۷۰۰۰ تا ۸۰۰۰ تن سرب وارد هوا می گردد. در تمام دنیا مقدار سرب تولید شده به وسیله اتومبیل ها و کارخانه های صنعتی به سالانه حدود پانصد هزار تن می رسد. به عنوان مثال زمین های مجاور خیابان ها و اتوبان ها با ترافیک شدید، همه با فاصله حدود ۱ کیلومتری خیابان آلوده به سرب می باشند. مقدار سرب موجود در اقیانوس ها نیز امروزه حدود ۵۰ برابر مقدار طبیعی خود می باشد.

علائم بیماری های حاصل از سرب کاملاً متفاوت و در وهله اول غیر قابل تشخیص می باشد. در مراحل اولیه بی حوصلگی، بی اشتها و کمبود تحرک را می توان نام برد. کم شدن وزن و خون علائم دیگری از مسمومیت در اثر سرب می باشد. در بین بانوان عادات

ماهانه صورت نمی‌گیرد و یا به تعویق می‌افتد. تغییرات کلی نیز در شکل خون به وجود می‌آید. گلبول‌های قرمز خون تغییر شکل می‌دهند. در اثر رسوب سرب در دهان، لثه و دندان‌ها به رنگ خاکستری در می‌آیند. این رنگ خاکستری می‌تواند حتی بعد از رفع مسمومیت نیز مدتی پابرجا بماند. اثرات مسمومیت ناشی از سرب می‌تواند دامنه گسترده‌تری پیدا کند و مشکلات و نارسائی‌های زیر را به وجود آورد:

- کاهش ضربان نبض.
- ازدیاد فشارخون.
- چروک خوردن کلیه.
- پارگی یا درد شدید عضلات (پارگی عضلات در اثر از دست دادن خاصیت کششی).
- بیماری‌های مغزی همراه با سردردهای شدید.
- صرع.

علاوه بر بیماری‌های یادشده، تاکنون در اثر مسمومیت سرب، بیماری‌های عصبی، فلج، بیماری‌های مفصل و کم‌خونی نیز مشاهده شده است. همچنین در اثر وجود سرب در بدن احتمال تغییرات ژنتیک و یا به‌طور کلی دگرگونی عوامل ارثی نیز وجود دارد (۶۷) (۶۸).

این آمارها تنها ذره‌ای از ایجاد مسمومیت‌ها و ضربات مهلکی است که فناوری امروزی بر پیکره طبیعت و انسان وارد می‌کند. آیا چنین فناوری که مصداق بارز اهلاک حرث و نسل است را می‌توان به جامعه مهدوی تسری داد؟



شکل ۱۴- آلودگی هوا و محیط زیست (دنیا در اسارت دود و آلودگی)

خطر امواج الکترومغناطیسی

وسایل بی سیم مثل وای فای^۱ ساطع کننده امواج هستند که اگر افراد، زیاد در معرض این امواج قرار گیرند، ممکن است دچار آسیب شوند. وای فای یکی از دستگاه های بی سیم است که انرژی را در محیط منتشر می کند و یک منبع انرژی است که اگر مقادیر انتشار آن از حد مجاز بیشتر شود، می تواند باعث آسیب شود (۶۹). در کشور آلمان قیمت زمین در مکان هایی که آنتن موبایل نصب شده است ۳۰ درصد ارزان تر است. امواج موبایل برای خانم های باردار و افراد زیر ۱۶ سال بیشترین ضرر را دارد.

هنگام ارسال MMS یا پیام تصویری، خطر امواج ۱۰۰۰ برابر بیشتر است. پاره شدن رشته های DNA و احتمال ابتلا به سرطان، ناراحتی قلبی، فشارخون، رشد تومورهای مغزی، سردرد، آلزایمر، پارکینسون و سایر بیماری های ناشناخته ارمغان فناوری ارتباطی تمدن امروز بشر است. امواج الکترومغناطیسی از جمله امواج تلفن همراه ممکن است باعث پرخاشگری، آسیب رسیدن به لثه ها، بروز سرطان مغز، افزایش بزاق دهان، اختلال در بخشی از اعصاب شنوایی گوش و خطر بروز عوارض نازایی نزد زنان و مردان، افزایش استرس، سردرد، خستگی، دلهره،

1. Wifi.

اختلال در عملکرد حافظه، مشکل در تمرکز، بی‌اشتهایی و حتی عوارض پوستی شوند (۷۰) (۷۱) (۷۲) (۷۳).

خطر مواد رها شده در طبیعت

سالیانه میلیاردها حلقه لاستیک در خودروها مصرف می‌شود. سایش این لاستیک‌ها در تماس با خیابان و جاده‌ها باعث رها شدن چند میلیون مترمکعب ذرات لاستیک در طبیعت می‌شود که وارد هوا، منابع آب و خاک می‌شوند. مصرف میلیاردها لنت ترمز توسط خودروها و سایش ذرات بسیار ریز و بعضاً خطرناک از آن‌ها نیز یکی دیگر از منابع آلودگی هوا، آب و خاک است. استفاده از انواع رنگ‌های شیمیایی مانند رنگ چوب، ابزارها، کمد‌ها، مبلمان، پارچه‌ها، کابینت‌ها و خودروها که همگی دارای حلال‌های شیمیایی هستند، انواع اسپری‌های براق‌کننده چرخ و کنسول خودروها که از مواد شیمیایی مضر برای سلامتی انسان و محیط زیست برخوردار هستند، مصرف سالیانه میلیاردها لامپ کم مصرف که حاوی فلز بسیار خطرناک جیوه است، استفاده از انواع گازها در کولر اتومبیل و سردخانه‌های مختلف که بالاخره روزی به هوا نشت می‌کنند، میلیاردها لیتر روغن‌های مورد استفاده در خودروها و پس مانده انواع لوازم الکترونیکی که به علت تغییر مدل توسط بشر دور انداخته می‌شوند و ده‌ها منبع دیگر باعث ایجاد آلودگی در هوا و منابع آب و خاک می‌شوند. استنشاق هریک از این آلودگی‌ها باعث اثرات مخرب بر سلامتی انسان شده و اولین شلاق را بر پیکره‌ی اخلاق انسان وارد می‌کنند. چگونه ممکن است که یک انسان که با استنشاق اندکی گاز متصاعد شده از سفیدکننده‌های بهداشتی که در دستشویی‌ها مصرف می‌شود دچار خفگی می‌شود، با استنشاق انواع گازهای مضر دارای سلامت کامل اخلاقی و اعصاب لازم باشد. دومین شلاق توسط این منابع آلودگی بر سلامت جسم انسان وارد شده و در نهایت پیکره محیط زیست او را مجروح می‌کند. سلامت اخلاق، آرامش روان و اعصاب انسان، سلامتی جسم و تمیزی و پاکی محیط زیست از مولفه‌های مهم برای تربیت یک انسان سالم در تراز خلیفه خداست. آیا سبک زندگی و تولیدات این تمدن این زیرساخت‌ها را مهیا می‌کند؟ آیا ظلم، فقط در کشتن انسان‌ها با گلوله و بمب و تضييع حقوق مالی او خلاصه می‌شود، آیا شلاق‌های وارد شده بر

بیکره اخلاق، سلامت و محیط زیست انسان از اقسام مهم ظلم نیستند؟ آیا عدالت، بازگرداندن همه‌ی این ناملازمات به جای اول خود نیست؟

استفاده از فناوری‌های ارتباطی امروزی اکنون دو دهه است که در بین مردم رایج شده و هنوز بسیار زود است که درباره اثرات نامطلوب آن‌ها بر ژن انسان اظهار نظر کرد. با گذشت زمان آثار زیان‌بار استفاده از این فناوری‌ها روی نسل انسان آشکار خواهد شد.

فناوری در عصر ظهور

تفسیر نادرست از روایات درباره فناوری مورد استفاده امام زمان و یاران ایشان

برخی افراد روایات ظهور را که در آن‌ها به فناوری مورد استفاده یاران امام در زمان ظهور اشاره شده بر فناوری‌های امروزی مانند موبایل، اینترنت، تلویزیون، هواپیما و ماهواره تطبیق می‌دهند و برای ادعای خود روایات را هم شاهد می‌آورند. اگرچه فناوری‌های کنونی درک و هضم برخی روایات که فناوری ارتباطی و سایر فناوری‌های مورد استفاده یاران امام زمان را توضیح می‌دهند آسان می‌کند، اما این‌گونه اندیشیدن، یعنی امام عصر و یارانش را به عنوان کاربر فناوری‌های دنیای امروز نشان دادن اشتباه بوده و دقیقاً همان چیزی است که اکنون دشمنان امام عصر به دنبال آن هستند.

همان‌گونه که بیان شد دشمنان امام زمان در دنیای غرب، در جدیدترین روش خود برای دلسرد کردن و ایجاد تشکیک در قلوب منتظرین ظهور، سعی دارند امام عصر و جهان پس از ظهور را وامدار تمدن غرب معرفی کرده و امام عصر را دنباله‌رو و مصرف‌کننده فناوری غربی معرفی کنند. این دقیقاً همان چیزی است که امروزه غربی‌ها به دنبال آن هستند، یعنی القای هضم شدن امام عصر، یاران و تمدن آن‌ها در تمدن غرب. آن‌ها درصدد هستند تکامل بشر را یک تکامل تکنولوژیکی معرفی کنند، در حالی که منظور از تکامل بشر تکامل در اخلاق انسان است.

در روایات تأکید شده است که امام عصر بیعت هیچ شخص و گروهی را برگردن نخواهد داشت و وام‌دار هیچ شخص و گروهی نخواهد بود. اصل بر این است که چارچوب اداره امور دنیوی و معنوی مؤمنین از جمله فناوری مورد استفاده یاران امام، بعد از ظهور به گونه‌ای است

که کفار منت و تسلطی، به خاطر آن بر مؤمنین و امام ندارند و بیعت و قرضی بر گردن امام نخواهد بود، آن گونه که خداوند در قرآن می فرماید:

﴿وَلَنْ يَجْعَلَ اللَّهُ لِلْكَافِرِينَ عَلَى الْمُؤْمِنِينَ سَبِيلًا﴾ خداوند هرگز کافران را بر مؤمنان تسلطی نداده است.^۱

امام صادق علیه السلام فرمودند:

صاحب هذا الامر تعمی ولادته علی (هذا) الخلق لئلا يكون لاحد في عنقه بيعة إذا خرج؛ صاحب الامر ولادتش بر مردم ناپیدا باشد تا وقتی که قیام می کند از کسی حقی و بیعتی بر گردنش نباشد.^۲

آری، این جنبش فراگیر چنان با قدرت و صلابت برای اقدام نهایی شکل می گیرد که نه تعهدی به ستمگران خواهد بود و نه نیاز به آنان خواهد داشت و نه حتی همانند امامان گذشته که با کراهت به صلح یا تعهدی (به خاطر مصونیت شیعیان) تن دادند به مصالحه تسلیم خواهد شد. کار او چنان است که به یک شب، تمامی جوانب امر برایش اصلاح می شود.

پیامبر گرامی صلی الله علیه و آله در مکه و سال های نخست پس از هجرت در مدینه به سوی بیت المقدس نماز می گزارد؛ اما خواست قلبی او نماز گزاردن به سوی کعبه بود و بدین جهت در انتظار وحی و تغییر قبله به سر می برد. خداوند با نزول آیه قبله، ایشان را خشنود کرد و او را به تغییر قبله به سوی مسجد الحرام فرمان داد.

﴿قَدْ نَرَى تَقَلُّبَ وَجْهِكَ فِي السَّمَاءِ فَلَنُوَلِّيَنَّكَ قِبْلَةً تَرْضَاهَا فَوَلِّ وَجْهَكَ شَطْرَ الْمَسْجِدِ الْحَرَامِ وَحَيْثُ مَا كُنْتُمْ فَوَلُّوا وُجُوهَكُمْ شَطْرَهُ وَإِنَّ الَّذِينَ أُوتُوا الْكِتَابَ لَيَعْلَمُونَ أَنَّهُ الْحَقُّ مِنْ رَبِّهِمْ وَمَا اللَّهُ بِغَافِلٍ عَمَّا يَعْمَلُونَ﴾ نگاه های انتظار آمیز تو را به سوی آسمان (برای تعیین قبله نهایی) می بینیم. اکنون تو را به سوی قبله ای که از آن خشنود باشی، باز می گردانیم. پس روی خود را به سوی مسجد الحرام کن و هر

۱. نساء، ۴۱.

۲. کمال الدین، شیخ صدوق، ص ۴۷۹، ح ۱؛ ص ۴۸۰، ح ۲ و ۳ و ۴ و ۵.

جا باشید، روی خود را به سوی آن بگردانید و کسانی که کتاب آسمانی به آن‌ها داده شده، به خوبی می‌دانند این فرمانِ حقی است که از ناحیه پروردگارشان صادر شده، (و در کتاب‌های خود خوانده‌اند که پیغمبر اسلام، به سوی دو قبله، نماز می‌خواند) و خداوند از اعمال آن‌ها (در مخفی داشتن این آیات) غافل نیست^۱!

«یهودیان پس از ورود پیامبر ﷺ به مدینه این موضوع را دستاویز خود قرار داده بودند و مرتباً مسلمانان را سرزنش می‌کردند که این‌ها استقلالی از خود ندارند، این‌ها پیش از آنکه ما به آن‌ها یاد دهیم اصلاً از امر قبله سر در نمی‌آوردند، قبول قبله ما، دلیل بر قبول مذهب ما است و مانند این‌ها»^۲.

قبلاً منت قبله که متعلق به خداست را بر پیامبر گرامی اسلام گذاشته‌اند و آن را مایه برتری و اثبات حقانیت خود قرار داده‌اند، آیا در صورتی که امام عصر از دستاوردهای تمدن غرب استفاده نمایند این قضیه به نحو بارزتری تکرار نخواهد شد؟ تصور کنید که روایت‌های وارد شده را بر سوار شدن امام و یارانش بر هواپیماهای ساخت دنیای غرب تعبیر کنیم، آنگاه منت دنیای غرب بر امام و یارانش گوش فلک را کر خواهد کرد.

فناوری چگونه در عصر ظهور گسترش می‌یابد

با بررسی وضعیت فناوری و سبک زندگی در عصر حاضر که موجب ظهور فساد در خشکی و دریا شده است، به دنبال رد استفاده از فناوری توسط انسان نیستیم، بلکه به دنبال اثبات این موضوع هستیم که بر اساس آیات، روایات و شواهد تاریخی، اگر انسان دعوت اولیای الهی را می‌پذیرفت و ایمان و تقوای الهی پیش می‌گرفت از حیات طیبه که یکی از مولفه‌های حاشیه‌ای آن برخوردار است انسان از فناوری‌های بسیار پیشرفته، آسان، پاک و بسیار کم هزینه و شاید بی هزینه بود بهره‌مند می‌شد. حال که مجتمع انسان این راه را نیازموده، روزی فرا می‌رسد که از همه‌ی مسیرهای رفته ناامید شده و به سوی حیات طیبه مهدوی باز خواهد گشت. در چنین شرایطی با ظهور حضرت حجت یکی از مولفه‌های فرعی حیات طیبه که فناوری مورد

۱. بقره، ۱۴۴.

۲. تفسیر نمونه، آیت الله مکارم شیرازی، ذیل آیه ۱۴۴ سوره بقره.

نیاز انسان است دارای خصوصیات زیر خواهد بود:

۱- برخلاف نظر گردانندگان تمدن کنونی بشر، عصر ظهور دوران خوشبختی و سعادت بشر با پیشرفت در اسباب نیست. کمال انسان با تکامل در اسباب، ابزار و فناوری حاصل نمی شود و خوشبختی، با تکامل اسباب و تسلط انسان بر عالم ماده و تسخیر عالم ماده حادث نمی شود. آیات قرآن نشان می دهند که هدف از خلقت انسان، گذراندن زندگی برای غرق شدن در عالم ماده و تلاش شبانه روزی برای گسترش فناوری و تسخیر عالم ماده نیست؛ بلکه عالم ماده وسیله ای برای تقرب به خداست که در سایه عبادت و اطاعت از خدا و اولیای خدا به سهولت به تسخیر انسان در خواهد آمد.

۲- تنها صورت تمدن بشری که می تواند در دنیا وجود داشته باشد و تنها روش پیشرفت اسباب و فناوری، کشاورزی و علوم پزشکی که می تواند در دنیای بشر وجود داشته باشد همین راهی که بشر طی کرده است نیست. تنها صورت تمدنی که بشر می توانست داشته باشد این تمدنی که الآن در آن نفس می کشیم نیست؟ بلکه به تصریح قرآن، ایمان به خدا و اطاعت از پیامبران و به طور خلاصه قرار گرفتن تمدن بشر در چارچوب دین خدا می توانست صورت دیگری از تمدن را برای بشر به ارمغان آورد که از آن به «حیات طیبه» تعبیر می شود. صورتی از حیات که نقایص، آلودگی ها، ضرر و زیان های مادی و معنوی، تباهی منابع طبیعی و اخلاق و منش انسانی را در پی نداشته باشد و وقت، انرژی و توانایی گران بهای انسان را که باید در عبادت خدا صرف شود، مشغول به ساخت، طراحی و به کارگیری فناوری و اسباب و ابزار نکند؟ خداوند در قرآن کریم می فرماید:

﴿وَلَوْ أَنَّ أَهْلَ الْقُرَىٰ آمَنُوا وَاتَّقَوْا لَفَتَحْنَا عَلَيْهِم بَرَكَاتٍ مِّنَ السَّمَاءِ وَالْأَرْضِ وَلَٰكِن كَذَّبُوا فَأَخَذْنَاهُم بِمَا كَانُوا يَكْسِبُونَ﴾^۱ و اگر اهل شهرها و آبادیها، ایمان می آوردند و تقوا پیشه می کردند، برکات آسمان و زمین را بر آنها می گشودیم؛ ولی (آنها حق را) تکذیب کردند، ما هم آنان را به کیفر اعمالشان مجازات کردیم.^۱

این آیه به روشنی نقش ایمان و تقوا را در سهولت دسترسی بشر به ابزار و منابع مورد نیازش،

برای زندگی در این دنیا را نشان می‌دهد و تأکید دارد که اگر انسان ایمان به خدا و تقوا داشت چگونه برکات خداوند از زمین و آسمان نصیب او می‌شد. با بررسی روایات در می‌یابیم که در عصر ظهور نیازهای مومنین به فناوری، به روش‌های زیرتأمین خواهد شد:

۱- در عصر ظهور خداوند به برکت ظهور امام عصر و ایمان و تقوای مؤمنین، آن‌ها را به وسیله علم خود بی‌نیاز خواهد کرد و انواع فناوری، به ویژه فناوری ارتباطات و حمل و نقل به صورت شگفت‌آوری پیشرفت می‌نماید. در این دوران آموزش، پژوهش و پرورش نه تنها تعطیل نمی‌شود بلکه با شدت بیشتر و به صورت صحیح و با بهترین روش‌ها ادامه خواهد یافت. بنابراین فناوری که به دست بشر و با علم الهی ساخته می‌شود هیچ‌یک از نقایص فناوری کنونی را نداشته و به ویژه فناوری به وجود آمده اخلاقی خواهد بود.

۲- در عصر ظهور بسیاری از نیازهای مؤمنین که هم‌اکنون با استفاده از اسباب و ابزار برطرف می‌شود با ارتقای توانایی بدن خود مؤمنین برطرف خواهد شد.

۳- در عصر ظهور بسیاری از نیازهای مؤمنین به وسیله هماهنگی طبیعت با مؤمنین برطرف می‌شود. در این زمان شعور و درک طبیعت ظهور و بروز خواهد کرد.

۴- در عصر ظهور بسیاری از نیازهای مؤمنین به اذن الله به برکت حضور امام و با هماهنگی عالم غیب تأمین می‌شود.

۵- در عصر ظهور بسیاری از نیازهای کنونی بشر که کاذب است، با به وجود آمدن روحیه استغنا و بی‌نیازی و از بین رفتن روحیه طمع، حسادت، بخل و به وجود آمدن روحیه قناعت در مؤمنین کاهش یافته و مؤمنین نه فقط از بسیاری نعمت‌های الهی در سعادت و آسایش خواهند بود، بلکه بسیاری از نیازهایشان با روح استغنا مرتفع می‌شود.

۶- در عصر ظهور بسیاری از فناوری‌های کنونی که به علت رخت بر بستن برکت و رحمت الهی از جامعه بشری به واسطه اعمال، رفتار و اخلاق بسیاری از انسان‌ها و برای جبران آن به وجود آمده‌اند از بین می‌روند، مانند فناوری سم‌پاشی، سم‌سازی و انواع علوم مربوط به سم که به علت کاهش برکت در تولیدات کشاورزی و هجوم انواع آفات و بیماری‌ها به وجود آمده از بین می‌رود.

امام صادق علیه السلام در این خصوص می فرماید:

إِنَّ الْمُؤْمِنِينَ فِي زَمَانِ الْقَائِمِ وَهُوَ بِالْمَشْرِقِ لِيَرَى أَخَاهُ الَّذِي فِي الْمَغْرِبِ، وَكَذَا الَّذِي فِي الْمَغْرِبِ يَرَى أَخَاهُ الَّذِي فِي الْمَشْرِقِ؛ فِي زَمَانِ الْقَائِمِ، شَخْصٌ مُؤْمِنٌ فِي حَالِهِ كَمَا فِي الْمَشْرِقِ بِه سر می برد، برادر خود را که در مغرب است دیده و نیز آن که در مغرب است، برادر خویش را در مشرق خواهد دید.^۱

و نیز می فرماید:

إِنَّ قَائِمَنَا إِذَا قَامَ مَدَّ اللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ لِشِيعَتِنَا فِي أَسْمَاعِهِمْ وَأَبْصَارِهِمْ حَتَّى لَا يَكُونَ بَيْنَهُمْ وَبَيْنَ الْقَائِمِ بَرِيدٌ يَكَلِّمُهُمْ فَيَسْمَعُونَ وَيَنْظُرُونَ إِلَيْهِ وَهُوَ فِي مَكَانِهِ؛ هنگامی که قائم ما قیام کند، خداوند، چنان گوش و چشم شیعیان ما را تقویت می کند که میان آنان و آن حضرت، نامه رسانی وجود ندارد و مردم در هر نقطه از کره زمین، امام را مشاهده می کنند و امام با آنان سخن می گوید.^۲

با دقت در روایات متوجه می شویم که معصوم علیه السلام فرموده اند چیزی در دست مؤمنین است که با آن یکدیگر را می بینند و صدای یکدیگر را می شنوند. بنابراین فناوری ارتباطی در عصر ظهور متفاوت با فناوری امروزی می باشد.

در عصر ظهور، به جهت جهش علمی و پیشرفت فناوری و صنعت، وسایل ارتباطی و اطلاعاتی آن قدر پیشرفته خواهد بود که دنیا را چون کف دست، نشان می دهد و برای آگاهی از دورترین نقاط کشور، به وسایل و ابزار ارتباطی امروزی نیازی نیست (۷۴). این مسئله، به امام و یاران خاص ایشان اختصاص ندارد؛ بلکه مردم عادی نیز با همدیگر سخن می گویند و همدیگر را مشاهده می کنند؛ در حالی که یکی در مشرق عالم و دیگری در مغرب است. از این رو، حکومت مرکزی نسبت به کل عالم، که تحت حکومت واحد او هستند تسلط کامل دارد و به موقع و بدون فوت وقت، وارد عمل شده، مشکل را حل می کند و هرگونه توطئه و فساد را در نطفه خفه می سازد (۷۵).

۱. بحار الانوار، علامه مجلسی، ج ۵۲، ص ۳۹۱.

۲. اصول کافی، شیخ کلینی، ج ۸، ص ۲۴۰ و ج ۵۲، ص ۳۳۶.

برخلاف نظر افرادی که وسایل ارتباطی عصر ظهور را بر موبایل، اینترنت، ماهواره و سایر وسایل ارتباطی امروزی تأویل می‌کنند، روایات نشان می‌دهند که ارتباط بین مومنین با تقویت قوای حسی آنها انجام می‌شود. برای مثال در دو روایت یاد شده، امام صادق علیه السلام می‌فرماید خداوند گوش و چشم «شیعیان ما» را تقویت می‌کند یا می‌فرماید در زمان قائم «شخص مؤمن» برادر خود را در مغرب عالم می‌بیند نه هر شخصی بتواند این کار را انجام دهد. بنابراین ارتباط سهل و با فناوری الهی مختص مؤمنین است در حالی که فناوری‌های کنونی مؤمن و غیر مؤمن نمی‌شناسند.

امام صادق علیه السلام سهولت ارتباطات در عصر ظهور را در گفتار دیگری به طور بارزی بیان فرموده است:

إِنَّهُ إِذَا تَنَاهَتْ الْأُمُورُ إِلَى صَاحِبِ هَذَا الْأَمْرِ رَفَعَ اللَّهُ تَبَارَكَ وَتَعَالَى كُلَّ مُنْخَفِضٍ مِنَ الْأَرْضِ وَخَفَّضَ لَهُ كُلَّ مُرْتَفِعٍ مِنْهَا حَتَّى تَكُونَ الدُّنْيَا عِنْدَهُ بِمَنْزِلَةِ رَاحَتِهِ فَأَيْكُمْ لَوْ كَانَتْ فِي رَاحَتِهِ شَعْرَةٌ لَمْ يَبْصُرْهَا؛ وقتی کارها به صاحب اصلی ولایت حضرت مهدی برسد، خداوند هر نقطه فرورفته‌ای از زمین را برای او مرتفع و هر نقطه مرتفعی را پایین می‌برد؛ آن چنان که تمام دنیا نزد او به منزله کف دستش خواهد بود. کدام یک از شماها اگر در کف دستش مویی باشد، آن را نمی‌بیند؟^۱

آسانی رفت‌وآمد و جابه‌جایی از دیگر مواردی است که در احادیث به آن اشاره شده است. رسول خدا در مورد چگونگی حمل و نقل در آن زمان می‌فرماید:

پس از شما قومی خواهد آمد که زمین زیرپایشان طی و پیموده می‌شود و درهای جهان به رویشان باز می‌گردد. زمین در کم‌تر از یک چشم به هم زدن پیموده می‌گردد؛ به گونه‌ای که اگر کسی از آنان بخواهد، شرق و غرب را در ساعتی بپیماید، این کار را انجام می‌دهند.^۲

در روایتی از امام باقر علیه السلام بر سوار شدن امام، بر ابر اشاره شده است:

۱. کمال الدین، شیخ صدوق، ج ۲، ص ۶۴۷.

۲. چشم اندازی به حکومت مهدی، نجم الدین طیبی، ح ۵۳۹.

آگاه باشید که ذی‌القرنین بین دو نوع ابر، مخیر گردید و او ابرام را برگزید و ابر صعب را برای صاحب شما ذخیره کرد. راوی می‌گوید: گفتم: صعب چیست؟ فرمود: آنچه از ابری که رعد، صاعقه و برق دارد، صاحب شما بر آن سوار می‌شود. بدانید که نزدیک است که وی سوار بر ابر شود و به وسیله اسباب بالا رود؛ اسباب آسمان‌های هفت‌گانه و زمین‌های هفت‌گانه.^۱

این روایات همگی گویای ارتباطات سهل و آسان در جامعه مهدوی و طبعاً در ساختارهای نظام است؛ به طوری که در پی آن، مردم بدون مشکل با کارگزاران و حاکم جامعه سخن می‌گویند. امام صادق در حدیثی این سهولت را چنین بیان می‌کند:

هنگامی که قائم قیام کند در کشورهای روی زمین کسانی را برمی‌انگیزد، در هر سرزمین یک نفر را و به او می‌گوید: فرمان تو در کف دست تو است، هرگاه کاری برای تو پیش آمد که آن را نفهمیدی و ندانستی چگونه در آن حکم کنی، به کف دست خود بنگر و به آنچه در آن (مکتوب) است عمل کن. فرمود: و سپاهی به قسطنطنیه گسیل می‌دارد و چون آنان به کنار خلیج برسند بر قدم‌های خویش چیزی نویسند و بر روی آب روان شوند پس چون رومیان ایشان را بنگرند که بر آب راه می‌روند گویند: اینان که اصحاب اویند این چنین بر آب گام برمی‌دارند پس او خود چگونه خواهد بود؟ در این هنگام دروازه‌های شهر را برای آنان می‌گشایند و آنان داخل آن شهر می‌شوند و در آنجا آنچه بخواهند دستور می‌دهند.^۲

بعد از ظهور، انسان؛ وجهی پیدا می‌کند که از مغرب، مشرق عالم را می‌بیند، نه با موبایلش می‌بیند (۳). اگر امام و یارانش از فناوری کنونی ارتباطی و سایر فناوری‌های بشر امروز استفاده کنند، مورد طعن دشمن قرار گرفته و همچنین مضرات جسمی و روحی، وجوه غیر اخلاقی، پیچیدگی و دست و پا گیر بودن، گرانی و سایر ابعاد این بلای قرن مدرن به جامعه مهدوی نیز منتقل می‌شود و تکامل مورد امید و انتظار انسان در جامعه مهدوی مختل خواهد شد. روایات، این مفهوم را به ذهن متبادر می‌کنند که به جای استفاده از برخی انواع تکنولوژی، به

۱. بحار الانوار، علامه مجلسی، ج ۱۲، ص ۱۸۲، ح ۱۲؛/ختصاص، شیخ مفید، ج ۱، ص ۱۹۹.

۲. الغیبة، نعمانی، باب ۲۱، ص ۳۱۹، ح ۸.

لطف خدا حواس انسان ارتقا می‌یابد، به گونه‌ای که بدون نیاز به وسایل جنبی ارتباطات افراد با یکدیگر و جابجایی افراد انجام می‌شود.

در دنیای کنونی، انسان با عالم هماهنگ نیست و عالم همه‌ی برکات خودش را در اختیار انسان قرار نمی‌دهد. خداوند متعال، لایه‌های ظاهری عالم را مسخرانسان کرده است، ولی تسخیر لایه‌های باطنی آن شرایط ویژه‌ای دارد و مخصوص انسان‌های مومن و به حق پیوسته است. منظور از نزول رحمت و برکات الهی، معجزه نیست، بلکه بهره‌مندی از علم الهی با واسطه فیض (امام معصوم) یا عقل سلیم است. دریافت یک شاه کلید علمی از منبع زلال و پاک آن می‌تواند تغییرات بسیار ژرفی در دنیای انسان ایجاد کند. برای مثال تصور شود اگر انسان شاه کلید استفاده سهل و آسان از انرژی خورشیدی، متفاوت با روش‌های بسیار پیچیده و هزینه‌بری که اکنون در حال استفاده است را به دست آورد، چه تغییرات بنیادی در همه‌ی عرصه‌های زندگی ایجاد می‌شود.

در همین تمدن مادی، وقتی بشر به انرژی هسته‌ای دست یافت، مقیاس تمدن عوض شد. یعنی، دست‌یابی به کنترل الکترون تنها محدود به یک کشف علمی صرف نبود؛ بلکه هم پای این کشف، سرعت ارتباطات نیز توسعه یافت. به همین ترتیب، لایه‌های باطنی‌ای در عالم هست که در اختیار غیر مومنین قرار داده نمی‌شوند؛ این حقایق و این بطون عالم، مخصوص عصر ظهور است که تمدن دیگری از دل آن‌ها شکوفا می‌شود (۷۶).

به‌طور خلاصه از روایات می‌توان دریافت که عالم بعد از ظهور مرتبه دیگری از آفرینش است و تمدن کنونی بشر ادامه نخواهد یافت، بدین معنی که عالم پس از ظهور عالمی نیست که در آن تمدن کنونی دست‌کاری شود و نواقص آن برطرف شود، بلکه فناوری الهی مبتنی بر علم به صورت‌های زیر در اختیار انسان قرار می‌گیرد:

الف) بشر علم رسیدن به یک فناوری را از منبع علم لایزال الهی از طریق واسطه فیض (امام معصوم) کسب کرده و خود او اقدام به ایجاد فناوری می‌کند، مانند آنچه در ساخت کشتی حضرت نوح علیه السلام یا زره حضرت داوود علیه السلام و علم گیاه‌شناسی و ساخت سیلو برای نگهداری غلات در زمان یوسف نبی و سایر مواردی که در قرآن اشاره شده است، اتفاق افتاد. در طول

تاریخ نیز پیامبران الهی مبدأ و سرچشمه جاری شدن علوم در بین امت‌ها بوده‌اند و این مسئله عجیب و غریبی نیست و همچنین به معنی تعطیلی آموزش، پرورش و پژوهش در آن زمان نیست. حضرت موسی عَلَيْهِ السَّلَام چند دهه مشغول آموزش قوم بنی اسرائیل در ابعاد مختلف از جمله علم و فناوری بود (۷۷).

ب) به لطف خداوند یک توانایی مبتنی بر علم الهی در اختیار انسان قرار می‌گیرد، مانند آنچه به عنوان سبب حمل و نقل به ذوالقرنین، حضرت موسی، حضرت عیسی، حضرت سلیمان و سایر اولیای الهی داده شده و در قرآن به آن‌ها اشاره شده است.

ج) انسان با آموزش، پژوهش و تلاش در حالی که عقول، از ناحیه خداوند تکامل یافته و عقل سلیم در عموم مومنین رشد یافته است فناوری و علوم مورد نیاز خود را استخراج نموده و نیاز واقعی خود را مرتفع خواهد ساخت. این زمانی است که برکت، همه‌ی فعالیت‌ها و تلاش‌های مومنین را غنا خواهد بخشید.

د) اصولاً دسترسی بشر به همه‌ی نعمت‌های الهی دارای دو لایه است. در لایه اول بشر با تلاش، کسب علم، آموزش و پژوهش، به روش‌های معمول به علم و فناوری دست می‌یابد. در لایه دوم درهای علم الهی و توانایی‌هایی به میزان ظرفیت انسان مؤمن و به حق پیوسته روی او باز می‌شود، لذا در عصر ظهور به علت تعالی و تقوای مؤمنین و اطاعت از ولی معصوم، مؤمنین از هر دو لایه علم بهره‌مند می‌شوند. همان‌گونه که قبلاً اشاره شد در این زمان، لازم نیست حضرت مهدی عَلَيْهِ السَّلَام برای انتقال علم و فناوری الهی به مؤمنین، دانشگاه تأسیس کند یا افرادی را آموزش دهد، بلکه با به دست دادن شاه‌کلید یک علم الهی به یارانش، آن‌ها خواهند توانست مقیاس تمدن و فناوری را در عصر ظهور تغییر دهند. همچنین با توجه به روایات، با تکامل عقول و افهام مؤمنین و همچنین اشراف تکوینی امام بریاران، تک‌تک افراد جامعه صاحب‌خرد و اندیشه‌های تعالی یافته‌ی بوده و خواهند توانست عالم ماده را برای سعادت و کمال به تسخیر درآورند.

امام باقر عَلَيْهِ السَّلَام می‌فرماید:

يَأْتِي عَلَى النَّاسِ زَمَانٌ يَغِيبُ عَنْهُمْ إِمَامُهُمْ، فَيَأْتِيهِمْ طُوبَىٌّ لِلثَّابِتِينَ عَلَى أَمْرِنَا فِي ذَلِكَ الزَّمَانِ،

إن أدنى ما يكون لهم من الثواب أن يناديهم الباري جل جلاله فيقول: عبادي وإمائي أمتي بسري وصدقتم بغيبى، فأبشروا بحسن الثواب مني، فأنتم عبادي وإمائي حقا منكم أتقبل، وعنكم أعفو، ولكم أغفر، وبكم أسقى عبادي الغيث وأدفع عنهم البلاء ولولاكم لانزلت عليهم عذابي، قال جابر: فقلت: يا ابن رسول الله فما أفضل ما يستعمله المؤمن في ذلك الزمان؟ قال: حفظ اللسان ولزوم البيت؛ مردم، زمانی می آید که امامشان از منظر آنان غایب می شود. خوشا به حال آنان که در آن زمان در امر [ولایت] ما اهل بیت ثابت قدم و استوار بمانند. کمترین پاداشی که به آنان می رسد، این است که خدای متعال خطابشان می کند و می فرماید: بندگان من! شما به حجت پنهان من ایمان آوردید و غیب مرا تصدیق کردید. پس بر شما مژده باد که بهترین پاداش من در انتظارتان است. آن گاه امام باقر علیه السلام ادامه داد: «خداوند متعال به خاطر ارج گذاری به چنین منتظران راستینی به آنان می فرماید: شما مردان و زنان، بندگان حقیقی من هستید. رفتار نیک و شایسته تان را می پذیرم و از کردار ناپسندتان عفو می کنم و به خاطر شما سایر گنهکاران را می آمرزم و بندگانم را به خاطر شما با باران رحمت خود سیراب و از آنان بلا را دفع می کنم. ای عزیزترین بندگان من! اگر شما نبودید، عذاب دردناک خود را به مردم نافرمان نازل می کردم. جابر گوید: عرض کردم: یا بن رسول الله! بهترین کار مومن در آن زمان چیست؟ حضرت فرمود: نگاهداری زبان و خانه نشینی.^۱

مثال هایی از اعطای علم و توانایی به اولیاء الهی از قرآن کریم

در قرآن کریم مواردی از اعطای علم الهی به پیامبران و اولیاء و یا اعطای توانایی به آنها بیان شده است که به خاطر ایمان به خدا و تقوای الهی به این افراد اعطا شده است. از آنجا که قرآن مدل ها را بیان کرده است، بنابراین اثبات می شود که هر شخص و جامعه ای که ایمان به خدا داشته و به درجه ی تقوا رسیده و حول محور ولی خدا بندگی کند اعطای علم و توانایی شامل او نیز خواهد شد. در قرآن کریم در مواردی به این تکرار عنایت اشاره شده است، از جمله در

۱. کمال الدین، شیخ صدوق، ص ۳۳۰.

سوره مبارکه نور می فرماید:

﴿وَعَدَ اللَّهُ الَّذِينَ آمَنُوا مِنْكُمْ وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ لَيَسْتَخْلِفَنَّهُمْ فِي الْأَرْضِ كَمَا اسْتَخْلَفَ الَّذِينَ مِنْ قَبْلِهِمْ وَلَيُمَكِّنَنَّ لَهُمْ دِينَهُمُ الَّذِي ارْتَضَىٰ لَهُمْ وَلَيُبَدِّلَنَّهُمْ مِنْ بَعْدِ خَوْفِهِمْ أَمْنًا يَعْبُدُونَنِي لَا يُشْرِكُونَ بِي شَيْئًا وَمَنْ كَفَرَ بَعْدَ ذَلِكَ فَأُولَٰئِكَ هُمُ الْفَاسِقُونَ﴾ خدا به کسانی از شما که ایمان آورده و کارهای شایسته کرده‌اند، وعده داده است که حتماً آنان را در این سرزمین جانشین [خود] قرار دهد؛ همان‌گونه که کسانی را که پیش از آنان بودند جانشین [خود] قرار داد، و آن دینی را که برایشان پسندیده است به سودشان مستقر کند، و بیمشان را به ایمنی مبدل گرداند، [تا] مرا عبادت کنند و چیزی را با من شریک نگردانند، و هر کس پس از آن به کفر گراید، آنان فاسقانند! ﴿

در این آیه‌ی شریف خداوند وعده‌ی استخلاف در زمین را به مؤمنین داده و تأکید دارد که نمونه‌ی آن قبلاً به بعضی از مؤمنین اعطا شده است، بنابراین عنایاتی که خداوند در اعصار گذشته به پیامبران و اولیا داشته است قابل تکرار بوده و آن‌گونه که از روایات برداشت می‌شود در عصر ظهور این عنایات در سطح وسیع خواهد بود.

برخی از موارد اعطای علم و توانایی به مؤمنین که در قرآن کریم اشاره شده و قابلیت تکرار برای سایر مؤمنین به‌ویژه در عصر ظهور را دارند عبارت‌اند از:

آصف برخیا

﴿قَالَ يَا أَيُّهَا الْمَلَأُ أَيُّكُمْ يَأْتِينِي بِعَرْشِهَا قَبْلَ أَنْ يَأْتُونِي مُسْلِمِينَ * قَالَ عَفْرِتٌ مِنْ الْجِنِّ أَنَا آتِيكَ بِهِ قَبْلَ أَنْ تَقُومَ مِنْ مَقَامِكَ وَإِنِّي عَلَيْهِ لَقَوِي أَمِينٌ * قَالَ الَّذِي عِنْدَهُ عِلْمٌ مِنَ الْكِتَابِ أَنَا آتِيكَ بِهِ قَبْلَ أَنْ يَرْتَدَّ إِلَيْكَ طَرْفُكَ فَلَمَّا رآهُ مُسْتَقِرًّا عِنْدَهُ قَالَ هَذَا مِنْ فَضْلِ رَبِّي لِيَبْلُوَنِي أَأَشْكُرُ أَمْ أَكْفُرُ * وَمَنْ شَكَرَ فَإِنَّمَا يَشْكُرُ لِنَفْسِهِ * وَمَنْ كَفَرَ فَإِنَّ رَبِّي غَنِي كَرِيمٌ﴾ (سلیمان) گفت: ای بزرگان کدامیک از شما تخت او را برای من می‌آورد پیش از آنکه به حال تسلیم نزد من آیند؟ عفریتی از جن گفت: من آن را نزد تو

می آورم پیش از آنکه از مجلسست برخیزی و من نسبت به این امر، توانا و امینم. (اما) کسی که دانشی از کتاب (آسمانی) داشت گفت: پیش از آنکه چشم بر هم زنی، آن را نزد تو خواهم آورد» و هنگامی که (سلیمان) آن (تخت) را نزد خود ثابت و پایرجا دید گفت: این از فضل پروردگار من است، تا مرا آزمایش کند که آیا شکر او را بجا می آورم یا کفران می کنم؟ و هر کس شکر کند، به نفع خود شکر می کند؛ و هر کس کفران نماید (بزیان خویش نموده است، که) پروردگار من، غنی و کریم است. ﴿۱﴾

آن گونه که در آیات مبارکه مشاهده می شود شخصی (آصف برخیا) که اندکی علم الهی در اختیارش بوده است تختی را که هزاران کیلومتر با حضرت سلیمان فاصله داشته است در چشم به هم زدنی منتقل کرده است. گفته می شود تخت یاد شده دارای ابعاد بسیار بزرگی نیز بوده است. این توانایی ناشی از در اختیار داشتن ذره ای از علم الهی و آن هم به واسطه ایمان و تقوای آن فرد بوده که موجب گردیده است که خداوند از علم خود وی را بهره مند سازد. چه ایرادی دارد خداوند به سایر انسان های باایمان و صاحب تقوا از علم و روزی خود عطا کند. داشتن چنین توانایی کاملاً امری علمی و امکان پذیر است.

ذوالقرنین

﴿وَيَسْأَلُونَكَ عَنِ ذِي الْقَرْنَيْنِ قُلْ سَأَتْلُو عَلَيْكُمْ مِنْهُ ذِكْرًا﴾ إِنَّا مَكَّنَّا لَهُ فِي الْأَرْضِ وَآتَيْنَاهُ مِنْ كُلِّ شَيْءٍ سَبَبًا ﴿فَاتَّبَعَ سَبَبًا﴾ و از تو درباره «ذوالقرنین» می پرسند. بگو: «به زودی چیزی از او برای شما خواهم خواند». ما در زمین به او امکاناتی دادیم و از هر چیزی وسیله ای بدو بخشیدیم. تا راهی را دنبال کرد. ﴿۲﴾

«گرچه بعضی از مفسران خواسته اند مفهوم سبب را که در اصل به معنی طنابی است که به وسیله آن از درختان نخل بالا می روند و سپس به هرگونه وسیله اطلاق شده، در مفهوم خاصی محدود کنند، ولی پیدا است که آیه کاملاً مطلق است و مفهوم وسیعی دارد و نشان

۱. نمل، ۳۸ تا ۴۰.

۲. کهف، ۸۳ تا ۸۵.

می دهد که خداوند اسباب وصول به هر چیزی را در اختیار ذوالقرنین گذارده بود؛ عقل و درایت کافی، مدیریت صحیح، قدرت و قوت، لشکر و نیروی انسانی و امکانات مادی، خلاصه آنچه از وسایل معنوی و مادی برای پیشرفت و رسیدن به هدفها لازم بود در اختیار او نهادیم.^۱

از تفسیر آیات به وضوح پیداست که خداوند به ذوالقرنین علم و توانایی و اسباب گوناگونی اعطاء کرده است و این اعطاء در پرتو ایمان به خدا و تقوای الهی و با واسطه‌ی فیض الهی، یعنی امام معصوم قابل تکرار برای سایر مؤمنین می باشد.

حضرت نوح علیه السلام

﴿وَأُوحِيَ إِلَىٰ نُوحٍ أَنَّهُ لَنْ يُؤْمِنَ مِنْ قَوْمِكَ إِلَّا مَنْ قَدْ آمَنَ فَلَا تَبْتَئِسْ بِمَا كَانُوا يَفْعَلُونَ * وَاصْنَعِ الْفُلَکَ بِأَعْيُنِنَا وَوَحِّينَا وَلَا تَخَاطِبْنِي فِي الَّذِينَ ظَلَمُوا إِنَّهُمْ مُغْرَقُونَ﴾ و به نوح وحی شد که: «از قوم تو، جز کسانی که [تاکنون] ایمان آورده‌اند هرگز [کسی] ایمان نخواهد آورد. پس، از آنچه می‌کردند غمگین مباش». «و زیر نظر ما و [به] وحی ما کشتی را بساز و درباره کسانی که ستم کرده‌اند با من سخن مگوی، چرا که آنان غرق شدنی‌اند».^۲

﴿وَقَالَ ارْكَبُوا فِيهَا بِسْمِ اللَّهِ مَجْرَاهَا وَمُرْسَاهَا إِنَّ رَبِّي لَغَفُورٌ رَحِيمٌ﴾ و [نوح] گفت: «در آن سوار شوید. به نام خداست روان شدنش و لنگر انداختنش، بی‌گمان پروردگار من آمرزنده مهربان است».^۳

در این آیات بر اعطای علم الهی به حضرت نوح علیه السلام برای ساخت کشتی و همچنین اعطای رمز و ذکر الهی برای حرکت و ایستادن آن تأکید شده است.

حضرت داوود علیه السلام و حضرت سلیمان علیه السلام

﴿وَلَقَدْ آتَيْنَا دَاوُودَ مِنَّا فَضْلًا يَا جِبَالُ أَوِیْ مَعَهُ وَالطَّيْرَ وَأَلْنَا لَهُ الْحَدِيدَ * أَلِیَّ غَمَلًا

۱. تفسیر نمونه، آیت الله مکارم شیرازی، ذیل آیات ۸۴ و ۸۵ سوره مبارکه کهف.

۲. هود، ۳۶ و ۳۷.

۳. هود، ۴۱.

سَابِغَاتٍ وَقَدِرَ فِي السَّرْدِ وَاعْمَلُوا صَالِحًا إِنِّي بِمَا تَعْمَلُونَ بَصِيرٌ * وَلِسُلَيْمَانَ الرِّيحَ غُدُوها
شَهْرًا وَرَوَّاحَهَا شَهْرًا وَأَسَلْنَا لَهُ عَيْنَ الْقِطْرِ وَمِنَ الْجِنِّ مَن يَعْمَلُ بَيْنَ يَدَيْهِ بِإِذْنِ رَبِّهِ وَمَن
يَزِغْ مِنْهُمْ عَن آمْرِنَا نُنزِقْهُ مِنْ عَذَابِ السَّعِيرِ * يَعْمَلُونَ لَهُ مَا يَشَاءُ مِنْ مَحَارِبَ وَتَمَاثِيلَ
وَجِفَانٍ كَالْجَوَابِ وَقُدُورٍ رَاسِيَاتٍ اعْمَلُوا آلَ دَاوُودَ شُكْرًا وَقَلِيلٌ مِّنْ عِبَادِيَ الشَّكُورُ؛ و
به راستی داوود را از جانب خویش مزیتی عطا کردیم. [و گفتیم] ای کوه‌ها، با او [در
تسبیح خدا] هم صدا شوید، و ای پرندگان [هماهنگی کنید]. و آهن را برای او نرم
گردانیدیم [که] زره‌های فراخ بساز و حلقه‌ها را درست اندازه‌گیری کن و کارشایسته
کنید، زیرا من به آنچه انجام می‌دهید بینايم. و باد را برای سلیمان [رام کردیم]
که رفتن آن بامداد، یک ماه، و آمدنش شبانگاه، یک ماه [راه] بود، و معدن مس را برای
او ذوب [و روان] گردانیدیم و برخی از جن به فرمان پروردگارشان پیش او کار
می‌کردند و هر کس از آنها از دستور ما سر برمی‌تافت، از عذاب سوزان به او
می‌چشانیدیم. [آن متخصصان] برای او هر چه می‌خواست: از نمازخانه‌ها و مجسمه‌ها
و ظروف بزرگ مانند حوضچه‌ها و دیگ‌های چسبیده به زمین می‌ساختند. ای
خاندان داوود، شکرگزار باشید و از بندگان من اندکی سپاس‌گزارند.^۱

در این آیات به وضوح اعطای علم، توانایی و تسخیر موجودات مختلف به حضرت
داوود عليه السلام و حضرت سلیمان عليه السلام مورد تأکید قرار گرفته است که در سایه‌ی ایمان به خدا و
تقوای الهی به یاران امام عصر و مؤمنین در عصر ظهور اعطاء خواهد شد.

اعطای توانایی مبتنی بر علم به مومنین در عصر ظهور

در حدیثی از ابوسعید خدری از پیامبر صلی الله علیه و آله آمده است:

من از معنای «الذی عنده علم من الکتاب» (که آورنده تخت بلقیس است) از محضرش
سؤال کردم، فرمود: «او وصی حضرت سلیمان بن داوود بود». عرض کردم: «من عنده علم
الکتاب» از چه کسی سخن می‌گوید؟ فرمود: این برادرم علی بن ابی طالب است. با توجه به
تفاوت «علم من الکتاب» که علم جزئی را می‌گوید و «علم الکتاب» که علم کلی را بیان

می کند، روشن می شود که میان آصف و علی علیه السلام چه اندازه تفاوت است. علم امیرالمؤمنین به تمام امامان علیهم السلام و درنهایت به حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه رسیده است. در روایات بسیاری می خوانیم که اسم اعظم الهی هفتاد و سه حرف است که یک حرف آن نزد آصف بن برخیا بود و چنان کار خارق عادتی را انجام داد. نزد امامان اهل بیت علیهم السلام هفتاد و دو حرف آن است و یک حرف آن مخصوص به ذات پاک خدا است.^۱

امام باقر علیه السلام فرمود:

أصحاب القائم ثلاثمائة وثلاثة عشر رجلاً أولاد العجم، بعضهم يحمل في السحاب نهراً، يعرف باسمه واسم أبيه ونسبه وحليته، وبعضهم نائم على فراشه فيوافيه في مكة على غير ميعاد؛ أصحاب قائم عليه السلام سيصد و سیزده نفر از فرزندان عجم هستند، بعضی از ایشان را در روز با آشنایی به نام خود و نام پدر و نسب و شمائل در ابرسوار می کنند، به مکه می برند و بعضی در رختخواب خود خوابیده، نابه هنگام در مکه دیده می شوند، بدون میعاد و سابقه قرارداد.^۲

فناوری های مورد استفاده یاران امام موجبات انواع بیماری، تصادف، مرگ و میر، آلودگی محیط زیست و انواع مصادیق اهلاک حرث و نسل را برای بشر فراهم نخواهند کرد، بلکه در عصر ظهور یک فناوری الهی بی عیب و نقص مبتنی بر اخلاق مورد استفاده قرار خواهد گرفت.

در کتاب انجیل آمده است: «پسرانسان سوار بر ابر می آید. در انجیل متی فصل ۱۹ ویژگی های پسرانسان هنگام ظهور را بیان می کند. در عبارت سی ام آمده است: "آنگاه علامت پسرانسان در آسمان پدید می آید و در آن وقت تمام جمیع طوائف زمین، پسرانسان را ببینند که بر ابرهای آسمان با قوت و جلال عظیم می آید". در کتاب دانیال نبی فصل هفتم، این عبارت آمده است: "و در رویای شب می نگریستم که شبیه پسرانسان بر ابرها می آید" (۷۸).

خداوند در قرآن کریم می فرماید:

۱. تفسیر نمونه، آیت الله مکارم شیرازی، ذیل آیه ۳۸ تا ۴۰ سوره نمل.
 ۲. الغیبه، نعمانی، ص ۳۱۵؛ بحار الانوار، علامه مجلسی، ج ۵۲، ص ۳۶۹.

﴿وَلِكُلِّ وِجْهَةٍ هُوَ مُوَلِّيهَا فَاسْتَبِقُوا الْخَيْرَاتِ أَيْنَ مَا تَكُونُوا يَأْتِ بِكُمْ اللَّهُ جَمِيعاً إِنَّ اللَّهَ عَلَىٰ كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ﴾ و برای هرکسی قبله‌ای است که وی روی خود را به آن (سوی) می‌گرداند پس در کارهای نیک بر یکدیگر پیشی بگیرید. هرکجا که باشید، خداوند همگی شما را (به سوی خود باز) می‌آورد. در حقیقت، خدا بر همه چیز تواناست! ﴿

درباره تفسیر این آیه روایات زیادی وجود دارد که ۳ روایت آن در زیر آمده است:

۱- امام باقر علیه السلام در بیان آیه شریفه ﴿أَمَّنْ يُجِيبُ الْمُضْطَرَّ إِذَا دَعَاهُ﴾ فرمود:

أُنزِلَتْ فِي الْقَائِمِ عليه السلام وَ جَبْرَائِيلُ عَلَى الْمِيزَابِ فِي صُورَةِ طَيْرٍ أبيضَ فَيَكُونُ أَوَّلَ خَلْقٍ يُبَايِعُهُ وَ يُبَايِعُهُ النَّاسُ الثَّلَاثُمِائَةِ وَ ثَلَاثَةَ عَشَرَ فَنَ كَانَ ابْتِئَالًا بِالسَّاعَةِ وَ مَنْ لَمْ يُبْتَلْ بِالسَّاعَةِ فَقَدْ عَن فِرَاشِهِ وَ هُوَ قَوْلُ أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ عليه السلام الْمُسْتَقْوَدُ عَن فُرْشِهِمْ وَ هُوَ قَوْلُ اللَّهِ عَزَّ وَ جَلَّ فَاسْتَبِقُوا الْخَيْرَاتِ أَيْنَ مَا تَكُونُوا يَأْتِ بِكُمْ اللَّهُ جَمِيعاً قَالَ الْخَيْرَاتُ الْوَلَايَةُ لَنَا أَهْلَ الْبَيْتِ؛ امام باقر علیه السلام در بیان آیه شریفه «آیا چه کسی پاسخگوی بیچاره است، هنگامی که او را می‌خواند». فرمود: درباره قائم علیه السلام نازل شده است و جبرئیل علیه السلام به صورت پرنده سفیدی برناودان کعبه نشسته است و نخستین نفر از خلق خدا که با او بیعت می‌کند، آنگاه آن سیصد و سیزده نفر بیعت می‌کنند پس هرکس که گرفتار راه پیمایی باشد، در آن ساعت می‌رسد و هرکس (که گرفتار راه رفتن نباشد)، از بسترش مفقود می‌شود. امیرالمؤمنین به همین مطلب اشاره می‌کند، آنجا که می‌فرماید: آن گم‌شدگان از بسترهایشان. و خداوند عز و جل نیز همین مطلب را می‌فرماید: اَسْتَبِقُوا الْخَيْرَاتِ أَيْنَ مَا تَكُونُوا يَأْتِ بِكُمْ اللَّهُ جَمِيعاً و (سپس) فرمود: خیرات یعنی ولایت ما اهل بیت.^۲

۲- امام باقر علیه السلام درباره آیه شریفه ﴿فَاسْتَبِقُوا الْخَيْرَاتِ أَيْنَ مَا تَكُونُوا يَأْتِ بِكُمْ اللَّهُ جَمِيعاً﴾

فرمود:

قَالَ الْخَيْرَاتُ الْوَلَايَةُ وَ قَوْلُهُ تَبَارَكَ وَ تَعَالَى أَيْنَ مَا تَكُونُوا يَأْتِ بِكُمْ اللَّهُ جَمِيعاً يَعْنِي

۱. بقره، ۱۴۸.

۲. الغيبة، نعمانی، ص ۳۱۴، باب ۲۰، ح ۶؛ بحار الانوار، علامه مجلسی، ج ۵۲، ص ۳۶۹، باب ۲۷، ح ۱۵۶.

أَصْحَابِ الْقَائِمِ الثَّلَاثِمِائَةِ وَالْبِضْعَةِ عَشَرَ رَجُلًا قَالَ وَهُمْ وَاللَّهِ الْأُمَّةُ الْمُعْدُودَةُ قَالَ يَجْتَمِعُونَ وَاللَّهِ فِي سَاعَةٍ وَاحِدَةٍ قَنْزِعُ كَقَنْزِعِ الْحَرِيفِ؛ منظور از خیرات ولایت است و مقصود از «این ما تگونیوا یأت بِکُمُ اللهُ جَمِیعاً» طرفداران حضرت قائم علیه السلام است که بیش از سیصد و ده نفر هستند. امام علیه السلام فرمود: به خدا سوگند آنان همان امت معدوده‌ای هستند که در یک ساعت چونان پاره‌هایی از ابرپاییز، گرد هم آیند.^۱

۳- امام صادق علیه السلام فرمود:

إِذَا أُذِنَ لِلْإِمَامِ دَعَا اللَّهَ بِاسْمِهِ الْعِبْرَانِي فَأَتِيحَتْ لَهُ صَحَابَتُهُ الثَّلَاثِمِائَةِ وَثَلَاثَةَ عَشَرَ قَنْزِعُ كَقَنْزِعِ الْحَرِيفِ (فهم) وَهُمْ أَصْحَابُ الْأَلْوِيَةِ مِنْهُمْ مَنْ يُفْقَدُ عَنْ (مَنْ) فِرَاشِهِ لَيْلًا فَيُصْبِحُ بِمَكَّةَ وَمِنْهُمْ مَنْ يُرَى يَسِيرُ فِي السَّحَابِ نَهَارًا يُعْرَفُ بِاسْمِهِ وَاسْمِ أَبِيهِ وَحَلِيَّتِهِ وَنَسَبِهِ قُلْتُ جُعِلْتُ فِدَاكَ أَيُّهُمْ أَعْظَمُ إِيمَانًا قَالَ الَّذِي يَسِيرُ فِي السَّحَابِ نَهَارًا وَهُمْ الْمُفْقُودُونَ وَ فِيهِمْ نَزَلَتْ هَذِهِ الْآيَةُ أَيْنَ مَا تَكُونُوا يَأْتِ بِكُمْ اللهُ جَمِيعاً؛ هنگامی که به امام اذن داده شد خدای را به نام عبرانی اش می خوانند. پس یاران‌ش سیصد و سیزده نفر برای او آماده می شوند. آنان پرچم داران هستند، بعضی از آنان شبانگاه از بسترشان ناپدید می شوند و بامداد خود را در مکه می بینند و بعضی از آنان که به نام خود و پدرش و خصوصیات و نسبش معروف است؛ در میان آن‌ها دیده می شود که در روز روشن میان ابر حرکت می کنند. عرض کردم: فدایت شوم کدام یک از اینان ایمانشان مهم تر است؟ فرمود: کسی که در میان ابر در روز حرکت می کند و (لی) همگی آنان یک باره، از میان مردم، گم می شوند. لذا این آیه درباره آنان نازل شده است «هر جا که باشید خداوند همگی شما را می آورد».^۲

در روایات فوق سه روش برای حضور یاران امام در مکه بیان شده که عبارت‌اند از:

۱- مفقود شدن در بستر.

۲- چونان پاره‌هایی از ابرپاییز، گرد هم آیند.

۳- حرکت در میان ابر.

۱. اصول کافی، شیخ کلینی، ج ۸، ص ۳۱۳، ح ۴۸۷.

۲. الغیبه، نعمانی، ص ۳۱۲، باب ۲۰، ح ۳.

با تأمل در این سه روش، از هیچ یک نمی توان دریافت که یاران امام سوار بر وسیله نقلیه ای شبیه آنچه اکنون مورد استفاده قرار می گیرند شوند. در مورد اول مفقود شدن یاران امام ذکر شده است که به صورت آنی اتفاق می افتد و بیشتر شبیه آنچه طی الارض گفته می شود، می باشد. در مورد دوم روش سیر یاران امام به حرکت ابر تشبیه شده است. در مورد سوم حرکت یاران امام در میان ابر بیان شده است، ولی اینکه آنان سوار بر وسیله هایی شبیه هواپیما باشند تصریح نشده و برداشت نمی شود.

روایات یاد شده در خصوص یاران ۳۱۳ نفر حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشريف هستند که در بدو ظهور بدین صورت خود را به امام می رسانند و ارتقاء فناوری، گسترش علوم و پیشرفت های مورد نظر بعد از استقرار حکومت امام به وجود خواهد آمد، اگر چه در روایات اشاره شده است که نزول برکات و رحمت الهی از بدو ظهور رخ خواهد داد.

ذکر این مطلب ضروری است که هیچ ایرادی وجود ندارد که یاران امام با وسیله نقلیه ای مانند آنچه امروزه مورد استفاده قرار می گیرد در عالم سیر نمایند، اما بی شک وسایل نقلیه یاد شده دارای شرایط حداقلی زیر خواهند بود:

- ۱- سرعت آن با سرعت وسایل امروزی غیر قابل قیاس است.
- ۲- برای سوار شونده و برای دیگر انسان ها ایمن است.
- ۳- مایه بیماری جسمی و روانی بشر را فراهم نخواهد نمود.
- ۴- از علم الهی در ساخت آن بهره گیری می شود و حاصل فناوری تمدن کنونی بشر نیست.
- ۵- تکنولوژی آن اخلاقی است.

اگر چه بی شک هم اکنون و در عصر ظهور فناوری ها و توانایی هایی با لطف و به اذن خداوند در اختیار انسان های مؤمن قرار دارد، اما برخی پژوهشگران معتقدند که بیشتر فناوری ها و توانایی هایی که بشر در عصر ظهور در اختیار خواهد داشت «محصول تکامل علمی عصر بعد از ظهور است، نه اعجاز؛ زیرا زندگی بشر در این عالم، باید مطابق سنت های طبیعی باشد، نه اعجاز که امری استثنایی و برای موارد ضروری و فوق العاده است، آن هم در مسیر اثبات حقانیت دعوت نبوت یا امامت» (۷۵).

حقیقت پیشرفت علمی در عصر ظهور

بر اساس نظر مکاتب فلسفی مادی، انسان یک موجود پیچیده تر شده‌ای در حد غرایز است. تمدن غرب در حد نهایی خود به "کلبه دیجیتال" می‌انجامد. کلبه، به عنوان محل و سرپناهی که جمیع نیازهای به حق و مشروع انسان از بیرون تأمین و به آنجا منتقل شده و در آنجا اجابت می‌یابد؛ حد نهایی و غایت یک تمدن است و غایت تمدن غرب "کلبه دیجیتال" است.

آلویس تافلریکی از پیشگامان جهانی پیش‌بینی تغییر و تحول در دنیا است. او ۳۰ سال قبل به سهم خود تلاش می‌کند آینده جهان را به تصویر بکشد. او می‌کوشد نشان دهد چگونه شیوه زندگی، تجارت و ارتباطات بر پایه نیازها و در چارچوب فناوری‌ها تغییر خواهد کرد. تحولی که تافلر مطرح می‌کند، جهش جامعه موج سوم به سوی کلبه الکترونیک است؛ به این معنا که ابزارهای الکترونیک، این امکان را به افراد می‌دهند که از راه دور به شغل‌های متمرکز در خانه روی آورند. جهش به سوی نظام جدید تولید در بخش صنعتی و اداری و نیز تحقق احتمالی کلبه الکترونیک، باعث خواهد شد تا محتوای همه مباحث دگرگون شود. با این تحول، چه بسا بسیاری از مباحثی که امروزه مردم بر سر آن‌ها با یکدیگر بحث و جدل می‌کنند، به طور کلی بی‌معنا و منسوخ شود.

تافلر نتیجه می‌گیرد: از هم‌اکنون با قاطعیت می‌شود گفت کلبه الکترونیک در آینده تا چه حد گسترش خواهد یافت. اگر فقط ۲۰ درصد نیروی کار فعلی، در بیست تا سی سال آینده به کلبه‌های الکترونیک پیوندند، نظام شهری، محیط زیست، ساخت خانواده، نظام ارزش‌ها، حتی نظام سیاسی جامعه تحت تأثیر قرار خواهد گرفت.

تصویری که تافلر از خانواده‌های آینده نشان می‌دهد، حاکی از استحکام و پیوستگی بیشتر میان افراد خانواده است که با فاصله گرفتن از عوارض موج دوم و تأثیرهای سوء صنعتی شدن در خانواده که آن را دچار تزلزل ساخته، باید به سمتی که آن را استحکام می‌بخشد و حتی آمار طلاق و جدایی‌ها را کاهش می‌دهد، حرکت کرد.

بر اساس نظر تافلر، در موج سوم، پیشرفت فناوری الکترونیک و دیجیتالی، اخلاق را در خانواده و جامعه ارتقا می‌دهد. تافلر و سایر تئورسین‌های مدرنیسم هیچگاه برای آموزه‌ها،

تلاش‌ها و تعالیم پیامبران و اولیای الهی در پیشرفت و تعالی مادی، معنوی و اخلاقی بشر جایگاهی قائل نشده‌اند، بلکه تعالی انسان در ابعاد مختلف را در تکامل ابزار و فناوری جسته‌اند. اکنون که ۳۰ سال از زمان ارائه نظریه تافلر گذشته است، کلبه دیجیتال یا کلبه الکترونیک به کمک اینترنت در سراسر جهان گسترش یافته و سیاست دیجیتال (دولت الکترونیک)، اقتصاد دیجیتال (تجارت الکترونیک) و آموزش دیجیتال (آموزش الکترونیک و آنلاین) آنگونه که آلوین تافلر پیش بینی نمود به حقیقت پیوسته و به قله‌های تکامل خود نزدیک می‌شود، اما تبعات اخلاقی که تافلر برای دنیای مبتنی بر الکترونیک پیش بینی می‌کرد؛ نظیر استحکام پیوند اعضای خانواده‌ها، کاهش آمار طلاق و آرامش بیشتر به وقوع نپیوسته است. تجارب جهانی و آمارهای متقن نشان می‌دهند که تسلط الکترونیک و دیجیتال بر ارکان زندگی انسان حتی عکس آنچه تافلر پیش بینی می‌کرد عمل نموده و موجبات فاصله گرفتن هر چه بیشتر انسان‌ها از یکدیگر، در کانون خانواده و اجتماع را بیش از پیش فراهم نموده است. به گونه‌ای که قطع ارتباط بین اعضای خانواده به دلیل استفاده از وسایل مختلف دیجیتال، اکنون به یک معضل جهانی تبدیل شده است که تبعات ناگواری را در ابعاد مختلف زندگی انسان بر جای می‌گذارد.

برخی مبلغین مهدویت به گونه‌ای پیشرفت علمی در زمان ظهور امام عصر عجل الله تعالی فرجه الشریف را تبیین می‌کنند که مهدویت مورد نظر آن‌ها دنیایی مانند مدرنیته کنونی، اما بسیار پیشرفته‌تر را در ذهن متبادر می‌کند، یعنی یک کلبه الکترونیکی مهدوی را به ذهن انسان متبادر می‌سازد. با این دیدگاه، مخاطبین، بین دو کلبه تافلر حاضر و کلبه الکترونیکی غایب که وعده آن داده می‌شود مخیر می‌شوند، البته در کلبه‌ی دوم افراد نماز نیز خواهند خواند و روزه هم خواهند گرفت. این تعریف، جفا به مهدویت، انحراف و تعریفی خوشایند روشنفکران ابزارزده است. چه بسا جوانان، بین کلبه تافلر نسیه‌ای، غیبی و مجازی با کلبه تافلر موجود، کلبه موجود را انتخاب کنند. در حالی که در حیات طیبه‌ی مهدوی که در آن انسان خلیفه‌ی خدا شده و دست خدا از آستین انسان بیرون می‌آید و او وارث زمین می‌شود، تسلط انسان بر عالم ماده یکی از مؤلفه‌های بسیار فرعی است، به گونه‌ای که عالم ماده مفتخر است که در خدمت

انسان در می آید. بنابراین در عصر مدرنیته، انسان در خدمت ماده است، اما در عصر ظهور ماده در خدمت انسان خواهد بود.

امام باقر علیه السلام در این باره می فرماید:

كأني بأصحاب القائم وقد أحاطوا بما بين الخافقين فليس من شيء إلا وهو مطيع لهم حتى سباع الارض وسباع الطير، يطلب رضاهم في كل شيء، حتى تفخر الارض على الارض وتقول: مربي اليوم رجل من أصحاب القائم؛ گویا می بینم اصحاب قائم علیه السلام را که بین آسمان و زمین را پر کرده اند، چیزی نیست مگر مطیع آن ها، حتی درندگان زمین و هوا، همه چیز و همه کس در صدد تأمین رضایت آن ها هستند. زمینی بر زمین دیگر فخر می کند و می گوید امروز بر من یکی از اصحاب قائم علیه السلام گذشته است.^۱

اخلاق در فناوری

تکنولوژی از ارزش های خود قابل جدا ساختن نیست، یعنی نمی توان تکنولوژی را بدون اخذ ریشه هایش کسب کرد. برخی چنین القا می کنند که تکنولوژی امری خنثی و بدون جهت است. آن ها برای این ادعا مثال هایی را نیز بیان می کنند، برای مثال می گویند چاقو در پزشکی، آشپزخانه و کشتن انسان بی گناه استفاده می شود، بنابراین چاقو خنثی بوده و جهتی ندارد و در هیچ یک از این امور مقصر نیست و بحث اخلاق برای چاقو معنایی ندارد، بلکه بحث اخلاق برای فردی که از چاقو استفاده می کند مطرح است. معتقدین به این امر مثال چاقورا به همه ی فناوری های بشری تعمیم می دهند و یک نتیجه کلی استنتاج می کنند که تکنولوژی خنثی و بدون جهت است و بحث اخلاق برای آن معنایی ندارد.

این اعتقاد ممکن است برای برخی فناوری ها صدق کند اما بی شک عمومی نیست، بلکه تکنولوژی می تواند اخلاق سازگار (ایمان سازگار) یا اخلاق ناسازگار (ایمان ناسازگار) باشد. این موضوع از زبان برخی اندیشمندان و علمای اسلام و حتی روشنفکران غرب، با عبارات مختلف بیان شده است. برخی این موضوع را تحت عنوان سوگیری فناوری، برخی تحت عنوان جهت دار بودن تکنولوژی، برخی تحت عنوان خنثی نبودن تکنولوژی و برخی هم

۱. کمال الدین، شیخ صدوق، ص ۶۷۳، ح ۲۵.

تحت عنوان ارزش مدار بودن تکنولوژی مورد بحث و بررسی قرار داده‌اند. انسان‌های همدل به همفکری می‌نشینند تا انگیزه‌های خود را بازشناسی کنند و نظم دهند. سپس راه برآورد کردن آن‌ها را بیابند. پس از هم دلی‌ها و همفکری‌ها، نوبت به همکاری‌ها برای دست یابی به آرزوها و پاسخ‌گویی به امیال می‌رسد. سه عنصر هم دلی، همفکری و همکاری در نهایت موجب تکامل اجتماعی است و «بنیان» اولیه آن در هم دلی و رفع نیازهای مشترک است و «غایت» آن نیز توسعه جریان نیاز و ارضا است. تمامی تلاش بشر در طول تاریخ نیز بر مبنای همین شاخصه‌ها بوده است. انسان‌ها بر اساس نیازهای مشترک گرد هم آمده و همفکری و همکاری کرده‌اند و تمدن متناسب با امیال و اخلاقیات خود را ساخته‌اند. هر پدیده‌ای از جمله تکنولوژی به ویژه فن آوری اطلاعات و ارتباطات نیز محصول همین فرآیند است. پس ICT^۱ نیز در عمیق‌ترین نگاه، محصول اخلاق اجتماعی است. هرچند ICT به عنوان انگیزه‌ای حاصل از انگیزه‌های اجتماعی، بر انگیزه‌ها و اخلاق برخاسته از آن اثرگذار است، ولی در نهایت، خودش محصول انگیزه‌هاست؛ یعنی بین نظام تمایلات انسانی و فن آوری‌ها تعامل طرفینی وجود دارد. روشن است که به این معنا نیست که هویت فن آوری اطلاعات متناسب با اخلاق اجتماعی شکل می‌گیرد و فن آوری‌ها ارزش ذاتی نداشته باشند. چنین نیست که فقط بیرون، ارزش را به آن‌ها می‌دهیم و کارآمدی آن‌ها را در جهت میل خودمان به کار می‌گیریم، بلکه فن آوری، تجسد تمایلات اجتماعی است و رنگ ارزشی خاص خود را دارد. اگر جامعه‌ای نظام ارزشی خاص خود را داشت، فن آوری‌های متناسب با همان نظام ارزشی خواهد بود و کارآمدی آن هم در جهت همان نظام ارزشی است (۷۹).

کسانی که اصلاً به دین و ارزشی معتقد نیستند، ورود ارزش‌های تکنولوژی مدرن در فضای جامعه را بلا اشکال می‌دانند. ما معتقدیم تکنولوژی موجود، برخلاف ادعاهایی که داشته و هنوز هم سردمداران آن دارند که برای ایجاد رفاه و امنیت و آسایش در خدمت بشر است تا ضریب امنیت، رفاه، آزادی و قدرت عمومی بشر را حل کند و او را به جامعه ایده آل برساند، ما معتقدیم تکنولوژی مدرن، نه توانسته چنین معجزه‌ای بکند و نه بعد از این می‌تواند انجام

1. Information and communications technology.

دهد. عدم توانایی تکنولوژی مدرن در تأمین امنیت و عدالت و رفاه عمومی به اقتضائات درونی این تکنولوژی مربوط است. تکنولوژی مدرن، مقوله‌ای تک ساحتی است که تنها جنبه‌های حسی و نیازهای ظاهری انسان را منظور نظر دارد و تکامل نیاز و ارضاء را در جهت نیازهای مادی بشری بیند و اگر تکنولوژی در جهت ساحت حسی انسان حرکت کرد، بالضرورة منتهی به چنین پایانی خواهد شد و ریشه ضعف‌های تکنولوژی مدرن، در فرهنگ مبانی این تکنولوژی است. ضعف‌های فن آوری موجود به مفاهیم بنیادی آن برمی گردد (۲).

بنابراین نه تنها علمای دین و اخلاق اعتقاد بر ایمان ناسازگار بودن برخی فناوری‌های بشری دارند، بلکه برخی دوست داران مدرنیته نیز این اعتقاد را به صراحت بیان کرده‌اند. دانشگاه هاروارد و دانشگاه MIT با کمک هم یک واحد درسی جدید در زمینه‌ی اخلاق و قوانین هوش مصنوعی را در دست تدوین دارند. همینطور دانشگاه تگزاس آستین نیز واحد جدیدی با عنوان "مبانی اخلاقی علوم کامپیوتر" به عنوان درسی اش اضافه کرده است و دانشگاه استنفورد نیز در تلاش است واحد درسی را در این زمینه آماده‌ی ارائه کند. در همه‌ی این واحدهای درسی تدوین شده، هدف این است که به تولیدکنندگان آینده‌ی فناوری و سیاستگذاران آینده آموزش دهند که قبل از ورود محصولات فناورانه به بازار، اثرات جانبی آن را مورد بررسی قرار دهند. برخی از اساتید معروف دانشگاه استنفورد معتقدند "فناوری خنثی نیست" و اعتقاد به این موضوع دارند که "هرچه در دنیای فناوری ساخته می‌شود، اثرات اجتماعی دارد". توجه به این موضوع پس از جنجال‌های اخبار دروغ در فیس بوک، هواداران قلبی در تویتر و ویدیوهای مرتبط با کودکان در یوتیوب قوت بیشتری گرفته است. یکی از اساتید دانشگاه نیویورک در این رابطه می‌گوید: "ما حداقل باید به افراد یاد بدهیم که در حرکت پرسرعت و تحول‌آفرین، جنبه‌ی تاریکی نیز وجود دارد" (۸۰).

برخی پناهندگان به دنیای غرب نیز به این موضوع اقرار کرده‌اند که "تکنولوژی وفادار به اخلاق نیست و تکنولوژی مدرن انس زدا و از خود بیگانه ساز است (۸۱). اگر انسان خدمتگذار ماشین بشود و قدرت ابتکار و انتخاب را از دست بدهد، انسان واقعی نخواهد بود و در نتیجه انسان اسلام نیز نخواهد بود، بدین ترتیب شکل‌هایی از صنعت وجود دارد که انسانیت انسان را به

مخاطره می‌اندازد و ما باید از این شکل‌های صنعت جداً پرهیز کنیم (۸۲).

برخی از انواع تکنولوژی، نظام زندگی انسان را که بر فطرت استوار است و بر اساس نیاز جسمی و روحی انسان تدوین شده است به هم می‌ریزد. برای مثال با روی کار آمدن شبکه‌های اجتماعی و فناوری‌های ارتباطی گفتگوی بین افراد خانواده و جامعه بسیار تقلیل یافته و بیم آن می‌رود که کاملاً حذف شود. گفتگو عنصری حیاتی در استحکام خانواده است. خانواده‌ی مستحکم، خانواده‌ای است که اعضای آن سخن گفتن با یکدیگر را دوست دارند و از هم‌نشینی و هم‌صحبتی با یکدیگر لذت می‌برند و هیچ جمع و کار دیگری را به درکنار هم بودن ترجیح نمی‌دهند. واقعیت این است که دنیای مدرن امروز، خصوصاً در نواحی پیشرفته، با وجود کم کردن زحمات و افزودن به اوقات فراغت، امکان گفتگورا در بین افراد به حداقل رسانده است.

روانشناسان بر این نکته تأکید دارند که گفتگو بین اعضای خانواده باعث انتقال تجربه و فرهنگ بومی به فرزندان و افزایش فضای عاطفی در بین آنها می‌شود. فضای صمیمی بین اعضا حس پشتیبانی و حمایت از یکدیگر در خانواده را تقویت می‌کند، به گونه‌ای که آنها خود را تنها حس نمی‌کنند. در خانواده‌ها روح جمعی حاکم می‌شود و باعث افزایش قوت قلب، روحیه گفتمان و ارتباط با اجتماع می‌شود (۸۳).

تکنولوژی حس صمیمت را انتقال نمی‌دهد و این شاید بدترین اتفاقی است که در محیط خانواده می‌افتد. خانواده‌ها در یک فضای کوچک به شدت از هم فاصله گرفته‌اند و این فاصله را می‌توان در نتایج یک پژوهش مشاهده کرد که نشان می‌دهد میانگین زمان گفتگو در خانواده‌های ایرانی ۱۵ دقیقه است. در چنین خانواده‌ای چگونه می‌توان امیدوار بود اعضای خانواده احساسات عاطفی و جامعه‌پذیری را تجربه کنند (۸۴).

بلوتوث‌های مخرب، پیامک‌های مستهجن، دوستی‌های خیابانی، تزلزل ارزش‌ها و ارتباطات غیرمناسب، ارتباطات نامشروع، عشق‌های مجازی، فرقه‌های نوظهور انحرافی، عشق‌های مثلی، از بین رفتن قبح روابط نامتعارف، مصرف مشروبات الکلی، چت روم‌ها، کلاهبرداری و سوءاستفاده از دختران و پسران، ارائه شخصیت‌های دروغین، ازدواج‌های

اینترنتی، طلاق، هرزه‌نگاری، هم‌جنس‌گرایی، فرار از منزل، فساد و فحشاء، ایجاد شبهه در عقاید افراد، سرقت اطلاعات و اخاذی و ... از پیامدهای منفی گسترش و رواج شبکه‌های اجتماعی در بین نوجوانان و جوانان می‌باشد.

نتایج یک تحقیق، نشان می‌دهد که حدود ۲۰ درصد از طلاق‌های فعلی به دلیل شکل‌گیری این‌گونه روابط (در فضای مجازی و سپس در فضای واقعی) رخ می‌دهد. فیس‌بوک و سایر شبکه‌های اجتماعی بر کیفیت رابطه زناشویی و طلاق تأثیر معناداری دارد. تعداد کاربران اینترنت در ایران در سال ۱۳۸۴ حدود ۷ میلیون نفر و در سال ۱۳۹۲ حدود ۳۶ میلیون نفر بوده است (رشد ۵ برابری). در همین بازه زمانی، افزایش نسبت طلاق به ازدواج نیز از ۱۰ درصد به ۱۸ درصد بوده است. شبکه‌های اجتماعی مجازی میهمان ناخوانده خانواده‌های ایرانی شده است و زندگی دوم ایرانیان را تشکیل داده‌اند. دیگر جمع شدن اعضای خانواده‌ها و میهمانی‌های دورهمی کاهش چشمگیری یافته است، بلکه دوری اعضای خانواده‌ها به خصوص زن و شوهر از یکدیگر و به دنبال آن طلاق، نتیجه حضور شبکه‌های اجتماعی، گوشی‌های تلفن همراه، تبلت‌ها و لپ‌تاپ‌ها است و افرادی که گوشی به دست در احوال خودشان سیر می‌کنند.

به‌طور خلاصه، پیامدها و اثرات منفی شبکه‌های اجتماعی مجازی بر فرد و خانواده عبارت‌اند از:

- ۱- شکل‌گیری و ترویج سریع شایعات و اخبار کذب.
- ۲- تبلیغات ضد دینی و القای شبهات در عقاید افراد.
- ۳- نقض حریم خصوصی افراد.
- ۴- انزوا و دور ماندن از محیط‌های واقعی اجتماع.
- ۵- تأثیرات منفی رفتاری که فرد با عضویت در هر شبکه اجتماعی درگیر نوع خاصی از فرهنگ ارتباطاتی می‌شود نظیر برخورد، تکیه کلام، اصطلاحات مخصوص، رفتار، تیپ شخصیتی و ظاهری و
- ۶- مصنوعی شدن ارتباطات و از بین رفتن روابط صحیح اجتماعی.

- ۷- تضعیف نهاد خانواده و صله ارحام.
- ۸- بی هویتی، بحران هویت و اختلال شخصیت در بین نوجوانان و جوانان.
- ۹- جرأت و جسارت ارتکاب جرم به خاطر ناشناخته بودن در محیط سایبری.
- ۱۰- اعتیاد رفتاری به اینترنت، چت و شبکه‌های اجتماعی که نتیجه آن افسردگی، اضطراب، بی خوابی، کاهش روابط اجتماعی با اطرافیان، انزوا، مختل شدن فعالیت‌های روزمره، رها کردن شغل (بیکاری) و ... است.
- ۱۱- فریب و بهره‌کشی جنسی.
- ۱۲- تلف شدن وقت جوانان و فاصله گرفتن آن‌ها از واقعیت.
- ۱۳- سوء استفاده از پروفایل‌ها و سایت‌های دوست‌یابی.
- ۱۴- آسیب‌های سوء استفاده از اطلاعات داخل رایانه‌های خصوصی مردم.
- ۱۵- دوستی‌های بدون مرز و ضابطه.
- ۱۶- قرار دادن فایل‌های مبتذل در دسترس عموم کاربران.
- ۱۷- انتقال هنجارها و نرم‌های ارزشی و اخلاقی غربی.
- ۱۸- وابستگی شدید روانی و فکری به اینترنت و شبکه‌های اجتماعی.
- ۱۹- آسیب‌های جسمانی از قبیل فشارهای عصبی، چاقی، انزوا، چشم درد و ...
- ۲۰- گسست فکری و عاطفی.
- ۲۱- تهدید بنیان‌های خانواده و نارضایتی‌های خانوادگی مانند افزایش سن ازدواج، تجرد جوانان، طلاق، فرار از منزل، فحشا، سردی روابط زن و شوهر و سایر مسائل و مشکلات خانوادگی ...
- ۲۲- گسترش ارتباطات نامتعارف بین نوجوانان و جوانان.
- ۲۳- تعارض ارزش‌ها.
- ۲۴- تغییر سبک زندگی و ذائقه جوانان.
- ۲۵- شکل‌گیری خرده فرهنگ‌های مختلف.
- ۲۶- تضعیف اعتقادات و گسترش شبهات فکری.
- ۲۶- رواج سطحی‌نگری فکری.

۲۷- انحرافات جنسی و اختلالات جنسی.

۲۸- گسترش اباحه‌گری عملی.

۲۹- گریز از واقعیت و ... (۸۵)

درست برخلاف نظریه بی‌طرفی یا خنثی بودن، تکنولوژی امری جانب‌دارانه است و نوعی ابهام و چندمعنایی را همیشه دربردارد. به این معنا که تکنولوژی حتی اگر ابزار باشد، امری خنثی نیست و در همان حال که یک فناوری بی‌خطر است، می‌تواند به ابزاری نابودکننده تبدیل شود. درست مانند انرژی هسته‌ای که دو وجه کاملاً متفاوت صلح‌آمیز و خطرناکش در مکان و زمانی مشابه قابل دسترسی است و تفکیک آن از یکدیگر به مشاهده‌گران و قانون‌گذاران اعتماد نمی‌دهد.

تکنولوژی جدید منشأ یک فرهنگ تکنولوژیکی است و بزرگ‌ترین اشتباه ممالک شرقی که تقلید کورکورانه از تکنولوژی غربی دارند این است که فکر می‌کنند تکنولوژی خنثی است درحالی که تکنولوژی با خود فرهنگ می‌آورد. لذا نباید فکر کرد که تکنولوژی مانند یک قلم است که هر طور بخواهیم می‌نویسد، بلکه تکنولوژی جدید فرهنگ‌ساز است. تکنولوژی فقط پیچیده شدن ابزار موجود در دست انسان نیست، چراکه انسان وقتی با دست خود چیزی خلق می‌کند و هنری می‌آفریند در واقع دست به خلاقیت زده، اما یک دستگاه عظیم در یک کارخانه از لحاظ کیفی با کار دست فرق می‌کند و هیچ خلاقیتی از خود ندارد و در واقع در این حالت انسان تبدیل به یک قطعه کوچک از آن ماشین بزرگ می‌شود (۸۶).

دکتر علی شریعتی درباره رابطه انسان و تکنولوژی می‌نویسد: «Loisir» یعنی اوقات فراغت یک انسان در یک شبانه‌روز، در یک هفته، در یک ماه، یا در یک سال؛ یعنی میزانی از زمان که یک فرد در اختیار دارد و در آن زمان فارغ از کار، تلاش و تولید است؛ یعنی اوقاتی که خودش می‌تواند آزادانه طرز گذراندن آن اوقات را انتخاب کند؛ زیرا انسان اوقات کارش را خودش انتخاب نمی‌کند، بلکه جبر سازمان اداری او، سیستم اجتماعی او و شکل کار اوست که چگونه گذراندن ساعات کار را بر انسان تحمیل می‌کند. زندگی حقیقی هر فرد (و به تعبیر درست‌تر) عمر واقعی هر فرد، تنها و تنها عبارت است از ساعات آزاد او؛ ساعاتی که در آن می‌تواند آزاد باشد، آزاد بیاندیشد، تفریح کند، فکر کند، مطالعه کند و هر جور خواست

بگذرانند. این اوقات فراغت است که در آن انسان می‌تواند خود را بکاود، خود را بسازد، به تأمل در خویش و در آفرینش (خویش) مشغول باشد، صنعت، ماشین و تمدن جدید این اوقات فراغت را بیشتر می‌کند؛ زیرا ماشین کار پانزده ساعت را به یک ساعت تقلیل می‌دهد و بنابراین چهارده ساعت از وقت، انسان را از قید کار آزاد می‌کند و در اختیار خودش می‌گذارد؛ اما سیستمی که این جبر را بر ماشین تحمیل کرده است، یعنی ماشین‌دار، باز آن چهارده ساعت را که ماشین به ما بخشیده، از ما می‌گیرد. چطور؟ وقتی که پنج قلم، مصرف انسان بود، برای این پنج قلم مصرف، انسان ده ساعت در گذشته کار می‌کرد، اما حالا برای به دست آوردن آن پنج قلم مصرف، ماشین یک ساعت فقط کار می‌کند و نه ساعت دیگر را از ده ساعت در اختیار انسان قرار می‌دهد، ولی این نه ساعتی که من در اختیار دارم، باز ماشین‌دار (آن کسی که سرنوشت ماشین، سرنوشت تولید و فلسفه مصرف در دست اوست؛ آن گروه و طبقه دارنده سرمایه و ماشین و سازنده فلسفه مصرف در جهان امروز) بدین گونه پس می‌گیرد که مصرف‌های تازه متصاعد و هر روز بیشتر بر انسان تحمیل می‌کند.

بنابراین مصرف‌های واقعی ما به گونه‌ای بود که ماشین، امروز می‌تواند با یک ساعت آن‌ها را تعهد و تأمین کند، اما سازندگان مصرف جدید که برای سود و رقابت، مصرف بیشتر و کالای بیشتر باید تولید کنند، ناچار مصرف‌های تازه، نیازهای مصنوعی تازه و ذائقه‌های تفننی مصنوعی تازه در انسان هر روز به وجود می‌آورند، به طوری که هر چه ماشین بیشتر اوقات فراغت انسان را زیاد می‌کند، باز تصاعد مصرف، آن اوقات را پس می‌گیرد و بعد که هر چه ماشین بیشتر ترقی می‌کند و خواه ناخواه فرصت آزاد آدمی باید بیشتر بشود، می‌بینیم فرصت آزاد انسان امروزی کمتر از انسان گذشته که حتی برای به دست آوردن نان، شش ماه از سال را باید کار می‌کرد تا فقط نان سالش را به دست بیاورد، است؛ اما این مصرف‌هایی که هر روز تحمیل بر انسان امروز می‌شود، ناچار انسان امروز برای تأمینش، هی باید کار کند و هی بیشتر کار کند؛ به طوری که انسان دیروز بدون ماشین ده ساعت کار می‌کرد و مصرفش را تأمین می‌کرد و انسان امروز با ماشین که ده برابر انسان گذشته تولید می‌کند، باید بیشتر از انسان گذشته کار کند و از اوقات فراغتش صرف نظر کند. این غرق شدن در مصرف، غرق شدن در یک سیستم جبری که در آن انسان آزاد نیست، اوقات فراغت ندارد، قدرت انتخاب ندارد،

قدرت تشخیص ندارد و آزادی‌ای که چنین باشد یا چنان ندارد، انسان را از خودش بیگانه می‌کند؛ زیرا انسان به میزانی که می‌تواند انتخاب کند انسان است. این، شاید بزرگترین و ارزشمندترین سخنی باشد که طرفداران اگزیستانسیالیسم در دنیای امروز می‌گویند، ولی این حرف تازگی ندارد، (زیرا) در فرهنگ خود ما، یکی از مبانی بدیهی فرهنگ ما و مذهب ما همین است: «انسان یعنی موجودی که می‌تواند انتخاب کند؛ در حالات و ساعاتی که این قدرت از او سلب می‌شود انسان بودنش تعطیل است» و می‌بینیم که انسان به میزانی که در این تمدن جدید رشد می‌کند، قدرت انتخاب از او سلب می‌شود و به شدت و هرچه بیشتر، و هرروز بیشتر و شدیدتر، تابع جبری است که اختیار او را قربانی می‌کند. و این، یکی از عوامل بیگانه شدن انسان امروز است از خویشتن» (۸۷).

از گفته‌های دکتر شریعتی پیداست که نبود یا خروج اخلاق از فناوری به علت سودجویی صاحبان آن‌ها باعث شده است که:

- ۱- در انسان‌ها نیاز کاذب و مصرف بیشتر بدون نیاز واقعی ایجاد شود.
- ۲- از دست رفتن اوقات فراغت انسان و غرق شدن در یک سیستم جبری که انسان را از خود بیگانه می‌کند.
- ۳- از دست رفتن آزادی و قدرت انتخاب انسان.
- ۴- تعطیل شدن انسانیت انسان به دلیل سلب قدرت انتخاب از او.
- ۵- بیگانه شدن انسان امروز از خود و خدا.
- ۶- باقی نماندن وقت برای انجام امور انسانی و الهی مانند عبادت و تفکر در فلسفه خلقت.

فصل پنجم: طبیعت قبل و بعد از ظهور

خلاصه فصل

در دنیایی که انسان زندگی می کند در ماورای آنچه می بیند، می شنود و احساس می کند، نادیده ها، ناشنیده ها و نامحسوس های زیادی وجود دارند که از نظر او غایب اند. قرآن کریم به انسان ایمان به غیب می دهد، غیب و شهادت دو واژه از اصطلاحات قرآن است. در جهان بینی قرآن، عالم هستی منحصر به آنچه که برای انسان محسوس است نیست، بلکه محسوس ها قشرنازکی از عالم است و قسمت عظیم تر در ماورای آن است. آنچه محسوس است نامش شهادت و آنچه نامحسوس است، غیب نامیده شده است. قرآن مجید انسان را از دیدگاه تنگ محسوس ها بیرون آورده و او را به عالم غیب، آگاه و مؤمن می سازد و به او می فهماند که آنچه به صورت شهادت احساس می کند، قشرنازکی از هستی است. اکنون بشر از درک بسیاری از مسائل عالم غیب عاجز است، اما شرایط این گونه نمی ماند و در عصر ظهور تغییراتی به وجود می آید. ظهور، رجعت و قیامت مراتبی از یک حقیقت واحدند، حقیقتی به نام ظهور اراده خدای عالم قرار است نازل شود، مرتبه اول آن ظهور امام عصر است، مرتبه بالاتر آن رجعت و مرتبه نهایی آن دوره قیامت است. یکی از اجزای ظهور موعود، ظهور طبیعت است. ظهور طبیعت علاوه بر زنده شدن طبیعت زمین، به معنی زنده شدن خود زمین در عصر ظهور می باشد. از روایات ائمه معصومین علیهم السلام می توان دریافت که زنده شدن زمین در عصر ظهور، به تبع ظهور امام عصر اتفاق می افتد. زمین؛ شعور، ادراک و فهمی را که همیشه داشته است، بروز می دهد و باذن الله با مومنین ارتباط برقرار کرده و با آنها هماهنگ می شود.

زمین و طبیعت در عصر حاضر

شرایط زندگی بشر هم اکنون به گونه‌ای سخت شده است که می‌توان گفت زمین و طبیعت به سختی بشر کنونی را تحمل نموده و از بخشایش مواهب خود به انسان کنونی دریغ می‌کنند. این کاهش مواهب نه فقط در کشور ما به وضوح قابل لمس است، بلکه در همه‌ی کشورهای جهان دیده می‌شود. هم‌اکنون بخش‌های وسیعی از کشور برزیل را که متوسط بارش سالیانه آن ۱۵۵۰ میلی‌متر بوده، خشک‌سالی بسیار شدیدی فرا گرفته است. برزیل که خود خانه جلگه‌های وسیع بارانی و رودخانه‌های پرآب و دائمی بوده، هم‌اکنون با یک خشک‌سالی تاریخی روبرو است که در ۸۰ سال گذشته سابقه نداشته است (۸۸).

باران دیگر به میزان کافی نمی‌بارد، یا در زمان مناسب نمی‌بارد و یا در جای مناسب نمی‌بارد و یا به یک‌باره و سیل‌آسا می‌بارد. تغییر اقلیم در سطح کره زمین در حال رخ دادن است و این امر موجب بروز ناهنجاری‌هایی در میزان بارش بر روی کره زمین می‌شود. مدل‌های اقلیمی نشان می‌دهند که عرض‌های میانی که کشور ما نیز در این عرض واقع شده است در دهه‌های آینده با کاهش بارش مواجه است. در این راستا گروه پژوهشی تغییر اقلیم مرکز ملی اقلیم‌شناسی ایران با استفاده از مدل‌های مختلف، اقدام به مدل‌سازی تغییرات اقلیم کشور تا ۸۰ سال دیگر (۲۱۰۰ میلادی) کرده است. با استفاده از این مدل‌سازی‌های اقلیمی می‌توان تا سال ۲۱۰۰ میانگین دمای کشور، بارش، رواناب، میزان بارش برف و سایر متغیرها را پیش‌بینی کرد. نتایج به دست آمده از مدل‌سازی‌ها نشان می‌دهد که دمای هوا تا سال ۲۱۰۰ در کشور ما ۳ تا ۵ درجه افزایش و ۱۰ درصد بارش‌ها در کشور کاهش می‌یابد. کاهش میزان برف به دلیل افزایش دما از دیگر داده‌های به دست آمده از این مطالعات می‌باشد. از آنجا که یکی از منابع تأمین سفره‌های آب زیرزمینی بارش برف است، منابع آب‌های زیرزمینی کم خواهد شد (۸۹).

از زمانی که این کره‌خاکی آفریده شد، چهره‌های متفاوتی را به خود دیده است. کره زمین همواره دستخوش تغییرات اقلیمی بوده است، اما اکنون که علم با سرعت سرسام‌آوری رشد می‌کند تغییر اقلیم (climate change) است که توجه دانشمندان سراسر جهان را به خود

جلب کرده است. افزایش بی سابقه گرمای کره زمین رخدادی است که از همین تغییر اقلیم نشأت می‌گیرد. براساس گزارش سازمان‌های بین‌المللی، یک سوم خشکی‌های جهان به مساحت ۵ میلیارد هکتار در ۱۱۰ کشور جهان در معرض پدیده بیابان‌زایی قرار دارند، در حالی که این پدیده بعد از دو چالش عمده تغییر اقلیم و کمبود آب شیرین به‌عنوان سومین چالش عمده جهانی در قرن ۲۱ از سوی کارشناسان قلمداد می‌شود. تهدید تخریب ۷۳ درصد کل مراتع جهان به مساحت ۳/۳ میلیارد هکتار، کاهش توان تولید خاک در ۴۷ درصد مناطق خشک جهان، غیرقابل استفاده شدن ۵۰ تا ۷۰ هزار کیلومترمربع اراضی حاصلخیز در سال و بالغ بر ۴۲ میلیارد دلار خسارت سالانه به محصولات کشاورزی، همراه با اثرات بسیار وسیع و گسترده اکولوژیکی، اجتماعی، اقتصادی، فوریت محیطی به‌ویژه فقر گسترده و تخریب منابع پایه، به‌عنوان تنها بخشی از آثار و پیامدهای جهانی پدیده بیابان‌زایی محسوب می‌شود. ایران نیز نه تنها از این امر قریب‌الوقوع مستثنی نیست، بلکه به دلیل شرایط اقلیمی و جغرافیایی خاص با تشدید بیابان‌زایی و نیز تغییر اقلیم روبرو خواهد بود (۹۰).

آری، کره‌ی زمین و طبیعت آن؛ به دلیل آنچه در قرآن از آن به «ظهور فساد به دست بشر در خشکی و دریا» یاد شده است و همچنین کاهش برکت الهی، به سبب گناهان بشر، در حال نقصان است، اما هنوز هم، بشر، گردن راست نموده و فقط به دنبال دلایل مادی چگونگی ایجاد این تغییرات و فرمول‌های مادی جلوگیری از این تغییرات بوده و به جهت نادرست حرکت خود پی نبرده است.

رابطه انسان با طبیعت از نظر اسلام

«در اسلام رابطه‌ی انسان با طبیعت رابطه‌ی کشاورز است با مزرعه، رابطه‌ی بازرگان است با بازار تجارت، رابطه‌ی عابد است با معبد. رابطه‌ی بین انسان و طبیعت رابطه‌ی تسخیری است، ولی باید توجه داشت که انسان باید با رسیدن به کمال نسبی و کسب ارزش وجودی خود، امانت‌دار امینی برای خدا باشد، تا این رابطه، تسخیری باشد و در صورتی که در این امانت، یعنی جهان هستی و طبیعت خیانت کرده و مصرف نادرستی داشته باشد، همان طبیعت و جهان هستی واکنش نشان داده و با او مقابله خواهند کرد، زیرا این جهان و طبیعت

موجود، طبق یک سیستمی که خدا آن‌ها را طراحی نموده کار می‌کنند و طبیعی است که اختلال در قسمتی از این سیستم باعث واکنش کل و یا قسمتی از این سیستم خواهد شد. رابطه انسان و طبیعت باید بر اساس این قاعده باشد که آنچه در این عالم وجود دارد مظهر عظمت خداست و انسان در قبال آن مسئولیت دارد و باید بداند که هر کاری که انجام می‌دهد در نظام طبیعت تأثیر می‌گذارد. باید توجه داشته باشد که هیچ توسعه و پیشرفتی بدون ارتباط مناسب با طبیعت و محیط زیست و در نظر نگرفتن اکوسیستم و عدم توجه به اثرات و واکنش‌های طبیعت و اکوسیستم، پایدار نخواهد بود و علیرغم به وجود آمدن نتایج مثبت کوتاه مدت، در درازمدت هزینه‌ی هنگفتی را برای جامعه به بار خواهد آورد. نمونه‌هایی از این بی‌توجهی‌ها که هزینه‌های زیادی را به بار آورده است شامل؛ آلودگی‌ها، اختلال در لایه اوزن، تغییر اقلیم، گرم شدن زمین و غیره می‌باشد که علاوه بر هزینه‌های مشهود مالی، هزینه‌های اجتماعی و روانی گوناگونی را به بار آورده است (۹۱).

بررسی برخی شرایط اقلیمی حاکم بر زمین و پیش‌بینی آینده

نگرانی درباره تغییر اقلیم، ابعاد جهانی گرفته و تلاش‌های بین‌المللی از دهه گذشته برای حل این مسئله آغاز شده است. افزایش بحران‌های اقلیمی به سطح هشدار؛ دولت‌های جهان را به این سمت و سوهدایت کرد که برای کنترل این بحران‌ها راهکاری بیابند. بر همین مبنا در سال ۱۹۹۰ مجمع عمومی سازمان ملل متحد کارگروهی را تحت عنوان کمیته مذاکرات بین‌المللی تشکیل داد که مأموریت آن بررسی مسئله تغییرات آب‌وهوایی بود. حاصل کار این گروه مذاکراتی، بررسی نظرات هزاران دانشمند از سراسر جهان در زمینه علوم مختلف، به ویژه علوم زیستی و محیطی بود که نتیجه نهایی آن، تأیید نظریه بروز تغییرات آب‌وهوایی و گرمایش جهانی بود. از این رو برای تعامل و مقابله با شرایط جدید، سازوکار الزام‌آور بین‌المللی در قالب کنوانسیون و معاهده شکل گرفت که عملاً به چارچوبی بدل شد که در جریان نشست سران دول مختلف در شهر ریودوژانیروی برزیل که به اجلاس زمین^۱ شناخته می‌شود،

1. Earth Summit.

مستقیماً پیامدهای تغییرات آب و هوا را مورد اشاره قرار داد.

خوشبختانه تا اواخر دهه ۹۰ پیشرفت‌های دانش و فناوری، امکان ثبت تغییرات آب و هوایی؛ برای استنتاج نتایج اقلیمی را فراهم کرده بود. نتایجی چون آب شدن یخ‌های قطبی، خشک‌سالی غیرمنتظره در نواحی مختلف دنیا، تغییر رژیم‌های بارش، طوفان‌ها و رخدادهای عجیب اقلیمی که در جاهای مختلف روی می‌دهند، نظیر؛ سونامی، گردباد، آتش‌سوزی ناشی از خشک شدن پوشش گیاهی که با کوچک‌ترین سایش روی می‌دهند، رخدادهای بهداشتی و...

هیأت بین‌الدولی تغییر اقلیم^۱ یک نهاد بین‌الدولی است که پس از مطرح شدن اهمیت مسئله اثرات گرمایش جهانی در اولین اجلاس بین‌المللی تغییر اقلیم، با هدف ارزیابی تحقیقات علمی، فنی، اقتصادی و اجتماعی مرتبط با تغییر اقلیم و اثرات آن بر کره زمین در سال ۱۹۸۸ توسط سازمان جهانی هواشناسی (WMO) و برنامه محیط‌زیست سازمان ملل متحد (UNEP) تأسیس شد. این نهاد بین‌المللی وظیفه دارد، دلایل علمی وقوع این پدیده و راهکارهای مقابله با آن را برای ارائه در کنوانسیون تغییر اقلیم سازمان ملل متحد^۲ فراهم کند. این هیأت از زمان شروع به کار خود مجموعه‌ای از گزارش‌های ارزیابی^۳، گزارش‌های تخصصی و مقالات فنی ژا در راستای تهیه اطلاعات علمی و فنی برای جامعه جهانی، اعم از سیاست‌گذاران و کاربران عامه منتشر نموده است. این گزارش‌ها که هرچند سال یک‌بار چاپ می‌شوند، با ارائه خلاصه‌ای برای سیاست‌گذاران به‌عنوان معتبرترین منابع اطلاعاتی در مورد تغییرات اقلیمی شناخته می‌شوند.

اولین گزارش هیأت حاوی هشدار ناخوشایندی بود. این گزارش منجر به شکل‌گیری کنوانسیون تغییر آب و هوا در اجلاس زمین شد. دومین گزارش، منجر به شکل‌گیری پروتکل کیوتو شد که به امضای سران ۱۹۴ کشور عضو رسمی رسید. این پروتکل از ۲۱ مارس ۱۹۹۴

2. IPCC: Intergovernmental Panel on Climate Change.

3. UNFCCC: United Nations Framework Convention on Climate Change.

4. Assessment Reports.

تعهداتی را بر عهده گروهی از کشورها گذاشت که بیش از سایر کشورها مسئول انتشار گازهای گلخانه‌ای شناخته شده بودند. این کشورها ضمیمه‌ی ۱ نام گرفتند و عمدتاً شامل کشورهای توسعه‌یافته هستند. گزارش چهارم ارزیابی تغییر اقلیم با عنوان "Climate Change 2007" توجه فراوان جامعه جهانی به مسئله تغییر اقلیم را در پی داشت. همین امر سبب گردید که جایزه صلح نوبل سال ۲۰۰۷ به طور مشترک به نهاد IPCC و آقای الگور که در این زمینه فعالیت نموده بودند، اهداء شود (۹۲).

در این بخش از نوشتار وضعیت فعلی و روند تغییرات برخی پارامترهای اقلیمی در دهه‌های آینده مورد بررسی قرار می‌گیرد. داده‌های ارائه شده در این بخش خلاصه‌ای از نتایج ده‌ها مقاله و گزارش‌هایی است که در برترین مجلات اقلیمی جهان به چاپ رسیده و یا از سوی برترین دانشمندان و موسسات دست‌اندرکار در امور اقلیمی انتشار یافته‌اند. شاید بتوان با ارائه این آمار به ارتباط بین پیش‌بینی‌های آخرالزمانی اقلیمی در ادیان ابراهیمی و داده‌های علمی به منظور تدوین استراتژی برای منتظران ظهور نظم بخشید. انسان بیدار می‌تواند تحولات را رصد نماید، اما انسان خفته وقتی در متن تحولات قرار گرفت سرگشته و حیران خواهد شد.

خشکی و خشک‌سالی

گاه‌نگاری (تاریخ شماری) دوره‌های خشک‌سالی با روش‌های مختلفی مانند استفاده از حلقه‌های درختان (شکل ۱۵)، هسته‌های رسوبی^۱، غار سنگ^۲ و شبکه با استفاده از پروکسی‌های متعدد^۳ انجام می‌شود. دانش اقلیم‌شناسی درختی^۴ به مطالعه ارتباط بین متغیرهای اقلیمی و شاخص حلقه‌های درخت و بازسازی اقلیم گذشته می‌پردازد. مطالعات نشان داده است که دما و بارندگی از عوامل‌های بسیار مهم اقلیمی و تأثیرگذار بر رشد درختان‌اند. یکی از کاربردهای اقلیم‌شناسی درختی در مطالعات خشک‌سالی‌هاست. تعداد

1. Sediment cores.

2. Speleothems.

3. Networks using multiple proxies.

4. Dendroclimatology.

حلقه‌های روی مقطع درخت بیانگر سن آن و ضخامت حلقه‌ها بیانگر میزان رشد سالیانه آن درخت است که با شرایط اقلیمی یا میزان بارش رابطه دارد. برای مدلسازی بارش در سال‌های گذشته از این موضوع استفاده می‌شود.



شکل ۱۵- حلقه درخت

در یک پژوهش گسترده در ناسا^۱ گاه‌نگاری دوره‌های خشک‌سالی منطقه مدیترانه به کمک حلقه درخت برای رسم اطلس خشکی دنیای قدیم^۲ در بازه زمانی ۹۰۰ ساله (۱۱۰۰ تا ۲۰۱۲ میلادی) انجام شد. خشک‌سالی سال‌های اخیر، در منطقه غرب و شرق مدیترانه و یونان تمرکز دارد. نتایج این پژوهش نشان داد که خشک‌سالی‌های ۱۵ سال اخیر منتهی به سال ۲۰۱۲ در شرق مدیترانه، در ۹۰۰ سال اخیر بی سابقه است. این خشک‌سالی به احتمال ۸۹ درصد بدتر از دوره‌های خشک‌سالی ۹۰۰ سال اخیر و به احتمال ۹۸ درصد بدترین خشک‌سالی در ۵۰۰ سال اخیر است (۹۳). نتایج همچنین نشان داد که خشک‌سالی ۱۵ سال اخیر منطقه شرق مدیترانه ۵۰ درصد خشک‌تر از خشک‌ترین دوره در ۵۰۰ سال اخیر و ۱۰ تا ۲۰ درصد خشک‌تر از بدترین خشک‌سالی ۹۰۰ سال اخیر است (۹۴).

با روند پیش‌بینی شده، یعنی ادامه خشک‌سالی در سال‌های آینده، می‌توان با اطمینان گفت که منطقه مدیترانه هرگز در طول تاریخ چنین فاجعه زیست‌محیطی را تجربه نکرده است. این نتیجه برای سایر نقاط جهان، به ویژه منطقه خاورمیانه حتی بدتر از این پیش‌بینی می‌شود.

1. NASA.

2. The Old World Drought Atlas OWDA.

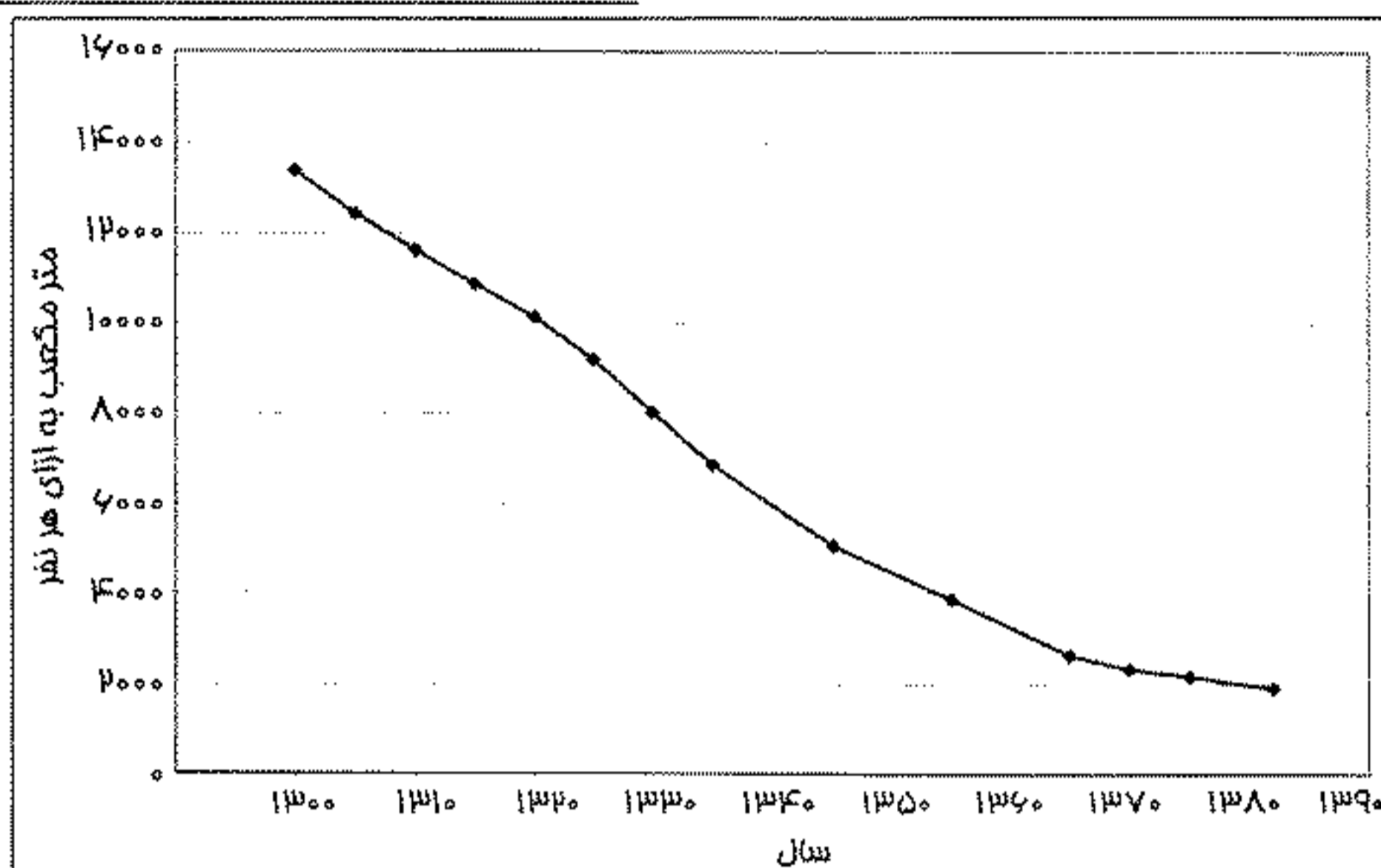
بر اساس مدل‌ها و نقشه‌های پیش‌بینی موسسه بین‌المللی منابع^۱ تنش آبی در مناطق مختلف جهان تا سال ۲۰۴۰ میلادی به حد بسیار بحرانی خواهد رسید. بخش‌های زیادی از آسیا، آمریکا و اروپا از جمله این مناطق هستند (شکل ۱۶). میزان آب در دسترس برای هر نفر در ایران از سال ۱۳۰۰ تا سال ۱۳۹۰ از میزان ۱۴۰۰۰ مترمکعب به حدود ۲۰۰۰ مترمکعب رسیده است (شکل ۱۷). خشکسالی باعث فرورانش خاک در نقاط مختلف ایران و جهان شده است که از نظر برخی دانشمندان بی‌بازگشت می‌نماید (شکل ۱۸).

بر اساس پژوهش‌های WRI بر روی ۱۶۷ کشور جهان، تا سال ۲۰۴۰ میلادی ۳۳ کشور با تنش شدید آبی روبرو خواهند شد.

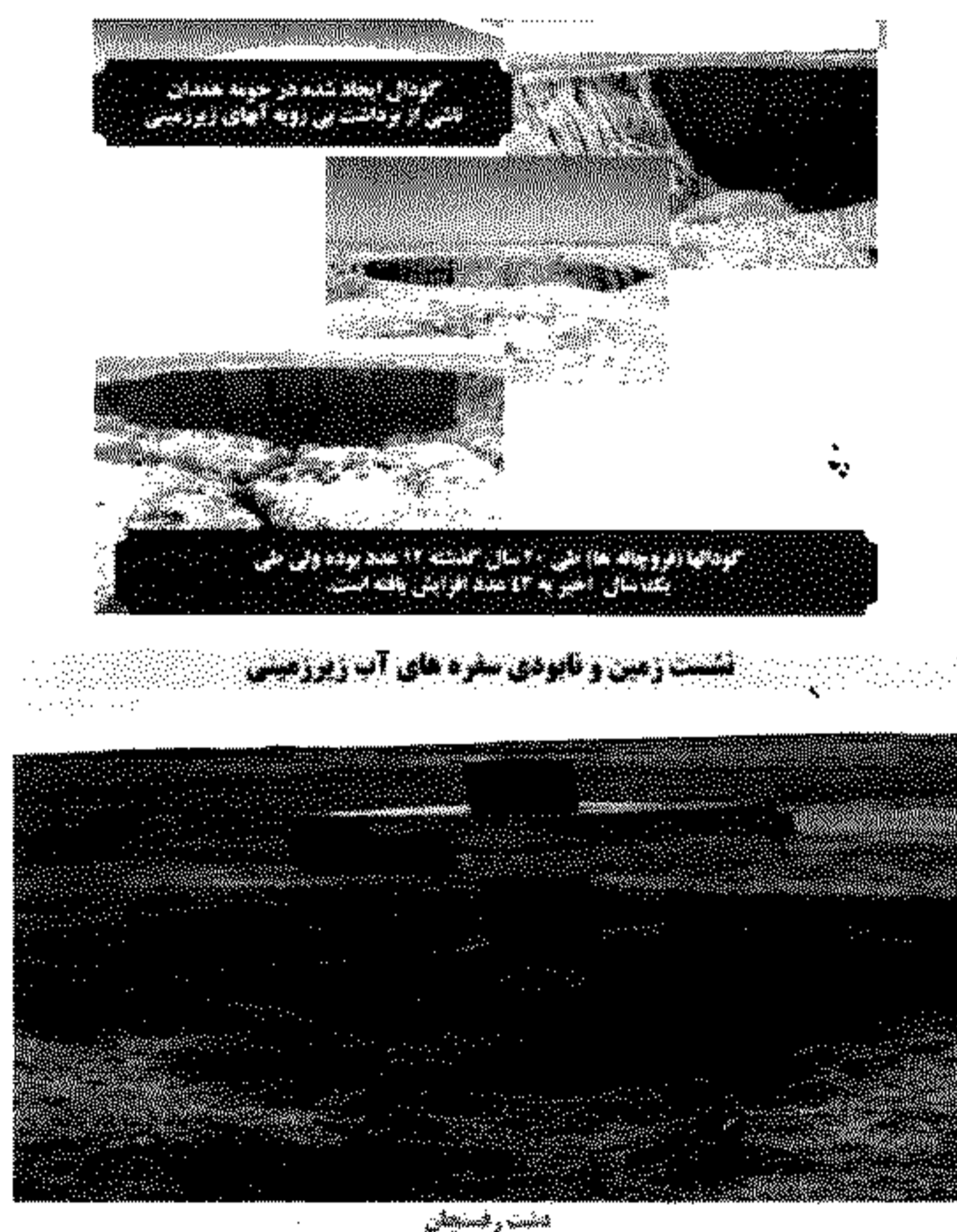


شکل ۱۶- پیش‌بینی تنش آبی در نقاط مختلف جهان تا سال ۲۰۴۰ (WRI)

1. International Resource Institute.



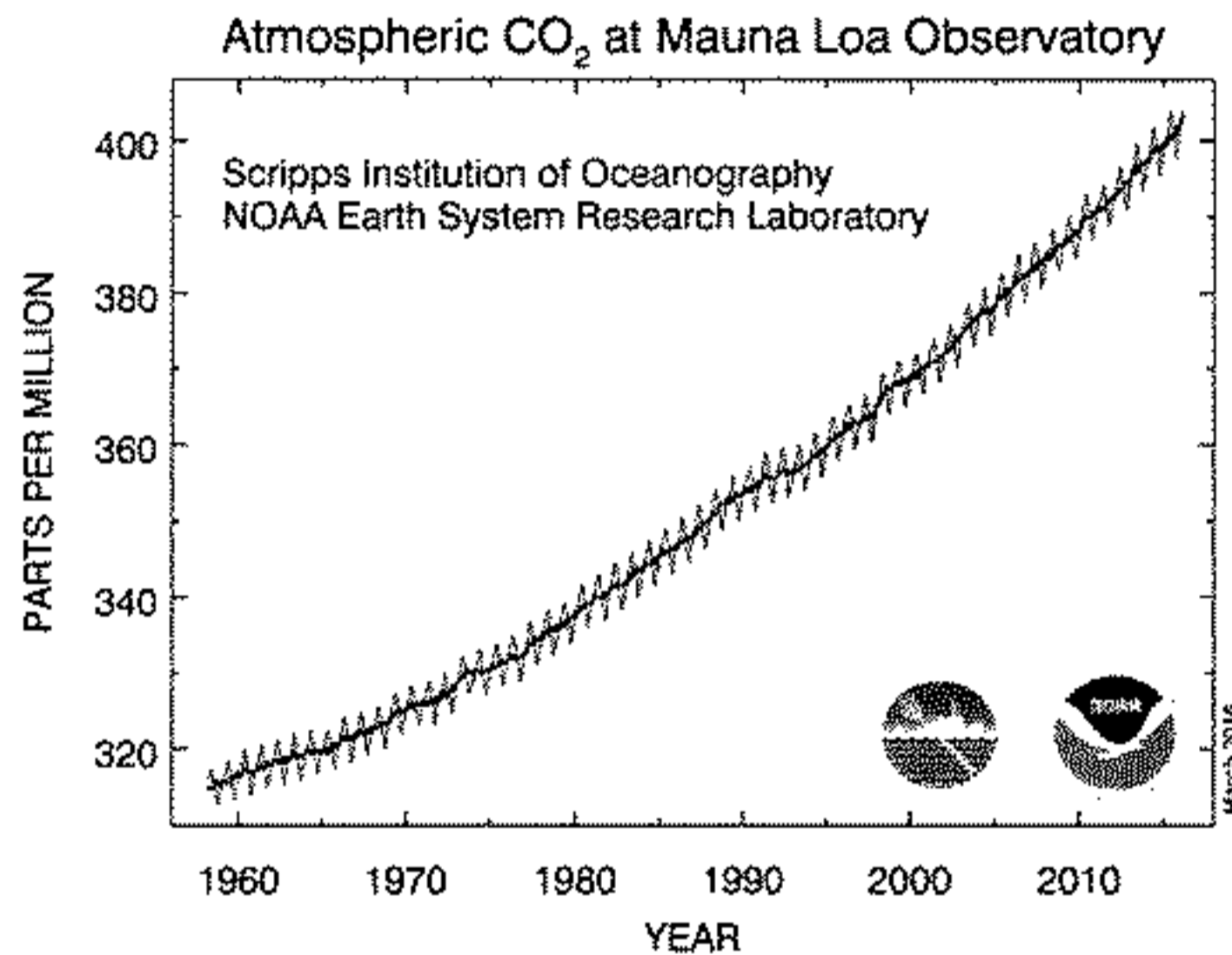
شکل ۱۷- کاهش میزان آب در دسترس طی ۹۰ سال گذشته در ایران



شکل ۱۸- فرورانش خاک در مناطق مختلف کشور (۹۵)

میزان دی اکسید کربن هوا

دی اکسید کربن به عنوان یک گاز معرف کیفیت هوا مطرح است. شهر مانالوا در ایالت هاوایی^۱ آمریکا دارای قدیمی ترین سامانه ثبت میزان دی اکسید کربن هوا در جهان است. دیوید کیلینگ از موسسه اقیانوس شناسی اسکریپس از سازمان ملی اقیانوسی و جوی^۲ آمریکا پژوهش هایی در خصوص میزان دی اکسید کربن موجود در اتمسفر منطقه مانالوا طی ۵۰ سال گذشته انجام داد. شکل ۱۹ نتایج ۵۰ ساله میزان دی اکسید کربن موجود در اتمسفر منطقه مورد مطالعه را نشان می دهد. نرخ افزایش سالیانه دی اکسید کربن در منطقه مورد مطالعه $۰/۱۱ \text{ ppm/yr}$ بوده است. نتایج نشان می دهد که میزان دی اکسید کربن در سال ۱۹۵۹ از ۳۱۶ قسمت در میلیون به ۴۰۰ قسمت در میلیون در سال ۲۰۱۶ رسیده و به میزان ۲۶ درصد افزایش یافته است. میزان دی اکسید کربن در تاریخ ۲۰۱۶/۵/۲۳ توسط آزمایشگاه تحقیقاتی سیستم زمین^۳ در سازمان ملی جوی و اقیانوسی آمریکا $۴۰۸/۸۶ \text{ ppm}$ اعلام شده است (۹۶).



شکل ۱۹- نرخ رشد سالیانه دی اکسید کربن هوا، منطقه مانالوا، هاوایی (۹۶)

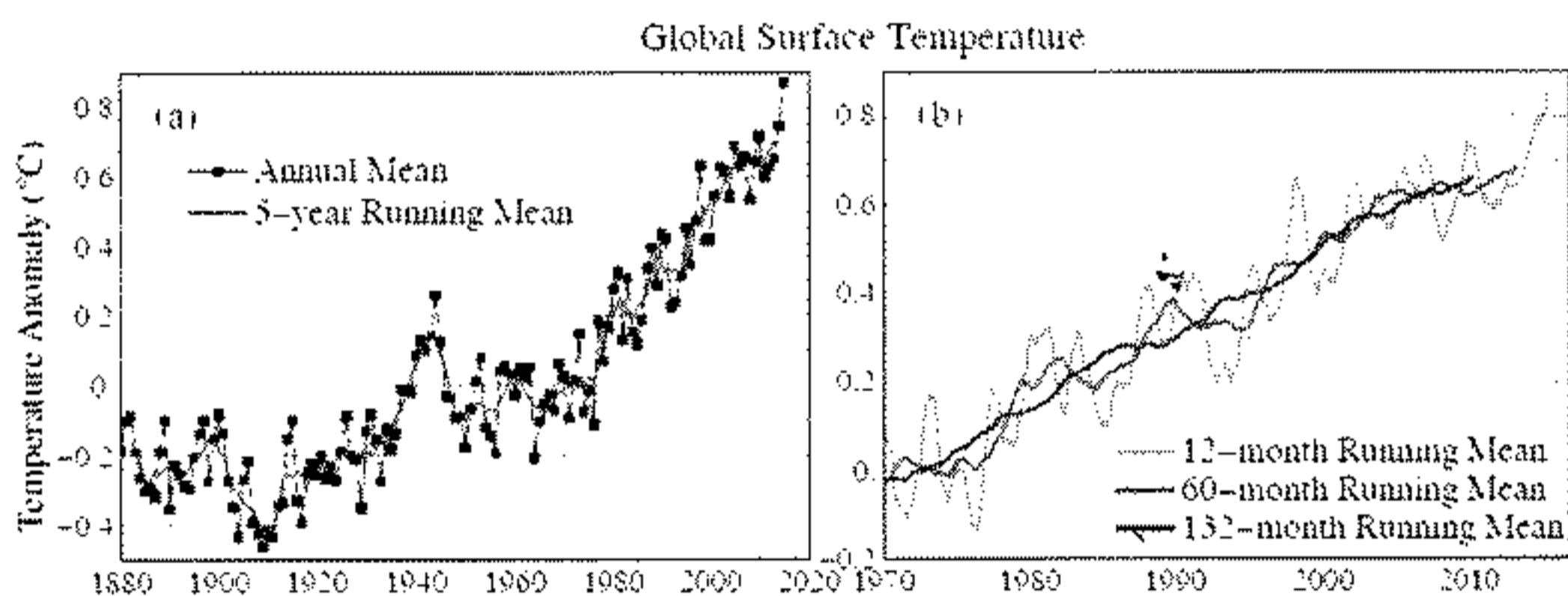
1 .Mauna Loa (Hawaii).

2 .The Scripps Institution of Oceanography sometimes referred to as SIO, Scripps Oceanography, or Scripps in San Diego, California.

3 .Earth System Research Laboratory.

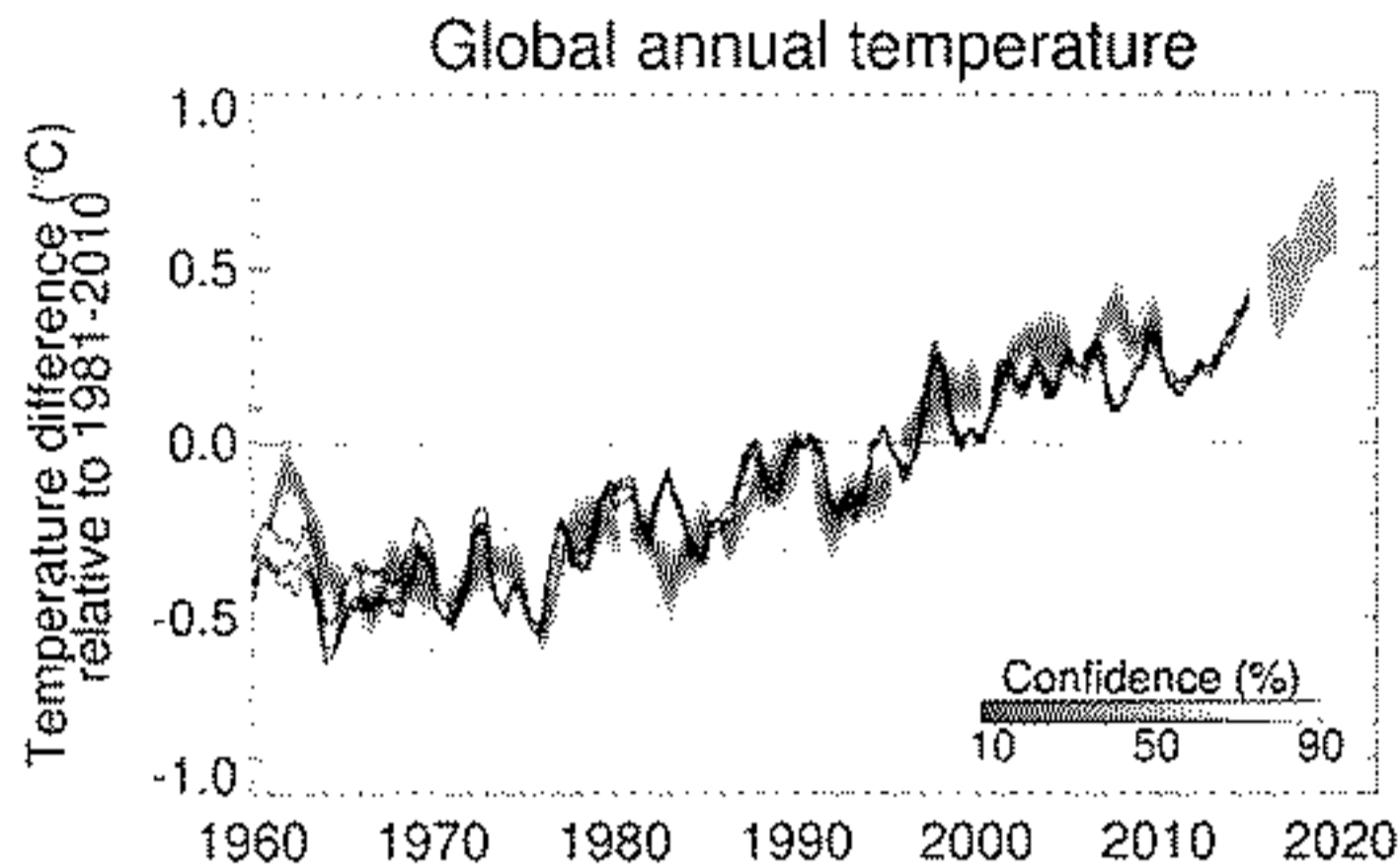
درجه حرارت زمین

درجه حرارت سطح زمین از سال ۱۸۸۰ میلادی تاکنون توسط دستگاه‌های حرارت سنج ثبت شده است. تجزیه و تحلیل درجه حرارت سطح زمین با استفاده از سامانه اطلاعات جغرافیایی (GIS) توسط موسسه مطالعات فضایی گودارد وابسته به ناسا^۱ در طی سال‌های ۱۸۸۰ تا ۲۰۱۵ نشان داد که درجه حرارت سطح زمین در سال ۲۰۱۵ به میزان ۰/۸۷ درجه سانتی‌گراد گرم‌تر از دوره پایه ۱۹۵۱ تا ۱۹۸۰ بوده است. این نتیجه نشان می‌دهد که سال ۲۰۱۵ گرم‌ترین سال در بین سال‌هایی است که درجه حرارت به کمک دستگاه‌های اندازه‌گیری ثبت شده است. نتایج این تحقیق همچنین نشان می‌دهد که درجه حرارت در سال ۲۰۱۵ به میزان ۱/۱۳ درجه سانتی‌گراد از متوسط سال‌های ۱۸۸۰ تا ۱۹۲۰ بالاتر بوده است (شکل ۲۰). با توجه به نتایج تحقیقات انجام شده می‌توان گفت که گرم شدن کره زمین در یک قرن اخیر به ۱ درجه سانتی‌گراد رسیده است (۹۷) (۹۸).



شکل ۲۰- نمودار میزان درجه حرارت طی سال‌های ۱۸۸۰ تاکنون (۹۸)

نتایج حاصل از مطالعات درجه حرارت سطح زمین در ایتالیا نیز شرایط مشابه این را نشان می‌دهد (شکل ۲۱)



شکل ۲۱- درجه حرارت سالیانه زمین از سال ۱۹۶۰ تا ۲۰۱۵ در مقایسه با بازه زمانی ۱۹۸۱ تا ۲۰۱۰

آینده حرارت زمین

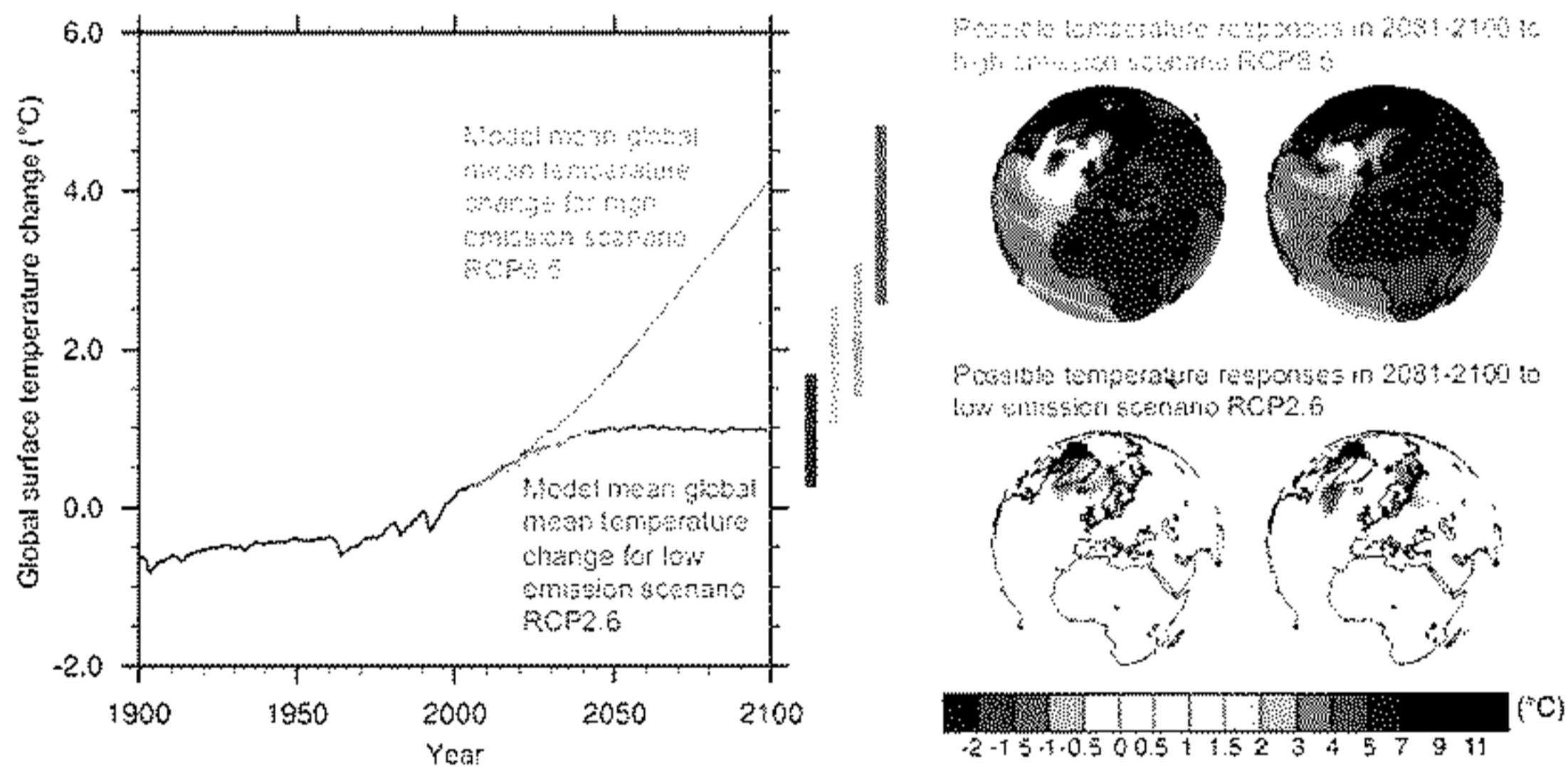
تغییر جهانی اقلیم تا اندازه‌ای در ارتباط با افزایش غلظت دی‌اکسید کربن می‌باشد. دی‌اکسید کربن جزو گازهای گلخانه‌ای است. گازهای گلخانه‌ای، اشعه مادون قرمز ساطع شده از زمین را جذب کرده و به زمین برمی‌گردانند و به همین دلیل موجب افزایش دما می‌شوند (۹۹) (۱۰۰).

هیات بین‌الدول تغییر اقلیم در تدوین گزارش پنجم خود، در سال ۲۰۱۴، از چهار سناریو استفاده کرده است. این سناریوها در واقع چهار پیش‌بینی مختلف از شرایط درجه حرارت زمین در دهه‌های آینده براساس شرایط محتمل می‌باشد. تحت سناریوهای مختلف پیش‌بینی می‌شود که متوسط دمای جهان تا سال ۲۱۰۰ بین ۱/۴ تا ۴/۸ درجه سانتی‌گراد افزایش یابد که این افزایش دما توأم با تغییراتی در الگوهای مکانی و زمانی بارندگی خواهد بود (۱۰۱) (۱۰۲).

اتفاقی که پس از انتشار گزارش‌های IPCC افتاد، اندازه‌گیری مداوم ماهانه غلظت گاز دی‌اکسید کربن در مکانی ایزوله از آلودگی‌ها در جزیره هرنولوا در هاوایی است؛ جایی که هیچ نوع فعالیتی با منشأ انسانی وجود ندارد. این اندازه‌گیری‌ها نشان دادند که غلظت گاز دی‌اکسید کربن در سال ۱۸۵۰ و قبل از انقلاب صنعتی ۲۸۰ قسمت در میلیون (ppm) بوده؛ که این عدد در سال ۱۹۹۰ به ۳۵۰ رسید و امروزه عدد ۴۰۰ ثبت شده است. از مجامع علمی انتظار می‌رفت که حد آستانه‌ای را اعلام نمایند تا فعالیت‌های بشری بر مبنای آن خود را

تطبیق دهند که خوشبختانه این سطح آستانه هم اکنون اعلام شده است. در سناریوهای IPCC عنوان شده بود که اگر روند فعلی انتشار تا پایان قرن ۲۱ ادامه یابد، سطح غلظت CO2 به بالای ۱۰۰۰ ppm می رسد که اصلاً مطلوب نیست. اما بهترین کاری که در چارچوب پروتکل می توان انجام داد، این است که به سطح ۵۵۰ ppm رسید و برای حصول اطمینان از نرسیدن به آستانه ۵۵۰ عدد ۴۵۰ مدنظر قرار گرفته است؛ که برابر با افزایش ۲-۱/۵ درجه سانتی گراد دمای سطح زمین نسبت به سال ۱۸۵۰ است (۱۰۳).

نتایج چهار سناریو RCPs که متوسط نتایج ۳۲، ۴۲، ۲۵ و ۳۹ مدل را در خود جای داده اند در شکل ۲۲ آمده است. این سناریوها تغییرات درجه حرارت زمین را در فاصله سال های ۲۰۸۱ تا ۲۱۰۰ نسبت به بازه زمانی ۱۹۸۶ تا ۲۰۰۵ پیش بینی کرده اند. بر اساس سناریو (RCP2.6) درجه حرارت ۰/۳ تا ۱/۷، سناریو (RCP4.5) ۱/۱ تا ۲/۶، سناریو (RCP6.0) ۱/۴ تا ۳/۱ و سناریو (RCP8.5) ۲/۶ تا ۴/۸ در سال های ۲۰۸۱ تا ۲۱۰۰ نسبت به سال های ۱۹۸۶ تا ۲۰۰۵ افزایش درجه حرارت خواهند داشت (شکل ۲۲) (۱۰۱).



شکل ۲۲- تغییرات درجه حرارت زمین تا سال ۲۱۰۰ بر اساس ۴ سناریو (۱۰۱)

در سناریوی RCP8.5، غلظت دی اکسید کربن تا سال ۲۱۰۰، ۱۳۷۰ ppm، در سناریوی RCP6، ۸۵۰ ppm، در سناریوی RCP4.5، ۶۵۰ ppm و در سناریوی RCP2.6، ۴۹۰ ppm تخمین زده شده است (۱۰۲).

آتش‌سوزی جنگل‌ها

آب‌وهوا به شدت، آتش‌سوزی طبیعی را تحت تأثیر قرار می‌دهد. نتایج پژوهش‌هایی که برای سال‌های ۱۹۷۹ تا ۲۰۱۳ انجام شد نشان داد که دوره خطر آتش‌سوزی در ۲۹/۶ میلیون کیلومترمربع از سطح سبز کره زمین گسترده شده است (۲۵/۳ درصد) و طول این دوره ۱۸/۷ درصد افزایش یافته است. سطح قابل اشتعال که توسط این دوره طولانی مدت تحت تأثیر قرار گرفته است به میزان ۱۰۸/۱ درصد رشد داشته است. زمستان کوتاه‌تر و دماهای بالاتر در فصول دیگر منجر به خشک شدن پوشش گیاهی و خاک شده و در سطح جهانی، فصل آتش‌سوزی از ۳۵ سال پیش تا سال ۲۰۱۳ به طور متوسط ۱۸/۷ درصد، طولانی‌تر شده است. در حال حاضر تخمین زده می‌شود، آتش‌سوزی با وارد کردن هر سال به طور متوسط ۲ تا ۴ بیلیون تن کربن به اتمسفر به اندازه نصف سوزاندن سوخت‌های فسیلی کربن در اتمسفر هوا منتشر می‌کند (۱۰۴).

کارشناسان بخش استراتژی بین‌المللی سازمان ملل متحد برای کاهش بلایا، تخمین می‌زنند که سالیانه بین ۳ تا ۴ میلیون کیلومترمربع از منابع طبیعی و جنگل‌ها طعمه حریق می‌شوند. از این مقدار ۱۸۰۰۰ کیلومترمربع در اروپا اتفاق می‌افتد. سالیانه ۵۰۰ هزار هکتار به علت وقوع ۵۰ هزار آتش‌سوزی فقط در جنوب اروپا طعمه حریق می‌شود. آتش گرفتن جنگل‌ها علاوه بر از بین بردن اکوسیستم‌های طبیعی باعث افزایش آلودگی هوا و کاهش سلامت عمومی می‌شود.

پدیده گرد و غبار و ریزگرد

بیابان‌زایی در میان ۳۷ چالش مهم جهانی به عنوان یکی از سه چالش اصلی فراروی بشر در قرن ۲۱ بعد از تغییر اقلیم و کمبود آب شیرین می‌باشد. یکی از آثار سوء این پدیده، گرد و غبار و انتشار ریزگردها در هوا می‌باشد. این پدیده در سال‌های اخیر در نقاط مختلف جهان به ویژه منطقه خاورمیانه افزایش نگران‌کننده‌ای یافته است.

نتایج پژوهش‌ها درباره روند افزایش گردوغبار در اهواز از سال ۱۹۵۱ تا ۲۰۰۵ میلادی نشان داد که میانگین روزهای گردوغباری بین سال‌های ۱۹۵۱ تا ۱۹۷۸ میلادی ۴۱ روز و میانگین آن در

سال‌های ۱۹۷۹ تا ۲۰۰۵ به حدود ۸۵ روز؛ یعنی بیش از دو برابر رسیده است (۱۰۵). سرچشمه اصلی ریزگردی موجود در کشور ایران در چند سال اخیر، باد شمال است. این باد که از خرداد تا شهریورماه هر سال فعال است، از شمال خاورمیانه شکل گرفته و با گذر از کوه‌های ترکیه و شمال عراق، به سمت بیابان‌های عراق و سوریه سرزیرمی شود و تا خلیج فارس و رسیدن به آب‌های آزاد پیش می‌رود. چند سالی است که ناحیه جنوب غربی ایران، خصوصاً استان خوزستان با پدیده گردوغبار شدید در تابستان‌ها روبرو بوده است. استان خوزستان از سال ۱۳۸۰ با پدیده گردوغبار به صورت جدی روبه‌رو بوده است. این پدیده در سال ۱۳۸۱، ۱۰ نوبت؛ در سال ۱۳۸۵، ۱۹ نوبت؛ و در سال ۱۳۸۷، ۵۵ نوبت در استان خوزستان اتفاق افتاده است. حداکثر میزان غلظت ذرات گردوغبار و آلاینده‌ها در سال‌های مختلف در این استان متفاوت بوده است. به گونه‌ای که در طی ۳ سال گذشته در چندین نوبت غلظت گردوغبار به ۹۳۶۰ میکروگرم در مترمکعب رسید (۳۶ برابر حد مجاز). دلایل افزایش پدیده گردوغبار در منطقه عبارت است از: بروز جنگ‌های متوالی و برهم خوردن بافت فیزیکی خاک، احداث سپد بر روی رودخانه‌های دجله و فرات و کاهش رطوبت زمین و فرسوده شدن ذرات خاک به دلیل تابش شدید آفتاب (۱۰۶).

پدیده طوفان ریزگرد در سال ۱۳۸۰، تنها سه استان خوزستان، ایلام و بوشهر را تحت تأثیر قرار داده بود. در سال ۱۳۸۵، استان‌های کردستان، کرمانشاه و لرستان نیز درگیر شده و در سال ۱۳۹۰، تعداد استان‌های درگیر به ۱۴ استان افزایش یافت. هم‌اکنون حدود ۳۳ درصد مساحت ایران و ۵۲ درصد جمعیت کشور با پدیده ریزگردها مواجهه مستقیم و غیرمستقیم دارند. پیش‌بینی‌های علمی نشان می‌دهند که با تداوم رشد تولید ریزگرد در منطقه، تا سال ۱۴۰۰ خورشیدی تعداد استان‌های درگیر با پدیده ریزگرد به ۲۲ استان کشور تسری پیدا خواهد کرد که شامل ۵۲ درصد مساحت ایران و ۷۷ درصد جمعیت می‌گردد (۱۰۷).

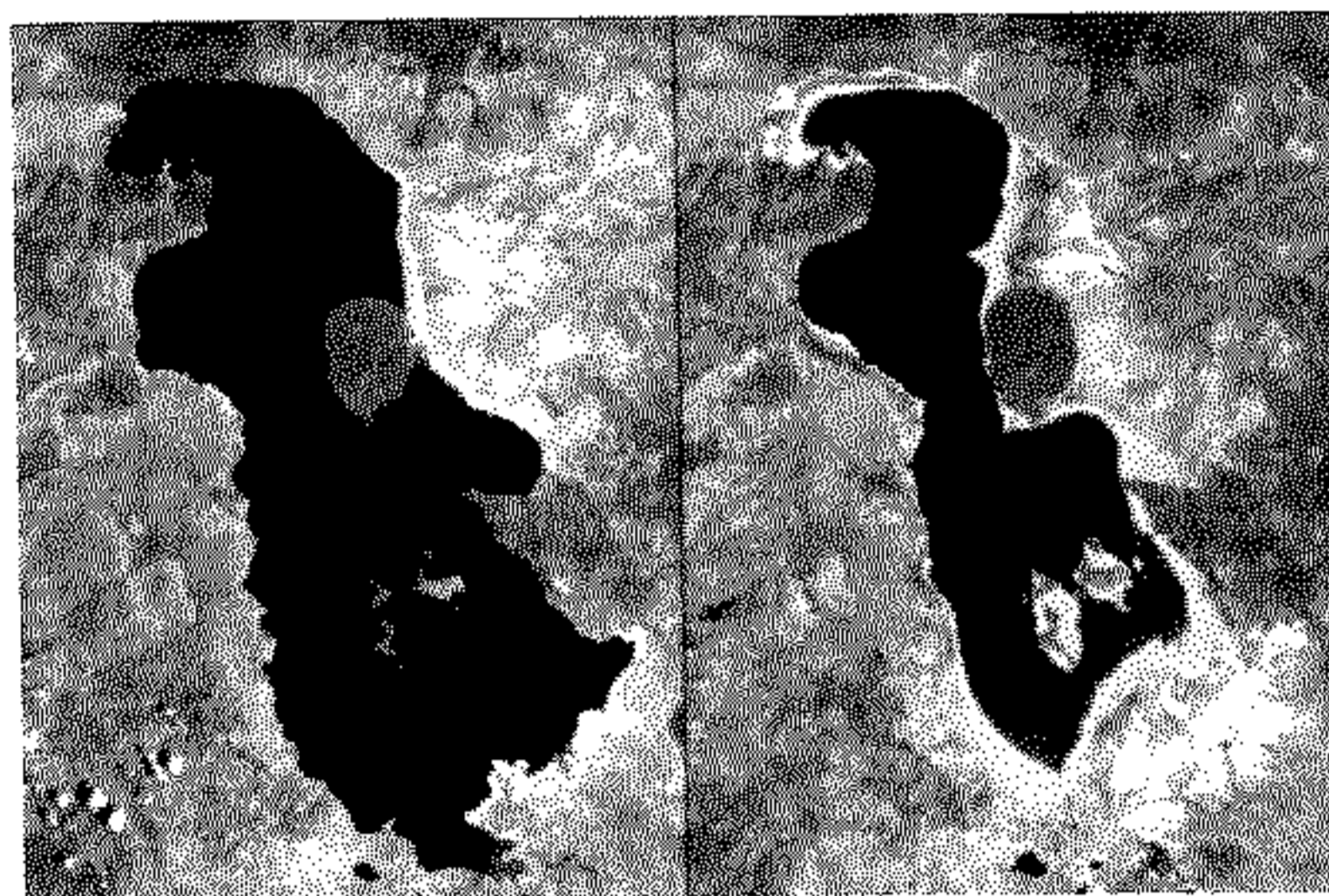
خشک‌سالی و تهدید دریاچه‌ها و تالاب‌ها

سازمان فضایی آمریکا (ناسا) به تازگی جدیدترین تصاویر ماهواره‌ای خود را از بیش از ۱۵۰ نقطه زمین که تغییرات اقلیمی در آن‌ها بیشتر مشهود است منتشر کرده و آن‌ها را در صفحه

اینترنتی با نام «وضعیت تغییر مداوم» (State of Flux) آورده است. در کنار تصاویر ماهواره‌ای جدید، تصاویر قدیمی این نقاط برای مقایسه گذاشته شده است تا بتوان به راحتی متوجه تغییر زمان و میزان تغییرات به وجود آمده در آن‌ها شد. در این تصاویر شاهد تغییرات زمین بر اثر تغییرات آب و هوایی، اثرات شهرنشینی و بلایای طبیعی مانند زلزله، سیل، آتش سوزی و غیره هستیم. در زیر این تصاویر مقایسه زمانی صورت گرفته میان آن‌ها که از چند روز تا چند سال و چند دهه است درج شده است. برخی از این تغییرات اقلیمی که در تصاویر ماهواره‌ای ناسا به آن‌ها پرداخته شده است عبارت‌اند از:

گسترش شهرها، خشک شدن یا کاهش آب دریاچه‌ها، خشک شدن یا کاهش آب رودخانه‌ها، کویرزایی، افزایش آتش سوزی در جنگل‌ها و منابع طبیعی، افزایش سیل و طغیان رودخانه‌ها، پراکنش نامناسب بارش، کاهش سطح برف و یخ موجود در قطب زمین، گرم شدن کره زمین، کاهش سطح زمین‌های زراعی، افزایش آلاینده‌های محیطی، افزایش طوفان و ریزگردها در جو زمین. در میان این ۱۵۰ تصویر متأسفانه تصویری از دریاچه ارومیه و آرال نیز دیده می‌شود. شکل ۲۳ و ۲۴ دریاچه ارومیه را در مقاطع مختلف زمانی نشان می‌دهد. وبسایت ناسا در توضیح این دو شکل آورده است که دریاچه ارومیه ایران؛ بزرگ‌ترین دریاچه در خاورمیانه و سومین دریاچه بزرگ آب شور در زمین است. اما استفاده از سدها بر روی رودخانه‌های منتهی به این دریاچه، گسترش استفاده از آب‌های زیرزمینی و همچنین خشک‌سالی‌های چند دهه اخیر باعث کاهش اندازه آن به ۶۰ درصد ظرفیت آن در دهه ۱۹۸۰ میلادی شده است. در تصویر سال ۲۰۱۰ رنگ‌های آبی کم‌رنگ کنار دریاچه آب‌های کم‌عمق و نمک‌های ته‌نشین شده را نشان می‌دهد. افزایش نمک موجود در آب باعث عدم حضور ماهیان و تعطیلی زیست‌گاه پرندگان مهاجر در این دریاچه شده است. با این وضعیت شاهد خشکی کامل این دریاچه تا سال‌های آینده خواهیم بود. دریاچه آرال که در قزاقستان و ازبکستان واقع است. این دریاچه طی ۳۰ سال اخیر به صورت تأسف باری رو به خشکی نهاده است (شکل ۲۵). یکی از مهم‌ترین دلایل آن کاهش ورودی آب از رودخانه‌هایی است که این دریاچه را تغذیه می‌کرده‌اند. پدیده گردوغبار، تعطیلی ماهیگیری و آب و هوای خشن

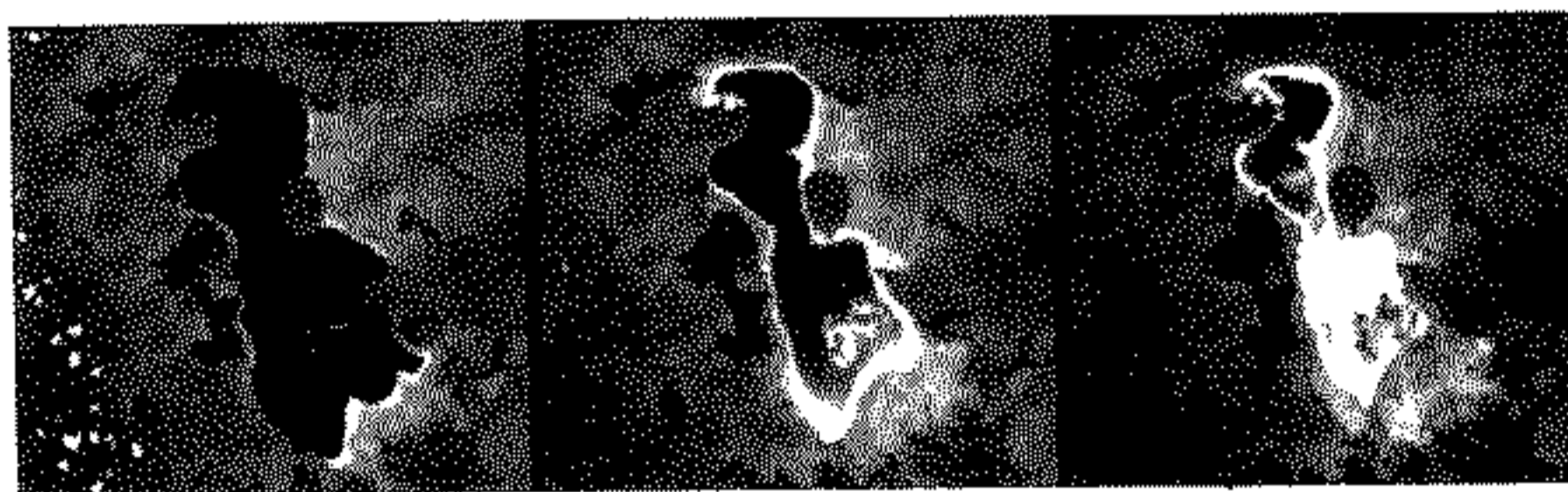
پیامد این تغییر اقلیمی است. این دریاچه تا سال ۲۰۰۰ چهار پنجم حجم آب خود را از دست داده است (۱۰۸).



August 1985

August 2010

شکل ۲۳- تغییرات میزان آب دریاچه ارومیه طی سال های ۱۹۸۵ تا ۲۰۱۰ میلادی



شکل ۲۴- تغییرات میزان آب دریاچه ارومیه طی سال های ۲۰۰۰ تا ۲۰۱۴ میلادی. به ترتیب از سمت چپ؛ سال

۲۰۰۰، ۲۰۱۰، و ۲۰۱۴



۱۹۷۷

۱۹۸۹

۲۰۰۶

۲۰۰۹

شکل ۲۵- تغییرات میزان آب و سطح دریاچه آرال طی سال های ۱۹۷۷ تا ۲۰۰۹ میلادی

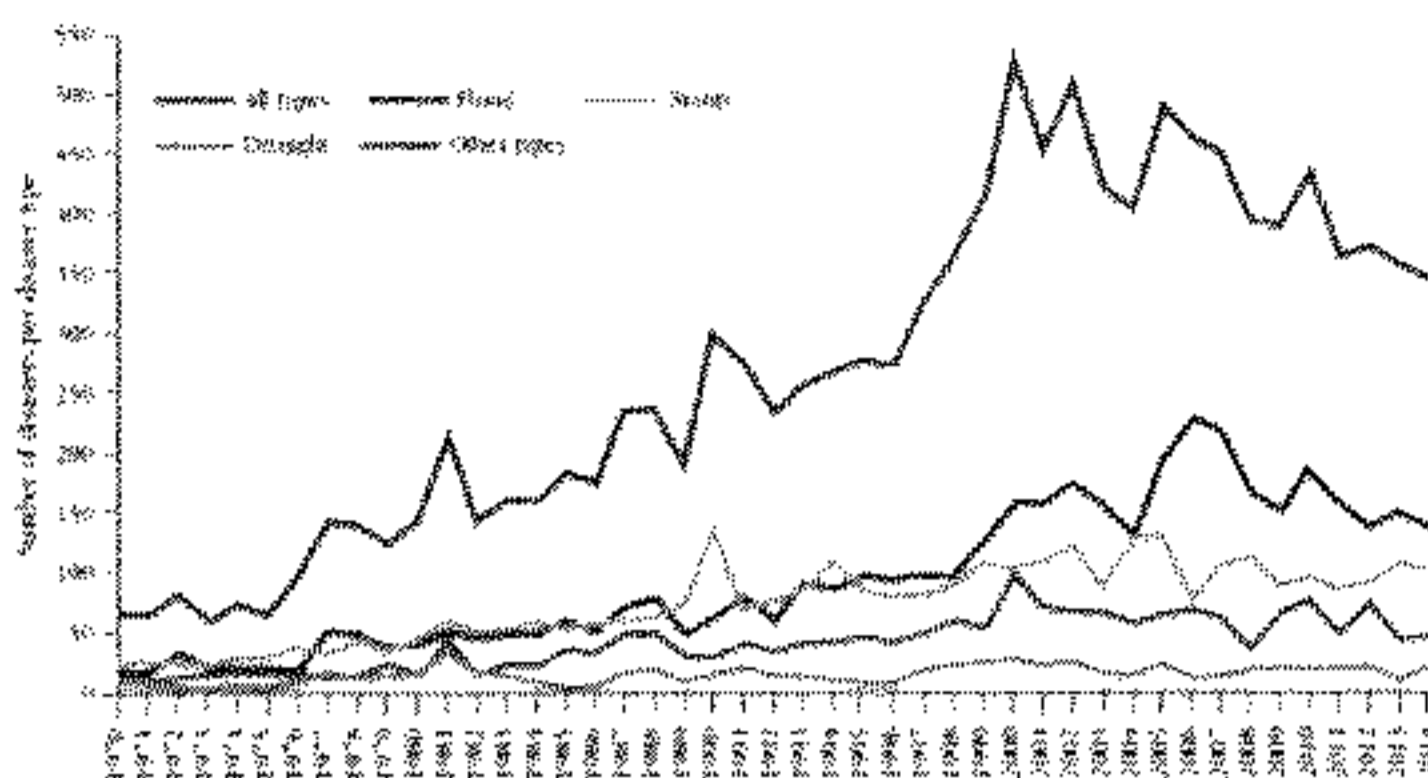
افزایش کل بلایای طبیعی و خسارت وارده

بر اساس آمارهای پایگاه بین المللی داده های بلایای طبیعی (EM-DAT) در ۲۷ سال گذشته ۳/۶ میلیون نفر بر اثر بلایای طبیعی جان باخته اند و بیش از ۳ میلیارد نفر آسیب دیده اند و بیش از ۲۴۰ میلیارد دلار خسارت مالی وارد شده است. آمار نشان می دهد که بلایای طبیعی رو به افزایش هستند. بر پایه یافته های آماری بین سال های ۱۹۹۰ تا ۲۰۰۲ شدت بلایا ۴/۱ برابر شده است نسبت جان باختگان ۶/۹ و آسیب دیدگان ۵/۲ و خسارت مالی ۳۸ برابر شده است و به طور متوسط در هر سال از هر ۳۱ نفر یک نفر از بلایا آسیب دیده و از هر ۳۱ هزار نفر یک نفر بر اثر بلیه طبیعی جان خود را از دست داده است (۱۰۹).

پایگاه بین المللی داده های بلایای طبیعی^۱ که یکی از معتبرترین پایگاه های داده های بلایای طبیعی در جهان است شامل اطلاعات اصلی اساسی در خصوص وقوع و اثرات بیش از ۱۸۰۰۰ حادثه دسته جمعی در جهان از سال ۱۹۰۰ تا حال حاضر می باشد. این اطلاعات از منابع مختلف، از جمله آژانس های سازمان ملل، سازمان های غیردولتی، شرکت های بیمه، مؤسسات تحقیقاتی و سازمان های مطبوعاتی اخذ شده است. تعداد کل حوادث در سطح جهان شامل حوادث طبیعی (سیل، طوفان، خشک سالی و انواع دیگر) بین سال های ۱۹۷۰ و ۲۰۱۴ بر اساس داده های موجود در این پایگاه در شکل ۲۶ نشان داده شده است. در سطح جهانی، تمام انواع بلایای طبیعی، از ۵۰ حادثه در سال ۱۹۷۰ به ۳۵۰ حادثه در سال ۲۰۱۴ افزایش یافته است، با ذکر این نکته که در سال ۲۰۰۰ تعداد ۵۰۰ حادثه به وقوع پیوسته است. تعداد سیل از کمتر از ۵۰ در سال ۱۹۷۰ به ۲۲۶ فقره در ۲۰۰۶ و ۲۱۸ در ۲۰۰۷ و تعداد طوفان از کمتر از ۵۰ در سال ۱۹۷۰ به ۱۲۰ در سال ۱۹۹۰ و ۲۰۰۵ و شدت خشک سالی نیز در طی این دوره افزایش داشته است (۱۱۰). شکل ۲۷ افزایش تعداد رخداد بلایای طبیعی و خسارت مالی ناشی از آن ها را در دهه های اخیر نشان می دهند.

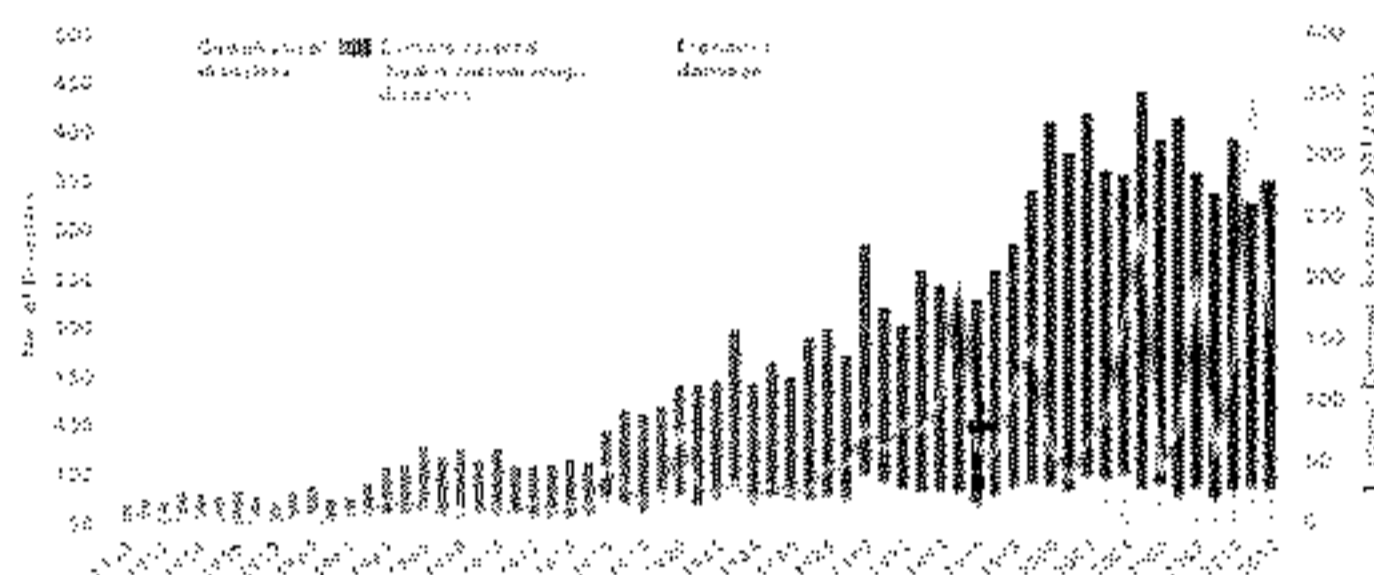
1. Emergency Events Database The International Disaster Database of Centre for Research on the Epidemiology of Disasters CRED.

Figure 1: Natural disasters frequency globally between 1970 and 2014



Source: UNISDR

شکل ۲۶- تعداد رخداد بلایای طبیعی طی سال های ۱۹۷۰ تا ۲۰۱۴ (۱۱۰)



شکل ۲۷- تعداد رخداد بلایای طبیعی و خسارت مالی ناشی از آن ها طی سال های ۱۹۵۰ تا ۲۰۱۲ (۱۱۱)

تفاوت ناهنجاری های اقلیمی کنونی با تغییرات اقلیمی طبیعی

سه ویژگی مهم ناهنجاری های اقلیمی کنونی که آن را از همه تحولات طبیعی اقلیمی اتفاق افتاده در هزاره های قبل ممتاز می کند این است که اولاً؛ این ناهنجاری ساخته دست بشر و به علت تصرف بی قاعده و فساد بی اندازه بشر در طبیعت اتفاق افتاده و مصداق آیه ۴۱ سوره روم است که می فرماید: ﴿ظَهَرَ الْفَسَادُ فِي الْبَرِّ وَالْبَحْرِ بِمَا كَسَبَتْ أَيْدِي النَّاسِ لِيُذِيقَهُمْ بَعْضَ الَّذِي عَمِلُوا لَعَلَّهُمْ يَرْجِعُونَ﴾. به سبب آنچه دست های مردم فراهم آورده، فساد در خشکی و دریا نمودار شده است، تا [سزای] بعضی از آنچه را که کرده اند به آنان بچشانند، باشد که بازگردند. ﴿

ثانیاً؛ داده های متقن علمی نشان می دهند که این ناهنجاری ها در هزاره گذشته و بعضاً در تاریخ بی سابقه بوده و ثالثاً؛ رو به افزایش هستند، در حالی که تحولات اقلیمی گذشته، ناشی

از یک چرخه طبیعی بعضاً سودمند بوده که اعمال، کردار و رفتار بشر در آن دخالتی نداشته و پس از دوره‌ای کوتاه، طبیعت به تعادل خود بازگشته است. اما اکنون به دلیل فساد روزافزون، امیدی نیست که تا قبل از رسیدن داده‌های اقلیمی مختلف به سطوح بسیار خطرناک، تعادل یادشده به محیط زیست انسان بازگردد، زیرا نبودن مدیریت یکپارچه و دلسوز جهانی، سودجویی، مصرف بی اندازه و افسار گسیخته، جنگ‌ها و فتنه‌ها امکان به وجود آمدن یکپارچگی بین دولت‌ها برای مدیریت صحیح محیط زیست را دشوار نموده و برخی از ناهنجاری‌های اقلیمی کنونی مانند نشست زمین نیز از نظر علمی برگشت‌ناپذیر به نظر می‌رسند.

پیش بینی‌های اقلیمی ظهور در ادیان ابراهیمی

در متون ادیان ابراهیمی از جمله روایات ائمه معصوم، اشاراتی به ناهنجاری‌های اقلیمی در زمان نزدیک به ظهور منجی آخرالزمان شده است. بی شک، پایه و اساس این پیش‌بینی‌ها، علم الهی درباره تصرف بی اندازه بشر در طبیعت و فساد او در زمین، حین غیبت ولی خداست. زیرا در این دوران هیچ مانعی بر سر راه خواهش‌های بی پایان بشر وجود ندارد و تجملات بی حد و تمایلات بی پایان او برای استفاده از عالم ماده، زمین را با خطری بزرگ روبرو می‌سازد.

اصراری بر این موضوع نیست که پیش‌بینی ناهنجاری‌های اقلیمی توسط ادیان ابراهیمی برای مقاطع زمانی نزدیک به ظهور منجی یا آخرالزمان جزء نشانه‌ها و علائم ظهور است، بلکه مهم این است که اولیای الهی به ابعاد دیگری از فساد بشر در زمین اشاره کرده‌اند که در دوره غیبت منجی آخرالزمان به وقوع می‌پیوندد. بی شک این پیش‌بینی‌ها به فساد بشر در زمین، به دلیل استفاده نامناسب از منابع طبیعی، نقص علمی و منفعت طلبی در غیاب حاکمیت آموزه‌های الهی و اولیای خدا بر جامعه بشری و سبک زندگی انسان اشاره می‌کنند. شرایط کنونی اقلیمی زمین در نوع خود اهمیت حاکمیت ولایت الله و آموزه‌های الهی را بر همه ابعاد زندگی بشر گوشزد کرده و به اثبات ضرورت وجود منجی الهی، برای آن دسته از افراد که برای اثبات هر مفهومی داده‌های علمی را طلب می‌کنند کمک می‌کند، زیرا هم اکنون ثابت شده

است که بشر با قوانین دست ساخته خود نمی‌تواند حتی محیط زیست خود را حفظ کند. برخی از کشورها ورود به پیمان‌های بین‌المللی، برای بهبود شرایط اقلیمی از جمله پیمان کیوتورا نپذیرفته و کشورهای دیگری نیز که این پیمان‌ها را پذیرفته‌اند یا به تعهدات خود عمل نکرده و یا اطلاعات ناقص ارائه می‌کنند. بنابراین خردمندان عالم بیش از پیش به لزوم و قطعیت نیاز بشر به دخالت آموزه‌های الهی از طریق ولی خدا در عرصه‌های مختلف زندگی بشر اقرار دارند.

فایده تقویت این فرضیه که شرایط اقلیمی کنونی همان شرایط پیش‌بینی شده در ادیان ابراهیمی است این است که انسان با تطبیق یادشده بار دیگر به نتایج وحشتناک دخالت خود در طبیعت و زمین می‌نگرد و درمی‌یابد که اتمام حجت خداوند و شرایط اضطرار در مقطع زمانی کنونی کاملاً مشهود است و وقت آن رسیده است که انسان دست‌ها را به آسمان بلند کرده و اقرار کند که با سبک زندگی دست‌ساخته، در غیاب ولی خدا و بدون جاری شدن آموزه‌های الهی در زمین، نه تنها نتوانست به سعادت برسد بلکه حتی نتوانست محیط زندگی خود را حفظ کند. همچنین انسان، قُرب ظهور را با تطبیق شرایط، بیشتر حس می‌کند، زیرا با ادامه روند کنونی که امید چندانی به کنترل آن هم نیست، زندگی نوع انسان، حیات وحش و طبیعت زمین به شدت به مخاطره افتاده است. درک این شرایط باعث تحرک، دعا، تضرع، استغفار و بردوش کشیدن قسمتی از بار تا رسیدن به دولت یار شده و پیام‌آور هشدار و آماده‌باش است. داده‌ها همچنین نشان می‌دهند که برای تحقق وعده‌های الهی برای رسیدن مؤمنین به کمال و استخلاف، امید است قبل از رسیدن داده‌های حیاتی به وضعیت بسیار خطرناک، حضرت صاحب‌الامر با رهنمون شدن انسان‌ها به سمت هدایت الهی، علاوه بر هدایت قلوب بشر، محیط زندگی او را نجات بخشد.

شرایط زمین و طبیعت قبل از ظهور در روایات

با به وجود آمدن یک تمدن تقلبی که برای به چنگ آوردن آخرالزمان، سعی دارد نظیر به نظیر با وعده‌های الهی برای ایجاد جامعه آرمانی مهدوی در آخرالزمان رقابت نماید، دوران استفاده بی‌حد و حصر و نادرست از مواهب طبیعی آغاز شد.

از روایات استفاده می شود، که قبل از ظهور «برآثر گسترش فساد و تباهی ها و از بین رفتن رحم و عاطفه و ایجاد جنگ، جهان از نظر اقتصادی در وضعیت بدی به سر خواهد برد؛ به طوری که آسمان نیز بر آنان رحم نمی کند و نزول باران که رحمت الهی است نیز برای آنان به غضب تبدیل شده، ویرانگر می شود. آری، در آخرالزمان باران کم می شود و یا در غیر موسم فرود می آید و باعث نابودی کشاورزی می گردد. دریاچه ها و رودخانه ها خشک می گردند و زراعت ها به بار نمی نشینند و تجارت از رونق می افتد» (۱۱۲).

آخرالزمان مصداق بارز آیه کریمه «ظهر الفساد فی البر و البحر بما کسبت ایدی الناس» است که به واسطه گناهان و معاصی، مردم به قهر طبیعت دچار می شوند. قهر طبیعت به صورت های مختلفی مانند سیل، زلزله، صاعقه، خشک سالی و... بروز می یابد. از آنجا که روایات در این باره به بیان کلیات اکتفا نموده اند، مطالعه تطبیقی با شرایط معاصر ما می تواند نتایج قابل توجهی برای مخاطب ارائه کند (۱۱۳).

اتفاقات سماوی

بدر بن خلیل اسدی گوید: نزد امام باقر علیه السلام بودم آن حضرت از دو نشانه یاد کرد که قبل از قیام قائم عجل الله تعالی فرجه الشریف است و از آن هنگام که خداوند آدم صلوات الله علیه را بر زمین فرود آورده هرگز آن دو اتفاق نیفتاده و آن اینکه خورشید در نیمه ماه رمضان و ماه در آخر آن خواهد گرفت، پس مردی به آن حضرت گفت: یا ابن رسول الله! نه، بلکه خورشید در آخر رمضان و ماه در نیمه آن خواهد گرفت. امام باقر علیه السلام به او فرمود: من خود می دانم چه می گویم: «دو نشانه هایی است که از زمان فرود آمدن آدم هرگز اتفاق نیفتاده است».^۱ (به حساب منجمان خسوف در وسط ماه واقع می شود و کسوف که گرفتن خورشید است در اواخر ماه).

کاهش تولید محصولات کشاورزی و گرسنگی

محمد بن مسلم می گوید: از امام صادق علیه السلام شنیدم که درباره نشانه های ظهور امام عصر عجل الله تعالی فرجه الشریف فرمود:

۱. الغیبه، نعمانی، باب ۱۴، ح ۴۵.

پیش از ظهور حضرت قائم عجل الله تعالی فرجه الشریف از سوی خداوند برای مؤمنان نشانه‌هایی است. گفتم: خدا مرا فدای تو گرداند؛ آن نشانه‌ها کدام است؟ فرمود: آن‌ها همان گفته خداوند است که فرمود: «ولنبلونکم بشیء من الخوف و الجوع و نقص من الأموال و الأنفس و الثمرات و بشر الصابرين (بقره، ۱۵۵)؛ و شما (مؤمنان) را (پیش از ظهور قائم عجل الله تعالی فرجه الشریف) به چیزی از ترس و گرسنگی و کمی دارایی‌ها و جان‌ها و میوه‌ها می‌آزماییم؛ پس صابران را مژده ده). آنگاه فرمود: «خداوند مؤمنان را به سبب ترس از پادشاهان بنی فلان در دوران پایانی حکومتشان می‌آزماید و مراد از گرسنگی، گرانی قیمت‌هاست و منظور از کمی دارایی‌ها، کساد تجارت و کمبود درآمد است و مقصود از نقصان جان‌ها، مرگ‌های فراوان و سریع و پی‌درپی است و مراد از کمبود میوه‌ها، کمبود عایدات و محصولات کشاورزی است. پس صابران را بشارت باد به تعجیل ظهور قائم عجل الله تعالی فرجه الشریف در آن هنگام.^۱

ناهنجاری‌های اقلیمی، زلزله و بلایای طبیعی

روایات زیادی درباره ناهنجاری‌های اقلیمی، بلاها و حوادث طبیعی در آخرالزمان وجود دارد که در این نوشتار به تعداد اندکی از آن‌ها اشاره می‌شود.

امام صادق علیه السلام درباره شرایط اقلیمی قبل از ظهور می‌فرماید:

در آستانه قیام مهدی علیه السلام، سالی پرباران خواهد بود که در اثر آن، خرما بر روی نخل می‌پوسد. پس در این، تردیدی به خود راه ندهید.^۲

امیرالمؤمنین علیه السلام درباره شرایط قبل از قیام قائم عجل الله تعالی فرجه الشریف می‌فرماید:

در آستانه قیام قائم، مرگ سرخ، مرگ سفید و ملخ‌هایی به هنگام و ملخ‌هایی نابه‌هنگام، سرخ، همچون خون خواهد بود. اما مرگ سرخ، پس [کشته شدن با] شمشیر است و مرگ سفید، به وسیله طاعون است.^۳

۱. /ارشاد، شیخ مفید، ج ۲، ص ۳۷۸؛ کمال‌الدین، شیخ صدوق، ص ۶۴۹؛ الغیبه، نعمانی، ج ۱، ص ۲۵۰ و ۲۵۱ دو روایت از امام صادق علیه السلام.

۲. بحارالانوار، علامه مجلسی، ج ۵۲، ص ۲۱۴؛ /ارشاد، شیخ مفید، ج ۲، ص ۳۷۷؛ الغیبه، شیخ طوسی، ص ۴۴۹.

۳. الغیبه، شیخ طوسی، ص ۴۲۸؛ الغیبه، نعمانی، باب ۱۴، ح ۶۱.

امام محمد باقر علیه السلام درباره شرایط جهان پیش از ظهور می فرمایند:
 قائم قیام نمی کند مگر در دوره ترس و وحشت و زمین لرزه ها و گرفتاری و بلایی که
 گریبان گیر مردم می گردد و پیش از این وقایع، طاعون شیوع می یابد.^۱
 پیامبر گرامی اسلام صلی الله علیه و آله ضمن بشارت قیام امام مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف درباره نشانه های ظهور ایشان
 می فرمایند:

بشارت باد شما را به مهدی. در هنگام پراکندگی مردم و وقوع زلزله های شدید،
 ظاهر می شود و زمین پراز ظلم و ستم را از عدل و داد پر می کند، دل های پیروانش را
 سرشار از عبادت نموده عدلش همه را فرا می گیرد.^۲

همچنین می فرمایند:

شما را به مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف مژده می دهم؛ او در امت من هنگام اختلاف مردم و وقوع
 زلزله ها می آید. ساکنان زمین و آسمان از او خشنود شوند.^۳

در روایت دیگری ابوبصیر از امام محمد باقر علیه السلام نقل کرده است:

حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف قیام نمی کند مگر وقتی که ترس شدید، زلزله ها، فتنه و بلا
 مردم را فرا گرفته باشد.^۴

حذیفه می گوید:

دیدم رسول معظم اسلام صلی الله علیه و آله پرده کعبه را گرفته و گریه می کند. عرض کردم یا
 رسول الله! چه چیز شما را به گریه آورده است؟ ایشان فرمود: ای حذیفه! دنیا از بین
 رفته یا مثل اینکه تو در این دنیا نبودی. عرض کردم پدر و مادرم به قربانت باد؛ آیا
 علائمی هست که دال بر وقوع چنین وضعی در دنیا باشد؟ فرمودند: آری؛ مطالبی
 که می گویم به قلبت بسیار و با چشمت بین و با انگشتانت شماره کن. سپس
 پیامبر ۷۲ موضوع مربوط به آخر الزمان را یادآور شد که به چند مورد از آن که در

۱. الغیبه، نعمانی، ص ۲۳۶.

۲. الغیبه، شیخ طوسی، ص ۱۷۹.

۳. همان، ص ۱۷۸.

۴. الغیبه، نعمانی، ص ۲۵۴، باب ۱۴، ح ۱۳.

خصوص شرایط اقلیمی جهان می باشد اشاره می شود:

- ۱- فضا تاریک شود (ممکن است منظور فضای گناه آلود یا دود و گرد و غبار ناشی از سوخت های فسیلی و ریزگردها و غیره باشد).
- ۲- به واسطه خشکسالی، آب قناتها و چاه ها کم می شود.
- ۳- آسمان و این فضای لایتناهی غبارآلود شود (ممکن است کنایه از ظلمها یا پدیده آلودگی هوا و ریزگردها باشد).
- ۴- سالهای دنیا پست و خوار شود.
- ۵- درختکاری زیاد شود و محصول ها اندک شود.
- ۶- بادهای زیاد شود (طوفان ها و تندبادها مرتباً در دنیا زیانهای سنگین جانی و مالی به بار آورد).
- ۷- نشانه ها بسیار شود و علامت ها یکی پس از دیگری ظاهر گردد (افزایش ناهنجاری ها).^۱

در کتاب انجیل در خصوص افزایش زلزله و بلاها در آخرالزمان آمده است:

بسیاری آمده، خواهند گفت که مسیح هستند و عده زیادی را گمراه خواهند کرد. از دور و نزدیک خبر جنگ ها به گوشتان خواهد رسید. اما پریشان نشوید زیرا جنگ ها درگیر خواهند شد، اما آخر دنیا در آن زمان نیست. قوم ها و ممالک جهان با یکدیگر به ستیز بر خواهند خاست. در جای های مختلف، قحطی و زمین لرزه روی خواهد داد. ولی این ها پیش درآمد بلاهای بعدی است.^۲

وای به حال زنانی که در آن زمان آبستن باشند یا طفل شیرخوار داشته باشند. دعا کنید که فرار شما در زمستان یا در روز شنبه که دروازه های شهر بسته است، نباشد. چون در آن روزها مردم به چنان مصیبتی دچار خواهند شد که هیچ کس در عمرش ندیده است.^۳

در طی روایتی دوران هفت ساله پیش از ظهور ماشیح چنین توصیف می شود: «در سال اول

۱. میرجهانی، سید محمد حسن، نوائب الدهور فی علائم الظهور.

۲. انجیل متی، باب ۲۴، آیات ۵ تا ۸.

۳. انجیل متی، باب ۲۴، آیات ۱۹ تا ۲۱.

آن، مفاد این آیه به وقوع خواهد پیوست: "بریک شهر بارانیدم و بر شهر دیگر بارانیدم." در سال دوم، تیرهای قحطی رها خواهند شد. در سال سوم، قحطی شدیدی حکم فرما خواهد شد، مردان و زنان و کودکان و اشخاص متقی و پارسا و قدیمی خواهند مرد و آموزگاران تورات آن را فراموش خواهند کرد. در سال چهارم، سیری و وفور نعمت خواهد بود، ولی نه به طور کامل. در سال پنجم، سیری و فراوانی عظیمی حکم فرما خواهد شد و مردم خواهند خورد و خواهند نوشید و شاد خواهند بود. تورات به سوی آموزندگان باز خواهد گشت. در سال ششم، صداهایش از آسمان به گوش خواهد رسید. در سال هفتم، جنگ‌ها در خواهند گرفت و در پایان این دوران هفت ساله، فرزند داود ظهور خواهد کرد.^۱

در انجیل لوقا نیز به موضوع ناهنجاری‌های اقلیمی قبل از ظهور منجی اشاره شده است: و چون به کوه زیتون نشسته بود شاگردانش در خلوت نزد وی آمده گفتند: به ما بگو که این امور کی واقع می‌شود؟ و نشان آمدن تو و انقضای عالم چیست؟ عیسی در جواب ایشان گفت: زنهار کسی شما را گمراه نکند. از آن رو که بسا به نام من آمده، خواهند گفت که من مسیح هستم و بسیاری را گمراه خواهند کرد. و جنگ‌ها و اخبار جنگ‌ها را خواهید شنید، زنهار مضطرب مشوید زیرا که وقوع این همه لازم است لیکن انتها هنوز نیست، زیرا قومی با قومی و مملکتی با مملکتی مقاومت خواهند نمود و قحطی‌ها و وباها و زلزله‌ها در جای‌ها پدید آید و چیزهای هولناک و علامات بزرگ از آسمان ظاهر خواهد شد.^۲

و در آفتاب و ماه و ستارگان علامات خواهد بود و بر زمین، تنگی و حیرت از برای امت‌ها روی خواهد نمود، به سبب شوریدن دریا و امواجش و دل‌های مردم ضعف خواهد کرد از خوف و انتظار آن وقایعی که بر ربع مسکون ظاهر می‌شود، زیرا قوت آسمان متزلزل خواهد شد. و آنگاه پسرانسان را خواهند دید که برابری سوار شده با قوت و جلال عظیم می‌آید.^۳ در

۱. گنجینه تلمود، ص ۳۵۴ به نقل از نشریه معرفت، موسسه آموزشی پژوهشی امام خمینی علیه السلام، ج ۲۳، ص ۱۱.

۲. انجیل لوقا، بند ۲۱، آیات ۸ تا ۱۲.

۳. انجیل لوقا، باب ۲۱، آیات ۲۵ تا ۲۷.

انجیل مرقس نیز همین موضوع تکرار شده است.^۱

گرما و خشکسالی

احمد بن محمد بن ابی نصر می گوید: شنیدم امام رضا علیه السلام درباره علامات ظهور می فرمود: پیش از این امر (بیوح) خواهد بود، من نفهمیدم بیوح چیست؟ بعداً که به حج رفتم شنیدم عربی بادیه نشین گوید: امروز روزی بیوح است، به او گفتم بیوح چیست؟ گفت: سخت گرم.^۲

مصرف بی قاعده ذخایر و منابع طبیعی زمین در عصر حاضر

میزان ذخایر معدنی مس در جهان معادل ۴۷۰ میلیون تن برآورد شده و میزان تولید آن در سال ۲۰۱۴ حدود ۲۳ میلیون تن تخمین زده شده است. بنابراین با تولید کنونی، ظرف کمتر از ۲۵ سال منابع مس به پایان می رسد (۱۱۴). میزان ذخایر سنگ آهن در جهان ۱۷۰ میلیارد تن و میزان تولید در سال ۲/۶ میلیارد تن است. بنابراین ذخایر این فلز نیز طی ۶۵ سال به پایان خواهد رسید.

تحقیقات زیادی در رابطه با ذخایر معدنی جهان انجام گرفته است، اما یک اینفوگرافی که در وبسایت شبکه اجتماعی معروف ردیت^۳ منتشر شده است، نشان می دهد که چقدر از منابع جهان باقی مانده اند. براساس این اینفوگرافی، بر مبنای اطلاعات سال ۲۰۱۰، هر یک از ذخایر زیرزمینی جهان با فرض «ادامه نرخ رشد تولید کنونی» و همچنین طبق «ذخایر شناخته شده تاکنون» طی سال های زیر به اتمام خواهند رسید (۱۱۵):

جدول ۳- تخمین سال اتمام منابع معدنی شناخته شده جهان

نفت	۲۰۵۰	ایندیوم	۲۰۳۵
زغال سنگ	۲۱۳۶	روی	۲۰۳۰
گاز	۲۰۷۵	نقره	۲۰۳۵
اورانیوم	۲۰۸۰	طلا	۲۰۳۰

۱. انجیل مرقس، باب ۱۳، آیات ۶ تا ۸.

۲. الغیبه، نعمانی، ص ۲۷۱.

۲۰۵۰	مس	۲۰۲۵	آنتیموان
		۲۰۳۰	سرب

آمار و اطلاعات ناچیزی که درباره شرایط زمین و طبیعت در عصر حاضر ارائه شد نشان می دهند که:

۱- آرام آرام فساد بشر در زمین چه به صورت تخریب، مصرف افسارگسیخته و برداشت بی رویه منابع و چه دور شدن از ایمان به خدا و اولیاء و آموزه های الهی باعث شده است که نتایج این فساد در زمین آشکار شود، آن گونه که خداوند در قرآن تأکید می کند:

﴿ظَهَرَ الْفَسَادُ فِي الْبَرِّ وَالْبَحْرِ بِمَا كَسَبَتْ أَيْدِي النَّاسِ لِيُذِيقَهُمْ بَعْضَ الَّذِي عَمِلُوا لَعَلَّهُمْ يَرْجِعُونَ﴾ به سبب آنچه دست های مردم فراهم آورده، فساد در خشکی و دریا نمودار شده است، تا [سزای] بعضی از آنچه را که کرده اند به آنان بچشانند، باشد که بازگردند! ﴿

۲- این آمار و اطلاعات و تغییرات اقلیمی، اگرچه همگی دلایل علمی و اسباب مادی دارند، اما همگی ریشه در وعده های الهی دارد که در آیات قرآن و روایات معصومین علیهم السلام آشکار است.

﴿لَقَدْ كَانَ لِسَبَإٍ فِي مَسْكِنِهِمْ آيَةٌ جَنَّتَانِ عَنْ يَمِينٍ وَشِمَالٍ كُلُوا مِنْ رِزْقِ رَبِّكُمْ وَاشْكُرُوا لَهُ بَلْدَةٌ طَيِّبَةٌ وَرَبٌّ غَفُورٌ * فَأَعْرَضُوا فَأَرْسَلْنَا عَلَيْهِمْ سَيْلَ الْعَرِمِ وَبَدَّلْنَاهُمْ بِجَنَّتَيْهِمْ جَنَّتَيْنِ ذَوَاتِي أُكْلِ خَمْطٍ وَأَثَلٍ وَشَيْءٍ مِنْ سِدْرٍ قَلِيلٍ: قطعاً برای [مردم] سبا در محل سکونتشان نشانه [رحمتی] بود، دو باغستان از راست و چپ [به آنان گفتیم] از روزی پروردگارتان بخورید و او را شکر کنید. شهری است خوش و خدایی آمرزنده. پس روی گردانیدند و بر آن سیل [سد] عَرِم را روانه کردیم و دو باغستان آن ها را به دو باغ که میوه های تلخ و شوره گز و نوعی از کنار تنک داشت تبدیل کردیم. ﴿

در این آیه تغییر نعمت و تغییر اقلیم به سبب گناه، کاملاً واضح بیان شده است، اگرچه

۱. روم، ۴۱.

۲. سباء، ۱۵ و ۱۶.

خداوند اسباب مادی آن را نیز فراهم آورده و در آیه ذکر نموده است.

۳- این نکات علمی و گزارش‌ها، هضم، درک و فهم روایات مربوط به عصر ظهور - که در آن‌ها تأکید شده است که در عصر ظهور خصوصیات فلکی و طبیعی زمین تغییر خواهد کرد - را برای ما آسان می‌کنند.

زمین و طبیعت در عصر ظهور (ظهور طبیعت)

آن‌گونه که از آیات قرآن و روایات ائمه معصوم علیهم‌السلام استنباط می‌شود، عصر ظهور امام زمان، عصر ظهور اراده خدای متعال است. در این عصر خواست خدای متعال ظهور می‌کند، همه‌ی آنچه در قرآن و سایر کتب آسمانی وعده داده شده است، ظهور و بروز می‌کند. یکی از اجزای ظهور موعود، ظهور طبیعت است. ظهور طبیعت دو مفهوم را شامل می‌شود:

۱- زنده شدن طبیعت زمین در عصر ظهور.

۲- زنده شدن خود زمین در عصر ظهور.

از روایات ائمه معصوم علیهم‌السلام می‌توان دریافت که زنده شدن زمین در عصر ظهور، به تبع ظهور امام عصر اتفاق افتاده و به اشکال مختلف بروز می‌کند که برخی از آن‌ها عبارت‌اند از:

۱- دگرگون شدن زمین، به معنی تفاوت شرایط زمین قبل و بعد از ظهور.^۱

۲- ایجاد تغییر در مختصات فلکی و نجومی کره زمین.^۲

۳- زنده شدن زمین به وسیله برپایی عدل^۳ و زنده شدن زمین به دست امام عصر.^۴

۴- ظهور برکات و گنج‌های زمین.^۵

۵- سخن گفتن زمین و آشکار شدن شعور و ادراک آن و شناختن مؤمن و کافر.^۶

با توجه به مفهوم آیات و روایات درمی‌یابیم که زنده شدن زمین در عصر ظهور تنها به مفهوم

۱. الغیبه، نعمانی، ص ۱۴۶.

۲. الغیبه، شیخ طوسی، ص ۴۷۵؛ /ارشاد، شیخ مفید، ج ۲، ص ۳۸۱.

۳. اصول کافی، شیخ کلینی، ج ۷، ص ۱۷۴.

۴. کمال الدین، شیخ صدوق، ص ۶۶۸، ۳۱۷ و ۴۲۷؛ الغیبه، شیخ طوسی، ص ۱۷۵.

۵. بحار الانوار، علامه مجلسی، ج ۵۲، ص ۳۳۹؛ /ارشاد، شیخ مفید، ج ۲، ص ۳۸۴.

۶. بحار الانوار، علامه مجلسی، ج ۴۱، ص ۲۷۱.

سرسبز شدن آن و رویش گیاهان و درختان و پرآب شدن نهرها و رودخانه‌ها و بارش باران نیست، بلکه زنده شدن زمین مفهوم دیگری نیز دارد که می‌توان از آن به ارتباط برقرار کردن عناصر مختلف زمین و طبیعت با انسان، همراه با شعور و ادراک و ادب یاد کرد.

دگرگون شدن زمین

امام صادق علیه السلام در خصوص دگرگون شدن زمین در عصر ظهور می‌فرماید:

إِنَّهُ إِذَا تَنَاهَتْ الْأُمُورُ إِلَى صَاحِبِ هَذَا الْأَمْرِ رَفَعَ اللَّهُ تَبَارَكَ وَتَعَالَى كُلَّ مُنْخَفِضٍ مِنَ الْأَرْضِ وَخَفَّضَ لَهُ كُلَّ مُرْتَفِعٍ مِنْهَا حَتَّى تَكُونَ الدُّنْيَا عِنْدَهُ بِمَنْزِلَةِ رَاحَتِهِ فَأَيْكُمْ لَوْ كَانَتْ فِي رَاحَتِهِ شَعْرَةٌ لَمْ يَبْصُرْهَا؛ وقتی کارها به صاحب اصلی ولایت، حضرت مهدی عجل الله فرجه برسد، خداوند هر نقطه‌ی فرورفته‌ای از زمین را برای او مرتفع و هر نقطه مرتفعی را پایین می‌برد؛ آن چنان که تمام دنیا نزد او به منزله کف دستش خواهد بود. کدام یک از شماها اگر در کف دستش مویی باشد، آن را نمی‌بیند؟^۱

همچنین درباره دگرگونی زمین روایت شده است که:

و من نسل علی، القائم (فی بعض النسخ والبحار "ومن یشک فی القائم" وكأنه مصحف) المهدی الذی یبدل الارض غیر الارض؛ و آن مهدی قائم از تبار علی است که زمین را به زمین دیگری دگرگون می‌سازد.^۲

تبدیل زمین به زمینی دیگر فقط شامل تغییرات سطحی زمین نیست و چه بسا معادلات حاکم بر زمین و طبیعت آن که اکنون به عنوان معادلات ثابت و غیرقابل تغییر بر عالم شناخته می‌شوند نیز تغییر کنند.

تغییر مختصات فلکی و نجومی کره زمین

امام صادق علیه السلام درباره تغییرات فلکی و نجومی که در عصر ظهور در زمین ایجاد می‌شود می‌فرماید:

و یامر الله الفلک فی زمانه فیبطی دورانه حتی یکون الیوم فی ایامه کعشره من ایامکم، و

۱. کمال الدین، شیخ صدوق، ج ۲، ص ۶۷۴.

۲. الغیبة، نعمانی، ص ۱۴۶.

الشهر كعشره اشهر، و السنه كعشره من سنیکم؛ خداوند در عهد او به چرخ گردون فرمان می دهد که آرام تر بگردد، که مقدار یک روز در روزگار او معادل ۱۰ روز از روزهای شما باشد و هر ماهی به مقدار ۱۰ ماه و هر سالی به مقدار ۱۰ سال از سال های شما باشد.^۱

امام صادق علیه السلام در پاسخ سؤال راوی که از مدت حکومت حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف سؤال کرده است، می فرماید:

سبع سنين، تطول له الايام والليالي حتى تكون السنة من سنیه مقدار عشر سنين من سنیکم، فيكون سنو ملكه سبعين سنة من سنیکم هذه، وإذا آن قیامه مطر الناس جمادی الآخرة وعشرة أيام من رجب مطرا لم ير الخلائق مثله، فینبت الله به لحوم المؤمنین وأبدانهم فی قبورهم، فكأنی أنظر اليهم مقبلين من قبل جهينة ينفضون شعورهم من التراب؛ مدت حکومت امام عليه السلام هفت سال است که روزهای آن طولانی بوده، به طوری که یک سال آن معادل ده سال از سال های شماست که در آن صورت هفت سال حکومت حضرت، هفتاد سال از سال های شما خواهد بود و هنگام قیام حضرت در جمادی الآخر و ده روز از ماه رجب، بارانی بر مردم خواهد بارید که مردم مانند آن را هرگز ندیده اند و خداوند به واسطه ی آن، گوشت و بدن مؤمنین را در قبرهایشان می رویاند، چنانکه گویا می بینم از طرف جهینه دارند می آیند و خاک ها را از موهای خود می تکانند و پاک می کنند.^۲

در این روایت نیز به خوبی آشکار است که در عصر ظهور تغییراتی در خصوصیات فلکی و نجومی زمین به وجود می آید، برای مثال روزها طولانی تر شده و زمین آرام تر خواهد چرخید. چنین پدیده ای خارج از انتظار نیست، زیرا در بخش های قبل در خصوص وحدت واقعه شریف ظهور و رجعت با قیامت مطالبی عنوان شد. بنابراین وقوع پدیده هایی از جنس اتفاقات قیامت، در عصر ظهور و رجعت که مراتبی از یک حقیقت مشابه قیامت اند جای تعجب ندارد. برای درک بهتر این مطلب رجوع به اشاره خداوند تبارک و تعالی به مفهوم زمان

۱. الغیبة، شیخ طوسی، ص ۴۷۵.

۲. ارشاد، شیخ مفید، ج ۲، ص ۳۸۱.

در قرآن کریم کافی است:

﴿وَيَسْتَعْجِلُونَكَ بِالْعَذَابِ وَلَنْ يُخْلِفَ اللَّهُ وَعْدَهُ وَإِنَّ يَوْمًا عِنْدَ رَبِّكَ كَأَلْفِ سَنَةٍ مِمَّا تَعُدُّونَ﴾ آنان از تو تقاضای شتاب در عذاب می‌کنند؛ درحالی که خداوند هرگز از وعده خود تخلف نخواهد کرد و یک روز نزد پروردگارت، همانند هزار سال از سال‌هایی است که شما می‌شمارید.^۱

﴿يُدَبِّرُ الْأَمْرَ مِنَ السَّمَاءِ إِلَى الْأَرْضِ ثُمَّ يُعْرِجُ إِلَيْهِ فِي يَوْمٍ كَانَ مِقْدَارُهُ أَلْفَ سَنَةٍ مِمَّا تَعُدُّونَ﴾ امور این جهان را از آسمان به سوی زمین تدبیر می‌کند؛ سپس در روزی که مقدار آن هزار سال از سال‌هایی است که شما می‌شمارید به سوی او بالا می‌رود (و دنیا پایان می‌یابد).^۲

همان‌گونه که در بخش قبل بیان شد اینک بشر، با توانایی بی‌مقدار خود که از خداوند به او ودیعه داده شده، امید دارد که مختصات فلکی زمین را، به منظور بهبود شرایط اقلیم زمین، تغییر دهد، چگونه ممکن است که نتوان روایاتی که حکایت از تغییر مختصات فلکی زمین در عصر ظهور، باذن الله دارند را باور نداشت.

روایای اعمال تغییرات در خصوصیات فلکی و مداری زمین به کمک فناوری کنونی

گروهی از دانشمندان سازمان فضایی آمریکا با ارائه برنامه‌ای شگفت‌انگیز اعلام کردند که به منظور نجات زمین از گرمای جهانی و افزایش طول عمر آن می‌توان این سیاره را به مداری دورتر انتقال داد. دانشمندان به منظور جلوگیری از افزایش حرارت زمین شیوه‌ای غیرطبیعی را کشف کرده‌اند؛ و آن حرکت دادن زمین به نقطه‌ای خنک‌تر از منظومه خورشیدی است. تنها ابزاری که برای انجام این انتقال نیاز خواهد بود، چند ستاره دنباله‌دار در نزدیکی زمین است و پس از آن سیاره‌ی زمین در منطقه‌ای ایمن و خنک‌تر از منظومه خورشیدی قرار خواهد گرفت. ایده حرکت دادن زمین به منظور بهبود دادن موقعیت بین سیاره‌ای، زائیده افکار گروهی از دانشمندان ناسا و اخترشناسان آمریکایی است که معتقدند با انجام چنین کاری می‌توان ۶

۱. حج، ۴۷.

۲. سجده، ۵.

بیلیون سال دیگر به عمر مفید زمین افزود.

پژوهشگران مرکز تحقیقاتی ایمز^۱ در آمریکا در این باره معتقدند که تغییر مدار زمین نیازمند فناوری‌های دور از ذهنی نیست. برای انجام چنین کاری می‌توان از شیوه‌ای که اکنون برای منحرف کردن شهاب‌سنگ‌ها و ستاره‌های دنباله‌دار استفاده می‌شوند کمک گرفت. برنامه‌ای که توسط این محققان ارائه شده است، هدایت کردن یک شهاب‌سنگ یا ستاره دنباله‌دار است، به شکلی که از نزدیک‌ترین فاصله ممکن از زمین عبور کند، در این صورت بخشی از نیروی گرانشی آن به زمین منتقل شده و در نتیجه سرعت مداری زمین افزایش پیدا خواهد کرد. به این شکل سیاره‌ی زمین به مداری بالاتر از موقعیت کنونی خود و در فاصله‌ای بیشتر از خورشید قرار خواهد گرفت. به گفته دانشمندان ناسا چنین راه حلی در کوتاه مدت می‌تواند برای جلوگیری از بحران گرمای جهانی بسیار مؤثر باشد. برای هدایت اجرام کیهانی باید از راکتی شیمیایی استفاده کرده و در زمان مناسب به شهاب‌سنگ یا ستاره دنباله‌داری ضربه زد. با این حال برای انجام چنین برنامه‌ای، محاسبات بسیار دقیقی لازم است، زیرا یک اشتباه بسیار کوچک می‌تواند منجر به برخورد جرم کیهانی هدایت شده با زمین شود که بر اساس تخمین‌ها، برخورد جرمی با قطر ۱۰۰ کیلومتر با زمین با سرعتی در مقیاس سرعت‌های کیهانی می‌تواند زمین را از حیات تهی کند (۱۱۶).

تغییر مدار و سایر خصوصیات فلکی زمین، بر اساس برخی اخبار رسیده، یک پدیده علمی و ممکن به نظر می‌رسد. در سال ۲۰۱۰ زلزله‌ای با مقیاس ۸/۸ ریشتر شیلی را لرزاند و باعث خسارات زیادی شد، اما آنچه بیش از همه توجه دانشمندان را جلب نمود این بود که دانشمندان ناسا اعلام کردند؛ زلزله اخیر شیلی که بیش از ۷۰۰ نفر را به کام مرگ کشاند، محور زمین را جابجا کرده و طول شبانه‌روز را نیز کوتاه کرده است. ریچارد گروس، متخصص ژئوفیزیک در جی‌پی‌ال ناسا اعلام کرد؛ «زلزله ۸/۸ ریشتری احتمالاً محور زمین را به اندازه ۲/۷ هزارم ثانیه قوسی معادل ۷/۶ سانتی متر جابه‌جا کرده و طول شبانه‌روز را به اندازه ۱/۲۶ میکروثانیه کوتاه‌تر کرده است».

1. NASA Ames Research Center.

از همین مدل برای تخمین جابه‌جایی حاصل از زلزله سوماترا در دسامبر ۲۰۰۴، یعنی آذر ۱۳۸۲ که منجر به سونامی اقیانوس هند شد، استفاده شد. این زلزله با شدت ۹/۱ ریشتر، محور زمین را به اندازه ۲/۳ هزارم ثانیه قوسی جابه‌جا و طول شبانه‌روز را ۶/۸ میکروثانیه کوتاه کرد.

زلزله شیلی در عرض‌های جغرافیایی میانی زمین قرار داشت که این موضوع، باعث شد زلزله با وجود داشتن شدت کمتر، محور زمین را بیشتر جابه‌جا کند. به علاوه خطایی که باعث شد زلزله شیلی با زاویه تندتری به داخل زمین نفوذ کند، آن را در جابه‌جایی جرم توانا تر کرد.

چگونه محور زمین جابجا می‌شود؟ چرا وقوع زلزله، شبانه‌روز را کند می‌کند؟ پاسخ این پرسش در یکی از اصول فیزیکی به نام بقای تکانه‌ی زاویه‌ای نهفته است. وقتی جسمی در حال دوران نسبت به نقطه‌ای خاص است، مفهومی به نام اندازه حرکت زاویه‌ای یا تکانه‌ی زاویه‌ای پدید می‌آید که کمیتی برداری است و مقدار آن از حاصل ضرب جرم، فاصله جسم از مرکز و سرعت حرکت جسم به دست می‌آید. وقتی در انرژی سیستم اختلالی ایجاد نشود، تکانه‌ی زاویه‌ای ثابت می‌ماند؛ یعنی هم، جهت بردار آن ثابت می‌ماند و هم مقدار آن. ساده‌ترین مثال آن، ورزشکار پاتیناژ است که وقتی با دست و پای باز و کاملاً کشیده شروع به دوران می‌کند، سرعت دوران کمی دارد؛ اما وقتی دست و پا را جمع می‌کند و کاملاً به بدنش می‌چسباند، سرعت دورانش به شدت افزایش پیدا می‌کند.

مثال دیگر، دوران زمین به دور خورشید است. در بهار و تابستان، زمین از خورشید دورتر است و به همین دلیل، هر فصل ۹۳ روز طول می‌کشد. در حالی که در پاییز و به خصوص زمستان، زمین به خورشید نزدیک‌تر است و از این رو فصل پاییز ۹۰ روز و فصل زمستان، ۸۹ روز طول می‌کشد.

در مورد زمین هم ماجرا به همین شکل است. محور دوران زمین به دور خودش، با محور دوران زمین به دور خورشید، ۲۳/۴۵ درجه زاویه دارد؛ اما وقتی زلزله‌ای اتفاق می‌افتد، پوسته‌های زمین جابجا می‌شوند و جرم و فاصله‌شان از محور دوران زمین اندکی تغییر می‌کند اما از آنجا که این اتفاق، درونی است و از بیرون نیرویی اعمال نشده، تکانه زاویه‌ای باید ثابت بماند. به

همین دلیل، سرعت دوران و جهت بردار زمین اندکی تغییر می‌کند. از سوی دیگر، زمین کره یکنواختی نیست و به همین دلیل، زمین لرزه در نواحی مختلف، تغییرات متفاوت و غیر قابل پیش‌بینی به همراه دارد (۱۱۷).

گزارش‌های فراوان دیگری از دانشمندان ستاره‌شناس و مؤسسات نجوم منتشر می‌شوند که اگرچه علمی بودن آن‌ها در پرده ابهام است، اما دست‌کم این موضوع را اثبات می‌کنند که کره زمین و طبیعت آن در معرض خطرات بی‌شمار و روزمره‌ای قرار دارد که انسان قادر به رفع این خطرات نیست و مواجهه با بسیاری از این خطرات جزء رؤیاهای علمی بوده و برخی نیز مبنای تخیلاتی برای ساخت فیلم‌های علمی-تخیلی سینمایی قرار می‌گیرند، اما آنچه در این بین بیشتر مشهود است، اقرار به این موضوع است که با اندک اعمال نیرویی از داخل یا خارج بر زمین می‌توان خصوصیات مداری، اقلیمی، فصلی و طول روز و شب را در زمین دستخوش تغییرات نمود. بنابراین با وجود این همه ادعاهای علمی و اعتقاد دانشمندان در مورد امکان دست‌کاری در خصوصیات کره زمین، هضم و درک برخی از روایات که درباره‌ی بروز برخی تغییرات فلکی در زمین و اتفاقات دیگر در عصر ظهور سخن به میان آورده‌اند راحت‌تر شده و ذهنیت موهومی و جعلی بودن این روایات را از بین برده و این روایات را به شکل یک پدیده جدی علمی در مراکز علمی مطرح می‌سازند. این موضوع از آنجا ناشی می‌شود که مؤمنین با خود می‌اندیشند که چگونه ممکن است خداوند نتواند، در عصر ظهور، تغییراتی در خصوصیات فلکی زمین، به نفع مؤمنین، به وجود آورد، در حالی که بشر سرپا تقصیر با قدرت ناچیز خود ادعای آن را دارد. برای فهم بهتر موضوع یکی دیگر از این موارد گزارش شده توسط مؤسسات نجومی مورد بررسی قرار می‌گیرد:

دانشمندان ناسا نگران برخورد شهاب‌سنگی به طول ۳۰۰ متر به زمین هستند. آن‌ها تخمین زده‌اند که این جرم آسمانی که «آپوفیس» نام دارد، در سال ۲۰۲۹ از فاصله ۳۰ هزار کیلومتری زمین عبور کرده و به زمین برخورد نخواهد کرد، اما نگرانی دانشمندان این است که این شهاب‌سنگ پس از اینکه به سمت خورشید حرکت کند، در اثر نیروی مغناطیسی این ستاره، تغییر مسیر داده و مجدداً به سمت زمین خواهد آمد. تخمین دانشمندان این است که آپوفیس

در سال ۲۰۳۶ و پس از تغییر جهت احتمالاً به نقطه نامعلومی از زمین برخورد خواهد کرد. اگر این جرم آسمانی به منطقه‌ای اقیانوسی از زمین برخورد کند احتمال یک «سونامی» بسیار شدید می‌رود و در صورتی که به نقطه‌ای از زمین برخورد کند تأثیراتی همچون یک زلزله ۸ ریشتری خواهد داشت که اثر تخریبی آن ۶۵ هزار برابر بمب اتمی خواهد بود که در سال ۱۹۴۵ در شهر هیروشیما منفجر شد. در این صورت در شعاع ۳۰۰ کیلومتری هیچ موجود جاننداری باقی نخواهد ماند.

دانشمندان سرعت حرکت این شهاب‌سنگ، در صورت برخورد با زمین را، ۵۰ کیلومتر در ثانیه تخمین زده‌اند. نگرانی دیگران‌ها از برخورد آپوفیس به زمین، تأثیرات جوی و زیست‌محیطی پس از این برخورد خواهد بود. ممکن است در اثر شدت این برخورد تغییراتی در جو زمین همچون غبار شدید به وجود آید که نور رسانی خورشید را با اختلال مواجه کند. ۱۲۵ میلیون سال قبل، برخورد یک شهاب‌سنگ عظیم به زمین علاوه بر اینکه نسل جاندارانی همچون دایناسورها را منقرض کرد باعث ایجاد یک عصر یخبندان چند صد هزار ساله شد که اکثر موجودات زمین را منقرض ساخت. اگر مسیر حرکت این شهاب‌سنگ به خوبی قابل پیش‌بینی و اندازه‌گیری باشد، امید دانشمندان این است که بتوانند با شلیک موشک‌هایی مسیر آن را عوض کرده و مانع برخورد آن با زمین شوند، اما نگرانی اصلی این است که پس از عبور این شهاب‌سنگ از فاصله ۳۰ هزار کیلومتری زمین در سال ۲۰۲۹، مسیر بازگشت مجدد آن به زمین در سال ۲۰۳۶ کمتر قابل پیش‌بینی است.

نگرانی دیگر دانشمندان در سال‌های اخیر موضوع فاصله گرفتن ماه از زمین است. قمر ماه هر ساله حدود ۴ سانتی‌متر از زمین دورتر می‌شود و این دوری سبب می‌شود که از سرعت حرکت وضعی زمین (حرکت زمین به دور خودش) کاسته شود. نگرانی دانشمندان این است که هر چه سرعت حرکت زمین به دور خودش کمتر شود، یک نیمکره بیشتر در معرض نور خورشید خواهد بود و نیمکره دیگر کمتر و با گرم‌تر بودن نیمکره‌ای از زمین و سردتر شدن نیمکره‌ای دیگر، اکوسیستم طبیعی زمین به هم خواهد خورد.

این نگرانی‌ها جدای از نگرانی‌هایی است که در اثر افزایش تصاعدی گازهای گلخانه‌ای و

گرمایش زمین، این کره خاکی قابل حیات را در معرض تهدید قرار داده است. دمای زمین نسبت به ۱۰۰ سال پیش، بیش از ۱ درجه گرم‌تر شده و تخمین زده می‌شود که اگر اقداماتی جدی در کاهش تولید گازهای کربنیک صورت نپذیرد تا پایان قرن حاضر پدیده‌های طبیعی همچون قطب‌ها و تمامی جانداران ساکن در آن‌ها در معرض تهدید جدی خواهند بود (۱۱۸) (۱۱۹) (۱۲۰).

روس‌ها در حال توسعه یک فضاپیماي بدون سرنشین هستند که می‌تواند از برخورد شهاب‌سنگ عظیم «آپوفیس» به زمین در سال‌های ۲۰۲۹ و ۲۰۳۶ جلوگیری کند. رئیس آژانس فضایی روسیه اعلام کرد که این آژانس در حال مطالعه بر روی پروژه‌ای برای ملاقات زمین با شهاب‌سنگ «آپوفیس» است. مدیر موسسه فیزیک کیهانی آکادمی علوم روسیه در اجلاسی که درباره اکتشافات فضایی در مسکو برگزار شده بود اظهار داشته است که این موسسه در همکاری فشرده‌ای با سازمان فضایی روسیه در تلاش است تا یک فضاپیماي بی‌سرنشین را برای جلوگیری از برخورد این شهاب‌سنگ با زمین بسازد (۱۲۱) (۱۲۲).

صحت یا نادرستی موارد ادعا شده اهمیتی ندارد، بلکه تنها طرح این موضوع در محافل علمی باعث می‌شود روایاتی که از تغییر در مختصات مداری و فلکی زمین بعد از ظهور خبر می‌دهند به صورت جدی مورد بحث قرار گیرند. با توجه به اینکه بشر سراپا تقصیر ادعای تغییر مدار ستاره‌ها و تغییر در صورت فلکی کرات آسمانی را دارد، باور این موضوع که خداوند در عصر ظهور مختصات فلکی زمین را به نفع مومنین تغییر خواهد داد آسان می‌شود، اگرچه باور هر کاری از طرف خداوند آسان است.

زنده شدن زمین با برپایی عدل به دست امام عصر

منظور از زنده شدن زمین با عدل، دارای وجه دیگری است، منظور سرسبزی طبیعت ناشی از رشد گیاهان، درختان، بارش فراوان باران و جوشیدن آب از چشمه‌ها و رودخانه‌ها نیست، بلکه در این نوع از زنده شدن، زمین با شعور، ادراک و فهم با انسان رابطه برقرار می‌کند. آیات و روایات نشان می‌دهند که زمین و همه کائنات همیشه دارای فهم و شعور بوده‌اند، اما برای بسیاری از افراد بشر ظهور و بروز نکرده است. این نوع ارتباط در دوران گذشته و هم‌اینک نیز با

انسان‌های مؤمن که به درجه خاصی از ایمان و تقوا رسیده‌اند وجود داشته و وجود دارد و چیز شگفت‌آورری نیست.

از امام کاظم درباره قول خداوند در قرآن کریم درباره زنده شدن زمین بعد از موت آن «یحیی الارض بعد موتها» سؤال شد؛ ایشان فرمودند:

ليس يحييها بالقطر ولكن يبعث الله رجالا فيحيون العدل فتحي الارض لاهياء العدل، وإقامة الحد لله أنفع في الأرض من القطر أربعين صباحا؛ (تنها) زمین را به وسیله ی باران زنده نمی‌کند، بلکه مردانی را برمی‌انگیزد که عدالت را زنده کنند، سپس زمین به خاطر احیای عدالت زنده می‌شود، بعد از آن امام علیه السلام افزود: «به یقین اجرای یک حد در طریق عدالت سودمندتر است از چهل روز باران در زمین»^۱.

امام صادق علیه السلام در پاسخ به سؤال محمدالحلبی در تفسیر این فرموده:

خداوند (در قرآن کریم)؛ ﴿اعلموا أن الله يحيي الأرض بعد موتها؛ بدانید که همانا خداوند زمین را پس از مردن زنده خواهد کرد﴾ فرمود: (این احیاء) عدل پس از جور است.^۲

امام باقر علیه السلام درباره قول خداوند تعالی در قرآن کریم «یحیی الارض بعد موتها» می‌فرماید:

يحييها الله عزوجل بالقائم بعد موتها یعنی بموتها کفر أهلها والکافر میت: خدای عزوجل زمین را پس از کفرش، با دست قائم علیه السلام به ایمان زنده می‌کند: یعنی کفر ساکنان زمین، زیرا کافر حکم مرده را دارد.^۳

امام حسین علیه السلام می‌فرماید:

منا اثنا عشر مهديا أولهم أمير المؤمنين علي بن أبي طالب، وآخرهم التاسع من ولدي، وهو الامام القائم بالحق، يحيي الله به الارض بعد موتها، ويظهر به دين الحق على الدين كله ولو كره المشركون، له غيبة يرتد فيها أقوام ويثبت فيها على الدين آخرون، فيؤذون ويقال لهم: «متى هذا الوعد إن كنتم صادقين» أما إن الصابر في غيبته على الاذى والتكذيب بمنزلة

۱. اصول کافی، شیخ کلینی، ج ۷، ص ۱۷۴.

۲. همان، ج ۸، ص ۲۶۷.

۳. کمال الدین، شیخ صدوق، ص ۶۶۸.

المجاهد بالسيف بين يدي رسول الله؛ ما خاندان پیامبر دوازده نفر به عنوان مهدی خواهیم داشت که نخستین آنان علی و آخرینشان امام از نسل من است و اوست که به حق قیام می کند و خداوند به وسیله او زمین را پس از آنکه مرده است زنده می سازد و دین حق را بر همه عقاید و مذاهب، گرچه شرک گرایان را ناخوش آید، پیروزی کامل می بخشد. او غیبتی طولانی خواهد داشت و به دلیل آن، گروهی از مردم راه انحراف و ارتداد در پیش می گیرند و گروهی در دین و آیین توحیدی خویش و ایمان به دوازدهمین امام نور، ثابت قدم و استوار می مانند و به خاطر این استواری در عقیده، اذیت و آزارها را تحمل می کنند و به تمسخر به آنان گفته می شود: (متی هذا الوعد؟ ان کنتم صادقین). اما بدانید که شکیبای بر اذیت ها و آزارها در عصر غم بار غیبت آن حضرت، بسان مجاهدی است که پیشاروی پیامبر با شمشیرش در حال جهاد است.^۱

حضرت حکیمه خاتون عمه گرامی امام عصر علیه السلام می فرمایند:

فجاءتني نرجس يومًا تخلع خفي، فقالت: يا مولاتي ناوليني خفك، فقلت: بل أنت سيدتي ومولاتي والله لا أَدفع إليك خفي لتخلعيه ولا لتخدميني بل أنا أخدمك علي بصرى، فسمع أبو محمد ذلك فقال: جزاك الله يا عمّة خيرا، فجلست عنده إلى وقت غروب الشمس فصحت بالجارية وقلت: ناوليني ثيابي لانصرف فقال: لا يا عمّتا بيتي الليلة عندنا فإنه سيولد الليلة المولود الكريم على الله عزوجل الذي يحيي الله عزوجل به الارض بعد موتها؛ روزی نزد نرجس^۲ رفتم. او در حالی که می خواست کفش هایم را درآورد، گفت: ای بانوی بزرگ من! اجازه دهید کفش هایتان را درآورم. من گفتم: تو بانوو صاحب من هستی، تو را نرسد که خدمت من کنی و کفش را از پایم درآوری. بلکه این من هستم که باید به دیده منت خدمت گزار تو باشم. چون امام حسن عسکری علیه السلام این سخن را بشنید، به من فرمود: جزاک الله خیرا یا عمه؛ ای عمه! خدا به تو جزای خیر دهد و تا غروب آفتاب در خدمت وی بودم. پس به کنیز خود

۱. کمال الدین، شیخ صدوق، ص ۳۱۷.

۲. همسر گرامی امام حسن عسکری علیه السلام و مادر گرامی امام عصر علیه السلام.

گفتم که جامه هایم را بیاورد تا بروم. حضرت فرمود: عمه جان! امشب را نزد ما بمان که در این شب مولودی پا به عرصه گیتی می نهد که نزد خداوند صاحب عزت و جلال است و ارج و قدر بسیار دارد، او کسی است که خداوند به وسیله اش زمین را بعد از مردنش، زنده می سازد.^۱

ابن عباس در تفسیر آیه کریمه «اعلموا أن الله یحیی الارض بعد موتها؛ بدانید که خدا زمین را پس از مردنش زنده می کند» فرمود:

«اعلموا أن الله یحیی الارض بعد موتها» یعنی یصلح الارض بقاء آل محمد من بعد موتها یعنی من بعد جور اهل مملکتها «قد بینا لکم الآیات» بقاء آل محمد «لعلکم تعقلون»؛ بدانید که خدا زمین را پس از مردنش زنده می کند» یعنی اصلاح می نماید زمین را به قائم آل محمد علیه السلام پس از آنکه بمیرد؛ یعنی پس از ستم و بیدادگری اهل مملکت زمین، ما آیات را برایتان روشن نمودیم؛ باشد که به عقل دریابید.^۲

خارج شدن برکات و گنج های زمین

در روایات زیادی بشارت داده شده است که با ظهور امام عصر، زمین گنج های خود را آشکار می کند و برکات خود را خارج می سازد. قطعاً معنای روایت این نیست که آنچه گنجینه های طلا، نقره، اورانیوم، مس، آهن و زغال سنگ در دل زمین وجود دارد بی برنامه بیرون ریخته و در معرض دید قرار گیرد، بلکه قاعدتاً خروج گنج های زمین با درخواست مؤمنین و براساس نیاز آنها انجام می شود و چه بسا که مستلزم استفاده از برخی علوم و فناوری نیز باشد. در هر صورت زمین در این موضوع دارای شعور است و براساس علم و ادراک عمل می کند و با درخواست کننده هماهنگ است. شعرهاتف اصفهانی اشاره به همین موضوع دارد:

۱. کمال الدین، شیخ صدوق، ص ۴۲۷.

۲. الغیبه، شیخ طوسی، ص ۱۷۵.

چشم دل باز کن که جان بینی	آنچه نادیدنی است آن بینی
گربه اقلیم عشق روی آری	همه آفاق گلستان بینی
بر همه اهل آن زمین به مراد	گردش دور آسمان بینی
آنچه بینی دلت همان خواهد	و آنچه خواهد دلت همان بینی
بی سرو پا گدای آنجا را	سربه ملک جهان گران بینی

قرآن کریم در خصوص هماهنگی بهشت با خواست مؤمنین به اذن الله چنین می فرماید:

﴿يَطَافُ عَلَيْهِمْ بِصِحَافٍ مِنْ ذَهَبٍ وَأَكْوَابٍ وَفِيهَا مَا تَشْتَهِيهِ الْأَنْفُسُ وَتَلَذُّ الْأَعْيُنُ وَأَنْتُمْ فِيهَا خَالِدُونَ﴾ (این در حالی است که) ظرف‌ها (ی غذا) و جامه‌ای طلائی (شراب طهور) را گرداگرد آن‌ها می گردانند و در آن (بهشت) آنچه دل‌ها می خواهد و چشم‌ها از آن لذت می برد موجود است و شما همیشه در آن خواهید ماند.^۱

﴿وَفَاكِهَةٍ مِمَّا يَتَخَيَّرُونَ * وَلَخِمٍ طَيْرٍ مِمَّا يَشْتَهُونَ﴾ و میوه‌هایی از هر نوع که انتخاب کنند و گوشت پرنده از هر نوع که مایل باشند.^۲

خداوند در قرآن کریم درباره هماهنگی طبیعت و موجودات با انبیای الهی، باذن الله می فرماید:

﴿وَلِسُلَيْمَانَ الرِّيحَ غُدُوُّهَا شَهْرٌ وَرَوَّاحُهَا شَهْرٌ وَأَسَلْنَا لَهُ عَيْنَ الْقِطْرِ وَمِنَ الْجِنِّ مَن يَعْمَلُ بَيْنَ يَدَيْهِ بِإِذْنِ رَبِّهِ وَمَن يَزِغُ مِنْهُمْ عَنْ أَمْرِنَا نَذِقُهُ مِنَ عَذَابِ السَّعِيرِ﴾ و برای سلیمان باد را مسخر ساختیم که صبحگاهان مسیری یک ماه را می پیمود و عصرگاهان مسیری یک ماه را و چشمه مس (مذاب) را برای او روان ساختیم و گروهی از جن پیش روی او به اذن پروردگارش کار می کردند و هر کدام از آن‌ها که از فرمان ما سرپیچی می کرد، او را عذاب آتش سوزان می چشاندیم.^۳

﴿وَإِذِ اسْتَسْقَى مُوسَى لِقَوْمِهِ فَقُلْنَا اضْرِبْ بِعَصَاكَ الْحَجَرَ فَانْفَجَرَتْ مِنْهُ اثْنَا عَشَرَ

۱. زخرف، ۷۱.

۲. واقعه، ۲۰ و ۲۱.

۳. سباء، ۱۲.

عَيْنًا قَدْ عَلِمَ كُلُّ أُنَاسٍ مَّشْرِبَهُمْ كَلُوا وَاشْرَبُوا مِنْ رِزْقِ اللَّهِ وَلَا تَعْثَوْا فِي الْأَرْضِ مُفْسِدِينَ: و (به یاد آورید) زمانی را که موسی برای قوم خویش، آب طلبید، به او دستور دادیم: «عصای خود را بر آن سنگ مخصوص بزن» ناگاه دوازده چشمه آب از آن جوشید: آن گونه که هر یک (از طوایف دوازده گانه بنی اسرائیل)، چشمه مخصوص خود را می شناختند (و گفتیم) «از روزی های الهی بخورید و بیاشامید و در زمین فساد نکنید»!

بنابراین در عصر ظهور که مرتبه ای از قیامت است، به اذن الله اتفاقاتی شبیه بهشت می افتد و آن گونه که خداوند، طبیعت، زمین و موجودات را مسخر پیامبران خود قرار داد، این هماهنگی و تسخیر را با حکمت خود، به میزانی که صلاح بداند در اختیار مومنین قرار می دهد.
امام صادق علیه السلام به علی بن عقبه مرده داد:

إذا قام القائم حكم بالعدل وارتفع في أيامه الجور، وأمنت به السبل، وأخرجت الأرض برکاتها، ورد كل حق إلى أهله.... و حکم بین الناس بحکم داود، و حکم محمد فحينئذ تظهر الأرض کنوزها و تبدی برکاتها، ولا یجد الرجل منکم یومئذ موضعا لصدقته ولا لبرده، لشمول الغنی جمیع المؤمنین؛ وقتی که قائم قیام کند، حکومت را بر اساس عدالت قرار می دهد و ظلم و جور در دوران او برچیده می شود، جاده ها در پرتو وجودش امن و امان می گردد و زمین برکاتش را خارج می سازد و هر حقی به صاحبش می رسد... او در میان مردم، همانند داود و محمد صلی الله علیه و آله حکم و داوری می کند. در این هنگام زمین گنج هایش را آشکار می سازد و برکات خود را ظاهر می کند و کسی موردی را برای انفاق و صدقه و کمک مالی نمی یابد؛ زیرا همه مؤمنان بی نیاز و غنی خواهند شد.^۲

در خصوص دلیل این هماهنگی و تسخیر عالم توسط مومنین، در عصر ظهور، می توان گفت که این وعده در قرآن به مومنین داده شده است که اگر ایمان به خدا و تقوا داشته باشند، خداوند برکات خود را بر آن ها نازل می کند، ولی هیچ گاه مجتمع بشر حول محور ولی خدا

۱. اعراف، ۶۰.

۲. بحار الانوار، علامه مجلسی، ج ۵۲، ص ۲۳۹؛ ارشاد، شیخ مفید، ج ۲، ص ۲۸۴.

جمع نشده و جزیره‌های کوتاهی، از این برکت ویژه بهره‌مند نشده است. خداوند درباره منشاء برخی از این برکات در آیه ۵۲ سوره هود، به نقل از حضرت نوح علیه السلام آمرزش خواهی را مایه نزول باران‌های پی‌درپی و فراوانی اموال و نعمت‌های گوناگون معرفی کرده و می‌فرماید:

﴿وَيَا قَوْمِ اسْتَغْفِرُوا رَبَّكُمْ ثُمَّ ثُوبُوا إِلَيْهِ يُرْسِلِ السَّمَاءَ عَلَيْكُمْ مِدْرَارًا وَيَزِدْكُمْ قُوَّةً إِلَى قُوَّتِكُمْ وَلَا تَتَوَلَّوْا مُجْرِمِينَ﴾ و ای قوم من از پروردگارتان طلب آمرزش کنید، سپس به سوی او بازگردید، تا (باران) آسمان را پی‌درپی بر شما بفرستد و نیروی بر نیرویتان بیفزاید و گنه‌کارانه، روی (از حق) برنتابید.^۱

در آیه دیگر نیز خداوند پایداری بر راه راست را موجب بهره‌مندی از آب گوارا دانسته و می‌فرماید:

﴿وَأَنْ لَوْ اسْتَقَامُوا عَلَى الطَّرِيقَةِ لَأَسْقَيْنَاهُمْ مَاءً غَدَقًا﴾ و اینکه اگر آن‌ها (جن و انس) در راه (ایمان) استقامت ورزند، با آب فراوان سیرابشان می‌کنیم.^۲

از مفهوم آیات معلوم می‌شود که برکت در رزق و روزی و هماهنگ شدن عالم با مؤمن، بستگی تام به میزان ایمان، تقوا و استغفار مؤمنین دارد. البته نزول برکات الهی در پرتو حضور امام معصوم در بین مردم و تسلیم آن‌ها در برابر ولی خدا بوده و بسیاری از این برکات ناشی از وجود با برکت امام عصر و خشنودی او از امت خود می‌باشد.

امام علی علیه السلام می‌فرماید:

فيخطب الناس فتستبشر الارض بالعدل، وتعطي السماء قطرها، والشجر ثمرها، والارض نباتها؛ پس (حضرت مهدی) مردم را مورد خطاب قرار داده و سپس زمین را به عدالت، بشارت می‌دهد. در این هنگام، آسمان، باران خود را عطا کرده و درختان میوه‌های خود را فرو می‌فرستند. زمین، کلیه رستنی‌های خویش را عرضه می‌کند.^۳ و تزید المياح في دولته و تمد الانهار و تضعف الارض اكلها و تستخرج الكنوز؛ در دولت امام مهدی آب‌ها فراوان و نهرها امتداد می‌یابد و زمین خوردنی‌هایش را دوچندان ظاهر

۱. هود، ۵۲.

۲. جن، ۱۶.

۳. بحار الانوار، علامه مجلسی، ج ۵۳، ص ۸۵.

می کند و همه ی گنج های پنهان استخراج می شود.^۱
 تخرج الارض نباتها وتنزل السماء بركاتها وتظهر له الكنوز؛ زمین نباتات خود را خارج
 می کند، آسمان بركاتش را فرو می فرستد، گنج های نهفته در دل زمین برای او آشکار
 می شود.^۲

کلمه «کنوز» در این روایت به معنی همه ی پتانسیل موجود در زمین است، نه فقط گنج هایی از
 طلا و نقره و سایر فلزات گران بها. بنابراین در عصر ظهور زمین همه ی داشته های خود را نمایان
 می سازد، همه ی توانایی ها و پتانسیل هایی که در بطن خود دارد، با انسان به اشتراک می گذارد.
 ابا عبد الله عليه السلام می فرمایند:

ينتج الله تعالى في هذه الامة رجلا مني وأنا منه، يسوق الله تعالى به بركات السماوات والارض،
 فينزل السماء قطرها، ويخرج الارض بذرها؛ خداوند به این امت، مردی عطا می کند که از من
 است و من از اویم، به برکت او، خداوند بركات آسمان و زمین را عنایت می کند، آسمان،
 باران خویش را فرو می فرستد و زمین، بذر خویش را بیرون می فرستد.^۳
 فعند ذلك تفرح الطيور في او كارها والحيتان في بحارها وتفيض العيون وتنبت الارض
 ضعف أكلها؛ در آن هنگام پرندگان در آشیانه های خود شادمان می شوند و ماهیان
 در قعر دریاها شادمانی می کنند و چشمه ها سرازیر می شوند و زمین چندین برابر
 محصول خود، می رویاند.^۴

«وقتی ولایت ولی خدا ظهور و تجلی پیدا کرد هماهنگی بین اراده های انسانی و ذات
 طبیعت هم واقع می شود و طبیعی است که طبیعت نعمت های خود را در اختیار قرار می دهد
 و از سوی دیگر، وقتی ولایت ولی الله در قلوب انسان ها جاری شد، انسان ها به یک اسماء
 تصرفی دست پیدا می کنند که اکنون در اختیار بشر قرار ندارد و گاهی اوقات از آن ها به علوم
 باطنی تعبیر می شود. انسان ها بر اساس این علوم باطنی به لایه های عمیق تری از عالم مسلط

۱. منتخب الاثر، آیت الله صافی گلپایگانی، ص ۴۷۲.

۲. احتجاج، طبرسی، ج ۲، ص ۱۱.

۳. الغیبه، شیخ طوسی، ص ۱۸۸.

۴. بحار الانوار، علامه مجلسی، ج ۵۲، ص ۳۰۴.

می شوند، نفوذ اراده‌ی آنها تا اعماق طبیعت پیش می‌رود و امکان تنعم و دسترسی به نعم باطنی هستی در همین عالم برایشان فراهم می‌شود. آنها در ابتهاج و تنعم، اساساً غرق در ولی خدا هستند، و متناسب با مشیت، عمل می‌کنند، تخلف نمی‌کنند تا بخواهند به لذت‌های شهوانی برسند؛ حتی لذت حلالشان متفاوت با لذت حلال دیگران است؛ بنابراین از یکسو، گستره تسخیر طبیعت تغییر می‌کند و خداوند متعال لایه‌های عمیق‌تری را در تسخیر انسان قرار می‌دهد، اما طبیعت، لایه‌های پنهان‌تری هم دارد که آنها با اسماء و علوم باطنی که در اختیار مؤمنان قرار می‌گیرد، محقق می‌شود. آن هم نه در اختیار یک مؤمن، یا دو مؤمن بلکه این امر در عصر ظهور از تنعمات عمومی مؤمنان است. در آن عصر، عقول کامل می‌شود، علوم باطنی، شهود و میکاشفه عمومی گسترش پیدا می‌کند و احتمالاً برای همه شیعیان حضرت بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ قابل دسترسی می‌شود. با تمام این‌ها، ابتلا و امتحان مومنین در آن زمان همین است که همه‌ی این جلوه‌هایی که در اختیارشان است باید در مسیر ولی خدا قرار بگیرد؛ به گونه‌ای که مستغرق در ولایت ولی خدا بوده و اساس ابتهاجشان، ابتهاج به ولایت ولی الله باشد و سرورها و نشاط‌ها و خوشی‌های دیگر را قربانی آن نشاط کنند. این امتحان یکی از امتحانات سنگین عصر ظهور است» (۱۲۳).

سخن گفتن زمین و داشتن شعور و ادراک و شناختن مؤمن و کافر

زنده شدن زمین بعد از ظهور چیست، آیا زنده شدن زمین فقط رشد گیاهان و سبزه‌زارها و بارش باران است؟ از روایات و آیات چنین به نظر می‌رسد که غیر از زنده شدن طبیعت زمین، خود زمین یک موجود باشعور و دارای ادراک است. نقل زیادی درباره سخن گفتن زمین و داشتن شعور در قیامت، در آیات و روایات آمده است. در عصر ظهور و دوره رجعت نیز که مراتبی از یک حقیقت قیامت گونه هستند زنده شدن زمین از این نوع، در روایات گوشزد شده است.

برهان

پدیده‌های زیادی وجود دارند که برای انسان قابل دیدن و شنیدن نیست. این گونه نیست که اگر انسان صدایی را نشنود و یا چیزی را نبیند آن پدیده وجود ندارد. برای مثال

سرعت چرخش زمین به دور خودش ۵/۰ کیلومتر بر ثانیه (۱۸۰۰ کیلومتر بر ساعت)، سرعت حرکت زمین به دور خورشید ۳۰ کیلومتر بر ثانیه (۱۰۸/۰۰۰ کیلومتر بر ساعت)، سرعت حرکت منظومه شمسی به دور کهکشان راه شیری ۲۵۰ کیلومتر بر ثانیه (۹۰۰/۰۰۰ کیلومتر در ساعت) و سرعت حرکت کهکشان راه شیری در گروه کهکشان‌ها ۳۰۰ کیلومتر بر ثانیه (۱/۰۸۰/۰۰۰ کیلومتر در ساعت) است، اما انسان نه حرکت آن‌ها را احساس می‌کند و نه صدای مهیب ناشی از این حرکت‌ها را می‌شنود.

بر اساس علم فیزیک انسان فقط قادر است صداهایی را که فرکانس آن‌ها در محدوده ۲۰ تا ۲۰۰۰۰ هرتز است بشنود (هرتز واحد فرکانس است) حال اگر انسان صدای موجودی را نشنود، نباید گمان کرد که آن موجود فاقد صوت است. برای مثال گوش انسان صدای خفاش را نمی‌شنود، زیرا فرکانس صوت این موجود در محدوده‌ی گوش انسان نیست و همین‌طور فرکانس صوت مورچه در محدوده‌ی گوش انسان نیست و لذا صدای آن را نمی‌شنود.

خداوند در قرآن کریم درباره سخن گفتن مورچه‌ها می‌فرماید:

﴿حَتَّىٰ إِذَا أَتَوْا عَلَىٰ وَادِ النَّمْلِ قَالَتْ نَمْلَةٌ يَا أَيُّهَا النَّمْلُ ادْخُلُوا مَسَاكِنَكُمْ لَا يَخْطَمَنَّكُمْ
سُلَيْمَانُ وَجُنُودُهُ وَهُمْ لَا يَشْعُرُونَ﴾ (آنها حرکت کردند) تا به سرزمین مورچگان
رسیدند؛ مورچه‌ای گفت: «به لانه‌های خود بروید تا سلیمان و لشکرش شما را
پایمال نکنند در حالی که نمی‌فهمند»^۱.

همچنین در قرآن کریم درباره حمد و تسبیح خداوند توسط هر موجودی و عدم درک آن توسط انسان آمده است:

﴿تُسَبِّحُ لَهُ السَّمَاوَاتُ السَّبْعُ وَالْأَرْضُ وَمَنْ فِيهِنَّ وَإِنْ مِنْ شَيْءٍ إِلَّا يُسَبِّحُ بِحَمْدِهِ وَلَكِنْ
لَا تَفْقَهُونَ تَسْبِيحَهُمْ إِنَّهُ كَانَ حَلِيمًا غَفُورًا﴾ آسمان‌های هفت‌گانه و زمین و کسانی
که در آن‌ها هستند، همه تسبیح او می‌گویند و هر موجودی، تسبیح و حمد او می‌گوید؛ ولی
شما تسبیح آن‌ها را نمی‌فهمید؛ او بردبار و آمرزنده است^۲.

۱. نمل، ۱۸.

۲. اسراء، ۴.

همچنین خداوند در قرآن کریم به حجابی که بین کفار و قرائت قرآن پیامبر قرار می دهد اشاره کرده است، در حالی که کیفیت این حجاب مشخص نیست:

﴿وَ إِذَا قَرَأْتَ الْقُرْآنَ جَعَلْنَا بَيْنَكَ وَبَيْنَ الَّذِينَ لَا يُؤْمِنُونَ بِالْآخِرَةِ حِجَابًا مَنُورًا؛ و هنگامی که قرآن می خوانی، میان تو و آن ها که به آخرت ایمان نمی آورند، حجاب ناپیدایی قرار می دهیم﴾^۱.

همچنین خداوند در قرآن کریم درباره پوشش هایی که بردل کافران می زند و سنگینی که در گوش آن ها قرار می دهد توضیح می دهد، در حالی که بسیاری از انسان ها قدرت درک این پوشش ها را ندارند و آن ها را نمی بینند:

﴿وَجَعَلْنَا عَلَى قُلُوبِهِمْ أَكِنَّةً أَنْ يَفْقَهُوهُ وَفِي آذَانِهِمْ وَقْرًا وَإِذَا ذَكَرْتَ رَبَّكَ فِي الْقُرْآنِ وَحْدَهُ وَلَوَّا عَلَى أَدْبَارِهِمْ نُفُورًا؛ و بر دلهایشان پوشش هایی، تا آن را نفهمند و در گوشهایشان سنگینی و هنگامی که پروردگارت را در قرآن به یگانگی یاد می کنی، آن ها پشت می کنند و از تو روی بر می گردانند﴾^۲.

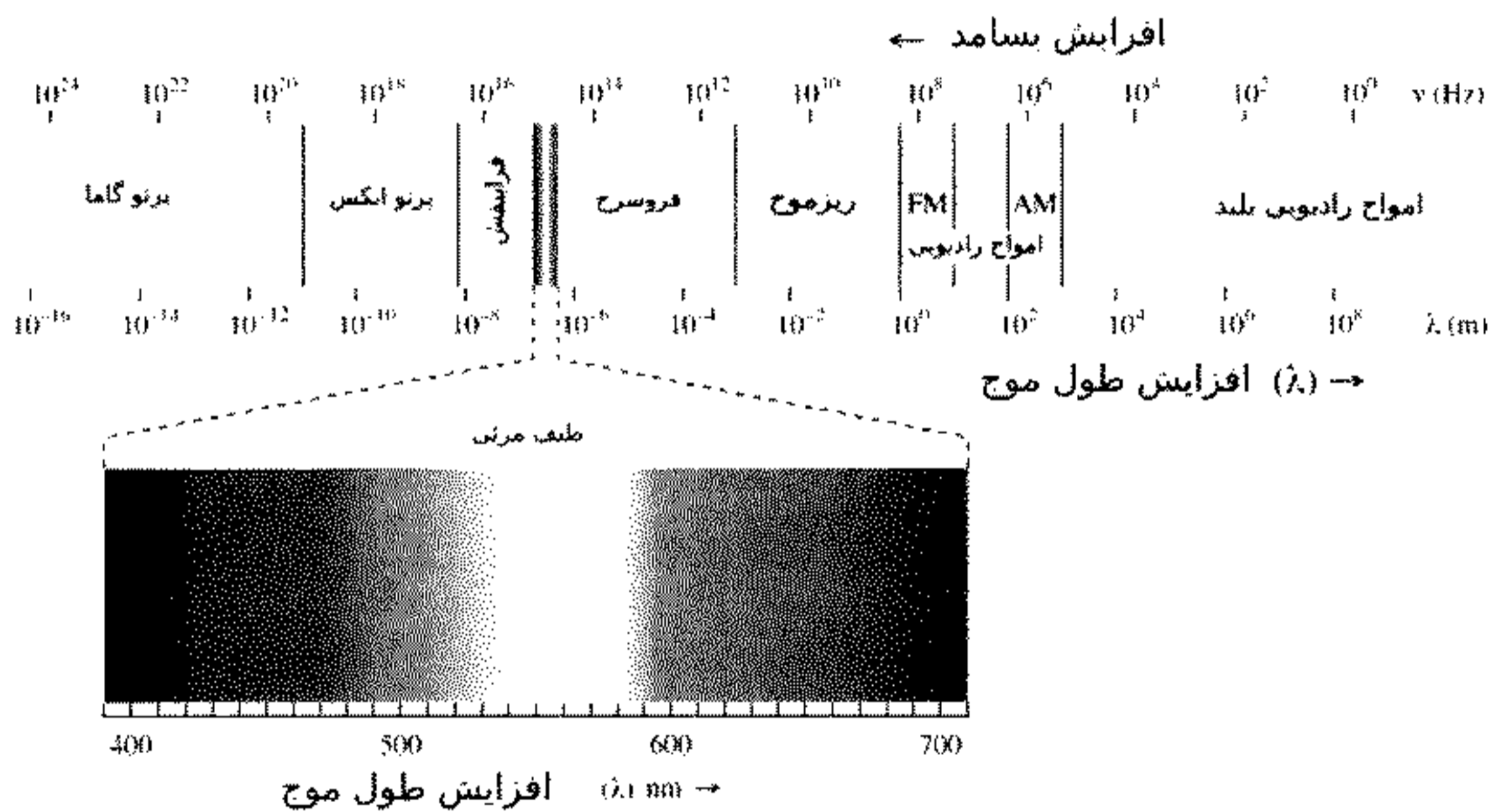
حیواناتی مثل خفاش و سگ می توانند صداهایی با فرکانس های بالاتر از حد طبیعی شنوایی انسان را بشنوند. انسان صدای مورچه را نمی شنود، زیرا پایین تر از حدی است که دستگاه شنوایی او قادر به شناخت آن است. همچنین بالای بیست کیلوهرتز را نمی توان شنید و این صدای خفاش است که بسیار بلندتر از حد شنوایی انسان است. هنگامی که دو موش صحرائی قهوه ای رنگ آسیایی بدون سرو صدا با یکدیگر در حال دعوا هستند در واقع با سوت های فراصوت با فرکانس حدود ۵۰ کیلوهرتز بر سر یکدیگر فریاد می کشند، تا اعصاب طرف مقابل را خرد کنند.

گوش انسان این صداها را نمی شنود، اما نمی توان منکر آن شد؛ همچنین چشم او قادر است فقط قسمتی از طیف نور خورشید که به زمین می تابد را پردازش کند که به آن طیف مرئی می گویند (طول موج حدود ۴۰۰ تا ۹۰۰ نانومتر) اما قسمت وسیعی از طیف نور برای چشم ما

۱. اسراء، ۴۵.

۲. اسراء، ۴۶.

قابل پردازش نیست (شکل ۲۸) اما نمی‌توان آن را منکر شد. اگر ذره‌ای توانایی چشم افزوده شود، می‌توان طیف مادون قرمز نور را پردازش کرد و در شب نیز دید، همان کاری که دوربین دید در شب انجام می‌دهد. همچنین اگر توانایی چشم افزوده شود می‌توان طیف حرارتی را نیز پردازش نمود و حرارت متصاعد شده از هر جسمی را حس کرد، همان کاری که برخی از دوربین‌های جاسوسی و نظامی برای تشخیص حرکت انسان انجام می‌دهند. بنابراین در آفرینش، پدیده‌های زیادی وجود دارند که به دلیل محدودیتی که خداوند در حواس انسان ایجاد کرده است نمی‌توان آن‌ها را درک کرد، ولی این پدیده‌ها وجود دارند. حال اگر به اذن الله محدودیت حواس و قلوب برطرف شود، انسان قادر خواهد بود که این پدیده‌ها را درک کند. زمین یکی از آفریده‌هایی است که بسیاری از مختصات فیزیکی، استعدادها، شعور و ادراک آن اکنون توسط انسان قابل تشخیص نیست. زمانی که خداوند توانایی درک این استعدادها را به انسان عطا کند خواهد دید که زمین موجودی صلب و بی‌احساس نیست.



شکل ۲۸ - طیف نور خورشید

آرزوی تسخیر عالم ماده در نهاد انسان به ودیعه گذاشته شده است. به همین دلیل انسان همیشه آرزو دارد که بر عالم ماده فرمانروایی کند و آن را با خواسته‌های خود هماهنگ سازد. انسان هم این آرزو را دارد و هم برای آن تلاش‌های فراوانی نموده

است. در نمایشگاه فناوری لاس وگاس آمریکا در سال ۲۰۱۴ خانه های هوشمند که اجزای آن دینامیک هستند و صاحب خانه را می شناسند و طبق میل او (البته با برنامه ریزی خود صاحب خانه) خاموش و روشن می شوند معرفی شده و جزء فعالیت های آتی شرکت ها عنوان شد. در سال ۲۰۱۵ موضوع ارتباط انسان با اشیاء مطرح و جزء برنامه آینده طراحان و سازندگان معرفی شد. این نوع از در اختیارگیری عالم ماده با فناوری و برنامه ریزی انسان حاصل شده و بسیار گران قیمت و دست و پا گیر بوده، دائماً فناوری آن تغییر کرده و نیاز به هزینه و تعمیرات زیادی داشته و دردسرهای مخصوص خود را دارد و از اعماق جان، نیاز انسان را برآورده نکرده و عمق خواسته انسان را درک نمی کند و بعضاً هم غیر اخلاقی است. در عصر ظهور، عالم ماده به اذن الله به تسخیر انسان در می آید و قسمتی از عالم غیب شهود می شود. اسماء بنت عمیس می گوید:

فاطمه زهرا علیها السلام فرمود: یکی از شب ها که علی علیه السلام بر من وارد شد مرا به هراس انداخت. عرض کردم: چگونه تو را به هراس انداخت ای سرور زنان عالمین. فرمود: شنیدم که زمین با او حرف می زد و او نیز با زمین سخن می گفت.^۱

سخن گفتن زمین با اولیای خدا در اعصار گذشته و در عصر ظهور با مومنین، به اذن الله پدیده ی شگفت آوری نیست، زیرا در برخی آیات قرآن کریم درباره سخن گفتن زمین در روز قیامت خبر داده شده است:

﴿إِذَا زُلْزِلَتِ الْأَرْضُ زِلْزَالَهَا * وَأَخْرَجَتِ الْأَرْضُ أَثْقَالَهَا * وَقَالَ الْإِنْسَانُ مَا لَهَا * يَوْمَئِذٍ تُخَدِّثُ أَخْبَارَهَا * بِأَنَّ رَبَّكَ أَوْحَى لَهَا، هنگامی که زمین شدیداً به لرزه درآید و زمین بارهای سنگینش را خارج سازد و انسان می گوید، زمین را چه می شود (که این گونه می لرزد)؟ در آن روز زمین تمام خبرهایش را بازگو می کند چرا که پروردگارت به او وحی کرده است.﴾^۲

۱. بحار الانوار، علامه مجلسی، ج ۴۱، ص ۲۷۱.

۲. زلزله، ۱ تا ۵.

در تفسیر المیزان ذیل آیات یادشده آمده است:

آنگاه زمین به اعمالی که بنی آدم کردند شهادت می دهد، همان طور که اعضای بدن خود انسان ها و نویسندگان اعمالش یعنی ملائکه رقیب و عتید و نیز شاهدان اعمال که از جنس بشر و یا غیر بشرند همه بر اعمال بنی آدم شهادت می دهند. معنای جمله این است که، زمین به سبب اینکه پروردگار توبه آن وحی کرده و فرمان داده تا سخن بگوید از اخبار حوادثی که در آن رخ داده سخن می گوید، پس معلوم می شود زمین هم برای خود شعوری دارد و هر عملی که در آن واقع می شود می فهمد و خیر و شرش را تشخیص می دهد و آن را برای روز ادای شهادت تحمل می کند، تا روزی که به او اذن داده شود، یعنی روز قیامت شهادت خود را ادا کرده، اخبار حوادث واقعه در آن را بدهد. در تفسیر آیه ﴿وَأَنْ مِنْ شَيْءٍ إِلَّا يَسْبُحُ بِحَمْدِهِ وَلَكِنْ لَا تَفْقَهُونَ تَسْبِيحَهُمْ﴾^۱ و نیز در تفسیر آیه ﴿قَالُوا أَنْطَقَنَا اللَّهُ الَّذِي أَنْطَقَ كُلَّ شَيْءٍ﴾^۲ گذشت که از کلام خدای سبحان به دست می آید که حیات و شعور در تمامی موجودات جاری است، هر چند که ما از نحوه حیات آن ها بی خبر باشیم.

در بین مفسرین اختلاف شدیدی به راه افتاده است در اینکه معنای خبر دادن زمین به وسیله وحی از حوادثی که در آن واقع شده چیست؟ آیا خدای تعالی زمین مرده را زنده می کند و به آن شعور می دهد تا از حوادث خبر دهد؟ و یا اینکه صوتی روی زمین خلق می کند تا آن صوت خبر دهد و یا آنکه زمین به زبان حال دلالت می کند بر اینکه بر پشت آن چه حوادثی رخ داده؟ لیکن بعد از آنکه بیان ما را شنیدی هیچ جایی برای این اختلاف نیست، علاوه بر این با هیچ یک از این وجوه و هیچ یک از اقسام شهادت که در این وجوه آمده حجت

۱. تَسْبُحُ لَهُ السَّمَاوَاتُ السَّبْعُ وَالْأَرْضُ وَمَنْ فِيهِنَّ وَإِنْ مِنْ شَيْءٍ إِلَّا يَسْبُحُ بِحَمْدِهِ وَلَكِنْ لَا تَفْقَهُونَ تَسْبِيحَهُمْ إِنَّهُ كَانَ خَلِيفًا غَفُورًا؛ آسمان های هفت گانه و زمین و کسانی که در آن ها هستند، همه تسبیح او می گویند و هر موجودی، تسبیح و حمد او می گوید، ولی شما تسبیح آن ها را نمی فهمید؛ او بردبار و آمرزنده است (اسراء، ۴۴).

۲. وَقَالُوا لِيَجْلُدِ اللَّهُ لِيَمَّ شَهْدَتَهُمْ عَلَيْنَا قَالُوا أَنْطَقَنَا اللَّهُ الَّذِي أَنْطَقَ كُلَّ شَيْءٍ وَهُوَ خَلَقَكُمْ أَوَّلَ مَرَّةٍ وَإِلَيْهِ تُرْجَعُونَ؛ آن ها به پوست های تنشان می گویند: «چرا بر ضد ما گواهی دادید؟» آن ها جواب می دهند: «همان خدایی که هر موجودی را به نطق درآورده ما را گویا ساخته و او شما را نخستین بار آفرید و بازگشتتان به سوی اوست»؛ (فصلت، ۲۱).

تمام نمی شود.

در الدر المنثور است که ابن مردویه و بیهقی، در کتاب شعب الایمان از انس بن مالک روایت کرده اند که رسول خدا ﷺ فرمود: زمین در روز قیامت به تمامی اعمالی که در پشتش انجام شده خبر می دهد، آنگاه این آیه را تلاوت کرد: ﴿اِذَا زُلْزِلَتِ الْاَرْضُ زِلْزَالَهَا﴾ تا رسید به آیه (یومئذ تحدث اخبارها) و آنگاه فرمود هیچ می دانید اخبارش چیست؟ جبرئیل نزد من آمد و گفت: خبر زمین که زمین روز قیامت بدان گواهی می دهد، همه اعمالی است که بر پشتش انجام شده. مؤلف، نظیر این روایت را از ابوهریره نیز نقل کرده است.^۱

در تفسیر نمونه درباره زمین و توانایی های آن چنین آمده است:

در حدیثی از پیغمبر اکرم ﷺ می خوانیم که فرمود: «اتدرون ما اخبارها؟» آیا می دانید منظور از اخبار زمین در اینجا چیست؟ قالوا: الله ورسوله اعلم؛ گفتند: خدا و پیغمبرش آگاه تر است. فرمود: اخبارها ان تشهد علی کل عبد و امة بما عملوا علی ظهرها، تقول عمل کذا و کذا، یوم کذا، فهذا اخبارها؛ منظور از خبر دادن زمین این است که اعمال هر مرد و زنی را که بر روی زمین انجام داده اند خبر می دهد؛ می گوید: فلان شخص در فلان روز فلان کار را انجام داد، این است خبر دادن زمین.

در حدیث دیگری از پیغمبر اکرم ﷺ می خوانیم:

حافظوا علی الوضوء و خیر اعمالکم الصلاة، فتحفظوا من الارض فانها امکم، و لیس فیها احد یعمل خیرا او شرا الا و هی مخبرة به؛ مواظبت بروضو کنید و بهترین اعمال شما نماز است. مراقب زمین باشید که مادر شما است، هیچ انسانی کار خیر یا شری به جا نمی آورد، مگر اینکه زمین از آن خبر می دهد.

از ابوسعید خدری نقل شده که می گفت: هرگاه در بیابان هستی صدایت را به اذان بلند کن، چراکه از رسول خدا ﷺ شنیدم که می فرمود:

لا یسمعه جن و لا انس و لا حجر الا یشهد له؛ هیچ جن و انس و قطعه سنگی آن را نمی شنود مگر اینکه برای او (در قیامت) گواهی می دهد.

۱. تفسیر المیزان، علامه طباطبایی، ذیل آیه ۱ سوره زلزله.

آیا راستی زمین به فرمان خدا زبان می‌گشاید و تکلم می‌کند؟ یا اینکه منظور ظاهر شدن آثار اعمال انسان بر صفحه زمین است؟ زیرا می‌دانیم هر عملی که انسان انجام دهد، خواه ناخواه در اطراف او آثاری بجای می‌گذارد، هرچند امروز برای ما محسوس نباشد، درست همانند آثاری که از خطوط انگشتان یک دوست یا دشمن بر روی دستگیره در می‌ماند و در آن روز همه‌ی این آثار ظاهر می‌شود و سخن گفتن زمین چیزی جز این ظهور بزرگ نیست، همان‌گونه که گاه به یک شخص خواب‌آلود می‌گوییم چشمان تو می‌گوید که دیشب نخوابیده‌ای، یعنی آثار بی‌خوابی در آن نمایان است.

به هر حال این موضوع عجیبی نیست، چراکه هم امروز با پیشرفت علم و دانش بشر، ابزار و وسایلی اختراع شده که در همه جا و هر لحظه می‌تواند صدای انسان را ضبط کند یا از انسان و اعمالش عکس برداری نماید و به عنوان یک سند مسلم در دادگاه مطرح شود، به گونه‌ای که قابل هیچ‌گونه انکار نباشد. اگر در گذشته بعضی از شهادت زمین تعجب می‌کردند امروز یک نوار نازک یا یک دستگاه ضبط که به صورت یک دکمه به لباس دوخته می‌شود می‌تواند مسائل بسیاری را بازگو کند. جالب اینکه در حدیثی از امام علی علیه السلام می‌خوانیم که فرمود:

صلوا المساجد فی بقاع مختلفة، فان كل بقعة تشهد للمصلی علیها یوم القيامة؛ در قسمت‌های مختلف مساجد نماز بخوانید، زیرا هر قطعه زمینی در قیامت برای کسی که روی آن نماز خوانده گواهی می‌دهد.

و در حدیث دیگری آمده است که امیر مؤمنان علی علیه السلام هنگامی که بیت‌المال را تقسیم می‌کرد و خالی می‌شد، دو رکعت نماز بجا می‌آورد و می‌فرمود:

اشهدی انی ملاتک بحق، و فرغتک بحق؛ (روز قیامت) گواهی ده که من تو را به حق پر کردم و به حق خالی کردم.^۱

در قرآن کریم درباره سخن گفتن اعضای بدن انسان، برخی حیوانات، جهنم و زمین آیات زیادی وجود دارد که برخی از این آیات عبارت‌اند از:

﴿الْيَوْمَ نَخْتِمُ عَلَىٰ أَفْوَاهِهِمْ وَتُكَلِّمُنَا أَيْدِيَهُمْ وَتَشْهَدُ أَرْجُلُهُمْ بِمَا كَانُوا يَكْسِبُونَ﴾ امروز

۱. تفسیر نمونه، آیت‌الله مکارم شیرازی، ذیل آیه ۲ سوره زلزله.

بر دهانشان مُهر می‌نهم و دستهایشان با ما سخن می‌گویند و پاهایشان کارهایی را که انجام می‌دادند شهادت می‌دهند.*

﴿وَقَالُوا لَجُلُودِهِمْ لِمَ شَهِدْتُمْ عَلَيْنَا قَالُوا أَنْطَقَنَا اللَّهُ الَّذِي أَنْطَقَ كُلَّ شَيْءٍ وَهُوَ خَلَقَكُمْ أَوَّلَ مَرَّةٍ وَ إِلَيْهِ تُرْجَعُونَ﴾ آن‌ها به پوست‌های تنشان می‌گویند: «چرا بر ضد ما گواهی دادید؟» آن‌ها جواب می‌دهند: «همان خدایی که هر موجودی را به نطق درآورده ما را گویا ساخته و او شما را نخستین بار آفرید و بازگشتان به سوی اوست»^۱.

جهنم انسان را می‌بیند و سخن می‌گوید:

﴿بَلْ كَذَّبُوا بِالسَّاعَةِ وَأَعْتَدْنَا لِمَنْ كَذَّبَ بِالسَّاعَةِ سَعِيرًا﴾ * إِذَا رَأَتْهُمْ مِنْ مَكَانٍ بَعِيدٍ سَمِعُوا لَهَا تَغِيظًا وَزَفِيرًا (این‌ها همه بهانه است) بلکه آنان قیامت را تکذیب کرده‌اند و ما برای کسی که قیامت را تکذیب کند، آتشی شعله‌ور و سوزان فراهم کرده‌ایم. هنگامی که این آتش آنان را از مکانی دور ببیند، صدای وحشتناک و خشم‌آلودش را که با نفس زدن شدید همراه است می‌شنوند^۲.

﴿يَوْمَ نَقُولُ لِجَهَنَّمَ هَلِ امْتَلَأَتْ وَتَقُولُ هَلْ مِنْ مَزِيدٍ﴾ (به خاطر بیاورید) روزی را که به جهنم می‌گوییم: «آیا پر شده‌ای؟» و او می‌گوید: «آیا افزون بر این هم هست؟»^۳.
﴿كَلَّا أَنْهَا لَطْفٌ * نَزَّاعَةً لِلشَّوَى * تَدْعُو مَنْ أَدْبَرَ وَتَوَلَّى * وَجَمَعَ فَأَوْعَى﴾ * اِنَّمَا هِرْكَزٌ چنين نيست (که با این‌ها بتوان نجات یافت، آری) شعله‌های سوزان آتش است. دست و پا و پوست سر را می‌کند و می‌برد و کسانی را که به فرمان خدا پشت کردند صدا می‌زند و (همچنین آن‌ها که) اموال را جمع و ذخیره کردند^۴.

آری، اینکه بسیاری از انسان‌ها با زمین و آفرینش ارتباطی ندارند و به ملکوت اشیاء آگاه نیستند دلیل بر مردگی آن‌ها نیست، بلکه همه‌ی آفرینش با قدرت لایزال الهی دارای شعور و ادراک بوده و به‌اذن‌الله در همه دوره‌ها با افراد با ایمان در ارتباط بوده و در عصر ظهور زنده بودن

۱. فصلت، ۲۱.

۲. فرقان، ۱۱ و ۱۲.

۳. ق، ۳۰.

۴. معارج، ۱۵ تا ۱۸.

آن‌ها بروز خواهد کرد، آنچنان که شاعر می‌گوید:

ما سمیعیم و بصیریم و هشیم
با شما نامحرمان ما خامشیم
آری، اگر شما محرم شدید هشیاری ما را می‌بینید.

در عصر ظهور زمین مؤمن و کافر را می‌شناسد

بر اساس آنچه گفته شد، زمین و به‌طور کلی آفرینش دارای شعور و ادراک است و مؤمن و کافر را از هم باز می‌شناسد. ملکوت اشیاء اکنون برای اکثریت بشر قابل رؤیت و درک نیست، اما در زمان ظهور، ملکوت و زنده بودن، شعور و ادراک آفرینش بروز و ظهور خواهد کرد و همگان بر این امر واقف خواهند شد.

امام باقر علیه السلام در این باره می‌فرماید:

كأني بأصحاب القائم وقد أحاطوا بما بين الخافقين فليس من شيء إلا وهو مطيع لهم حتى سباع الارض وسباع الطير، يطلب رضاهم في كل شيء، حتى تفخر الارض على الارض وتقول: مربي اليوم رجل من أصحاب القائم؛ گویا می‌بینم اصحاب قائم علیه السلام را که بین آسمان و زمین را پر کرده‌اند، چیزی نیست مگر مطیع آن‌ها، حتی درندگان زمین و هوا، همه چیز و همه کس در صدد تأمین رضایت آن‌ها هستند. زمینی بر زمین دیگر فخر می‌کند و می‌گوید امروز بر من یکی از اصحاب قائم علیه السلام گذشته است.^۱

این روایت از شعور زمین در شناخت مؤمن سخن می‌گوید.

رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود:

هر کس عمداً دروغی بر من ببندد محل نشیمن خود را در بین دو چشم جهنم آماده کند، اصحاب عرض کردند: یا رسول الله صلی الله علیه و آله مگر جهنم چشم دارد؟ فرمود: مگر نشنیده‌اید که قرآن می‌فرماید: (اذا راتهم من مكان بعيد؛ وقتی جهنم ایشان را از محل دور ببیند) آیا جز این است که با دو چشم می‌بیند؟^۲

آری، عصر ظهور مرتبه بالاتری از آفرینش است. عدم درک بسیاری از اتفاقاتی که در عصر

۱. کمال‌الدین، شیخ صدوق، ص ۶۷۳، ح ۲۵.

۲. تفسیر المیزان، علامه طباطبایی، ذیل آیه ۲۵ سوره فرقان.

فصل پنجم: طبیعت قبل و بعد از ظهور ۲۰۱

ظهور و رجعت می افتد و شگفت جلوه کردن این اتفاقات و برخی اوقات باور نکردن و موهومی دانستن آن‌ها به این دلیل است که برخی افراد عصر ظهور را دوران تکامل همین تمدن کنونی فرض می‌کنند. باید با دقت دیگری به عالم نگریست، در صورتی که انسان به ولایت الهی چنگ می‌زد اصلاً راهی را که اکنون طی کرده است و تمدنی را که اکنون ساخته و گرفتار آن شده است به وجود نمی‌آمد، انسان از مسیر دیگری عبور می‌کرد، به تمدن دیگری (حیات طیبه) می‌رسید، تاریخ از مسیر دیگری عبور می‌کرد.

امام معصوم با آگاهی کامل از آنچه انتظار مؤمنین را می‌کشد و حیاتی که مؤمنین در آن نفس خواهند کشید، در دعای عهد از مؤمنین می‌خواهد که از خداوند بخواهند و دعا کنند که در صورت رحلت، خداوند آنان را در عصر ظهور به این جهان بازگرداند، زیرا در عصر ظهور مرتبه بالاتری از حیات انسان مومن و طبیعت آغاز خواهد شد.

اللَّهُمَّ إِنَّ حَالَ بَيْنِي وَبَيْنَهُ الْمَوْتُ الَّذِي جَعَلْتَهُ عَلَى عِبَادِكَ حَتْمًا مَقْضِيًّا فَأَخْرِجْنِي مِنْ قَبْرِي مُؤْتَرًّا كَفَنِي شَاهِرًا سَيْفِي مُجَرِّدًا قِنَاتِي مُلَبِّيًّا دَعْوَةَ الدَّاعِي فِي الْحَاضِرِ وَالْبَادِي.^۱

بارخداایا! اگر میان من و او، قانون مرگ؛ که آن را بر بندگان مقرر داشتی حائل شد، مرا از قبرم بیرون آر، در حالی که کفن خویش بر کمر بسته و با شمشیر کشیده و نیزه‌ی برافراشته و لبیک‌گوی دعوت حق در شهر و بیابان باشم.

۱. دعای عهد، امام صادق علیه السلام، کتاب عتیق از محمد بن هارون تلعبیری؛ کفعمی در مصباح و بلد الامین؛ سیدبن. طاووس در مصباح الزائر و جناح المسافر، امام صادق علیه السلام فرمود: هر کس آن را چهل صبح قرائت کند از یاران حضرت حجت علیه السلام در وقت قیام و ظهورشان گشته و اگر قبل از ظهور از دنیا برود، خداوند جهت یاری دادن به امام عصر علیه السلام او را از قبر، در حالی که زنده شده و در صدد یاری امام است، خارج می‌کند، از این عقیده در شیعه به عنوان «رجعت» یاد شده است.

فصل ششم: امنیت قبل و بعد از ظهور

خلاصه فصل

امنیت صرف نظر از نوع نگاه بشر به زندگی، نیاز قطعی برای هر انسانی است. هر کس طالب دنیا است به امنیت نیاز دارد و هر کس طالب بندگی خدا و آخرت است در سایه امنیت به خواسته خود می‌رسد. تمدن کنونی، امنیت جوامع بشری را با اسلحه متعارف و غیرمتعارف، موشک و ناو هواپیمابر تأمین می‌کند، زیرا امنیت را یک مقوله سخت می‌داند و به بخش نرم آن، یعنی توجه به آرامش درونی و رضایت انسان از خود، زندگی و خدای خود و تأمین رضایت خدا از خود توجه چندانی ندارد. چشم‌اندازی وجود ندارد که گردانندگان تمدن کنونی بشر این روش برقراری امنیت را تغییر دهند و روش فعلی، جای خود را به یک کنترل مقدس و الهی بدهد، به گونه‌ای که انسان‌ها آن چنان از درون پالایش و تربیت شوند که بدون فشار، امنیت سخت و نرم ایجاد شود. اندک قانون‌مداری شکننده‌ای که اکنون در برخی کشورها به وجود آمده است نیز به وسیله قوانین سخت‌گیرانه و جرائم سنگین به دست آمده است. دولت‌ها در عصر حاضر برای برقراری امنیت هزینه‌های کلانی را متحمل می‌شوند، اما علی‌رغم آن، جنگ، خشونت و بی‌عدالتی روز به روز در جهان در حال گسترش است. در مقابل، در آموزه‌های الهی، که هیچ‌گاه قاطبه بشر آن را نیازموده است، خداوند به کسانی که ایمان آورده و کارهای شایسته انجام دهند وعده می‌دهد که ترسشان را به امنیت و آرامش مبدل می‌کند. امنیتی که از درون انسان، از فطرت او و از روی میل و شوق می‌جوشد. در این عصر مختصات امنیت به درون آدم منتقل می‌شود.

امنیت در عصر حاضر (قبل از ظهور)

یکی از تلخ‌کامی‌های بشر در طی قرن‌ها، فقدان عدالت فراگیر و حاکمیت ظلم و ستم و تبعیض بوده است. امری که ناامیدی و سرخوردگی بشرِ تشنه‌ی عدالت را به دنبال داشته است. اما این وعده‌ی پروردگار است که در عصر ظهور، برای نخستین بار، در کل طول عمر زمین و زمینیان، بساط ظلم و ستم و تبعیض برچیده می‌شود و ذائقه‌ی بشرِ تشنه‌ی عدالت، حلاوت شهد دل‌انگیز عدالت را خواهد چشید.

تمدن کنونی، امنیت جوامع بشری را با اسلحه متعارف و غیرمتعارف، موشک و ناو هواپیمابر تأمین می‌کند. زرادخانه‌های هسته‌ای به منظور برقراری توازن نظامی و به‌عنوان نیروی بازدارنده ساخته شدند، ولی هیچ‌گاه امنیت برقرار نشد. در داخل کشورها و در روابط بین‌الملل، امنیت با پلیس، جاسوس، اطلاعات، فناوری اطلاعات، دوربین‌های مداربسته، شرطه، اسلحه، نگهبان و قاضی گره خورده است.

نیروهای امنیتی بیلان کار سالانه خود را با شوق خاصی اعلام می‌کنند و افتخار آنان افزایش دوربین‌های امنیتی، افزایش نیروهای امنیتی، استفاده از تجهیزات پیشرفته‌تر برای کشف جرم، افزایش کشف جرائم و افزایش اقتدار نیروهای امنیتی برای کنترل هر چه بیشتر بر جامعه می‌باشد.

شاید این تصور وجود داشته باشد که در برخی کشورها مردم حقوق یکدیگر را رعایت می‌کنند، ولی توجه به این نکته ضروری است که این قانون‌مداری چگونه و با چه قیمتی به دست آمده و با چه قوانین سخت‌گیرانه و جرائم سنگینی به فرهنگ تبدیل شده و در صورتی که جرائم برداشته شوند و قوانین تسهیل گردند، همین افراد با فرهنگ با چه سرعتی به وضعیت اولیه خود باز خواهند گشت. از زاویه‌ی دیگر، همین مردم با فرهنگ که حاضر به انداختن ته سیگار خود در خیابان نیستند، چگونه در روابط بین‌الملل دنباله‌رو و مددکار ظالمین و ستمگران و کشورهای سلطه‌گرفته و از هیچ کمک مالی، نظامی و تکنولوژیکی به این کشورها، برای کشورگشایی و سرکوب دولت‌های مستقل دریغ نمی‌کنند.

این نوشتار به دنبال نادیده گرفتن امنیت مثال زدنی که در برخی مناطق جهان، منبعث از

اعتقاد درونی، فرهنگ دینی و انسانی و برنامه ریزی صحیح تربیتی، فرهنگی و امنیتی مدیران و دست اندرکاران وجود دارد نیست، ولی اینگونه مناطق بسیار کم بوده و عمدتاً سرچشمه آن اعتقادات مذهبی یا فرهنگ اجتماعی منبعث از ادیان الهی می باشد.

نمونه‌هایی از تلاش دولت‌ها در عصر حاضر برای برقراری امنیت

یکی از روش‌های تامین امنیت در دنیای کنونی تصویر و فیلم برداری دائمی از مکان‌های مختلف توسط ماهواره‌ها، پهبادها و سایر تجهیزات پرنده می باشد. دولت آمریکا در نظر دارد ۳۰ هزار پهباد را بر فراز این کشور به پرواز درآورد تا با تصویربرداری دائمی هیچ نقطه کوری را در این کشور که معمولاً از دید دوربین‌های مداربسته مخفی می ماند بدون پوشش باقی نگذارند. اکنون ۲۷ ایالت آمریکا در حال بررسی قوانین مربوط به چگونگی استفاده از پهبادها هستند (۱۲۴).

تأمین امنیت با دوربین

دوربین‌های امنیتی اکنون در تمامی کشورها به صورت دائمی مشغول پایش فضای اطراف خود بوده و محل خصوصی برای هیچ کس باقی نگذاشته‌اند. سرویس‌های امنیتی، بانک‌ها، فروشگاه‌ها، ادارات دولتی، مدارس و حتی مکان‌های بسیار خصوصی تحت مراقبت دوربین‌ها هستند و آزادی، آبرو و حقوق اولیه انسان‌ها را زیر پا گذاشته‌اند. یکی از کشورهایی که در زمینه استفاده از این دوربین‌ها پیش‌تاز است کشور انگلیس است. شوراهای محلی انگلیس طی چهار سال منتهی به سال ۲۰۱۴ مبلغ ۵۱۵ میلیون پوند برای نصب دوربین‌های جدید در کوچه و خیابان‌های شهرها هزینه کرده‌اند. در حال حاضر بیش از ۵۱ هزار دوربین مداربسته فقط تحت نظر شوراهای محلی مشغول کنترل اعمال و رفتار شهروندان هستند. بررسی‌های علمی نشان می دهد که افزایش دوربین‌های مداربسته تأثیری در کاهش جرم و جنایت نداشته است. بررسی قانون آزادی اطلاعات نشان می دهد که فرهنگ نظارت و کنترل در کشور انگلیس، از کنترل خارج شده است و حریم خصوصی و آزادی‌های مدنی مردم را نقض می کند.

در حال حاضر میلیون‌ها دوربین نظارتی خصوصی و دولتی در انگلیس فعال هستند ولی

مقایسه میزان جرم و جنایت در این کشور با کشورهای دیگری که از این دوربین‌ها استفاده نمی‌کنند، نشان می‌دهد که این تجهیزات تأثیر چندانی در کاهش جرم و جنایت نداشته است. بر اساس برخی گزارش‌ها، انگلیس در حال حاضر حدود ۲۰ درصد دوربین‌های مداربسته جهان را در اختیار دارد و به عنوان مثال یک شهروند لندن هر روز به طور متوسط، ۳۰۰ بار در مقابل دید دوربین‌های مداربسته قرار می‌گیرد (۱۲۵) (۱۲۶).

ایجاد امنیت (تصنعی) با قوانین بسیار سخت‌گیرانه

قوانین سخت‌گیرانه و غیرمتناسب با جرم‌روش دیگری است که در بسیاری از کشورها برای کاهش جرائم حتی برقراری نظم پیش‌بینی شده است. این جرایم آنقدر سنگین هستند که گاهی یک فرد را تا آخر عمر دچار آسیب جدی می‌کنند. در ایالات متحده آمریکا هر فرد یک پرونده دارد که سوابق اعتباری وی در آن ثبت شده است. یکی از مهم‌ترین منابع تکمیل این پرونده، تخلفات راهنمایی و رانندگی است. با هر تخلف رانندگی علاوه بر اینکه فرد باید هزینه بسیار بالایی را بپردازد که بسته به نوع تخلف متفاوت است (جریمه عبور از چراغ قرمز ۵۰۰ دلار، تخلف سرعت از ۱۵۰ تا ۵۰۰ دلار) این تخلف در پرونده‌ی وی نیز ثبت می‌شود. اولین جایی که این تخلف خودش را به رخ می‌کشد زمانی است که شخص بخواهد بیمه اتومبیلش را تمدید کند. به ازای هر تخلف در پرونده، ماهانه حدود ۳۰ دلار به پول بیمه او افزوده می‌شود. اگر بخواهد از بانک وام بگیرد، سود وامی که به او تعلق می‌گیرد افزایش چشم‌گیری پیدا می‌کند. بهره بانکی اصلاً عدد ثابتی نیست و با توجه به اعتبار وام‌گیرنده تغییر پیدا می‌کند. به عنوان مثال در شرایط یکسان ممکن است به یک شخص، وامی با بهره ۴ درصد بدهند و به فرد دیگری به علت اعتبار و سوابق، همان وام را با بهره ۲۰ درصد بدهند.

در مواردی که تخلف از نظر پلیس خطرناک تشخیص داده شود ممکن است فرد را به زندان بیاورند. به عنوان مثال در ایالت آریزونا کسی که با سرعت بالای ۸۵ مایل رانندگی کند علاوه بر پرداخت جریمه مالی سنگین و ثبت در پرونده و لغو موقت گواهینامه رانندگی، زندانی خواهد شد. تمامی جریمه‌ها باید در کمتر از یک ماه پرداخت شود، در غیر این صورت برای فرد دادگاه تشکیل می‌شود. علاوه بر رانندگان اتومبیل‌ها، افراد پیاده و دوچرخه‌سوار هم جریمه

می‌شوند. عبور نکردن از محل خط‌کشی شده جریمه‌ای حدود ۱۳۰ دلار برای عابر پیاده دارد. خلاصه اینکه به علت هزینه‌های بسیار بالای ارتکاب جرائم رانندگی و عواقب وحشتناک آن، مردم معمولاً قوانین را به خوبی رعایت می‌کنند. پلیس هم به شدت با هر تخلفی برخورد می‌کند. تقریباً همه جا دوربین نصب شده و از تخلفات عکس گرفته شده و بعد از یک هفته برای راننده ارسال می‌شود؛ به همین علت کسی نمی‌تواند منکر انجام تخلف شود. یک نکته جالب دیگر هم اینکه، اگر فرد در دو سال گذشته تخلف نکرده باشد و تنها یک تخلف در دو سال داشته باشد می‌تواند در صورتی که تخلف، خطرناک نباشد با پرداخت هزینه کلاس (حدود ۱۸۰ دلار) در کلاس آموزشی که به این منظور تشکیل می‌شود شرکت کند و تخلف مربوطه در پرونده وی ثبت نشود. در خبرها آمده است که یک شهروند آلمانی حدود ۸ ساعت پشت چراغ قرمزی که خراب بود توقف کرد (۱۲۷).

سال گذشته در شهری در ولز، یک دوربین کنترل سرعت، تنها در شش ماه، مبلغ ۸۰۰ هزار پوند (تقریباً ۳ میلیارد و ۳۷۰ میلیون تومان) برگ جریمه صادر کرد. این دوربین ۱۳۶۲۴ راننده را به دلیل سرعت غیرمجاز و ۱۴۶ راننده دیگر را به دلیل عبور از چراغ قرمز جریمه کرده بود (۱۲۸).

این نوشتار به دنبال بررسی قوانین راهنمایی رانندگی در کشورها نیست، بلکه لازم است گوشه‌ای از جرائم سخت‌گیرانه، آشکار شود تا معلوم شود که قانون‌مداری در بسیاری از کشورها، درونی و مقدس نیست، بلکه تحت فشار فزاینده به وجود می‌آید و با برداشته شدن فشارها به صورت یک انفجار اجتماعی خود را نشان می‌دهد.

در سنگاپور یک فرد سیگاری به دلیل پرتاب ته سیگار خود از پنجره ۱۵ هزار و ۸۳۶ دلار آمریکا جریمه شده است. این مرد ۳۳ ته سیگار خود را طی چهار روز به بیرون پرتاب کرده است. دادگاهی در سنگاپور بابت پرتاب هر ته سیگار وی را حدود ۴۸۰ دلار جریمه کرد. این مرد سنگاپوری بابت بقیه ته سیگارهای خود که به بیرون پرتاب کرده است باید خدمات اجتماعی ارائه کند. دوربین‌های سنگاپور تخلف این مرد ۳۸ ساله را ثبت کرده‌اند. وی بابت ته سیگارهایی که جریمه نقدی نشده است باید منطقه عمومی را به مدت پنج ساعت،

درحالی‌که جلیقه‌ای با نوشته «برنامه کاری اصلاحی» برتن کرده، تمیز کند. سنگاپور کشوری است که به پاکیزگی معروف است. افراد در مقابل کارهایی که به نظافت شهر لطمه می‌زند باید جریمه‌های سنگینی را تحمل کنند. واردات و مصرف آدامس نیز در سنگاپور برای حفظ اماکن عمومی ممنوع است. نکشیدن سیفون دستشویی، رها کردن زباله بر روی زمین نیز در سنگاپور جرم محسوب می‌شود و فرد متخلف باید جریمه‌های سنگینی بپردازد (۱۲۹).

در بسیاری از کشورها جریمه ریختن زباله در سطح شهر بسیار سنگین است. چندی پیش در منطقه «زی‌لاند» کشور هلند مردی که سیب خورده و باقیمانده آن را از ماشین بیرون پرت کرده بود به ۲۲۰۰ یورو جریمه محکوم شد، جالب‌ترین که شبکه‌های مختلف تلویزیونی ده‌ها بار تصویر او را نشان دادند. ریختن زباله در این کشور جریمه مالی سنگینی دارد و اگر شهروند متخلف، پول نداشته باشد باید به زندان برود. در کشور کره جریمه ریختن اندکی زباله در خیابان برابر با ۱۱ تا ۱۳ درصد پایه حقوق یک کارمند است. در کشور سنگاپور ریختن زباله در معابر عمومی جرم محسوب می‌شود و پلیس می‌تواند فردی را که در معابر و خیابان‌ها آشغال ریخته جریمه کند. جالب‌ترین که اگر فردی سه بار به دلیل کثیف کردن خیابان‌ها، توسط پلیس سنگاپور جریمه شود، برای بار چهارم دولت او را مجبور خواهد کرد که در روز یکشنبه با پیشبندی که روی آن عنوان «من شهر را کثیف کرده‌ام» نوشته شده است، خیابان‌های شهر را جارو کند. در انگلیس نیز پلیس رانندگانی را که از خودرو خود زباله به بیرون پرتاب می‌کنند، جریمه می‌کند. در ژاپن هر فرد که کوچک‌ترین زباله یا حتی آب دهان را در معابر عمومی بریزد ۸۰ تا ۱۶۰ ین جریمه می‌شود (۱۳۰).

هزینه‌های نظامی

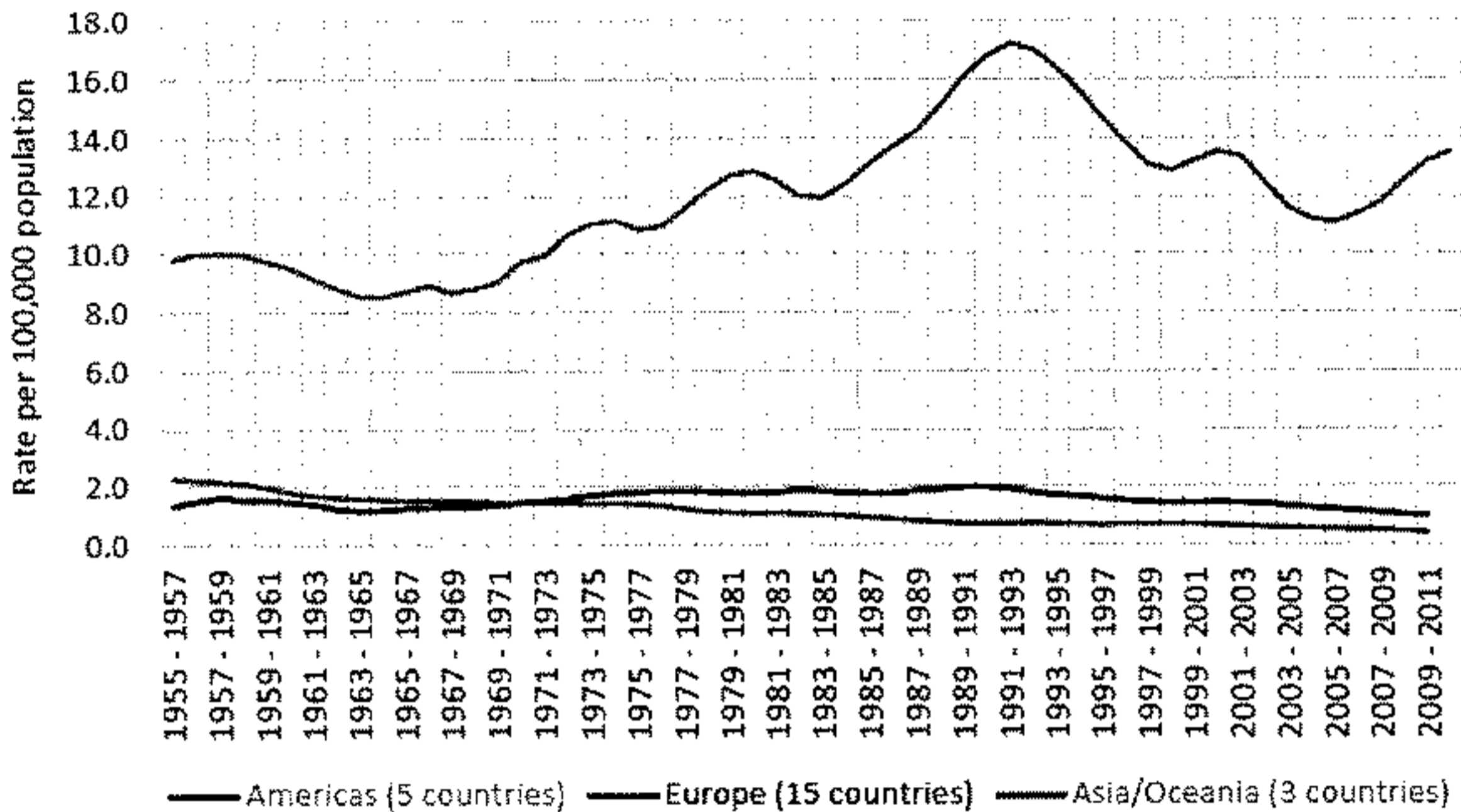
دولت‌ها در عصر حاضر برای برقراری امنیت هزینه‌های کلانی را متحمل می‌شوند که به سادگی قابل محاسبه نیست. برای مثال هزینه‌های نظامی که کشورهای مختلف برای جلوگیری از حمله به کشورشان یا برای حمله به سایر کشورها در سال هزینه می‌کنند در جدول ۴ آورده شده است.

جدول ۴ - هزینه نظامی سالیانه برخی کشورهای جهان در سال ۲۰۱۴ میلادی

کشور	هزینه نظامی (میلیارد دلار)
کل جهان	۱۷۴۷
ایالات متحده آمریکا	۶۴۰
جمهوری خلق چین	۱۸۸
روسیه	۸۷.۸
عربستان سعودی	۶۷
فرانسه	۶۱.۲
انگلستان	۵۷.۹
آلمان	۴۸.۸
ژاپن	۴۸.۶
هندوستان	۴۷.۴
کره جنوبی	۳۳.۹
ایتالیا	۳۲.۷
برزیل	۳۱.۵
استرالیا	۲۴
ترکیه	۱۹.۱
امارات متحده عربی	۱۹

تأمین نشدن امنیت علی‌رغم هزینه و تلاش زیاد دولت‌ها

همان‌گونه که بیان شد دولت‌ها تلاش‌های زیادی برای برقراری امنیت در درون کشور خود و در جامعه بین‌الملل انجام داده‌اند، ولی چرا شرایط امنیتی روز به روز در جهان بدتر می‌شود؟ نتایج شکل ۲۹ نشان می‌دهد که طی ۵۰ سال گذشته آمار قتل در آمریکا از ۱۰ نفر در صد هزار نفر به ۱۶-۱۴ نفر در صد هزار نفر افزایش یافته و در دو قاره دیگر تقریباً ثابت مانده است (۱۳۱). دلیل تأمین نشدن امنیت، علی‌رغم صرف هزینه‌های زیاد، آن است که بشر می‌خواهد امنیت را با اسباب و لوازم تأمین کند، در حالی که خود انسان به یک منبع ناامنی بدل شده است. بر اساس آموزه‌های دینی، بشر خود باید امن شود تا جامعه امن شود، مختصات ایمنی باید به درون انسان برود.



Source: UNODC Homicide Statistics (2013) and WHO Mortality Database.

شکل ۲۹- آمار قتل در قاره آمریکا، اروپا و آسیای سال‌های ۱۹۵۵ تا ۲۰۱۱

با نگاهی به آمارهای ارائه شده ثابت می‌شود که امنیت بیرونی و درونی مردم در عصر حاضر روز به روز کم‌تر شده و این روند با سرعت ادامه دارد. برای اثبات این ادعا کافی است به آمار ارائه شده توسط سازمان همکاری اقتصادی و توسعه (OECD) دقت شود که نشان می‌دهد چگونه امنیت درونی انسان‌ها روز به روز در حال کاهش است. سازمان همکاری اقتصادی و توسعه که مقرآن در پاریس است به عنوان باشگاه کشورهای ثروتمند، هم‌اکنون دارای ۳۴ عضو می‌باشد که اکثراً کشورهای اروپایی و چند کشور آسیایی ثروتمند را شامل می‌شود (۱۳۲). شعار سازمان همکاری «سیاست‌های بهتر برای زندگی بهتر Better Policies for Better Lives» می‌باشد. هیچ شخصی در عالم «مخالف سیاست بهتر برای زندگی بهتر» نیست، بحث این است که آیا سیاست‌های حاکم بر تمدن کنونی بشر، منجر به زندگی بهتر شده است یا نه؟

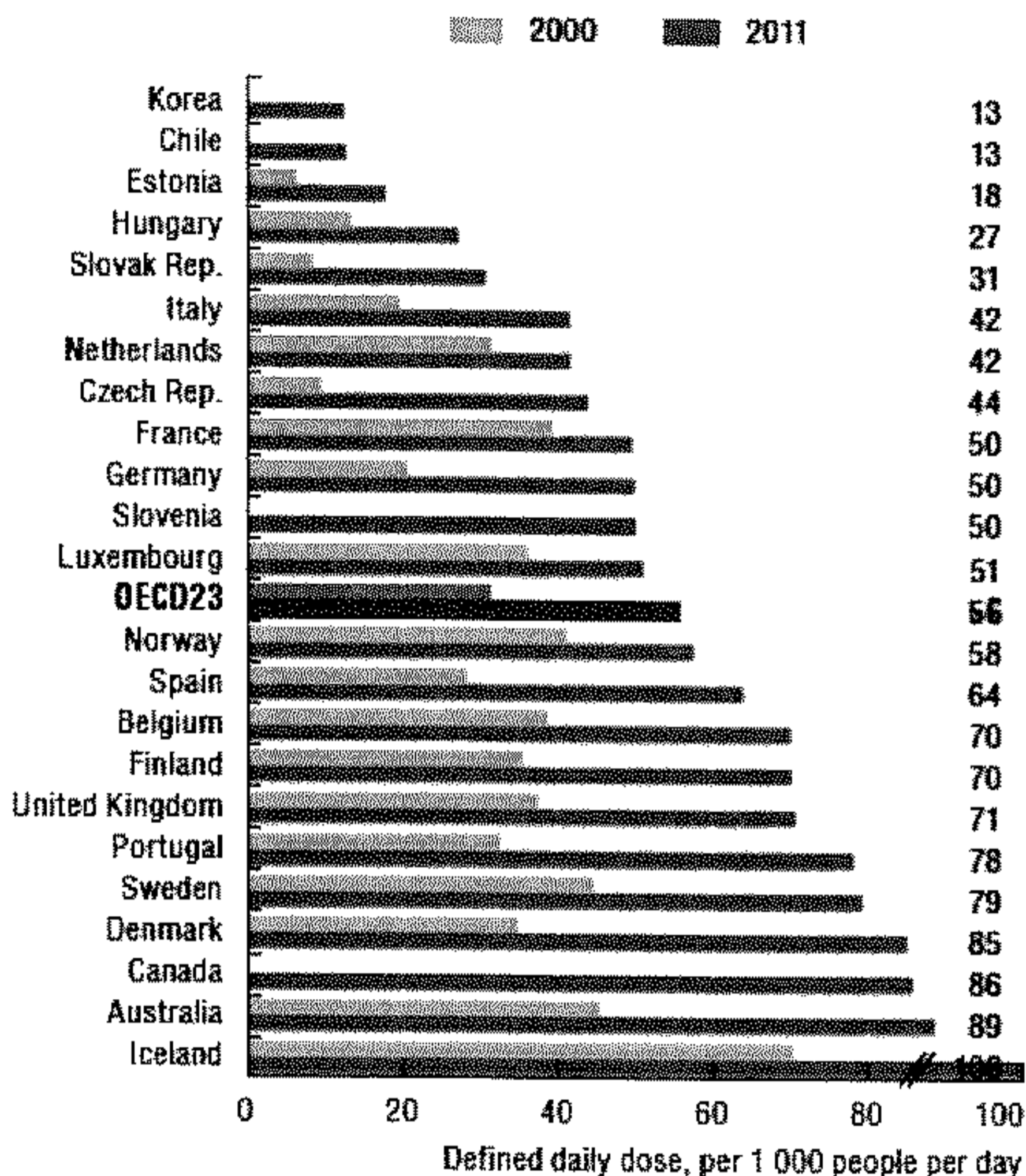
پاسخ این است که تمدن کنونی بشر چون از اساس به واسطه ایجاد یک انحراف بزرگ در راه

.1 Organisation for Economic Co-operation and Development (OECD).

رسیدن بشر به تعالی و کمال مورد نظر پروردگارش به وجود آمده است، بخش‌های وسیعی از آن یک تمدن اشتباهی و تقلبی است، بنابراین اتخاذ سیاست‌های مختلف شاید بتواند سالیانی اثرات مهلک این تمدن را مخفی نگه دارد، ولی بالاخره خود را نشان خواهد داد. برای درک بهتر این موضوع کافی است آمار سازمان همکاری را درباره مصرف داروهای ضد افسردگی مورد توجه قرار داد.

آمار سازمان همکاری اقتصادی و توسعه نشان می‌دهد که مصرف داروهای ضد افسردگی از سال ۲۰۰۰ تا ۲۰۱۱ برای استرالیا از حدود ۴۵ واحد به ازای هر هزار نفر در روز به حدود ۸۹ رسیده و بنابراین ظرف مدت ۱۰ سال مصرف این دارو که نشان دهنده کاهش امنیت درونی انسان است، دو برابر شده است. برای سایر کشورهای عضو نیز روند افزایش مصرف دارو همین گونه بوده است. در مورد مصرف داروهای دیابت، چربی خون و سایر داروها نیز آمار همین گونه نگران‌کننده است و نشان می‌دهد که بشر با اتخاذ سیاست‌های مختلف نتوانسته است بر انحراف خود از مسیر صحیح سرپوش بگذارد (شکل ۳۰) (۱۳۳).

**4.10.4. Antidepressants consumption, 2000 and 2011
(or nearest year)**



Source: OECD Health Statistics 2013, <http://dx.doi.org/10.1787/health-data-en>.
StatLink <http://dx.doi.org/10.1787/888932917750>

شکل ۳۰- آمار مصرف داروی ضد افسردگی در کشورهای عضو سازمان همکاری اقتصادی و توسعه طی مدت ۱۰ سال

امنیت در عصر ظهور

از دغدغه‌های اصلی هر جامعه‌ای امنیت و آرامش است و در اینکه امنیت نعمتی بدون جایگزین است شکی نیست. امنیت مانند اکسیژن برای جامعه ضروری است؛ به همین دلیل، جامعه حاضر است هزینه‌های زیادی را در این راستا تحمل کند. قرآن امنیت را یکی از اهداف استقرار حاکمیت الله و خلافت و جانشینی صالحان و طرح امامت می‌شمارد. امنیت

بحثی است که در آیات قرآن، مستقیم و غیرمستقیم به آن پرداخته شده و لذا یکی از دغدغه‌های انبیاء و ائمه علیهم‌السلام مسئله امنیت و آسایش جامعه بوده است. آن‌ها دوست داشته‌اند که مردم را از عواقب شوم ناامنی نجات داده و لذت شیرینی امنیت را به کام مردم بچشانند. امیرالمؤمنین علیه‌السلام نعمت مهم دنیا را امنیت و سلامتی جسم و کمال نعمت آخرت را وارد بهشت شدن می‌داند و در احادیث دیگر، امنیت از ضروریات اولیه زندگی بشر شمرده شده و وطنی که امنیت ندارد بی‌ارزش قلمداد شده است. احساس امنیت از خصایص مؤمن شمرده شده و تأمین امنیت از اهداف جهاد قلمداد شده است (۱۳۴).

یکی از مهم‌ترین مؤلفه‌های به وجود آمدن جامعه‌ای پیشرفته و پویا، استقرار امنیت همه‌جانبه و فراگیر و پایدار است، امری که به لحاظ اهمیت آن، در روایات ائمه معصوم علیهم‌السلام نعمتی الهی معرفی شده است. این خواسته‌ی بشری به نحو فراگیر و همه‌جانبه تنها در عصر موعود محقق خواهد شد.

امام جواد علیه‌السلام می‌فرماید:

إن القائم منا هو المهدي الذي يجب أن ينتظرفي غيبته، ويطاع في ظهوره، وهو الثالث من ولدي، والذي بعث محمدا بالنبوة وخصنا بالامامة إنه لو لم يبق من الدنيا إلا يوم واحد لطول الله ذلك اليوم حتى يخرج فيه فيملا الأرض قسطا وعدلا كما ملئت جورا وظلما؛ قائم ما همان مهدی است، کسی که باید در غیبتش او را انتظار کشند و در ظهورش او را فرمان برند و او سومین از فرزندان من است. سوگند به کسی که محمد صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم را به نبوت مبعوث فرمود و ما را به امامت مخصوص گردانید اگر از عمر دنیا جز یک روز باقی نمانده باشد خداوند آن روز را طولانی گرداند تا در آن قیام کند و زمین را پر از عدل و داد نماید همچنان که آکنده از ظلم و جور شده باشد.^۱

امام باقر علیه‌السلام درباره امنیت در عصر ظهور می‌فرماید:

يخرج العجوز الضعيفة من المشرق ترید المغرب ولايتها أحد؛ در این زمان پیرزن

۱. کمال‌الدین، شیخ صدوق، ص ۳۷۷، باب ۳۶، ح ۱.

ناتوانی از مشرق زمین به مغرب می‌رود، درحالی‌که هیچ‌کس متعرض او نمی‌شود.^۱ در برخی از روایات دایره‌ی امنیت و حوزه‌ی آن، حتی فراتر از انتظارات معمول بشری تعریف شده است. امام علی علیه السلام می‌فرماید:

هرگاه قائم ما قیام کند، آسمان باران خود را می‌بارد و زمین روئیدنی‌ها و گیاهان را برویاند و کینه و عداوت از دل‌های بندگان زایل شود. درندگان با چهارپایان از در آشتی وارد می‌شوند و با انسان‌ها کاری ندارند، تا جایی که زنی از عراق به شام می‌رود، قدم نمی‌گذارد مگر بر روی گیاهان. زنبیلش روی سرش است و هیچ درنده‌ای او را به هیجان در نمی‌آورد و هیچ ترسی ندارد.^۲

این روایت و روایات دیگری که در این خصوص وجود دارد نشان می‌دهند که در عصر ظهور امنیت حتی به حیوانات هم گسترش می‌یابد.

در روایات متعددی آمده است که روش امام عصر در زمینه‌های مختلف براساس قرآن و سنت است، بنابراین برای بررسی روش امام عصر در برقراری امنیت درونی و برونی در جامعه مهدوی بهتر است از سه منبع قرآن، سنت پیامبرگرمی اسلام و ائمه اطهار و روایات کمک گرفته شود. خداوند در قرآن کریم درباره امنیت می‌فرماید:

﴿وَعَدَ اللَّهُ الَّذِينَ آمَنُوا مِنْكُمْ وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ لَيَسْتَخْلِفَنَّهُمْ فِي الْأَرْضِ كَمَا اسْتَخْلَفَ الَّذِينَ مِنْ قَبْلِهِمْ وَلَيُمَكِّنَنَّ لَهُمْ دِينَهُمُ الَّذِي ارْتَضَى لَهُمْ وَلَيُبَدِّلَنَّهُمْ مِنْ بَعْدِ خَوْفِهِمْ أَمْنًا يَعْبُدُونَنِي لَا يُشْرِكُونَ بِي شَيْئًا وَمَنْ كَفَرَ بَعْدَ ذَلِكَ فَأُولَئِكَ هُمُ الْفَاسِقُونَ﴾^۳ خداوند به کسانی از شما که ایمان آورده و کارهای شایسته انجام داده‌اند وعده می‌دهد که قطعاً آنان را حکمران روی زمین خواهد کرد. همان‌گونه که به پیشینیان آنها خلافت روی زمین را بخشید؛ و دین و آیینی را که برای آنان پسندیده، پابرجا و ریشه‌دار خواهد ساخت؛ و ترسشان را به امنیت و آرامش مبدل می‌کند، آن‌چنان‌که تنها مرا می‌پرستند و چیزی را شریک من نخواهند ساخت. و کسانی که پس از آن

۱. بحار الانوار، علامه مجلسی، ج ۵۲، ص ۳۴۵.

۲. همان، ج ۵۲، ص ۳۱۶.

کافر شوند، آن‌ها فاسقان اند»^۱.

«وَلَيَبْدَلَنَّهُمْ مِنْ بَعْدِ خَوْفِهِمْ أَمْنًا» یعنی خود انسان امن می‌شود. انسان تکامل پیدا می‌کند نه اسباب امنیت. انسان باید تغییر کند نه دوربین زیاد شود. امروزه همه جا دوربین گذاشته‌اند، بنابراین کسی خلاف نمی‌کند، اگر آدم امن بشود به دوربین نیازی نیست. الآن چرا به دوربین نیاز داریم، چون آدم‌ها امن نیستند. در زمان ظهور آدم امن می‌شود نه راه، انسان از دسبت نفس خود امن می‌شود و مختصات امنیت به درون انسان منتقل می‌شود (۳).

کار اصلی امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشريف این نیست که جهان را از عدل و داد پر می‌کند. کار اصلی او زنده کردن جامعه است. وجود امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشريف عامل حیات است. او جامعه مرده را زنده می‌کند؛ بعد به عدل و داد فرامی‌خواند. جامعه زنده مشتاق عدل و داد است. برخی از انسان‌ها به حسب ظاهر، انسان و در باطن، مرده‌اند (مرده‌های متحرک). صورت آنان مطابق سیرتشان نیست. امام عجل الله تعالی فرجه الشريف صورت‌ها را مطابق سیرت می‌کند. بعد از آنکه سیرت را انسانی و واقعی کرد، جامعه ظاهراً و باطناً انسانی می‌شود. سپس به عدل و داد فرامی‌خواند و جامعه زنده، تشنه عدل و داد می‌شود.

کار اصلی او احیاء است، همان‌گونه که رسول خدا صلى الله عليه وآله جامعه مرده را زنده کرد، حضرت ولی عصر عجل الله تعالی فرجه الشريف نیز جامعه مرده را زنده می‌کند و برای احیای آن، معارف، حقایق و طهارت حقیقی را اعطا می‌کند (بیزگیهم و يعلمهم). جامعه‌ای زنده است که کتاب الهی، حکمت الهی و طهارت الهی را بداند و بیابد. پیامبر صلى الله عليه وآله بعد از اینکه تزکیه و تعلیم فردی را مطرح کرد، به تزکیه و تعلیم جمعی پرداخت و (به درمان) کینه‌جویی، حقد و حسادت پرداخت. آن‌که عداوت را تبدیل به صلح می‌کند، کیمیاگری است (ولایت تکوینی) و تنها با نصیحت ممکن نیست. کار امام عصر عجل الله تعالی فرجه الشريف، تبدیل عداوت به صداقت است. بیشتر کارهای امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشريف (تأمین امنیت، عدالت، رفاه) فرعی است و مهم، کار اصلی است و این کار اصلی با کارهای فرعی کامل می‌شود (۱۳۵).

برای بررسی روش امام عصر در برقراری امنیت، براساس سنت، کافی است به انسان متقی

و مومن مورد نظر امام علی علیه السلام بنگریم. امام علیه السلام در خطبه متقین (همام) خصوصیات انسان متقی و مومن را بیان فرموده‌اند که برخی از این خصوصیات عبارتند از:

حَيَاؤُهُ يَعْلُو شَهْوَتَهُ؛ شرمش بر شهوتش برتری دارد.

وَوُدُّهُ يَعْلُو حَسَدَهُ وَ عَفْوُهُ يَعْلُو حِقْدَهُ؛ و دوستیش بر حسدش و گذشتش بر کینه‌اش.

لَا يَنْطِقُ بِغَيْرِ صَوَابٍ؛ جز سخن درست نگوید.

وَلَا يَلْبَسُ إِلَّا الْإِقْتِصَادَ؛ و جز لباس اقتصاد نپوشد.

مَشِيئُهُ التَّوَاضُعُ؛ با تواضع راه رود.

خَاضِعٌ لِرَبِّهِ بِطَاعَتِهِ رَاضٍ عَنْهُ فِي كُلِّ حَالَاتِهِ؛ و در اطاعت پروردگارش خاضع باشد، در همه

احوال از خدا راضی است.

مَيِّتَةٌ شَهْوَتُهُ كَطُومًا غَيْظُهُ صَافِيًا خُلُقُهُ آمِنًا مِنْهُ جَارَةٌ؛ شهوتش مرده و خشمش فرو خورده، و

خلقش ناآلوده، همسایه‌اش از او آسوده است.

جَمِيلُ الْمُنَازَعَةِ كَرِيمُ الْمُرَاجَعَةِ عَدْلٌ إِنْ غَضِبَ رَفِيقٌ إِنْ طَلَبَ لَا يَتَهَوَّرُ وَلَا يَتَهَتَّكُ وَلَا

يَتَجَبَّرُ خَالِصُ الْوُدِّ وَثِيقُ الْعَهْدِ وَفِي الْعَمْدِ نِزَاعٌ كَرْدَنَش نِيكُوو مِرَاجِعِه كَرْدَنَش شِرَافَتَمِنْدَانِه

است، عادل است اگر خشم ورزد، ملایم است اگر چیزی خواهد، بی باک و پرده در و زورگو

نیست، دوستیش صمیمانه و پیمان‌ش محکم و در قرار داد با وفاست.

لَا يَتَوَقَّعُ لَهُ بَائِقَةٌ وَلَا يُخَافُ لَهُ غَائِلَةٌ؛ کسی از او انتظار شر ندارد و از بلایش نترسد.

بُعْدُهُ مِمَّنْ تَبَاعَدَ مِنْهُ بُغْضٌ وَ نِزَاهَةٌ وَ دُنُوُّهُ مِمَّنْ دَنَا مِنْهُ لِينٌ وَ رَحْمَةٌ لَيْسَ تَبَاعُدُهُ تَكْبُرًا وَلَا

عَظَمَةٌ وَلَا دُنُوُّهُ خَدِيعَةٌ وَلَا خِلَابَةٌ بَلْ يَتَّقِدِي بِمَنْ كَانَ قَبْلَهُ مِنْ أَهْلِ الْخَيْرِ فَهُوَ إِمَامٌ لِمَنْ بَعْدَهُ

مِنْ أَهْلِ الْبِرِّ؛ دوری‌اش بغض و کناره‌گیری از آلودگی است، و نزدیکی‌اش به هر که نزدیک

می‌شود، ملایمت و مهربانی است، برای خود پسندی و بزرگ‌فروشی نیست، و نزدیکی‌اش برای

فریب و نیرنگ نباشد، بلکه از پیشینیان اهل خیر پیروی کند، و خود پیشوای نیکان پس از

خود باشد.

بی شک امام عصر برای امن کردن جامعه در پی پرورش انسان‌هایی با خصوصیات بیان

شده توسط امام علی علیه السلام است که البته خصوصیات و حکمت‌های یاد شده فطری و بر

مبنای آموزه‌های الهی از جمله آیات قرآن است. برای مثال در صورتی که امام عصر جامعه‌ای را پیروانند که مردم آن جامعه بر اساس حکمت امام علی «شرم آن‌ها از شهوتشان بیشتر باشد»، راه‌ها امن می‌شوند، مناسبات اداری اصلاح می‌شود، گناهای نظیر دروغ، غیبت، سرقت، تجاوز و غیره از بین می‌روند و نیازی نیست که برای کنترل هریک از موارد یاد شده پلیس، دوربین و قاضی وجود داشته باشد.

استراتژی امر به معروف و نهی از منکر به جای دوربین و قوانین سختگیرانه

امر به معروف و نهی از منکر، با رعایت شرایط آن، یک تکلیف شرعی عمومی برای حفظ احکام اسلام و سلامت جامعه است. محدوده‌ی امر به معروف و نهی از منکر منحصر به قشر و صنف خاصی از مردم نیست و تمام اقشار و اصناف واجد شرایط را در بر می‌گیرد و حتی بر زن و فرزند واجب است که هنگام مشاهده‌ی ترک معروف یا انجام حرام توسط پدر و مادر یا شوهر، به امر به معروف و نهی از منکر، در صورت تحقق شرایط آن مبادرت کنند.

إِنَّ الْأَمْرَ بِالْمَعْرُوفِ وَالنَّهْيَ عَنِ الْمُنْكَرِ سَبِيلُ الْأَنْبِيَاءِ وَمِنْهَا جُ الصُّلْحَاءِ فَرِيضَةٌ عَظِيمَةٌ بِهَا تُقَامُ الْفَرَائِضُ وَتَأْمَنُ الْمَدَاهِبُ وَتَحُلُّ الْمَكَاسِبُ وَتُرَدُّ الْمَظَالِمُ وَتُعْمَرُ الْأَرْضُ وَيُنْتَصَفُ مِنَ الْأَعْدَاءِ وَيُسْتَقِيمُ الْأَمْرُ؛ امر به معروف و نهی از منکر راه و روش پیامبران و شیوه صالحان است و فریضه بزرگی است که دیگر فرایض به واسطه آن برپا می‌شود، راه‌ها امن می‌گردد و درآمدها حلال می‌شود و حقوق پایمال شده به صاحبانش برمی‌گردد، زمین آباد می‌شود و (بدون ظلم) حق از دشمنان گرفته می‌شود و کارها سامان می‌پذیرد.^۱

در این روایت به وضوح بیان شده است که امر به معروف و نهی از منکر موجب ایجاد امنیت و عدالت می‌شود.

فردی به حضور امام باقر علیه السلام رسید و عرض کرد:

«شما اهل بیت رحمت هستید. خداوند رحمت را مخصوص شما قرار داده است.

امام علیه السلام فرمود: همین گونه است. خدا را سپاس که ما هیچ کس را به گمراهی نمی‌افکنیم و از

۱. اصول کافی، شیخ کلینی، ج ۵، ص ۵۶.

راه هدایت خارج نمی کنیم. دنیا به پایان نخواهد رسید تا این که خداوند، مردی از ما اهل بیت را برانگیزد که به کتاب خدا عمل می کند و از همه ی امور منکر نهی می نماید.»
 به طور خلاصه می توان دریافت که امام عصر برای امن کردن جامعه، درون انسان ها را امن خواهد کرد و مختصات امنیت را به درون انسان خواهد برد، به این صورت امنیت بیرونی با کم ترین هزینه ای برقرار خواهد شد. در متن جامعه آنچه نگهبان دائمی مومن است خود او و آئینه های او که همان برادران مومنش هستند خواهد بود، نه دوربین ها و قوانین سخت گیرانه، اگر چه بی شک همانگونه که در روایات اشاره شده است سیستم حکومتی امام عصر نیز مواظب اندک مواردی که ممکن است در جامعه به وجود بیاید بوده و به سرعت و قاطعیت با عدالت رفتار خواهد نمود.

امام باقر علیه السلام صمیمیت و اعتماد عمومی را در آن زمان چنین به تصویر می کشد:

أَتَى الرَّجُلُ إِلَى كَيْسٍ أَخِيهِ فَيَأْخُذُ حَاجَتَهُ فَلَا يَمْنَعُهُ؛ در آن دوران هر نیازمندی از جیب برادرش به مقدار نیاز برمی دارد و برادرش نیز جلوگیری نمی کند.^۱

موضوع امنیت در عصر ظهور، در کتب سایر ادیان الهی نیز مورد توجه قرار گرفته است. برخی از این اشارات عبارت اند از:

او صلح را برای قوم به ارمغان می آورد، تمام ابزارهای جنگی، لباس ها و چکمه های سربازان از بین می رود.^۲

او امت ها را داوری خواهد نمود و قومهای بسیاری را تنبیه خواهد کرد و ایشان شمشیرهای خود را برای گاوآهن و نیزه های خویش را برای اره ها خواهند شکست و امتی بر امتی شمشیر نخواهد کشید و بار دیگر جنگ را نخواهند آموخت.^۳

صلح جاودان در سراسر طبیعت حکم فرما خواهد شد. گرگ با بره سکونت خواهد داشت و پلنگ با بزغاله خواهد خوابید. گوساله و شیر و گاو پروار با هم خواهند زیست و طفل کوچک

۱. وسائل الشیعه، حر عاملی، ج ۳، ص ۴۲۵.

۲. کتاب مقدس، عهد عتیق، کتاب اشعیای نبی، فصل ۹، بند ۴ به نقل از معین نجف آبادی، سعیده، موعود در اندیشه یهود، ۱۳۸۱، فصلنامه انتظار موعود، شماره ۲۶.

۳. کتاب مقدس، عهد عتیق، کتاب اشعیای نبی، فصل ۲، بند ۴.

آن‌ها را خواهد راند. گاو با خرس خواهد چرید و بچه‌های آن‌ها با هم خواهند خوابید و شیر مثل گاو کاه خواهد خورد. طفل شیرخواره بر سوراخ مار بازی خواهد کرد و کودک از شیر بازداشته شده، دست خود را بر لانه افعی خواهد گذاشت.^۱

فصل هفتم: عدالت قبل و بعد از ظهور

خلاصه فصل

در عصر حاضر بی عدالتی به اوج خود رسیده و ظلم قانونی شده است، به گونه ای که در مجامع بین المللی یک تصمیم قانونی اتخاذ شده و بر اساس آن به یک کشور تجاوز نظامی صورت می گیرد. بی عدالتی و ظلم فقط در کشتن و اسارت فیزیکی انسان ها خلاصه نمی شود، بلکه ابعاد بسیار وسیع تری دارد. امروزه فرهنگ انسان ها، اخبار و اطلاعاتی که به آن ها می رسد، حتی ذائقه غذایی آن ها به بند اسارت کشیده شده است. بسیاری معادلات بین المللی از اساس ظالمانه است. در بسیاری از نقاط عالم ظلم تا مغز استخوان انسان ها وارد شده و مانند سرما در تمام شئون زندگی رسوخ پیدا کرده است. بسیاری از مردان و زنان حقوق یکدیگر را محترم نمی شمردند و بسیاری از فرزندان نیز با والدین رفتاری ظالمانه دارند. آزادی انسان ها با دور بین، اسکنرها و بازرسی های متعدد سلب شده و هر روز بر مقررات ظالمانه افزوده می شود. بی عدالتی اقتصادی، فرهنگی، تغذیه، بهداشت و انواع دیگری بی عدالتی ها ابعاد گسترده ای یافته است. عدالت، گمشده آدمی در تمامی قرون و اعصار و رسالت همه انبیاء و اولیاء است. عدالت گل واژه ای است که با باروت، توپ و موشک به دست نمی آید. عدالت، حقیقتی است که همه انسان ها در زلال فطرت خود با آن آشنایند و بسیاری جان خود را بر سر آن گذاشته اند. به شهادت روایات و ادعیه فراوان و برخی داستان های معتبر، مهدویت و عدالت قرین یکدیگر و دوروی یک سکه اند. مهدی یعنی عدالت و عدالت همه جانبه و فراگیر یعنی مهدی. مهدی یعنی حاکمی معصوم و عادل در پهنه گیتی؛ یعنی آخرین پناه انسان در جهانی پراز ظلم؛ یعنی تنها راه؛ یعنی عنوان صحیفه عدالت. رسول خدا ﷺ فرمود: اگر باقی نماند از روزگار، مگر یک روز، البته خداوند برمی انگیزد مردی از

اهل بیت مرا که زمین را از عدل پر کند، همچنان که از ستم پر شده باشد. روش امام عصر برای برقراری عدالت این است که؛ «هنگامی که دیگران هوای نفس را بر هدایت مقدم بدانند، او امیال نفسانی را به هدایت برمی گرداند و هنگامی که دیگران قرآن را با رأی خود تفسیر کنند، او آراء و افکار را به قرآن باز گرداند. او به مردم نشان می دهد که چه نیکومی توان به عدالت رفتار نمود. او تعالیم فراموش شده‌ی قرآن و سنت را زنده می سازد».

عدالت و کرامت انسان‌ها در عصر حاضر (قبل از ظهور)

در دنیای کنونی بی‌عدالتی در عرصه‌های مختلف به نهایت خود رسیده است. در عرصه اقتصاد، سیاست، فرهنگ، بهداشت، تغذیه، امنیت و سایر عرصه‌ها انواع بی‌عدالتی حتی به صورت قانونی درآمدہ است. در این نوشتار جای مطرح کردن حتی قسمتی از این بی‌عدالتی نیست، اما برای ترسیم یک سیمای کلی از این ظلم‌های آشکار به پاره‌ای از موارد به عنوان نمونه اشاره می‌شود:

بی‌عدالتی اقتصادی

آثار تخریبی بسیار عظیم چاپ اسکناس بدون پشتوانه برکسی پوشیده نیست. در جنگ جهانی دوم، آلمان با مطالعات دقیق، اقدام به جعل اسکناس انگلیس کرد و کارخانه‌ای بزرگ برای تولید کاغذ مخصوص و چاپ پوند انگلیس ایجاد نمود. مدتی هواپیماهای آلمان اسکناس‌های چاپ شده را روی شهرهای آن کشور می‌ریختند، مردم آن‌ها را جمع می‌کردند و هرچه را می‌خواستند، به هر مبلغی که فروشنده می‌گفت می‌خریدند. این موضوع یک بحران اقتصادی بسیار بزرگ که تأثیر آن از بمب‌ها و موشک‌ها بسیار بیشتر بود برای انگلیس به وجود آورد. چون اسکناس‌ها کاملاً منطبق با اصل تولید می‌شد. حتی متخصصان هم نمی‌توانستند اسکناس جعلی را از اصلی باز شناسند، بنابراین بانک‌ها نیز ناچار بودند آن‌ها را بپذیرند. این موضوع ادامه یافت تا اینکه جاسوسان انگلیس پس از مدت‌ها تلاش، محل احداث کارخانه را یافتند و آن را بمباران کردند و دولت انگلیس پس از چند سال تحمل بحران اقتصادی به تدریج توانست اسکناس‌های جاری را از رده خارج و با اسکناس‌های جدید جانشین کند و اقتصاد خود را سروسامان بخشد.

حال تصور کنید تمام دلارهایی که در اقتصاد جهان در حال چرخش است در آمریکا تولید می‌شود. پس از جنگ دوم جهانی که انگلیس به تدریج روبه ضعف نهاد و آمریکا به عنوان قدرت درجه اول جهانی شناخته شد، مصنوعات این کشور و پول آن یعنی دلار، اعتبار جهانی کاذب یافت و آمریکا را آن چنان مغرور کرد که اسکناس خود را از تعهد و قید پشتوانه آزاد کرد و وانمود کرد که تولیدات صادراتی آن کشور به عنوان پشتوانه دلار کافی است. این اقدام دست آمریکا را باز گذاشت تا با آزادی کامل هر مقدار اسکناس که لازم ببیند چاپ و منتشر نماید. آمریکا به خاطر تسلط سیاسی، نظامی و صنعتی که بر جهان یافته بود با اعتراضی هم مواجه نشد و لذا توانست هر مقدار مواد خام و هرگونه خدمات دیگری را که لازم دارد با همان اسکناس‌ها، آزاد از هرگونه کنترل، خریداری و مورد استفاده قرار دهد و بدین ترتیب به یک غول اقتصادی، سیاسی بلامنازع جهانی ارتقا یابد. این وضع تقریباً هفتاد سال بر جهان سایه افکنده است. کدام بی‌عدالتی می‌تواند بالاتر از این باشد که یک کشور به هر میزان بخواهد اسکناس چاپ کرده و با آن منابع سایر ملت‌ها را غارت کند و هرگاه لازم دید با آن کشورهای دیگر را از هستی ساقط نماید.

مکس کیسر^۱ مدت هفت سال از عمر خود را به دلالتی در وال استریت^۲ مشغول بوده است. او خود را به قصابی که اکنون گیاه‌خوار شده تشبیه می‌کند، زیرا دیدن این مطلب که چگونه بانک‌های آمریکایی گلدمن ساکس^۳ و جی پی مورگان^۴ در حال خلق پول هستند، حال او را برهم می‌زند. وی در این رابطه می‌گوید: «اگر من در خانه‌ی خود دستگاه چاپ اسکناس داشته باشم آن‌ها مرا جاعل خطاب می‌کنند، ولی اگر بانک‌ها و حسابداران شرکتی این کار را انجام دهند، این کار قانونی محسوب می‌شود» (۱۳۶).

1. Max Keiser.

وی هم‌اکنون برنامه‌ی گزارش کیسر را در شبکه راشا تودی و همچنین برنامه‌ی بر روی تیغ را در شبکه‌ی تلویزیونی پرس تی‌وی اجرا می‌کند.

۲. ساختمان بازار بورس نیویورک که بزرگ‌ترین بورس جهان از نظر میزان معاملات و حجم مالی است.

۳. بانک آمریکایی Goldman Sachs.

۴. بانک آمریکایی J. P. Morgan.

بی‌عدالتی سیاسی

سازمان ملل متحد در پایان جنگ جهانی دوم توسط قدرت‌های فاتح در جنگ شکل گرفت. این قدرت‌ها برای خود حق ویژه‌ای را قائل شدند. پنج قدرت برتر آن زمان یعنی آمریکا، فرانسه، انگلستان، شوروی (امروزه روسیه) و چین ضمن عضویت دائم در شورا از حق و تو برخوردار هستند. دلیل اعطای حق و تو این بود که کشورهای قدرتمند بتوانند ضمن حفظ سلطه خود در نظام بین‌الملل، به کمک این حق انحصاری مانع از درگیر شدن کشورهای جهان در جنگ شده، صلح و امنیت بین‌الملل را محقق سازند. با نگاهی به گذشته و عملکرد ۶۰ ساله این شورا آشکار می‌شود که این شورا در کاهش جنگ‌ها و نزاع‌هایی که ابرقدرت‌ها در آن ذی‌نفع بوده‌اند نقش مؤثری ایفا نکرده و حتی بعضاً به روشن کردن آتش جنگ یاری رسانده است. عملکرد شورای امنیت بیشتر به گونه‌ای است که تداعی می‌کند که «ظلم در دنیای کنونی قانونی شده است».

بی‌عدالتی در تعریف تروریسم

در حال حاضر کشورهای غربی از برخی گروه‌های تروریستی حمایت می‌کنند که دست این گروه‌ها به خون مردم بی‌گناه در کشورهای مختلف آلوده است. این گروه‌های تروریستی در کشورهای غربی جایگاه دارند، در کنگره آمریکا لابی دارند و به عنوان فعال سیاسی شناخته می‌شوند و برای اقدامات تروریستی خود نیز بودجه و اعتبار دریافت می‌کنند.

«اسلام در خصوص تعامل مسلمانان با دیگران در سه حوزه، دستورات و سفارش‌هایی دارد. نخست حوزه اسلام و مسلمین هستند که با آن‌ها دارای اشتراکات متعدد دینی و فرهنگی هستند، حوزه دوم حوزه موحدان عالم است که با آن‌ها در اصل توحید و برخی دیگر از موارد دارای اشتراک هستند و سوم حوزه انسانیت است که شامل همه افراد غیرمسلمان و غیرموحد است که با آن‌ها در اصل انسانیت مشترک‌اند. در دستورات دین، دو عنصر مشترک در خصوص تعامل با این سه حوزه وجود دارد و آن دو عنصر عبارت‌اند از عنصر عقل و عدل؛ یعنی در بخش انگیزه و رفتار، عادلانه و در بخش اندیشه، عاقلانه رفتار شود» (۱۳۷). این نوع نگاه اسلام به موضوع تعامل با بشریت اکنون در معادلات بین‌الملل وجود ندارد.

بی‌عدالتی فرهنگی (هژمونی فرهنگی)

در حال حاضر پرشمارترین روزنامه‌ها و بزرگ‌ترین نویسندگان تلویزیونی در کشورهای غرب فعالیت می‌کنند و ماهواره‌ها در اختیار کشورهای سرمایه‌دار است. امکانات مخابراتی، دیجیتال و به‌ویژه اینترنت در اختیار ایالات متحده آمریکا است. درآمدهایی که آمریکا از راه اینترنت و از طریق فروش امکانات شبکه‌ای در دنیا به دست می‌آورد به صدها میلیارد و حتی تریلیون دلار می‌رسد. در چنین شرایطی فرهنگ‌های ملی فاقد امکانات رسانه‌ای و شبکه‌ای، به تدریج مخاطبان جهانی خود را از دست می‌دهند؛ در انزوا قرار می‌گیرند و ناگزیر از اتخاذ موضعی تدافعی می‌شوند.

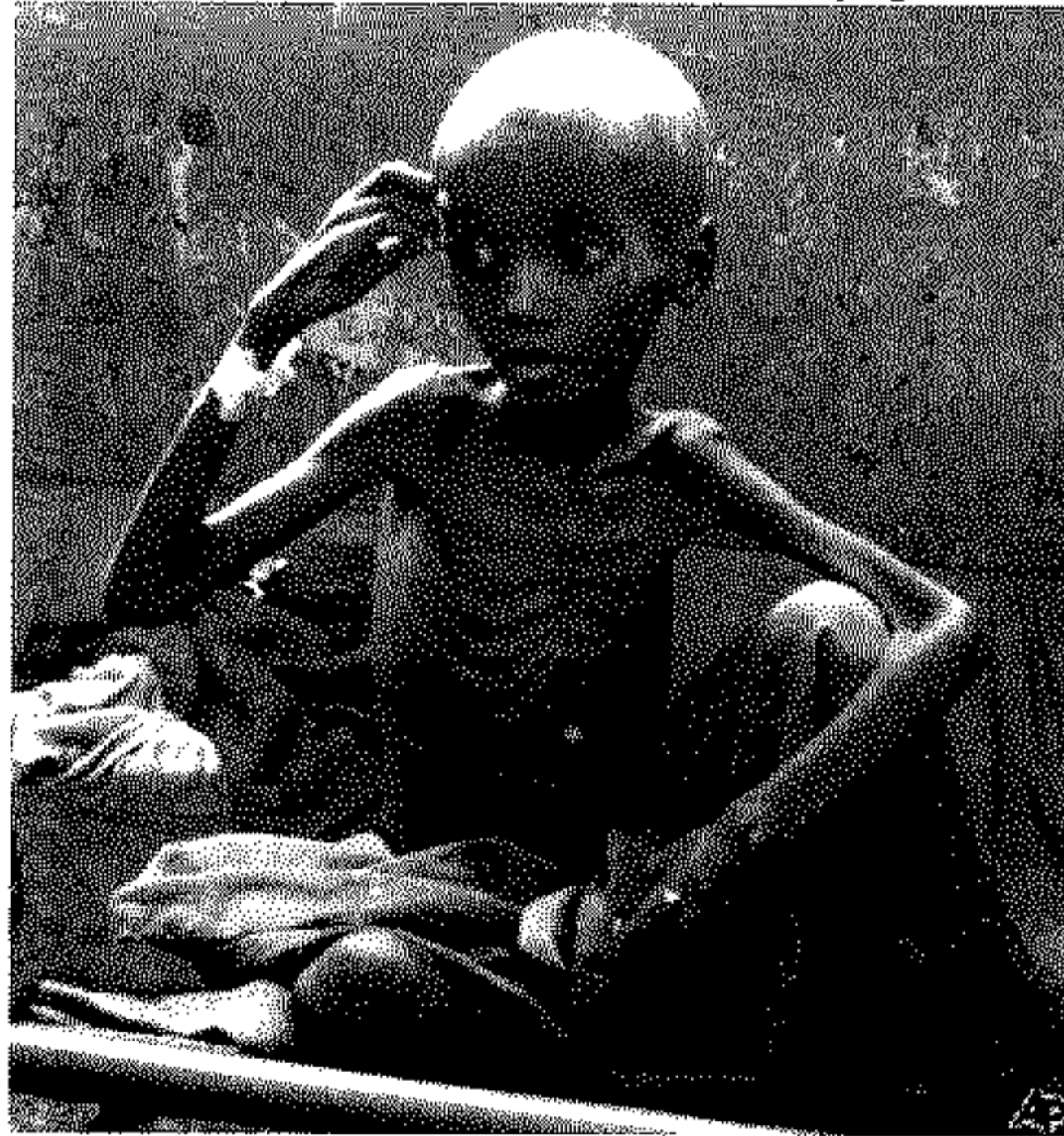
در حوزه فرهنگی، سیاست هر کشوری که با فرهنگ جهانی، به‌ویژه فرهنگ لیبرال که سایه سلطه و هژمونی خود را بر جهان افکنده است به مقاومت برخیزد، به عنوان ضدانقلاب عصر جهانی، سنتی، ضد بشر و ضد توسعه معرفی می‌شود. مقاومت در مقابل فرهنگ لیبرال دموکراسی به مثابه خصومت نسبت به غرب تلقی می‌شود. دولت‌های غربی تلاش نمودند با ابزارهای نرم قدرت، به مبارزه با فرهنگ و تمدن‌هایی که غنا و عیار خاصی دارند ادامه دهند، تا ابزارهای قدرت سخت و نرم را در اختیار خود داشته باشند. آن‌ها، تحت عنوان «انقلاب فرهنگی» کوشش کردند برآموزه‌های فرهنگی ملل شرق و از جمله، جهان اسلام، فرهنگ و تمدن خود را برتر و آنان را وادار به پذیرش آموزه‌های ارزشی و هنجارهای غربی نمایند؛ زیرا هدف نهایی، جهانی نمودن ارزش‌های غربی بود تا از این راه، هژمونی و سلطه خویش را بر جهان تداوم بخشند (۱۳۸).

بی‌عدالتی در تغذیه

امروزه در دنیا ۸۷۰ میلیون نفر از کمبود تغذیه رنج می‌برند. این بدان معنی است که حدود یک‌هشتم از مردم جهان برای سلامت و داشتن یک زندگی پرتحرک دسترسی به غذای کافی ندارند. در حقیقت گرسنگی و سوء تغذیه خطر شماره یک سلامت جهانی هستند، خطری حتی بزرگ‌تر از ترکیبی از بیماری‌های ایدز، مالاریا و سل. خبر خوب اینکه معضل گرسنگی کاملاً قابل حل است. در سراسر دنیا غذا به میزان کافی

برای همه وجود دارد و به منظور دستیابی به این منبع، نیازی به بررسی‌های پیچیده علمی نمی‌باشد. امروزه دانش، ابزار و سیاست، در کنار خواست و اراده سیاسی می‌تواند این مشکل را برطرف سازد.

حل معضل گرسنگی به برقراری صلح و ثبات کمک می‌کند. هنگامی که دولت‌ها نتوانند امنیت غذایی و دسترسی آسان به مواد غذایی کافی را تضمین کنند، در معرض سقوط قرار می‌گیرند. بی‌ثباتی در بازارهای غذا می‌تواند منجر به بی‌ثباتی در خیابان‌ها گردد. حل معضل گرسنگی، زمینه را برای پیشرفت در بسیاری از جنبه‌های توسعه از جمله بهداشت و تحصیل فراهم می‌کند. زنان با تغذیه مناسب، کودکان سالم‌تر و سنگین‌تری به دنیا می‌آورند که سیستم ایمنی قوی‌تری نیز دارند. احتمال مدرسه رفتن یک کودک سالم که از تغذیه مناسب بهره‌مند بوده، به مراتب از سایر کودکان بیشتر است (۱۳۹).



شکل ۳۱- گرسنگی در جهان امروز

بی‌عدالتی بهداشتی (زباله هسته‌ای)

هم‌اکنون برخی از کشورهای جهان بهداشت محیط زیست خود را به قیمت قربانی کردن بهداشت و محیط زندگی سایر انسان‌ها تأمین می‌کنند. آمریکا هر ساله صدها هزار تن از

زباله‌های خطرناک خود را به کشورهای دیگر صادر می‌کند. مقدار بسیار بیشتری از مقادیر اعلام شده نیز به صورت قاچاق و از مسیرهای غیرقانونی از این کشور خارج می‌شود که تا ۵۰ درصد مقادیر اعلام شده نیز برآورد می‌شود. آمریکا همچنین تا هشتاد درصد زباله‌هایی که به آن‌ها اقلام دست دوم الکترونیکی نام داده است، از محدوده سرزمینی خود خارج می‌کند. این اقلام شامل کامپیوترها، تلویزیون‌ها، گوشی‌های همراه و دیگر وسایل بی‌مصرف است. آمریکا بزرگ‌ترین تولیدکننده این تجهیزات به شمار می‌رود و پسماندهای این دستگاه‌ها، پس از مصرف، به کشورهای جهان سوم ارسال می‌شوند. اکثر این اقلام بی‌مصرف که سالانه به میلیون‌ها تن بالغ می‌شوند به کشورهای در حال توسعه و فقیر آسیا و آفریقا وارد می‌شوند، تا به ظاهر در آنجا بازیابی و یا بازسازی شوند، در حالی که تنها بخش بسیار کوچکی از این حجم زباله قابل بازیافت بوده و مابقی در محیط زیست رها می‌شوند.

آنچه واقعاً روی می‌دهد این است که زباله‌ها در این کشورها دفن شده و یا سوزانده می‌شوند و در نتیجه مقادیر فراوانی از مواد خطرناک و مضر حاوی کادمیوم، جیوه، سرب و عناصر خطرناک دیگر به هوا و خاک این کشورها وارد می‌شود. زباله الکترونیکی به دستگاه‌های الکترونیکی کهنه و قطعات آنان، همچون تلفن‌ها، کامپیوترها و لوح فشرده گفته می‌شود که حاوی فلزات خطرناکی مانند سرب، کادمیوم و جیوه هستند که در صورت رهاسازی در طبیعت پس از پایان عمر مفید و بازیافت نشدن صحیح، آلوده‌کننده خطرناک محیط زیست به شمار می‌روند.



شکل ۳۲- زباله‌های الکترونیکی حاوی فلزات سمی هستند.

شرکت‌های آمریکایی تولیدکننده وسایل الکترونیکی سالانه نزدیک به چهارصد میلیون دستگاه‌های الکترونیکی از کار افتاده را به مناطق فقیر کشورهای فقیر آسیایی و آفریقایی همچون چین، هند و غنا صادر می‌کنند. در واقع آلودگی خطرناک حاصل از اقالام الکترونیکی مصرف شده در آمریکا و کشورهای ثروتمند دیگر، نه در خود این کشورها بلکه در شهرهای فقیر چین، تایلند، مالزی، اندونزی، نیجر، هند، مصر و دیگر کشورهای آفریقایی که حتی گزارشی هم در مورد آن‌ها وجود ندارد منتشر می‌شود.

در شهرهایی مانند شهرهای جنوب چین، فقرا و کودکان، کامپیوترها و گوشی‌های تلفن همراه خارج از رده را برای یافتن اجزای فلزی با ارزش، اما سمی، جدا سازی می‌کنند. کودکان با حفاظ ایمنی ناقص، این فلزات را ذوب کرده و بخارات سمی حاصل از آن را استنشاق می‌کنند و هرآنچه که نتواند بازیافت شود نیز انباشته و یا دفن می‌شود. مردم این شهرها با مشکلات بزرگ بهداشتی و زیست‌محیطی دست به گریبان بوده و به بیماری‌های گوناگون مبتلا هستند.

آمریکا به طور سازمان یافته‌ای تلاش برای قانون‌گذاری بین‌المللی در مورد تجارت زباله‌ها را بی‌اثر گذاشته و در مسیر اجرایی شدن توافقات بین‌المللی سنگ‌اندازی می‌کند. در دهه ۸۰ میلادی به دنبال کشف چندین مورد از اعمال غیرقانونی و ضد بشری آمریکایی‌ها در مورد آلوده سازی محیط زیست کشورهای دیگر، از طریق میلیون‌ها تن از زباله‌های خطرناک (از جمله انتقال هزاران تن از خاکسترهای حاصل از سوزاندن زباله‌های فیلادلفیا به سواحل هائیتی) در نهایت در سال ۱۹۸۹ رایزنی‌های بین‌المللی به تنظیم معاهده‌ای انجامید که سعی داشت نقل و انتقال زباله‌های خطرناک را تحت نظارت قوانین بین‌المللی درآورد که به معاهده باسل موسوم شد.

این معاهده بسیار ملایم بود و انتقال زباله را فقط به قطب جنوب ممنوع اعلام کرده و در مورد کشورهای دیگر نیز اعلام موافقت رسمی دولت‌های مربوطه را برای دریافت زباله‌ها الزامی دانسته بود. هرچند واشنگتن این معاهده را امضا کرد، اما نظام سرمایه‌داری وابسته به

کمپانی‌ها در برابر اعتراض شدید بخش‌های درگیر در تجارت کثیف زباله‌های خطرناک عقب‌نشینی کرده و اجرایی شدن این معاهده را در سنای آمریکا هرگز به تصویب نرساند. از ۱۶۸ کشور امضاکننده معاهده تنها سه کشور نتوانستند اجرایی شدن آن را به تصویب مجالس خود برسانند که عبارت بودند از آمریکا، افغانستان و هائیتی که یکی از مقاصد زباله‌های مضر آمریکایی‌ها می‌باشند (۱۴۰).

تحقیر انسان‌ها

انسانی که مسجود فرشتگان است و می‌تواند خلیفه خدا بر روی زمین باشد در تمدن امروزی، کرامت خود را از دست داده است. کرامت در لغت به معنای شرافت، اصالت، سخاوت، بزرگواری، بزرگ‌منشی، آبرو، حیثیت و ضد پستی آمده است. کرامت، دور شدن از هر پستی و فرومایگی و نائل شدن به شرافت و بزرگواری تعریف شده است که به دارنده این صفت، کریم می‌گویند (۱۴۱).

کرامت؛ امانتی است الهی که بسان گوهر ارزشمندی از سوی ربّ مالک در صدف وجود عبد سالک به ودیعه گذاشته شده است و از مهم‌ترین عوامل کمال انسانیت و مقام آدمیت محسوب می‌شود. هرچند در تبیین این فرآیند از سوی مکاتب و مذاهب مختلف، تعاریف گوناگونی ارائه شده است، اما مناسب‌ترین و متعادل‌ترین تعریف عبارت است از: «عظمت و ارزش‌های ذاتی و درونی که در انسان نهفته است و در دیگر کائنات پیدا نمی‌شود».

در فرهنگ اسلامی دو نوع کرامت برای انسان تعریف شده است:

کرامت ذاتی: این نوع کرامت به‌طور تکوینی در پرتو نعمت‌ها و قابلیت‌های خاصی که خداوند به بنده‌اش اعطا کرده، در نهاد او به ودیعه گذاشته شده است و اختیار انسان در کسب این مقام نقش ندارد. به واسطه این فضیلت، انسان در مرتبه‌ای قرار می‌گیرد که برتر از دیگر موجودات است. قرآن کریم می‌فرماید:

﴿وَلَقَدْ كَرَّمْنَا بَنِي آدَمَ وَحَمَلْنَاهُمْ فِي الْبَرِّ وَالْبَحْرِ وَرَزَقْنَاهُمْ مِنَ الطَّيِّبَاتِ وَفَضَّلْنَاهُمْ

عَلَىٰ كَثِيرٍ مِّمَّنْ خَلَقْنَا تَفْضِيلًا؛ ما آدمی‌زادگان را گرامی داشتیم و آن‌ها را در خشکی و

دریا، (بر مرکب‌های راهوار) حمل کردیم و از انواع روزی‌های پاکیزه به آنان روزی

دادیم و آن‌ها را بر بسیاری از موجوداتی که خلق کرده‌ایم، برتری بخشیدیم^۱.
 از این آیه استنباط می‌شود، هر کمالی که در دیگر موجودات هست، حدّ اعلای آن در بشر وجود دارد. این کرامت یک وجه عمومی و کلی دارد که همه انسان‌ها را شامل می‌شود؛ از این رو حتی انسان‌های مشرک، کافر و فاسق از این نوع کرامت برخوردار بوده‌اند، ولی چنین گوهر بی‌همتایی را کُفران کرده و اصالت هویت اصیل خویش را به پای امور فناپذیر و ارزش‌های دروغین فدا کرده‌اند.

کرامت اکتسابی: یک نوع علّو روحی و اعتلای معنوی است که بر پایه تقوا و پارسایی ظهور می‌کند. قرآن کریم می‌فرماید:

﴿يَا أَيُّهَا النَّاسُ إِنَّا خَلَقْنَاكُمْ مِنْ ذَكَرٍ وَأُنْثَىٰ وَجَعَلْنَاكُمْ شُعُوبًا وَقَبَائِلَ لِتَعَارَفُوا إِنَّ أَكْرَمَكُمْ عِنْدَ اللَّهِ أَتْقَاكُمْ إِنَّ اللَّهَ عَلِيمٌ خَبِيرٌ﴾ ای مردم ما شما را از یک مرد و زن آفریدیم و شما را تیره‌ها و قبیله‌ها قرار دادیم تا یکدیگر را بشناسید؛ (این‌ها ملاک امتیاز نیست) گرامی‌ترین شما نزد خداوند با تقواترین شماست؛ خداوند دانا و آگاه است^۲.

بر اساس این آیه، انسان‌ها در ارتباط با این نوع کرامت یکسان نیستند، بلکه متفاوت هستند و هرچه میزان تقوا و پرهیزگاری آنان بیشتر باشد، کرامتشان نیز بیشتر خواهد بود. کسی که می‌خواهد به مقام مکرمین دست یابد، از پستی‌ها گریزان است و به اعتلا گرایش دارد (۱۴۲).

کرامت انسان در دنیای کنونی به‌ویژه تمدن غرب و آنچه از تمدن غرب به دنیای شرق نفوذ کرده است با پول‌گره خورده و ارزش‌گذاری می‌شود. برای مثال تمدن کنونی غرب، زن را به‌عنوان یک کالا برای تبلیغ مصنوعات خود و بهره‌کشی در آورده است. در کشورهای عضو اتحادیه اروپا مدام بر شمار کسانی که به‌عنوان روسپی، کارگر اجباری یا گدای خردسال مورد سوء استفاده قرار می‌گیرند، افزوده می‌شود. این نتیجه‌ی نخستین پژوهش گسترده اتحادیه

۱. اسراء، ۷۰.

۲. حجرات، ۱۳.

اروپا درباره تجارت انسان در این قاره است. طبق این پژوهش، رقم رسمی قربانیان تجارت انسان در فاصله سال‌های ۲۰۰۸ تا ۲۰۱۰ حدود ۱۸ درصد افزایش یافته و از ۶۳۰۹ نفر به ۹۵۲۸ نفر در سال رسیده است. بیشتر قربانیان تجارت انسان را زنان و دخترانی تشکیل می‌دهند که وادار به روسپی‌گری می‌شوند. طبق پژوهش اتحادیه اروپا، از سال ۲۰۰۸ تا سال ۲۰۱۰ در اروپا در مجموع نام ۲۳۶۲۳ قربانی تجارت انسان به‌طور رسمی ثبت شده است. ۶۸ درصد قربانیان زن بوده‌اند و ۱۲ درصد دختر، ۱۷ درصد مرد و ۳ درصد پسر (۱۴۳).

عدالت و کرامت انسان‌ها در عصر ظهور

عدالت، گمشده‌ی آدمی در تمامی قرون و اعصار و رسالت همه انبیاء و اولیاء است. عدالت گل‌واژه‌ای است که در عصر دود و باروت، هنوز هم هر شنونده‌ای را مسحور و هر بیننده‌ای را مبهوت می‌کند. عدالت، حقیقتی است که همه انسان‌ها در زلال فطرت خود با آن آشنایند و بسیاری جان خود را بر سر آن گذاشته‌اند (۱۴۴).

یکی از روایات بسیار مهم مهدوی روایت پر نمودن دنیا از عدالت توسط حضرت حجت وَجَّهَ الشَّرِيفُ است که مکرراً توسط پیامبر گرامی اسلام صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ، ائمه اطهار عَلَيْهِمُ السَّلَام و پیامبران و اولیای الهی تکرار شده است.

يَمَلَأُ اللهُ بِهِنَّ الْأَرْضَ قِسْطًا وَعَدْلًا كَمَا مُلِئَتْ ظُلْمًا وَجَوْرًا؛ زمین را از عدل و داد پر می‌کند چنان که از جور و ستم پر شده است.^۱

در قدم اول باید دید، ظلم و جور و قسط و عدل چیست. وقتی صحبت از ظلم می‌شود مصادیق محدودی از ظلم مانند کشتار و پایمال کردن حقوق مادی انسان‌ها، ظلم در قضاوت بین مردم و دست اندازی به نوامیس آن‌ها به ذهن متبادر می‌شود، چون برداشت جامعه از ظلم به همین مصادیق، محدود می‌شود. اقسام زیاد شده مصادیق مهم و شاید برخی از آن‌ها بالاترین نوع ظلم هستند، اما دایره ظلم به همین موضوعات ختم نمی‌شود و ظلم مصادیق بسیار متعدد دیگری دارد که یا جدی گرفته نشده‌اند و یا موارد متعدد دیگری از ظلم در تمدن

۱. کمال الدین، شیخ صدوق، ج ۲، ص ۳۷۷.

کنونی حاکم بر جهان ظهور و بروز پیدا کرده است که به برخی از آن‌ها اشاره می‌شود. یکی از مهم‌ترین مصادیق ظلم که در تمدن کنونی ظهور و بروز نموده است؛ ظلم به طبیعت، محیط زیست یا به طور عام، ظلم به کره خاکی می‌باشد. ورود میلیاردها تن دی‌اکسیدکربن، انواع گازهای گلخانه‌ای، گازهای سمی و خطرناک و فلزات سنگین به جو زمین به علت صنعت و سبک زندگی، ورود ده‌ها میلیون تن انواع مواد شوینده مضر به خاک و در نتیجه منابع آب، دریاها و رودخانه‌ها، ورود ده‌ها میلیون تن پساب‌های صنعتی، قطعات الکترونیک کهنه و فرسوده، پاشش ده‌ها میلیون لیتر سموم دفع آفات نباتی و حشره‌کش و کودهای شیمیایی در مزارع، باغات و محیط زیست و ده‌ها مورد دیگر از مصادیق مهم و جدید ظلم به طبیعت و محیط زیست در تمدن مدرنیته است. هیچ‌گاه چرخه و زنجیره‌های طبیعت به دست بشر گسسته نشده بود، ولی در قرن اخیر گسسته شده است.

تاراج معادن و منابع طبیعی که باید قرن‌ها توسط بشر مورد استفاده قرار گیرد به علت سبک زندگی، مصرف‌گرایی و تجمل‌گرایی در تمدن کنونی از مصادیق بارز ظلم است. تمدن کنونی برای هر ابزار مورد استفاده در منزل، ادارات و مکان‌های عمومی و هر فعالیت خصوصی و عمومی یک میز چوبی تعریف کرده است. میز تحریر، میز توالت، میز آرایش، میز نهارخوری، میز کامپیوتر، میز اداری، میز تلفن، میز تلویزیون، میز آب سردکن، انواع مبل و سایر انواع لوازم چوبی که تولید و مصرف آن‌ها به قیمت تاراج جنگل‌ها و منابع طبیعی تمام شده است. استفاده بی‌اندازه از فلزات و تعویض سریع مدل‌ها و تعریف نیمه عمر؛ منابع انرژی و منابع انواع فلزات و سایر نیازمندی‌های بشر را مورد ظلم بی‌نظیری قرار داده است.

روابط بین الملل ظالمانه مانند حق وتو، پخش فیلم‌های خشن و مستهجن که رهاورد تمدن مدرنیته است از اقسام مهم و جدید ظلم به اخلاق بشریت است. ایجاد مسابقه تسلیحاتی، جنگ‌سازی، بیماری‌سازی برای فروش تسلیحات، دارو و تجهیزات پزشکی، بیوتروریسم علیه انسان‌ها، حیوانات و حتی منابع طبیعی، تولید سلاح‌های میکروبی، شیمیایی و هسته‌ای، استفاده از زنان برای تبلیغ کالا، ریختن گندم در دریا و معدوم ساختن برخی دیگر از محصولات کشاورزی برای کنترل قیمت، سالیانه ۳۲ میلیون سقط جنین قانونی ثبت شده

در جهان، تولید، تبلیغ و مصرف لوازم آرایشی بی حد و حصر، تولید اجناس، مواد غذایی، دارو و سایر ملزومات تقلبی که ایمنی و سلامتی انسان را به خطر می اندازد، تولید محصولات غذایی آلوده به سموم، رنگ، مواد شیمیایی مضر، ترویج لختی و ایجاد شهرها و سواحل لختی، چاپ ظالمانه پول (دلار) توسط دولت‌ها، صله رحم نکردن، دوری از پدر و مادر و گسیختگی بنیان خانواده‌ها و رواج انواع ازدواج بدون تعهد طرفین به قانون و اخلاق، تبلیغات تجاری دروغ و کاهش ولایت پدر و مادر و بزرگان خانواده از مصادیق مهم ظلم هستند که در تمدن کنونی به وجود آمده‌اند یا سیر شتابانی گرفته‌اند.

ظلم انسان به خودش که از اقسام بسیار مهم ظلم می‌باشد نیز در تمدن کنونی بسیار رایج‌تر شده است. «در قرآن، ظلم به نفس در آیات متعددی تکرار شده است. در دعای کمیل می‌خوانیم: «ظَلَمْتُ نَفْسِي» و در مناجات شریف شعبانیه «قد جرت علی نفسی فی النظر لها فلها الویل ان لم تغفر لها». گناهان، لغزش‌ها، رفتن به دنبال شهوات، رفتن به دنبال اهواء، دور شدن از توجه، تذکر و خشوع در مقابل پروردگار، ظلم به خود است. این هم یک عرصه‌ی مهمی (از ظلم) است. ما وقتی که در باب عدالت بحث می‌کنیم؛ عدالت در روابط اجتماعی، عدالت در تشکیل نظام اجتماعی؛ نمی‌توانیم از عدالت نسبت به خودمان غفلت کنیم. به خودمان هم نباید ظلم کنیم. به خودمان هم بایستی عدل بورزیم»^۱.

وقت گذرانی در برابر تلویزیون، فیلم و سریال‌های چند صد قسمتی که اکنون بسیار رایج شده است، وب‌گردی و گذراندن اوقات شریف انسان در کانال‌های تلگرامی و سایر وسایل ارتباطی، اقسام ظلم به خود می‌باشد. گذراندن وقت گران‌بها به تماشای انواع و اقسام مسابقات ورزشی، خواندن مجلات مربوط به آن و بحث‌های بی ارزش در این باره بدون اینکه کوچک‌ترین بهره ورزشی برای بسیاری اشخاص داشته باشد، دوری از خانواده و ممنوع و به سربردن در فضای مجازی در ساعات طولانی و تا پاسی از شب یا شبانه‌روزی از مصادیق جدید ظلم به خود می‌باشد.

۱. مقام معظم رهبری، حضرت آیت الله سید علی حسینی خامنه‌ای، بیانات در دومین نشست اندیشه‌های راهبردی ۱۳۹۰/۰۲/۲۷.

از بین بردن نسل حیوانات برای استفاده از پوست، گوشت، شاخ، عاج و حتی تفریح که ضربات جبران ناپذیر بر محیط زیست، از بین بردن حشرات مفید با استفاده از سموم به صورت غیر علمی و بی رویه، برای سودجویی بیشتر، از مصادیق ظلم به طبیعت، حشرات و خود انسان می باشد.

بنابراین ممکن است در این روایت پر شدن دنیا از ظلم و جور گستره‌ای وسیع‌تر از آنچه تا کنون در اذهان بوده است را شامل گردد. اما به تبع این نوع نگاه به اقسام ظلم، عدالتی که امام عصر عجل الله تعالی فرجه الشریف در زمین حکم فرما می کند عدالتی است که همه‌ی اقسام ظلم را از میان برداشته و عدالت را در همه‌ی موضوعات و زوایای مختلف زندگی انسان مستقر می کند. امام عصر عجل الله تعالی فرجه الشریف عدالت را در روابط بین انسان‌ها با یکدیگر، رابطه انسان‌ها با خودشان، رابطه انسان‌ها با حیوانات و محیط زیست برقرار می کند.

روش برقراری عدالت توسط امام

الف) عدالت در روابط بین انسان‌ها

«روش برقراری عدالت در هر یک از این زمینه‌ها استفاده از زور و شمشیر نیست. قتال راهکار نهایی امام نیست، قتال برای برداشتن موانعی است که هیچ راهی برای هدایتشان نیست. هیچ استعدادی توسط امام ضایع نمی شود. اصولاً ائمه برای به کمال رساندن استعدادها آمده و اگر ذره‌ای استعداد هدایت در کسی ببینند تلاش بسیاری می کنند که آن استعداد را بالفعل کنند. بنابراین اصل، بر تسخیر قلوب و هدایت است و استفاده از قوه شمشیر برای برداشتن موانعی است که از سعادت و کمال بشر جلوگیری می کنند و خود نیز به هیچ طریقی قابل هدایت نیستند»^۱.

اصولاً در روایات مانور زیادی روی اسلحه امام و قتال برای برقراری عدالت داده نشده و شمشیر کمترین سهم را در مهدویت دارد. البته این موضوع ناقض شدت عمل حضرت در برابر طغیان‌گران و ظالمین نیست. برخلاف برخی برداشت‌ها، به جای شمشیر و کشتار، آنچه

۱. برگرفته از درس خارج مهدویت، حضرت آیت الله محمد رضا عابدینی.

در پیشبرد اهداف امام، از جمله برقراری عدالت در روایات بر آن تأکید شده است چهار چیز است:

- ۱- عظمت، شوکت، اقتدار و صلابت یاران امام و قدرت جسمی و ایمان آن‌ها.
 - ۲- رعب و وحشتی که به امر الهی به واسطه نشانه‌ها و صلابت یاران و هیبت امام در دل دشمن می‌افتد.
 - ۳- ورود جنود غیبی از جمله ملائک به کارزار.
 - ۴- بالا رفتن عقل، علم و تجربه ملت‌ها و یاس عمومی از تمدن مادی شیطانی که قرن‌ها بر جوامع انسانی حکومت کرده‌اند. بن بست فکری و نبود ایده جدید برای اغوای ملت‌ها از طرف جنود شیطان.
- دوران امام عصر را نباید با زمان‌های قبل مقایسه کرد، چون واقعه شریف ظهور، آغاز ظهور اراده‌ی خداوند در عالم و گام اول قیامت است. به گفته قرآن «قضی الامر» یعنی امر خداوند قهرا جاری خواهد شد.

حذیفه می‌گوید از رسول خدا ﷺ شنیدم که فرمود:

إذا كان عند خروج القائم ينادى مناد من السماء: أيها الناس قطع عنكم مدة الجبارين و
ولى الامر خیرامة محمد فالحقوا بمكة، فيخرج النجباء من مصر والابدال من الشام
وعصائب العراق رهبان بالليل، ليوث بالنهار، كأن قلوبهم زبر الحديد فيبايعونه بين الركن
والمقام؛ هنگامی که زمان ظهور قائم فرارسد، نداکننده‌ای از آسمان ندا می‌دهد که:
هان ای مردم! خداوند سلطه‌ی جبارین را از سر شما برداشت و سررشته‌ی کارها و
تدابیر امور گیتی را، شایسته‌ترین و والاترین امت محمد ﷺ، به کف با کفایت
خویش گرفت، اینک خود را به مکه برسانید. و آنگاه است که چهره‌های پرفضیلتی
از مصر، شایستگانی از شام و گروه‌هایی از عراق، بسوی مکه، می‌شتابند که شیران
روز و راهبان شب هستند؛ دل‌هایشان همانند فولاد سخت و استوار است پس بین
رکن و مقام با او بیعت می‌کنند.^۱

۱. بحار الانوار، علامه مجلسی، ج ۵۲، ص ۳۰۴؛ اختصاص، شیخ مفید، ص ۲۰۸.

بنابراین با ظهور امام، دوران و جولان باطل به پایان رسیده و دولت حق فرامی رسد و این وعده، قول و خواست خداوند متعال است.

لِلْحَقِّ دَوْلَةٌ، لِلْبَاطِلِ جَوْلَةٌ.

برای حق دولتی و از برای باطل جولانی باشد.^۱

﴿هُوَ الَّذِي أَرْسَلَ رَسُولَهُ بِالْهُدَىٰ وَدِينِ الْحَقِّ لِيُظْهِرَهُ عَلَى الدِّينِ كُلِّهِ وَلَوْ كَرِهَ الْمُشْرِكُونَ﴾؛ او کسی است که رسولش را با هدایت و آیین حق فرستاد، تا آن را بر همه آیین‌ها غالب گرداند، هر چند مشرکان کراهت داشته باشند.^۲

در این دوران پرچم ظفر پیامبر افراشته می شود و امر الهی بر این تعلق گرفته است که ولایت الله و حاکمیت الله که در قیامت قهری و مطلق ظهور می کند در این دنیا نیز به درجاتی ظهور نماید. عصر ظهور عصر تحقق غیب در عالم انسانی است.

اصولا درگیری های ظهور آنچنان که به آن دامن زده شده است وسیع نیست. طغیانگرانی وجود دارند که امام آن‌ها را در مدت کوتاهی از میان برمی دارد. ظالمین زیر پای ملت‌ها، در حالی که به سمت امام می روند له می شوند. بلکه یاران امام به امر امام عرق زیادی برای هدایت بشر به قهقرا رفته می ریزند.

پیامبر گرامی اسلام ﷺ می فرمایند:

ياوَي اِلى المهدى امته كما ياوَي النحل الى يعسوبها؛ امت به امام زمان عجل الله فرجه رو می کنند، همان طور که زنبور عسل به ملکه خود رو می کنند.^۳

همچنین می فرمایند:

يُخْرِجُ الْمَهْدِيَّ فِي أُمَّتِي يَبْعَثُهُ اللَّهُ غِيَاثًا لِلنَّاسِ؛ امام عصر عجل الله فرجه در میان امتم قیام می کند در حالی که خداوند او را پناه مردم (فریادرس) قرار می دهد.^۴

۱. غرر الحکم و درر الکلم، عبد الواحد بن محمد تمیمی آمدی، ص ۵۴۴؛ عیون الحکم والمواعظ، علی بن محمد لیشی واسطی، ص ۴۰۳.

۲. توبه، ۳۳.

۳. الحاوی للفتاوی، سیوطی، ج ۲، ص ۷۷.

۴. کشف الغمّه، اربلی، ج ۲، ص ۲۷۰.

غیاث یعنی تنها فریادرس، یعنی فریادرسی، در زمانی که هیچ فریادرسی نباشد. امام عصر علیه السلام در هنگامه‌ی ظهور چنین خواهد فرمود:

أَنَّ رَحْمَةَ رَبِّكُمْ وَسَعَتُ كُلِّ شَيْءٍ وَأَنَا تِلْكَ الرَّحْمَةُ؛ رَحْمَتُ خَدَاوْنِدِ هَمَّهِ أَشْيَاءَ رَا
فَرَاكَرْفَتَهٗ اِسْتِ وَمَنْ هَمَّانِ رَحْمَتِ وَاِسْعَهٗ هَسْتُمْ.^۱

رحمت واسعه بودن امام به این معنی نیست که ایشان در برابر طغیان‌گران و ظالمین سکوت کند، بلکه طبق آیات متقن قرآن و سنت رسول خدا، با شدت با آن‌ها برخورد می‌کند. این برخورد، امر الهی است که در جای جای قرآن و روایات به آن اشاره شده است. درباره اجرای عدالت مالی و بخشایش مال بین مردم توسط امام روایات فراوانی وجود دارد که برای نمونه می‌فرمایند:

چون مهدی ما اهل بیت قیام کند، مال را به طور مساوی تقسیم می‌کند و عدالت را در میان رعیت اجرا می‌کند. هر کس از او اطاعت کند، از خدا اطاعت کرده است و هر کس او را نافرمانی کند، خدای او را نافرمانی کرده است.^۲

در میان اهل تورات با تورات، در میان اهل انجیل با انجیل، در میان اهل زبور با زبور و در میان اهل قرآن با قرآن داوری می‌کند. ثروت‌های روی زمین و گنج‌های درون آن از تمام نقاط جهان به سوی او گرد می‌آیند. آنگاه خطاب به مردم می‌فرماید: بیایید، این همان متاع دنیا است که برای آن با خویشاوندان قطع رحم کردید، خون‌های حرام را ریختید، به حریم گناهان وارد شده، مرتکب محرمات الهی شدید، این ثروت‌ها را کلان کلان در اختیار مردم قرار می‌دهند که چنین رقم‌های درشت در تاریخ بخشش‌های جهان بی سابقه خواهد بود. زمین را پراز عدل و داد و نور کند، آن چنان که مملو از جور و ستم و شر شده باشد.^۳

امام صادق علیه السلام فرمود:

۱. بحار الانوار، علامه مجلسی، ج ۵۳، ص ۱۱.

۲. الغیبة، نعمانی، ص ۱۲۴؛ بحار الانوار، علامه مجلسی، ج ۵۱، ص ۲۹ و ج ۵۲، ص ۳۵۱.

۳. بحار الانوار، علامه مجلسی، ج ۵۱، ص ۲۹ و ج ۵۲، ص ۳۵۱؛ منتخب الاثر، آیت الله صافی گلپایگانی، ص ۳۱۰.

أول ما يظهر القائم العدل ان ينادى مناديه: أن يسلم صاحب النافلة لصاحب الفريضة الحجر الأسود والظواف؛ نخستین چیزی که از عدالت قائم عجل الله فرجه ظاهر می‌شود، این است که منادی اعلام می‌کند، آنان که طواف مستحبی می‌کنند، «مطاف» (محل طواف) و «حجرالاسود» را برای کسانی که طواف واجب می‌کنند، خالی کنند.^۱

إذا قام حكم بالعدل وارتفع في أيامه الجور وأمنت السبل وأخرجت الأرض برکاتها ورد كل حق إلى أهله ولم يبق أهل دين حتى يظهر الإسلام ويعترفوا بالإيمان؛ مهدی چون قیام کند، به عدالت داوری می‌کند و در زمان او ستم ریشه کن می‌شود و راه‌ها امن می‌گردد و زمین برکت‌های خود را ظاهر می‌کند و هر حقی به صاحب حق برمی‌گردد و پیرو هیچ آیینی نمی‌ماند، جز اینکه به اسلام می‌گردد و به آن ایمان می‌آورد.^۲

بر اساس امر الهی، امام عصر عجل الله فرجه مصلح، یعنی اصلاح‌کننده‌ی امور در همه‌ی لایه‌های زندگی انسان، چرخه‌ی طبیعت خدا و حتی حیوانات و جنیان می‌باشند. این تهمت که امام عصر کشتارهای وسیعی به راه می‌اندازد به گونه‌ای که خون تا ساق پا می‌رسد با غیاث و رحمت واسعه بودن امام، سنت رسول خدا و ائمه اطهار و آیات متقن قرآن منافات دارد و این دروغ بزرگی است که برخی افراد، دانسته و برخی دیگر ندانسته، بر اساس روایات جعلی و یا فهم نادرست و ناقص از روایات دیگر بر مهدویت بسته‌اند. آنچه مسلم است، در دولت آخرین سفیر الهی علیه السلام همه‌ی کارها با اعجاز انجام نمی‌شود و برای برطرف شدن موانع، اقداماتی صورت می‌گیرد که این مسئله با دو دید، افراط و تفریط مواجه شده است. درگیری‌های این چنینی در برخی نقاط محدود و با برخی گروه‌های محدود انجام می‌شود.

امام عصر بر اساس امر الهی اقدام به قیام برای اقامه ولایت و حاکمیت الله در جهان می‌کند و ملت‌های جهان را به دین خدا دعوت می‌نماید. گروه محدودی در نقاطی خاص مانع قیام حضرت و حاکمیت آموزه‌های الهی در جهان می‌شوند. این گروه محدود در برابر پیامبران الهی

۱. بحار الانوار، علامه مجلسی، ج ۵۲، ص ۳۷۴.

۲. همان، ج ۵۲، ص ۳۳۸.

نیز مانع ایجاد کردند. دعوت نوح عليه السلام را نپذیرفتند، قصد به صلیب کشیدن حضرت عیسی عليه السلام را داشتند و با پیامبر اسلام صلى الله عليه وآله مقاتله کردند. در زمان ظهور نیز قصد به شهادت رساندن حضرت مهدی و جلوگیری از حاکمیت ایشان را دارند که پس از دعوت، مذاکره و اتمام حجت (شبیبه سنت رسول خدا و امام علی عليه السلام) امام آنها را، مطابق با آیات قرآن (اشدء علی الکفار) با شدت از میان برمی دارد، اما ملت های جهان با از میان رفتن این موانع به امام می پیوندند و در یک برنامه ریزی فرهنگی و تربیتی به آموزه های الهی متمایل شده و تسلیم امر الهی می شوند.

ب) برقراری عدالت در سایر روابط انسان

رعایت آموزه های علمی، عقلی و الهی باعث بازگشت عدالت به چرخه ی طبیعت و زنجیره ی زندگی حیوانات شده و گسترش مهر و محبت بین امام و امت و بین مومنین باعث به کمال رسیدن روابط بین مومنین می شود.

مردم پایه های اصلی برقراری عدالت در جامعه

پیامبران الهی، در مأموریت آسمانی خود، خواهان اقامه عدل در جهان، در بین همه انسان ها بوده اند و می خواستند مردم را طوری تربیت کنند که آنان خود قسط و عدل را به پا دارند، نه آن که به زور و قدرت حاکم، به عدالت تن دهند. خداوند در قرآن کریم می فرماید:

﴿لَقَدْ أَرْسَلْنَا رُسُلَنَا بِالْبَيِّنَاتِ وَأَنْزَلْنَا مَعَهُمُ الْكِتَابَ وَالْمِيزَانَ لِيَقُومَ النَّاسُ بِالْقِسْطِ: مَا

رسولان خود را با دلایل روشن فرستادیم و با آنها کتاب (آسمانی) و میزان (شناسایی

حق از باطل و قوانین عادلانه) نازل کردیم تا مردم قیام به عدالت کنند﴾!

از این آیه استفاده می شود که پیامبران می خواستند، مردم را طوری تربیت کنند تا خود، قیام به قسط نمایند و عدل را برپا دارند، لذا فرمود: «ليقوم الناس بالقسط» و فرمود: «ليقيموا الناس بالقسط». بین حاکمی که با نیروی نظامی و انتظامی عدل را برقرار می کند و حاکم دیگر که مردم را از نظر کمالات و درک عقلانی به جایی می رساند که خود اقامه عدل نمایند

تفاوت وجود دارد.

در تعالیم الهی، عدل از جایگاه رفیعی برخوردار است تا جایی که همه انسان‌ها مأمور شده‌اند در تمام زمینه‌های زندگی خود، از جمله در کوچک‌ترین واحد اجتماع یعنی نظام خانواده و رابطه اعضای خانواده، تا نظام اجتماعی و اقتصادی، سیاسی و نظامی، در گفتار و کردار و روابط بین‌المللی عدالت را مراعات کنند. نمونه‌هایی از این فرمان‌ها عبارت‌اند از:

﴿يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا كُونُوا قَوَّامِينَ لِلَّهِ شُهَدَاءَ بِالْقِسْطِ وَلَا يَجْرِمَنَّكُمْ شَنَاَنُ قَوْمٍ عَلَىٰ أَلَّا تَعْدِلُوا اعْدِلُوا هُوَ أَقْرَبُ لِلتَّقْوَىٰ وَاتَّقُوا اللَّهَ إِنَّ اللَّهَ خَبِيرٌ بِمَا تَعْمَلُونَ﴾ ای کسانی که ایمان آورده‌اید همواره برای خدا قیام کنید و از روی عدالت، گواهی دهید. دشمنی با جمعیتی، شما را به گناه و ترک عدالت نکشانند. عدالت کنید که به پرهیزگاری نزدیک‌تر است و از (معصیت) خدا بپرهیزید که از آنچه انجام می‌دهید، باخبر است.^۱

﴿وَلَا تَقْرَبُوا مَالَ الْيَتِيمِ إِلَّا بِالَّتِي هِيَ أَحْسَنُ حَتَّىٰ يَبْلُغَ أَشُدَّهُ وَأَوْفُوا بِالْكَيْلِ وَالْمِيزَانَ بِالْقِسْطِ لَا نُكَلِّفُ نَفْسًا إِلَّا وُسْعَهَا وَإِذَا قُلْتُمْ فَاعْدِلُوا وَلَوْ كَانَ ذَا قُرْبَىٰ وَبِعَهْدِ اللَّهِ أَوْفُوا ذَلِكُمْ وَصَّاكُمْ بِهِ لَعَلَّكُمْ تَذَكَّرُونَ﴾ و به مال یتیم، جز به بهترین صورت (و برای اصلاح)، نزدیک نشوید، تا به حد رشد خود برسد و حق پیمانانه و وزن را به عدالت ادا کنید، هیچ‌کس را، جز به مقدار توانایی‌اش، تکلیف نمی‌کنیم و هنگامی که سخنی می‌گویید، عدالت را رعایت نمایید، حتی اگر در مورد نزدیکان (شما) بوده باشد و به پیمان خدا وفا کنید، این چیزی است که خداوند شما را به آن سفارش می‌کند، تا متذکر شوید.^۲

﴿إِنَّ اللَّهَ يَأْمُرُ بِالْعَدْلِ وَالْإِحْسَانِ وَإِيتَاءِ ذِي الْقُرْبَىٰ وَيَنْهَىٰ عَنِ الْفَحْشَاءِ وَالْمُنْكَرِ وَالْبَغْيِ يَعِظُكُمْ لَعَلَّكُمْ تَذَكَّرُونَ﴾ خداوند به عدل و احسان و بخشش به نزدیکان فرمان می‌دهد، و از فحشا و منکر و ستم، نهی می‌کند؛ خداوند به شما اندرز می‌دهد، شاید

۱. مائده، ۸.

۲. انعام، ۱۵۲.

متذکر شوید^۱.

با تدبر در آیات فوق می بینیم که خداوند در خصوص کوچک ترین مسائل مانند گواهی و شهادت دادن، مواجهه با دشمن، وزن و پیمان، حق یتیم و حتی در سخن گفتن امر به عدالت نموده است.

پیامبر گرامی اسلام ﷺ فرمود:

فهره امام تقی نقی بار مرضی هاد مهدی اول لعدل و آخره؛ هموست امام پاک و منزه، مورد سرور و خوش رویی و رضایت مردم. اوست هدایت کننده و هدایت شده. او آغاز عدالت است و هم فرجام آن.^۲

در این روایت پیامبر گرامی اسلام ﷺ امام زمان را به اول و آخر عدل توصیف کرده اند. یعنی صفر تا صد عدل را او محقق می کند، از ابتدا تا انتهایش را او می رود. درست است که تمام انبیاء و اولیاء و معصومین همه، هم خودشان در حد ممتاز و اعلی، عادل بودند، هم عدالت خواه بودند و هم در صدد این بودند که هر مقدار که امکان دارد، عدالت را تحقق ببخشند. اما این ویژگی منحصر به فرد برای امام زمان عجل الله فرجه است و اوست که عدل را در جهان محقق می کند. نه فقط تحقق می بخشد، بلکه جهان را از عدل پر می کند. امام عصر این ویژگی منحصر به فرد را دارد.

رسول خدا ﷺ فرمود:

لو لم یبق من الدهر الا یوم، لبعث الله رجلاً من اهل بیته یملأها عدلاً کما ملئت جوراً؛ اگر باقی نماند از روزگار مگر یک روز، البته خداوند برمی انگیزد مردی از اهل بیت مرا که زمین را از عدل پر کند، همچنان که از ستم پر شده باشد.^۳

در حکومت آن حضرت هیچ ویژگی به اندازه «عدل و قسط»، برجستگی و روشنی ندارد و مردم آن حضرت را عمدتاً از عدل او می شناسند و آنچه در اولین لحظه از نام مبارک او در ذهن

۱. نحل، ۹۰.

۲. کمال الدین، شیخ صدوق، ص ۲۶۷.

۳. بحار الانوار، علامه مجلسی، ج ۵۱، ص ۱۰۴.

خطور می کند، عدل او است (۱۴۵).

فضیل بن یسار گوید: شنیدم امام صادق علیه السلام می فرمود:

قائم ما چون قیام کند با جهل مردم، شدیدتر از آنچه رسول خدا صلی الله علیه و آله با آن از سوی نادانان جاهلیت روبرو شد برخورد می کند. عرض کردم، این چگونه ممکن است؟ فرمود: همانا رسول خدا در حالی به سوی مردم آمد که آنان سنگ و کلسوخ و چوب های تراشیده و مجسمه های چوبین را می پرستیدند، و قائم ما چون قیام کند در حالی به سوی مردم می آید که جملگی کتاب خدا را علیه او تأویل می کنند و بر او بدان احتجاج می نمایند، سپس فرمود: بدانید به خدا سوگند که موج دادگستری او بدان گونه که گرما و سرما نفوذ می کند تا درون خانه های آنان راه خواهد یافت.^۱

عدالت در عصر مهدوی چنان عمق و گستردگی دارد که به صورت شعار در دست مؤمنین قرار داده شده است. به گونه ای که در زیارات و ادعیه مختلف، عدالت مهدوی به کرات گوشزد شده است. در زیارت حضرت صاحب الامر می خوانیم:

السَّلَامُ عَلَى الْقَائِمِ الْمُتَنَطَّرِ وَالْعَدْلِ الْمُشْتَهَرِ؛ سلام بر قائم منتظر و عدل پراوازه.^۲

مهر و محبت بین امام و امت مایه گسترش عدالت

پیامبر گرامی اسلام صلی الله علیه و آله فرمود:

یاوی الی المهدی امته کما تاوی النحل الی یعسوبها و یسیطر العدل حتی یکون الناس علی مثل امرهم الاول، لایوقظ نائماً ولا یهریق دماً؛ امت اسلامی به مهدی عجل الله تعالی فرجه مهر می ورزند و به سوبش پناه می برند، آن چنان که زنبوران عسل به سوی ملکه خود پناه می برند. عدالت را در پهنه گیتی می گسترانند و صفا و صمیمیت صدر اسلام را به آن ها باز می گردانند. خفته ای را بیدار نمی کند (یعنی کسی مزاحم آسایش کسی نمی شود) و خونی را (به ناحق) نمی ریزد.^۳

۱. الغیبة، نعمانی، ص ۲۹۷، باب ۱۷، ح ۱؛ بحار الانوار، علامه مجلسی، ج ۵۲، ص ۳۶۲.

۲. مفاتیح الجنان، زیارت حضرت صاحب الامر علیه السلام.

۳. منتخب الاثر، آیت الله صافی گلپایگانی، ج ۳، ص ۱۵۵، ح ۱۱۵۵.

امام علی علیه السلام فرمود:

هو الشمس الطالعة من مغربها، يظهر عند الركن والمقام، فيطهر الأرض و يضع ميزان العدل فلا يظلم أحدٌ أحدًا؛ او همان خورشیدی است که از مغرب طلوع خواهد کرد. در میان رکن و مقام ظاهر می شود و میزان عدالت را می گسترد، دیگر کسی به کسی ستم نمی کند.^۱

امام باقر علیه السلام فرمود:

إذا قام قائم أهل البيت قسم بالسوية وعدل في الرعية، فن أطاعه فقد أطاع الله ومن عصاه فقد عصى الله؛ چون مهدی ما اهل بیت قیام کند، مال را به طور مساوی تقسیم می کند و عدالت را در میان رعیت اجرا می کند. هر کس از او اطاعت کند، از خدا اطاعت کرده است و هر کس او را نافرمانی کند، خدای را نافرمانی کرده است.^۲

قضاوت امام بر اساس عدالت و به شیوه داوود و سلیمان نبی

در این میان، قضاوت آن حضرت نیز بی نظیر است. به گونه ای عادلانه حکم می شود که سرسوزنی ظلم و بیداد به کسی نشده و هیچ رنج و محنتی بردلی نمی نشیند. حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف بر طبق احکام خالص دینی حکم و حکومت می کند، میزان عدل را در میان مردم می نهد و بدین گونه هیچ کس نمی تواند به دیگری ستم کند.

امام صادق علیه السلام فرمود:

در همین مسجد شما، یعنی در مکه به زودی ۳۱۳ مرد می آیند که اهل مکه به خوبی می دانند آن ها را پدران و نیاکان آنان نژاییده اند. بردست آنان شمشیرهایی باشد و بر هر شمشیری کلمه ای نوشته باشد که از آن، هزار کلمه گشوده گردد. پس خدای تبارک و تعالی بادی فرستد تا در هر وادی جار کشد که: «این است مهدی به روش

۱. بحار الانوار، علامه مجلسی، ج ۵۲، ص ۱۹۵.

۲. الغیبه، نعمانی، ص ۲۳۷، ج ۲۶.

داوود و سلیمان قضاوت کند و گواه بر حکم خود نطلبید»^۱.

امام صادق علیه السلام فرمود:

هرگاه قائم آل محمد صلی الله علیه و آله قیام کند، میان مردم به حکم داود حکم می کند و در حکمش نیاز به بینه و گواه ندارد. خداوند بزرگ به او الهام می کند، پس به علم خود حکم می کند.^۲

امام صادق علیه السلام فرمود:

وقتی که قائم قیام کند، داوری را بر اساس عدالت قرار می دهد و ظلم و جور در دوران او برچسبیده می شود و جاده ها در پرتو وجودش امن و امان می گردد و زمین برکاتش را خارج می سازد و حق هر کس را به او برمی گرداند و در بین مردم همانند داود و محمد صلی الله علیه و آله داوری می کند.^۳

امام صادق علیه السلام فرمود:

إِذَا قَامَ قَائِمُ آلِ مُحَمَّدٍ حَكَمَ بِحُكْمِ دَاوُدَ وَسُلَيْمَانَ لَا يَسْأَلُ النَّاسَ بَيْنَهُ؛ وَوَقْتِي قَائِمُ آلِ مُحَمَّدٍ قِيَامَ كُنْدَ بِي حُكْمِ دَاوُدَ وَسُلَيْمَانَ حُكْمَ مِي كُنْدَ وَاز مَرْدَمِ گَوَاهِ نَمِي خَوَاهِد.^۴

امام باقر علیه السلام فرمود:

ثُمَّ يَرْجِعُ إِلَى الْكُوفَةِ فَيَبْعَثُ الثَّلَاثَ مَاءً وَالْبَضْعَةَ عَشَرَ رَجُلًا إِلَى الْأَفَاقِ كُلِّهَا فَيَمْسَحُ بَيْنَ أَكْتَافِهِمْ وَعَلَى صُدُورِهِمْ فَلَا يَتَعَايُونَ فِي قَضَاءٍ؛ پس از آن که امام علیه السلام به کوفه بازگشت و در آنجا مستقر شد، بیش از سیصد و ده نفر را به اطراف عالم (برای حکمروایی و اجرای احکام الهی) می فرستد و در هنگام فرستادن آنها، شانه ها و سینه های آنها را با دست مبارک مسح می کند. پس آنان در هیچ حکمی و قضایی عاجز نمی مانند (قضا و داوری در هر امر مشکلی برای آنان آسان خواهد بود).^۵

۱. کمال الدین، شیخ صدوق، ص ۶۷۱، ج ۱۹.

۲. ارشاد، شیخ مفید، ص ۴۵؛ بحار الانوار، علامه مجلسی، ج ۵۲، ص ۳۳۹.

۳. بحار الانوار، علامه مجلسی، ج ۵۲، ص ۳۳۸.

۴. همان، ص ۳۲۰.

۵. همان، ج ۵۲، ص ۳۴۵.

در حدیثی از امام باقر علیه السلام می خوانیم که فرمود:

فَإِنَّمَا سُمِّيَ الْمَهْدِيُّ لِأَنَّهُ يَهْدِي بِأَمْرِ خِيفِي يَسْتَخْرِجُ التَّوْرَةَ وَسَائِرَ كُتُبِ اللَّهِ مِنْ غَارٍ بِأَنْطَاكِيَه فَيَحْكُمُ بَيْنَ أَهْلِ التَّوْرَاتِ بِالتَّوْرَاتِ، وَبَيْنَ أَهْلِ الْأَنْجِيلِ بِالْأَنْجِيلِ، وَبَيْنَ أَهْلِ الزَّبُورِ بِالزَّبُورِ، وَبَيْنَ أَهْلِ الْفُرْقَانِ بِالْفُرْقَانِ؛ علت نام گذاری او (امام دوازدهم) به مهدی، این است که خدا او را به امور مخفی هدایت کرده است. از جمله این که تورات و دیگر کتاب های آسمانی را از غاری در انطاکیه خارج می سازد و میان پیروان تورات به تورات و پیروان انجیل به انجیل و پیروان زبور به زبور و پیروان قرآن به قرآن، قضاوت و داوری می کند.^۱

عدالت مهدوی بشارت انبیای ابراهیمی

در سایر ادیان الهی نیز بشارت فراوانی درباره اجرای عدالت فراگیر به وسیله منجی آخرالزمان داده شده است. در کتاب اشعیای نبی این گونه می خوانیم:

مسکینان را به عدالت داوری خواهد کرد و به جهت مظلومان زمین به راستی حکم خواهد نمود و جهان را به عصای دهان خویش زده شریران را به نفخه ی لب های خود خواهد کشت. کمر بند کمرش عدالت خواهد بود و کمر بند میانش امانت. گرگ با بره سکونت خواهد داشت و پلنگ با بزغاله خواهد خوابید و گوساله و شیر و پرواری با هم و طفل کوچک آن ها را خواهد راند. گاو با خرس خواهد چرید و بچه های آن ها با هم خواهند خوابید و شیر مثل گاو گاه خواهد خورد. طفل شیرخواره بر سوراخ مار بازی خواهد کرد و طفل شیرباز داشته شده دست خود را بر خانه افعی خواهد گذاشت و در تمامی کوه مقدس من ضرر و فساد نمی خواهد کرد؛ زیرا که جهان از معرفت خداوند پر خواهد بود، مثل آب هایی که دریا را می پوشانند. در آن روز واقع خواهد شد که ریشه یسی به جهت علم قوم ها برپا خواهد شد و امت ها آن را خواهند طلبید و سلامتی او با جلال خواهد آمد.^۲

در این آیات از کتاب اشعیای نبی می بینیم که وعده عدالت در آخرالزمان به وسیله منجی

۱. بحار الانوار، علامه مجلسی، ج ۵۱، ص ۳۲۹.

۲. کتاب مقدس، عهد عتیق، کتاب اشعیای نبی، باب ۱۱، بند ۱ تا ۱۰.

داده شده است. جالب است که عدالت دارای ابعاد گوناگونی بوده و حتی حیوانات را در بر خواهد گرفت. علت العلیل همه این صلح و سلامتی نیزپشدن جهان از معرفت خداوند معرفی شده است، یعنی همان چیزی که در آیات قرآن و روایات ائمه معصوم گفته شده و اینکه مختصات امنیت به درون انسان خواهد رفت و خود انسان امن خواهد شد.

در مزامیر حضرت داوود علیه السلام می خوانیم:

امت‌ها شادی و ترنم خواهند نمود، زیرا قوم‌ها را به انصاف حکم خواهی نمود و امت‌های جهان را هدایت خواهی کرد.^۱ و او قوم تو را به عدالت داوری خواهد نمود و مساکین تو را به انصاف. مساکین قوم را دادرسی خواهد کرد و فرزندان فقیر را نجات خواهد داد و ظالمان را زبون خواهد ساخت. در زمان او صالحان خواهند شکفت و وفور سلامتی خواهد بود، مادامی که ماه نیست نگردد و او حکمرانی خواهد کرد، از دریا تا دریا، از نهر تا اقصای جهان. جمیع سلاطین او را تعظیم خواهند کرد و جمیع امت‌ها او را بندگی خواهند نمود. بر مسکین و فقیر کرم خواهد فرمود و جان‌های مساکین را نجات خواهد بخشید.^۲

۱. کتاب مقدس، عهد عتیق، کتاب مزامیر داوود، مزمور ۶۷، بند ۵.

۲. کتاب مقدس، عهد عتیق، کتاب مزامیر داوود، مزمور ۷۲، بند ۲ تا ۱۸.

فصل هشتم: مؤمنین قبل و بعد از ظهور (ظهور مومن)

خلاصه فصل

آنچه اکنون شاهد آن هستیم این است که مؤمنین در بسیاری از کشورها مورد تهمت، تهدید و ارباب قرار گرفته و در انجام فرایض دینی خود آزاد نیستند. کفار و مشرکین با تهاجم بی وقفه به کشورهای مسلمان و آزاده، جان، مال و نوامیس آنان را مورد دستبرد قرار می دهند. از آیات قرآن و روایات این گونه برداشت می شود که بعد از ظهور امام عصر همه ی دین به همه ی مردم جهان ارائه شده و مفسر اصلی قرآن که همانا امام معصوم است در بین مردم حضور داشته و شبهات را برطرف نموده و به سؤالات پاسخ خواهد داد. مؤمنین با فراغ بال، به دور از ظلم ظالمان، با رغبت و در کمال آرامش به فراگیری علوم دینی پرداخته و با عمق جان توحیدی می شوند. عنایات خداوند از طریق واسطه فیض، یعنی امام عصر، در زندگی مؤمنین جاری شده و خداپرستی، ایمان و تقوا مایه ی شکوه و عظمت اشخاص خواهد بود، نه ثروت و قدرت. مؤمنین ظهور کرده و با اتصال قلبی به امام خود، صاحب کرامات و قدرت های مافوق تصور در دنیای فعلی می شوند. در دنیای قبل از ظهور مؤمن، منافق، کافر و مشرک در کنار هم زندگی کرده و چه بسا از هم بازشناخته نمی شوند، اما در عصر ظهور، مؤمن از غیر مؤمن بازشناخته می شود. آثار ایمان در صورت مؤمنین ظاهر شده و برکات ایمان در زندگی آنها مشاهده خواهد شد.

شرایط مؤمنین در عصر حاضر

برای شناخت بهتر از شرایط دین داران، در عصر ظهور امام زمان و مقام، موقعیت و شکوهی که پیدا می کنند، ابتدا باید شرایط دین داران را در دنیای امروز بهتر شناخت.

«دین» در لغت به معنای قید و بند، التزام، تعهد، تکریم، تقدس و شریعت، مذهب، ورع و پاداش انقیاد، خضوع، پیروی، تسلیم و جزاست. دین در اصطلاح، عبارت است از اعتقاد به قوای لاهوتی و ماوراءالطبیعی و رعایت سلسله قواعد اخلاقی، حقوقی، سیاسی، اقتصادی و اجتماعی در زمینه ارتباط با خود، سایر بندگان، خداوند و انجام مناسک عبادی، در جهت کسب تقرب خالق و جلب رضایت او، به منظور تعالی روح. دین داری به معنای التزام عملی و ذهنی به باورهای دینی است (۱۴۶).

مردم در ارتباط با دین به چند گروه تقسیم می‌شوند که عبارت‌اند از:

- عده‌ای از مردم جهان دین دار نیستند و با دین داران هم مخالفند.
- عده‌ای از دین داران، فقط دین داری در شناسنامه آن‌ها دیده می‌شود.
- عده‌ای از دین داران، فقط یک روز خاص دین دارند و خداوند را به عنوان یک پدر پیر قابل احترام عبادت می‌کنند.
- عده‌ای از دین داران، فقط قسمتی از دین را می‌شناسند و به آن عمل می‌کنند. این عده بیشتر بعد عبادی دین را رعایت می‌کنند.
- عده‌ای از دین داران، برداشت اشتباهی از دین دارند و برای خدا شریک قائل‌اند یا خدا را به درستی درک نکرده‌اند.
- عده‌ای از دین داران، فهم دینی ندارند و در دین به انحراف رفته‌اند، مانند گروه‌های تکفیری.
- عده‌ای از دین داران، از دین برای به دست آوردن نان استفاده می‌کنند.
- عده‌ای از مردم نیزگاهی دین دار هستند و گاهی هم عنان از دست می‌دهند و اصطلاحاً روی دیوار میانه نشسته‌اند.
- عده‌ای از دین داران دارای فهم دینی هستند و در زندگی شخصی خود آن را عملاً پیاده می‌کنند اما زمینه بروز اجتماعی دین برای آنان وجود ندارد.
- عده‌ای از دین داران دارای فهم دینی هستند و در زندگی شخصی و اجتماعی خود آن را عملاً پیاده می‌کنند و در تلاش‌اند دین را در عرصه بین‌الملل نیز وارد کنند که این عده

مورد بغض جبهه باطل هستند و تاوان سنگینی نیز برای آن پرداخت می‌کنند.

تحقیق مؤمنین در عصر حاضر

در دنیای امروز قوانین زیادی از طرف کشورهای لائیک که البته ادعای دموکراتیک بودن آنان گوش فلک را پر کرده است، بر علیه دین‌داران، به ویژه دین اسلام که بلافاصله پس از بروز شخصی آن، بروز اجتماعی پیدا می‌کند، وضع شده است. مسلمانان فرانسه به عنوان بزرگ‌ترین جامعه مسلمان اروپا، از سال ۲۰۰۴، به موجب تصویب قانون، از داشتن حجاب در مدارس دولتی منع شدند. به موجب این قانون تحت عنوان طرح «ممنوعیت استفاده از نشانه‌های مذهبی در مدرسه‌های فرانسه»، استفاده از حجاب اسلامی در مدارس فرانسه رسماً غیرقانونی شد. پیش از آن نیز اغلب مدارس فرانسه به سختی به دانش‌آموزان خود اجازه می‌دادند تا با پوشش اسلامی در کلاس‌های خود حاضر شوند. چنین ممنوعیتی مستقیماً با مفاد مربوط به آزادی ادیان که در اعلامیه جهانی حقوق بشر سازمان ملل، مصوب سال ۱۹۴۸ و نیز کنوانسیون حفاظت از حقوق بشر و آزادی‌های اساسی اروپا، مصوب سال ۱۹۵۰ درج شده، در تضاد است.

در شرایطی که تبعیت مسلمانان فرانسه از این قانون، نشانه‌ی موجه بودن آن در نظر مسلمانان نیست، بسیاری از دختران مسلمان به واسطه این ممنوعیت برای تحصیل به کشورهای همسایه فرانسه سفر کرده یا در مدارس خصوصی حاضر می‌شوند تا بتوانند حجاب و هویت دینی خود را حفظ کنند.

طرح ممنوعیت حجاب که برای اولین بار در اروپا اجرا گردید، به سرعت در سطح جهان مثل آمریکا و حتی در کشورهایی مانند ترکیه که اکثریت آن را مسلمانان تشکیل می‌دهند، رواج یافت. پیش‌نویس قانون ممنوعیت نمادهای دینی برای معلمان مدارس، از جمله داشتن حجاب در ایالت اورگان آمریکا مطرح شده است.

با گسترش روزافزون اسلام در غرب، طرح مقابله با حجاب نیز در مقابل آن و در یک راستا در حال گسترش است؛ این در حالی است که در سال‌های اخیر این طرح تنها به عنوان یک قانون مطرح بود و ضرورت اجرایی آن چندان قابل طرح نبود تا این که خبرگزاری‌ها در شهریور سال

۱۳۹۳ از تصویب قانونی ظالمانه بر ضد محجبه‌ها در بلژیک خبر دادند. بر اساس طرح پیشنهادی برخی نمایندگان پارلمان بلژیک، زنان محجبه‌ای که از پوشیه یا نقاب در اماکن عمومی استفاده می‌کنند، مجرم شناخته شده و جریمه نقدی شده یا زندانی می‌شوند. بر اساس این قانون قرار است جریمه کسانی که از پوشیه استفاده می‌کنند از ۱۵ تا ۲۵ یورو یا یک تا هفت روز زندان باشد.

دولت‌های غربی با وجود شعار مردم‌سالاری و حمایت از انسان‌ها، در عمل رفتارهای متعارضی نشان می‌دهند. آنچه اکنون نتیجه عملکرد مؤلفه‌های دموکراسی غربی را به نمایش گذاشته است، مفهوم نژادپرستی می‌باشد که این جوامع را یکی پس از دیگری در بر گرفته است. اهانت به مقدسات یک و نیم میلیارد مسلمان، تا ایجاد محدودیت نمادهای دینی را می‌توان نمونه‌هایی از تضاد رفتاری نظام‌های سیاسی غرب عنوان نمود. نفوذ سریع و گسترده اسلام در جوامع غربی نگرانی شدید سردمداران نظام‌های سیاسی غرب و محافظ صهیونیستی و قدرت‌های استکباری را برانگیخته است.

آنچه غرب را بیش از پیش نگران می‌سازد این است که حضور اسلام در غرب هر روز تقویت می‌شود و بنا به تعبیر بعضی از غربی‌ها، اسلام به بمب ساعتی تبدیل می‌گردد. از سوی دیگر رشد اسلام و گرایش به آن، به ویژه پس از انقلاب اسلامی سال ۱۹۷۹ در ایران و افزایش تمایل جوامع غربی به بازگشت به دین و معنویت و خستگی از ابتذال و فساد اخلاقی از یکسو و منفی بودن رشد جمعیت غیرمسلمان کشورهای غربی، به دلیل تضعیف شدید نهاد خانواده و کارکردهای آن، از سوی دیگر بر نگرانی‌های آن‌ها افزوده است.

البته ممنوعیت حجاب در کشورهای غربی تداعی کننده عملکرد مستبدان تاریخ شرق مانند رضاشاه، کمال آتاتورک و برخی دیگر می‌باشد، با این تفاوت که در گذشته میدان پیکار بر ضد حجاب در کشورهای اسلامی بود، اما اکنون این مصاف به کشورهای غربی هم کشیده شده است (۱۴۷).

دفتر نظارت بر نژادپرستی و خارجی ستیزی اروپا که یکی از مراکز معتبر بررسی وضعیت مهاجران ساکن اروپاست، در گزارش سال ۲۰۰۶ خود تصریح می‌کند: «مسلمانان اروپا به

اشکال مختلف، بی عدالتی را تحمل می کنند و شرایطی وجود دارد که آن ها را برای دستیابی به کار و شرایط آموزشی برابر با دیگران، دچار محدودیت های جدی می کند».

اصرار بر قوانین رایج و قائل نشدن استثنا برای مسلمانان، حتی در موارد خاص، موجب بروز رفتارهای خاصی از مسلمانان می شود که مجدداً این رفتارهای جدید، مستمسک قوانین و محدودیت های تازه قرار می گیرد؛ برای مثال در کشور آلمان (که نزدیک به یک میلیون دانش آموز مسلمان دارد)، یکی از آموزش های اجباری دوره دبستان آموزش «شنا» است. بسیاری خانواده های متدین و مذهبی (از ادیان مختلف) حاضر نیستند، دختران خود را در این کلاس های رسمی مختلط شرکت دهند، اما نظام آموزش و پرورش آلمان، حاضر نیست هیچ استثنایی برای دانش آموزان متدین قائل شود. اینجاست که خانواده های مسلمان، به راه های دیگری نظیر تهیه گواهی پزشکی برای مرخصی و غیبت از این کلاس ها روی می آورند تا محدودیت های بعدی متوجهشان نشود. به تازگی حتی لباس مخصوص شنا که دختران متدین برای حفظ حجاب خود آن را می پوشیدند ممنوع شده است.

کلاس های آموزش آزاد روابط جنسی در آلمان، بلژیک، سوئد، هلند، انگلستان و سایر کشورها نیز از همین سنخ است. ضرورت حضور دانش آموزان در آن ها، خانواده های مسلمان را در تنگناهای جدی قرار می دهد. نمونه های دیگری مثل نخوردن گوشت خوک که در سرویس اصلی تغذیه دانش آموزان قرار دارد و موارد مشابه، نمونه های عادی و رایج سختی های زندگی مسلمانان در اروپاست. بر همه این ها باید، برخوردهای ناعادلانه آموزشی، صنفی، اقتصادی و اجتماعی با مسلمانان را افزود که توان روحی مسلمانان اروپا را به شدت می کاهد.

این محدودیت ها و اعمال آن ها، حتی گاه تا اصلی ترین طبقات جامعه مسلمانان نیز پیش می رود. برای مثال قانونی که امامان جماعت مسلمان ساکن فرانسه را مجبور می کند، زبان فرانسوی، تاریخ فرانسه و تعلیمات اجتماعی بیاموزند، در حقیقت این پیام را دارد که وعظ و خطابه یک مسلمان باید، اولاً به زبان فرانسه ادا شود و ثانیاً مغایرتی با حقوق تاریخ و اجتماعیات فرانسه نداشته باشد و وجوه مختلف آن تعدیل شود (۱۴۸).

در درون کشورهای اسلامی نیز دین داران تحت فشار افکار برخی از هم کیشان خود هستند.

برخی افراد که در شناسنامه دین دار به حساب می‌آیند، زرق و برق دنیای غرب چنان آن‌ها را مجذوب خود نموده که هرگونه بروز دین در زندگی افراد را برناتافته و آن‌ها را متهم به سنتی بودن کرده و در پی تحمیق افراد دین دار هستند. آن‌ها خود را افرادی مترقی پنداشته و دین‌داران را عقب افتاده، احمق، بی‌فکر و افرادی ناشاد و گوشه‌گیر معرفی می‌کنند. تقید دینی و الهی را تعصب معرفی کرده و گسستن تقیدات اخلاقی را آزادی و مدرنیته معرفی می‌کنند. برای بزرگ‌تر بودن، ارزشی قائل نیستند و تقید اخلاقی در زناشویی آنان رنگ باخته است. ازدواج با هر روش و تعریفی را می‌پسندند و تنها روشی را که نمی‌پسندند روش دینی آن است، زیرا در ازدواج با نگاه دینی تقید اخلاقی و وفاداری به طرف مقابل وجود دارد و در سایر روش‌ها وجود ندارد.

کشتار مسلمانان و توهین به مقدسات اسلام

کشتار و توهین به مقدسات، یکی دیگر از روش‌های ابراز خشم و کینه علیه پیروان ادیان الهی به ویژه مسلمانان است که در قرن اخیر با شدت تمام از طرف گروه‌های ضد دین انجام می‌شود.

کشتار سال ۲۰۱۲ میانمار، یادآور قتل عام مسلمانان توسط بوداییان در این کشور است. برخی گزارش‌ها حکایت از کشتار ۲۰۰ هزار مسلمان دارند. همچنین گفته می‌شود که نیروهای نظامی برمه به مهاجمین کمک می‌کنند و این کشتار در سکوت رسانه‌های خبری و سازمان ملل در حال انجام است. مسلمانانی که ۱۰ درصد جمعیت ۵۰ میلیونی میانمار را تشکیل می‌دهند، آیا به چشم شورای حقوق بشر سازمان ملل می‌آیند؟ (۱۴۹).

نیروهای ارتش جمهوری صربستان در سال ۱۹۹۵ وارد شهر مسلمان نشین سربرنیتسا شدند که سازمان ملل آن را از قبل منطقه حفاظت شده امن اعلام کرده بود و حدود ۸۰۰۰ مسلمان را قتل عام کردند. این کشتار، بعد از جنگ جهانی دوم، بزرگ‌ترین نسل‌کشی در اروپا به شمار می‌رود.

امروزه دشمنی با اسلام و مسلمانان در جغرافیای اروپا و آمریکا افزایش یافته است. این مرحله بالاتر از اسلام‌هراسی معمولی است، چراکه ما شاهد فضایی از اسلام‌هراسی و

دشمنی با اسلام هستیم، که از تحریف شروع می‌شود و در ادامه با توهین به مقدسات مسلمانان، اقدام به نفی مسلمین و هویت آن‌ها می‌کند. البته باید توجه داشت که در دو دهه اخیر تبعیض‌های سیستماتیک علیه مسلمین اعمال شده است، تبعیض‌های اجتماعی از پوشش و حجاب تا محروم کردن مسلمانان از دیگر حقوق اجتماعی آن‌ها. این اقدامات پس از ۱۱ سپتامبر تشدید شده و اخیراً هم بیش از گذشته افزایش یافته است.

با تولید فیلم موهن پیامبر اکرم در چند سال پیش و به دنبال آن برگزاری اعتراض‌ها و راهپیمایی‌های مختلف در سراسر جهان توسط مسلمانان، مسئله اسلام‌ستیزی بیش از پیش مورد توجه قرار گرفت. البته با مروری بر سابقه حرکت‌های ضد اسلامی، این اقدام جزء اولین حرکت‌های ضد اسلامی کشورهای غربی و خصوصاً آمریکا نبوده و آخرین اقدام آن‌ها هم نخواهد بود.

توهین به اسلام و مسلمانان بار دیگر در نشریه فرانسوی شارلی ابدو، در سال ۲۰۱۴، خشم و انزجار مسلمانان و آزاد اندیشان سراسر جهان را برانگیخت. در واقع با وجود مطالب توهین‌آمیزی که در این مجله به مقدسات اسلامی منتشر شد، (علی‌رغم هشدارهایی که مسلمانان‌ها و کشورهای اسلامی به فرانسه و به کشورهای غربی دادند) عملاً همه سران کشورهای غربی، از این اهانت‌ها حمایت کردند. پاسخ‌هایی که کشورهای غربی مدافع این‌گونه حرکت‌ها می‌دهند بسیار جالب است. این کشورها اعلام می‌کنند که این حرکت سازمان‌دهی نشده بوده و کار برخی از افراطی‌ها است و هرگروهی حق دارد از آزادی بیان برخوردار بوده و به بیان عقاید خود پردازد. حال آنکه گروه‌های اسلامی حتی برای انجام فعالیت‌های مشروع خود باید کسب اجازه نموده و یا همه فعالیت‌های آن‌ها توسط سازمان‌های دولتی و دستگاه‌های اطلاعاتی کشورها تحت مراقبت باشد (۱۵۰).

چندی پیش اقدام هتاکانه یک استاد مدرسه وکالت پاریس در برهنه شدن مقابل یک دختر محجبه مسلمان به منظور اخراج او از کلاس درس، ادامه موج اسلام‌هراسی و تعصب جاهلی علیه مسلمانان در غرب بود که به بهانه اقدامات تروریستی پاریس شدت گرفت. ستاد حقوق بشر، جسارت و تعرض این استاد مدرسه وکالت پاریس به دانشجوی دختر محجبه

مسلمان را نشانگر شرایط غیرقابل تحمل ناشی از تبعیض و اسلام هراسی و نژادپرستی در جامعه فرانسه و بخش قابل توجهی از اروپا و غرب دانست که برای صلح و امنیت جهانی بسیار هشدار دهنده است. ستاد حقوق بشر در بیانیه‌ای اذعان داشت که «متأسفانه این گونه اقدامات که نقض صریح حقوق بشر در آزادی عقیده و افکار و همچنین اصل پذیرفته شده احترام به ادیان الهی و آسمانی است، نشان می‌دهد که تمام مرزهای ادعا شده حقوق بشری و ارزش‌های تبلیغ شده لیبرالیسم غربی یکی پس از دیگری در دره تعصب، خودمحموری، نژادپرستی و نابردباری سقوط کرده است. متأسفانه اکنون شاهد آن هستیم که نابردباری علیه مسلمانان از گوشه و کنار خیابان، به محل کار و حتی به محیط‌های دانشگاهی کشیده شده است که در واقع باید مظهر تسامح و احترام متقابل بین فرهنگ‌ها و ادیان و مذاهب مختلف باشند. در تاریخ نمونه‌های اخراج دانشجویان به بهانه‌های سیاسی، اعتقادی و دینی در غرب سابقه دارد و یادگار دوران تفتیش عقاید و جنگ‌های صلیبی است» (۱۵۱).

تمسخر مومنین و عقاید آن‌ها مختص عصر حاضر نیست، بلکه در طول تاریخ همیشه مستکبرین و دشمنان خدا به دلیل نداشتن دلایل منطقی، برای رد عقاید مترقی مومنین به تمسخر آن‌ها روی آورده‌اند. قرآن کریم در این رابطه می‌فرماید:

﴿وَمَا يَأْتِيهِمْ مِنْ رَسُولٍ إِلَّا كَانُوا بِهِ يَسْتَهْزِئُونَ * كَذَلِكَ نَسْلُكُهُ فِي قُلُوبِ الْمُجْرِمِينَ * لَا يُؤْمِنُونَ بِهِ وَقَدْ خَلَتْ سُنَّةُ الْأَوَّلِينَ، و هیچ پیامبری برایشان نیامد جز آنکه او را به مسخره می‌گرفتند. بدین گونه آن [استهزا] را در دل بزهکاران راه می‌دهیم. [که] به او ایمان نمی‌آورند و راه [و رسم] پیشینیان پیوسته چنین بوده است﴾^۱.

ماجرای چپل هیل (شهری در آمریکا) در سال ۲۰۱۵ حادثه ننگین دیگری در کارنامه غرب است که نمی‌توان آن را بی‌ارتباط با موج اسلام هراسی ایجاد شده از سوی غرب دانست. قتل سه جوان دانشجوی مسلمان در آمریکا، دو خواهر فلسطینی به نام‌های رزان (۱۹ ساله) و یسر (۲۱ ساله) همراه با یک پسر اهل سوریه به نام ضیاء برکات (۲۳ ساله) توسط فردی به نام

کریگ استفن هیکس ۴۶ ساله که توهین به مسلمانان را وظیفه خود می‌داند، مسئله‌ای نیست که آن را جز به دلیل احساس نفرت این شخص از اسلام و هراسی که از این دین به دل دارد دانست. حادثه چپل هیل صرفاً یک عکس‌العمل شخصی شهروند آمریکایی مطابق با دیدگاه شخصی وی در قبال مسلمانان و اسلام نبود، بلکه نتیجه فکر جمعی منفی است که دولت آمریکا به دنبال نفوذ آن در ذهن شهروندان آمریکایی غیرمسلمان در قبال اسلام است. قطعاً وقوع این اتفاق در چپل هیل ابعاد تازه‌ای از چهره واقعی کشوری که خود را مدعی حقوق بشر معرفی می‌کند به جهانیان نشان خواهد داد. در ارتباط با این حادثه، رسانه‌های غربی ابتدا سکوت کردند، ولی با باز شدن پای ماجرا به فضای مجازی، سکوت را شکستند و اخبار مربوط به این حادثه را پوشش دادند، اما تلاش کردند تا این تیراندازی را به دور از انگیزه‌های فرقه‌ای و مذهبی جلوه دهند و این واقعه را تنها به صورت دعوا میان دو همسایه بر سر جای پارک جلوه دادند. سیاستمداران آمریکایی نیز سعی دارند این حادثه را صرفاً یک اقدام ناشی از جنون فردی و یا نژادپرستی معرفی کنند. محکوم کردن این فاجعه توسط آن‌ها هم فقط در لفظ است و ناگفته پیداست که اقدام جدی علیه جنایت‌کاران و قاتلین انجام نخواهد شد (۱۵۲) و (۱۵۳).

با نگاه تحلیلی به این وقایع می‌توان دریافت که حقوق بشر و مسائلی مانند آزادی بیان، تنها ابزاری است برای آمریکایی‌ها تا با استفاده از این واژه‌ها در جهت منافع و مصالح خود حرکت کنند و ظلم به مسلمانان و پایمال شدن حقوق آن‌ها کمترین اهمیتی برای آن‌ها ندارد. پروژه اسلام‌هراسی که غرب دنبال می‌کند، با هدف سلب امکان شناخت اسلام توسط مردمان غرب صورت می‌گیرد تا مردم کشورهای غربی با اسلامی پرپیرایه آشنا شوند، نه اسلام حقیقی و جذاب که می‌تواند به عنوان آلت‌رناتیو مکاتب پوچ و شکست خورده نظیر لیبرالیسم و کمونیسم مطرح شود. لذا در این سناریو سعی دارند ضمن ارائه چهره‌ای خشن و نامطلوب از اسلام، آن را یک تهدید و دشمن معرفی کنند. اسلام‌هراسی ابعاد مختلف تبلیغی دارد که از جانب مقامات دولتی، سناتورهای آمریکایی، احزاب آمریکایی و شخصیت‌های افراطی آمریکا مدیریت می‌شود. در اغلب موارد این هجومه توسط سازمان‌های دولتی آمریکا مثل

سازمان سی‌ای‌ای، اف‌بی‌ای و یا سازمان موساد اسرائیل و سرویس جاسوسی انگلستان مدیریت می‌شده است. به هر حال آنچه را که امروز جهان بشریت شاهد آن است مشابه جنگ صلیبی است. در حقیقت جنگ تمدن‌ها وارد عرصه جنگ علیه مذهب می‌شود و این آن چیزی است که غربی‌ها خواستند و باعث آن شدند.

البته نباید از نقش رسانه در این زمینه غافل شد. نقش رسانه‌ها در تغییر تفکرات جامعه بشری بر هیچ‌کس پوشیده نیست، تا جایی که برخی بر این باورند که رسانه دارای چنان قدرتی است که می‌تواند نسلی تازه و برای اولین بار در تاریخ انسان پدید آورد. بر این اساس نمی‌توان سکوت رسانه‌ای غرب در قبال این مسائل را بی‌ارتباط با عوامل برون‌سازمانی مؤثر بر این رسانه‌ها قلمداد کرد. اخبار مرتبط به مسلمانان و ستمی که بر آنان در کشورهای غربی و آمریکا روا می‌شود اصولاً به صورت یک بایکوت خبری مطلق با آن برخورد می‌شود و اگر چنانچه خبری هم مطرح شود، آن را در قالب یک اتفاق کاملاً عادی عنوان می‌کنند که احتمالاً در هر جای دیگر دنیا روی می‌دهد.

تحقیر مومنین و پیروان راستین پیامبران الهی مخصوص عصر حاضر نیست و در اعصار گذشته و در دوره‌ی همه‌ی پیامبران الهی، مومنین از ناحیه مستکبرین و ظالمین مورد تحقیر قرار گرفته‌اند. قرآن کریم در این باره می‌فرماید:

﴿قَالُوا أَنْوْمِنُ لَكَ وَاتَّبَعَكَ الْأَرْذَلُونَ﴾ (قوم نوح) گفتند: «آیا به تو ایمان بیاوریم و حال آنکه فرومایگان از تو پیروی کرده‌اند؟» ﴿۱﴾

شرایط مؤمنین در عصر ظهور (ظهور مؤمن)

در دنیای کنونی مؤمن، کافر و منافق در کنار یکدیگر زندگی می‌کنند، گویی که مؤمن برتری بر دیگران ندارد. گاهی افراد بی‌ایمان زبان به طعن مؤمنین می‌گشایند و می‌گویند با این همه عبادت، زیارت و تقوا چه تفاوتی بین ما و شما وجود دارد، در حالی که ما دائماً در حال عیش و نوش و خوش‌گذرانی در این دنیا هستیم. البته این گفتار صحیح نیست و زندگی مؤمنین

همیشه از طعم و حلاوت ویژه‌ای، به سبب رضایت خداوند از ایشان برخوردار است، اما این دنیا سرای خوش گذرانی مؤمن نیست و خداوند به مؤمنین وعده زندگی جاودان در آخرت داده است و نعمت‌های این جهانی را برای کفار مایه‌ی افزایش طغیان و گرفتار شدن آن‌ها به عذاب آخرت عنوان کرده است. قرآن کریم در این باره می‌فرماید:

﴿زُيِّنَ لِلَّذِينَ كَفَرُوا الْحَيَاةَ الدُّنْيَا وَيَسْخَرُونَ مِنَ الَّذِينَ آمَنُوا وَالَّذِينَ اتَّقَوْا فَوْقَهُمْ يَوْمَ الْقِيَامَةِ وَاللَّهُ يَرْزُقُ مَنْ يَشَاءُ بِغَيْرِ حِسَابٍ﴾: زندگی دنیا در چشم کافران آراسته شده است و مؤمنان را ریشخند می‌کنند و (حال آنکه) کسانی که تقوا پیشه بوده‌اند، در روز رستاخیز از آنان برترند و خدا به هر که بخواهد، بی‌شمار روزی می‌دهد.^۱

﴿مَنْ كَانَ يَرِيدُ الْحَيَاةَ الدُّنْيَا وَزِينَتَهَا نُوَفِّ إِلَيْهِمْ أَعْمَالَهُمْ فِيهَا وَهُمْ فِيهَا لَا يُبْخَسُونَ﴾: کسانی که زندگی دنیا و زیور آن را بخواهند (جزای) کارهایشان را در آنجا به‌طور کامل به آنان می‌دهیم و به آنان در آنجا کم داده نخواهد شد.^۲

﴿فَلَا تُعْجِبْكَ أَمْوَالُهُمْ وَلَا أَوْلَادُهُمْ إِنَّمَا يُرِيدُ اللَّهُ لِيُعَذِّبَهُمْ بِهَا فِي الْحَيَاةِ الدُّنْيَا وَتَزْهَقَ أَنْفُسُهُمْ وَهُمْ كَافِرُونَ﴾: اموال و فرزندانشان تو را به شگفت نیآورد. جز این نیست که خدا می‌خواهد در زندگی دنیا به وسیله این‌ها عذابشان کند و جانشان در حال کفر بیرون رود.^۳

﴿الَّذِينَ اتَّخَذُوا دِينَهُمْ لَهْوًا وَلَعِبًا وَغَرَّتْهُمُ الْحَيَاةُ الدُّنْيَا فَالْيَوْمَ نَنْسَاهُمْ كَمَا نَسُوا لِقَاءَ يَوْمِهِمْ هَذَا وَمَا كَانُوا بِآيَاتِنَا يَجْحَدُونَ﴾: همانان که دین خود را سرگرمی و بازی پنداشتند و زندگی دنیا مغرورشان کرد. پس همان‌گونه که آنان دیدار امروز خود را از یاد بردند و آیات ما را انکار می‌کردند، ما [هم] امروز آنان را از یاد می‌بریم.^۴

﴿وَمَا الْحَيَاةُ الدُّنْيَا إِلَّا لَعِبٌ وَلَهْوٌ وَلَلْآخِرَةُ خَيْرٌ لِلَّذِينَ يَتَّقُونَ أَفَلَا تَعْقِلُونَ﴾: زندگی دنیا جز بازی و سرگرمی نیست و قطعاً سرای باز پسین برای کسانی که پرهیزگاری

۱. بقره، ۲۱۲.

۲. هود، ۱۵.

۳. توبه، ۵۵.

۴. اعراف، ۵۱.

می‌کنند بهتر است. آیا نمی‌اندیشید؟^۱

همچنین خداوند در قرآن کریم دادن فرصت به کافران و دادن اموال زیاد به آنان را به نفع آنها نمی‌داند، بلکه این فرصت و مال بر عذاب آنها می‌افزاید:

﴿وَلَا يَخْسِبَنَّ الَّذِينَ كَفَرُوا أَمْمَا نُمَلِّ لَهُمْ خَيْرًا لِّأَنْفُسِهِمْ إِنَّمَا نُمَلِّ لَهُمْ لِيزَادُوا إِثْمًا وَلَهُمْ عَذَابٌ مُّهِينٌ﴾ و البته نباید کسانی که کافر شده‌اند تصور کنند اینکه به ایشان مهلت می‌دهیم برای آنان نیکوست؛ ما فقط به ایشان مهلت می‌دهیم تا بر گناه [خود] بیفزایند، و [آنگاه] عذابی خفت‌آور خواهند داشت.^۲

﴿وَلَوْلَا أَنْ يَكُونَ النَّاسُ أُمَّةً وَاحِدَةً لَجَعَلْنَا لِمَنْ يَكْفُرُ بِالرَّحْمَنِ لِبُيُوتِهِمْ سُقْفًا مِنْ فِضَّةٍ وَمَعَارِجَ عَلَيْهَا يَظْهَرُونَ * وَلِبُيُوتِهِمْ أَبْوَابًا وَسُرُورًا عَلَيْهَا يَتَّكُونَ * وَزُخْرُفًا وَإِنْ كَلَّا ذَلِكَ لَمَّا مَتَاعُ الْحَيَاةِ الدُّنْيَا وَالْآخِرَةُ عِنْدَ رَبِّكَ لِلْمُتَّقِينَ * وَمَنْ يَعِشْ عَنْ ذِكْرِ الرَّحْمَنِ نَقِيضٌ لَهُ شَيْطَانًا فَهُوَ لَهُ قَرِينٌ * وَإِنَّهُمْ لَيَصُدُّونَهُمْ عَنِ السَّبِيلِ وَيَحْسَبُونَ أَنَّهُمْ مُّهْتَدُونَ * حَتَّىٰ إِذَا جَاءَنَا قَالَ يَا لَيْتَ بَيْنِي وَبَيْنَكَ بُعْدَ الْمَشْرِقَيْنِ فَبِئْسَ الْقَرِينُ؛ و اگر نه آن بود که [همه] مردم [در انکار خدا] امتی واحد گردند، قطعاً برای خانه‌های آنان که به [خدای] رحمان کفر می‌ورزیدند، سقف‌ها و نردبان‌هایی از نقره که بر آنها بالا روند قرار می‌دادیم و برای خانه‌هایشان نیز درها و تخت‌هایی که بر آنها تکیه زنند و زرزورهای [دیگر نیز] و همه این‌ها جز متاع زندگی دنیا نیست و آخرت پیش پروردگار تو برای پرهیزگاران است، و هر کس از یاد [خدای] رحمان دل بگرداند، بر او شیطانی می‌گماریم تا برای وی دمسازی باشد و مسلماً آن‌ها ایشان را از راه باز می‌دارند و [آن‌ها] می‌پندارند که راه یافتگان‌اند، تا آنگاه که او [با دمسازش] به حضور ما آید، [خطاب به شیطان] گوید: «ای کاش میان من و تو، فاصله خاور و باختر بود، که چه بد دمسازی هستی»^۳.

اما این شرایط در زمان ظهور امام عصر ادامه نخواهد یافت، بلکه در آن زمان مؤمن با کافرو

۱. انعام، ۳۲.

۲. آل عمران، ۱۷۸.

۳. زخرف، ۳۳ تا ۳۸.

منافق متفاوت خواهد بود و به تبع ظهور امام، توانایی و علو مؤمن نیز ظهور و بروز خواهد کرد و خداوند در بسیاری از عرصه‌ها، توانایی‌های مؤمن را ارتقا داده و با کفار و مشرکین و منافقین متمایز خواهد ساخت که به برخی از آن‌ها اشاره می‌شود:

جداسازی مؤمن از کافر و منافق در عصر ظهور (تمیز)

اکنون مومن، کافر، مشرک و منافق در یک جامعه در کنار هم زندگی می‌کنند. بر اساس روایات به نظر می‌رسد این موضوع پس از ظهور امام عصر ادامه نخواهد یافت و مومن و کافر به درجاتی مانند قیامت از یکدیگر جدا خواهند شد. خداوند در این خصوص در قرآن کریم می‌فرماید:

﴿مَا كَانَ اللَّهُ لِيَذَرَ الْمُؤْمِنِينَ عَلَىٰ مَا أَنْتُمْ عَلَيْهِ حَتَّىٰ يَمِيزَ الْخَبِيثَ مِنَ الطَّيِّبِ وَمَا كَانَ اللَّهُ لِيُظِلَّكُمْ عَلَى الْغَيْبِ وَلَكِنَّ اللَّهَ يَجْتَبِيٰ مِنْ رُسُلِهِ مَنْ يَشَاءُ فَأَمِنُوا بِاللَّهِ وَرُسُلِهِ وَإِنْ تُؤْمِنُوا وَتَتَّقُوا فَلَكُمْ أَجْرٌ عَظِيمٌ﴾ خداوند بر آن نیست که مؤمنان را بر این حالی که شما برآنید (مؤمن و منافق به هم مخلوطید) واگذارد تا آن‌که پلید را از پاک جدا سازد و (نیز سنت) خداوند بر آن نیست که شما را از اسرار غیب (و بواطن یکدیگر) مطلع سازد و لکن از میان فرستادگانش هر که را بخواهد برمی‌گزیند (و به او علم غیب، به اندازه نیاز رسالتش می‌آموزد)، پس به خدا و به فرستادگانش ایمان آورید و اگر ایمان آورید و پروا پیشه کنید شما را پاداشی بزرگ خواهد بود.^۱

ترجمه آیه بر اساس تفسیر المیزان:^۲

خدا چنین نیست که مؤمنان را برحالی که شما برآنید که ایمان و کفر به هم آمیخته و مؤمنان و منافقان مختلط گشته‌اند رها کند، تا این‌که ناپاک را از پاک جدا سازد و نیز خدا چنین نیست که شما را از غیب آگاه گرداند تا بتوانید خود، منافق را از مؤمن بازشناسید ولی خدا هر که را بخواهد برمی‌گزیند و او را از غیب آگاه می‌سازد و او پیامبرانش را برای این امر برگزیده است. پس به خدا و پیامبرانش

۱. آل عمران، ۱۷۹.

۲. ترجمه قرآن بر اساس تفسیر المیزان، سید محمد رضا صفوی.

ایمان بیاورید و اگر ایمان بیاورید و تقوا پیشه کنید، برای شما پاداشی بزرگ خواهد بود.

به نظر می‌رسد بعد از ظهور، خبیث و طیب به مراتبی مانند قیامت به صورت فیزیکی از هم جدا می‌شوند. یعنی علاوه بر امام و امامت، به لطف امام و به اذن خداوند، مؤمنان هم ظهور پیدا می‌کنند و از کفار جدا می‌شوند.

﴿لِيُمَيِّزَ اللَّهُ الْخَبِيثَ مِنَ الطَّيِّبِ وَيَجْعَلَ الْخَبِيثَ بَعْضَهُ عَلَى بَعْضٍ فَيَرْكُمَهُ جَمِيعًا فَيَجْعَلَهُ فِي جَهَنَّمَ أُولَئِكَ هُمُ الْخَاسِرُونَ﴾ (این‌ها همه) به خاطر آن است که خداوند (می‌خواهد) ناپاک را از پاک جدا سازد و ناپاک‌ها را روی هم بگذارد و همه را متراکم سازد و یکجا در دوزخ قرار دهد و این‌ها هستند زیانکاران! ﴿

امام صادق علیه السلام می‌فرمایند:

لَا تَمُضِي الْأَيَّامُ وَاللَّيَالِي حَتَّى يَنَادِيَ مُنَادٍ مِنَ السَّمَاءِ يَا أَهْلَ الْحَقِّ ائْتِرُوا يَا أَهْلَ الْبَاطِلِ ائْتِرُوا فَيَعْرِلُ هَؤُلَاءِ مِنْ هَؤُلَاءِ وَ يَعْزِلُ هَؤُلَاءِ مِنْ هَؤُلَاءِ قَالَ قُلْتُ أَصْلَحَكَ اللَّهُ يَا خَالِطُ هَؤُلَاءِ وَ هَؤُلَاءِ بَعْدَ ذَلِكَ التَّنَادِ قَالَ كَلَّا إِنَّهُ يَقُولُ فِي الْكِتَابِ: ﴿مَا كَانَ اللَّهُ لِيَذَرَ الْمُؤْمِنِينَ عَلَى مَا أَنْتُمْ عَلَيْهِ حَتَّى يَمِيزَ الْخَبِيثَ مِنَ الطَّيِّبِ﴾^۱: روزها و شبها به پایان نمی‌رسد تا اینکه ندا کنندگان از آسمان ندا کنند ای اهل حق جدا شوید، ای اهل باطل جدا شوید، پس آن‌ها از هم جدا می‌شوند. راوی می‌گوید از امام پرسیدم خداوند امر شما را اصلاح فرماید آیا بعد از ندا دوباره اختلاطی است حضرت فرمود بعد این نداء دیگر اختلاط نیست. مگر نه اینکه خداوند در قرآن می‌فرماید: «خداوند بر آن نیست که مؤمنان را بر این حالی که شما برآنید (مؤمن و منافق به هم مخلوطید) واگذارد تا آن‌که پلید را از پاک جدا سازد».^۳

امام صادق علیه السلام درباره قول خدای تعالی "يعرف المجرمون بسيماهم فيؤخذ بالنواصي"

۱. انفال، ۳۷.

۲. آل عمران، ۱۷۹.

۳. بحار الانوار، علامه مجلسی، ج ۵۲، ص ۲۲۲، ح ۸۶.

والأقدام^۱ به معاویه دهنی فرمود:

یا معاویة ما یقولون فی هذا؟ قلت: یزعمون إن الله تبارک وتعالی یعرف المجرمون بسیماهم فی القيامة فیأمر بهم فیؤخذ بنواصیهم وأقدامهم فیلقون فی النار، فقال لی و[کیف] یتحتاج الجبار تبارک وتعالی إلى معرفة الخلق بسیماهم وهو خلقهم؟ قلت: فما ذاک، جعلت فداک؟ فقال: ذلک لوقام قائمنا أعطاه الله السیما فیأمر بالکافر فیؤخذ بالنواصی والأقدام ثم یخبط بالسیف خبطاً؛ دیگران درباره این آیه چه می‌گویند؟ عرض کردم: می‌پندارند که خداوند روز قیامت گنهکاران را از قیافه‌شان می‌شناسد... امام فرمودند: خدا چه نیاز دارد مجرمان را از چهره بشناسد و حال آنکه آنان را آفریده؟! عرض کردم: جانم به قربانتان! پس معنای آیه چیست؟ امام فرمودند: هنگامی که حضرت قائم عجل الله تعالی فرجه الشریف قیام کند، خداوند به او علم سیما شناسی عطا می‌کند (پس، از چهره، آن‌ها را می‌شناسد و با ایشان برخورد می‌کند).^۲

«اشاره این روایت ظاهراً بر آخر الزمان و عصر ظهور امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف تطبیق می‌شود که اهل حق از اهل باطل جدا می‌شوند. بر این اساس، استدلال به آیه شریفه در این روایت، از باب جری و تطبیق بر زمان خاص است. لازم است به دو نکته عنایت شود:

۱. جهان هستی به دو قسم منقسم است:

أ. حق محض که بطلان در آن حوزه اصلاً راه ندارد، از این رو کفر، نفاق، فسق، خُبث و مانند آن، در آن جا مطرح نخواهد شد.

ب. حق مشوب به باطل و صدق مخلوط به کذب و طیب ممزوج به خبیث.

قسم اول، قلمرو الهیات صرف است که مظاهر اسمای حسناى الهی نیز در آن منطقه حضور دارند و قسم دوم حوزه طبیعت و نشئه دنیا است که منطقه آزمون است؛ اما منطقه‌ای نیست که در آن غیر از بطلان و کذب و خُبث یافت نشود.

۲. تمایز حق از باطل در قلمرو دنیا هر از چند گاهی رخ می‌دهد؛ لیکن تمایزهای مفروض

۱. الرحمن، ۴۱.

۲. /اختصاص، شیخ مفید، ص ۳۰۴.

یکسان نیستند، زیرا تمایز مزبور در برخی از آزمون‌ها کمتر و در بعضی از آن‌ها بیشترند. رخدادهای مهم تاریخی فرصت‌های مناسب و وسیعی برای تمایز مذکورند و چون زمان ظهور حضرت بقیه الله امام مهدی موجود موعود عجل الله تعالی فرجه الشریف از حساس‌ترین فرصت‌های تاریخ جهان است، شفاف‌ترین تمایز مفروض در دنیا در آن مقطع رخ می‌دهد. البته نهایی‌ترین مرحله تمایز، قیامت کبراست که حق به‌طور کامل در آن ظهور می‌یابد.^۱

امام باقر علیه السلام فرمود:

إِنَّهُ نَزَلَ فِي قِيَابٍ مِنْ نُورٍ حِينَ يَنْزِلُ بِظَهْرِ الْكُوفَةِ عَلَى الْفَارُوقِ فَهَذَا حِينَ يَنْزِلُ وَ أَمَّا «قُضِيَ الْأَمْرُ» فَهُوَ الْوَسْمُ عَلَى الْخُرْطُومِ يَوْمَ يَوْمِ الْكَافِرِ؛ امر خدا نازل می‌شود در قبه‌هایی از نور، زمانی که در پشت کوفه بر فاروق نازل می‌شود و این زمانی است که امر الهی نازل می‌شود و اما «قُضِيَ الْأَمْرُ» علامتی است بر بینی، هنگامی که کافر نشانه‌گذاری می‌شود.^۲

«شاید مراد این حدیث باشد که امام قائم بر امری فرود می‌آید، که به وسیله‌ی آن مؤمن و کافر را از هم جدا می‌کند و معنی «قضای امر» تشخیص مؤمن از کافر است، چون بر بینی کافر داغ و علامت زده می‌شود و از مؤمن باز شناخته می‌شود و این در رجعت اتفاق می‌افتد».^۳

در سوره مبارکه قلم نیز به موضوع داغ گذاشتن بر بینی اشاره شده است:

﴿وَ إِذَا تُتْلَىٰ عَلَيْهِ آيَاتُنَا قَالَ أَسَاطِيرُ الْأُولِينَ * سَنَسِفُهُ عَلَى الْخُرْطُومِ؛ هنگامی که آیات ما بر او خوانده می‌شود می‌گوید: «این‌ها افسانه‌های خرافی پیشینیان است»». (ولی) ما به زودی بر بینی او علامت و داغ ننگ می‌نهم.^۴

ارتقای قوای جسمانی مومن در عصر ظهور

آن‌گونه که دریافتیم در عصر ظهور امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف به تبع ظهور امام، مؤمنین نیز ظهور خواهند کرد و خداوند توانایی آن‌ها را ارتقا خواهد داد. علاوه بر ارتقای قدرت ایمان، تقوا،

۱. تفسیر تسنیم، آیت الله جوادی آملی، عبدالله.

۲. تفسیر عیاشی، ج ۱، ص ۱۰۳.

۳. تفسیر صافی، فیض کاشانی، ملا محسن، ذیل آیه ۲۱۰ تا ۲۱۲ سوره بقره.

۴. قلم، ۱۵ و ۱۶.

قدرت تحلیل و عقل، مؤمنین از نظر قوای بدنی نیز ارتقا می‌یابند. در این باره روایات فراوانی وجود دارد که به برخی از آن‌ها اشاره می‌شود:

امام باقر علیه السلام می‌فرماید:

... فاذا وقع أمرنا وجاء مهدينا كان الرجل من شيعتنا أجري من ليث، وأمضى من سنان، يظاً عدونا برجليه، ويضربه بكفيه، وذلك عند نزول رحمة الله وفرجه على العباد؛ ... پس هرگاه که مهدی ما بیاید، هر مرد از شیعیان ما، از شیر دلیرتر و از نیزه چابک‌تر است، دشمنان ما را زیر پای خود خرد می‌کند و با کف دست به او ضربت می‌زند و در این هنگام نزول رحمت خدا و گشایش او برای بندگان است.^۱

امام صادق علیه السلام می‌فرماید:

إن المؤمنين في زمان القائم وهو بالشرق ليري أخاه الذي في المغرب، وكذا الذي في المغرب يري أخاه الذي في المشرق؛ در زمان قائم، شخص مؤمن در حالی که در مشرق به سر می‌برد، برادر خود را که در مغرب است دیده و نیز آن‌که در مغرب است، برادر خویش را در مشرق خواهد دید.^۲

و نیز می‌فرماید:

إِنَّ قَائِمَنَا إِذَا قَامَ مَدَّ اللَّهُ عَزَّوَجَلَّ لِشِيعَتِنَا فِي أَسْمَاعِهِمْ وَأَبْصَارِهِمْ حَتَّى لَا يَكُونَ بَيْنَهُمْ وَبَيْنَ الْقَائِمِ بَرِيدٌ يَكَلِّمُهُمْ فَيَسْمَعُونَ وَيَنْظُرُونَ إِلَيْهِ وَهُوَ فِي مَكَانِهِ؛ هنگامی که قائم ما قیام کند، خداوند، چنان گوش و چشم شیعیان ما را تقویت می‌کند که میان آنان و آن حضرت، نامه‌رسانی وجود ندارد و مردم در هر نقطه از کره زمین، امام را مشاهده می‌کنند و امام با آنان سخن می‌گوید.^۳

در تمامی این روایات نعمت ارتقای توانایی بدنی مخصوص شیعیان و مومنین بیان شده و احتمالاً متناسب با ایمان اشخاص خواهد بود. در سه روایت اخیر امام معصوم تاکید فرموده‌اند که شیعیان ما از شیر دلیرتر شده یا خداوند چشم و گوش مومنین و شیعیان ما را

۱. بحار الانوار، علامه مجلسی، ج ۵۲، ص ۳۱۸.

۲. همان، ص ۳۹۱.

۳. اصول کافی، شیخ کلینی، ج ۸، ص ۲۴۰؛ بحار الانوار، علامه مجلسی، ج ۵۲، ص ۳۳۶.

تقویت می کند، تا برادر و امام خود را در طرف دیگر کره زمین مشاهده کنند و صدایش را بشنوند. ذکر این نکته ضروری است که خبرهایی از برخی از مومنین، در حال حاضر و در همه اعصار وجود دارد که توانایی هایی که وعده آن ها به مومنین داده شده است، هم اکنون در اختیار آن ها قرار دارد، اما به نظر می رسد این ظهور و بروز در عصر حکومت امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشريف عمومی می شود.

در عصر ظهور دوران تحقیر مومنین به پایان می رسد

امام سجاد علیه السلام می فرماید:

إذا قام قائمنا أذهب الله عزوجل عن شيعتنا العاهة، وجعل قلوبهم كزبر الحديد، وجعل قوة الرجل منهم قوة أربعين رجلا ويكونون حكام الارض وسنامها؛ هرگاه قائم ما قیام کند، خداوند عزوجل از شیعیان ما بیماری را برطرف می سازد و دل های آنان را همچون پاره های آهن می گرداند و به هر مردی از آن ها نیروی چهل مرد می دهد و آن ها حاکمان زمین و رؤسای اجتماع خواهند شد.^۱

امام صادق علیه السلام می فرماید:

ما كان يقول لوط «لو أن لي بكم قوة أو آوى إلى ركن شديد» إلا تمنيا لقوة القائم عليه السلام ولا ذكر إلا شدة أصحابه فان الرجل منهم يعطى قوة أربعين رجلا، وإن قلبه لاشد من زبر الحديد، ولو مروا بجبال الحديد لقطعوها، لا يكفون سيوفهم حتى يرضى الله عزوجل؛ لوط پیغمبر این سخن را که؛ اگر برای من قدرتی بود و یا اگر می توانستم به سوی رکن شدید چنگ زنم؛ نفرمود، مگر این که آرزو می کرد قدرت قائم علیه السلام را داشته باشد و یا شدت اصحاب او را واجد گردد. پس به مردی از اصحاب آن حضرت، قدرت چهل مرد ارزانی می شود و قلب او از آهن شدیدتر خواهد بود و اگر ایشان بر کوه های آهن عبور کنند، آن کوه ها را قطع می کنند و شمشیرها را زمین نمی نهند، تا این که خدای عزوجل خشنود گردد.^۲

۱. بحار الانوار، علامه مجلسی، ج ۵۲، ص ۳۱۷.

۲. همان، ص ۳۲۷.

امام صادق علیه السلام می فرمایند:

كأني أنظر إلى القائم عليه السلام وأصحابه في نجف الكوفة كأن على رؤسهم الطير قد فئيت أزوادهم وخالقت ثيابهم، قد أثر السجود بجباههم ليوث بالنهار، رهبان بالليل كأن قلوبهم زبر الحديد، يعطى الرجل منهم قوة أربعين رجلا لا يقتل أحدا منهم إلا كافرا أو منافقا وقد وصفهم الله تعالى بالتوسم في كتابه العزيز بقوله « إن في ذلك لآيات للمتوسمين؛ گویا من به سوی قائم علیه السلام و اصحاب او می نگرم که در نجف کوفه هستند. (از ژولیدگی) گویا بر سر ایشان پرنده ای است. به تحقیق توشه های ایشان نابود شده و لباس های ایشان کهنه و بر پیشانی ایشان آثار سجود ظاهر است. شیران روز و زاهدان شب هستند. گویا قلب های ایشان از پاره های آهن است و به هر مردی از ایشان قدرت چهل مرد ارزانی می شود. کسی یکی از ایشان را نمی کشد، مگر این که کافریا منافق باشد و خدای متعال، ایشان را به نشانه داری (در پیشانی) در کتاب گران قدر خویش توصیف کرده است (که می فرماید) «همانا در این نشانه هایی برای نشانه داران (در پیشانی) می باشد»^۱

عبدالملك بن اعين می گوید: از نزد حضرت امام باقر علیه السلام برخاستم، پس به دستان (به خاطر ضعف) تکیه کردم و گریستم و عرض کردم؛ من امیدوار بودم که امر (شما را) درک کنم در حالی که توانائی داشته باشم. آن حضرت فرمودند:

أما ترضون أن أعداءكم يقتل بعضهم بعضا، وأنتم آمنون في بيوتكم إنه لو كان ذلك اعطى الرجل منكم قوة أربعين رجلا، وجعل قلوبكم كزبر الحديد، لو قذفت بها الجبال فلققتها، وأنتم قوام الارض و خزائنها؛ آیا خشنود نیستید که دشمنان شما یکدیگر را می کشند، در حالی که شما در خانه های خود هستید؟ همانا اگر آن (امر) برپا شود، به هر مردی از شما قدرت چهل مرد داده می شود و قلب های شما چون پاره های آهن می گردد که اگر به آن (قلب ها) بر کوه ها بکوبید، تکه تکه می شوند و شما به پا دارندگان زمین و گنجینه داران آن خواهید بود.^۲

۱. همان، ص ۳۸۶.

۲. همان، ص ۳۳۵.

امام صادق علیه السلام می فرمایند:

إن الله نزع الخوف من قلوب شيعةنا، وأسكنه قلوب أعدائنا، فواحدهم أمضى. من سنان وأجرى من ليث، يطعن عدوه برمح ويضربه بسيفه، ويدوسه بقدمه؛ همانا خداوند (در زمان قیام قائم ما) ترس را از دل های شیعیان ما زایل می کند و در دل دشمنان ما می افکند. پس هر یک از آنها، از نیزه چابک تر و از شیر دلیرتر هستند، به طوری که دشمن ما را به نیزه خود می زند و به شمشیر خود مضروب می کنند و زیر پایهای خود، آنها را له می کنند.^۱

امام صادق علیه السلام می فرمایند:

يكون شيعةنا في دولة القائم عليه السلام سنام الارض وحكامها، يعطى كل رجل منهم قوة أربعين رجلاً؛ در دولت قائم علیه السلام شیعیان ما ارکان زمین و حاکمان آن خواهند بود. به هر یک از ایشان، قدرت چهل مرد داده می شود.^۲

امام باقر علیه السلام می فرمایند:

التي الرعب في قلوب شيعةنا من عدونا، فإذا وقع أمرنا وخرج مهدينا كان أحدهم أجرى من الليث، وأمضى من السنان، يطأ عدونا بقدميه ويقتله بكفيه؛ در دل های شیعیان ما ترس از دشمنان ما افکنده شده است. پس هرگاه امر ما واقع شود و مهدی ما خروج کند، هر یک از ایشان از شیر دلیرتر و از نیزه چابک تر خواهد بود، که دشمنان ما را زیر پای خود خرد می کند و با کف دست، او را به قتل خواهد رسانید.^۳

در عصر ظهور بیماری و ضعف در مومن وجود ندارد

امام صادق علیه السلام از قول امام سجاد علیه السلام می فرمایند:

إذا قام القائم أذهب الله عن كل مؤمن العاهة ورد إليه قوته؛ هرگاه قائم ما قیام کند، خداوند عزوجل از هر مؤمنی بیماری را برطرف می کند و دوباره نیروی او را باز

۱. همان، ص ۳۳۶.

۲. همان، ص ۳۷۲.

۳. همان، ص ۳۷۲.

می گرداند.^۱

امام باقر علیه السلام می فرمایند:

من أدرك قائم أهل بيتي من ذی عاهة برأ ومن ذی ضعف قوی؛ هر کس قائم ما اهل بیت را درک کند، اگر بیماری داشته باشند بهبودی می یابد و چنانچه ضعیف باشد، نیرومند می گردد.^۲

در عصر ظهور مومن ویژگی های انسان مطلوب انبیاء را پیدا می کند

«انسان عصر ظهور، انسانی است که ویژگی های انسان مطلوب انبیاء را پیدا می کند و لطیف ترین که این ویژگی ها در همه ابعاد حیات اجتماعی ظهور پیدا می کند و این گونه نیست که انسان ها فقط در جلوه های باطنی شان عبد باشند، اما در حیات این دنیایی شان به دنبال مطامع خودشان باشند. آهنگ همه حیات بشریت در عصر ظهور آهنگ عبودیت است؛ یعنی مصداق این سخن امیر مؤمنان علی علیه السلام: «حتى تكون أعمالی و أورادی کلها وردا واحدا و حالی فی خدمتک سرمداً».^۳ در آن عصر، ارتباطات اجتماعی و پرستش اجتماعی هم ملکوتی می شود. همه بشر در کلیه افعال و رفتارشان خدا را می پرستند؛ در حقیقت، جریان ولایت ولی الله در همه ابعاد حیات بشر جاری می شود که این جریان، مبدأ عبودیت و حیات و نور است. نمی شود گفت که عصمت اتفاق می افتد. عصمت از آن انوار پاک معصومین علیهم السلام است، ولی همه در عصر ظهور و در جامعه بزرگ شیعی به مقامی می رسند که همه رفتارشان بر اساس تبعیت از ولی خدا شکل می گیرد و حیات اجتماعی شان، شعاع اراده ولی الله و شعاع شمس ولایت می گردد.

بنابراین، انسان واپسین، انسان تربیت شده انبیاء است و حیات اجتماعی، مظهر ولایت ولی خدا است و نور عبودیت و پرستش خداوند متعال در همه عرصه هایش جاری است. بیشتر گویندگان و نویسندگان هرگاه می خواهند عصر ظهور را برای مردم به تصویر کشند به

۱. همان، ص ۳۶۴.

۲. همان، ص ۳۳۵.

۳. مفاتیح الجنان، شیخ عباس قمی، دعای کمیل.

روایت‌هایی اشاره می‌کنند که در آن‌ها از گسترش مظاهر رفاه مادی انسان‌ها و توسعه نعمت‌های ظاهری، از جمله افزایش محصولات کشاورزی، دامپروری، فراوانی نعمت و ثروت، از بین رفتن فقر و تنگدستی و... سخن به میان آمده است، اما آیا همه تفاوت عصر ظهور با اعصار پیش از آن در همین گسترش رفاه مادی و آسایش انسان‌ها و فراوانی مال و ثروت خلاصه می‌شود؟ آیا هیچ تحول ماهوی در انسان و جهان رخ نمی‌دهد؟ تفاوت جوهری این عصر با اعصار پیشین در چیست که ارزش آن را دارد بشر قرن‌ها برای تحققش انتظار کشد و برای رسیدن به آن سختی‌های فراوانی را تحمل کند؟

در این‌که نعم ظاهری و رفاه مادی در عصر ظهور گسترش پیدا می‌کند تردیدی نیست، همچنان که این امر در بهشت نیز اتفاق می‌افتد، اما همان‌طور که تنعم اولیای الهی و مؤمنان در بهشت، با تنعم اهل دنیا در دنیا حتی از لحاظ کمی و ظاهری قابل مقایسه نیست، تنعم مؤمنان در عصر ظهور هم، مرتبه‌ای از مراتب بهشت است که در دنیا تجلی پیدا می‌کند، با تنعم آنان در قبل از ظهور قابل مقایسه نیست. چون بهشت هم چیزی جز مراتب ولایت خداوند متعال، که ولایت ولی الله الأعظم هم در طول آن قرار دارد، نیست. در بهشت، همه در ضیافت خانه و مهمانخانه ولی خدا هستند و متناسب با استغراقشان در ولایت اولیا خدا، درجه دارند و متنعم می‌شوند» (۱۵۴).

«حضرت ولی عصر پس از ظهور، حقیقت ولایت را در عالم تجلی می‌دهند و کلمه غیب الهی که امام زمان است آشکار می‌شود. ﴿هُدًى لِّلْمُتَّقِينَ * الَّذِينَ يُؤْمِنُونَ بِالْغَيْبِ﴾ قرآن متقین را هدایت می‌کند. متقین آن‌هایی هستند که اول صفت‌شان ایمان به غیب است. مطابق روایات مقصود از غیب امام زمان است. وقتی حضرت می‌آید این غیب در عالم ظاهر می‌شود؛ بدین معنا که این عالم متصل به عالم غیب می‌شود، انوار غیب و حقیقت ولایت که غیب است و امام که غیب است، آن غیب در عالم ظاهر می‌شود؛ این مهم‌ترین معنی ظهور است. «اشرقت الارض بنور ربها»، یعنی آن حقیقت غیبی امام، در عالم ظهور پیدا می‌کند. لذا این عالم شهود می‌شود. همه آن کسانی که در آن دوران هستند مشاهده و مکاشفه می‌کنند و این

کارها دیگر آسان می شود. این آن چیزی است که اتفاق می افتد و این نصرت سیدالشهداست» (۱۵۵).

«عمار سباطی» می گوید از امام صادق علیه السلام درباره (تفسیر) این آیه شریفه پرسیدم: ﴿أَفَمَنْ

اتَّبَعَ رِضْوَانَ اللَّهِ كَمَنْ بَاءَ بِسَخَطٍ مِنَ اللَّهِ وَمَأْوَاهُ جَهَنَّمُ وَبِئْسَ الْمَصِيرُ﴾^۱ و آن حضرت فرمودند: الذين اتبعوا رضوان الله هم الائمة وهم والله يا عمار درجات المؤمنين و بولايتهم و معرفتهم ايانا يضاعف الله لهم اعمالهم ويرفع (الله) لهم الدرجات العلى؛ آنان که از رضوان خدا تبعیت کرده اند همانا ائمه علیهم السلام هستند و به خدا سوگند ای عمار ائمه علیهم السلام درجات و مراتب اند برای اهل ایمان و با ولایت و معرفت به ما ائمه است که خداوند اعمال اهل ایمان را دو چندان می کند و آنان را به سوی درجات رفیع، بالا می برد.^۲

انسانی که در دنیا پایش روی زمین است و قلبش در بهشت است، ابتهاجاتش هم ابتهاجات ملکوتی است و سنج ابتهاجاتش از این سنج نیست. انسان مؤمن، حتی خوردنش هم با کافر متفاوت است، لذتش از نکاح هم ملکوتی است. البته برای انسانی که به این درجات نرسیده اند، اینها خیالبافی است ولی در تعالیم انبیاء لذت انسان مؤمن در درجات ایمانی خودش به تبع ایمانش واقع می شود، بنابراین در عصر ظهور، مفهوم لذت، مفهوم نیاز، مفهوم کمال و مفهوم ابتهاج تغییر می کند و بسترهایش هم متفاوت می شود (۱۲۳).

۱. آل عمران، ۱۶۳.

۲. اصول کافی، شیخ کلینی، ج ۱، ص ۴۳۰.

فصل نهم: اخلاق و خانواده قبل و بعد از ظهور

خلاصه فصل

امروزه در بیشتر جوامع بشری به ویژه جوامعی که از دنیای غرب الگومی گیرند یا تحت تهاجم فرهنگی غرب هستند، نظام و ارزش های اخلاقی ثابتی وجود ندارد، بلکه خیر و شر، تابع نظر و رأی اکثریت مردم و به مرور زمان، قابل تغییر است. رواج پرنوگرافی، افزایش آمار طلاق، رواج زندگی مشترک بدون تعهد اخلاقی زوجین (ازدواج سفید)، تجارت زنان و کودکان، سقط جنین، مصرف گسترده مشروبات الکلی و انواع مواد مخدر، رواج شیطان پرستی و عرفان های کاذب، پوشش نامناسب و ایجاد شهرهای بدون پوشش، دریده شدن پرده حیا، از هم پاشیدن خانواده ها و در یک کلمه جاهلیت مدرن، رهاورد تمدن کنونی حاکم بر جهان است که مُبدع آن نظریه پردازان دنیای غرب هستند.

با گستردن چتر ولایت الهی بر سر بشر، در عصر ظهور، حضرت مهدی علیه السلام خواهش های نفسانی را به هدایت آسمانی باز می گرداند، پس از آن که تمدن کنونی حاکم بر جهان و طراحان آن رستگاری را به هوای نفس بازگردانده باشند. مهدی علیه السلام به مردم نشان خواهد داد که روش عادلانه در حکومت چگونه است و آنچه را که از کتاب و سنت، متروک مانده، زنده خواهد ساخت. در آن زمان خداوند قوای فکری مردم را تعالی می بخشد و اخلاق آنان را به کمال می رساند، کینه از دل ها زدوده می شود. روابط نامشروع، مشروبات الکلی و رباخواری از بین می رود، مردم به عبادت و اطاعت خدا روی می آورند، امانت ها را رعایت می کنند، اشرار و اوباش نابود می شوند و افراد صالح باقی می مانند.

وضعیت اخلاق و خانواده در عصر حاضر

در عصر حاضر، اخلاق درست به همان حد دچار نابسامانی است که طبیعت دچار نابسامانی شده است. ظلم بشر به اخلاق و منش خود، هم‌پایه‌ی ظلم او به طبیعت و سایر ابعاد ظلم پیش رفته است. این نابسامانی ناشی از فرمانروایی عقل در غیاب ایمان به خدا و تقوا است. با نگاهی به رویکرد برخی نظریه‌پردازان و مدیران فعلی جهان و برنامه‌ریزان، چشم‌اندازی نیز وجود ندارد که برای اخلاق جایگاهی تعریف شود که اخلاق بتواند قدم پیش بگذارد و از بروز فساد و آشفته‌گی و پریشانی در کارها جلوگیری کند.

برخی از جامعه‌شناسان با تقسیم جوامع به دو دسته سنتی و مدرن، عقاید دینی را مختص ساختارهای سنتی دانسته و معتقدند که با انتقال جوامع سنتی به ساخت مدرن، تحولات بنیادی در باورهای دینی و ارزش‌های اخلاقی مردم ایجاد می‌شود؛ زیرا این باورها و ارزش‌ها نه تنها در جوامع مدرن کارکرد خود را از دست می‌دهند، بلکه گاهی به موانعی در راه رشد و ترقی فردی و اجتماعی بدل می‌گردند. به این ترتیب در عصر مدرن، معیارهای اخلاقی نیز به‌طور کلی با آنچه بشر به صورت سنتی قبول داشت و مطابق آن‌ها عمل می‌نمود فرق دارد. این تفاوت فقط در شکل ظاهری رفتارهای اخلاقی انسان جدید نیست؛ بلکه اساساً ارزش‌های حاکم بر زندگی او تغییر کرده و به سبب تفاوت در نوع نگاهش به حیات این جهانی، رویه جدیدی در رفتارهای اخلاقی و تخلق به صفات مختلف برگزیده است. اگر زمانی حسادت از صفات زشت انسانی بود، امروزه به عنوان یکی از عوامل تحرک انسان‌ها برای سامان دادن به حیات جمعی محسوب می‌شود. به‌طور کلی هر آنچه روزگاری یکی از صفات بد و غیر قابل قبول تلقی می‌گشت امروزه جای خود را عوض کرده و تبدیل به یک صفت پسندیده مدرن گشته است، به نحوی که نه تنها متصف به آن، مورد مذمت قرار نمی‌گیرد و خود نیز از داشتن چنین صفتی شرم‌منده نیست؛ بلکه چه بسا مورد تشویق نیز واقع می‌شود و به سبب داشتن چنین صفتی خود را شایسته احترام می‌داند (۱۵۶).

آلویس تافلر زندگی انسان قبل از میلاد مسیح تا عصر حاضر را تحت تأثیر سه موج می‌داند؛ در موج اول، یعنی عصر کشاورزی (۸۰۰ سال قبل از میلاد تا قرن ۱۷) اشکال خانواده از جایی به

جای دیگر متفاوت بود. اما هر کجا که کشاورزی رواج یافت، مردم به زندگی در خانواده‌های چند نسلی تمایل پیدا می‌کردند که متشکل از عمو، دایی، عمه، خاله، اقوام زن، شوهر، مادربزرگ و پدربزرگ بود که همگی زیر یک سقف به سر می‌بردند و به صورت یک واحد تولید اقتصادی باهم کار می‌کردند. از انواع این خانواده می‌توان به خانواده دسته جمعی در هند و خانواده زادورگا در بالکان و خانواده گسترده در اروپای غربی اشاره کرد. خانواده ایستا بود و گویی ریشه در خاک داشت. با شروع موج دوم، یعنی عصر صنعتی (از قرن ۱۷ تا قرن ۲۰)؛ در جوامع موج اول، خانواده فشار تحول را حس کرد. در درون هر خانواری برخورد امواج پیشگام به شکل تعارض حمله به اقتدار پدرشاهی، در رابطه‌ی دگرگون یافته‌ی والدین - فرزندان و مفاهیم جدید آداب معاشرت ظاهر شد. با انتقال اقتصاد از مزرعه به کارخانه، افراد خانواده، دیگر به صورت یک واحد با یکدیگر کار نکردند. با نیاز به کار کارگران در کارخانه، وظایف اصلی خانواده به نهادهای تخصصی دیگر واگذار شد. تعلیم و تربیت کودک را مدارس برعهده گرفتند. مواظبت از سالخورده‌گان به خانه‌های سالمندان یا مراکز رفاهی دیگر سپرده شد. بالاتر از همه، جامعه نوین به تحرک نیاز داشت، کارگران در جستجوی شغل از اینجا به آنجا می‌رفتند. خانواده گسترده با داشتن مسئولیت خویشاوندان سالخورده و بیمار و معلول بر دوش خود و داشتن عده‌ی زیادی کودک قادر به هیچگونه تحرکی نبود. بنابراین ساخت خانواده به تدریج شروع به تغییر کرد. مهاجرت به شهرها رشته‌ی خانواده را از هم گسست و بحران‌های اقتصادی ویران‌گر آن‌ها را برآن داشت که خود را از زیر بار گران خویشاوندان، رها سازند و در نتیجه کوچکتر و کوچکتر شدند و از تحرک بیشتری برخوردار گردیدند. خانواده‌ی به اصطلاح هسته‌ای، متشکل از پدر و مادر و تعداد کمی فرزند بود، بدون خویشاوندی متعهد دست و پاگیر، این خانواده الگوی نوین استاندارد و مورد قبول همه جوامع صنعتی اعم از سرمایه‌داری و سوسیالیست گردید. حتی در ژاپن که سالخورده‌گان از احترام استثنایی برخوردار بودند خانوار بزرگ و چند نسلی با پیشرفت موج دوم از هم پاشید. امروز بار دیگر انسان‌ها حس می‌کنند خرد شده‌اند، ولی برخلاف قبل، این احساس گناه ناشی از گسیختگی خانواده است نه عوامل اقتصادی. اگر تنها پای اقلیت کوچکی در میان بود شاید این

پاشیدگی بازتابی از شکست‌های فردی بود. وقتی که طلاق و جدایی، میلیون‌ها خانواده را در بسیاری از کشورها درکام خود می‌کشد، نمی‌توان عامل آن را فردی دانست. از هم پاشیدگی خانواده بخشی از بحران عمومی جامعه‌های صنعتی است.

تافلر می‌گوید: موج سوم، یعنی عصر الکترونیک (از ۱۹۵۰ تا ۲۰۱۰) با از هم گسستن خانواده‌هایمان، متزلزل ساختن اقتصادمان، فلج کردن سیستم‌های سیاسی مان و درهم شکستن ارزش‌هایمان بر همه ما اثر خواهد گذاشت. در فرهنگ خانواده‌های موج سوم؛ افزایش مجردها، فرهنگ بدون بچه و خانواده‌های چند والدی را خواهیم دید. در موج سوم، انتقال کارها به خانه، باعث اشتراک بیشتر زن و مرد در کارهای یکدیگر و در نتیجه ایجاد صمیمیت بیشتری شود و باعث ادغام و تفکیک ناپذیری زندگی خصوصی و شغلی می‌گردد. معیارهای جدید خانواده؛ عشق به علاوه آگاهی، مسئولیت، انضباط و خصوصیات دیگری که شخص باید در محیط کار داشته باشد. کودکان موج دوم، به واسطه مدرسه خود و کار والدین از کار جدا بودند ولی کودکان موج سوم از بچگی در جریان کارها خواهند بود و می‌توانند در کارها پیشرفت کنند (۱۵۷).

اگرچه تافلر بسیاری از پیامدهای ناگوار صنعتی شدن و عصر الکترونیک برای کانون خانواده را به خوبی پیش‌بینی کرد (آنچه که الان اتفاق افتاده است)، اما پیامدهای خوشایند موج سوم که برای خانواده‌ها پیش‌بینی کرده بود (صمیمیت بیشتر بین والدین، احساس مسئولیت فرزندان و...) هرگز به وقوع نپیوست، بلکه برعکس، فضای مجازی و دنیای الکترونیک، گسست بیشتری بین والدین و فرزندان ایجاد نمود. زیرا اصولاً هنگامی که کانون خانواده و روابط بین اعضای آن و پارامترهای اخلاقی تابع صنعت، الکترونیک، اقتصاد و سایر موضوعات این‌چنینی باشد، انتظار پیامدهای خوشایند برای خانواده انتظاری عبث است، بلکه این صنایع، الکترونیک، اقتصاد و سایر موضوعات هستند که باید تابع اخلاق و کانون فوق مهم و فوق ارشمند خانواده باشند که در این صورت اعضای خانواده اثرات بسیار عمیق و خوشایندی روی روابط بین یکدیگر، روابط اجتماعی و اقتصادی جوامع و ملت‌ها خواهند گذاشت.

آنتونی گیدنز^۱ یکی از مدافعان اخلاق سکولار در این باره می‌گوید: «آنچه روزگاری در اخلاق دینی رذیلت محسوب می‌شد، در دوران مدرن فضیلت به حساب آمده و جای خود را با آن عوض می‌کند. بر جوانب مذموم وجود انسانی و ابعاد قبیح اخلاقی او مهر صحت و رسمیت زده می‌شود؛ چراکه خودخواهی و سودجویی و خودنمایی و لاف‌زنی و اسراف، که همه مورد طعن عالمان اخلاق دینی است، خدمت مهمی به تعدیل و تعادل معیشت جمعی می‌کنند. اگر سیئات فردی حذف شوند و همگان راه زهد و قناعت را در پیش گیرند، نظام زندگی مختل خواهد شد و رشته معیشت جمعی گسیخته خواهد گشت. سودجویان و زیادت‌طلبان و آزمندان و خوش‌گذران‌ها هستند که بازار تجارت را پر رونق می‌دارند و اگر روزی جهان، از این اغراض و امیال تهی شود، مرگ و خفتگی، معیشت جمعی را در کام سرد خود خواهد کشید» (۱۵۸). خلاصه آن‌که در جهان امروز در بسیاری از جوامع، عقل تابع نفس شده و بیرون به جای درون نشسته و رذیلت‌ها هم‌نشین فضیلت‌ها شده‌اند.

آنتونی گیدنز به صراحت مخالف ظهور منجی الهی است که «بشر را از خواهش‌های نفسانی به هدایت آسمانی بازمی‌گرداند، پس از آنکه رستگاری را به هوای نفس بازگردانده باشند»^۲، زیرا وی به صراحت می‌گوید: «اگر روزی جهان، از این اغراض و امیال تهی شود، مرگ و خفتگی، معیشت جمعی را در کام سرد خود خواهد کشید». او محور تکامل انسان را خواهش‌های نفسانی، حیات حیوانی و معیشت جمعی می‌داند.

هیچ‌کدام از مکاتب فلسفه اخلاقی غرب مانند مکتب هگل، کانت، فروید و غیره «فلسفه اخلاق غرب» را تأمین نکرده‌اند. به علاوه، هیچ‌کدام از این مکاتب‌ها، نظام اخلاقی خاص خود را ارائه نداده‌اند، بلکه به بیان دیدگاه‌های فلسفی خود در بعد اخلاق بسنده نموده‌اند. «نقطه مشترک بین همه این دیدگاه‌ها، این است که رفتار انسانی را به شرطی «اخلاقی» می‌دانند که خود انسان، هدف و قانون اعمال خویش را تعیین کند و خیر را مد نظر داشته باشد».

۱. Anthony Giddens.

۲. مضمون روایتی از امام علی علیه السلام، نهج البلاغه، خطبه ۱۳۸.

در غرب، نظام و ارزش‌های اخلاقی ثابتی مطرح نیست، بلکه خیر و شر، تابع نظر و رأی اکثریت مردم و به مرور زمان، قابل تغییر است. آموزش مسائل جنسی به دانش‌آموزان رواج دارد و آنان از چهارده سالگی با روابط و مسائل جنسی آشنا می‌شوند. این درس منوط به موافقت والدین نیست، بلکه به صورت اجباری برای همه دانش‌آموزان تدریس می‌شود. از طرف دیگر، مفاهیم اخلاقی مانند «حیا»، «عفت»، «غیرت» و «تقوا» دیگر دارای ارزش مثبت اخلاقی نیستند و برای بسیاری از مفاهیم مانند؛ «ناموس» و «غیرت» در برخی از زبان‌ها، معادلی وجود ندارد.

یکی از معضلات اجتماعی برخی جوامع امروزی، رواج پرنوگرافی^۱ و اشتغال گروه کثیری به این کار است. امروزه بازار این گونه تولیدات در بسیاری از کشورها از رونق فراوانی برخوردار است و در حال حاضر به عنوان یکی از شاخه‌های اقتصادی پردرآمد در برخی کشورها مطرح است. برخی رسانه‌های گروهی، با پخش این فیلم‌ها و تصاویر مبتذل، دیدگاه خاصی را به اذهان کودکان و نوجوانان القا می‌کنند و با این تلقین‌ها، عملاً جلورشد آزادانه آنان را می‌گیرند. یکی از معضلات ناشی از ترویج پرنوگرافی شیوع پدیده تجاوز به زنان است. اگرچه بعضی افراد تصور می‌کنند که هرچه در بعد جنسی، آزادی بیشتری حاکم باشد، کنجکاوی و رغبت انسان به این مسائل کمتر می‌شود اما تحقیقات انجام شده در غرب، خلاف آن را نشان می‌دهد. پژوهشی در دانشگاه پتسدام آلمان^۲ نشان داد که از ۲۵۰ پسری که مورد سؤال قرار گرفته‌اند، ۳۲ درصد اقرار کردند که به طور هدف‌دار، از مشروبات الکلی، مواد مخدر یا مست‌کننده استفاده کرده‌اند تا به اهداف جنسی خود برسند.

از جمله‌ی دیگر معضلات دامن‌گیر بسیاری از جوامع امروزی که خود ناشی از رواج پرنوگرافی است، افزایش آمار طلاق نسبت به ازدواج است. به عنوان نمونه، آمار رسمی کشور اتریش نشان می‌دهد که بین سال‌های ۱۹۷۰ تا ۲۰۰۱ میلادی تعداد طلاق‌ها در این کشور از نرخ ده هزار مورد به ۲۰۵۸۲ طلاق در سال افزایش یافته است. بر این اساس، در اتریش حدود ۶۰

۱. عرضه محصولات مستهجن با ابزار هنری.

2. Universitaet Potsdam.

درصد کلیه ازدواج‌ها به طلاق کشیده می‌شود. سالانه تا دویست هزار زن، از کشورهای اروپای شرقی به اروپای غربی برده می‌شوند. به اکثر این افراد وعده آینده درخشان به عنوان مُدِل داده می‌شود، ولی وقتی به کشورهای غربی رسیدند، استثمار شده و به فحشا واداشته می‌شوند. اتریش به لحاظ موقعیت جغرافیایی خود، یکی از محورهای تجارت زنان، از اروپای شرقی است. ممکن است کسی گمان کند که بالاخره سهمی از سود این تجارت به آن زنان بیچاره می‌رسد، در صورتی که از محتوای پژوهش‌ها چنین برمی‌آید که این درآمد ناچیز هم از آن‌ها پس گرفته می‌شود و به بسیاری از آنان مواد مخدر تزریق می‌شود تا ساکت بمانند (۱۵۹).

به راستی، دلیل آمار و حوادث ذکر شده چیست؟ اگر «مکاتب کنونی به ویژه مکاتب غربی» می‌توانستند «امنیت اخلاقی» را تأمین کنند، این گونه آمار و حوادث را شاهد نبودیم. آنچه می‌تواند جامعه را امنیت اخلاقی بخشد، عمل به احکام نورانی اسلام و سایر ادیان الهی است که با فطرت بشریت هماهنگ می‌باشند. آماری که گذشت، نشان «جاهلیت مدرن» است که قبل از ظهور، رخ داده و اینک آن را می‌بینیم.

ناامنی اخلاقی در آستانه ظهور

از احادیث استفاده می‌شود که حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف مثل پیامبر بزرگوار اسلام صلی الله علیه و آله در برابر جاهلیتی قرار می‌گیرد که همین «جاهلیت مدرن» است. «در برخی از کشورها مفاسد قانونی و علنی وجود دارد که زبان انسان از بیان آن‌ها شرم دارد که با وجود این شرایط باید عنوان کرد برهنگی در عصر ما به مراتب بدتر از زمان جاهلیت عرب و قبل از اسلام است. امروزه در برخی از کشورها، مجلاتی وجود دارد که زنان در این مجلات خودشان را برای انجام مفاسد جنسی معرفی و اعلام آمادگی می‌کنند. زنده به گور کردن دختران یکی دیگر از ویژگی‌های عصر جاهلیت عرب بود و امروز مسئله سقط جنین مطرح است. حال باید پرسید این کار با زنده به گور کردن چه تفاوتی دارد که متأسفانه در بسیاری از کشورهای دنیا این اقدام به صورت قانونی درآمد و فرزند هنوز متولد نشده، آن را از بین می‌برند. انسان از بیان اقدامات شیطان پرستان شرم دارد. خرافات نیز از دیگر ویژگی‌های عصر جاهلیت عرب بوده که در عصر حاضر می‌بینیم هم خرافات غوغا می‌کند و برنامه‌های شیطان پرستی و دیگر خرافات که از غرب و

دنیاى به اصطلاح متمدن شروع شده و در کشور ما هم رخنه کرده، بدترین نوع خرافه است. تمدن امروز دنیا، تمدن صنعتی است و نه تمدن انسانی، چراکه اگر تمدن انسانی وجود داشت، این همه کشتار، خرافات و خونریزی‌ها دیده نمی‌شد» (۱۶۰).

پوشش نامناسب

اهل بیت علیهم‌السلام وضعیت پوشش در آستانه ظهور را این چنین معرفی کرده‌اند:

مردان خود را با طلا می‌آرایند و لباس‌های ابریشمی می‌پوشند. زن‌ها لباس مردانه می‌پوشند و پوشش حیا از آن‌ها گرفته می‌شود و با لباس‌های مردانه جلوه‌گری می‌کنند و مردان و زنان همانند می‌گردند. لباس‌هایی در جامعه عرضه می‌شود که وقتی زنان آن را می‌پوشند، در عین پوشش، برهنه‌اند. اراذل و اوباش بر مردم شریف و آزاده برتری می‌یابند. زنان زینت‌های خود را آشکار می‌سازند، از دین بیرون می‌روند، به فتنه‌ها می‌گرایند، به سوی شهوت‌ها و لذت‌ها می‌شتابند، محرمات الهی را حلال می‌شمارند و سرانجام در جهنم جاویدان‌اند (۱۶۱).

جابر بن عبدالله انصاری می‌گوید:

در حجه الوداع (آخرین حج) در خدمت رسول اکرم صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم بودم. وقتی که پیامبر بزرگ اعمال واجب حج را تمام فرمودند، به عنوان وداع به خانه کعبه نزدیک شدند، حلقه در خانه را گرفتند و با صدای بلند که همه اهل مسجد الحرام و بازاریان صدای مبارکشان را شنیدند و اجتماع کردند، فرمودند: ای مردم بشنوید و به آن‌هایی که در اینجا نیستند برسانید. آنگاه وجود مقدس رسول گرامی صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم گریه کردند و از گریه آن بزرگوار همه به گریه افتادند و چون از گریه فارغ شدند، فرمودند: ای مردم خداوند شما را رحمت کند. مثل شما از امروز تا یکصد و چهل سال دیگر مانند درخت بی‌خار خواهد بود (ممکن است که کنایه از زندگی آرام باشد) و دوست سال دیگر بر شما خواهد آمد که مانند درختی باشید که هم برگ دارد و هم خاردار است. دیگر بعد از این مثل شما مانند درختی است که خارهای جان‌گداز دارد و در این فصل از زندگی نمی‌بینید مگر پادشاه ستمگرا یا ثروتمند بخیل یا عالم دنیاپرست یا فقیر دروغ‌گویا پیرمرد زناکار یا بچه گستاخ یا زن نادان و احمق. آنگاه

رسول اکرم ﷺ گریه کردند. سلمان فارسی از جا برخاست و عرض کرد: یا رسول الله به ما خبر بده کی خواهد شد؟ حضرت فرمودند: هرگاه علما و دانشمندان شما کم شوند و قاریان قرآن شما از بین بروند و زکات دادن متروک شود و منکرات در اجتماع شما رواج پیدا کند و در مساجد صداهای شما بلند شود. کارهای مربوط به دنیا را مقدم بر امور اخروی بلکه روی سر آخرت بگذارید و علم را زیر پای خود قرار دهید و سخن معمولی و همگانی شما دروغ، میوه و نقل مجالس شما غیبت و آنچه به دست می آورید حرام باشد. (ای سلمان) در آن زمان بزرگان بر کوچکان رحم نمی کنند و کوچکان نیز احترام بزرگان را نگاه نمی دارند. (ای سلمان) در این حالت، لعنت خداوند بر شما نازل می شود و سختی ها دامن شما را خواهد گرفت و از دین در میان شما جز لفظی باقی نمی ماند و آنگاه که شما دارای این صفات ناپسند شدید، منتظر وزیدن باد سرخ یا سنگ باران شدن یا مسخ شدن باشید، به درستی که در کتاب خداوند عزوجل آمده است: «خداست که می تواند به وسیله عذاب های مختلف از بالا و پایین شما را مجازات کند یا شما را گروه گروه کند و بچشانند برخی از شما را آسیب برخی دیگر. بنگر چگونه آیه ها را گونه گون می کنیم، شاید آن ها فهم کنند.» در این موقع بعضی از اصحاب برخاسته، عرض کردند: یا رسول الله به ما خبر ده این جریانات کی خواهد بود. فرمودند: آنگاه که نماز را در وقت خودش نخوانند، متابعت از شهوات کنند، شرب خمر کنند، به پدران و مادران ناسزا بگویند، به دست آوردن مال حرام را غنیمت بدانند و زکات دادن را زیان و ضرر تلقی کنند، مرد از همسر خود اطاعت کند، درباره همسایه جفا کنند، با ارحام قطع ارتباط کنند، رحم از بزرگان برداشته شود و حیای کوچکان کم گردد. ساختمان ها را محکم بنا کنند، درباره نوکران و کلفت ها ظلم کنند، شهادتشان از روی هوی و هوس باشد، حکم آن ها بر اساس ظلم باشد، مرد پدرش را لعنت کند، برادر نسبت به برادر حسد ورزد، شرکا در معاملاتشان به یکدیگر خیانت کنند، وفا کم شود، زنا شیوع پیدا کند، مردان خود را به لباس زنان بیاریند، پرده حیا از زن ها برداشته شود، تکبر دل های مردم را پر کند مانند سم های کشنده ای که در بدن ها

جای می‌گیرد، کارهای خوب کم شود و جرائم و بدی‌ها ظاهر شود. واجبات الهی سبک پنداشته شود، با گرفتن پول صاحبان مال را بستایند، ثروت را در راه غنا و خوانندگی به مصرف برسانند، از آخرت غفلت کنند و تمام توجه خود را به دنیا معطوف دارند، ورع و پرهیزکاری کم و طمع زیاد شود، هرج و مرج بالا گیرد، بندگان خدا در جامعه ذلیل و منافقان در میان مردم محترم باشند. مساجد از نظر ظاهر به وسیله اذان آباد اما دل‌های ساکنان آن تهی از ایمان باشد، قرآن را سبک بشمارند، انواع خواری‌ها درباره اهل ایمان اعمال کنند. در این هنگام می‌بینی که صورت این مردم چهره آدمی است اما قلب‌های آنان دل‌های شیاطین است (پر است از مکر و حيله و تکبر و امثال این صفات بد)؛ سخنان آنان از عسل شیرین‌تر اما دل‌هایشان پراست از زهرهای کشنده. اینان گرگ‌های درنده‌ای هستند که به لباس آدمیان درآمده‌اند. در این حالات، روزی نیست که خداوند به آن‌ها نفرماید آیا از رحمت من مغرور شده و به من جرات پیدا کرده‌اید؟ «تصور می‌کنید که من شما را بی‌فایده خلق کردم و بازگشت شما به سوی من نیست؟». به عزت و جلالم سوگند، اگر به خاطر بندگان صالح و با اخلاص نبود یک آن به معصیت کاران مهلت نمی‌دادم و اگر ورع و پرهیزکاری بندگان باتقوا نبود یک قطره باران از آسمان فرو نمی‌فرستادم و یک برگ سبزه از زمین نمی‌رویاندم. عجبا از مردمی که مال و ثروت را خدای خویش قرار داده‌اند و آرزوهای آن‌ها طولانی است (با توجه به عمر کوتاه دنیا) و چشم طمع دارند که در جوار رحمت الهی باشند، و حال آنکه به مقام قرب نمی‌رسند مگر به وسیله عمل صالح و عمل هم قبول نخواهد شد مگر با راهنمایی عقل.^۱

امام علی علیه السلام نیز ضمن توصیف آن دوره، بیان می‌دارد که جوانان خوانندگی آمیخته با غنا و نوازندگی و شرب خمر را کاری به جا و حلال می‌دانند.^۲

از امام جعفر صادق علیه السلام روایت شده است که فرمودند:

۱. بحار الانوار، علامه مجلسی، ج ۵۲، ص ۲۶۲، ح ۱۴۸.

۲. منتخب الاثر، آیت الله صافی گلپایگانی، ص ۴۳۷.

آیا نمی‌دانی که هر کس انتظار امر ما ببرد و برای‌دء و ترس (از دشمن) صبر پیشه سازد، او فردا در زمره ما خواهد بود. آن هنگام که دیدی حق مُرد و از اهلش نشانی نبود و دیدی ستم در شهرها گسترش یافت و قرآن مندرس شد و چیزهایی به آن وارد کردند که در آن نیست و آن را مطابق هواهای نفسانی خویش توجیه کردند و دیدی که دین وارونه شد همان‌گونه که ظرف واژگون می‌گردد و دیدی که اهل باطل براهل حق استیلا پیدا کردند و دیدی که شر آشکار بوده و کسی از آن باز نمی‌دارد و یارانش معذورند و دیدی که فسق و فجور ظاهر گشت و دیدی که مردان به مردان و زنان به زنان اکتفا می‌کنند و دیدی که مؤمن ساکت است و سخنش را نمی‌پذیرند و دیدی که فاسق دروغ گوید و افترا بنهد و دروغ و تهمت آورد نشود و دیدی که کوچک‌ترها بزرگ‌ترها را اهانت نمایند و دیدی که قطع رحم کنند و دیدی که هر کس را به کار بد بستایند خندان گردد و سخن گوینده را رد نکند و دیدی که از پسر بچه‌ها همان‌گونه استفاده شود که از زن استفاده می‌شود و دیدی که زنان با زنان ازدواج کنند و دیدی که مدح و ثنا بسیار شود و دیدی که مال را در غیر طاعت خداوند صرف کنند، که از آن نهی‌ای نشود و کسی دستشان را نگیرد و دیدی که مردم از سعی و تلاش مؤمن به خدا پناه می‌برند و دیدی که همسایه از آزار همسایه در امان نیست و کسی هم مانع آزار نمی‌شود و دیدی که کافراز آنچه در مؤمن می‌بیند بسیار شاد و فرحناک می‌گردد و از شیوع فساد در زمین در پوست نمی‌گنجد و دیدی که فاجران علناً در ملاءعام شراب می‌نوشند و کسانی که از خدای عزوجل نمی‌ترسند. برای می‌خوارگی گرد هم جمع می‌آیند و دیدی که امر کننده به معروف ذلیل است و دیدی که فاسق در اموری که خداوند دوست ندارد قوی هست و از ستایش دیگران نیز برخوردار است و دیدی که مردان صاحب آیات (یا آثار) و دوست دارانشان مورد تحقیر می‌باشند، دیدی که راه خیر بسته شده و راه شریپیموده می‌شود و دیدی که خانه خدا تعطیل گشته و امر به ترک آن نمایند و دیدی که مرد چیزی را گوید که عمل نمی‌کند و دیدی که مردان خود را برای مردان و زنان خود را برای زنان فربه می‌کنند و دیدی که معیشت مرد از پشتش و معیشت

زن از شرمگاهش می‌باشد و دیدی که زنان همانند مردان برای خود مجالس تشکیل دهند و دیدی که در میان فرزندان عباس کارهای زنانگی پدیدار شود و خضاب را آشکار سازند و همانند زنان که برای شوهر خود آرایش می‌کنند خود را بیارایند و به مردها برای کام‌جویی از آنان پول دهند و دیدی که چند مرد برای استفاده از مردی با یکدیگر رقابت کنند و بر سر این کار غیرت ورزی نمایند. توانگر عزیزتر از مؤمن باشد، ربا رواج یابد و کسی بر آن خرده نگیرد، زنان را به زناکاری بستایند و دیدی که زن شوهرش را برای وصلت با مردان آماده سازد و دیدی که اکثر مردم و بهترین خانواده‌ها کسانی باشند که زنان را در فسق و فجور مساعدده دهند و دیدی که مؤمن محزون و حقیر و ذلیل و بدعت و زنا آشکار باشد و دیدی که مردم از طریق شهادت شاهدان دروغ‌گوبه ستم بر یکدیگر پردازند و دیدی حرام، حلال و حرام گردد و دیدی که دین را مطابق آراء و نظرات خود تغییر دهند و کتاب خدا و احکام آن معوق ماند و دیدی که شب‌ها از جرات برخداوند (ارتکاب اعمال حرام) پروایی نداشته باشند و دیدی که مؤمن نتواند از این منکرات جلوگیری نماید و تنها با قلبش از آن‌ها بیزاری جوید و دیدی که اموال بسیاری در راه غضب خداوند عزوجل صرف نمایند و دیدی که فرمانروایان به کفار تقرب جویند و از خیرخواهان کناره گیرند و به رشوه‌خواری عادت کنند. شرط رسیدن به فرمانروایی زیاد نمودن باشد و دیدی که زن شوهرش را مقهور خود گرداند و هرچه خواهد انجام دهد و خرجی شوهرش را بدهد و دیدی که قمار آشکار شود و دیدی که خرید شراب علناً و بدون هیچ مانعی انجام گیرد و دیدی که زنان خود را در اختیار کفار قرار دهند و دیدی که اعمال لهو پدیدار و معمول گشت و نه تنها مردم همدیگر را از لهویات بازدارند بلکه کسی جرات منع آن را هم نیابد و دیدی که آنان که از سلطه و غلبه فرد شریف در هراسند تقاضای ذلت و خواری او را می‌نمایند (یا او را خوار و ذلیل سازند) و دیدی که نزدیک‌ترین مردم به فرمانروایان کسانی هستند که به دشنام‌گویی به ما خاندان (اهل‌البیت) ستایش شوند و دیدی که هر که ما را دوست بدارد دروغ‌گوییش دانند و شهادتش را نپذیرند و دیدی که همت مردم

متوجه گفتن سخنان باطل می شود و دیدی که استماع قرآن بر گوش ها سنگین و استماع باطل آسان می گردد و دیدی که همسایه، همسایه را از بیم زبانش ارج می نهد و دیدی که حدود معوق می ماند و در (حدود) مطابق امیال خود عمل می کنند و دیدی که مساجد تزئین یابد و دیدی که راست گوترین مردم کسی بشمار می رود که از افترا و دروغ پروایی نداشته باشد و دیدی که شر آشکار شود و دیدی که سخن چینی و سرکشی رواج یابد و دیدی که غیبت را نمک کلام شمارند و مردم همدیگر را به آن بشارت دهند و دیدی که حج و جهاد برای غیر خدا انجام شود و دیدی که سلطان فرد مؤمن را برای کافر خوار سازد و دیدی که ویرانی رایج تر از آبادی باشد و دیدی که زندگی کاسب ها از طریق کم فروشی بگذرد و دیدی که خون ریزی کاری سهل باشد و دیدی که مرد ریاست را برای عرض دنیا خواهد و با بدزبانی خود را زبان زد همگان سازد تا از او بترسند و امور را به وی واگذارند و دیدی که نماز را اهمیت ندهند و دیدی که مردم زکات اموال بسیار خود را از آن هنگام که در تملک گرفته اند نپردازند و دیدی که مرده را از قبرش بدر آورند و او را بیازارند و کفنش را بفروشند و دیدی که پریشانی گسترش یابد و دیدی که مرد شب را بسر می برد در حالی که مست است و چون صبح می کند باز مستی بر او غالب است و اهمیتی به امور مردم نمی دهد و دیدی که با حیوانات درآمیزند و دیدی که چهار پایان برخی بعضی دیگر را (برای ذبح) به زمین زدند و دیدی که مرد به نماز گاه خود می رود و چون باز می گردد عاری از لباس می باشد و دیدی که قلب های مردم به قساوت گراید و چشمانشان خشک شود و ذکر خدا بر آنان سنگین شده و دیدی که حرام خواری رواج یابد و برای نیل به آن بریکدیگر پیشی می گیرند و دیدی که نمازگزار نماز را از روی ریاکاری می خواند و دیدی که فقیه برای غیر دین فقه فرا می گیرد و آن را آلت دستیابی به دنیا و ریاست قرار می دهد و دیدی که مردم با افراد غالب (توانگران و قدرتمندان) باشند و دیدی که طالب حلال را بدگویی نمایند و طالب حرام را بستایند و بزرگش شمارند و دیدی که در دو حرم (مسجد الحرام و مسجد النبی) اعمالی انجام می دهند که مرضی خداوند نیست و کسی مانع از

کارهای زشتشان نمی‌شود و دیدی که آلات موسیقی در دو حرم بنوازند و دیدی که چون فردی سخن از حق گوید و امر به معروف و نهی از منکر نماید فردی به نصیحت او برخاسته و گوید: این سخنان به تو مربوط نیست و مردم همدیگر را نگاه کنند و به اهل شرافتدا جویند و دیدی که راه و طریق خیر خالی از رهرو بوده و کسی آن را نمی‌پیماید و دیدی که چون جنازه‌ای رد شود کسی بر او بی‌تابی نمی‌کند و دیدی که هر سال بیش از سال قبل شررواج یابد و بدعت در دین حاصل شود و دیدی که مردم و گروه‌ها تنها پیرو ثروتمندان هستند و دیدی که چون به نیازمند عطایی کنند به وی بخندند و برای غیر خدا به او ترحم نمایند و دیدی که نشانه‌های آسمانی پدید آید ولی کسی از آن هراسی نکند و دیدی که مردم برهم بجهند چنانچه حیوانات برهم می‌جهند و هیچ کس از ترس، کار زشتی را انکار نکند و دیدی که مرد در غیر اطاعت خدا زیاد خرج کند ولی در مورد اطاعت از کم هم دریغ ورزد و دیدی که ناسپاسی پدر و مادر آشکار گشته و پدر و مادر را سبک شمارند و حال آنکه در پیش فرزند از همه بدتر باشند و فرزند خوشحال است که به آن‌ها دروغ بندد و دیدی که زن‌ها بر حکومت غالب گشته و هرکاری را قبضه کنند و کاری پیش نرود جز آن‌که طبق دلخواه آنان باشد و دیدی که پسر به پدر افترازند و به پدر و مادر خود نفرین کند و از مرگشان خوشحال شود و دیدی که اگر روزی بر مردی بگذرد که در آن گناهی بزرگ نکرده باشد مانند هرزگی یا کم‌فروشی یا انجام کار حرام (غش‌های حرام) یا می‌خوارگی آن روز گرفته و غمناک است و خیال کند که روزش به هدر رفته و عمرش در آن روز تلف شده و دیدی که سلطان خوراک را احتکار کند و دیدی که حق خویشاوندان پیامبر (خمس) به ناحق تقسیم شود و با آن قماربازی و می‌خوارگی کنند و دیدی که با شراب مداوا کنند و برای بیمار نسخه کنند و بدان بهبودی جویند و دیدی که مردم در مورد ترک امر به معروف و نهی از منکر و بی‌عقیدگی بدان یکسان شوند و دیدی که منافقان و اهل نفاق سرو صدایی دارند و اهل حق بی‌صدا و خاموش‌اند و دیدی که برای اذان گفتن نماز پول گیرند و دیدی که مسجدها پراز کسانی است که ترس از خدا ندارند و برای

غیبت و خوردن گوشت مردان حق به مسجد آیند و در مساجد از شراب مست کننده توصیف کنند و دیدی که شخص مست که از خرد تهی گشته بر مردم پیش نمازی کند و به مستی او ایراد نگیرند و چون مست گردد گرامش دارند و از او ملاحظه کنند و بدون بازخواست او را رها کنند و به مستیش معذور دارند و دیدی که هر کس مال یتیمان را بخورد به شایستگی او را بستایند و دیدی که داوران به خلاف دستور خدا داوری کنند و دیدی که زمامداران از روی طمع خیانت کار را امین خود سازند و دیدی که میراث (یتیمان) را فرمانروایان به دست مردمان بدکار و بی باک نسبت به خدا داده اند تا از آن ها حق و حسابی بگیرند و جلوی آن ها را رها کنند تا هر چه می خواهند انجام دهند و دیدی که بر فراز منبرها مردم را به پرهیزکاری سفارش کنند ولی خود گوینده به دستورش عمل نکنند و دیدی که وقت نماز را سبک شمارند و دیدی که صدقه را به وساطت دیگران به اهلش دهند و به خاطر رضای خدا ندهند بلکه از روی درخواست مردم و اصرار آن ها بپردازند و دیدی که تمام غم و اندوه مردم درباره شکم و عورتشان است و باکی ندارند که چه بخورند و با که نکاح کنند و دیدی که دنیا به آن ها روی آورده و دیدی که نشانه های حق مندرس و کهنه گشته در چنین وقتی خود را بر حذر دار و از خدای عزوجل نجات بخواه و اگر خدای تعالی مهلتشان داده، از این کار منظوری دارد و تو منتظر تحقق آن منظور باش و کوشش کن تا خدای عزوجل تو را در وضعی ببیند که خلاف وضع مردم باشد تا اگر عذاب بر آن ها نازل گردد و تو در میان آن ها باشی به سوی رحمت حق شتافته باشی و اگر جدا شوی آنان گرفتار گردند و تو از روش آنان و بی باکی آن ها نسبت به خدای عزوجل بیرون باشی و بدان که به راستی خداوند پاداش نیکوکاران را ضایع نکند و همانا رحمت خدا به نیکوکاران نزدیک است.^۱

با نگاهی به روایات مربوط به پیش از ظهور، درمی یابیم که مهم ترین دلایل گسترش این گونه مفاسد، سه چیز معرفی شده است:

۱. اصول کافی، شیخ کلینی، ج ۸، ص ۳۶، ۳۷ و ۳۸.

- ۱- ترک امر به معروف و نهی از منکر و معرفی منکر به جای معروف و معروف به جای منکر.
- ۲- اجرا نشدن حدود شرعی در گناهان جنسی که خود باعث متزلزل شدن نظام خانواده و ازدیاد طلاق می شود.
- ۳- بی توجهی به روزی حلال، درآمدهای نامشروع و توجه بیش از اندازه به شکم پرستی (۱۶۱).

پیامبر گرامی اسلام ﷺ می فرماید:

رستاخیز برپا نمی شود، تا آن که کسی که پنج فرزند دارد، آرزوی چهار فرزند کند و آن که چهار فرزند دارد، می گوید کاش سه فرزند داشتم و صاحب سه فرزند آرزوی دو فرزند دارد و آن که دو فرزند دارد، آرزوی یک فرزند نماید و کسی که یک فرزند دارد، آرزو کند که کاش فرزندی نداشت.^۱

در روایت دیگری ایشان می فرماید:

روزگاری خواهد آمد که غبطه مردم کم فرزند را بخورید، چنان که امروز غبطه فرزند و ثروت زیادتر را می خورید؛ تا آنجا که یکی از شما، از کنار قبر برادرش می گذرد و خود را بر قبر او می غلطانند، آن گونه که حیوانات خود را بر خاک چراگاه می غلطانند و می گوید: ای کاش من به جای او بودم و این سخن نه به سبب شوق دیدار خداوند و یا به دلیل اعمال نیکی است که از پیش فرستاده است، بلکه به جهت بلاها و گرفتاری هایی است که بر او فرود می آید.^۲

نیز آن حضرت می فرماید:

قیامت برپا نمی شود، مگر آن که فرزند کم گردد. در این روایت «الولد غیضا» آمده است که معنای آن نقص و حبس و شاید به معنای سقط جنین و جلوگیری از بارداری نیز باشد. ولی کلمه «غیضا» که در روایت دیگری آمده است، به معنای غم و مشقت و محنت و جوشش غضب است.

۱. فردوس الاخبار، ج ۵، ص ۲۲۷، به نقل از چشم اندازی به حکومت امام مهدی عج، آیت الله نجم الدین طبسی.

۲. چشم اندازی به حکومت امام مهدی عج، آیت الله نجم الدین طبسی.

یعنی مردم در آن دوران با سقط جنین و جلوگیری از افزایش فرزند، مانع زیاد شدن فرزندان می‌شوند. یا فرزند داشتن موجب غم و اندوه و خشم خواهد بود و شاید این به علت مشکلات سخت اقتصادی، گسترش بیماری‌ها در کودکان و نبودن امکانات، تبلیغ و تشویق به کنترل جمعیت و یا عامل دیگر باشد.^۱

رسول گرامی اسلام ﷺ درباره رابطه اعضای خانواده با یکدیگر قبل از ظهور می‌فرماید:

فلا الکبیر یرحم الصغیر ولا القوی یرحم الضعیف و حینئذ یأذن الله له بالخروج؛ در آن روزگار، بزرگ‌ترها به زبردستان و کوچک‌ترها ترحم نمی‌کنند و قوی برضعیف ترحم نمی‌نمایند؛ در آن هنگام خداوند به او (مهدی) اذن قیام و ظهور می‌دهد.^۲

نمونه‌هایی از آمار و اطلاعات تزلزل خانواده در عصر حاضر

در جدول (۵) وضعیت طلاق در ده کشور که دارای بالاترین درصد طلاق نسبت به ازدواج‌اند نشان داده شده است. نتایج این جدول نشان دهنده نرخ بالای طلاق نسبت به ازدواج در عصر حاضر است. این آمار بیانگر سست شدن بنیاد خانواده‌هاست که بنیان جوامع بر آن استوار است. سایر زندگی‌ها نیز که به طلاق نمی‌انجامد، در بسیاری از کشورها دارای انسجام کافی نیست و زندگی شبه مشترک، به دور از هم در جریان است.

افزایش آمار این پدیده و نوع برخورد جامعه با این موضوع و آسیب‌های بعد از آن در جامعه ایرانی نیز نگرانی‌هایی به وجود آورده است. میزان طلاق در ایران از سال ۱۳۸۵ تا الآن، به طور پیوسته در حال افزایش بوده و از ۹۴ هزار طلاق در سال ۱۳۸۵ به ۱۱۰ هزار در سال ۱۳۸۷، ۱۳۷ هزار در سال ۱۳۸۹ و ۱۵۸ هزار در سال ۱۳۹۲ رسیده است (۱۶۲). افزایش آمار طلاق در ایران به گرایش افراد به تمدن غربی، شبکه‌های اجتماعی و ماهواره‌ای و دور شدن از روش ازدواج اسلامی و ملی و سایر موضوعات ارتباط تنگاتنگی دارد.

جدول ۵- وضعیت طلاق در ده کشور که دارای بالاترین درصد طلاق نسبت به ازدواج‌اند

۱. همان.

۲. بحار الانوار، علامه مجلسی، ج ۵۲، ص ۳۸۰.

ردیف	کشور	ازدواج	طلاق	درصد طلاق به ازدواج
۱	بلژیک	۴.۲	۳	۷۱
۲	پرتغال	۳.۷	۲.۵	۶۸
۳	جمهوری چک	۴.۴	۲.۹	۶۶
۴	اسپانیا	۳.۶	۲.۲	۶۱
۵	استونی	۳.۸	۲.۲	۵۸
۶	کوبا	۵.۲	۲.۹	۵۶
۷	فرانسه	۳.۸	۲.۱	۵۵
۸	آمریکا	۶.۸	۳.۶	۵۳
۹	لیتوانی	۴.۲	۲.۲	۵۲
۱۰	روسیه	۹.۲	۴.۸	۵۱

جدول ۶- نسبت درصد طلاق به ازدواج در برخی کشورهای مسلمان

ردیف	کشور	ازدواج	طلاق	درصد طلاق به ازدواج
۱	قطر	۳.۳	۱.۱	۳۳
۲	عربستان	۵.۲	۱.۱	۲۱
۳	ترکیه	۸	۱.۶	۲۰
۴	ایران	۱۲.۲	۱.۷	۱۴
۵	آذربایجان	۹.۷	۱.۲	۱۲

آمارهای جدید منتشره از سوی سازمان بهداشت جهانی نشان می‌دهد مصرف مشروبات الکلی در میان ملل مسلمان، به دلیل حرمت شرعی آن، پایین‌تر از متوسط جهانی است. این در حالی است که سالانه میلیون‌ها نفر در جهان به دلیل مصرف الکل جان خود را از دست می‌دهند.

در رده‌بندی ۲۰ کشور نخست جهان به لحاظ میزان مصرف الکل سرانه، کشورهای اسلامی، به دلیل اعتقادات مذهبی، کمترین میزان مشروب را مصرف می‌کنند اما کشورهای اروپای شرقی، روسیه، اوکراین و بلاروس بیشترین میزان مصرف الکل را دارند. طبق اعلام

سازمان بهداشت جهانی، هرچند ایران در رده‌های پایین مصرف مشروبات الکلی در جهان است، اما افرادی که در ایران مشروبات الکلی مصرف می‌کنند با خوردن ۳۵ لیتر مشروب در سال در رده نوزدهم پرمصرف‌ترین مشروب خورها قرار دارند که این خود زنگ هشدار جدی به شمار می‌رود.

طبق آمار منتشر شده سازمان بهداشت جهانی هم‌اکنون مصرف الکل، سالانه سبب مرگ ۳ میلیون و ۳۰۰ هزار نفر در جهان است و یک سوم بیماری‌های قلبی و عروقی و دیابت ناشی از مصرف الکل است. در بین ۵ کشوری که بالاترین میزان مصرف الکل را در رده جهانی دارند در سال ۲۰۱۲ بیش از ۳۰ درصد از مرگ‌ومیرها ناشی از سوء مصرف الکل بوده است. همچنین آمار سازمان بهداشت جهانی نشان می‌دهد که متوسط عمر، در کشورهایی که سرانه مصرف الکل بالایی دارند، پایین‌تر از کشورهایی است که سرانه مصرف الکل آن‌ها کمتر است. سازمان بهداشت جهانی درباره رشد میزان مصرف الکل در میان زنان هشدار داده و اعلام کرده است که مصرف مشروبات در دوران بارداری و پس از آن، هم به زنان و هم به فرزندان که به دنیا می‌آورند صدمات جدی می‌زند. بیشترین میزان مصرف سرانه الکل در جهان متعلق به کشور بلاروس با میانگین مصرف سالانه ۱۷/۵ لیتر است. در بلاروس ۳۵ درصد از مرگ‌ومیرها ناشی از مصرف الکل است و متوسط عمر شهروندان این کشور ۷۲ سال می‌باشد (۱۶۳).

تعریف خانواده قلبی در عصر کنونی

هم‌اکنون تلاش‌های زیادی از طرف گروه‌های شیطنی برای به رسمیت شناختن گروه‌های همجنس باز در سطح جهان به چشم می‌خورد. بسیاری از کشورها این گروه‌ها را به رسمیت شناخته‌اند و همه ساله در کشورهای مختلف تجمعات و مانورهای این گروه‌های منحرف برای عرض اندام و تسلط هر چه بیشتر بر جوامع انسانی به چشم می‌خورد. تعریف خانواده نیز در بسیاری از کشورها تغییر یافته و از آنچه مورد تاکید وحی الهی است به صورت‌های قلبی دیگر نظیر خانواده متشکل از ازدواج دو مرد، ازدواج دو زن، ازدواج انسان با حیوان و سایر اقسام خانواده قلبی معرفی و برای آن قانون‌گذاری شده است.

وضعیت اخلاق و خانواده در عصر ظهور

یکی از اهداف اصلی بعثت پیامبر اسلام ﷺ و دیگر پیامبران، تزکیه نفوس، تربیت انسان‌ها و پرورش اخلاق حسنه بوده است. شاید به همین دلیل «تزکیه» در برخی آیات قرآن بر «تعلیم» پیشی گرفته است، چراکه هدف اصلی و نهائی «تزکیه» است.

﴿هُوَ الَّذِي بَعَثَ فِي الْأُمِّيِّينَ رَسُولًا مِنْهُمْ يَتْلُو عَلَيْهِمْ آيَاتِهِ وَيُزَكِّيهِمْ وَيُعَلِّمُهُمُ الْكِتَابَ وَالْحِكْمَةَ وَإِنْ كَانُوا مِنْ قَبْلُ لَفِي ضَلَالٍ مُبِينٍ﴾ و کسی است که در میان جمعیت درس نخوانده رسولی از خودشان برانگیخت که آیاتش را بر آن‌ها می‌خواند و آن‌ها را تزکیه می‌کند و به آنان کتاب (قرآن) و حکمت می‌آموزد هرچند پیش از آن در گمراهی آشکاری بودند.^۱

تأکیدهای پی‌درپی و بی‌نظیر، دلیل روشنی است بر اهمیتی که قرآن مجید برای پرورش اخلاق و تزکیه نفوس قائل است. گویی همه ارزش‌ها را در این ارزش بزرگ خلاصه می‌کند و فلاح و رستگاری و نجات را در آن می‌شمرد. تکامل اخلاقی در فرد و جامعه، مهم‌ترین هدفی است که ادیان آسمانی بر آن تکیه می‌کنند و ریشه همه اصلاحات اجتماعی و وسیله مبارزه با مفاسد و پدیده‌های ناهنجار می‌شمرند. این مسئله در احادیثی که از شخص پیامبر اکرم ﷺ و همچنین از سایر پیشوایان معصوم علیهم‌السلام رسیده است با اهمیت فوق‌العاده‌ای تعقیب شده است. در حدیث معروفی پیامبر اکرم صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم فرمود:

إِنَّمَا بُعِثْتُ لِأَتَمِّمَ مَكَارِمَ الْخَلَائِقِ؛ به راستی که من برای به کمال رساندن مکارم اخلاق مبعوث شده‌ام.^۲

زندگی پیشوایان دینی نیز سرتاسر بیانگر همین مسئله است که آن‌ها در همه جا مردم را به فضائل اخلاقی دعوت می‌کردند و خود الگوی زنده و اسوه حسنه‌ای در این راه بودند و همین بس که قرآن مجید به هنگام بیان مقام والای پیامبر اسلام صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم می‌فرماید:

۱. جمعه، ۲.

۲. بحار الانوار، علامه مجلسی، ج ۱۶، ص ۲۱۰.

وَإِنَّكَ لَعَلَىٰ خُلُقٍ عَظِيمٍ؛ و تو اخلاق عظیم و برجسته‌ای داری.^۱

روایات به خوبی نشان می‌دهند که مهم‌ترین کارآیی حکومت مهدوی هدایت انسان‌ها به سوی آموزه‌های الهی و پرهیز از هوای نفس است که امروزه موجب همه‌ی بی‌بندوباری‌ها و افسارگسیختگی‌های بشر شده است. امام علی علیه السلام در خطبه ملاحم در این باره می‌فرماید:

يُعْطِفُ الْهُوَىٰ عَلَى الْهُدَىٰ إِذَا عَظَفُوا الْهُدَىٰ عَلَى الْهُوَىٰ وَيُعْطِفُ الرَّأْيَ عَلَى الْقُرْآنِ إِذَا عَظَفُوا الْقُرْآنَ عَلَى الرَّأْيِ..... فَيُرِيكُمْ كَيْفَ عَدُلُ السِّيَرَةِ وَيُحْيِي مَيِّتَ الْكِتَابِ وَالسُّنَّةِ؛ چون مهدی علیه السلام ظهور کند خواهش‌های نفسانی را به هدایت آسمانی بازگرداند، پس از آن که رستگاری را به هوای نفس بازگردانده باشند... و رأی را دنباله‌رو قرآن خواهد ساخت آنگاه که دیگران قرآن را تابع نظر و آرای شخصی قرار داده باشند. مهدی علیه السلام به شما نشان خواهد داد که روش عادلانه در حکومت چگونه است و آنچه را که از کتاب و سنت متروک مانده، زنده خواهد ساخت.^۲

این نکته را نباید از نظر دور داشت که همه‌ی آنچه درباره رعایت اخلاق فردی و اجتماعی و انسجام خانواده‌ها بعد از ظهور اتفاق می‌افتد در روایات موجود بیان نشده یا روایات آن به دست ما نرسیده یا در این کتاب برای رعایت اختصار آورده نشده است. برای دریافت بهتر این موضوع باید سنت رسول خدا و ائمه اطهار را در این خصوص مورد مطالعه قرار داد و اطمینان یافت که همه‌ی آنچه رسول گرامی اسلام و ائمه اطهار در خصوص اخلاق بیان نموده و خود رعایت کرده‌اند به جامعه مهدوی تسری خواهد یافت.

امام باقر علیه السلام فرمود:

إذا قام القائم جاءت المنزلة و اتى الرجل الى كيس اءخيه فياءخذ حاجته لا يمنعه؛ وقتی که قائم عجل الله فرجه قیام کرد، رفاقت و برادری برقرار شود، به طوری که هر کس دست به جیب برادرش کرده و به قدر نیاز بدون ممانعت از آن برمی‌دارد.^۳

امام علی علیه السلام می‌فرماید:

۱. قلم، ۴.

۲. نهج البلاغه، خطبه ۱۳۸.

۳. اثبات الهداة، حر عاملی، ج ۵، ص ۱۸۲، ح ۶۰۴؛ بحار الانوار، علامه مجلسی، ج ۵۲، ص ۳۷۲.

مهدی علیه السلام از اصحاب خویش پیمان و بیعت می گیرد که سرقت و زنا نکنند، خون بی گناهی را نریزند، حریمی را هتک نکنند، به ناحق بر خانه ای هجوم نبرند و کسی را مورد ضرب و شتم قرار ندهند، زر و سیم نیندوزند، گندم و جواحتکار نکنند، مال یتیم نخورند، ندانسته شهادت ندهند، راهزنی نکنند، مساجد را ویران نسازند، از آلودگی ها دوری کنند، امر به معروف و نهی از منکر کنند، لباس خشن بپوشند، بر خاک سرنهند و در راه خدا آن گونه که شایسته است جهاد کنند.^۱

این روایت عمق پایبندی به اخلاق و عمل به فرامین الهی را در بیعت امام عصر با یارانش بیان می کند. در حقیقت عهد و پیمان حضرت با یارانش با رشته هایی از جنس اخلاق و رعایت حقوق انسان ها محکم می شود.

امام علی علیه السلام می فرماید:

تأمن السبل حتى تمشي. المرأة بين العراق و الشام لا تضع قدميها إلا على الثبات و على رأسها زبيلها لا يبيحها سبع ولا تخافه؛ راه ها امن شود؛ به طوری که زن از عراق تا شام برود و پای خود را جز روی گیاه نگذارد، سبدهش را بر سرش بگذارد و از درنده و درنده خویی باک ندارد.^۲

بی شک این امنیت بی نظیر با استفاده از نیروی نظامی، سرباز و اسلحه امکان ندارد و مکارم اخلاق فردی و اجتماعی و دستور مرقی و بی جایگزین امر به معروف و نهی از منکر؛ یعنی کنترل مقدس مومن، توسط برادران و دوستان مومن، زیر ساخت این امنیت الهی درونی می باشد.

رسول گرامی اسلام صلی الله علیه و آله می فرمایند:

عند ذلك خروج المهدي وهو رجل من ولد هذا وأشار بيده إلى علي بن أبي طالب عليه السلام به يحق الله الكذب ويذهب الزمان الكلب، به يخرج ذل الرق من أعناقكم؛ در آن عصر، مهدی (عجل الله تعالی فرجه الشریف) ظهور می کند و او از فرزند این شخص (علی بن ابی طالب علیه السلام) است. خداوند به دست او، دروغ را نابود می کند و روزگار

۱. منتخب الاثر، آیت الله صافی گلپایگانی، ص ۴۹۶.

۲. تحف العقول، ص ۱۱۵.

سخت را از بین می برد و ریسمان بردگی و بندگی را از گردن هایتان برمی دارد.^۱

امام باقر علیه السلام فرمود:

۱. إذا قام قائمنا وضع يده على رؤس العباد فجمع به عقولهم وأكمل به أخلاقهم؛ هنگامی که قائم ما قیام کند، خداوند قوای فکری مردم را تعالی می بخشد و اخلاق آنان را به کمال می رساند.^۲

این روایت نشان می دهد که برخلاف شعار عقل گرایان، دین اسلام و حضرت قائم علیه السلام نه تنها با تعقل در کار دنیا و آخرت مخالف نیستند، بلکه برعکس عقل انسان را تعالی بخشیده و آن را با اخلاق پیوند می دهند.

امام علی علیه السلام فرمود:

ولو قد قام قائمنا لانزلت السماء قطرها، ولا خرجت الارض نباتها، ولذهبت الشحناء من قلوب العباد؛ چون قائم ما قیام کند، آسمان بارانش را می بارد و زمین گیاهانش را می رویاند و کینه ها از دل های بندگان خدا زدوده می شود.^۳

پیامبر گرامی اسلام صلی الله علیه و آله می فرماید:

وتعكف الناس على الطاعة والخشوع والديانة؛ همه مردم به اطاعت و عبادت خداوند گراییده، در اجرای احکام دینت می کوشند.^۴

از روایات چنین برمی آید که در عصر ظهور سطح آگاهی مردم به اوج خود خواهد رسید و می توان نتیجه گرفت که بساط بسیاری از ادارات که اکنون جامعه را به منظور احقاق حق، به خود مشغول ساخته اند برچیده می شود. مردم همه از مقررات شریعت آگاهی خواهند یافت و عملاً به رعایت آن ملتزم می گردند، حتی در روایات آمده است که دانش عمومی آن قدر ارتقاء می یابد که زنان در خانه احکام شرعی را می دانند، با قضاوت آشنا می گردند و بین اعضای خانواده داوری می نمایند. بنابراین دیگر احتیاج به پیمودن راه پله ها و راهروهای دادرها و

۱. بحار الانوار، علامه مجلسی، ج ۵۱، ص ۷۵، ح ۲۹.

۲. همان، ج ۵۲، ص ۳۳۶.

۳. بحار الانوار، علامه مجلسی، ج ۵۲، ص ۳۱۶.

۴. منتخب الاثر، آیت الله صافی گلپایگانی، ص ۳۰۸.

دادگاه‌ها نیست و تومار این بازیچه‌ها درهم پیچیده می‌شود و خیال مردم از تمام تنش‌های روحی و روانی آسوده می‌گردد.

امام باقر علیه السلام می‌فرماید:

وتؤتون الحكمة في زمانه حتى أن المرأة لتقضى في بيتها بكتاب الله تعالى وسنة رسول الله صلى الله عليه وآله؛
در زمان او حکمت به شما داده شود، حتی زن در خانه خویش به کتاب خدا و سنت رسول الله به داوری می‌پردازد.^۱

امام علی علیه السلام می‌فرماید:

بنا يفتح الله وبنايختم الله وبنایمحو مايشاء وبنایثبت وبنایدفع الله الزمان الكلب، وبنای
ينزل الغيث، فلا يغرنكم بالله الغرور، ما أنزلت السماء قطرة من ماء منذ حبسه الله
عزوجل ولو قد قام قائمنا لانزلت السماء قطرها، ولا خرجت الارض نباتها، ولذهبت
الشحناء من قلوب العباد، واصطلحت السباع والبهائم، حتى تمشي المرأة بين العراق إلى
الشام، لا تضع قدميها إلا على النبات، وعلى رأسها زبيلها لا يهيجها سبع ولا تخافه؛
خداوند به وسیله ما آغاز می‌کند و به ما پایان می‌دهد و خدا بوسیله ما آنچه
بخواهد محو و یا ثابت می‌دارد و بوسیله ما خدا روزگار سخت و رنج آور را دفع می
کند و بوسیله ما باران می‌رساند. شیطان نباید شما را فریب دهد آسمان قطره بارانی
نازل نمی‌کند از روزی که خدای عزوجل آنرا حبس فرموده باشد و اگر قائم ما علیه السلام
قیام کند آسمان بارانش را فرو می‌فرستد و زمین روئیدنی‌های خود را خارج می‌سازد
و کینه از قلوب بندگان می‌رود و درندگان و چارپایان آشتی می‌کنند تا آنجا که
بانویی فاصله میان عراق و شام را طی می‌کند و قدم بر روی نبات‌ها و روئیدنی‌ها
گذارد در حالی که زنبیلش بر سرش باشد و هیچ درنده‌ای او را به هیجان در
نمی‌آورد و نخواهد ترسانید.^۲

امام صادق علیه السلام درباره امنیت زنان در عصر ظهور علیه السلام می‌فرماید:

يطفيء الله به الفتنة الصماء وتأمّن الأرض، حتى أن المرأة لتتحج في خمس نسوة ما منهن

۱. الغيبة، نعمانی، ص ۲۳۹.

۲. خصال، شیخ صدوق، ص ۶۲۶؛ بحار الانوار، علامه مجلسی، ج ۵۲، ص ۳۱۶.

رجل، لا یَتَّقین الا الله؛ خداوند به وسیله او (امام مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف) فتنه‌های جانکاه را آرام و ساکن می‌سازد، زمین امن گردد، یک زن در میان پنج زن بدون این که مردی آن‌ها را همراهی کند، به حج می‌روند و جز خدا از کسی باکی ندارند.^۱

امام صادق عجل الله تعالی فرجه الشریف ضمن تشبیه دقیق عصر قبل از ظهور امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف که «جاهلیت نو» بر آن حاکم است، با عصر پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله که گرفتار جاهلیت بود، پیرامون عملکرد امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف می‌فرماید:

یصنع كما صنع رسول الله يهدم ما كان قبله كما هدم رسول الله امر الجاهلية ويستأنف الاسلام جديداً بعد ان يهدم ما كان قبله؛ او همان کاری را می‌کند که پیامبر خدا کرد. تمام فرهنگ و مناسبات جاهلی را برهم می‌ریزد و اسلام ناب را دوباره به مردم عرضه می‌کند.^۲

همچنین می‌فرماید:

ابطل رسول الله ما كان في الجاهلية واستقبل الناس بالعدل وكذلك القائم؛ پیامبر اکرم نشانه‌های جاهلیت را از بین برد و با عدالت میان مردم رفتار نمود. قائم نیز چنین خواهد کرد.^۳

همچنین درباره اخلاق مردم در عصر ظهور می‌فرمایند:

ويذهب الزنا و شرب الخمر و يذهب الربا و يقبل الناس على العبادات و تؤدى الأمانات و يهلك الأشرار و تبقى الأخيار؛ روابط نامشروع، مشروبات الکلی و رباخواری از بین می‌رود، مردم به عبادت و اطاعت روی می‌آورند، امانت‌ها را به خوبی رعایت می‌کنند. اشرار و اوباش نابود می‌شوند و افراد صالح باقی می‌مانند.^۴

امام باقر عجل الله تعالی فرجه الشریف می‌فرماید:

إن العلم بكتاب الله عزوجل وسنة نبيه ينبت في قلب مهدينا كما ينبت الزرع عن أحسن

۱. عصر ظهور، کورانی، ص ۲۲۶.

۲. الغيبة، نعمانی، ص ۲۳۱.

۳. التهذيب، شیخ طوسی، ج ۶، ص ۱۵۴.

۴. عقد الدرر، ص ۲۳۹؛ منتخب الاثر، آیت الله صافی گلپایگانی، ص ۴۷۴.

نباته، فن بقى منكم حتى يلقاه فليقل حين يراة: السلام عليكم يا أهل بيت الرحمة والنبوة، ومعدن العلم وموضع الرسالة وروى أن التسليم على القائم أن يقال: السلام عليك يا بقیة الله فی أرضه؛ آگاهی به کتاب خداوند عزوجل و سنت رسول خدا ﷺ در قلب مهدی ﷺ ما می روید، چنان که گیاهی در بهترین کیفیت خود رشد می کند. هر کس از شما که تا روزگار ظهور حضرتش باقی بود و او را ملاقات کرد، به هنگام دیدار با ایشان بگوید: سلام بر شما ای خاندان رحمت و نبوت و گنجینه دانش و جایگاه رسالت. روایت شده که سلام کردن بر قائم عجل الله تعالی فرجه الشریف اینگونه است: السلام عليك يا بقیة الله فی أرضه.^۱

امام عصر ﷺ و کارگزاران نظام مقدسش مردم را به رعایت اصول اجتماعی فرامی خوانند؛ یعنی ادب اجتماعی را در مردم ایجاد می کنند.

امام کاظم ﷺ در این باره می فرمایند:

اذا قام قائمنا، قال يا معشر الفرسان سيروا في وسط الطريق ويا معشر الرجاله سيروا على جنبي الطريق؛ وقتی امام زمان ﷺ قیام می کند، اعلام می کند که ای گروه سواران، از وسط راه عبور کنید و ای گروه پیادگان، از دو طرف خیابان عبور کنید.

در این روایت مشخص است که در عصر ظهور ادب اجتماعی به بهترین وجهی به مردم آموزش داده می شود و از مردم می خواهند آن را رعایت کنند.^۲

امام باقر ﷺ درباره اخلاق اقتصادی مردم در عصر ظهور می فرماید:

... ويخرج الناس خراجهم على رقابهم الى المهدي ويوسع الله على شيعتنا ولولا ما يدرکهم من السعادة؛ ... مردم خراج های خود را از اموال خود خارج ساخته و به سوی مهدی ﷺ می برند و خداوند بر شیعیان ما توسعه می دهد (وسعت رزق و روزی می دهد) و اگر لطف و سعادت خداوند آنان را در بر نمی گرفت، با آن بی نیازی، سرکشی می کردند.^۳

۱. بحار الانوار، علامه مجلسی، ج ۵۱، ص ۳۶.

۲. وسائل الشیعه، حر عاملی، ج ۱۹، ص ۱۸۱.

۳. بحار الانوار، علامه مجلسی، ج ۵۲، ص ۳۴۵.

در مذهب حقه شیعه بسیاری از اصول اخلاقی که باید توسط مؤمنین رعایت شود و یا بسیاری از آموزه‌های الهی که باید در جامعه پیاده شوند به صورت دعا و یا زیارت توسط معصوم علیه السلام یا علما به مردم ارائه شده است تا همه روزه یا هر هفته قرائت نموده و همواره آن آموزه‌ها به صورت یک شعار، تابلو و چراغ راه توسط شیعیان تکرار، یادآوری و تمرین شده و مورد توجه قرار گیرند. یکی از مهم‌ترین خصوصیات این شعائر، حقیقی بودن و نه موهومی بودن آنها است، یعنی همه‌ی آن شعائر باید در جامعه رعایت شود و اگر رعایت نشد، در جامعه مهدوی به حقیقت خواهد پیوست. از جمله‌ی این آموزه‌ها که نه به صورت یک خیال و آرزو بلکه به صورت یک حقیقت و الزام در حکومت مهدوی اجرا خواهد شد در دعای ندبه آمده است. همه‌ی این شعائر آموزه‌های اخلاقی و کاملاً دست‌یافتنی بوده و توسط امام عصر و یارانش در جامعه مهدوی ظهور خواهد کرد. برخی از این آموزه‌ها در دعای ندبه این‌گونه آمده است:

این قاصم شوکة المعتدین، این هادم ابنیة الشرك و النفاق این مبیّد اهل الفسوق و العصیان و الطغیان، این حاصد فروع الغی و الشقاق، این طامس آثار الزیغ و الاهواء این قاطع حبائل الکذب و الافتراء.

کجاست آنکه شوکت ستمکاران را در هم شکند؟ کجاست آنکه بنا و سازمان‌های شرک و نفاق را ویران می‌سازد؟ کجاست آنکه اهل فسق و عصیان و ظلم و طغیان را نابود می‌گرداند؟ کجاست آنکه نهال (شاخه‌های) گمراهی و دشمنی و عناد را از زمین برمی‌کند؟ کجاست آنکه آثار اندیشه باطل و هواهای نفسانی را محو و نابود می‌سازد؟ کجاست آنکه جبل و دسیسه‌های دروغ و افتراء را از ریشه قطع خواهد کرد؟^۱

با توجه به مفاهیم این فراز از دعای ندبه، امام عصر شوکت ستمکاران را در هم می‌شکند، شرک و نفاق را از دل‌ها می‌زداید، دشمنی بین مردم را به دوستی بدل می‌کند و دروغ و افتراء و بسیاری از صفات رذیله اخلاقی در بین مردم از بین می‌رود.

آن‌گونه که از روایات برمی‌آید امام عصر قرآن را در جامعه پیاده می‌کند و قرآن درباره اخلاق

متقین می فرماید:

﴿بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ * أَلَمْ * ذَلِكَ الْكِتَابُ لَا رَيْبَ فِيهِ هُدًى لِّلْمُتَّقِينَ * الَّذِينَ يُؤْمِنُونَ بِالْغَيْبِ وَيُقِيمُونَ الصَّلَاةَ وَمِمَّا رَزَقْنَاهُمْ يُنْفِقُونَ * وَالَّذِينَ يُؤْمِنُونَ بِمَا أُنزِلَ إِلَيْكَ وَمَا أُنزِلَ مِن قَبْلِكَ وَبِالْآخِرَةِ هُمْ يُوقِنُونَ * أُولَئِكَ عَلَى هُدًى مِّن رَّبِّهِمْ وَأُولَئِكَ هُمُ الْمُفْلِحُونَ﴾: الم (بزرگ است خداوندی که این کتاب عظیم را، از حروف ساده الفبا به وجود آورده. آن کتاب با عظمتی است که شک در آن راه ندارد و مایه هدایت پرهیزکاران است. (پرهیزکاران) کسانی هستند که به غیب ایمان می آورند و نماز را بر پا می دارند و از تمام نعمت‌ها و مواهبی که به آنان روزی داده‌ایم، انفاق می کنند. و آنان که به آنچه بر تو نازل شده، و آنچه پیش از تو (بر پیامبران پیشین) نازل گردیده، ایمان می آورند و به رستاخیزیقین دارند. آنان بر طریق هدایت پروردگارشان اند و آنان رستگاران اند).^۱

﴿لِيَكِنِ الرَّاسِخُونَ فِي الْعِلْمِ مِنْهُمْ وَالْمُؤْمِنُونَ يُؤْمِنُونَ بِمَا أُنزِلَ إِلَيْكَ وَمَا أُنزِلَ مِن قَبْلِكَ وَالْمُقِيمِينَ الصَّلَاةَ وَالْمُؤْتُونَ الزَّكَاةَ وَالْمُؤْمِنُونَ بِاللَّهِ وَالْيَوْمِ الْآخِرِ أُولَئِكَ سَنُؤْتِيهِمْ أَجْرًا عَظِيمًا﴾: ولی راسخان در علم از آن‌ها، و مؤمنان (از امت اسلام)، به تمام آنچه بر تو نازل شده، و آنچه پیش از تو نازل گردیده، ایمان می آورند. (همچنین) نمازگزاران و زکات دهندگان و ایمان آورندگان به خدا و روز قیامت، به زودی به همه آنان پاداش عظیمی خواهیم داد).^۲

﴿وَالْمُؤْمِنُونَ وَالْمُؤْمِنَاتُ بَعْضُهُمْ أَوْلِيَاءُ بَعْضٍ يَأْمُرُونَ بِالْمَعْرُوفِ وَيَنْهَوْنَ عَنِ الْمُنْكَرِ وَيُقِيمُونَ الصَّلَاةَ وَيُؤْتُونَ الزَّكَاةَ وَيَطِيعُونَ اللَّهَ وَرَسُولَهُ أُولَئِكَ سَيَرْحَمُهُمُ اللَّهُ إِنَّ اللَّهَ عَزِيزٌ حَكِيمٌ﴾: مردان و زنان باایمان، ولی (و یار و یاور) یکدیگرند. امر به معروف، و نهی از منکر می کنند؛ نماز را بر پا می دارند؛ و زکات را می پردازند و خدا و رسولش را اطاعت می کنند؛ به زودی خدا آنان را مورد رحمت خویش قرار می دهد؛ خداوند توانا و

۱. بقره، ۱ تا ۵.

۲. نساء، ۱۶۲.

حکیم است! ﴿۱﴾

﴿إِنَّمَا الْمُؤْمِنُونَ الَّذِينَ آمَنُوا بِاللَّهِ وَرَسُولِهِ ثُمَّ لَمْ يَرْتَابُوا وَجَاهَدُوا بِأَمْوَالِهِمْ وَأَنْفُسِهِمْ فِي سَبِيلِ اللَّهِ أُولَئِكَ هُمُ الصَّادِقُونَ﴾ مؤمنان واقعی تنها کسانی هستند که به خدا و رسولش ایمان آورده‌اند، سپس هرگز شک و تردیدی به خود راه نداده و با اموال و جان‌های خود در راه خدا جهاد کرده‌اند؛ آن‌ها راستگویان اند. ﴿۲﴾

﴿بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ * قَدْ أَفْلَحَ الْمُؤْمِنُونَ * الَّذِينَ هُمْ فِي صَلَاتِهِمْ خَاشِعُونَ * وَالَّذِينَ هُمْ عَنِ اللَّغْوِ مُعْرِضُونَ * وَالَّذِينَ هُمْ لِلزَّكَاةِ فَاعِلُونَ * وَالَّذِينَ هُمْ لِفُرُوجِهِمْ حَافِظُونَ * إِلَّا عَلَىٰ أَزْوَاجِهِمْ أَوْ مَا مَلَكَتْ أَيْمَانُهُمْ فَإِنَّهُمْ غَيْرُ مَلُومِينَ﴾

مؤمنان رستگار شدند. آن‌ها که در نمازشان خشوع دارند. و آن‌ها که از لغو و بیهودگی روی‌گردان‌اند. و آن‌ها که زکات را انجام می‌دهند. و آن‌ها که دامان خود را (از آلوده شدن به بی‌عفتی) حفظ می‌کنند. تنها آمیزش جنسی با همسران و کنیزانشان دارند، که در بهره‌گیری از آنان ملامت نمی‌شوند. ﴿۳﴾

﴿وَسَارِعُوا إِلَىٰ مَغْفِرَةٍ مِّن رَّبِّكُمْ وَجَنَّةٍ عَرْضُهَا السَّمَاوَاتُ وَالْأَرْضُ أُعِدَّتْ لِلْمُتَّقِينَ * الَّذِينَ يَنْفِقُونَ فِي السَّرَّاءِ وَالضَّرَّاءِ وَالْكَاطِمِينَ الْغَيْظِ وَالْعَافِينَ عَنِ النَّاسِ وَاللَّهُ يُحِبُّ الْمُحْسِنِينَ * وَالَّذِينَ إِذَا فَعَلُوا فَاحِشَةً أَوْ ظَلَمُوا أَنْفُسَهُمْ ذَكَرُوا اللَّهَ فَاسْتَغْفَرُوا لِذُنُوبِهِمْ وَمَنْ يَغْفِرِ اللَّهُ إِلَّا اللَّهُ وَلَمْ يُصِرُّوا عَلَىٰ مَا فَعَلُوا وَهُمْ يَعْلَمُونَ﴾؛ و شتاب کنید برای رسیدن به آمرزش پروردگارتان و بهشتی که وسعت آن، آسمان‌ها و زمین است و برای پرهیزگاران آماده شده است. همان‌ها که در توانگری و تنگدستی، انفاق می‌کنند و خشم خود را فرومی‌برند و از خطای مردم درمی‌گذرند؛ و خدا نیکوکاران را دوست دارد و آن‌ها که وقتی مرتکب عمل زشتی شوند، یا به خود ستم کنند، به یاد خدا می‌افتند و برای گناهان خود، طلب آمرزش می‌کنند، و کیست جز خدا که

۱. توبه، ۷۱.

۲. حجرات، ۱۵.

۳. مؤمنون، ۱ تا ۶.

گناهان را ببخشید؟ و برگناه، اصرار نمی‌ورزند، با این که می‌دانند ﴿۱﴾!
آری، امام عصر عجل الله تعالی فرجه الشریف اخلاق انسان‌ها را به آیات قرآن برمی‌گرداند؛ اخلاقی که اکنون
بسیاری از انسان‌ها را به حضيض ذلت کشانده است، او را به اوج عزت خواهد رساند.

فصل دهم: دسترسی بشر به علم قبل و بعد از ظهور

خلاصه فصل

افرادی فکرمی کنند که امروزه بشر به پیشرفت‌های زیادی دست پیدا کرده و آینده روشنی نیز با پیشرفت‌های بعدی در انتظار اوست. بنیان‌گذاران و پیروان تمدن کنونی که یک تمدن صنعتی است، چنین القا می‌کنند که صورت دیگری از تمدن در ابعاد مختلف علمی، صنعتی، حکومت‌داری، امنیت و سایر مقوله‌ها وجود نداشته و بشر ناگزیر بوده است همین طریق کنونی را آغاز کرده و ادامه دهد. اکنون بسیاری از مردم آن قدر با فناوری و راه و روش‌های زندگی در دنیای کنونی گره خورده‌اند که نه تنها باور ندارند طریقی بهتر از این روش زندگی وجود داشته باشد، بلکه برای آینده نیز روش بهتری غیر از ادامه همین مسیر کنونی متصور نیستند. بخشی از هوش و استعداد بشری نیز در خدمت پاسخ به شهوت روزافزون و غیرقابل ارضای او قرار گرفته و صرف ساخت انواع داروها و مواد شیمیایی برای لذت جنسی بیشتر می‌شود که انواع شبکه‌های غیر اخلاقی ماهواره‌ای دائماً در حال تبلیغ آن‌ها هستند. بر اساس روایات و عقل سلیم، دانش کنونی بشر در مقابل آن مقدار دانش که می‌توانست از طریق واسطه فیض، از منبع علم الهی کسب کند بسیار ناچیز است. بر اساس آموزه‌های الهی، روایات مهدوی و اصول عقلی، این تنها سبک زندگی و کسب علم نیست که انسان می‌توانست داشته باشد و اگر مجتمع انسان چنگ به ولایت الله زده و پیرو اولیای الهی بود، این تمدن به وجود نمی‌آمد و تاریخ بشر از مسیر دیگری عبور می‌کرد.

دسترسی بشر به علم در عصر حاضر (قبل از ظهور)

شاید افرادی فکر کنند که امروزه بشر به پیشرفت‌های زیادی دست پیدا کرده و آینده روشنی

نیز با پیشرفت‌های بعدی در انتظار اوست اما سوالات بی شماری در پس این فکرو وجود دارد که به چند نمونه از آن اشاره می‌شود:

- آیا این پیشرفت و مدل صنعتی، اقتصادی، سیاسی، فرهنگی و سبک زندگی بهترین مدلی است که بشر بعد از چند هزار سال زندگی بر روی کره زمین می‌توانسته به آن دست یابد و راهی سریع‌تر، مفیدتر، کم‌هزینه‌تر، ساده‌تر، کم‌ضررتر برای او وجود نداشته است؟

- آیا تمام لوازمی که بشر ساخته و روش‌هایی که ابداع کرده است به علت نیاز واقعی اوست یا بخشی از آن پاسخ به نیازهایی است که خود او، به علت رفتن به بی‌راهه برای خودش ایجاد کرده است؟

- آیا سبک زندگی و مصنوعات او توانسته است جسم، روح، روان و محیط زیست بهتری نسبت به قرن‌های قبل برای او بسازد؟

- آیا آفریننده انسان و پیامبرانش نمی‌توانستند هیچ نقشی در بهبود شرایط زندگی بشر بازی کنند؟

- آیا هیچ‌گاه بشر، به اتفاق، اطاعت از اولیاء خدا را در یک دوره زمانی قابل توجه و مستمر تجربه کرده است، تا بتواند نتایج حاصل از آن را با آنچه خود، بدون حاکمیت اولیای خدا به دست آورده است مقایسه کند؟

برخی افراد به محض انتقاد از دست‌ساخته‌ها و مصنوعات بشر برآشفته شده و سعی می‌کنند فرد منتقد را بی‌سواد و متحجر معرفی کرده و دوران کنونی را با سده‌های قبل که بشر برای حمل و نقل از حیوانات استفاده می‌کرد مقایسه کنند، اما حقیقت به گونه‌ی دیگری است. سوال این است که آیا بشر در مسیر تاریخی خود می‌توانست شرایطی بهتر از آنچه اکنون با آن روبروست داشته باشد یا نه؟ شرایطی که امروزه بشر با آن روبروست؛ یعنی دنیایی پر از جنگ، فتنه، تزلزل اخلاقی، مصرف مواد مخدر، مصرف مواد غذایی آلوده به انواع سموم و کودهای شیمیایی. آیا بشر در مسیر تاریخی خود می‌توانست به تمدنی برسد که ارکان آن، علم همراه با اخلاق، عدالت همراه با صلح جهانی و عبودیت خداوند در پرتو تقوا و طهارت باشد، تمدنی که در آموزه‌های دینی به آن حیات طیبه گفته می‌شود.

نگاه مردم در برخی جوامع به خداوند به مثابه یک پدر پیربازنشسته و فرتوت است. در نگاه آنان خداوند پس از خلقت جهان در کناری نشسته است و در این میان وظیفه‌ی ما تنها احترام و عبادت اوست. اما شناخت مبتنی بر قرآن کریم رویکرد متفاوتی دارد. بر این اساس نخستین صفت خداوند «فرمانروای مطلق جهان هستی» است که این مهم در سوره جمعه ذکر شده است. بر مبنای آیه ۵۴ سوره اعراف، خداوند تنها آفریننده نیست، بلکه لحظه به لحظه جهان را وجود و نیرو و هستی می‌بخشد.

﴿إِنَّ رَبَّكُمُ اللَّهُ الَّذِي خَلَقَ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضَ فِي سِتَّةِ أَيَّامٍ ثُمَّ اسْتَوَىٰ عَلَى الْعَرْشِ يُغْشِي اللَّيْلَ النَّهَارَ يَطْلُبُهُ حَثِيثًا وَالشَّمْسَ وَالْقَمَرَ وَالنُّجُومَ مُسَخَّرَاتٍ بِأَمْرِهِ أَلَا لَهُ الْخَلْقُ وَالْأَمْرُ تَبَارَكَ اللَّهُ رَبُّ الْعَالَمِينَ﴾^۱ پروردگار شما، خداوندی است که آسمان‌ها و زمین را در شش روز (شش دوران) آفرید؛ سپس به تدبیر جهان هستی پرداخت؛ با (پرده تاریک) شب، روز را می‌پوشاند و شب به دنبال روز، به سرعت در حرکت است و خورشید و ماه و ستارگان را آفرید، که مسخر فرمان او هستند. آگاه باشید که آفرینش و تدبیر (جهان)، از آن او (و به فرمان او) ست پر برکت (و زوال‌ناپذیر) است خداوندی که پروردگار جهانیان است.^۱

پاسخ‌های روشنی برای هر یک از این سوالات مطرح شده وجود دارد. به روشنی می‌توان دریافت که این پیشرفت و مدل صنعتی، اقتصادی، سیاسی، فرهنگی و سبک زندگی، بهترین مدلی نیست که بشر بعد از چند هزار سال زندگی بر روی کره زمین می‌توانسته به آن دست یابد و راهی سریع‌تر، مفیدتر، کم‌هزینه‌تر، ساده‌تر و کم‌ضررتر برای او وجود داشته است. برای درک بهتر این ادعا کافی است مفهوم دوآیه زیر را درک کنیم:

﴿وَمَنْ يَتَّقِ اللَّهَ يَجْعَلْ لَهُ مَخْرَجًا * وَيَرْزُقْهُ مِنْ حَيْثُ لَا يَحْتَسِبُ وَمَنْ يَتَوَكَّلْ عَلَى اللَّهِ فَهُوَ حَسْبُهُ إِنَّ اللَّهَ بَالِغُ أَمْرِهِ قَدْ جَعَلَ اللَّهُ لِكُلِّ شَيْءٍ قَدْرًا﴾ و هر کس تقوای الهی پیشه کند، خداوند راه نجاتی برای او فراهم می‌کند و او را از جایی که گمان ندارد روزی می‌دهد؛ و هر کس بر خدا توکل کند، کفایت امرش را می‌کند؛ خداوند فرمان خود را

به انجام می‌رساند؛ و خدا برای هر چیزی اندازه‌ای قرار داده است.^۱

وقتی انسان تقوای الهی را با سعی و تلاش در زندگی همراه سازد بر اساس آیه شریفه، حلال مشکلاتش خداوند خواهد بود. رزق و روزی او تأمین می‌شود. آیا رزق و روزی یعنی فرستادن مرغ بریان از آسمان؟ معلوم است که مفهوم رزق و روزی این نیست، بلکه خداوند از علم خود انسان را بهره‌مند می‌سازد و او با کم‌ترین زحمت، بیشترین دریافت را از تلاش خود خواهد داشت. او را از نظر روانی و جسمی سالم خواهد داشت، زیرا که بسیاری از بیماری‌های جسمی بشر ناشی از نداشتن تقوا است. اگر انسان به فرامین اولیای الهی درباره تغذیه، رعایت بهداشت و غیره و ذکر و یاد خداوند گوش دهد، بسیاری از بیماری‌های جسمی و روحی که هم‌اکنون گریبان گیر اوست از بین می‌روند.

اگر از ابتدای فصل کاشت گیاه باران بیارد و به‌طور منظم تا انتهای فصل ادامه یابد آیا نیازی به این همه تجهیزات آبیاری و صرف انرژی برای آبیاری مزارع و باغات وجود دارد؟ اگر باران به اندازه کافی بیارد آیا نیازی به تکنولوژی پیچیده، گران، انرژی‌بر و دردسرساز کنونی وجود دارد؟ آیا مشکل خشک‌سالی، طغیان آفات و بیماری‌های گیاهی و انسانی روز افزون، به علت نبود برکت در زندگی انسان، به خاطر تهاجم بشر به محیط زیست خود، گناه و تکذیب و طغیان او در برابر خداوند نیست؟ آیا تکنولوژی بعضاً چندش‌آور برای تأمین آب، ماحصل این رویکرد او نیست؟ آیا انسان راحتی و پاکی خود را به علت عملکرد خود تبدیل به سختی طراحی، ساخت و اجرای طرح‌های پیچیده برای استحصال آب نکرده است؟ این فقط یک نمونه از نتایج طغیان در برابر خداست. به نمونه‌ای از آخرین فناوری برای استحصال آب بنگریم:

دوش چرخشی تصفیه آب در حمام

برای استحمام فضانوردان از یک دوش با مصرف آب بسیار کم استفاده می‌شود. این فناوری هم‌اکنون در حمام‌های معمولی، در منازل نیز مورد توجه قرار گرفته است، که به آن

دوش آب چرخشی (Recycling Shower) می‌گویند. این دوش آخرین فناوری برای استحمام با آب کم است. در این فناوری آب گرم، بعد از استفاده، به سوراخ فاضلاب وارد و در آنجا با روش‌های نانو تکنولوژی تصفیه می‌شود و آب، بعد از کمی گرم شدن دوباره به لوله دوش برمی‌گردد (۱۶۴).

هیچ کس طراح این ایده را مورد شماتت قرار نمی‌دهد و او را توبیخ نمی‌کند، چراکه مجتمع بشر سرنوشت خود را به گونه‌ای تغییر داده و در مرز هلاکت قرار داده است که اکنون مغزهای متفکر انسانی، مجبورند برای غلبه بر محدودیت‌هایی که بشر به خاطر تهاجم به محیط زیست خود و طغیان در برابر خداوند و از بین رفتن برکت در زندگی خود به وجود آورده است از تمام ظرفیت فکری خود استفاده کرده و هر محدودیت و حقارت و پیچیدگی را بپذیرند، اما تا کی می‌توان برای محدودیت‌های اعمال شده از طرف خداوند و طبیعت دارای شعور، راهکار پیدا کرد و به جنگ با خدا و شعور طبیعت ادامه داد. به حقارت زندگی در خانه‌های تنگ و تاریک تن دادیم، به حقارت زندانی شدن در حصار سنگ، آهن و آجر، بدون آب، سبزه و نسیم تن دادیم، به حقارت عبور فاضلاب‌ها از زیر پا و بالای سر و بیخ گوش و کنار رختخوابمان تن دادیم، به حقارت خوردن فاضلاب تن دادیم، تا کی می‌توانیم این حقارت‌ها را تحمل کنیم؟

شاید این سؤال پیش بیاید که چرا پیش از این انسان آن‌طور که در این نوشتار اشاره می‌گردد از برکت علم خداوند بهره‌مند نشده است؟ در پاسخ باید گفت، چه زمانی بشر به اتفاق، زیر چتر ولایت الهی قرار گرفته است، تا برکت اتصال او با خداوند در پیشرفت او جاری شود. در دوران‌های کوتاهی که بشر تا حدی از ولی خدا اطاعت نموده از مواهب سرشار آن بهره‌مند شده است.

«تفکر انتظار دست کم به این معناست که جهان و تاریخ از سنگ ساخته نشده‌اند و قابل تغییرند. کمترین پیام مهدویت و انتظار این است که می‌شود اوضاع را در گستره جهانی تغییر داد. با این شرایط یکی از شرح وظایف ما این خواهد بود که به اوضاع حاکم بر جهان و تاریخ تن ندهیم و تسلیم نشویم. انتظار یعنی تسلیم نشوید و به زانو در نیایید. انتظار یعنی ادامه

مقاومت و مبارزه در ابعاد جهانی و معطوف به نجات همه بشریت» (۱۶۵).

خصوصیت صنایع ساخته دست بشر

پیچیدگی صنایع دست ساخته بشر انسان را گیج می کند. بسیاری از صنایع کنونی نیز به علت از میان رفتن یک موهبت الهی یا چرخه طبیعی توسط بشر به وجود آمده اند. برای مثال: صنایع سموم دفع آفات نباتی به علت رفتن برکت از محصولات کشاورزی و تغییرات اقلیمی ناشی از فعالیت های بی قاعده بشر گسترش یافته اند.

صنایع نظامی به علت نبود اخلاق و امنیت گسترش یافته اند.

گسترش بیش از حد صنایع داروسازی به علت نبود برکت، بهداشت، اخلاق، مواد غذایی سالم، آب بهداشتی، محیط زیست سالم، روح و روان سالم و با نشاط گسترش یافته و بسیاری از آنها ساخته دست بشر هستند.

بسیاری از صنایع مهندسی پزشکی و صنایع ساخت اعضای مصنوعی به علت خسارات ناشی از جنگ، مین، بمب و تسلیحات شیمیایی و میکروبی گسترش یافته اند.

آسایشگاه معلولین به علت جنگ، مصرف مواد مخدر، دارو، مواد شیمیایی و مواد غذایی آلوده گسترش یافته اند.

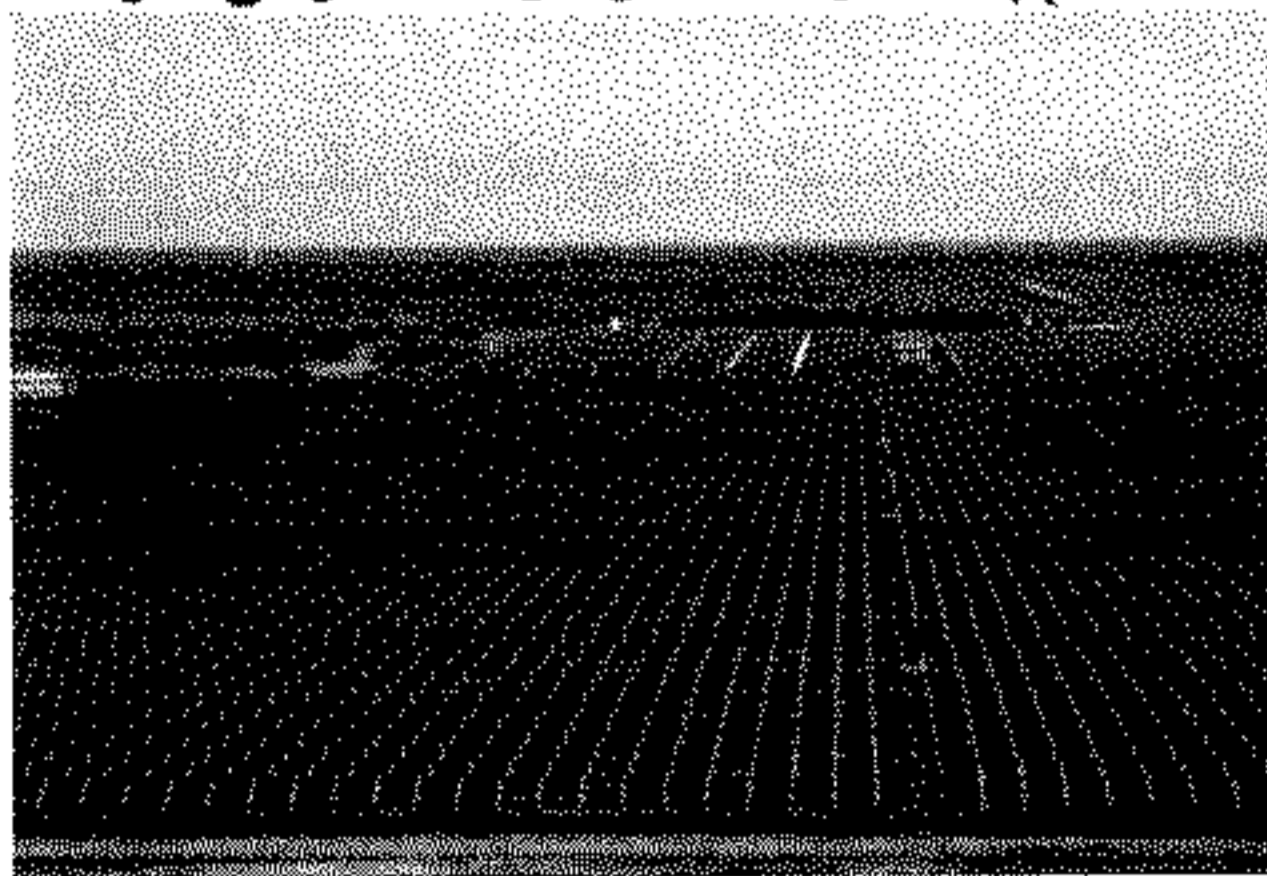
آیا مخابرات، تلفن همراه و اینترنت با روش ارتباط پیامبران و اولیای الهی با ماوراء عالم ماده و اطلاع و دستیابی آنان به انواع اطلاعات از اقصی نقاط عالم قابل مقایسه است؟ آیا این فناوری با تکلم فرشتگان با پیامبران قابل مقایسه است؟ تکلمی بدون سیم، امواج، ضرر و زیان. آیا این فناوری الهی نمی تواند به بشر داده شود؟ آیا علم الهی نمی تواند از این همه پیچیدگی که بشر افسار گسیخته برای خود ساخته بکاهد؟ آیا بشر برای ایجاد انواع فناوری و اسارت در انواع سیم، خازن، میدان الکتریکی و انواع امواج بر روی زمین آمده است؟

مقصود این نیست که استفاده از فناوری های برتر برای سهولت زندگی و راحتی بشر را مردود بشماریم. مقصود این است که اگر عنایت خدا، به دلیل تلاش، تقوا و ایمان، نصیب انسان گردد، با علمی که از جانب خداوند به او داده می شود، با اکمال عقلول بشر با واسطه فیض الهی، یعنی اولیای خدا، بشر به فناوری هایی دست می یابد که هزینه آنها بسیار پایین بوده،

سهولت استفاده از آن‌ها بسیار بیشتر باشد و بدون ضرر در خدمت انسان قرار گیرند. شیرمادر که یک فناوری الهی برای تولید غذای کودک است، یکی از نمونه‌های مثال زدنی است. کدام ماده غذایی ساخت بشر توانسته است جایگزین شیرمادر شود. تمام مراکز علمی و بهداشتی جهان شیرمادر را تبلیغ می‌کنند. کدام صنعت بشری جای مهرمادر را گرفته است؟ کدام آواز، هنر، فناوری صوتی و تصویری ساخته بشر جایگزین نگاه پرمهرمادر به نوزاد خود شده است؟ در صورتی که بشر، ایمان به خدا داشته باشد و تقوای الهی را در پیش گیرد چرا علم تغذیه پاک به بشر تعلیم نشود؟ مگر انسان خلیفه خدا روی زمین نیست؟ چرا خداوند عقل بشر را کامل نکند؟ چرا از مهر خود در زندگی او ندمد؟

تامین انرژی در دنیای کنونی

انسان برای تامین انرژی خود که در طبیعت به وفور و رایگان وجود دارد با دشواری‌های زیادی روبروست. استفاده از سوخت‌های فسیلی برای تولید انرژی باعث آلودگی محیط زیست شده و صدمات جبران ناپذیری به چرخه طبیعت و محیط زیست وارد نموده است. این آلودگی سهم مهمی در تغییرات اقلیمی و تبعات ناگوار ناشی از آن داشته است. تامین انرژی به شیوه‌های به اصطلاح پاک نیز با دردسرهای مخصوص خود همراه است.



شکل ۳۳- نیروگاه تولید برق با استفاده از کالکتورهای خورشیدی

کالکتورهای انرژی خورشیدی در تعداد زیاد، با هزینه گزاف تولید شده و با صرف هزینه زیاد نگهداری می‌شوند و به تعداد زیادی متخصص و کارشناس نیاز داشته و با اشغال فضای زیاد به دریافت مقدار کمی انرژی خورشیدی مشغول‌اند. برای تولید یک مگاوات برق خورشیدی

به ۱۰/۰۰۰ مترمربع از این کالکتورها نیاز است. یعنی برای تولید برق، معادل یک نیروگاه سیکل ترکیبی معمولی با ۱۰۰۰ مگاوات تولید برق به ۱۰۰۰ هکتار کالکتور نیاز است.

امام صادق علیه السلام تحول جهان را در زمان ظهور حضرت صاحب الامر در پرتو آیه شریفه «وَأَشْرَقَتِ الْأَرْضُ بِنُورِ رَبِّهَا»^۱ چنین بیان می فرماید:

ان قائمنا إذا قام أشرقت الأرض بنور ربها، واستغنى العباد عن ضوء الشمس، وذهبت الظلمة، ويعمر الرجل في ملكه حتى يولد له ألف ذكر، لا تولد فيهم انثى وتظهر الأرض كنوزها حتى تراها الناس على وجهها، ويطلب الرجل منكم من يصله بماله، ويأخذ من زكاته، لا يوجد أحد يقبل منه ذلك. استغنى الناس بما رزقهم الله من فضله.

هنگامی که قائم ما قیام کند:

- ۱ - زمین با نور پروردگارش روشن می شود.
- ۲ - مردم از نور خورشید بی نیاز می شوند.
- ۳ - تاریکی از بین می رود.
- ۴ - عمر انسان به قدری طولانی می شود که خداوند هزار پسر به او مرحمت می کند.
- ۵ - خزاین نهفته زمین بر مردم ظاهر می شود و در برابر دیدگان آنها قرار می گیرد.
- ۶ - مردم به دنبال کسی می روند که از آنها زکات و صدقات بپذیرد و نمی یابند.
- ۷ - مردم به فضل پروردگارشان بی نیاز می شوند.^۲

مفضل بن عمر می گوید از امام صادق علیه السلام شنیدم که فرمود:

«رب الأرض» در آیه «وَأَشْرَقَتِ الْأَرْضُ بِنُورِ رَبِّهَا»^۳ یعنی امام الارض «مراد امام زمین است». پرسیدم، «وقتی حضرت خروج کند چه می شود؟». فرمود، «در آن روز، مردم، از نور خورشید و ماه، بی نیاز می شوند و به نور امام علیه السلام اکتفا

۱. زمر، ۶۹.

۲. بحار الانوار، علامه مجلسی، ج ۵۲، ص ۳۳۷.

۳. زمر، ۶۹.

می‌کنند».^۱ محدث نوری رحمته الله علیه چند روایت از تفسیر علی بن ابراهیم و ارشاد شیخ مفید و غیبت طوسی و کمال‌الدین شیخ صدوق و کفایة الاثر شیخ خزاز و غیبت فضل بن شاذان نقل می‌کند و می‌گوید به قرینه حدیث اول، معلوم می‌شود مراد، نور ظاهری است وگرنه ممکن است گفته شود مراد نور معنوی است که نور علم و حکمت و عدل باشد (۱۶۶).

مراد از «امام» در این روایت، حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف است؛ زیرا اولاً، در خود روایت می‌گوید، «وقتی قیام کند، چه اتفاقی می‌افتد؟». ثانیاً، هیچ زمانی این‌گونه نبوده و فقط در زمان آن حضرت، مردم از نور خورشید و ماه بی‌نیاز می‌شوند.

دلیل این مطلب، روایتی است که باز خود مفضل بن عمر از امام صادق عجل الله تعالی فرجه الشریف نقل می‌کند که فرمود:

إذا قأمنا قام، أشرق الأرض بنور ربها واستغنى العباد عن ضوء الشمس و ذهب الظلمة؛ وقتی قائم ما قیام کند، زمین، به نور پروردگارش روشن می‌شود و مردم، از نور خورشید بی‌نیاز می‌شوند و ظلمت به‌طور کلی از بین می‌رود^۲ (۱۶۷).

بی‌شک تأمین انرژی می‌تواند با یک شاه‌کلید از علم الهی به روش بسیار ساده‌تر انجام شود و این نوشتار به دنبال القای تأمین انرژی بشر با نور امام نیست، بلکه هدف از طرح این موضوع فهم بیشتر درباره گستره و قله تکامل بشر است، با تدبیر در این روایت و آیات قرآن درمی‌یابیم که قله استعداد و تکامل بشر، اشراق زمین با نور ولی خداست، پس چرا انسان در مسیر زندگی خود تا رسیدن به آن قله‌های شرف نتواند از طریق علم الهی با واسطه فیض، یا تکمیل عقول انسانی برای تأمین انرژی در زندگی خود بهره‌مند شود و مجبور باشد با تخریب محیط زیست، زیرساخت‌های زندگی خود و طبیعت و به خطر انداختن حیات جانوران و گیاهان انرژی موردنیاز خود را تأمین کند.

خداوند در قرآن کریم درباره آفتاب و سرما در بهشت می‌فرماید:

۱. تفسیر نورالثقلین، العروسی، شیخ عبدالعلی، ذیل آیه ۶۹ سوره مبارکه زمر، ح ۱۲۱.

۲. الغیبة، شیخ طوسی، ص ۴۶۷، ح ۴۸۴؛ تفسیر نورالثقلین، ج ۴، ذیل آیه، ح ۱۲۲.

﴿مُتَّكِنِينَ فِيهَا عَلَى الْأَرَائِكِ لَا يَرَوْنَ فِيهَا شَمْسًا وَلَا زَمْهَرِيرًا﴾ این در حالی است که در بهشت بر تخت‌های زیبا تکیه کرده‌اند، نه آفتاب را در آنجا می‌بینند و نه سرما را!.

با توجه به مفهوم این آیه‌ی مبارکه می‌توان دریافت که در عصر ظهور نیز که مرتبه‌ای از قیامت است تامین نور از منبع دیگری غیر از منبع کنونی آن (خورشید) امکان دارد. دانشمندان، در تحقیقات خود، بدین باور دست یافته‌اند که انسان‌ها، تاکنون نتوانسته‌اند بخش فراوانی از استعداد و قدرت فکری خود را مهار کرده و مورد استفاده قرار دهند. اگر انسان بتواند، استعدادهای درون خود را شکوفا کند، می‌تواند از این طرف عالم با آن طرف عالم، بدون هیچ ابزار و رسانه‌ای، ارتباط برقرار کند (۱۶۸). همه‌ی این محرومیت‌ها، از غیبت آن عزیزاست و این که بشر بدون او، از این گرفتاری‌ها و حرمان‌ها رهایی نخواهد یافت و تا زمینه‌ها آماده نشود و بلوغ بشر و درک اضطرار به او و اقدام‌های ممکن، انجام نگیرد و وظایف دوران غیبت عملی نگردد، محرومیت و حرمان، همچنان گریبان ما را خواهد گرفت. آری او خازن و گنجینه‌ی تمامی دانش‌هاست.

دستیابی به علم تولید برخی مواد غذایی مورد نیاز انسان، بدون در اختیار داشتن رموز و راه‌های الهی مربوط به آن امکان پذیر نیست. به همین دلیل است که بشر تا کنون نتوانسته است یک ماده غذایی را تولید کند، بلکه تمام مواد غذایی که در حال حاضر مصرف می‌کند ترکیبی از مواد غذایی آفریده‌ی خداست. خداوند در قرآن کریم در این رابطه می‌فرماید:

﴿وَإِنَّ لَكُمْ فِي الْأَنْعَامِ لَعِبْرَةً نُسْقِيكُمْ مِمَّا فِي بُطُونِهِ مِنْ بَيْنِ فَرْثٍ وَدَمٍ لَبَنًا خَالِصًا سَائِغًا لِلشَّارِبِينَ * وَمِنْ ثَمَرَاتِ النَّخِيلِ وَالْأَعْنَابِ تَتَّخِذُونَ مِنْهُ سَكَرًا وَرِزْقًا حَسَنًا إِنَّ فِي ذَلِكَ لَآيَةً لِقَوْمٍ يَعْقِلُونَ * وَأَوْحَى رَبُّكَ إِلَى النَّحْلِ أَنْ اتَّخِذِي مِنَ الْجِبَالِ بُيُوتًا وَمِنَ الشَّجَرِ وَمِمَّا يَعْرِشُونَ * ثُمَّ كُلِي مِنْ كُلِّ الثَّمَرَاتِ فَاسْلُكِي سُبُلَ رَبِّكِ ذُلُلًا يَخْرُجُ مِنْ بُطُونِهَا شَرَابٌ مُخْتَلِفٌ أَلْوَانُهُ فِيهِ شِفَاءٌ لِلنَّاسِ إِنَّ فِي ذَلِكَ لَآيَةً لِقَوْمٍ يَتَفَكَّرُونَ﴾ و در دام‌ها قطعاً برای شما عبرتی است، از آنچه در [الابلای] شکم آن‌هاست، از میان سرگین

و خون، شیری ناب به شما می‌نوشانیم که برای نوشندگان گواراست و از میوه درختان خرما و انگور، باده مستی بخش و خوراکی نیکو برای خود می‌گیرید. قطعاً در این [ها] برای مردمی که تعقل می‌کنند نشانه‌ای است. و پروردگار تو به زنبور عسل وحی [الهام‌گریزی] کرد که از پاره‌ای کوه‌ها و از برخی درختان و از آنچه داریست [و چفته‌سازی] می‌کنند، خانه‌هایی برای خود درست کن. سپس از همه میوه‌ها بخور و راه‌های پروردگارت را فرمانبردارانه، بی‌پوی. [آنگاه] از درون [شکم] آن، شهدی که به رنگ‌های گوناگون است بیرون می‌آید. در آن، برای مردم درمانی است. راستی در این [زندگی زنبوران] برای مردمی که تفکر می‌کنند نشانه [قدرت الهی] است. ﴿۱﴾

دسترسی بشر به علم الهی و تسلط بر عالم ماده در عصر ظهور

با بررسی روایات مشخص می‌شود که در عصر ظهور امام زمان، علم الهی به چند علت یا طریق مختلف در دسترس بشر قرار می‌گیرد:

- برنامه‌های علمی، آموزشی و تربیتی با شیوه‌های جدید و موثر توسط یاران امام در جامعه اجرا می‌شود.

- همانگونه که در آیات قرآن وعده داده شده است، به خاطر ایمان و تقوا، برکات خداوند بر مومنین نازل می‌شود که یکی از مهم‌ترین این برکات تکمیل عقول، حکمت و فهم مومنین و علم الهی است.

- کسب انواع توانایی و علم، به برکت حضور ولی خدا در بین مردم و اطاعت مومنین از امام. - کمک گرفتن بشر از استعدادها و طبعی.

با مراجعه به روایات می‌توان به دورنمایی از گوشه‌ای از پیشرفت‌های علمی و صنعتی در عصر ظهور دست یافت که به آن‌ها اشاره می‌شود:

امام صادق علیه السلام در این باره می‌فرمایند:

الْعِلْمُ سَبْعَةٌ وَعِشْرُونَ حَرْفًا فَجَمِيعُ مَا جَاءَتْ بِهِ الرُّسُلُ حَرْفَانِ فَلَمْ يَعْرِفِ النَّاسُ حَتَّى الْيَوْمِ
غَيْرَ الْحَرْفَيْنِ فَإِذَا قَامَ قَائِمُنَا أَخْرَجَ الْخُمْسَةَ وَالْعِشْرِينَ حَرْفًا فَبَثَّهَا فِي النَّاسِ وَضَمَّ إِلَيْهَا

الْحُرْفَيْنِ حَتَّى يَبْتَهَمَهَا سَبْعَةً وَعِشْرِينَ حَرْفًا؛ علم و دانش ۲۷ حرف است. تمام آنچه پیامبران الهی برای مردم آوردند، دو حرف بیش نبود و مردم تاکنون جز آن دو حرف را نشناخته اند. اما هنگامی که قائم ما قیام کند ۲۵ حرف و شاخه و شعبه دیگر را آشکار و در میان مردم منتشر می سازد و دو حرف دیگر را با آن ضمیمه می کند تا ۲۷ حرف کامل و منتشر گردد.^۱

امام باقر علیه السلام نیز فرموده است:

إِذَا قَامَ قَائِمُنَا وَضَعَ اللَّهُ يَدَهُ عَلَى رُءُوسِ الْعِبَادِ فَجَمَعَ بِهَا عُقُولَهُمْ وَكَمَلَتْ بِهِ أَخْلَامَهُمْ؛ هنگامی که قائم ما قیام کند، خداوند دست محبتش را به سربنندگان می گذارد و عقول آن ها را با آن کامل و افکارشان را پرورش داده، تکمیل می کند.^۲

امام علی علیه السلام در مورد تعلیم درست و آموزش همگانی قرآن در عصر ظهور فرمود:

كَأَنِّي أَنْظُرُ إِلَى شِيعَتِنَا بِمَسْجِدِ الْكُوفَةِ وَقَدْ ضَرَبُوا الْفَسَاطِيطَ يَعْلَمُونَ النَّاسَ الْقُرْآنَ كَمَا أُنزِلَ؛ در آن دوران همانا شیعیانمان را می بینم که در مسجد کوفه خیمه ها زده و جلسات تعلیم قرآن به پا کرده اند و مردم را با معارف قرآن آنگونه که نازل شده، آشنا می کنند.^۳

امام باقر علیه السلام می فرماید:

وتوتون الحكمة في زمانه حتى أن المرأة لتتقضى في بيتها بكتاب الله تعالى وسنة رسول الله؛ در روزگار مهدی به اندازه ای به شما حکمت و فهم داده خواهد شد که یک زن در خانه اش به طریق کتاب خدا و سنت پیامبر قضاوت می کند.^۴

امام باقر علیه السلام از قول پدر گرامی خود حضرت سجاد علیه السلام فرمودند:

إذا قام القائم (بعث) في أقاليم الارض في كل إقليم رجال يقول عهدك في كفك، فإذا ورد عليك مالا تفهمه ولا تعرف القضاء فيه، فانظر إلى كفك واعمل بما فيها؛ هرگاه قائم علیه السلام قیام کند، در سراسر زمین، در هر سرزمینی مردی را می فرستد و به او

۱. بحار الانوار، علامه مجلسی، ج ۵۲، ص ۳۳۶.

۲. اصول کافی، شیخ کلینی، ج ۱، ص ۲۵، ح ۲۱.

۳. مستدرک الوسائل، محدث نوری، ج ۳، ص ۳۶۹.

۴. بحار الانوار، علامه مجلسی، ج ۵۳، ص ۳۵۲.

می گوید؛ فرمان تو در کف دست توست. پس هرگاه چیزی به تو وارد شد که آن را نمی فهمیدی و حکم قضاوتی را در آن نمی دانستی، پس به کف دست خود بنگر و به آنچه در آن است عمل کن...^۱

در آن عصر، پیشرفت تکنولوژی و علوم به گونه ای برق آسا و غیرقابل مقایسه با دنیای کنونی خواهد بود؛ به گونه ای که همه ی دستاوردهای خیره کننده ی جهان بشری کنونی و آینده در برابر آن بسیار اندک و ناچیز است.

خداوند در سوره طلاق می فرماید:

﴿وَمَنْ يَتَّقِ اللَّهَ يَجْعَلْ لَهُ مَخْرَجًا. وَيَرْزُقْهُ مِنْ حَيْثُ لَا يَحْتَسِبُ وَمَنْ يَتَوَكَّلْ عَلَى اللَّهِ فَهُوَ حَسْبُهُ إِنَّ اللَّهَ بَالِغُ أَمْرِهِ قَدْ جَعَلَ اللَّهُ لِكُلِّ شَيْءٍ قَدْرًا. وَ هُرَّ كَس تَقْوَايَ الْهَى پيشه كند، خداوند راه نجاتى براى او فراهم مى كند و او را از جايى كه گمان ندارد روزى مى دهد: و هر كس بر خدا توكل كند، كفايت امرش را مى كند: خداوند فرمان خود را به انجام مى رساند؛ و خدا براى هر چيزى اندازه اى قرار داده است﴾.^۲

در این آیه و سایر آیات قرآن وعده داده شده است که هر کس تقوا داشته باشد راه خروجش از هر مسئله ای و روزی خوردن از راه های غیر معمول ضمانت شده است که این تضمین در مقیاس اجتماع نیز وجود دارد.

عصر ظهور، زمان گسترش و شکوفایی علم و دانایی است، و مدینه فاضله اسلامی، شهر علم و دانش است. با آمدن منجی عالم، همان گونه که ظلم و بیداد جای خود را به عدل و دادگری می سپارد و نابسامانی های اجتماعی به سامان می گراید؛ جهل و نادانی نیز جای خود را به علم و دانایی می دهد و جهان از نور عقل و دانش آکنده می شود. علوم و دانش هایی که در طول اعصار و قرون در پشت پرده ها مکنون مانده بود، ابراز می گردد و مرز دانایی و یادگیری تا سراپرده منازل و اعماق وجود تک تک انسان ها، گسترش می یابد.

۱. همان، ج ۵۲، ص ۳۶۵.

۲. طلاق، ۲ و ۳.

فصل یازدهم: نزول برکات الهی بر بشر قبل و بعد از ظهور

خلاصه فصل

انسان موجودی صرفاً مادی نیست و امور معنوی در زندگی او دخیل است. یکی از مفاهیمی که از امور معنوی سرچشمه می‌گیرد، برکت است. برکت امری مهم‌تر از ثروت است، زیرا ثروت موضوعی موقتی است و تنها امور مادی را در برمی‌گیرد اما برکت پایدار است و تنها به مال تعلق نمی‌گیرد، بلکه شئون دیگری مانند عمر، فرزندان، علم، روزی، سلامتی و زمان را در بر می‌گیرد. کلمه برکت و مشتقات آن ۳۲ بار در قرآن کریم ذکر شده است. با مطالعه آیات قرآن و روایات معصومین علیهم‌السلام به عوامل برکت‌زا در زندگی انسان پی می‌بریم، برخی از این عوامل عبارت‌اند از: عبادات جمعی، دعا، تکریم بزرگان، پرداخت زکات، پرداخت صدقه، سحرخیزی و صله رحم. هم‌اکنون به دلیل ظهور فساد، توسط انسان، در خشکی و دریا، برکت از زندگی انسان رخت بر بسته است. خشک‌سالی‌های متداوم، سیل، زلزله و طوفان‌های ویرانگر، انواع بیماری‌های ناشناخته، آفات و بیماری‌های گیاهی روزافزون، جنگ‌های خانمان‌سوز، هزینه بالای زندگی، کاهش محصولات کشاورزی، کویرزایی و از بین رفتن جنگل‌ها، مرگ‌های ناگهانی، انواع بیماری‌های روانی و گسترش احساس پوچی در برخی جوامع از پیامدهای کاهش برکت در زندگی انسان است. در عصر ظهور به برکت حضور امام در میان مردم و ایمان و تقوای آن‌ها برکات خداوند، همان‌گونه که در قرآن وعده داده شده است، از زمین و آسمان بر بشر نازل می‌شود، آن‌گونه که در روایات آمده است؛ زمین برکاتش را خارج می‌سازد و هر حقی به صاحبش می‌رسد، در این هنگام زمین گنج‌هایش را آشکار می‌سازد و برکات خود را ظاهر می‌کند و کسی موردی را برای انفاق و صدقه و کمک مالی نمی‌یابد؛ زیرا همه مؤمنان بی‌نیاز و غنی خواهند شد.

کاهش نزول برکات الهی بر بشر در عصر حاضر

برخی از حوادث و بلاهای طبیعی ناشی از خسارتی است که انسان به محیط زیست خود وارد کرده یا ناشی از اشتباهاتی است که در محاسبات و عملکردهای خود داشته است، اما از جمله مباحثی که درباره بلاهای طبیعی در ادیان و مذاهب مختلف مطرح گردیده، معناداری و جهت دار بودن برخی پدیده‌ها و حوادث غیرمترقبه طبیعی می‌باشد، چنان‌که خداوند در قرآن کریم می‌فرماید:

﴿ظَهَرَ الْفَسَادُ فِي الْبَرِّ وَالْبَحْرِ بِمَا كَسَبَتْ أَيْدِي النَّاسِ لِيُذِيقَهُمْ بَعْضَ الَّذِي عَمِلُوا لَعَلَّهُمْ يَرْجِعُونَ﴾ فساد، در خشکی و دریا بخاطر کارهایی که مردم انجام داده‌اند آشکار شده است؛ خدا می‌خواهد نتیجه بعضی از اعمالشان را به آنان بچشاند، شاید (بسوی حق) بازگردند! ﴿

بنابراین اگر نگوییم در همه‌ی ادیان این اعتقاد وجود دارد که گناهان و کارهای زشت و ناپسند، آثار فردی و اجتماعی بدی را به دنبال دارد، این تلقی و اعتقاد در بین مسلمانان و مسیحیان که بیشترین جمعیت جهان را تشکیل می‌دهند رایج است. مسلمانان معمولاً حوادث و بلاهای طبیعی را معنادار می‌دانند و آن‌ها را یا به عنوان امتحان و آزمایش و یا به عنوان نتیجه اعمال (عمران، صنعت، تخریب محیط زیست و ...) و یا رفتار و گناهان می‌دانند. در آیه ۱۵۵ سوره بقره سخن از خشک‌سالی و قحطی به میان آمده و خداوند از آن به عنوان وسیله‌ای برای آزمایش انسان‌ها یاد کرده است:

﴿وَلَنَبْلُوَنَّكُمْ بِشَيْءٍ مِّنَ الْخَوْفِ وَالْجُوعِ وَنَقْصٍ مِّنَ الْأَمْوَالِ وَالْأَنْفُسِ وَالثَّمَرَاتِ وَنَبِّئِ الصَّابِرِينَ﴾ قطعاً همه شما را با چیزی از ترس، گرسنگی و کاهش در مال‌ها و جان‌ها و میوه‌ها، آزمایش می‌کنیم و بشارت ده به استقامت‌کنندگان ﴿.

در آیه ۱۱۲ سوره نحل چنین آمده است:

﴿وَضَرَبَ اللَّهُ مَثَلًا قَرْيَةً كَانَتْ آمِنَةً مُّطْمَئِنَّةً يَأْتِيهَا رِزْقُهَا رَغَدًا مِّنْ كُلِّ مَكَانٍ فَكَفَرَتْ بِأَنْعُمِ اللَّهِ فَأَذَاقَهَا اللَّهُ لِبَاسَ الْجُوعِ وَالْخَوْفِ بِمَا كَانُوا يَصْنَعُونَ﴾ خداوند (برای آنان

که کفران نعمت می‌کنند، مثلی زده است: منطقه آبادی که امن و آرام و مطمئن بود و همواره روزیش از هر جا می‌رسید، اما به نعمت‌های خدا ناسپاسی کردند و خداوند به خاطر اعمالی که انجام می‌دادند، لباس گرسنگی و ترس را بر اندامشان پوشانید.^۱

این آیه و برخی دیگر از آیات قرآن به روشنی بیان می‌کنند که با ناسپاسی و نداشتن ایمان و تقوا خداوند انسان را دچار گرسنگی، ترس و کاهش ثمرات و کاهش برکات خواهد نمود. امام صادق علیه السلام فرمود:

هنگامی که چهار چیز در جامعه شایع و رایج گردد چهار نوع بلا و گرفتاری پدید آید؛ چنانچه زنا رایج گردد زلزله و مرگ ناگهانی فراوان شود. چنانچه زکات و خمس اموال پرداخت نشود حیوانات نابود شوند. اگر حاکمان جامعه و قضات ستم و بی عدالتی نمایند باران رحمت خداوند نمی‌بارد و اگر اهل ذمه تقویت شوند مشرکین بر مسلمین پیروز آیند.^۱

امام باقر علیه السلام می‌فرمایند:

ما أتى على أهل الدنيا يوم واحد منذ خلقها الله عزوجل إلا والسما فيهما تمطر فيجعل الله عزوجل ذلك حيث يشاء؛ ای مردم بدانید باران در هیچ سالی از سال دیگر کمتر نیست، اما نزول آن به مشیت و اراده خداوند است؛ زیرا اگر قومی گناه کنند، خداوند متعال بارانی را که برای آن‌ها مقدر شده است، بر غیر آن‌ها نازل می‌کند.^۲

امام علی علیه السلام در دعای کمیل می‌فرمایند:

اللَّهُمَّ اغْفِرْ لِي الذُّنُوبَ الَّتِي تُنَزِّلُ النَّقَمَ؛ خدایا ببخش آن گناهایی را که بر من کیفر عذاب نازل می‌کند.

اللَّهُمَّ اغْفِرْ لِي الذُّنُوبَ الَّتِي تُغَيِّرُ النَّعَمَ؛ خدایا ببخش آن گناهایی را که در نعمتت را به روی من می‌بندد.

اللَّهُمَّ اغْفِرْ لِي الذُّنُوبَ الَّتِي تَحْبِسُ الدُّعَاءَ؛ خدایا ببخش آن گناهایی را که مانع قبول

۱. وسائل الشیعه، حر عاملی، ج ۸، ص ۱۳.

۲. من لایحضره الفقیه، شیخ صدوق، ج ۱، ح ۱۴۸۸.

دعاهایم می شود.

اللَّهُمَّ اغْفِرْ لِي الذُّنُوبَ الَّتِي تُنَزِّلُ الْبَلَاءَ؛ خدایا ببخش آن گناہانی را که بر من بلا

می فرستد.

رسول خدا ﷺ می فرماید:

قحطی و خشکسالی جز به سبب نافرمانی از خدا بر قومی چیره نشود.^۱

روایات فراوانی درباره پدیده خشکسالی وجود دارد که در آن‌ها ریشه اصلی قحطی انجام

گناه بیان شده است. نکته ظریف و جالب توجهی که در قرآن به آن اشاره شده است، بارش

باران به عدد و مقدار معین است:

﴿وَأَنْزَلْنَا مِنَ السَّمَاءِ مَاءً بِقَدَرٍ فَأَسْكَنَّا فِي الْأَرْضِ وَإِنَّا عَلَى ذَهَابٍ بِهِ لِقَادِرُونَ؛ و از

آسمان، آبی به اندازه معین نازل کردیم و آن را در زمین (در جایگاه مخصوصی)

ساکن نمودیم و ما بر از بین بردن آن کاملاً قادریم.﴾^۲

﴿وَالَّذِي نَزَّلَ مِنَ السَّمَاءِ مَاءً بِقَدَرٍ فَأَنْشَرْنَا بِهِ بَلْدَةً مَيْتًا كَذَلِكَ تُخْرَجُونَ؛ و آن کس

که آبی به اندازه از آسمان فرود آورد، پس به وسیله آن، سرزمینی مرده را زنده

گردانیدیم؛ همین گونه [از گورها] بیرون آورده می شوید.﴾^۳

﴿وَإِنْ مِنْ شَيْءٍ إِلَّا عِنْدَنَا خَزَائِنُهُ وَمَا نُنزِّلُهُ إِلَّا بِقَدَرٍ مَعْلُومٍ؛ و هیچ چیز نیست مگر

آنکه گنجینه‌های آن نزد ماست و ما آن را جز به اندازه‌ای معین فرو نمی فرستیم.﴾^۴

تعبیر به قدر، اشاره لطیفی به نظام خاص حاکم بر نزول باران است که بارش باران بر

مقتضای تدبیر الهی است و به اندازه‌ای می بارد که مفید و ثمربخش است و زیانبار نیست. بر

اساس تحقیقاتی که دانشمندان بر روی تناسب قطرات باران انجام داده‌اند به این نتیجه

رسیده‌اند که مقدار قطراتی که سالیانه از زمین بخار می شود در حدود ۱۶ میلیون تن می باشد و

به همین میزان آب از آسمان فرود می آید.

۱. کنز العمال، متقی هندی، ج ۷، ص ۸۳۳، ح ۲۱۵۹۳.

۲. مومنون، ۱۸.

۳. زخرف، ۱۱.

۴. حجر، ۲۱.

در آیات ۱۶ و ۱۷ سوره سبأ به گرفتار شدن قوم سبأ به سیل، در اثر روی گرداندن از خدا و کفران نعمت اشاره شده است:

﴿لَقَدْ كَانَ لِسَبَإٍ فِي مَسْكِنِهِمْ آيَةٌ جَنَّتَانِ عَنْ يَمِينٍ وَشِمَالٍ كُلُوا مِنْ رِزْقِ رَبِّكُمْ وَاشْكُرُوا لَهُ بَلْدَةٌ طَيِّبَةٌ وَرَبٌّ غَفُورٌ. فَأَعْرَضُوا فَأَرْسَلْنَا عَلَيْهِمْ سَيْلَ الْعَرِمِ وَبَدَّلْنَاهُمْ بِجَنَّتَيْهِمْ جَنَّتَيْنِ ذَوَاتِ أُكُلٍ خَمْطٍ وَأَثَلٍ وَشَيْءٍ مِنْ سِدْرٍ قَلِيلٍ. ذَلِكَ جَزَيْنَاهُمْ بِمَا كَفَرُوا وَهَلْ نُجَازِي إِلَّا الْكَفُورَ: قَطْعاً﴾ [مردم] سبأ در محل سکونتشان نشانه [رحمتی] بود؛ دو باغستان از راست و چپ [به آنان گفتیم] از روزی پروردگارتان بخورید و او را شکر کنید. شهری است خوش و خدای آمرزنده. پس روی گردانیدند و بر آن سیل [سد] عَرِم را روانه کردیم و دو باغستان آن‌ها را به دو باغ که میوه‌های تلخ و شوره‌گزو نوعی از کنار تنک داشت تبدیل کردیم. این [عقوبت] را به [سزای] آن‌که کفران کردند به آنان جزا دادیم و آیا جز ناسپاس را به مجازات می‌رسانیم؟! ﴿۱﴾

در سوره عنکبوت آیه ۱۴ به طوفان نوح اشاره شده است:

﴿وَلَقَدْ أَرْسَلْنَا نُوحًا إِلَىٰ قَوْمِهِ فَلَبِثَ فِيهِمْ أَلْفَ سَنَةٍ إِلَّا خَمْسِينَ عَامًا فَأَخَذَهُمُ الطُّوفَانُ وَهُمْ ظَالِمُونَ: وَبِهِ رَاسْتِي، نوح را به سوی قومش فرستادیم، پس در میان آنان نهصد و پنجاه سال درنگ کرد، تا طوفان آنها را در حالی که ستمکار بودند فرا گرفت﴾.

همچنین در آیه ۵۳ سوره انفال اشاره شده است که:

﴿ذَلِكَ بِأَنَّ اللَّهَ لَمْ يَكُ مُغَيِّرًا نِعْمَةً أَنْعَمَهَا عَلَىٰ قَوْمٍ حَتَّىٰ يُغَيِّرُوا مَا بِأَنْفُسِهِمْ وَأَنَّ اللَّهَ سَمِيعٌ عَلِيمٌ: این [کیفر] بدان سبب است که خداوند نعمتی را که بر قومی ارزانی داشته تغییر نمی‌دهد، مگر آنکه آنان آنچه را در دل دارند تغییر دهند و خدا شنوای داناست﴾.

﴿وَمَا كَانَ رَبُّكَ لِيُهْلِكَ الْقُرَىٰ بِظُلْمٍ وَأَهْلِهَا مُصْلِحُونَ: و پروردگارتو [هرگز] بر آن نبوده است که شهرهایی را که مردمش اصلاح‌گرند، به ستم هلاک کند﴾. ۲

۱. سبأ، ۱۵ تا ۱۷.

۲. هود، ۱۱۷.

بنابراین به روشنی می‌توان دریافت علت اصلی برهم خوردن نظام اصلی طبیعت و حادث شدن وقایع خانمان برانداز طبیعی چیزی جز تخریب محیط زیست برای دستیابی به منافع زودگذر، گناه و معصیت خود انسان‌ها و از یاد بردن خالق هستی و دل سپردن به امور دنیایی نیست که در این زمان اذن و اراده خداوند بر این امر حاکم می‌گردد که ملت گناه کار را عذاب و به تعبیری دیگر از کرده خویش آگاه نماید. چنانچه در سوره عصر صریحاً به این نکته شده است که انسان در خسارت و زیان است، مگر اینکه به خدا ایمان آورد و کارهای شایسته انجام دهد و دیگران را به راستی و درستی، صبر و شکیبایی سفارش نماید. این در حالی است که انسان از این آیات عظیم الهی که بر راستی روشنگر راه زندگی و نجات بخش او از تمامی خسارات و زیان‌های جانی و مالی است غافل است (۱۶۹).

حضرت علی علیه السلام در خطبه‌ای در طلب باران می‌فرماید:

بدانید، زمینی که شما را بر پشت خود حمل می‌کند و آسمانی که بر سرتان سایه گسترده است، فرمان بردار پروردگار شما هستند و اگر برکات خود را بر شما ارزانی می‌دارند، بدان سبب نیست که بر شما دل می‌سوزانند یا می‌خواهند به شما تقرب جویند یا از شما امید خیری دارند، بلکه، خداوند آن دورا فرمان داده است که به شما سود رسانند و آن دو هم اطاعت کرده‌اند. خداوند، زمین و آسمان را برای مصالح شما برپای داشته و آن دو نیز برپای ایستاده‌اند. ایزد تعالی بندگانش را که مرتکب اعمال ناشایست شوند، به کاسته شدن میوه‌هایشان و نگه داشتن برکات از ایشان و فرو بستن خزاین خیرات به روی آنان می‌آزماید. تا توبه کنندگان توبه کنند و گناهکاران از گناه کردن باز ایستند و پندگیرندگان پند گیرند و آن که اراده گناه کرده منجز گردد. خداوند، آمرزش خواستن را سبب فراوانی روزی و رحمت بر آفریدگان قرار داده، که فرماید: (از پروردگارتان آمرزش بخواهید که او آمرزنده است. تا از آسمان برایتان پی در پی باران فرستد و شما را به اموال و فرزندان مدد کند و برایتان باغها قرار دهد و نهرها برای شما پدید آورد). پس، خداوند رحمت کند کسی را که به توبه روی آورد و از خطاهای خود بخشش طلبد و بر مرگ خود پیشی گیرد و تدارک امر آخرت کند. ای خداوند، ما به سوی توبیرون آمده‌ایم، از درون خیمه‌ها و

خانه‌هایی که ناله و فریاد ستوران و کودکانمان از آن بلند است. در حالی که، رحمت تو را می‌طلبیم و امید به فضل نعمت تو بسته‌ایم و از عذاب و خشم تو بیمناکیم. بار خدایا، ما را به باران خود سیراب نما و نومیدمان باز مگردان و به قحط، هلاک منماید و به آنچه سفیهان کرده‌اند مؤاخذت مکن. ای بخشاینده‌ترین بخشاینندگان. ای خداوند ما به سوی تو بیرون آمده‌ایم، تا آنچه را که بر تو پوشیده نیست به توشکایت کنیم، زیرا تنگناهای دشوارمان به بیچارگی کشانده، خشک‌سالی‌های مشقت‌بار ما را به درگاه تورانده و خواسته‌های دست‌نیافتنی به رنجمان افکنده و فتنه‌های ناهنجار، گریبان‌گیرمان شده است. بار خدایا، از تو می‌خواهیم که ما را از درگاه خود نومید بازنگردانی و اندوهگین واپس نفرستی و ما را به گناهانمان مورد خطاب قرار ندهی و برابر اعمالمان کیفر ندهی. بار خدایا، بر ما باران و برکت و روزی و رحمت خود بگستران. بر ما بارانی بیبار سودمند، سیراب‌کننده رویاننده گیاهان، که برویاند هر چه را که نابود شده و زنده گرداند، هر چه را که مرده است. بارانی بر ما بیبار، که تشنگی را برطرف گرداند و میوه‌ها را افزون سازد و زمین‌های پست را سیراب کند و بر دره‌ها سیلاب افکند و درختان را برگ رویاند و نرخ‌ها را بشکند که توبه هر کاری که بخواهی توانایی.^۱

در روایات آمده است که: پیش از ظهور، فرد بر سر قبر مردگان می‌رود و آرزو می‌کند که کاش جای آن‌ها بود و بعد از ظهور شخص بر سر قبر برادرش می‌رود و به او می‌گوید: کاش تو هم بودی و از این برکاتی که ما بهره‌مند شده‌ایم متنعم می‌شدی (۱۷۰).

بحران‌های حل‌ناشدنی و مشکلات امروز بشر، بحران‌هایی است معنوی و اخلاقی. ریشه این بحران‌ها فقدان ایمان و تقوا است. در گذشته، بشر بحران‌های زیادی داشت که منشأ آن جهل و نادانی و فقدان علم به علاوه معنویت بود ولی امروز علم بشر بیشتر شده است، اما علم به تنهایی کافی نیست.

حذیفه می‌گوید: دیدم رسول معظم اسلام ﷺ پرده کعبه را گرفته و گریه می‌کند. عرض

کردم: یا رسول الله! چه چیز شما را به گریه آورده است؟ حضرت فرمودند:
 ای حذیفه دنیا از بین رفته یا مثل اینکه تو در این دنیا نبودی. عرض کردم پدر و مادرم به
 قربانت باد آیا علائمی هست که دال بر وقوع چنین وضعی در دنیا باشد؟ فرمودند: مطالبی که
 می گویم به قلبت بسپار و با چشمت ببین و با انگشتانت شماره کن:

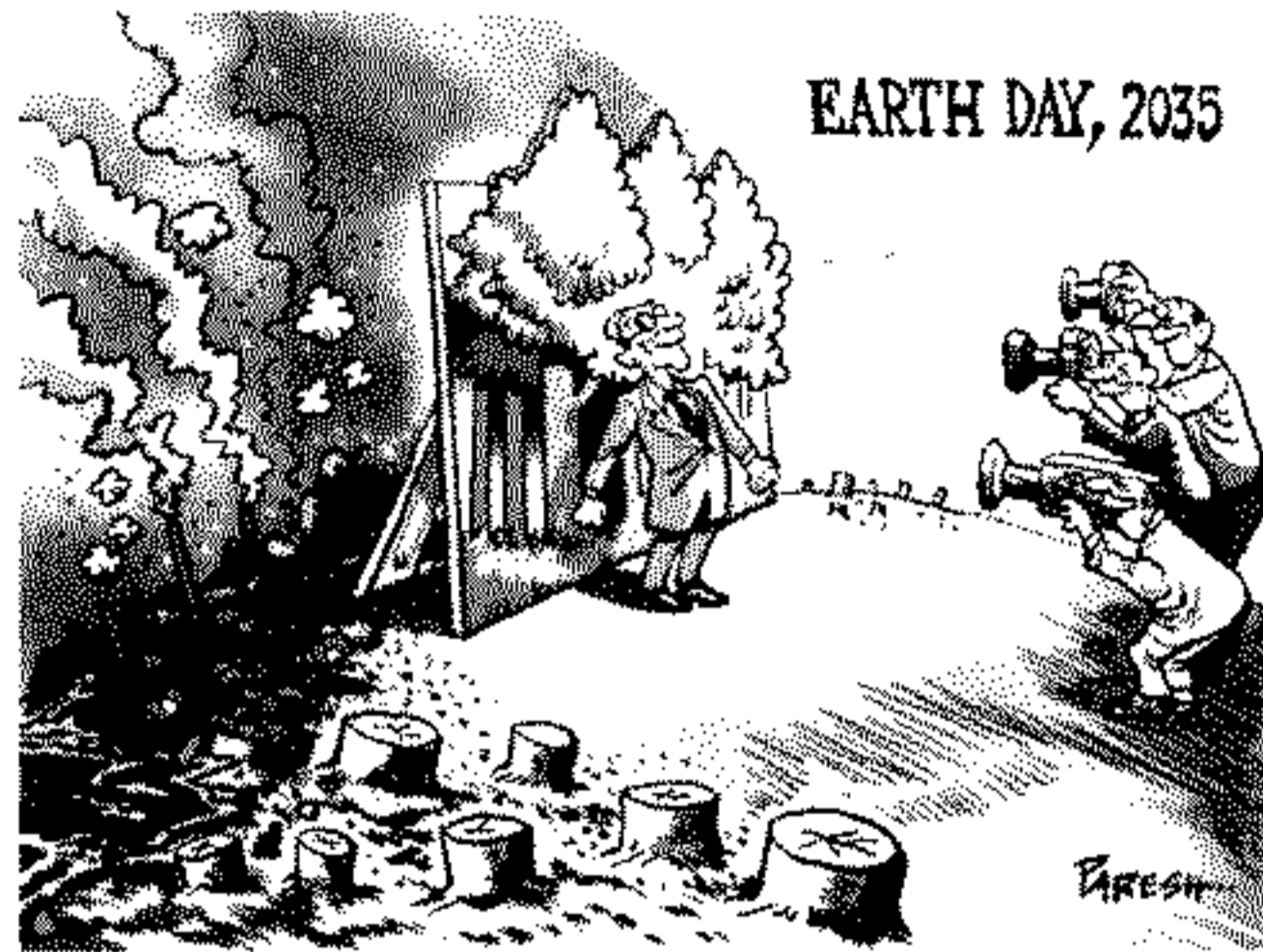
- ۱- وقتی که امت من نماز را ضایع کنند.
- ۲- از شهوات پیروی کنند.
- ۳- خیانت در میان مردم زیاد شود.
- ۴- امانت و امانت داری کم شود.
- ۵- مشروبات الکلی بنوشند.
- ۶- فضا تاریک شود.
- ۷- به واسطه خشک سالی، آب قنات ها و چاه ها کم می شود.
- ۸- آسمان و این فضای لایتناهی غبار آلود.
- ۹- امنیت از راههای زمینی و هوایی برداشته شود.
- ۱۰- مردم همدیگر را سب و لعن کنند.
- ۱۱- خانواده ها در دامن فساد سقوط کنند.
- ۱۲- مردم در زندگی گرفتار تجملات و مدپرستی شوند و سرانجام قناعت و میانه روی متروک
 گردد.
- ۱۳- افراد جامعه نسبت به یکدیگر بدبین شوند و سوءظن و عدم اعتماد بر جامعه سایه
 افکند.
- ۱۴- سال های دنیا پست و خوار شود.
- ۱۵- درختکاری زیاد و محصول ها اندک شود.
- ۱۶- قیمت ها بالا رود.
- ۱۷- بادهای زیاد شود.
- ۱۸- پرده از روی باطن مردم برداشته شود.

- ۱۹- عمل شنیع لواط علنی شود.
- ۲۰- خلاف، پسندیده شود.
- ۲۱- تجارت و کاسبی دچار سختی و تنگی شود و اشیاء مورد درخواست کم شود.
- ۲۲- تمام برنامه‌ها را با کمال گستاخی و خودسری، برمبنای هوای نفس پیاده کنند.
- ۲۳- ناسزا و فحش دادن به پدر و مادران را وسیله سرگرمی و مزاح قرار دهند.
- ۲۴- آشکارا ربا بخورند و کوچک‌ترین ترسی از خداوند نداشته باشند.
- ۲۵- بی‌عصمتی و زنا در میان مردم رواج پیدا کند.
- ۲۶- خشنودی و راضی بودن از زندگی و برنامه آن بسیار کم شود.
- ۲۷- افراد ستمیه و نادان زمام امور را به دست گیرند.
- ۲۸- خیانت به انواع و اقسام مختلف در میان همه طبقات زیاد شود.
- ۲۹- امانت را بی‌اهمیت بدانند و به آن بی‌اعتنا باشند و افراد امین کم شوند.
- ۳۰- افراد از اخلاق و کار خویش تعریف کنند.
- ۳۱- نادان‌ها به دلیل نادانی خویش مشهورند.
- ۳۲- مردم خانه‌های خود را بیارایند و دیوارهای آن را زینت دهند.
- ۳۳- قصرها و خانه‌ها بلند ساخته شوند.
- ۳۴- باطل را به لباس حق جلوه دهند.
- ۳۵- زشتی دروغ از بین برود، به حدی که لباس راستی بر آن بپوشانند.
- ۳۶- اگر کسی در کارش صحت عمل داشته باشد او را ضعیف بدانند.
- ۳۷- پستی و لثامت و سرزنش یکدیگر را به حساب عقل بگذارند.
- ۳۸- گمراه بودن و راه کج رفتن را هدایت بشمارند.
- ۳۹- بیان را کوری بدانند.
- ۴۰- خموشی را بی‌خردی بدانند.
- ۴۱- دانشمندان اگر بخواهد از علم خویش به نفع خود و جامعه حرف بزنند او را جاهل و عملش را نادانی بدانند.

- ۴۲- نشانه‌ها بسیار شود و علامت‌ها یکی پس از دیگری ظاهر گردد.
- ۴۳- تحقیق نکرده سخنان دور از حقیقت بگویند.
- ۴۴- آسیای مرگ بر سر جامعه بچرخد.
- ۴۵- مردم از نظربینش و دید قلبی کور شوند و حقایق را نبینند.
- ۴۶- کارهای ناپسند بر اعمال خوب غلبه پیدا کند.
- ۴۷- محبت نسبت به یکدیگر و صله رحم از دل‌های مردم برداشته شود.
- ۴۸- تجارت و بازرگانی زیاد شود و مردم کارهای باطل و ناچیز را نیکو بدانند.
- ۴۹- جان خود را به یکدیگر به خاطر شهوت‌های زیادی که دارند، بذل کنند.
- ۵۰- کارهای بزرگ را آسان شمارند.
- ۵۱- از پوشیدن پوست حیوانات حرام گوشت (یا ذبح شرعی نشده) باکی نداشته باشند.
- ۵۲- جامه‌های نرم و زیبا و نازک بپوشند.
- ۵۳- رغبت به دنیا پیدا کنند و آن را بر آخرت مقدم بدانند.
- ۵۴- رحم از دل‌های همه مردم برود.
- ۵۵- فساد جنبه عمومی پیدا کند.
- ۵۶- قرآن را به بازی بگیرند.
- ۵۷- اموال بیت‌المال را مال شخصی خود بدانند یا حقوق شرعی مال خود را ندهند و بگویند مال خودمان است.
- ۵۸- مسکرات را با تغییر نام، حلال بدانند.
- ۵۹- در وقت دادن زکات مال خود خیانت کنند.
- ۶۰- ربا را به نام خرید و فروش و اجاره دادن محلی از مقروض بگیرند.
- ۶۱- در فسق و فجور مردها با مردها و زن‌ها با زن‌ها برابری کنند.
- ۶۲- به نافرمانی از خداوند (گناه کردن) مباهات کنند.
- ۶۳- دل‌های مردم پر از تکبر و نخوت شود و ظلم و جور در پادشاهان و نادانی در مردم (زیربار ظلم رفتن) ظاهر شود.

- ۶۴- در چنین وضعی دین‌دار باید دین خود را بردارد و از این طرف به آن طرف و از این قله کوه به آن قله و از این دره به دره دیگر برود تا سلامت دین داشته باشد.
- ۶۵- از اسلام باقی نماند جز اسمی و از قرآن باقی نماند جز رسمی.
- ۶۶- قرآن بخوانند در حالی که از گلوگاه و استخوان ترقوه و گردن نگذرد و از وعده‌های خداوندی و وعیده‌های آن عملاً در میان مردم خبری نباشد و از خداوند نترسند و به یاد او نباشند و از ناسخ و منسوخ قرآن بی‌خبر باشند.
- ۶۷- در این حالات مساجدشان آباد باشد اما دل‌هایشان از تقوا و ایمان تهی.
- ۶۸- علما و دانشمندان آن زمان بدترین مردم روی زمین باشند و تمام فسادها و فتنه‌ها از ناحیه آن‌ها برخیزد و بازگشت همه آن‌ها (فتنه‌ها) به سوی خود ایشان است.
- ۶۹- مردم خیر و نیکوکار و مراکز خیر از بین برود اما اهل شر و فساد بمانند.
- ۷۰- مردم به خداوند عالم در کارهایشان بی‌اعتنا باشند و اعمالشان از روی تحقیق نباشد.
- ۷۱- تنها محبوب مردم دینار و درهم باشد.
- ۷۲- هر قدر ثروتشان زیاد شود باز بگویند فقیریم (۱۷۱).
- اگر با دقت بیشتری به این روایت توجه شود، همه مفاد آن اکنون کم و بیش در جامعه‌ی بشری رخ داده است. بی‌شک در عصر حاضر به دلیل فقدان ایمان و تقوا و ظهور و بروز فساد در خشکی و دریا توسط انسان، جوامع انسانی دچار بحران‌های مختلف می‌شود. عده کثیری نیز بی‌توجه به اینکه حتی افتادن برگی از درخت با اجازه خداوند است،^۱ به دنبال توجیه علمی و مادی برای این پدیده‌ها بوده و افراد با ایمان، که منشأ همه این ناگواری‌ها را اعمال و رفتار انسان‌ها می‌دانند به نادانی و توهم متهم می‌کنند. آمارها بیانگر افزایش سالیانه بحران‌ها در قرن اخیر است.

۱. ﴿وَعِنْدَهُ مَفَاتِحُ الْغَيْبِ لَا يُعْلَمُهَا إِلَّا هُوَ وَيُعْلَمُ مَا فِي الْبَرِّ وَالْبَحْرِ وَمَا تَسْقُطُ مِنْ وَرَقَةٍ إِلَّا يَعْلَمُهَا وَلَا حَبَّةٍ فِي ظِلْمَاتِ الْأَرْضِ وَلَا رَطْبٍ وَلَا يَابِسٍ إِلَّا فِي كِتَابٍ مُبِينٍ، و کلیدهای غیب، تنها نزد اوست. جز او [کسی] آن را نمی‌داند، و آنچه در خشکی و دریاست می‌داند، و هیچ برگی فرو نمی‌افتد مگر [اینکه] آن را می‌داند، و هیچ دانه‌ای در تاریکیهای زمین، و هیچ ترو خشکی نیست مگر اینکه در کتابی روشن [ثبت] است﴾ (انعام، ۵۹).

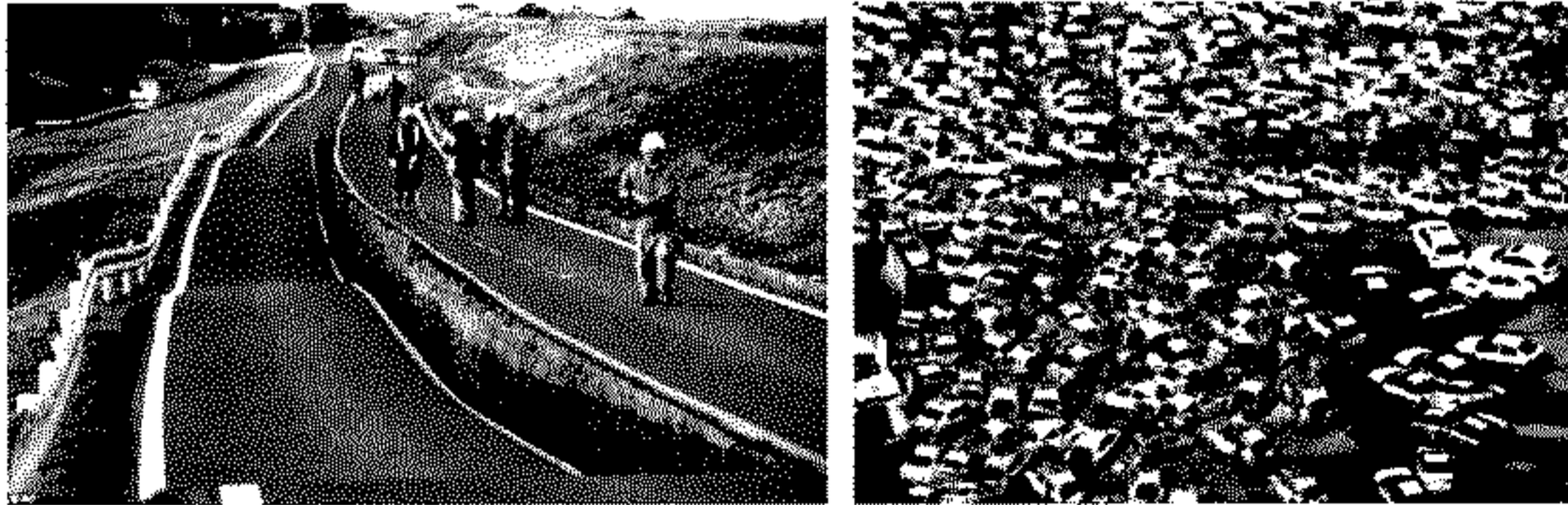


شکل ۳۴- آلودگی هوا، نتیجه عملکرد بشر

نمونه‌هایی از وضعیت بحرانی جهان در مسائل طبیعی

چند مورد از پرخرج‌ترین فجایع طبیعی دنیا در ۳۰ سال اخیر که بیشترین خسارت‌های مالی و جانی را موجب شده‌اند، عبارت‌اند از:

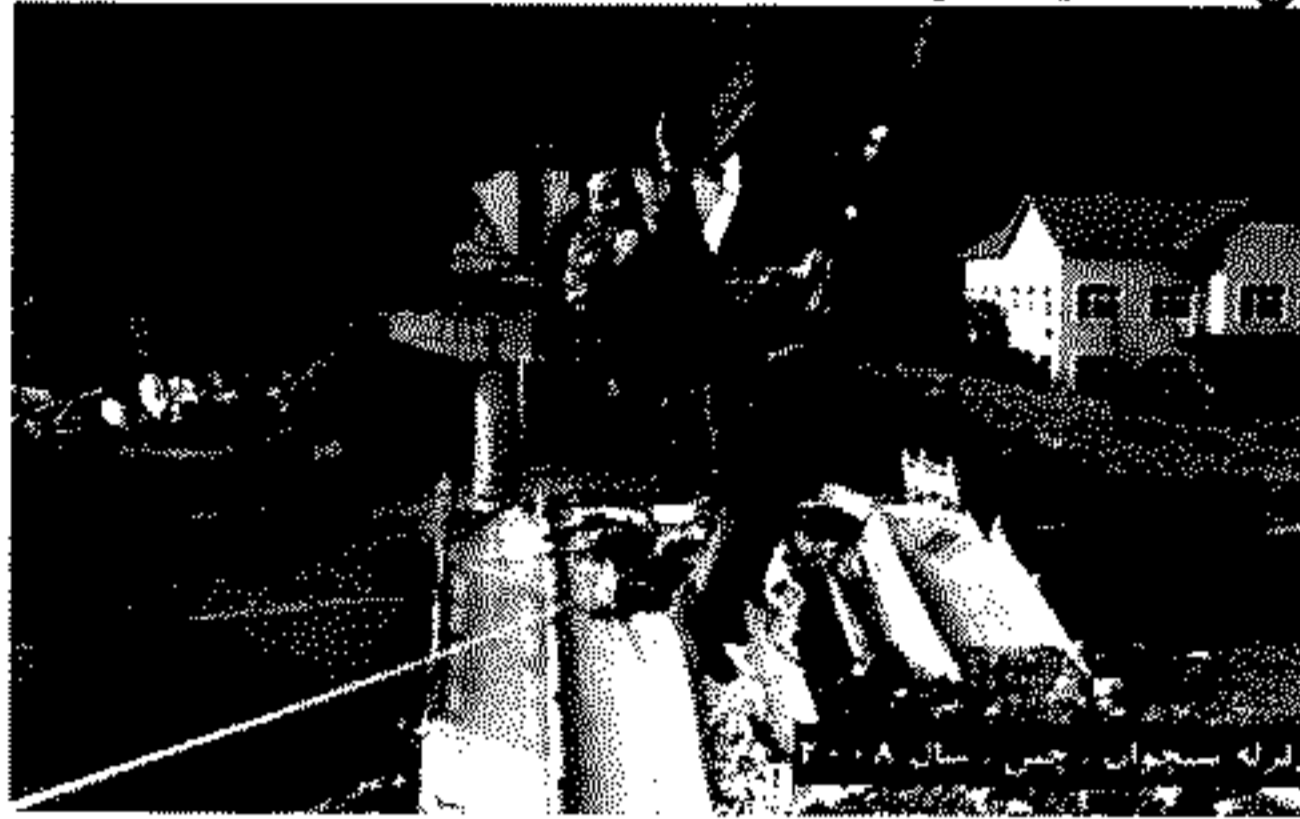
زلزله و سونامی توهوکو، کشور ژاپن، سال ۲۰۱۱. خسارت مالی، ۱۰۰ تا ۳۰۰ میلیارد دلار
میزان خسارات اقتصادی وارد شده به ژاپن پس از زلزله و سونامی یازدهم مارس سال ۲۰۱۱ به
۳۰۹ میلیارد دلار رسیده است. شمار کشته‌شدگان و افراد مفقودالثر، در نتیجه سونامی و زلزله
مخرب در ژاپن از مرز ۲۵ هزار نفر تجاوز کرده است (۱۷۲).



شکل ۳۵- تصویری از خسارات سونامی ژاپن

زلزله سیچوان، کشور چین، سال ۲۰۰۸. خسارت مالی، ۱۴۷ میلیارد دلار
زمین‌لرزه‌ای که در سال ۲۰۰۸ استان سیچوان چین را لرزاند، نه تنها پرخرج‌ترین فاجعه

طبیعی این لیست می باشد، بلکه مرگبارترین آن ها نیز می باشد. در این حادثه ۷۰ هزار نفر کشته شده و ۱۱ میلیون نفر بی خانمان شدند. این زلزله در مناطق دورافتاده و کوهستانی کار امداد رسانی را با مشکل بسیاری روبرو ساخت.



شکل ۳۶- تصویری از خسارات زلزله سیچوان

زلزله هانشین، کشور ژاپن، سال ۱۹۹۵. خسارت مالی، ۱۴۴ میلیارد دلار ویران کننده ترین زلزله ژاپن زلزله ۸/۹ ریشتری بود که در سال ۱۹۹۵ به وقوع پیوست. این زلزله فقط ۲۰ ثانیه به طول انجامید و خسارات وسیعی را به این کشور تحمیل کرد. شهر کوبه که بیشترین لرزه ها را از این زمین لرزه دریافت کرده بود به تنهایی ۴۶۰۰ نفر از ساکنانش را از دست داد. زلزله سال ۱۹۹۵، هانشین در نهایت ۶۴۳۴ نفر قربانی گرفت.

طوفان کاترینا، ایالات متحده آمریکا، سال ۲۰۰۵. خسارت مالی، ۱۳۷ میلیارد دلار. طوفان کاترینا، از نظر اقتصادی پر خسارت ترین طوفان در تاریخ ایالات متحده آمریکا بود. این طوفان به سرعت ۲۸۰ کیلومتر در ساعت رسیده بود و در نهایت به مرگ ۱۸۰۰ نفر انجامید.



شکل ۳۷- تصویری از طوفان کاترینا

زلزله ایرپینیا، کشور ایتالیا، سال ۱۹۸۰. خسارت مالی، ۵۲ میلیارد دلار در زمین لرزه ایرپینیا، بدنام‌ترین فاجعه طبیعی ایتالیا، ۳۰۰۰ نفر کشته شدند. این زلزله گریبان ساختمان‌ها و بناهای شهر را تا شعاع ۲۶ هزار کیلومتر مربعی گرفت و خسارات شدیدی را به آن‌ها وارد ساخت.

زلزله نورث ریج کالیفرنیا، ایالات متحده آمریکا، سال ۱۹۹۴. خسارت مالی، ۴۳ میلیارد دلار

در اثر این زمین لرزه ۹۰۰۰ نفر در آزادراه سانتا مونیکا ایالات کالیفرنیا زخمی و مجروح شدند. شدت خسارات وارده به این بزرگراه، که از آن به عنوان پررفت و آمدترین بزرگراه آمریکا یاد می‌شود، به حدی بود که ۳ ماه طول کشید تا این مسیر دوباره قابل رفت و آمد شود.

طوفان اندره، ایالات متحده آمریکا، سال ۱۹۹۲. خسارت مالی، ۴۱ میلیارد دلار. آندره، قوی‌ترین طوفانی بود که در قرن ۲۰ میلادی بخش‌هایی از آمریکا را فراگرفت. طوفان اندره که در اوت سال ۱۹۹۲ میلادی اتفاق افتاد تا ۲۷۲ کیلومتر در ساعت سرعت گرفته بود و باعث تخریب‌هایی در فلوریدای جنوبی و در خط ساحلی ایالت لوئیزیانا گردید.

سیل رودخانه یانگ تسه، کشور چین، سال ۱۹۹۸. خسارت مالی، ۴۰ میلیارد دلار. بارش‌های پیاپی باران در بهار سال ۱۹۹۸ باعث شد که استان‌های شمالی کشور چین، سه

ماه تمام با سیل جاری و مشکلات آن دست و پنجه نرم کنند. ۴۰۰۰ نفر در اثر این سیل جان خود را از دست دادند، ۱۴ میلیون چینی از خانه‌های خود رانده شدند و نواحی زیادی از کشور به طور کامل تخلیه گردید.

زلزله چئوتسو، کشور ژاپن، سال ۲۰۰۴. خسارت مالی، ۳۲ میلیارد دلار.
زلزله چئوتسو، مناطقی از ژاپن را لرزاند. در ۶۶ ساعت اول بعد از وقوع این حادثه ۱۵ پس لرزه جدی باعث لرزه‌های جدید شد. بیش از ۳۰۰۰ تن زخمی و ۴۰ نفر کشته شدند.
طوفان ایک، ایالات متحده آمریکا، سال ۲۰۰۸. خسارت مالی، ۳۰ میلیارد دلار.
طوفان ایک به اندازه‌ای قوی بود که بعد از پیمودن و تحمیل خساراتی به مناطقی از کارائیب و تگزاس در آمریکا، اثراتی در شهرهای لندن و انتاریو نیز بر جای گذاشت.
زلزله ایزمیت، کشور ترکیه، سال ۱۹۹۹. خسارت مالی، ۲۶ میلیارد دلار.
این زلزله ۷/۶ ریشتری تنها ۳۷ ثانیه طول کشید و منجر به زخمی شدن ۴۴ هزار نفر و کشته شدن ۱۷ هزار تن گردید.

زلزله بندر پورتو پرنس، کشور هائیتی، سال ۲۰۱۰. خسارت مالی، ۱۴ میلیارد دلار.
زمین لرزه هائیتی در سال ۲۰۱۰ با قدرت ۷ ریشتر حادث شد که کانون آن در ۱۵ کیلومتری جنوب پورتو پرنس، پایتخت کشور هائیتی بود و خسارات بسیاری را به این شهر وارد کرد. این زمین لرزه که کشور هائیتی را لرزاند و در جمهوری دومینیکن نیز احساس شد حدود ۳۰۰ هزار نفر را به کام مرگ کشاند. سازمان ملل این زمین لرزه را ویرانگرترین بلای طبیعی زمان معاصر خوانده که بشر با آن روبرو بوده است.

زلزله شهرستان بم، کشور ایران، سال ۲۰۰۳ (۱۳۸۲ شمسی). خسارت مالی، یک میلیارد و ۳۰۰ میلیون دلار.

زمین لرزه ۶/۶ ریشتری شهر تاریخی بم که در شرق استان کرمان رخ داد، در ساعات آغازین بامداد ۵ دی ماه ۱۳۸۲ هنگامی که اکثر ساکنان بم در خواب بودند اتفاق افتاد. طبق آمار رسمی، این زمین لرزه، ۴۲ هزار قربانی، ۵۰ هزار مجروح و بیش از صد هزار نفر بی خانمان بر جای گذاشت. در اثر این حادثه ۹۰ درصد از سازه‌های شهر بم به کلی تخریب شدند. ارگ بم

که با ۲۵۰۰ سال قدمت بزرگ‌ترین سازه گلی جهان بود، به کلی ویران شد (۱۷۳).

کسب روزی در دنیای کنونی

خداوند انسان را به کسب و خوردن روزی حلال و پاک فرمان داده است. کسب روزی حلال و غذای پاک مقارن برکت در زندگی، قبولی طاعات و عبادات و موجب انجام عمل صالح برشمرده شده است. روزی حلال همچنان که تأمین‌کننده نیاز مادی انسان است بر روح و روان، اخلاق و گرایش‌های معنوی او نیز تأثیر دارد. اسلام هرگز اجازه نداده است که انسان در کسب روزی مسیری را پیش گیرد که اخلاق را فاسد گرداند و او را در معرض سقوط قرار دهد و یا موجب فساد در جامعه شود. بدین جهت، نه تنها مشروبات الکلی، مواد مخدر و همه منکرات و فواحش را حرام شمرده، بلکه تولید، خرید و فروش و استعمال آن‌ها را نیز تحریم کرده است. زنا، فحشا و رقاصی را شغل و منبع درآمد انسان نمی‌داند، غنا و آوازه خوانی را راه کسب صحیح نمی‌شناسد. اگر اندکی به دنیای اطراف خود بنگریم می‌بینیم که امروزه بسیاری از کشورها برای تأمین زندگی مردم خود راه‌های غیرانسانی و ظالمانه را انتخاب کرده‌اند، اگرچه کشورها و ملت‌هایی نیز هستند که برای تأمین رزق و روزی خود از راه‌های انسانی استفاده می‌کنند، اما این کشورها نیز روز به روز به فرهنگ عمومی حاکم بر جهان نزدیک می‌شوند. در این فرهنگ برخی کشورها، کمپانی‌ها و ملت‌ها سعی دارند با یک روش غیرانسانی کالای بیشتری به فروش برسانند و در واقع آنچه در ادبیات دینی به آن رزق و روزی گفته می‌شود را به جای روش شرعی، انسانی و حلال از روش غیرشرعی و غیرحلال تأمین کنند. برای بررسی به‌تر وضعیت کنونی، به چند روش غیرانسانی یا اغواء‌کننده برای کسب درآمد بیشتر در جهان امروز اشاره می‌شود:

- پخش ویروس و بیماری سازی برای فروش دارو.

- جنگ برای تسلط بر منابع.

- آزمایش دارو و مواد شیمیایی روی انسان‌های مظلوم و فقیر برای تولید دارو و مواد شیمیایی.

- خرید، فروش و قاچاق اعضای انسان.

- خرید و فروش انسان به خصوص زنان که در جهان به اصطلاح متمدن اروپا در حال

گسترش است.

- گران فروشی تولیدات علمی، عدم انتشار یافته‌ها و در واقع آپارتاید علمی.

- تقلب در تولید و قاچاق کالا.

- ایجاد نیاز کاذب برای فروش کالا.

- در نظر گرفتن نیمه عمر یا عمر مفید در تولید کالا برای فروش روزافزون.

- تبلیغات برای مصرف بیشتر.

- ایجاد جاذبه کاذب برای فروش بیشتر کالا، از جمله جاذبه جنسی.

- ارائه انواع جوایز برای فروش بیشتر.

- ارائه مدل‌های جدیدتر در انواع کالاها و کاهش کارایی مدل‌های قبلی برای اجبار خریداران

به خرید مدل جدید.

در همه این روش‌ها برخی کشورها و کمپانی‌ها و ملت‌ها سعی دارند با یک روش غیرانسانی کالای بیشتری به فروش برسانند و در واقع آنچه در ادبیات دینی به آن رزق و روزی گفته می‌شود را به جای روش شرعی و انسانی و حلال از روش غیرشرعی و غیرحلال تأمین کنند. این در حالی است که خداوند در کتب آسمانی که برای هدایت بشر، توسط پیامبران فرستاده است بر تأمین رزق و روزی حلال تأکید کرده است.

آنچه به وضوح دیده می‌شود این است که در مجامع علمی و مراکز پژوهشی و در افق دید مراکز قدرت و تصمیم‌ساز و گردانندگان تمدن بشری اشاره‌ای به این مطلب دیده نمی‌شود که شاید ناملایماتی که بشر با آن مواجه شده است ناشی از خلاء معنویت و دوری از ایمان به خدا و تقوای الهی و سرکشی در برابر خدا و ولی خدا باشد.

به طور خلاصه می‌توان گفت، اکنون در دنیایی زندگی می‌کنیم که:

- خشک‌سالی بی‌سابقه و روبه‌افزایش، بشر را تهدید می‌کند و پیش‌بینی می‌شود

جنگ‌های آینده بر سر آب باشد.

- انواع حوادث طبیعی مانند سیل، زلزله، سونامی و طوفان افزایش چشم‌گیری یافته است.

- کویرزایی به شدت افزایش یافته و طوفان‌های شن و ریزگردها بسیاری از کشورها را تهدید

می‌کنند. در سال ۱۳۹۳ ریزگردها موجب بحران در استان‌های غربی ایران و کشورهای منطقه شد و مدتی ادارات دولتی را تعطیل کرده و علاوه بر این بحران‌های سیاسی را موجب شد.

- هرروزه بر تعداد بیماری‌های ناشناس و لاعلاج جدید افزوده می‌شود.

- کمردرد، پادرد، بیماری‌های روانی و هورمونی، نازایی، قند و چربی خون و بسیاری بیماری‌های دیگر، لذت زندگی و اوقاتی که باید صرف بندگی خدا شود را از بسیاری افراد، حتی جوانان گرفته است.

- بحران‌های خانوادگی، طلاق و مواد مخدر بسیار زیاد شده و روبه افزایش است.

- منابع طبیعی جهان تهدید شده و روبه اتمام است.

- آلودگی محیط زیست و مواد غذایی به انواع سموم و مواد شیمیایی، بحران‌زا شده است.

- مسمومیت و فقر خاک بیداد می‌کند.

- ظلم، تعدی و برادرکشی، جنگ و بی‌خانمانی ناشی از برنامه‌ریزی کشورهای ظالم و

گروه‌های تروریستی جاهل، دنیا را تهدید می‌کند.

- اقتصاد جهان در شرایط بحرانی به سر می‌برد.

- سبک زندگی بشر، روح، جسم، عزت، سلامت، دین و دنیای او را تهدید می‌کند.

- صله‌رحم در بسیاری از کشورها نابود شده و در کشورهای دیگر در حال نابودی است.

- فرهنگ‌ها و ارزش‌ها رو به نابودی است و فرهنگ برهنگی، زندگی صنعتی و مدگرایی در

حال گسترش است.

در بخش‌های دیگری از جهان اما:

- گروهی در آزمایشگاه‌ها، کارگاه‌ها و کتابخانه‌ها عمر خود را برای تعالی، آسایش، نجات

جان و به طور کلی سعادت بشر صرف می‌کنند.

- گروهی به سوی دین خدا بازگشته و خلأ آموزه‌های الهی را احساس کرده‌اند.

- گرایش به منجی و احساس شرایط اضطرار افزایش یافته است.

- گروهی به مخالفت با ظلم ظالمان برخاسته و در این راه استقامت می‌ورزند.

- گروهی در حال ایجاد زمینه برای تشکیل حکومت الهی به وسیله آخرین ولی خدا هستند.

امام علی علیه السلام فرمود:

آگاه باشید و منتظر پشت کردن کارهایتان و از هم گسیخته شدن اجتماع و اتحادتان و حاکم شدن فرزندانان بر شما باشید و اینها زمانی است که به دست آوردن نان حلال برای مؤمن مشکل تر از تحمل ضربت شمشیر بوده و زمانی است که فقیر و یا هدیه گیرنده مزد و پاداش او بیش از هدیه دهنده و یا صدقه دهنده بوده و زمانی است که بدون خوردن شراب، از زیادی نعمت مست شده و بدون اضطرار، سوگند یاد کرده و دروغ می گویند و زمانی است که بلاها شما را در زحمت و فشار قرار داده و به شما زخم می زند چنان که جهاز شترگردن او را زخمی می نماید و چقدر این بلا و مصیبت طولانی و چقدر این آرزو (ظهور) دور می باشد.^۱

نزول برکات الهی بر بشر و شکوفایی اقتصادی در عصر ظهور

امام علی علیه السلام درباره ی نزول برکات و رحمت الهی در عصر ظهور می فرماید:

یزرع الانسان مدا، يخرج له سبعمأة مد كما قال الله تعالى كمثل حبة انبتت سبع سنابل في كل سنبلة مائة حبة والله يضاعف لمن يشاء؛ (در عصر حضرت مهدی) انسان یک مد می کارد و هفتصد مد برداشت می کند، چنان که مضمون آیه شریفه قرآن است.^۲

رسول خدا صلی الله علیه و آله نیز درباره نزول برکات الهی بر بشر در عصر ظهور می فرمایند:

و يخرج له الارض افلاذ كبدها ويحثل المال حثوا ولا يعده عدا؛ زمین در آن عصر قطعات کبد خود را برای او بیرون می فرستد و او ثروت بدون شماره و محاسبه در میان مردم پخش می کند.^۳

امام صادق علیه السلام می فرماید:

إن قائمنا إذا قام أشرق الأرض بنور ربها، واستغنى العباد عن ضوء الشمس، وذهبت الظلمة، ويعمر الرجل في ملكه حتى يولد له ألف ذكر، لا تولد فيهم انثى وتظهر الأرض

۱. بحار الأنوار، علامه مجلسی، ج ۳۴، ص ۲۱۲.

۲. عقد الدرر، شافعی سلمی، یوسف، ص ۱۵۹.

۳. بحار الأنوار، علامه مجلسی، ج ۵۱، ص ۶۸.

کنوزها حتی تراها الناس علی وجهها، ویطلب الرجل منکم من یصله بماله، ویأخذ من زکاته، لا یوجد أحد یقبل منه ذلک. استغنی الناس بما رزقهم الله من فضله؛ چون قائم ما قیام کند، زمین با نور پروردگارش روشن گردد، و مردم از نور خورشید بی نیاز گردند... و زمین گنج‌های خود را آشکار می‌کند، به طوری که مردم آن‌ها را روی زمین می‌بینند و مردی از شما فرد مستمندی را می‌جوید که به او انفاق کند و زکات مال را از او بپذیرد، ولی کسی را پیدا نمی‌کند که آن مال را از او بگیرد، زیرا مردم به آنچه خدا به آنان از فضل خود ارزانی می‌کند، بی‌نیاز شده‌اند.^۱

در پرتو تحول فرهنگی و اخلاقی بشر و رشد تقوا و نیکی‌ها، نعمت‌های الهی از هر سو بر بندگان سرازیر می‌شوند؛ زیرا این وعده‌ی تخلف‌ناپذیر پروردگار است:

﴿وَ إِذْ تَأَذَّنَ رَبُّكُمْ لَئِن شَكَرْتُمْ لَأَزِيدَنَّكُمْ وَلَئِن كَفَرْتُمْ إِنَّ عَذَابِي لَشَدِيدٌ﴾ و آنگاه که پروردگارتان اعلام کرد که اگر واقعاً سپاسگزاری کنید، [نعمت] شما را افزون خواهم کرد، و اگر ناسپاسی نمایید، قطعاً عذاب من سخت خواهد بود.^۲

در پرتو این عنایت الهی است که یکی از آرزوهای دیرین بشری، که همان برچیده شدن و ریشه کن شدن فقر است، تحقق می‌یابد.

پیامبر گرامی اسلام ﷺ در این باره می‌فرماید:

هنگامی که حضرت مهدی ظهور کند... اموال و زکات‌ها را در کوچه‌ها می‌برند، ولی کسی پیدا نمی‌شود که حاضر به دریافت آن‌ها باشد.^۳

آری در این عصر طلایی، فقر رخت بر بسته و هیچ ویرانه و ویرانه نشینی باقی نمی‌ماند.

امام باقر علیه السلام در این باره می‌فرماید:

قائم ما به وسیله رعب (درد دل دشمنان) یاری می‌شود، و با نصرت الهی تأیید می‌گردد. زمین برای او در هم پیچیده می‌شود و گنج‌های زمین برای او ظاهر

۱. همان، ج ۵۲، ص ۳۳۷.

۲. ابراهیم، ۷.

۳. عقد الدرر، شافعی سلمی، یوسف، ص ۱۶۶. به نقل از چشم اندازی از حکومت مهدی، آیت الله نجم الدین طبسی، ص ۲۲۲.

می شود و دولت او به شرق و غرب جهان می رسد و خداوند به وسیله او دین خود را بر همه ادیان پیروز می گرداند هرچند که مشرکان دوست نداشته باشند و در سرتاسر جهان جای ویرانی باقی نخواهد ماند مگر این که آن را آباد خواهد ساخت.^۱

شکی نیست که علم و دانش و رشد فکری و فرهنگی نقش به سزایی در تکامل انسان دارد و بسیاری از مشکلات سرراه تکامل را رفع می کند، در عصر انقلاب جهانی مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف یکی از امور، پیشرفت عجیب علوم در تمام زمینه ها است. این پیشرفت نه تنها در علوم انسانی، بلکه در علوم صنعتی و اقتصادی و غیره نیز پدید خواهد آمد.

امام صادق علیه السلام فرمود:

إن المؤمنین فی زمان القائم وهو بالشرق لیری أخاه الذی فی المغرب، وكذا الذی فی المغرب یری أخاه الذی فی المشرق؛ شخص مؤمن در زمان قائم در حالی که در شرق زمین است، برادر خود را در غرب زمین می بیند و هم چنین شخصی که در غرب زمین است، برادرش را در شرق زمین خواهد دید.^۲

بیان ظاهر شدن برکات زمین و خارج شدن گنج ها، نشان می دهد که هم مسئله زراعت و کشاورزی به اوج ترقی خود می رسد و هم تمام منابع زیرزمینی، کشف و مورد استفاده قرار می گیرد. درآمد سرانه افراد آن قدر بالا می رود که در هیچ جامعه ای، فقری پیدا نمی شود و همه به سرحد بی نیازی و خودکفایی می رسند.

رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود:

شما را به ظهور حضرت مهدی علیه السلام بشارت می دهم که زمین را پراز عدالت می کند، همان گونه که پراز جور و ستم شده است. ساکنان آسمان ها و زمین از او راضی می شوند و اموال و ثروت ها را به طور صحیح تقسیم می کند. شخصی پرسید تقسیم صحیح ثروت چیست؟ فرمود: به طور مساوی در میان مردم تقسیم شود و دل های پیروان محمد را پراز بی نیازی کند و عدالتش همه را فراگیرد، تا آنجا که

۱. کمال الدین، شیخ صدوق، ج ۱، ص ۳۳۱.

۲. بحار الانوار، علامه مجلسی، ج ۵۲، ص ۳۹۱.

دستور دهد کسی با صدای بلند صدا زند که هر کس نیاز مالی دارد، برخیزد. هیچ کس جز یک نفر بر نمی خیرد، سپس امام دستور می دهد مال قابل ملاحظه ای به او بدهند؛ اما او به زودی پشیمان می شود که چرا آزمند و حریص بوده است و مال را برمی گرداند.^۱

رزق و روزی در عصر ظهور

«انسان اگر بصیرت نداشته باشد در ابتدا خیال می کند که تقوا همچنان که محدودیت است، محرومیت هم هست، هم محدودیت است و هم محرومیت، این طور می گوید: آدم باید زندگی کند، با تقوا که نمی شود زندگی کرد، با تقوا زندگی کردن یعنی انسان خودش را از همه چیز محروم کند. اما قرآن عکس قضیه را ذکر می کند؛ درست است، انسان وقتی که تقوا پیشه کند راه هایی از روزی را که البته راه های نامشروع است «از دست می دهد». آدم متقی هرگز از راه های نامشروع به دنبال روزی نمی رود ولی خدا راه دیگری از روزی به روی او باز می کند که آن راه مزیتی دارد که راه عادی و معمولی ولو حلال هم باشد ندارد و آن این است که رزق «لا یحتسب» به او می رسد، یعنی از راه هایی روزی به او می رسد که خود گمان نمی برد، چون راهی است که عادتاً از آن راه به آن نمی رسد، یعنی حس می کند که از دست خدا دارد می گیرد. گفتیم که روزی همیشه به دست خداست، از راه عادی هم به انسان برسد باز به دست خداست، اما فرق است میان این که انسان طوری زندگی کند که دست خدا را و لطف خدا را در مورد خودش حس و مشاهده کند و این که آن را حس و مشاهده نکند. آدم متقی و پرهیزکار، در روزی گرفتن از خدا دست خدا را مشاهده می کند، می بیند که او چطور آن محرومیت های از راه نامشروع را تحمل کرد و چگونه خداوند در دیگری به روی او گشود و باز کرد» (۱۷۴).

خداوند در آیات زیادی در قرآن بر این نکته تأکید کرده است که اگر انسان ها ایمان به خدا داشته باشند و تقوا در پیش گیرند به زندگی و رزق و روزی آن ها برکت می دهد، همچنین در

۱. بحار الأنوار، علامه مجلسی، ج ۵۱، ص ۹۲.

این آیات رعایت بعضی آموزه‌های الهی موجب برکت در زندگی انسان معرفی شده است که برخی از آن‌ها عبارتند از:

۱- ایمان به خدا و تقوا

﴿وَلَوْ أَنَّ أَهْلَ الْقُرَىٰ آمَنُوا وَاتَّقَوْا لَفَتَحْنَا عَلَيْهِم بَرَكَاتٍ مِّنَ السَّمَاءِ وَالْأَرْضِ وَلَٰكِن كَذَّبُوا فَأَخَذْنَاهُم بِمَا كَانُوا يَكْسِبُونَ﴾؛ و اگر اهل شهرها و آبادی‌ها، ایمان می‌آوردند و تقوا پیشه می‌کردند، برکات آسمان و زمین را بر آن‌ها می‌گشودیم؛ ولی (آن‌ها حق را) تکذیب کردند، ما هم آنان را به کیفر اعمالشان مجازات کردیم.^۱

در تفسیر نمونه ذیل این آیه آمده است.

«(برکات) جمع برکت است. این کلمه در اصل به معنی (ثبات) و استقرار چیزی است و به هر نعمت و موهبتی که پایدار بماند اطلاق می‌گردد، در برابر موجودات بی‌برکت که زود فانی و نابود و بی‌اثر می‌شوند. قابل توجه این که ایمان و تقوا نه تنها سبب نزول برکات الهی می‌شود، بلکه باعث می‌گردد که آنچه در اختیار انسان قرار گرفته در مصارف مورد نیاز به کار گرفته شود، فی‌المثل امروز ملاحظه می‌کنیم قسمت بسیار مهمی از نیروهای انسانی و منابع اقتصادی در مسیر مسابقه تسلیحاتی و ساختن سلاح‌های نابود کننده صرف می‌گردد، این‌ها مواهبی هستند فاقد هرگونه برکت، به زودی از میان می‌روند و نه تنها نتیجه‌ای نخواهند داشت، ویرانی هم به بار می‌آورند، ولی اگر جوامع انسانی ایمان و تقوا داشته باشند، این مواهب الهی به شکل دیگری در میان آن‌ها درمی‌آید و طبعاً آثار آن باقی و برقرار خواهد ماند و مصداق کلمه برکات خواهند بود».^۲

﴿وَمَنْ يَتَّقِ اللَّهَ يَجْعَلْ لَهُ مَخْرَجًا * وَيَرْزُقْهُ مِنْ حَيْثُ لَا يَحْتَسِبُ وَمَنْ يَتَوَكَّلْ عَلَى اللَّهِ فَهُوَ حَسْبُهُ إِنَّ اللَّهَ بَالِغُ أَمْرِهِ قَدْ جَعَلَ اللَّهُ لِكُلِّ شَيْءٍ قَدْرًا﴾؛ و هر کس تقوای الهی پیشه کند، خداوند راه نجاتی برای او فراهم می‌کند و او را از جایی که گمان ندارد روزی می‌دهد و هر کس بر خدا توکل کند، کفایت امرش را می‌کند؛ خداوند فرمان خود را

۱. اعراف، ۹۶.

۲. تفسیر نمونه، آیت الله ناصر مکارم شیرازی، ج ۶، ص ۲۶۷.

به انجام می‌رساند و خدا برای هر چیزی اندازه‌ای قرار داده است.^۱

۲- عمل به آموزه‌های کتاب خدا

﴿وَلَوْ أَنَّهُمْ أَقَامُوا التَّوْرَةَ وَالْإِنْجِيلَ وَمَا أُنزِلَ إِلَيْهِمْ مِنْ رَبِّهِمْ لَأَكْلُوا مِنْ فَوْقِهِمْ وَمِنْ تَحْتِ أَرْجُلِهِمْ مِنْهُمْ أُمَّةٌ مُقْتَصِدَةٌ وَكَثِيرٌ مِنْهُمْ سَاءَ مَا يَعْمَلُونَ﴾ و اگر آنان، تورات و انجیل و آنچه را از سوی پروردگارشان بر آن‌ها نازل شده (قرآن) بر پا دارند، از آسمان و زمین، روزی خواهند خورد؛ جمعی از آن‌ها، معتدل و میانه‌رو هستند، ولی بیشترشان اعمال بدی انجام می‌دهند.^۲

۳- استغفار

﴿فَقُلْتُ اسْتَغْفِرُوا رَبَّكُمْ إِنَّهُ كَانَ غَفَّارًا * يُرْسِلُ السَّمَاءَ عَلَيْكُمْ مِدْرَارًا * وَيُمْدِدْكُمْ بِأَمْوَالٍ وَبَنِينَ وَيَجْعَلْ لَكُمْ جَنَّاتٍ وَيَجْعَلْ لَكُمْ أَنْهَارًا﴾ به آن‌ها گفتم: «از پروردگار خویش آمرزش بطلبید که او بسیار آمرزنده است. تا باران‌های پربرکت آسمان را پی‌درپی بر شما فرستد و شما را با اموال و فرزندان فراوان کمک کند و باغ‌های سرسبز و نهرهای جاری در اختیارتان قرار دهد.^۳

۴- یاد خدا

﴿وَمَنْ أَعْرَضَ عَنْ ذِكْرِي فَإِنَّ لَهُ مَعِيشَةً ضَنْكًا وَنَحْشُرُهُ يَوْمَ الْقِيَامَةِ أَعْمَى﴾ و هر کس از یاد من روی گردان شود، زندگی (سخت و) تنگی خواهد داشت و روز قیامت، او را نابینا محسوس می‌کنیم.^۴

همچنین درباره روزی در قرآن آمده است.

﴿وَكَايْنٍ مِنْ دَابَّةٍ لَا تَحْمِلُ رِزْقَهَا اللَّهُ يَرْزُقُهَا وَإِيَّاكُمْ وَهُوَ السَّمِيعُ الْعَلِيمُ﴾ چه بسا جنبنده‌ای که قدرت حمل روزی خود را ندارد، خداوند او و شما را روزی می‌دهد و او

۱. طلاق، ۲ و ۳.

۲. مائده، ۶۶.

۳. نوح، ۱۰ تا ۱۲.

۴. طه، ۱۲۴.

شناوداناست ﴿۱﴾!

در روایات ائمه معصوم نیز بر تاثیر رعایت برخی آموزه‌های الهی در رزق و روزی تاکید شده است؛ از جمله:

۱- اطاعت از خداوند

امام رضا علیه السلام می‌فرمایند:

خداوند متعال به یکی از پیامبران وحی فرستاد که: «هرگاه من اطاعت شوم، راضی می‌گردم و آنگاه که رضایت داشتم، برکت می‌دهم و برکت من هم بی‌پایان است».^۲

۲- عدالت

در سایه اجرای عدالت، جامعه به کمال معنوی می‌رسد و در این صورت، عنایت الهی شامل حال آنان می‌گردد و پس از آن، بارش برکات را شاهد خواهیم بود، چنان که حضرت علی علیه السلام به این مهم اشاره می‌کند که:

بِالْعَدْلِ تَنْضَاعُ الْبَرَكَاتُ؛ به سبب عدل، برکات چند برابر می‌شود.^۳

۳- عبادت

آیات قرآن نشان می‌دهند که هدف از خلق انسان گذراندن زندگی برای غرق شدن در عالم ماده و تلاش شبانه‌روزی برای گسترش فناوری و تسخیر عالم ماده نیست، بلکه عالم ماده وسیله‌ای برای تقرب به خداست، که در سایه عبادت و اطاعت از خدا و اولیای خدا به سهولت به تسخیر انسان در خواهد آمد. خداوند در قرآن درباره هدف از خلقت انسان و تأمین روزی او می‌فرماید:

﴿وَمَا خَلَقْتُ الْجِنَّ وَالْإِنْسَ إِلَّا لِيَعْبُدُونِ * مَا أُرِيدُ مِنْهُمْ مِنْ رِزْقٍ وَمَا أُرِيدُ أَنْ يُطْعَمُونَ.

من جن و انس را نیافریدم جز برای این که عبادتم کنند (و از این راه تکامل یابند و به من نزدیک شوند). هرگز از آنها روزی نمی‌خواهم، و نمی‌خواهم مرا اطعام

۱. عنکبوت، ۶۰.

۲. اصول کافی، شیخ کلینی، ج ۲، ص ۲۷۵.

۳. غرر الحکم، ج ۱، ص ۲۹۷.

کنند^۱.

این دو آیه نشان می‌دهند که اگر مردم خدا را عبادت کنند خداوند رزقشان را می‌رساند. در آیه بعد می‌فرماید:

﴿إِنَّ اللَّهَ هُوَ الرَّزَّاقُ ذُو الْقُوَّةِ الْمَتِينُ﴾ خداوند روزی دهنده و صاحب قوت و قدرت است^۲.

مجتمع بشر هیچ‌گاه مصداق آیات قرآن نشده است. پیامبران الهی و مؤمنین مصداق این آیات بوده‌اند، اما مجتمع انسان ایمان به خدا نیاورده و تقوا پیش نگرفته است؛ بنابراین در طول عمر بشر، انسان‌ها برای کسب رزق و روزی خود چه مشقاتی که نکشیده‌اند، چه جنگ‌ها که نکرده‌اند، چه شرک‌ها که نورزیده‌اند اما هرگز به سوی ایمان به خدا و تقوای الهی چنگ نزده‌اند. از آنجا که آیات الهی موهومی نیستند، بلکه زمانی خواهد آمد که مصداق اکمل آن در دنیا به حقیقت خواهد پیوست، بنابراین در زمان ظهور امام عصر که ایمان و تقوای الهی به نهایت درجه خود خواهد رسید و عدل و داد که مایه برکت است در دنیا حاکم خواهد شد، مجتمع انسان مصداق این آیات الهی خواهند شد و رزق و روزی الهی با کمترین زحمت، به‌وفور به ایشان خواهد رسید.

از مجموعه آیات و روایاتی که درباره‌ی رزق، روزی و رازق وجود دارد می‌توان استنباط نمود که رزق و روزی انسان با دو عامل مادی و غیرمادی رابطه دارد. عامل مادی همان تلاش است که انسان برای کسب روزی انجام می‌دهد و برخی عوامل غیرمادی عبارت‌اند از:

«تقوا و پرهیزکاری، یاد خداوند و سپاسگزاری از نعمت‌های او، نیکوکاری، خوش اخلاقی و مهربانی، انفاق، بیداری صبحگاهان و وضوی دائم، دوری از گناه، ظلم و نافرمانی خداوند و دعا» (۱۷۵).

در دوران ظهور امام عصر که عصر بندگی خدا، حکومت صالحان و پرشدن دنیا از عدل است خداوند درهای رحمت خود را بر بندگان گشوده و برکت در همه عرصه‌های زندگی

۱. ذاریات، ۵۶ و ۵۷.

۲. ذاریات، ۵۸.

انسان جاری می شود. این به معنی توقف سعی و تلاش نیست، بلکه انسان در پرتو برکت، با کمترین تلاش بیشترین نصیب را از زندگی مادی خود می برد و از مخزن علم الهی نیز، به علت حضور ولی معصوم در جامعه نصیب خواهد برد. علم بشر، متکی بر عقل، که البته همان هم نعمت الهی است، با «عقل انسان متصل به منبع علم الهی»، «عقل انسان متصل به بصیرت» و «عقل انسان متصل به برکت و موهبت» جایگزین خواهد شد. به زبان امروزی عقل انسان به روز خواهد شد.

امام باقر علیه السلام فرمود:

گویی من این دین شما را چنان می بینم که پیوسته درحالی که در خون خویش دست و پا می زند در حرکت است (با پیکر به خون کشیده که به خاطر وارد شدن ضربه ها و جایگزینی بدعت به جای سنت ها، زخمی از میان شما بیرون رفته و از دسترس شما خارج شده است) و هیچ کس آن را به شما باز نمی گرداند مگر مردی از ما اهل بیت، پس در هر سالی دو نوبت به شما بخشش خواهد کرد و در هر ماه دو نوبت روزی به شما خواهد داد، در دوران او شما از حکمت برخوردار می شوید تا آنجا که یک زن در خانه خود برابر کتاب خدای تعالی و روش پیامبر خدا صلی الله علیه و آله به انجام تکالیف شرعی خود پردازد.^۱

امام باقر علیه السلام فرمود:

هنگامی که قائم علیه السلام ظهور کند با پرچم رسول خدا صلی الله علیه و آله و انگشتری سلیمان و سنگ و عصای موسی ظهور خواهد کرد، سپس منادی خود را دستور می دهد و او ندا در می دهد که: توجه کنید هیچ کس از شما هرگز غذا و آشامیدنی و علوفه به همراه بر ندارد. یاران او خواهند گفت، حتماً او می خواهد که ما و چهارپایانمان را از گرسنگی و تشنگی هلاک کند، پس او حرکت می کند و آنان به دنبالش به راه می افتند. در نخستین منزلی که در آن فرود می آیند ضربه ای به سنگ می زند و خوراک و آشامیدنی و علوفه از آن به بیرون جریان می یابد، آنان و چهارپایانمان می خورند و

۱. الغیبه، نعمانی، ص ۲۳۹، باب ۱۳، ح ۳۰.

می آشامند تا این که در نجف، بیرون کوفه فرود می آیند.^۱

امام باقر علیه السلام فرمود:

در هنگامی که قائم از مکه خروج کند منادی او ندا در می دهد که: هیچ کس غذا و آشامیدنی بر ندارد و او با خود سنگ موسی بن عمران را به همراه می برد که آن بار شتری است، پس در هیچ منزلی فرود نمی آید مگر این که چشمه ها از آن جاری می گردد، پس هر که گرسنه باشد سیر می شود و هر که تشنه باشد سیراب می گردد و چهارپایانشان نیز (سیراب می شوند) تا این که به نجف در بیرون کوفه فرود می آیند.^۲

همچنین امام باقر علیه السلام می فرماید: امام عصر رضی الله تعالی عنه در این زمان به مردم می فرماید:

تعالوا إلى ما قطعتم فيه الأرحام، وسفكتم فيه الدماء الحرام، وركبتم فيه ما حرم الله عزوجل، فيعطى شيئاً لم يعطه أحد كان قبله؛ بياييد، این همان چیزی است که شما به خاطر آن از خویشاوندان خویش می بریدید و در راه آن، خون یکدیگر را می ریختید و حرمت احکام را می شکستید و آنچه را خدای تبارک و تعالی حرام کرده بود مرتکب می شدید. سپس آن قدر ثروت به آن ها عطا می کند که در دنیا سابقه نداشته و هیچ کس پیش از او چنین ثروتی نبخشیده باشد.^۳

درباره برکت در روزی و نعمت های الهی در کتب سایر ادیان الهی نیز اشاراتی شده است.

برای مثال در کتاب اشعیای نبی آمده است:

خداوند می فرماید: روزی خواهد آمد که هر کس بخواهد برکتی بطلبد یا سوگندی یاد کند، تنها نام خدای حق بر زبان خواهد راند. سختی های گذشته به کلی فراموش شده، از بین خواهد رفت، زیرا من زمین جدیدی خواهم ساخت. هر چه در گذشته بوده کاملاً فراموش شده، دیگر به یاد آورده نخواهد شد. ای قوم من، از این آفرینش جدید، تا ابد شاد و مسرور باشید، زیرا اورشلیم را نیز از نو می آفرینم تا شهر شادی و سرور شما باشد. من خود نیز برای اورشلیم و ساکنانش شادی خواهم کرد. در آنجا دیگر صدای گریه و زاری شنیده نخواهد شد.

۱. همان، ج ۲۸.

۲. همان، ص ۲۳۸، باب ۱۳، روایت ۲۹.

۳. همان، ص ۲۳۷، باب ۱۳، ج ۲۶.

نوزادان دیگر در سن کم نخواهند مرد و صد سالگان جوان محسوب خواهند شد. تنها کسانی پیش از وقت خواهند مرد که گناه می‌کنند و زیر لعنت هستند. در آن روزها، هر که خانه‌ای بسازد خود در آن ساکن خواهد شد و هر که باغ انگوری غرس کند خود از میوه آن خواهد خورد، زیرا که دیگر خانه‌ها و باغ‌های انگور قوم من به دست دشمن نخواهد افتاد. ایشان مانند درختان، عمر طولانی خواهند کرد و از دسترنج خود بهره‌مند خواهند شد و لذت خواهند برد. دیگر زحمت‌هایشان برباد نخواهد رفت و فرزندان‌شان رنگ مصیبت نخواهند دید، زیرا هم آنان را و هم فرزندان‌شان را برکت خواهم داد و پیش از آن که دعایشان را تمام کنند آن را اجابت خواهم کرد. گرگ با بره با هم خواهند چرید، شیر مانند گاو گاه خواهد خورد و مار دیگر کسی را نیش نخواهد زد. در کوه مقدس من هیچ چیز و هیچ کس صدمه نخواهد دید و نابود نخواهد شد.^۱

در کتاب لاوین آمده است:

اگر تمامی اوامر مرا اطاعت کنید، به موقع برای شما باران خواهم فرستاد و زمین، محصول خود را و درختان، میوه‌ی خود را خواهند داد. خرمن شما به قدری زیاد خواهد بود که کوبیدن آن تا هنگام چیدن انگور ادامه خواهد داشت و انگور شما به قدری فراوان خواهد بود که چیدن آن تا فصل کاشتن بذر طول خواهد کشید. خوراک کافی خواهید داشت و در سرزمین خود در امنیت زندگی خواهید کرد، زیرا من به سرزمین شما صلح و آرامش خواهم بخشید و شما با خاطری آسوده به خواب خواهید رفت. حیوانات خطرناک را از سرزمینتان دور خواهم نمود و شمشیر از زمین شما گذر نخواهد کرد. دشمنانتان را تعقیب خواهید کرد و ایشان را با شمشیرهایتان خواهید کشت. پنج نفر از شما صد نفر را تعقیب خواهند کرد و صد نفرتان ده هزار نفر را، تمام دشمنانتان را شکست خواهید داد. شما را مورد لطف خود قرار خواهم داد و شما را کثیر گردانیده، به عهدی که با شما بسته‌ام وفا خواهم کرد. به قدری محصول اضافی خواهید داشت که در وقت به دست آمدن محصول جدید ندانید با آن چه کنید.^۲

۱. کتاب مقدس، عهد عتیق، کتاب اشعیای نبی، باب ۶۶، بند ۱۶ تا ۲۵.

۲. کتاب مقدس، عهد عتیق، کتاب لاویان، باب ۲۶، بند ۳ تا ۱۰.

در کتاب حزقیال نبی آمده است:

درختان را وادار می کند تا هر ماه میوه آورند و انسان از آن میوه ها می خورد و شفا می یابد و بر لب آن نهر (نهری که اورشلیم جاری است و هر کس به واسطه آن، شفا خواهد یافت) در این طرف و آن طرف هر نوع درخت خوراکی خواهد رویید که برگ آن پژمرده نخواهد شد و میوه اش تمام نخواهد گشت و هر ماه میوه ای تازه خواهد آورد، زیرا که آبش از مقدس جاری می شود و میوه آن برای خوراک و برگ آن به جهت علاج و شفا خواهد بود.^۱

۱. کتاب مقدس، عهد عتیق، کتاب حزقیال نبی، باب ۴۷، بند ۱۲.

فصل دوازدهم: دین قبل و بعد از ظهور

خلاصه فصل

قرآن کریم دین را فقط «اسلام» و همه پیامبران را «مسلمان» می خواند. همه پیامبران، مردم را به دین واحد؛ یعنی، اسلام، تسلیم و عبودیت در برابر خدای یگانه دعوت کرده اند و اصول و ارکان اعتقادی واحدی را تبلیغ کرده اند. در جهان کنونی عده ای، به ویژه صهیونیسم، تلاش های بی وقفه ای در جهت تحریف و تخریب ادیان الهی به ویژه از طریق اشاعه اندیشه آزادی دینی در جهان و نیز ایجاد دشمنی و خونریزی در بین پیروان ادیان الهی و فرقه های گوناگون هر یک از این ادیان برای غلبه بر آنان انجام می دهند. سران صهیونیسم بین المللی با فرقه سازی های حیرت انگیز در اسلام و مسیحیت، در حال حاضر از آسیب هایی که از ناحیه ادیان الهی متوجه آنهاست کاسته اند. دور ساختن بشر از آموزه های پیامبران الهی تا به جایی پیش رفته است که هژمونی فرهنگ غربی حاکم بر جهان به فکراته یک دین نوین جهانی برای بشر افتاده اند که در آن از اصول حاکم بر ادیان الهی خبری نیست. رسانه هایی که در اختیار این متقلبان فرهنگی قرار دارد نیز با ساخت فیلم هایی چون آواتار زمینه پذیرش یک ساختار معرفتی تازه را در اذهان مخاطبان فراهم می سازند. ارجاع به آموزه های کابالستی در فیلم ها و سریال های مختلف آمریکایی، در حال حاضر به اوج خود در طی دو دهه اخیر رسیده است. در عصر ظهور به تبع ظهور امام عصر، دین هم ظهور پیدا می کند. ولی خدا در قلوب انسان هایی که برای پذیرش ولایت قابلیت پیدا کرده اند تصرف و آنها را به منزلت اصلی خود باز می گرداند. وقتی انسان به شان و منزلت الهی خود بازگشت، نیازها و خواسته های او نیز الهی می شود و به حیات طیبه می رسد.

دین در عصر حاضر

ادیان به دو مجموعه تقسیم می‌شوند؛ توحیدی و غیرتوحیدی. ادیان توحیدی شامل یهودیت، مسیحیت، آیین زردشت و اسلام دارای سه اصل توحید، نبوت و معاد می‌باشند، ولی ادیان غیرتوحیدی هیچ‌یک از این سه اصل را قبول ندارند.

در یک نگرش کلی، حقیقت همه ادیان توحیدی که پیامبران الهی مروج و مبلغ آن بوده‌اند، یکی است. در منطق قرآن کریم، «ادیان» وجود ندارد؛ بلکه تمام پیامبران الهی، منادی یک دین بوده‌اند که از آن به «اسلام» (تسلیم در برابر خداوند واحد) تعبیر شده است:

﴿إِنَّ الدِّينَ عِنْدَ اللَّهِ الْإِسْلَامُ؛ در حقیقت، دین نزد خدا همان اسلام است﴾^۱

﴿وَمَنْ يَبْتَغِ غَيْرَ الْإِسْلَامِ دِينًا فَلَنْ يُقْبَلَ مِنْهُ وَهُوَ فِي الْآخِرَةِ مِنَ الْخَاسِرِينَ؛ و هر که جز اسلام، دینی [دیگر] جوید، هرگز از وی پذیرفته نشود و وی در آخرت از زیانکاران است﴾^۲

قرآن کریم دین را فقط «اسلام» و همه پیامبران را «مسلمان» می‌خواند:

﴿مَا كَانَ إِبْرَاهِيمُ يَهُودِيًّا وَلَا نَصْرَانِيًّا وَلَكِنْ كَانَ حَنِيفًا مُسْلِمًا وَمَا كَانَ مِنَ الْمُشْرِكِينَ؛ ابراهیم نه یهودی بود و نه نصرانی، بلکه حق‌گرای فرمانبردار بود، و از مشرکان نبود﴾^۳

بنابراین از دیدگاه قرآن مجید، همه‌ی پیامبران، مردم را به دین واحد؛ یعنی، اسلام، تسلیم و عبودیت در برابر خدای یگانه دعوت کرده‌اند و اصول و ارکان اعتقادی واحدی را تبلیغ کرده‌اند. بر این اساس، همه پیامبران از یک سلسله اصول مشترک و سنت‌های ثابت و واحد پیروی می‌کردند. متأسفانه پیروان آئین توحیدی، پس از رحلت پیامبران و گاهی حتی در زمان حیات پیامبران، انحرافات در ادیان الهی به وجود آوردند. برخی از انحرافات که در سه دین مهم ابراهیمی یعنی یهودیت، مسیحیت و اسلام به وجود آمد عبارت‌اند از:

۱. آل عمران، ۱۹.

۲. آل عمران، ۸۵.

۳. آل عمران، ۶۷.

یهودیت

بهترین منبع در مورد انحراف ادیان پیش از اسلام، قرآن کریم است. دین الهی که پیامبر بزرگ خدا حضرت موسی علیه السلام به بشر ارائه کرد، به جای این که توسط پیروانش به عنوان محور وحدت مؤمنین قرار گیرد، به عنوان محور دشمنی با مؤمنین و خداپرستان درآمد تا آنجا که خداوند در قرآن کریم می فرماید:

﴿لَتَجِدَنَّ أَشَدَّ النَّاسِ عَدَاوَةً لِلَّذِينَ آمَنُوا الْيَهُودَ وَالَّذِينَ أَشْرَكُوا وَلَتَجِدَنَّ أَقْرَبَهُمْ مَوَدَّةً لِلَّذِينَ آمَنُوا الَّذِينَ قَالُوا إِنَّا نَصَارَى ذَلِكَ بِأَنَّ مِنْهُمْ قِسِيَسِينَ وَرُهَبَانًا وَأَنَّهُمْ لَا يَسْتَكْبِرُونَ؛ مسلماً یهودیان و کسانی را که شرک ورزیده‌اند، دشمن‌ترین مردم نسبت به مؤمنان خواهی یافت و قطعاً کسانی را که گفتند: «ما نصرانی هستیم»، نزدیک‌ترین مردم در دوستی با مؤمنان خواهی یافت، زیرا برخی از آنان دانشمندان و رهبانانی‌اند که تکبر نمی‌ورزند﴾^۱.

برخی پیروان این دین ابراهیمی آن قدر به انحراف رفته‌اند که در قرآن کریم بزرگ‌ترین مایه‌ی آزار مؤمنین معرفی شده‌اند:

لَتُبْلَوْنَ فِي أَمْوَالِكُمْ وَأَنْفُسِكُمْ وَلَتَسْمَعَنَّ مِنَ الَّذِينَ أُوتُوا الْكِتَابَ مِنْ قَبْلِكُمْ وَمِنَ الَّذِينَ أَشْرَكُوا أَذًى كَثِيرًا وَإِنْ تَصْبِرُوا وَتَتَّقُوا فَإِنَّ ذَلِكَ مِنْ عَزْمِ الْأُمُورِ؛ قطعاً در مال‌ها و جان‌هایتان آزموده خواهید شد و از کسانی که پیش از شما به آنان کتاب داده شده و [نیز] از کسانی که به شرک گراییده‌اند، [سخنان دل] آزار بسیاری خواهید شنید، و [لی] اگر صبر کنید و پرهیزگاری نمایید، این [ایستادگی] حاکی از عزم استوار [شما] در کارهاست.^۲

آنها انحراف را تا جایی ادامه دادند که خود را فرزندان و دوستان خدا معرفی می‌کنند.

در این باره قرآن کریم می فرماید:

﴿وَقَالَتِ الْيَهُودُ وَالنَّصَارَى نَحْنُ أَبْنَاءُ اللَّهِ وَأَحِبَّاؤُهُ قُلْ فَلِمَ يُعَذِّبُكُمْ بِذُنُوبِكُمْ بَلْ أَنْتُمْ

۱. مائده، ۸۲.

۲. آل عمران، ۱۸۶.

بَشَرٌ مِّمَّنْ خَلَقَ يَغْفِرُ لِمَنْ يَشَاءُ وَيُعَذِّبُ مَنْ يَشَاءُ وَلِلَّهِ مُلْكُ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ وَمَا بَيْنَهُمَا وَإِلَيْهِ الْمَصِيرُ؛ و یهودان و ترسایان گفتند: «ما پسران خدا و دوستان او هستیم.» بگو: «پس چرا شما را به [کیفر] گناهانتان عذاب می‌کند؟ بلکه شما [هم] بشرید از جمله کسانی که آفریده است. هر که را بخواهد می‌آمزد و هر که را بخواهد عذاب می‌کند و فرمانروای آسمان‌ها و زمین و آنچه میان آن دو می‌باشد از آن خداست و بازگشت [همه] به سوی اوست»^۱.

در قرآن کریم اشاره شده است که پیروان این دین درباره خداوند نیز به انحراف رفته و خداوند را دست بسته و بدون قدرت در برخورد با خود معرفی می‌کنند. درباره این عقیده انحرافی آنان آمده است:

﴿وَقَالَتِ الْيَهُودُ يَدُ اللَّهِ مَغْلُولَةٌ غُلَّتْ أَيْدِيهِمْ وَلُعِنُوا بِمَا قَالُوا بَلْ يَدَاهُ مَبْسُوطَتَانِ يُنفِقُ كَيْفَ يَشَاءُ وَلَيَزِيدَنَّ كَثِيرًا مِنْهُمْ مَا أَنْزَلَ إِلَيْكَ مِنَ رَّبِّكَ طُغْيَانًا وَكُفْرًا وَالْقَيْنَا بَيْنَهُمُ الْعَدَاوَةَ وَالْبَغْضَاءَ إِلَى يَوْمِ الْقِيَامَةِ كُلَّمَا أَوْقَدُوا نَارًا لِلْحَرْبِ أَطْفَأَهَا اللَّهُ وَيَسْعَوْنَ فِي الْأَرْضِ فَسَادًا وَاللَّهُ لَا يَحِبُّ الْمُفْسِدِينَ؛ و یهود گفتند: «دست خدا بسته است.» دستهای خودشان بسته باد. و به [سزای] آنچه گفتند، از رحمت خدا دور شوند. بلکه هر دو دست او گشاده است. هرگونه بخواهد می‌بخشد. و قطعاً آنچه از جانب پروردگارت به سوی تو فرود آمده، بر طغیان و کفر بسیاری از ایشان خواهد افزود و تا روز قیامت میانشان دشمنی و کینه افکندیم. هر بار که آتشی برای پیکار برافروختند، خدا آن را خاموش ساخت و در زمین برای فساد می‌کوشند و خدا مفسدان را دوست نمی‌دارد»^۲.

اگرچه در بین پیروان آئین یهود افراد مؤمن که دست کم با سایر مؤمنین به دشمنی نمی‌پردازند و به همان عقایدی که دارند مشغول‌اند وجود دارند، ولی در صحنه کنونی جهان، در بین پیروان این دین، جریانی مانند صهیونیسم خودنمایی می‌کند که بیش از نیم قرن است که در جهان به چپاول مادی، کشتار انسان‌ها، تهدید و ارباب، ایجاد تفرقه و جنگ در بین

۱. مائده، ۱۸.

۲. مائده، ۶۴.

ملت‌ها مشغول‌اند.

دعوت حضرت موسی علیه السلام و حضرت عیسی علیه السلام نیز مانند پیامبر گرامی اسلام عام و جهان شمول بوده است، زیرا در قرآن آمده است:

﴿اذْهَبَا إِلَىٰ فِرْعَوْنَ إِنَّهُ طَغَىٰ، بِهِ سَوَىٰ فِرْعَوْنَ بَرُوید که او به سرکشی برخاسته﴾^۱.

حضرت موسی، قبطیان و فرعون را که ساکن مصر بودند، دعوت به شریعت خود کرد، در حالی که آنان از بنی اسرائیل و اسباط دوازده گانه نبودند. سیره نبوی نیز ما را به همین نکته رهنمون می‌شود، زیرا پیامبر با پیروان یهودیت که در شبه جزیره عربستان ساکن بودند و به لحاظ نژادی هیچ نسبتی با اسباط و بنی اسرائیل نداشتند، معامله اهل کتاب کرد؛ در حالی که اگر یهودیت اختصاص به بنی اسرائیل داشت، مسلمانان و شخص پیامبر اسلام نباید آنان را یهودی می‌دانستند.

بر خلاف حضرت موسی علیه السلام که دین خدا را به صورت عام به همه ی ملت‌ها ارائه نمود، قوم یهود دارای چند ویژگی است که این خصوصیات آن‌ها باعث شده است که در نشر و تبلیغ آئین یهود، بعد از مبعوث شدن حضرت عیسی علیه السلام و حضرت محمد صلی الله علیه و آله کم توجه باشند. بسیاری از یهود تعصب شدیدی نسبت به دینشان دارند و آن را مخصوص به خود می‌دانند. این تعصب شدید تنها برای حفظ منافع مادی و نگهداری موقعیت اجتماعی‌شان است، زیرا آنان به اصول واقعی دین حضرت موسی علیه السلام پایبند نیستند و آن را مطابق هوای نفسانی خود تغییر داده‌اند و تنها در برابر دیگر مردمان تظاهر به دین‌داری می‌کنند. از صفات بارز شخصیتی بسیاری از یهود خود برتر بینی آن‌ها است و در این زمینه آن‌قدر مغرور بودند که در برابر خداوند هم عصیان کردند.

یهود در خود برتر بینی به حدی افراط دارند، که به اعتقاد آن‌ها یهودی در نزد خداوند بیش از ملائکه محبوب و معتبر است و بهشت را مخصوص خود می‌دانند و معتقدند هیچ کس به جز آن‌ها داخل آن نمی‌شود. آن‌ها می‌گویند ارواح یهود از ارواح دیگران افضل است؛ زیرا ارواح یهود جزء خداوند است، همچنان که فرزند، جزء پدرش می‌باشد، بنابراین روح‌های یهود نزد

خدا عزیز است. زیرا ارواح دیگران شیطانی و مانند ارواح حیوانات است. آن‌ها دین خدا را برای خود مصادره کرده و بر اساس رای خود آن را به انحراف کشانده‌اند. یهودی‌ها در طول تاریخ از دعوت دیگران به آئین خود خودداری نمودند، به علاوه یهودی‌ها به قدری سرگرم امور اقتصادی بودند، که اصلاً فرصت چنین کاری را پیدا نمی‌کردند. شاید عدم دعوت دیگران به خاطر این باشد که یهود ادعا دارد که هدایت در انحصار قوم یهود است و پیروان دیگر ادیان گمراه هستند.

﴿وَقَالُوا كُونُوا هُودًا أَوْ نَصَارَى تَهْتَدُوا قُلْ بَلْ مِلَّةَ إِبْرَاهِيمَ حَنِيفًا وَمَا كَانَ مِنَ الْمُشْرِكِينَ﴾ و [اهل کتاب] گفتند: یهودی یا مسیحی باشید، تا هدایت یابید، بگو: نه، بلکه [بر] آیین ابراهیم حق‌گرا [هستم] و وی از مشرکان نبود. ﴿۱﴾

مسیحیت

برخی پیروان آئین مسیحیت نیز آن چنان این آئین ابراهیمی را به انحراف برده‌اند که از دل این آئین پاک، جوامعی سکولار به وجود آمده و جز ظاهری از آئین مسیحیت از آن باقی نمانده است. بسیاری از پیروان این آئین الهی نیز با برنامه‌ریزی یهودیان به صورت پیاده‌نظام پشتیبان صهیونیسم درآمد و تحت عنوان پروتستانیسم در جهان فعالیت می‌کنند.

باورهای انحرافی برخی از مسیحیان مانند عقیده به تثلیث (پدر، پسر، روح القدس) از اساسی‌ترین انحرافات است که در این دین به وجود آمده است. عقیده‌ی تثلیث اساسی‌ترین عقیده‌ی برخی از مسیحیان است. عقیده‌ی تثلیث می‌گوید: «خدا در عین یکی بودن، سه تاست و در عین سه تا بودن، یکی است» (۱۷۶) و (۱۷۷).

تثلیث، تنها مشکل عقلانی عقاید مسیحیت نیست بلکه برخی اصول دیگر مسیحیت نیز به همین اندازه خلاف عقل می‌باشند.

برخلاف روح ادیان و آموزه‌های الهی و تاکید پیامبران، پیروان مسیحیت در عصر حاضر به سه فرقه بزرگ شامل کاتولیک، ارتودوکس و پروتستان تقسیم شده‌اند، که در بطن این‌ها

فرقه‌های کوچکی نیز بوجود آمده‌اند که تعداد آن‌ها به یکصد و پنجاه فرقه و مذهب می‌رسد. کتاب آسمانی انجیل نیز با قرائت‌های متفاوت در جامعه رواج دارد که چهار نمونه از مهم‌ترین آن‌ها اناجیل متی، لوقا، مرقس (اناجیل هم‌نوا) و انجیل یوحنا (انجیل لاهوتی) می‌باشد. یکی از مشکلاتی که کلیسای اولیه با آن روبرو بوده است، اناجیل متعددی بود که هر روز هم بر تعداد آن افزوده می‌شد. با بررسی نسخه‌های کتاب مقدس روشن شده است که میان نسخه‌های عبری، یونانی و سامری، اختلافاتی فاحش وجود دارد. آدام کلارک که خود مفسر تورات بوده است، چنین اعتراف می‌کند: «خوب است نخست تسلیم شویم که کتاب مقدس تحریف شده است و چون در کتاب‌های تاریخی عهد عتیق نسبت به دیگر کتاب‌های آن تحریف فراوان‌تری وجود دارد، توجیه آن کاری گزاف و بیهوده است»؛ بنابراین، می‌بینیم که هم از نظر استناد به نویسندگان و هم از نظر خود نویسندگان، کتاب مقدس فاقد اعتبار است (۱۷۸).

در شرایط حاضر دین خدا توسط پیروان آن پاره‌پاره شده و به انحراف کشیده شده است. برخی دین را مختص خود می‌دانند و برخی دیگر سایرین را کافر و مشرک می‌دانند. دین فقط لقلقه زبان برخی مردم شده و در برخی جوامع، دین فقط در روز مشخصی از هفته وجود دارد. دین وارد صحنه اجتماعی و بین‌المللی بشر نشده و در بعد شخصی هم به طور کامل رعایت نمی‌شود. افراد زیادی دین خدا را مایه ارتزاق خود قرار داده و بسیاری نیز با آن به شدت مخالف‌اند.

اسلام

وقتی مسلمانان، پس از رحلت پیامبرگرمی اسلام، جانشین پیامبر که توسط خداوند تعیین می‌شود را پس زدند و به سمت خلفا رفتند، مذهب و فرقه‌گرایی در اسلام ایجاد شد و اکنون یک میلیارد و دویست میلیون مسلمان به جای تبعیت از ولی خدا، تابع دیگران هستند و وقتی دین خدا از کانون اصلی الهی دریافت نشود کار به گونه‌ای پیش می‌رود که برخی کشورهای اسلامی برخلاف صریح قرآن با یهود هماهنگ شده و علیه مؤمنین به جنگ و فتنه‌انگیزی می‌پردازند. وجود فرق و مذاهب مختلف در بین مسلمانان و گروه‌های نادان و

خشن باعث ایجاد اختلاف، درگیری و جنگ در بین مسلمانان، به نفع دشمنان اسلام و به ویژه صهیونیسم شده است.

حقوق بشر غیردینی

طبق دیدگاه اسلامی، بشر تکویناً و تشریحاً بنده خداوند متعال است و برخلاف متفکران غربی که انسان را در برابر خدا هم آزاد می‌پندارند، بر تسلیم و فرمان برداری انسان‌ها در برابر خدا تأکید می‌ورزد. از فردای پایان جنگ جهانی دوم، تمام مردم جهان و دولت‌ها، که از جنگ و کشتار به ستوه آمده بودند، در صدد تشکیل سازمان ملل برآمدند.

اعلامیه حقوق بشر هیچ اشاره‌ای به تسلیم انسان در برابر خداوند و آموزه‌های الهی ندارد و برخی از مفاد این اعلامیه با فرامین الهی اسلام و سایر ادیان الهی در تعارض است. می‌توان گفت، در تدوین این اعلامیه اصل و اساس دین و خداپرستی در نظر گرفته نشده است. تطبیق نداشتن این اعلامیه با قوانین مترقی الهی را می‌توان از نتایجی که به بار آورده است نیز مشاهده کرد. هم‌اکنون کشورهای به اصطلاح حافظ حقوق بشر با پشتیبانی ساختارهای حقوقی همین پیمان بین‌المللی حمله نظامی به یک کشور مستقل را به تصویب رسانده و به ظلم جنبه قانونی می‌دهند.

اعلامیه جهانی حقوق بشر که یک پیمان بین‌المللی است در مجمع عمومی سازمان ملل متحد در تاریخ ۱۰ دسامبر ۱۹۴۸ در پاریس به تصویب رسید. این اعلامیه نتیجه مستقیم جنگ جهانی دوم بوده و برای اولین بار ظاهراً حقوقی که تمام انسان‌ها مستحق آن هستند را به صورت جهانی بیان می‌دارد. متن کامل این بیانیه بر روی وبگاه سازمان ملل متحد منتشر شده است. اعلامیه مذکور شامل سی ماده است که به تشریح دیدگاه سازمان ملل متحد در مورد حقوق بشر می‌پردازد. مفاد این اعلامیه حقوق بنیادی مدنی، فرهنگی، اقتصادی، سیاسی و اجتماعی‌ای را که تمامی ابنای بشر در هر کشوری باید از آن برخوردار باشند را مشخص کرده است. در سال ۱۹۷۶ هنگامی که لایحه جهانی حقوق بشر توسط تعدادی از دولت‌ها مورد تأیید قرار گرفت، به حقوق بین‌الملل تبدیل شد.

ایمان و دین‌داری غذای روح

دین نه تنها برای انسان یک نیاز عقلی و فکری است بلکه انسان از لحاظ روحی و روانی نیز به دین نیاز دارد، چراکه انسان موجودی است مرکب از جسم و روح و همان طور که جسم انسان برای رشد و ادامه حیات نیاز به غذا دارد، روح او نیز نیازمند غذاست. ولی غذای روح چیست؟ با عنایت به این واقعیت که روح انسان مانند جسم او به غذا نیاز دارد، آراء صاحب نظران در این باره متفاوت است. برخی موسیقی را غذای روح می‌دانند، برخی هم علم و دانش را غذای روح می‌دانند. دیل کارنگی روانشناس معروف آمریکایی می‌گوید: «روانشناسان دریافته‌اند که ایمان قوی و پایبندی به دین ضامن چیره شدن بر نگرانی‌ها و اضطراب و باعث درمان بیماری‌ها می‌شود».

ایمان و دین‌داری غذای روح است و اگر انسان از این دو غذا محروم گردد، با مشکلات جدی روحی و روانی دست و پنجه نرم خواهد کرد و شاید حتی به حد خودکشی هم برسد. می‌دانیم کشور ژاپن در آسیا، سوئد در اروپا و ایالات متحده در قاره آمریکا، از مرفه‌ترین کشورهای دنیا محسوب می‌شوند، ولی آمارها نشان می‌دهند که بالاترین میزان خودکشی در دنیا مربوط به کشورهای ژاپن، آمریکا و کشورهای اسکاندیناوی است. اگر این اتفاقات مثلاً در ایران بیفتد، (که می‌افتد) شاید تحلیل‌گران اجتماعی بگویند که علتش فقر، بیکاری، نداشتن تفریح برای جوانان و یا افسردگی است، ولی کشوری مثل سوئد که از لحاظ زیبایی طبیعی به قطعه‌ای از بهشت می‌ماند و از لحاظ رفاه مادی به «بهشت تأمین اجتماعی» معروف است، چرا باید بالاترین آمار خودکشی را در دنیا یا اروپا داشته باشد؟ ژاپن و آمریکا چگونه؟ چرا بیشتر مواد مخدری که در افغانستان و کلمبیا تولید می‌شود، به کشورهای اروپایی و آمریکا سرازیر می‌گردد؟ چرا اروپا و آمریکا بیشترین آمار مصرف انواع داروهای آرام‌بخش و مواد مخدر را به خود اختصاص داده‌اند؟ چرا آمار افسردگی در این کشورها روز به روز در حال افزایش است؟ و بالاخره این که چرا این کشورها بالاترین آمار خودکشی را دارند؟

جواب همه سؤالات این است که این افراد از لحاظ مادی کاملاً سیر و اشباع شده‌اند، ولی از لحاظ روحی از قحطی زدگان آفریقا هم گرسنه‌ترند. علتش هم این است که آن‌ها برای اشباع

نیازهای روحی خود به دنبال سراب رفته‌اند.

بسیاری از ما تحت تأثیر بمباران تبلیغاتی، فکر می‌کنیم که اگر همه نیازهای مادی مان برآورده شود، در آن صورت به خوشبختی واقعی دست یافته‌ایم، ولی وقتی به این مرحله می‌رسیم، تازه متوجه می‌شویم که نیازهای مادی، تنها جزئی از همه نیازهای ماست و ما در کنار آسایش جسم به آرامش روان هم نیاز داریم. اینجاست که انسان‌ها دودسته می‌شوند:

۱- عده‌ای برای دست یافتن به آرامش روان، همه‌ی لذت‌های مادی را تجربه می‌کنند، ولی وقتی همه این لذت‌ها و کام‌جویی‌ها، آن‌ها را اشباع نکرد، به مواد آرام‌بخشی همچون سیگار، تریاک، هروئین، حشیش، قرص‌های آرام‌بخش، مواد شادی‌آور، مشروبات الکلی و غیره پناه می‌برند و اگر همه این‌ها آن‌ها را اشباع نکرد به سیم آخر می‌زنند و خودکشی می‌کنند، تا به گمان خود از این جهنمی که در آن گرفتار شده‌اند خلاصی یابند.

علت این است که این افراد از آنجا که به دین و خدا اعتقادی ندارند (شاید هم اعتقاد دارند، ولی پایبندی ندارند) و به انسان و جهان با دیدی مادی‌گرایانه نگاه می‌کنند، لذا آرامش روح و خوشبختی روان را تنها در لذت‌های مادی و مواد آرام‌بخش جستجو می‌کنند و نهایتاً هم به مراد خود نمی‌رسند. روح تشنه و گرسنه را نمی‌توان با ماده سیر کرد، چراکه غذای روح از جنس ماده نیست، بلکه از جنس روح است و آن ایمان به خدا و اتصال به او از کانال دینی است که آن را برای همه بشریت فرستاده است.

۲- عده‌ای هم برای دست یافتن به آرامش روح و روان، به خالق روح و روان روی می‌آورند و با او ارتباط برقرار می‌کنند و به جای مدد جستن از مواد مخدر و مشروبات الکلی، به او روی می‌آورند و نهایتاً به مطلوب خود هم می‌رسند.

دین‌سازی

هم‌اکنون گروهی این تفکر را القاء می‌کنند که آنچه تحت عنوان دین آسمانی به بشر ارائه شده ناکارآمد بوده و ولایت الله و دین خدا قابلیت پیاده شدن و اجرایی در زمین را ندارد و برای انسان‌ها قابل تحمل نیست. از همین رو آن‌ها به فکرایجاد یک دین نوین جهانی برای بشر افتاده‌اند که در آن از اصول حاکم بر ادیان الهی خبری نیست. جولیان هاکسلی

(Julian Huxle) زیست‌شناسِ داروین‌گرا بریتانیایی و اولین رئیس سازمان یونسکو (از سال ۱۹۴۶ تا ۱۹۴۸) یکی از این افراد بوده است که با بازتولید اندیشه‌های باروخ اسپینوزا (زاده ۱۶۳۲ - درگذشته ۱۶۷۷) فیلسوف مشهور هلندی "دین جهانی بدون وحی" را به صورت عملیاتی وارد صحنه جهانی نموده و به عنوان مبانی نظری فعالیت‌های یونسکو تحکیم بخشید.

یونسکو در یک گزارش ۴۰ صفحه‌ای که در سال ۱۹۷۶ به مناسبت ۳۰ سالگی یونسکو و با محوریت جولیان هاگسلی به پانزده زبان مختلف منتشر کرد، تفکرات او را به صورت مبسوط شرح داده است. هاگسلی که علاوه بر زیست‌شناسی به مطالعات فلسفی و مذهبی نیز مشغول بوده، هسته اصلی «دین بدون وحی» را بنیاد می‌نهد. در صفحه ۱۲ این گزارش آمده است:

«از خیلی سال‌های پیش، هاگسلی هیچ اعتقادی به هیچ نوعی از منبع ماورا الطبیعی و متافیزیکی نداشته است. او در این فکر بوده که یک سیستم اخلاقی صرفاً علمی که قابلیت اشاعه به عنوان دین متحد جهانی برای نوع بشر باشد، ایجاد کند. با این نگاه «عشق به خدا»، جای خود را به «عشق به طبیعت» و «عشق به انسانیت» خواهد داد. دینی بدون اصول عقاید و حیانی، بدون خدا و بدون [تفکیک] بهشت یا زمین».

وی برای تشریح و تفسیر بیشتر عقاید خود در سال ۱۹۲۷، کتابی با عنوان «مذهب بدون وحی» تألیف می‌کند. مبانی فلسفی‌ای که بعدها به عنوان مبانی نظری اقدامات یونسکو در حوزه آموزش، علم و فرهنگ قرار گرفت. او بعدها در سال ۱۹۴۶ و قبل از تأسیس رسمی یونسکو نیز مقاله‌ای جنجالی با عنوان «تعصبات غیرمذهبی» منتشر کرد. بنابراین چشم‌اندازی که یونسکو در ۷۰ سال گذشته برای جهان متصور است «ناتورالیسم» یا «دین واحد غیروحیانی» برای جهان است (۱۷۹).

همانگونه که دوست داران ولایت الله در تلاش برای برپایی حاکمیت ولایت‌الله در جهان، با محوریت حضرت صاحب الامر عجل الله تعالی فرجه الشریف هستند، جناح مخالفان ولایت‌الله نیز به دنبال برپایی یک نظام جهانی هستند که مولفه‌های مختلف آن تحت عنوان تجارت جهانی، دولت

الکترونیک، دهکده جهانی، زبان مشترک جهانی، سند آموزش جهانی و در نهایت دین مشترک جهانی و البته دست ساخته بشر هستند. این گروه البته در تلاش برای خاموش کردن نور خدا در زمین هستند ولی وعده الهی این است که موفق نخواهند شد.

ظهور دین در عصر ظهور

بعد از ظهور امام عصر به تبع ظهور امام، دین هم ظهور پیدا می‌کند. خداوند در قرآن کریم می‌فرماید:

﴿يُرِيدُونَ أَنْ يُطْفِئُوا نُورَ اللَّهِ بِأَفْوَاهِهِمْ وَيَأْبَى اللَّهُ إِلَّا أَنْ يَتِمَّ نُورُهُ وَلَوْ كَرِهَ الْكَافِرُونَ * هُوَ الَّذِي أَرْسَلَ رَسُولَهُ بِالْهُدَىٰ وَدِينِ الْحَقِّ لِيُظْهِرَهُ عَلَى الدِّينِ كُلِّهِ وَلَوْ كَرِهَ الْمُشْرِكُونَ؛ آن‌ها می‌خواهند نور خدا را با دهان خود خاموش کنند؛ ولی خدا جز این نمی‌خواهد که نور خود را کامل کند، هر چند کافران ناخشنود باشند. او کسی است که رسولش را با هدایت و آیین حق فرستاد، تا آن را بر همه آیین‌ها غالب گرداند، هر چند مشرکان کراهت داشته باشند﴾^۱.

﴿هُوَ الَّذِي أَرْسَلَ رَسُولَهُ بِالْهُدَىٰ وَدِينِ الْحَقِّ لِيُظْهِرَهُ عَلَى الدِّينِ كُلِّهِ وَكَفَىٰ بِاللَّهِ شَهِيدًا؛ او کسی است که رسولش را با هدایت و دین حق فرستاده تا آن را بر همه ادیان پیروز کند و کافی است که خدا گواه این موضوع باشد﴾^۲.

﴿يُرِيدُونَ لِيُطْفِئُوا نُورَ اللَّهِ بِأَفْوَاهِهِمْ وَاللَّهُ مُتِمُّ نُورِهِ وَلَوْ كَرِهَ الْكَافِرُونَ * هُوَ الَّذِي أَرْسَلَ رَسُولَهُ بِالْهُدَىٰ وَدِينِ الْحَقِّ لِيُظْهِرَهُ عَلَى الدِّينِ كُلِّهِ وَلَوْ كَرِهَ الْمُشْرِكُونَ؛ آنان می‌خواهند نور خدا را با دهان خود خاموش سازند؛ ولی خدا نور خود را کامل می‌کند هر چند کافران خوش نداشته باشند. او کسی است که رسول خود را با هدایت و دین حق فرستاد تا او را بر همه ادیان غالب سازد، هر چند مشرکان کراهت داشته باشند﴾^۳.

در این آیات از خواست خداوند برای غلبه دین اسلام بر همه‌ی ادیان اطلاع داده شده است.

۱. توبه، ۳۲ و ۳۳.

۲. فتح، ۲۸.

۳. صف، ۸ و ۹.

در تفسیر نمونه آمده است:

مرحوم طبرسی در تفسیر مجمع البیان از امام باقر علیه السلام درباره آیه ۳۳ سوره توبه چنین نقل می‌کند:

ان ذلک یكون عند خروج المهدي فلا يبقى احدا الا اقر محمد صلی الله علیه و آله؛ وعده‌ای که در این آیه است به هنگام ظهور مهدی از آل محمد صلی الله علیه و آله صورت می‌پذیرد، در آن روز هیچ کس در روی زمین نخواهد بود مگر این که اقرار به حقانیت محمد صلی الله علیه و آله می‌کند.

و نیز در همان تفسیر از پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله چنین نقل شده است که فرمود:

لا يبقى على ظهر الارض بيت مدر ولا وبر الا ادخله الله كلمة الاسلام؛ بر صفحه روی زمین هیچ خانه‌ای باقی نمی‌ماند، نه خانه‌هایی که از سنگ و گل ساخته شده و نه خیمه‌هایی که از کرک و موبافته‌اند، مگر اینکه خداوند نام اسلام را در آن وارد می‌کند.^۱

و نیز در کتاب کمال الدین شیخ صدوق از امام صادق علیه السلام در تفسیر این آیه چنین نقل شده است:

و الله ما نزل تاويلها بعد ولا ينزل تاويلها حتى يخرج القائم فاذا خرج القائم لم يبق كافر بالله العظيم؛ به خدا سوگند هنوز محتوای این آیه تحقق نیافته است و تنها زمانی تحقق می‌پذیرد که (قائم) خروج کند و به هنگامی که او قیام کند کسی که خدا را انکار نماید در تمام جهان باقی نخواهد ماند.^۲

مسئله خاموش کردن نور خدا در دو مورد از قرآن آمده است، یکی آیه ۳۲ سوره توبه و دیگری آیه ۸ از سوره صف و در هر دو مورد به عنوان انتقاد از تلاش‌های دشمنان اسلام ذکر شده ولی در میان این دو آیه مختصر تفاوتی در تعبیر دیده می‌شود، در آیه ۳۲ سوره توبه محل بحث پیریدون ان يطفئوا ذکر شده در حالی که در سوره صف پیریدون ليطفئوا آمده است و مسلماً این تفاوت در تعبیر اشاره به نکته‌ای است.

۱. مجمع البیان فی تفسیر القرآن، شیخ طبرسی، ج ۵، ص ۳۸.

۲. کمال الدین، شیخ صدوق، ج ۱، ص ۶۷۰.

راغب در مفردات در توضیح تفاوت این دو تعبیر می گوید: آیه نخست اشاره به خاموش کردن بدون مقدمه است، ولی در آیه دوم اشاره به خاموش کردن توأم با توسل به مقدمات و اسباب است. یعنی خواه آن‌ها بدون استفاده از مقدمات و خواه با توسل به اسباب مختلف برای خاموش کردن نور حق بپا خیزند، با شکست روبرو خواهند شد. اما این پیروزی، غلبه منطقی یا غلبه قدرت است؟

در اینکه اسلام چگونه بر همه ادیان پیروز می گردد؟ و این پیروزی به چه شکل خواهد بود؟ در میان مفسران گفتگو است. بعضی این پیروزی را تنها پیروزی منطقی و استدلالی دانسته‌اند و می گویند این موضوع حاصل شده است، زیرا اسلام از نظر منطق و استدلال قابل مقایسه با آئین‌های موجود نیست.

بررسی موارد استعمال ماده اظهار (لیظهره علی الدین...) در آیات قرآن نشان می دهد که این ماده بیشتر به معنی غلبه جسمانی و قدرت ظاهری آمده است؛ چنان‌که در داستان اصحاب کهف می خوانیم:

﴿إِنَّهُمْ إِنْ يَظْهَرُوا عَلَيْكُمْ يَرْجُمُوكُمْ أَوْ يُعِيدُوكُمْ فِي مِلَّتِهِمْ وَلَنْ تُفْلِحُوا إِذًا أَبَدًا﴾ چرا که اگر آنان بر شما دست یابند، سنگسارتان می کنند یا شما را به کیش خود بازمی گردانند و در آن صورت هرگز روی رستگاری نخواهید دید.^۱

و نیز درباره مشرکان می خوانیم:

﴿كَيْفَ وَإِنْ يَظْهَرُوا عَلَيْكُمْ لَا يَرْقُبُوا فِيكُمْ إِلَّا وَلَا ذِمَّةً يُرْضُونَكُمْ بِأَفْوَاهِهِمْ وَتَأْبَى قُلُوبُهُمْ وَأَكْثُرُهُمْ فَاسِقُونَ﴾ چگونه [برای آنان عهدی است] با این‌که اگر بر شما دست یابند، درباره شما نه خویشاوندی را مراعات می کنند و نه تعهدی را، شما را با زبانشان راضی می کنند و حال آنکه دل‌هایشان امتناع می ورزد و بیشترشان منحرفند.^۲

بدیهی است غلبه در این گونه موارد غلبه منطقی نیست، بلکه غلبه عملی و عینی است. به هر حال صحیح‌ترین است که پیروزی و غلبه فوق را، غلبه همه جانبه بدانیم زیرا با مفهوم

۱. کهف، ۲۰.

۲. توبه، ۸.

آیه که از هر نظر مطلق است نیز سازگارتر می باشد، یعنی روزی فرا می رسد که اسلام هم از نظر منطق و استدلال و هم از نظر نفوذ ظاهری و حکومت بر تمام ادیان جهان پیروز خواهد شد و همه را تحت الشعاع خویش قرار خواهد داد.^۱

علامه طباطبایی کلمه اظهار را غلبه می داند. یعنی اسلام بر همه سبک ها غلبه می کند (کله یعنی همه ادیان غیر خدایی).^۲

از آیات، روایات و تفاسیر مشخص می شود که روزی فرا می رسد که دین اسلام بر همه سبک ها غلبه می کند، غلبه منطقی و غلبه عینی؛ یعنی آموزه های دین مبین اسلام بر جهان حاکم خواهد شد. سؤال این است که آیا این امر تاکنون اتفاق افتاده است یا خیر؟

پاسخ کاملاً واضح است، تاکنون این اتفاق حتی در یک برهه کوتاه نیز نیفتاده است. حتی در زمان رسول خدا و امیر مؤمنان علی علیه السلام تصور غلبه صحیح نیست، زیرا همه ی آن دوران به جنگ با کفار و مشرکین و منحرفین گذشت و هرگز حتی یک دوره کوتاه وجود ندارد که دشمنان اسلام منکوب شده و اسلام غلبه عینی پیدا کند، اگرچه منطق اسلام همیشه پیروز است.

سؤال دوم این است که این اتفاق کی خواهد افتاد؟ با بررسی روایات و تفاسیر ارائه شده از آیات قرآن، این اظهار و غلبه در دوران ظهور امام عصر اتفاق می افتد و دین اسلام بر همه ادیان غلبه می یابد. در واقع دین خدا ظهور می کند. تاکنون دین خدا فقط ارائه شده و منتشر شده ولی ظهور نکرده است. با شنیدن کلمه غلبه بیشتر افراد به فکر غلبه با زور و شمشیر می افتند اما بهتر است بدانیم که غلبه ی دین اسلام بر سایر ادیان را از سه منظر می توان دید:

۱. غلبه منطق اسلام و پاک سازی آموزه های الهی از تحریف

اصولاً چیزی به نام ادیان الهی وجود ندارد. استاد شهید مرتضی مطهری در این رابطه می فرماید: «علمای دین شناسی و نویسندگان تواریخ مذاهب معمولاً تحت عنوان «ادیان» بحث می کنند، مثلاً می گویند دین ابراهیم، دین یهود، دین مسیح و دین اسلام و هر یک از

۱. تفسیر نمونه، آیت الله مکارم شیرازی، ذیل آیه ۳۲ و ۳۳ سوره توبه.

۲. تفسیر المیزان، علامه طباطبایی، ذیل آیه ۸ و ۹ سوره صف.

پیامبران صاحب شریعت را آورنده یک دین می دانند. اصطلاح شایع میان مردم نیز همین است ولی قرآن اصطلاح و طرز بیان ویژه‌ای دارد که از بینش خاص قرآنی سرچشمه می گیرد. از نظر قرآن دین خدا از آدم تا خاتم یکی است، همه پیامبران اعم از پیامبران صاحب شریعت و پیامبران غیر صاحب شریعت به یک مکتب دعوت می کرده‌اند. اصول مکتب انبیاء که دین نامیده می شود یکی بوده است. تفاوت شرایع آسمانی یکی در یک سلسله مسائل فرعی و شاخه‌ای بوده که برحسب مقتضیات زمان و خصوصیات محیط و ویژگی‌های مردمی که دعوت می شده‌اند متفاوت می شده است و همه شکل‌های متفاوت و اندام‌های مختلف یک حقیقت و به سوی یک هدف و مقصود بوده است و دیگر در سطح تعلیمات بوده که پیامبران بعدی به موازات تکامل بشر، در سطح بالاتری تعلیمات خویش را که همه در یک زمینه بوده القاء کرده‌اند. مثلاً میان تعلیمات و معارف اسلام در مورد مبدأ، معاد و جهان و معارف پیامبران پیشین از نظر سطح مسائل، تفاوت از زمین تا آسمان است و به تعبیر دیگر، بشر در تعلیمات انبیاء مانند یک دانش آموز بوده که او را از کلاس اول تا آخرین کلاس بالا برده‌اند. این تکامل دین است نه اختلاف ادیان. قرآن هرگز کلمه «دین» را به صورت جمع (ادیان) نیاورده است. از نظر قرآن آنچه وجود داشته است دین بوده نه ادیان. یک تفاوت پیامبران با نوابغ و فلاسفه بزرگ این است که فلاسفه هرکدام مکتب مخصوص به خود داشته‌اند، از این رو همیشه در جهان «فلسفه‌ها» وجود داشته نه «فلسفه»، ولی پیامبران الهی همیشه مؤید و مصدق یکدیگر بوده‌اند و یکدیگر را نفی نکرده‌اند، هرکدام از پیامبران اگر در محیط و زمان پیامبر دیگری بود مانند او قانون و دستورالعمل می آورد. قرآن تصریح می کند که پیامبران یک رشته واحدی را تشکیل می دهند و پیامبران پیشین مبشر پیامبران پسین بوده‌اند و پسینیان مؤید و مصدق پیشینیان بوده‌اند و هم تصریح می کند که از همه پیامبران براین مطلب که مبشر و مؤید یکدیگر باشند پیمان اکید و شدید گرفته شده است. قرآن می گوید:

﴿وَ إِذْ أَخَذَ اللَّهُ مِيثَاقَ النَّبِيِّينَ لَمَا آتَيْتُكُمْ مِنْ كِتَابٍ وَ حِكْمَةٍ ثُمَّ جَاءَكُمْ رَسُولٌ مُصَدِّقٌ لِمَا مَعَكُمْ لَتُؤْمِنُنَّ بِهِ وَ لَتَنْصُرُنَّهُ قَالَ أَأَقْرَضْتُمْ وَ أَخَذْتُمْ عَلَىٰ ذَٰلِكُمْ إِصْرِي قَالُوا أَقْرَضْنَا قَالَ فَاشْهَدُوا وَ أَنَا مَعَكُمْ مِنَ الشَّاهِدِينَ وَ [یاد کن] هنگامی را که خداوند از پیامبران

پیمان گرفت که هر گاه به شما کتاب و حکمتی دادم، سپس شما را فرستاده‌ای آمد که آنچه را با شماست تصدیق کرد، البته به او ایمان بیاورید و حتماً یاریش کنید. آنگاه فرمود: «آیا اقرار کردید و در این باره پیمانم را پذیرفتید؟» گفتند: «آری، اقرار کردیم». فرمود: «پس گواه باشید و من با شما از گواهانم»^۱.

قرآن کریم که دین خدا را از آدم تا خاتم یک جریان پیوسته معرفی می‌کند، یک نام روی آن می‌گذارد و آن «اسلام» است. البته مقصود این نیست که در همه دوره‌ها دین خدا با این نام خوانده می‌شده است و با این نام در میان مردم معروف بوده است، بلکه مقصود این است که حقیقت دین دارای ماهیتی است که بهترین معرف آن لفظ اسلام است» (۱۸۰).

با توجه به نظر شهید مطهری می‌توان دریافت که صاحبان سایر ادیان الهی به برکت وجود نازنین امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف به حقیقت دین خدا می‌رسند و آموزه‌های مسیحیت، یهود و سایر کتب آسمانی از تحریف پاک می‌شوند و با پاک شدن آموزه‌های اهل کتاب از تحریفات، هیچ نکته مخالفی بین آنها و شرع مقدس اسلام نخواهد بود و لذا با حفظ دین حقیقی مسیح و یهود، اسلام را نیز خواهند پذیرفت. بنابراین یهود و نصارا در دوران حکومت حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف باقی خواهند ماند و از عقاید شرک‌آلود خود مانند تثلیث دست برمی‌دارند و تحت حمایت حکومت اسلامی مهدوی به زندگی خود ادامه می‌دهند و دین اسلام دین جهانی شده و غالب می‌گردد.

۲. غلبه حکومتی

علاوه بر اینکه اسلام غلبه منطقی بر سایر سبک‌ها پیدا می‌کند و اندیشه‌های پیروان اهل کتاب را از آلودگی می‌زداید، از بعد حکومتی نیز غلبه می‌یابد، یعنی حاکم عالم، امام عصر خواهد بود و تنها اوست که در جهان حکومت می‌کند و تنها اوست که قواعد حکومتی را تدوین خواهد کرد. ولی خدا چهارچوب حکومت را طرح‌ریزی خواهد کرد و فرامین اسلام به وسیله او در دنیا بر تمام قوانین اداری، قضایی، مسائل خانوادگی، روابط بین‌الملل، حقوق بشر، تجارت، مهاجرت و در همه عرصه‌ها جاری خواهد شد.

۳. غلبه قلبی

علاوه بر غلبه منطقی و حکومتی، آموزه‌های اسلام علو پیدا کرده و قلوب ملت‌ها را به نور خدا روشن خواهد کرد. دین در درون مؤمنین ظهور می‌یابد. اخلاق به عالی‌ترین مرتبه خود می‌رسد. ایمان در قلوب مؤمنین تجلی پیدا می‌کند. عدالت همه ابعاد زندگی بشر را دربر می‌گیرد. آرامش درونی و برونی به اوج خود می‌رسد. ظهور دین یعنی تمام آموزه‌های الهی در درون مؤمنین و در عالم برون ظهور می‌یابد و عینیت پیدا می‌کند.

چگونه دین ظهور می‌یابد

از آیات و روایات چنین برمی‌آید که خداوند با اتمام نور، دین خود را غلبه خواهد داد. خداوند در قرآن کریم می‌فرماید:

﴿اللَّهُ نُورُ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ مِثْلُ نُورِ نُورِهِ كَمِشْكَاةٍ فِيهَا مِصْبَاحٌ الْمِصْبَاحُ فِي زُجَاجَةٍ الزُّجَاجَةُ كَأَنَّهَا كَوْكَبٌ دُرِّيٌّ يُوقَدُ مِنْ شَجَرَةٍ مُبَارَكَةٍ زَيْتُونَةٍ لَا شَرْقِيَّةٍ وَلَا غَرْبِيَّةٍ يَكَادُ زَيْتُهَا يَضِيءُ وَلَوْ لَمْ تَمْسَسْهُ نَارٌ نُورٌ عَلَى نُورٍ يَهْدِي اللَّهُ لِنُورِهِ مَنْ يَشَاءُ وَيَضْرِبُ اللَّهُ الْأَمْثَالَ لِلنَّاسِ وَاللَّهُ بِكُلِّ شَيْءٍ عَلِيمٌ﴾ خداوند نور آسمان‌ها و زمین است؛ مثل نور خداوند همانند چراغدانی است که در آن چراغی (پرفروغ) باشد، آن چراغ در حبابی قرار گیرد، حبابی شفاف و درخشنده همچون یک ستاره فروزان، این چراغ با روغنی افروخته می‌شود که از درخت پربرکت زیتونی گرفته شده که نه شرقی است و نه غربی، (روغنش آن‌چنان صاف و خالص است که) نزدیک است بدون تماس با آتش شعله‌ور شود؛ نوری است بر فراز نوری و خدا هر کس را بخواهد به نور خود هدایت می‌کند، و خداوند به هر چیزی داناست.﴿^۱

نورالله چیست که قرار است اتمام شود؟ اتمام نور به چیست؟ روایات می‌گویند اتمام نور یعنی آمدن امام زمان.

چنان‌که امام باقر علیه السلام فرمود:

به راستی آگاهی به کتاب خدای عزیز و جلیل و سنت پیامبرش صلی الله علیه و آله، در قلب

مهدی ما می‌روید، مانند روییدن زراعت بر نیکوترین حالت؛ پس کسی که از شما باقی بماند تا او را ببیند، باید در آن هنگام بگوید: سلام بر شما ای اهل بیت رحمت و معدن دانش و محل رسالت، سلام بر تو ای باقی مانده خدا در زمین او.^۱

عبد الله بن عباس از رسول خدا ﷺ روایت کند که فرمود:

خدای تعالی بر زمین نگاهی افکند و مرا از آن میان برگزید و پیامبر گردانید، سپس دوم بار نظری افکند و علی را برگزید و او را امام گردانید، سپس به من فرمان داد که او را برادر و ولی و وصی و خلیفه خود سازم، پس علی از من است و من از علی و او شوهر دخترم فاطمه و پدر دو سبطم حسن و حسین است. بدانید که خدای تعالی مرا و ایشان را حجت‌های بر بندگانش قرار داده است و از فرزندان حسین امامانی را قرار داده است که به امر من قیام کنند و وصیت مرا نگهدارند و نهمین آن‌ها قائم اهل بیتم و مهدی امتم است که در شمایل و اقوال و افعال شبیه‌ترین مردم به من است، او پس از غیبتی طولانی و حیرتی گمراه‌کننده ظهور کند و دین خدای تعالی را چیره گرداند و به یاری خدا و نصرت ملائکه خدا مؤید باشد، زمین را از عدل و داد آکنده سازد همان‌گونه که پراز ظلم و جور شده باشد.^۲

پیامبر گرامی اسلام ﷺ بر روی منبر فرمود:

بدانید که خداوند نظری به اهل زمین نمود و از بین آنان من را انتخاب کرد. سپس نظر دیگری کرد و علی را انتخاب نمود به عنوان برادر، وزیر، وارث، جانشین و خلیفه‌ام در بین امتم و ولی همه‌ی مومنین بعد از من. هر کس ولیش علی است، ولیش خداست و هر کس او را دشمن بدارد خدا را دشمن داشته است. هر کس او را دوست بدارد خدا را دوست دارد و هر کس به او بغض بورزد به خدا بغض ورزیده است. او را جز مؤمن دوست نمی‌دارد و جز کافر مبغوض نمی‌دارد. او نور زمین بعد از من است. او قوام زمین بعد از من و باعث آرامش آن است. او کلمه‌ی تقوای خداوند و ریسمان محکم اوست. سپس حضرت این آیه را تلاوت نمود:

۱. بحار الانوار، علامه مجلسی، ج ۵۲، ص ۳۱۷-۳۱۸، ح ۱۶.

۲. کمال الدین، شیخ صدوق، ص ۲۵۷.

«می خواهند نور خدا را با دهانشان خاموش کنند ولی خداوند نور خود را به کمال می رساند اگر چه کافران را خوش نیاید». ای مردم شاهدان به غایبان بگویند. من خدا را بر این مردم شاهد می گیرم؛ بدانید که خداوند نظر دومی نمود و بعد از ما دوازده وصی از اهل بیتم انتخاب نمود و آنان را برگزیدگان امتم قرار داد. آنان یکی پس از دیگری مثل ستارگان در آسمان هستند که هر ستاره ای غائب شود ستاره ی دیگری طلوع می کند. آنان امامان هدایت کننده، هدایت شده اند که حیلۀ ی کسانی که بر آنان حیلۀ کنند و خواری کسانی که ایشان را خوار کنند به آنان ضرر نمی زند. آنان حجت های خداوند در زمین و شاهدان او بر خلقش و خزانه داران علمش و بیان کنندگان وحیش و معدن های حکمتش هستند. هر کس از آنان اطاعت کند خدا را اطاعت کرده است و هر کس از آنان سرپیچی کند معصیت خدا کرده است. آنان با قرآن و قرآن با آنان است. از قرآن جدا نمی شوند تا در حوض کوثر بر من وارد شوند.^۱

پیامبر گرامی اسلام ﷺ در خطبه غدیر می فرمایند:

ای مردم به خدا و رسول و نور همراهش ایمان آورید^۲ پیش از آن که چهره ها را تباه و بازگونه کنیم یا چونان اصحاب روز شنبه (یهودیانی که بر خدا نیرنگ آوردند) رانده شوید. به خدا سوگند که مقصود خداوند از این آیه گروهی از صحابه اند که آنان را با نام و نسب می شناسم لیکن به پرده پوشی کارشان مأمورم. آنک هر کس پایه کار خویش را مهر و یا خشم علی در دل قرار دهد (و بداند که ارزش عمل او وابسته به آن است).

مردمان! نور از سوی خداوند عزوجل در جان من، سپس در جان علی بن ابی طالب، آن گاه در نسل او تا قائم مهدی، که حق خدا و ما را می ستاند، جای گرفته؛ چرا که خداوند عزوجل ما را بر کوتاهی کنندگان، ستیزه گران، ناسازگاران، خائنان و

۱. بحار الانوار، علامه مجلسی، ج ۲۳، ص ۳۲۰.

۲. اشاره به آیه ﴿فَأْمِنُوا بِاللَّهِ وَرَسُولِهِ وَالنُّورِ الَّذِي أَنْزَلْنَا وَاللَّهُ بِمَا تَعْمَلُونَ خَبِيرٌ﴾ پس به خدا و پیامبر او و آن نوری که ما فرو فرستادیم ایمان آورید، و خدا به آنچه می کنید آگاه است ﴿﴾؛ (تغابن، ۸).

گنه‌کاران و ستم‌کاران و غاصبان از تمامی جهانیان دلیل و راهنما و حجت آورده است.

روایات نشان می‌دهند که نور نازل شده با پیامبر گرامی اسلام که در آیه ۸ سوره تغابن به آن اشاره شده است امامان معصوم علیهم‌السلام است و با قیام حضرت ولی عصر این نور کامل می‌شود. در همین عصر خداوند با اتمام نور، دین خود را بر همه ادیان غلبه می‌دهد.

از امام کاظم علیه‌السلام درباره قول خداوند در قرآن که می‌فرماید: «یریدون لیطفئوا نور الله بأفواههم» سوال شد؛ ایشان فرمودند:

یعنی می‌خواهند ولایت امیرالمؤمنین علیه‌السلام را با پف دهانشان خاموش کنند. گفتم سپس خدای تعالی فرماید: «و خدا کامل کننده نور خویش است». فرمود: یعنی و خدا کامل کننده امامت است و امامت همان نور است و همان است که خدای عزوجل فرماید: «به خدا و رسولش و نوری که فرو فرستاده‌ایم ایمان آورید» مقصود از نور همان امام است.

عرض کردم: «اوست خدایی که رسول خود را به هدایت و دین حق فرستاده است»؛ (صف، ۹) فرمود: یعنی اوست که رسولش را به ولایت وصیش امر کرد و ولایت دین حق است. عرض کردم: «تا آن را بر هر دینی غالب کند» فرمود: یعنی آن را در زمان قیام قائم بر همه دین‌ها غلبه دهد، خدا می‌فرماید: «و خدا تمام کننده نور خود است» یعنی ولایت قائم «اگرچه کافران (به ولایت علی علیه‌السلام) نخواهند» عرض کردم: این تنزیل است؟ فرمود: آری، این حرف تنزیل است و اما غیر آن تاویل است.^۱

دین در عصر ظهور

آن‌گونه که از آیات و روایات برداشت می‌شود با ظهور امام عصر، دین اسلام بر همه ادیان غلبه می‌کند. در یک بررسی جامع و کامل در روایات و سخنان ائمه معصومین علیهم‌السلام به جرات می‌توان گفت که یکی از ویژگی‌های انکارناپذیر حکومت امام مهدی علیه‌السلام جهان شمولی آن است.

۱. اصول کافی، شیخ کلینی، ج ۱، ص ۴۳۲.

حکومت آن حضرت، شرق و غرب عالم را فرامی گیرد و آبادی در زمین نیست، مگر اینکه گلبانگ توحید از آن شنیده می شود و نسیم جان نواز عدل و داد، سراسر گیتی را سرشار می کند (۱۸۱).

«قرآن شریف می فرماید: «هُوَ الَّذِي أَرْسَلَ رَسُولَهُ بِالْهُدَىٰ وَدِينِ الْحَقِّ لِيُظْهِرَهُ عَلَى الدِّينِ كُلِّهِ وَلَوْ كَرِهَ الْمُشْرِكُونَ»؛ اوست کسی که پیامبرش را همراه با هدایت و دین حق فرستاد، تا بر تمامی ادیان چیره گرداند، هر چند برای مشرکان ناخوشایند باشد»؛ (توبه، ۳۳ و صف، ۹)، ولی تاکنون دین او بر همه ی ادیان الهی غلبه نکرده است، چه در زمان رسول اکرم ﷺ و یا اوصیای او ﷺ و منظور از غلبه ی اسلام بر ادیان، غلبه ی برهانی نیست، زیرا در زمان حضرت رسول اکرم ﷺ هم، چنین غلبه ای وجود داشت. بنابراین، مراد غلبه ی تکوینی است، نه غلبه ی تشریحی. پس باید زمانی باشد که دین اسلام بر ادیان غلبه ی تکوینی کند و آن بعد از ظهور حضرت حجت ﷺ است. هم چنین از این آیه ی شریفه استفاده می شود که مخالفین حضرت ﷺ مشرک اند، زیرا می فرماید: «وَلَوْ كَرِهَ الْمُشْرِكُونَ»؛ (۱۸۲).

حضرت علی ﷺ فرمود:

لتعطفن الدنيا علينا بعد شماسها عطف الضروس على ولدها وتلى عقيب ذالك ونريد ان نمن على الذين استضعفوا في الارض؛

دنیا پس از چموشی، همچون شتری که از دادن شیر به دوشنده اش خودداری می کند و برای بچه اش ننگه می دارد، به ما روی می آورد.^۱

ابی بصیر از امام صادق ﷺ روایت کرده است که ایشان فرمودند:

آیا شما را خبر ندهم به آنچه که خدای صاحب عزت و جلال، هیچ عملی را که جز به آن عمل، از بندگان نمی پذیرد؟ گفتم: بله. فرمود: گواهی دادن به این که هیچ شایسته پرستشی. جز خداوند نیست و این که محمد ﷺ بنده و فرستاده اوست و اقرار کردن به آنچه خداوند به آن امر فرموده و ولایت ما و بیزاری از دشمنان، یعنی خصوص امامان و تسلیم شدن به آنان و پرهیزکاری و تلاش و مجاهدت و اطمینان و انتظار قائم ﷺ.

سپس (امام) فرمود: برای ما دولتی است که هر زمان خداوند بخواهد، آن را محقق می‌سازد. آنگاه (امام) فرمود: هر کس دوست می‌دارد از یاران حضرت قائم عجل الله تعالی فرجه الشریف باشد باید که منتظر باشد و در این حال به پرهیزکاری و اخلاق نیکو رفتار نماید، در حالی که منتظر است، پس چنان چه بمیرد و پس از مردنش قائم عجل الله تعالی فرجه الشریف، به پا خیزد، پاداش او همچون پاداش کسی خواهد بود که آن حضرت را درک کرده است، پس کوشش کنید و منتظر بمانید، گوارا باد بر شما ای گروه مشمول رحمت خداوند.^۱

امام حسین علیه السلام در این باره فرمود:

منا اثنا عشر مهديا اولهم امير المؤمنين علي بن ابي طالب عليه السلام و آخرهم التاسع من ولدي و هو القائم بالحق يحيي الله تعالى به الارض بعد موتها و يظهر به دين الحق على الدين كله و لو كره المشركون؛^۲

دوازده هدایت شده از ماست؛ اولین آن‌ها علی بن ابیطالب علیه السلام و آخر ایشان نهمین فرزند از فرزندان من است و او قائم به حق است که خداوند به وسیله او زمین را بعد از مردنش حیات می‌بخشد و دین حق را بر تمامی ادیان غلبه می‌دهد؛ اگرچه مشرکان را خوش نیاید.

امام رضا علیه السلام از پدرانش از پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله نقل کرده است که خداوند در شب معراج فرمود:

... و لاطهرن الارض باخرهم من اعدائى و لاملکنه مشارق الارض و مغاربها؛

و به درستی زمین را به وسیله آخرین آن‌ها، (ائمه معصومین علیهم السلام) از دشمنانم پاک خواهم ساخت و گستره زمین را در فرمانروایی او قرار خواهم داد.^۳

امام مهدی علیه السلام با ایجاد مرکز واحد و مدیریت و حاکمیت یگانه الهی برای همه نژادها و کشورها، سبب اصلی جنگ و ظلم را از بین می‌برد. در روایتی از رسول گرامی اسلام صلی الله علیه و آله می‌خوانیم:

الائمة من بعدى اثنا عشر اولهم انت يا على و آخرهم القائم الذى يفتح الله تعالى

ذکره على يدیه مشارق الارض و مغاربها؛

۱. بحار الانوار، علامه مجلسی، جلد ۵۲، ص ۱۴۰، ح ۵۰.

۲. عیون اخبار الرضا، شیخ صدوق، ج ۲، ص ۶۹، ح ۳۶.

۳. همان، ص ۲۶۲، ح ۲۲؛ اصول کافی، شیخ کلینی، ج ۱، ص ۴۳۲، ح ۹۱.

پیشوایان پس از من دوازده نفرند؛ اولین آن‌ها توهستی‌ای علی، و آخرین آن‌ها قائم است؛ همو که خداوند به دست او مشرق‌ها و مغرب‌ها (کنایه از تمامی کره زمین) را فتح خواهد کرد.^۱

یکی از مفاهیمی که از همان ابتدا در ارتباط با مهدویت و ظهور منجی آخرین پدید آمد و در شمار عقاید دینی بسیاری از شیعیان درآمد مفهوم «حکومت واحد جهانی» است؛ به این معنا که با ظهور امام غایب، اسلام که تنها دین الهی و کامل و دارای شریعت جامع است، مقبول همگان خواهد شد و در آن زمان، ستمگران و جباران از مسند قدرت به زیر کشیده خواهند شد و پس از آن حکومت جهانی اسلام با زعامت و رهبری مستقیم آخرین امام معصوم و عادل برپا خواهد شد و عدالت بر بنیاد دیانت و اخلاق در مقیاسی جهانی اجرا خواهد گشت.

در برخی از آیات قرآن به این حاکمیت اشاره شده است. همه آیات مربوط به جهانی بودن دین اسلام مؤید این معناست. بی‌تردید، زمانی فرا خواهد رسید که تنها دین حاکم بر جهان، اسلام خواهد بود. جهانی بودن دین اسلام و عدم اختصاص آن به قوم یا منطقه خاصی، از ضروریات این آیین الهی است و حتی کسانی که ایمان به آن ندارند می‌دانند که دعوت اسلام، همگانی بوده و به منطقه جغرافیایی خاصی محدود نبوده است.

افزون بر این، شواهد تاریخی فراوانی وجود دارد که پیامبر اکرم ﷺ به سران کشورها مانند قیصر روم و پادشاه ایران و فرمانروایان مصر و حبشه و شامات و نیز به رؤسای قبایل مختلف عرب و... نامه نوشتند و به سوی آنان پیک ویژه گسیل داشتند و همگان را به پذیرفتن این دین مقدس دعوت کردند و از پیامدهای وخیم کفر و روی گردانی از اسلام، بر حذر داشتند. اگر دین اسلام جهانی نبود چنین دعوتی عمومی انجام نمی‌گرفت و سایر اقوام و امت‌ها هم برای عدم پذیرش، عذری می‌داشتند (۱۸۳).

قرآن مجید این حقیقت را این‌گونه تصویر کرده است:

﴿إِنَّ الدِّينَ عِنْدَ اللَّهِ الْإِسْلَامُ وَمَا اخْتَلَفَ الَّذِينَ أُوتُوا الْكِتَابَ إِلَّا مِنْ بَعْدِ مَا جَاءَهُمْ

۱. امالی، شیخ صدوق، ص ۹۷، ح ۹.

الْعِلْمُ بَغْيًا بَيْنَهُمْ وَمَنْ يَكْفُرْ بِآيَاتِ اللَّهِ فَإِنَّ اللَّهَ سَرِيعُ الْحِسَابِ؛ دین در نزد خدا، اسلام (و تسلیم بودن در برابر حق) است و کسانی که کتاب آسمانی به آنان داده شد، اختلافی (در آن) ایجاد نکردند، مگر بعد از آگاهی و علم، آن هم به خاطر ظلم و ستم در میان خود و هر کس به آیات خدا کفر ورزد، (خدا به حساب او می‌رسد؛ زیرا) خداوند، سریع الحساب است.^۱

﴿وَمَنْ يَبْتَغِ غَيْرَ الْإِسْلَامِ دِينًا فَلَنْ يُقْبَلَ مِنْهُ وَهُوَ فِي الْآخِرَةِ مِنَ الْخَاسِرِينَ﴾؛ و هر کس جز اسلام (و تسلیم در برابر فرمان حق)، آیینی برای خود انتخاب کند، از او پذیرفته نخواهد شد و او در آخرت، از زیانکاران است.^۲

﴿الْيَوْمَ أَكْمَلْتُ لَكُمْ دِينَكُمْ؛ امروز دین شما را برایتان کامل گردانیدم﴾.^۳

با بهره‌گیری از این سخنان نورانی، مسلمانان به حقانیت، جامعیت، خاتمیت، جهان‌شمولی، و سرانجام جهان‌گستری و پیروزی و غلبه نهایی دین اسلام دست یافته‌اند.

در روایتی از امام باقر علیه السلام چنین نقل شده است:

القائم منا منصور بالرعب مؤيد بالنصر تطوى له الارض و تظهر له الكنوز يبلغ سلطانه المشرق والمغرب و يظهر الله عزو جل به دینه علی الدین كله و لو كره المشركون فلا يبقى فی الارض خراب الا قد عمرو و ينزل روح الله عیسی بن مریم علیها السلام فیصلى خلفه؛ قائم ما با انداختن بیم و هراس در دل ستمگران یاری می‌شود؛ با پشتیبانی (و حمایت از جانب خداوند) تائید می‌گردد؛ زمین برایش خاضع و تسلیم می‌شود؛ گنج‌ها و خزائن برایش آشکار و نمایان می‌شود؛ حکومت او شرق و غرب عالم را فرامی‌گیرد. خداوند به وسیله او دینش را بر تمامی ادیان چیرگی می‌بخشد؛ هر چند مشرکان کراهت داشته باشند. در زمین خرابی و ویرانی نمی‌ماند، مگر آن‌که آباد شود و عیسی بن مریم علیها السلام از آسمان فرود آید و پشت سر او نماز گزارد.^۴

۱. آل عمران، ۱۹.

۲. آل عمران، ۸۵.

۳. مائده، ۳.

۴. کمال الدین، شیخ صدوق، ج ۱، ص ۳۳۰، ح ۱۶.

به استناد این نوع روایات، هرگز تردیدی نخواهد ماند که حکومت حضرت مهدی علیه السلام تمامی زمین را فرا خواهد گرفت. امام صادق علیه السلام درباره‌ی غلبه دین خدا روی زمین می‌فرمایند:

إِذَا خَرَجَ الْقَائِمُ لَمْ يَبْقَ مُشْرِكٍ بِاللَّهِ الْعَظِيمِ وَلَا كَافِرٍ إِلَّا كَرِهَ خُرُوجَهُ؛ زمانی که قائم خروج کند، باقی نمی‌ماند بر روی زمین، مشرک و کافری مگر این که اگر از خروج او ^۱(۱۸۴).

۱. بحار الانوار، علامه مجلسی، ج ۵۲، ص ۳۴۷.

مراجع

۱. مهدوی کنی، محمد سعید. ۱۳۸۶. مفهوم سبک زندگی و گستره آن در علوم اجتماعی. فصلنامه تحقیقات فرهنگی، سال اول، شماره ۱، پائیز ۸۶، ص ۱۹۹-۲۳۰.
 ۲. میرباقری، سید محمد مهدی. ۱۳۸۲. دین و تکنولوژی. شصت و دومین جلسه کانون گفتمان دینی با بررسی موضوع «دین و تکنولوژی». مجله افق حوزه، شماره ۲۵.
 ۳. حجت الاسلام قنبریان، محسن. ۱۳۹۱. پدیده های پایانی در قرآن. مسجد بلال، بهبهان.
 ۴. حجت الاسلام میرباقری، سید محمد مهدی. ۱۳۹۴. شرایط جهان در عصر ظهور. سخنرانی. هیأت الرضا علیه السلام. قم. ۱۳۹۴/۳/۱۵.
- <http://www.rajanews.com/news/214248>.
۵. شریعتی مزینانی، علی. ۱۳۵۰. انتظار، مذهب اعتراض. حسین وارث آدم (مجموعه آثار شماره ۱۹). انتشارات قلم، صفحات ۲۵۳ تا ۳۰۴.
 ۶. طباطبایی، سید محمد حسین. ۱۳۸۸. شیعه در اسلام. ص ۲۲۰. انتشارات بوستان کتاب قم، دفتر تبلیغات اسلامی حوزه قم.
7. Unesco. 1976. Unescos First 30 Years .Published monthly by UNESCO. The United Nations Educational, Scientific and Cultural Organization.
۸. بی نام. ۱۳۸۶. جهانی سازی و مهدویت. مجله پرسمان، خرداد ۱۳۸۶، شماره ۵۷.
 ۹. مقام معظم رهبری، حضرت آیت الله سید علی خامنه ای. ۱۳۶۹. بیانات در دیدار کارگزاران نظام. ۶۹/۱۱/۲۴.
 ۱۰. روزه گارودی، اندیشمند فرانسوی. ۱۳۶۳. هشدار به زندگان. مترجم: علی اکبر کسمائی.
11. patten, simon .1907. The New Basis of Civilization.
۱۲. صفری، ابراهیم. ۱۳۸۸. اقتصاد مصرفی یا مصرف اقتصادی. سایت تبیان. <http://www.tebyan.net/weblog/esafari/post.aspx?PostID=56300>.
 ۱۳. آوینی، سید مرتضی. ۱۳۷۶. توسعه و تمدن غرب. [تدوین] ساقی. ص ۲۵۹.
 ۱۴. جندقی، محسن. بخش اقتصاد تبیان. <http://www.tebyan.net/newmobile.aspx?pid=278682>.
 ۱۵. صدر، محمد باقر. ۱۳۴۰. اقتصاد ما. ترجمه علی سپهبدی.

۱۶. آمارنامه. ۱۳۹۱. تولید و مصرف انرژی‌های اولیه در جهان. فصل ۱۷. انتشارات شرکت ملی پالایش و پخش فرآورده‌های نفتی ایران.
۱۷. نودا، سایت اینترنتی. ۱۳۹۳. دنیا از دریچه تصویر.
<http://noda.ir>.
۱۸. راهدار، احمد. ۱۳۸۳. جنگ‌های مدرن. فصلنامه رواق اندیشه. شماره ۳۰.
۱۹. نادری، محمد مهدی، و غیره. ۱۳۸۹. عوامل خطر ساز محیطی و کاهش باروری در مردان و زنان. نشریه باروری و ناباروری. زمستان ۱۳۸۹، دوره ۱۱، شماره ۴، صفحه ۲۱۱ تا صفحه ۲۲۶.
20. Bustreo, Flavia. 2014. 7 million premature deaths annually linked to air pollution . World Health Organizatin (WHO)
<http://www.who.int/mediacentre/news/releases/2014/air-pollution/en>.
۲۱. جام جم آنلاین، سایت خبری. ۱۳۹۰. زمین در محاصره پلاستیک‌ها.
<http://www1.jamejamonline.ir/printable.aspx?newsnum=100861046138>.
۲۲. مشایخی، پریسا و صلحی، محمود. ۱۳۸۹. چشم انداز مصرف کود در ایران و جهان. اولین کنگره چالش‌های کود در ایران.
۲۳. شریفی مقدم، محمد. ۱۳۹۱. مرگ خاموش با مصرف بی‌رویه کود شیمیایی. اقتصاد ایران آنلاین.
<http://www.ghatreh.com/news/nn11263174>.
۲۴. عین‌اللهی، بهزاد. ۱۳۹۱. مصرف کود در ایران. خبرگزاری مهر.
<http://www.mehrnews.com/news/2039359>.
25. FAO, 2015. World fertilizer trends and outlook to 2018. Food and Agriculture organization of the United Nations (FAO), Rome, ISBN 978-92-5-108692-6, Annual Report 14.
۲۶. باغستانی، محمدعلی. ۱۳۹۳. مصرف سم در ایران. سازمان حفظ نباتات کشور.
<http://ppo.ir/Pages/NewsDetails.aspx?newsId=327>.
۲۷. اسکندری، سهیل. ۱۳۹۳. خطرات استفاده از سموم کشاورزی بر سلامت مردم. خبرگزاری مهر.
<http://www.mehrnews.com/news/2329853>.
۲۸. آمارنامه، کشاورزی. ۱۳۸۶. آمار تولید محصولات کشاورزی کشور. انتشارات وزارت جهاد کشاورزی.
۲۹. جام جم آنلاین، وبگاه خبری. ۱۳۹۳. آمار تولید محصول در کرمانشاه.
<http://www.jamejamonline.ir/newspreview/1575571113509796481>.
30. Ferguson, L. R. 2010. Meat and cancer .Meat science, 84(2), pp.308-313.

۳۱. عسکری، فائزه، و غیره. ۱۳۹۲. ارتباط مصرف گوشت قرمز، گوشت فراوری شده، احشاء، ماهی و ماکیان، با ریسک ابتلا به سرطان پروستات: مطالعه مورد - شاهدهی. مجله علوم تغذیه و صنایع غذایی ایران، تابستان ۱۳۹۲، دوره ۸، شماره ۲، ص ۱۷۳ تا ۱۸۰.
32. Mekonnen, M. M و Hoekstra, A. Y. 2010. The green, blue and grey water footprint of farm animals and animal products (Vol. 1). UNESCO-IHE Institute for water Education..
33. Renner, M. 2014. Peak Meat Production Strains Land and Water Resources . Worldwatch Institute, www.worldwatch.org.
34. Hallam, David. 2014. BIENNIAL REPORT ON GLOBAL FOOD MARKETS . Food and Agriculture Organization of United nation (FAO).
۳۵. نبی پور افروز، حسن، عابدی فیروز جایی، روح الله و لقمانپور زرینی، رسول. ۱۳۹۵. محاسبه شاخص های مصرف انرژی و انتشار گازهای گلخانه ای در سالن های پرورش گاو شیری. اولین همایش ملی یافته های نوین در علوم کشاورزی، محیط زیست و منابع طبیعی پایدار.
36. Hoelle, j. 2017. Jungle beef: consumption, production and destruction and the development process in the Brazilian Amazon .Journal of Political Ecology, 24(1), pp.743-762.
37. Matthews, c. 2006. Livestock a major threat to environment .Food and Agriculture Organization of the United Nations, FAO Newsroom, 29.
۳۸. عبادزاده، حمید رضا. ۱۳۹۵. آمارنامه کشاورزی. معاونت برنامه ریزی و اقتصادی وزارت جهاد کشاورزی جلد دوم، ص ۵۱ تا ۷۸.
۳۹. ذوالفقاریه، حمید رضا، و غیره. ۱۳۸۳. کاربرد پرتو گامه به منظور کنترل آفات مهم محصولات انباری. مجله علوم کشاورزی ایران، جلد ۳۵، شماره ۲، ص ۴۱۵ تا ۴۲۶.
۴۰. یوسفی، مظاهر، و غیره. ۱۳۹۰. کاربرد عملی استفاده از اشعه گاما در کنترل کرم گلوگاه انار (Zeller ceratoniae Ectomyelosis). نخستین همایش ملی جهاد اقتصادی در عرصه کشاورزی و منابع طبیعی.
۴۱. کوچکی، علیرضا، و غیره. ۱۳۹۶. فراتحلیل مصرف کود شیمیایی نیتروژن در تولید غلات در ایران. مجله بوم شناسی کشاورزی، دوره ۹، شماره ۲، ص ۲۹۶ تا ۳۱۳.
۴۲. صادقی، سید حمید رضا، و غیره. ۱۳۹۵. تجارب و پیامدهای انتقال آب بین حوضه ای در جهان. مجله تحقیقات منابع آب ایران، دوره ۱۲، شماره ۲، ص ۱۲۰ تا ۱۴۰.
۴۳. خشاوه، عادل. ۱۳۸۷. قارچ ها و کنترل بیولوژیک آفات. مجله علمی- تخصصی کشاورزی زیتون، شماره ۱۸۹، مرداد ۱۳۸۷.

۴۴. معین نجف آبادی، سعیده. ۱۳۹۳. آرمان شهر در اندیشه بیهود. ماهنامه انتظار موعود. شماره ۲۶.
۴۵. آیت الله مصباح یزدی، محمد تقی. ۱۳۹۳. انسان سازی در قرآن. درس دوازدهم.
۴۶. مجیدی، علیرضا. ۱۳۹۱. انسان در سودای جاودانگی. وبگاه یک پزشک.
<http://lpezeshk.com/archives/2012/07/seeking-immortality.html>.
۴۷. فلاحی، مسعود. ۱۳۹۲. چه تعداد بیمارستان و پرستار در کشور وجود دارد؟. همایش ملی پژوهش های راهبردی در ارتقای سلامت.
<http://danakhabar.com/fa/news/1162869>.
۴۸. پزشکان ایران، وبگاه اینترنتی. ۱۳۹۴. آمار فروش دارو در ایران.
<http://www.pezeshkan.org/?p=20789>.
۴۹. فریادگر، وبگاه اینترنتی. ۱۳۹۴. صنعت دارو در جهان چگونه اداره می شود؟.
<http://faryadgar.com/vdci3vap.t1a5w2bcct.html>.
۵۰. بازار سرمایه ایران، پایگاه اطلاع رسانی. دارو؛ دومین صنعت سودآور جهان.
<http://www.sena.ir/ShowNews.aspx?ID=18120>.
۵۱. خبرگزاری جمهوری اسلامی، وبلاگ اینترنتی. ۱۳۹۳. اهمیت تجارت دارو در جهان.
<http://www.irna.ir/fa/News/80845768>.
۵۲. جعفری پور، فاطمه؛ طولابی، طاهره؛ زارع علمی، حلیمه خاتون؛ خوشنود، صباح؛ ریاحی، سمیه و کوگانی نژاد، حدیث. ۱۳۹۶. بیماری ویروسی ابولا: یک تهدید جدی. فصلنامه علمی - پژوهشی دانشگاه علوم پزشکی لرستان. دوره نوزدهم، شماره ۳.
۵۳. تابناک، وبگاه خبری. ۱۳۸۹. جدیدترین آمار ایدزی های جهان.
<http://www.tabnak.ir/fa/news/132430>.
۵۴. برترین ها، مجله اینترنتی. ۱۳۹۳. دوازده بیماری عفونی کشنده در قرن ۲۱.
<http://www.bartarinha.ir/fa/news/110677>.
۵۵. علیپور، شهین؛ همتی مسلک پاک، معصومه؛ آقاخانی، نادر و خلخالی. حمید رضا. ۱۳۹۶. بررسی تأثیر مراقبت خانواده محور بر آزمایش های پاراکلینیکی در بیماران مبتلا به دیابت نوع دو. مجله دانشکده پرستاری و مامایی ارومیه. دوره پانزدهم، شماره پنجم، ص ۳۹۵-۴۰۳.
۵۶. راوری، علی؛ میرزایی، طیبه؛ سلامی زاده، اعظم و عسکری مجدآبادی، حسام الدین. ۱۳۹۶. تأثیر آموزش مراقبت معنوی بر کاهش اضطراب مراقبین خانگی سالمندان مبتلا به آلزایمر. کومش. دوره ۱۹، شماره ۲، ص ۴۶۷-۴۷۴.
۵۷. گنجلو، جواد و غضنفری، مجید. ۱۳۸۸. عوارض درازمدت مصرف خودسرانه دگزامتازون تزریقی به مدت بیست سال: گزارش یک مورد نادر. فصلنامه دانشگاه علوم پزشکی سبزوار (اسرار)، دوره ۱۶، شماره ۴ (مسلسل ۵۴)، ص ۲۴۰ تا ۲۴۳.

۵۸. بابائی، هادی و خداپرست، سید حجت. ۱۳۸۹. بررسی و تعیین غلظت آلودگی شوینده آلکیل بنزن سولفونات خطی در آب رودخانه سفید رود (استان گیلان). مجله علوم آبزیان. دوره ۱، شماره ۳، ص ۳۵ تا ۴۵.
۵۹. شهیدی، مینو و متولیان، منیژه. ۱۳۸۴. اثرات گاز کلر بر سیکل سلولی و محتوی DNA گلبول های سفید موش سوری. مجله دانشگاه علوم پزشکی ایران. دوره ۱۲، شماره ۴۸ (فوق العاده یک)، ص ۱۰۷ تا ۱۱۲.
۶۰. واعظی، غلامحسین، و غیره. ۱۳۸۹. اثرات سمی استنشاق مخلوط مواد سفیدکننده و شوینده صنعتی بر لوکوسیت های موش آزمایشگاهی. فصلنامه علمی پژوهشی زیستشناسی جانوری، سال سوم، شماره دوم، زمستان ۸۹، دانشگاه آزاد اسلامی واحد دامغان.
61. Ritchie, Hannah و Roser, Max.. 2017. Meat and Seafood Production & Consumption [.https://ourworldindata.org/meat-and-seafood-production-consumption](https://ourworldindata.org/meat-and-seafood-production-consumption).
۶۲. شاکری زواردهی، روح الله. ۱۳۸۸. منجی در ادیان. مجله امان. شماره ۲۱.
۶۳. آیت الله مطهری، مرتضی. ۱۳۹۳. آزادی معنوی. بنیاد علمی و فرهنگی استاد شهید مرتضی مطهری. مجموعه آثار استاد شهید مطهری، ج ۲۳، ص ۴۳۶.
۶۴. مقام معظم رهبری، حضرت آیت الله سید علی خامنه ای. ۱۳۹۱. دیدار با جوانان استان خراسان شمالی. ۱۳۹۱/۷/۲۳.
۶۵. صادقی، هاشم. ۱۳۸۵. عوامل موثر در فرآیند تحولات اجتماعی. روزنامه کیهان، شماره ۱۸۵۰۰، تاریخ ۸۵/۲/۵، صفحه ۱۲.
۶۶. بولتن نیوز، سایت خبری. ۱۳۹۱. آمار تلفات حوادث جاده ای در جهان. <http://www.bultannews.com/fa/news/164990>.
۶۷. زیارتی، پریسا و مصلحی شاد، مریم. ۱۳۹۶. بررسی میزان فلزات سنگین سرب، کادمیوم و نیکل در برنج ایرانی و وارداتی مصرفی شهر تهران. مجله علوم تغذیه و صنایع غذایی ایران، دوره ۱۲، شماره ۲، ص ۹۷ تا ۱۰۴.
۶۸. زیست، سازمان حفاظت محیط. ۱۳۹۲. آلاینده های هوا، سرب. <https://www.doe.ir/Portal/home/?177544/%D8%B3%D8%B1%D8%A8>.
۶۹. عصر ایران، وبگاه خبری تحلیلی. ۱۳۹۳. مراقب امواج wifi باشید. <http://www.asriran.com/fa/news/343551>.
۷۰. عوارض تلفن همراه، پایگاه اطلاع رسانی. ۱۳۸۸. عوارض خطرناک تلفن همراه. <http://aylincover.persianblog.ir>.
۷۱. بهارآرا، جواد، اشرف، علیرضا و مددی امام چی، مژگان. ۱۳۸۹. اثرات توام میدان الکترومغناطیسی با فرکانس بسیار پایین (۵۰ هرتز) و ویتامین A بر رشد و نمو جوانه اندام

- حرکتی جنین موش کوچک آزمایشگاهی. مجله دانشگاه علوم پزشکی شهرکرد. تابستان ۱۳۸۹، دوره ۱۲، شماره ۲، ص ۷ تا ۱۴.
۷۲. فریدونی، نرگس، ورزیده، فهیمه و سیف‌الله‌زاده، مرتضی. ۱۳۹۲. اثر میدان الکترومغناطیسی فرکانس پایین بر قلب جنین جوجه. مجله علمی دانشگاه علوم پزشکی گرگان. دوره ۱۵، شماره ۳.
۷۳. زراوشانی، ویدا، و غیره. ۱۳۸۷. مقایسه تغییرات ظرفیت آنتی‌اکسیدانی خون خرگوش پس از قطع مواجهه با امواج مایکروویو تلفن سیار. اولین کنفرانس بررسی آثار میدانهای الکترومغناطیسی بر بافتهای زنده و تجهیزات الکتریکی و الکترونیکی.
۷۴. بهروزی لک، غلامرضا و حاجی سیاری، مهدی. ۱۳۹۲. وجوه الگویی ارتباطات در جامعه مهدوی برای جامعه امروز با روش پس‌نگری. فصلنامه انتظار موعود، سال سیزدهم، شماره ۴۰.
۷۵. طاهری، حبیب‌الله. ۱۳۸۰. عصر ظهور یا مدینه فاضله موعود در اسلام. مجله انتظار. زمستان ۱۳۸۰، شماره ۲.
۷۶. میرباقری، سید محمد مهدی. ۱۳۹۳. اندیشه‌ی مهدویت و الزامات و موانع آن. سخنرانی در جمع جامعه اسلامی مهندسين تهران.
۷۷. همایون، محمد مهدی. ۱۳۹۱. تاریخ تمدن و ملک مهدوی. انتشارات دانشگاه امام صادق علیه السلام.
۷۸. طباطبایی، سید محمد رضا. ۱۳۹۳. آیا امام زمان علیه السلام و یارانشان سوار بر ابر می‌آیند. خبرگزاری تابناک. <http://www.tabnak.ir/fa/news/440920>.
۷۹. میرباقری، سید محمد مهدی. ۱۳۸۵. اخلاق و فن‌آوری اطلاعات. کنفرانس منطقه‌ای «اخلاق و فن‌آوری اطلاعات» مرکز تحقیقات مخابرات ایران. ۲۵ اذر ۸۵.
80. Singer, Natash.. 2018. The medical profession has an ethic: First, do no harm . The New York Times, <https://www.nytimes.com/2018/02/12/business/computer-science-ethics-courses.html?rref=collection%2Fsectioncollection%2Ftechnology&action=click&contentCollection=technology®ion=rank&module=package&version=highlights&contentPlacement=>
۸۱. سروش، عبدالکریم. ۱۳۸۸. تفرج صنع، گفتارهایی در اخلاق و صنعت و علوم انسانی. کتابخانه مجازی گرداب.
۸۲. مجتهد شبستری، محمد. ۱۳۶۳. ایمان و آزادی. اطراف و ابعاد گوناگون مسئله غرب.
۸۳. بای، جعفر. ۱۳۹۳. گفتگوی موثر؛ مهمترین مهارت در تحکیم بنیان خانواده است. <http://www.qomefarda.ir/news/141910>.
۸۴. موسوی، حسن. ۱۳۹۴. میانگین گفتگو در خانواده‌های ایرانی ۱۵ دقیقه است.

<http://irinn.ir/news/102666>.

۸۵. دژبانی، علی. ۱۳۹۴. آسیب‌های نوپدید، شبکه‌های اجتماعی مجازی و خانواده ایرانی.

<http://pajohe.ir/articles/categories/maghalat/1387>.

۸۶. نصر، سید حسین. ۱۳۹۳. تکنولوژی خنثی نیست. استاد دانشگاه جرج واشنگتن.

<http://tt-ej.ir/post/164>.

۸۷. شریعتی مزینانی، علی. ۱۳۴۸. علی انسان تمام. سخنرانی. ۲۱ و ۲۲ آذر ۱۳۴۸. حسینیه ارشاد.

۸۸. شفقنا، پایگاه اینترنتی خبری. ۱۳۹۳. خشکسالی بی سابقه در برزیل.

<http://shafaqna.com/persian/general/item/106198>.

۸۹. بابائیان، ایمان. اداره کل هواشناسی استان همدان.

http://www.sinamet.ir/homes.asp?p=other_news&id=1070.

۹۰. امینی زارع، رامین. ۱۳۸۹. تغییر اقلیم؛ زمین به کجا می رود.

<http://www.poolnews.ir/fa/news/31202>.

۹۱. مطهری، مرتضی. ۱۳۹۵. مجموعه آثار شهید مطهری. ج ۲۳، ص ۲۲۰ تا ۲۲۴.

۹۲. سازمان هواشناسی کشور. ۱۳۹۴. تاریخچه کارگروه هیات بین‌الدولی تغییر اقلیمی. به نقل از وبگاه هیات بین‌الدولی تغییر اقلیم.

http://www.irimo.ir/far/services/general_content/173980.

93. Cook, B.I. 2016. Spatiotemporal drought variability in the Mediterranean over the last 900 year. *Journal of Geophysical Research: Atmospheres*.

94. Gray, E. 2016. Drought in eastern Mediterranean worst of past 900 year. NASA's Earth Science News Team. <http://climate.nasa.gov/news/2408/>.

۹۵. عابدی کوپایی، جهانگیر. ۱۳۹۵. نگاهی به بحران آب در کشور، چالش‌ها و راهکارها. سمینار. مرکز تحقیقات کشاورزی و منابع طبیعی استان کرمان. ۱۲ آبان ۹۵.

96. Earth System Research Laboratory. 2017. Trends in Atmospheric Carbon Dioxide. <https://www.esrl.noaa.gov/gmd/ccgg/trends/global.html>.

97. Hansen, J.R., Ruedy, M. 2010. Global surface temperature change. *Reviews of Geophysics*, 48(4).

98. Hansen, J.R. 2016. Global Temperature in 2015. GISS, NASA, NY, <http://csas.ei.columbia.edu/2016/01/19/global-temperature-in-2015>.

99. Houghton, J. 2001. IPCC 2001: Climate Change 2001. The Climate change Contribution of Working Group I to the Third Assessment Report of the Intergovernmental Panel on Climate Change, 159.

100. McCarty, J.J. 2001. Climate change 2001: impacts, adaptation, and vulnerability .contribution of Working Group II to the third assessment report of the Intergovernmental Panel on Climate Change. Cambridge University Press.
101. Collins, M. 2013. Long-term climate change: Projections, commitments and irreversibility, in Climate Change 2013: The Physical Science Basis .Contribution of Working Group I to the Fifth Assessment Report of the Intergovernmental Panel on Climate Change.
102. Seager, R. 2014. Causes of increasing aridification of the Mediterranean region in response to rising greenhouse gases *Journal of Climate*, 27(12), pp.4655–4676.
۱۰۳. شفیع پور، مجید. ۱۳۹۴. سیر تاریخی کنوانسیون تغییر آب و هوا، چالش‌ها و فرصت‌ها. وزارت جهاد کشاورزی، سازمان تحقیقات، آموزش و ترویج کشاورزی. مجموعه مقالات شفاهی ارائه شده در کارگاه آموزشی تغییر اقلیم و فناوری‌های کم‌کربن. انتشار اردیبهشت ۱۳۹۴. دفتر پژوهش‌های محیط زیست و توسعه پایدار کشاورزی. ناشر: سازمان تحقیقات، آموزش و ترویج کشاورزی.
104. Kotlyakov, V.M., Serebryanny, L.R و Solomina, O.N. 1991. Climate change and glacier fluctuation during the last 1000 years in the Southern Mountains of the USSR. *Mountain Research and Development*, 11(1): 1–12.
۱۰۵. طاووسی، تقی و زهرایی، اکبر. ۱۳۹۲. مدل‌سازی سری‌های زمانی پدیده گردوغبار شهر اهواز. فصلنامه تحقیقات جغرافیایی، سال ۲۸، شماره دوم، تابستان ۱۳۹۲، شماره پیاپی ۱۰۹.
۱۰۶. دلسوز، مه‌ری و علی‌دادی، حسین. ۱۳۹۴. بررسی چالش‌های ریزگردها و راهکارهای مقابله با آن. دانشکده بهداشت دانشگاه علوم پزشکی مشهد.
۱۰۷. دبیرخانه مجمع تشخیص مصلحت نظام، کمیسیون مشترک. ۱۳۹۴. فصلنامه سیاست کلان. سال چهارم، شماره پنجم، پاییز ۱۳۹۴ «ویژه محیط زیست».
108. NASA. 2016. Climate Change .http://climate.nasa.gov/state_of_flux#Death-Valley-930px.jpg.
۱۰۹. صناعی، بهرام. ۱۳۸۹. ایران ششمین کشور حادثه خیز دنیا است. <http://jamejamonline.ir/Shared/NewsPrint/670767716909644198>.
110. Down to Earth Org. 2015. Trends in natural disasters frequency globally between 1970 to 2014. <http://www.downtoearth.org.in/news/since-1970-asia-has-faced-a-higher-number-of-disasters-than-any-other-continent-51811>.
111. Hubpage. 2015. Geophysical vs. Climate-Related Disasters.

<http://hubpages.com/education/Worlds-worst-natural-disasters>.

۱۱۲. طبسی، نجم‌الدین. چشم‌اندازی به حکومت مهدی. صفحه ۲۶.

۱۱۳. مطهری نیا، محمود. ۱۳۸۹. رویکردها به آخرالزمان و نشانه‌های ظهور. مطالعات فرهنگ - ارتباطات (نامه پژوهش فرهنگی سابق) سال یازدهم تابستان ۱۳۸۹ شماره ۱۰.

۱۱۴. خبرگزاری فارس. ۱۳۹۵. نگاهی بر تحولات بازار مس.

<http://www.farsnews.com/newstext.php?nn=13920919001067>.

۱۱۵. پایگاه خبری تحلیلی معادن و قایع معدنی، وبگاه اینترنتی. ۱۳۹۳. وضعیت معادن جهان.

<http://www.minews.ir/fa/doc/news/13575>.

116. Mckie, R. 2001. Nasa aims to move Earth.

<http://www.theguardian.com/environment/2001/jun/10/globalwarming.climatechange>.

117. Buis, Alan.. 2010. Chilean Quake May Have Shortened Earth Days.

<https://www.nasa.gov/topics/earth/features/earth-20100301.html>.

۱۱۸. عصر ایران، سایت تحلیلی خبری. ۱۳۸۸. نگرانی دانشمندان از برخورد شهاب سنگ آپوفیس به زمین.

<http://www.asriran.com/fa/news/71719>.

119. NASA, News. 2013. NASA Rules Out Earth Impact in 2036 for Asteroid Apophis.

https://www.nasa.gov/mission_pages/asteroids/news/asteroid20130110.html.

120. Chesley, S. R. 2005. Potential impact detection for Near-Earth asteroids: the case of 99942 Apophis (2004 MN 4). Proceedings of the International Astronomical Union, 1 (S229), pp.215-228.

۱۲۱. خبرگزاری مهر، وبگاه اینترنتی خبری. ۱۳۸۹. ساخت فضاپیماي روسی برای جلوگیری از برخورد شهاب سنگ آپوفیس به زمین.

<http://www.mehrnews.com/news/1086739>.

122. Zak, Anatoly. 2010. Russian scientists propose mission to "tag" dangerous asteroid. <http://www.russianspaceweb.com/apophis.html>.

۱۲۳. حجت‌الاسلام میرباقری، سید محمد مهدی. ۱۳۹۳. ارکان فلسفه تاریخ شیعی و جایگاه ظهور در آن. پایگاه اینترنتی تمدن اسلامی معرفی اندیشه‌های استاد سید محمد مهدی میرباقری.

<http://mir7.blogfa.com/post-32.aspx>.

۱۲۴. شیعه نیوز، وبگاه خبری. ۱۳۹۲. امنیتی ترین کشور جهان با پرواز ۳۰ هزار هواپیمای جاسوسی.

<http://www.shia-news.com/fa/news/53824>.

۱۲۵. خبرگزاری جمهوری اسلامی، وبگاه خبری. ۱۳۹۰. انتقاد از افزایش دوربین های مداربسته در نقاط مختلف انگلیس.

<http://irna.ir/fa/NewsPrint.aspx?ID=66605>.

126. Big Brother Watch, Company. 2018. The surveillance state in 2018.

<https://bigbrotherwatch.org.uk/2018/01/the-surveillance-state-in-2018/>

۱۲۷. مسافر، علی. ۱۳۹۱. آمریکا نگاهی از درون.

<http://maabbasi.blogfa.com/post/59>.

۱۲۸. گروه بین الملل، مشرق نیوز. ۱۳۹۳. سود میلیاردی دوربین های تخلف سرعت در انگلیس.

<https://www.mashreghnews.ir/news/375055>

۱۲۹. خبرگزاری جمهوری اسلامی، وبگاه خبری. ۱۳۹۳. جریمه سنگین.

<http://www.irna.ir/fa/News/81475493/>

۱۳۰. خبر آنلاین، وبگاه خبری. ۱۳۹۳. جریمه زباله ریزها در دیگر کشورها چگونه است.

<http://tnews.ir/news/E38112031695.html>.

131. Lemahieu, Jean-Luc. 2013. Global study on homocide .United Nations Office on Drugs and Crime (UNODC).

۱۳۲. صباغیان، علی. ۱۳۹۴. آشنایی با سازمان همکاری اقتصادی و توسعه. همشهری آنلاین.

<http://www.hamshahrionline.ir/details/62438>.

133. Lafortune, Gaétan. 2014. Health at a Glance 2013 .OECD Publishing.

۱۳۴. نادری، محمد. ۱۳۸۵. اهمیت امنیت در اسلام. فصلنامه دانش انتظامی. بهار ۱۳۸۵، دوره ۸، شماره ۱.

۱۳۵. کارگر، رحیم. ۱۳۸۱. جهانی شدن و حکومت جهانی حضرت مهدی علیه السلام. مجله انتظار، زمستان ۸۱، شماره ۶.

۱۳۶. کدآمایی، وبگاه تحلیلی. ۱۳۹۳. امپراطوری ها و بانک ها.

<http://www.kadamaei.ir>.

۱۳۷. آیت الله جوادی آملی، عبدالله. ۱۳۹۳. دستورات اسلام در خصوص تعامل با دیگر کشورها. سخنرانی در دیدار جمعی از مدیران وزارت امور خارجه. ۹۳/۱۰/۹. خبرگزاری فارس.

<http://www.farsnews.com/newstext.php?nn=13931009000923>.

۱۳۸. شفیعی، نوذر. ۱۳۹۳. تحلیل سازه انگارانه از تاثیر قدرت فرهنگی بر هژمونی ایالات متحده آمریکا.

<http://drshafie.blogfa.com/post-63.aspx>.

۱۳۹. سازمان ملل متحد، وبگاه اینترنتی. ۱۳۹۳. برنامه جهانی غذا.

<http://fa.wfp.org>.

۱۴۰. خبرگزاری مشرق، وبگاه خبری. ۱۳۹۳. حقوق بشر از نوع آمریکایی، کشورهای فقیر زباله دان یا زباله بان.

<http://www.mashreghnews.ir/fa/news/111756>.

۱۴۱. عفتی، قدرت الله. ۱۳۸۵. کرامت انسان در قرآن با نگاهی به شعر امام خمینی (ره). مجله پاسدار اسلام. بهمن ۱۳۸۵، شماره ۳۰۲.

۱۴۲. نساجی زواره، اسماعیل. ۱۳۹۳. شاخص های کرامت انسان در آموزه های قرآن. پایگاه اطلاع رسانی دفتر استاد حسین انصاریان.

<http://www.erfan.ir/77488>.

۱۴۳. رسانه ایران، وبگاه تحلیلی. ۱۳۹۲. رشد تکان دهنده قاچاق زنان در اروپا.

<http://www.rasaneh-iran.com/vdcb.ab9urhbgziupr.html>.

۱۴۴. پور سید آقایی، مسعود. ۱۳۸۳. عدالت مهدوی استمرار عدالت نبوی و علوی. مجله انتظار. پاییز ۱۳۸۳، شماره ۱۳.

۱۴۵. طاهری، حبیب الله. ۱۳۸۰. عصر ظهور یا مدینه فاضله موعود در اسلام. مجله انتظار، زمستان ۱۳۸۰، شماره ۲.

۱۴۶. احمدی، یعقوب. ۱۳۸۸. وضعیت دینداری و نگرش به آینده دین در میان نسل ها، مطالعه موردی شهر سنندج. فصل نامه علمی - پژوهشی معرفت فرهنگی اجتماعی. سال اول، شماره اول، زمستان ۱۳۸۸، ص ۱۷ - ۴۴.

۱۴۷. باشگاه اندیشه، جامعه مجازی. گزارشی از اقدامات ضد حقوق بشری غرب علیه حجاب اسلامی.

<http://www.bashgah.net/fa/content/show/42486>.

۱۴۸. پارسا، فروردین. ۱۳۸۶. نیم نگاهی به وضعیت مسلمانان در اروپا. مجله پگاه حوزه. ۲۴ آذر ۱۳۸۶، شماره ۲۲۱.

۱۴۹. نوری اصل، احد. ۱۳۹۳. بشری حقوق. خبرگزاری فارس.

<http://www.farsnews.com/printable.php?nn=13930916000776>.

۱۵۰. عمادی، مریم. ۱۳۹۳. توهین به مقدسات و کشتار مسلمانان؛ طرح جدید غرب در پروژه اسلام هراسی.

<http://sahebnews.ir/187291>.

۱۵۱. ستاد حقوق بشر، قوه قضائیه جمهوری اسلامی اسران. ۱۳۹۳. هشدار ستاد حقوق بشر نسبت به گسترش موج اسلام هراسی در فرانسه و غرب .

<http://www.humanrights-iran.ir/news.aspx?id=44177>.

۱۵۲. عابد، ایوب. ۱۳۹۳. اعتراض مسلمانان آمریکا به بایکوت جنایت «چپل هیل». خبرگزاری فارس.

<https://www.farsnews.com/news/13931124000281>.

۱۵۳. خبرگزاری فارس، گروه بین الملل. ۱۳۹۳. ادامه واکنش‌ها به جنایت «چپل هیل». خبرگزاری فارس.

<https://www.farsnews.com/news/13931124000877>.

۱۵۴. حجت الاسلام میرباقری، سید محمد مهدی. ۱۳۸۳. عصر ظهور تجلی ولایت ولی الله. مجله موعود. فروردین و اردیبهشت ۱۳۸۳، شماره ۴۳.

۱۵۵. حجت الاسلام میرباقری، سید محمد مهدی. ۱۳۹۳. حقیقت غیبت، زیبایی ظهور و مقدمه برای رجعت سیدالشهداء علیه السلام. پایگاه پاسخگویی به سوالات و شبهات.

<http://www.x-shobhe.com/shobhe/5035.html>.

۱۵۶. پژوهشکده باقرالعلوم، وبگاه اینترنتی. ۱۳۹۴. اخلاق مدرن.

<http://www.pajoohe.com/fa/index.php?Page=definition&UID=10943>.

157. Toffler, A. 1980. The Third Wave .William Morrow and Company Inc. New York, 1980.

۱۵۸. گیدنز، آنتونی. ۱۳۷۷. پیامدهای مدرنیته. ترجمه محسن ثلاثی. ص ۴۴-۴۸.

۱۵۹. والدمن، محمد. ۱۳۹۳. چگونگی تنظیم رفتارها و روابط جنسی در غرب و کشورهای اسلامی بر اساس مقایسه دو جامعه آلمان و اتریش با جامعه ایران. نشریه تربیت اسلامی، شماره ۸.

۱۶۰. آیت الله مکارم شیرازی، ناصر. دوران معاصر، دوران جاهلیت دوم است. خبرگزاری جمهوری اسلامی، وبگاه خبری.

<http://www.mehrnews.com/TextVersionDetail/2103027>

۱۶۱. احمدی، مهدی. ۱۳۸۷. امنیت اخلاقی در عصر مهدوی. مجله فرهنگ کوثر. تابستان ۱۳۸۷. شماره ۷۴.

۱۶۲. خبرآنلاین، وبگاه خبری. ۱۳۹۳. کشورهایی که بالاترین طلاق را در دنیا دارند.

<http://www.khabaronline.ir/detail/358083/society/family>.

۱۶۳. باشگاه خبرنگاران جوان، وبگاه خبری. ۱۳۹۳. آمار سازمان بهداشت جهانی درباره مصرف مشروبات الکلی.

<http://www.yjc.ir/fa/news/4844162>.

۱۶۴. علم فردا، وبگاه علمی فنی. ۱۳۹۲. دوش چرخشی.

۱۶۵. رحیم پور ازغدی، حسن. سخنرانی «فلسفه انتظار». <http://mahdisarbandi.blogfa.com/post-254>
۱۶۶. نوری طبرسی، میرزا حسین. ۱۳۷۷. نجم الثاقب. انتشارات مسجد جمکران، چاپ دوم، بهار ۷۷.
۱۶۷. مصلحی، علی. ۱۳۸۳. حضرت زهرا و حضرت مهدی علیهما السلام. مجله انتظار. بهار و تابستان ۱۳۸۳، شماره ۱۱ و ۱۲.
۱۶۸. سحرابی، صادق. ۱۳۸۱. تنها راه (مروری بر زیارت حضرت صاحب الامر «عج»). مجله انتظار، تابستان ۸۱، شماره ۴.
۱۶۹. قوام عربانی، منصوره. ۱۳۹۳. پیش‌گیری از حوادث غیرمترقبه طبیعی از نگاه دین. گروه فرهنگی مشرق. <http://www.mashreghnews.ir/fa/news/13933>.
۱۷۰. آیت الله طوسی، نجم الدین. ۱۳۸۳. آخرالزمان و حکومت جهانی حضرت مهدی علیه السلام. مجله موعود. تیر و مرداد ۱۳۸۳، شماره ۴۵، به نقل از عقداالدرر فی اخبارالمنتظر، ص ۲۳۶.
۱۷۱. آیت الله میرجهانی، سید محمد حسن. ۱۳۶۹. نواب الدهور فی علائم الظهور. انتشارات کتابخانه صدر.
۱۷۲. خبرگزاری فارس، وبگاه خبری. ۱۳۹۰. زلزله ژاپن زیان‌بارترین زلزله جهان. <http://www.farsnews.com/newstext.php?nn=9001075237>.
۱۷۳. عصرایران، وبگاه خبری. ۱۳۹۰. پرخرج‌ترین فاجعه‌های طبیعی دنیا. <http://www.asriran.com/fa/news/201837>.
۱۷۴. آیت الله مطهری، مرتضی. ۱۳۸۷. آشنائی با قرآن ۸. انتشارات صدرا. صفحه ۲۵ تا ۲۷.
۱۷۵. لقمانی، احمد. ۱۳۷۸. رزق، روزی و رفاه. مجله پیام زن. بهمن ۱۳۷۸، شماره ۹۵.
۱۷۶. میلر، و. م. ۱۳۸۲. تاریخ کلیسای قدیم در امپراتوری روم و ایران. نشر اساطیر. مترجم، علی نخستین، ص ۲۴۴.
۱۷۷. پایگاه اطلاع‌رسانی حوزه، وبگاه اینترنتی. ۱۳۸۴. سیمای یهود در قرآن. سروش وحی. مهر و آبان ۱۳۸۴، شماره ۱۹.
۱۷۸. نقوی، حسین. ۱۳۹۰. تدوین تورات و انجیل از دیدگاه آیات قرآن. فصل‌نامه علمی - پژوهشی معرفت‌ادیان. سال سوم، شماره اول، زمستان ۱۳۹۰، ص ۵-۲۴.
179. Huxley, J. 1976. The UNESCO Courier, Unesco's First 30 Years. Published by UNESCO.
۱۸۰. آیت الله مطهری، مرتضی. ۱۳۷۱. وحی و نبوت. انتشارات صدرا. ص ۳۸-۴۱.

۱۸۱. سلیمیان، خدامراد. ۱۳۸۲. حکومت حضرت مهدی علیه السلام تنها حکومت واحد جهانی. مجله مبلغان. شهریور و مهر ۱۳۸۲، شماره ۴۵.
۱۸۲. آیت الله بهجت، محمد تقی. ۱۳۸۰. غلبه ی اسلام بر ادیان در زمان ظهور حضرت حجت - عجل الله تعالی فرجه الشریف. دفتر تنظیم و نشر آثار حضرت آیت الله بهجت. <http://www.bahjat.org/index.php/2011-09-08-10-59-52/15-2011-09-06-08-12-19/1041-2012-07-12-07-52-05.html>.
۱۸۳. آیت الله مصباح یزدی، محمد تقی. ۱۳۹۰. آموزش عقاید. شرکت چاپ و نشر بین الملل، چاپ اول ۱۳۹۰. ج ۲، ص ۱۱۶.
۱۸۴. مرکز پاسخگویی به علوم دینی، وبلاگ مذهبی. ۱۳۹۳. غلبه اسلام بر همه ادیان. <http://www.askdin.com/thread28860-6.html>.